

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی

پژوهش در ورزش تربیتی

سال نهم، شماره بیست و چهارم

پاییز ۱۴۰۰

شماره استاندارد بین المللی: ۲۷۲۱-۲۵۳۸

این نشریه بر اساس گواهی کتابخانه منطقه ای علوم و تکنولوژی
در مرکز استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه سازی گردیده است.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

فصلنامه علمی

پژوهش در ورزش تربیتی

- مدیرمسئول: علی شریف‌نژاد
- سردبیر: رضا اندام
- دبیر تخصصی: محمدحسین قربانی
- مدیر داخلی: سمیرا غلامیان
- ویراستار: نرگس صراف
- صفحه آرا: محبوبه ایران‌پاک
- هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)
 - ✓ رضا اندام (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه صنعتی شاهرود)
 - ✓ سید نصرالله سجادی (استاد دانشگاه تهران)
 - ✓ محمد جوادی‌پور (دانشیار برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تهران)
 - ✓ مهرزاد حمیدی (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران)
 - ✓ محمدحسین رضوی (استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه مازندران)
 - ✓ محمد مهدی رحمتی (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان)
 - ✓ مهدی طالب‌پور (استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد)
 - ✓ ابوالفضل فراهانی (استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه پیام نور)
 - ✓ مهرداد محرم‌زاده (استاد دانشگاه محقق اردبیلی)
 - ✓ مهرعلی همتی‌نژاد (استاد دانشگاه گیلان)
 - ✓ حبیب هنری (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی)
- صاحب امتیاز: پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی
- چاپخانه: کیامرثی
- شماره استاندارد بین‌المللی: 2538-2721
- شماره پیاپی: ۲۴- پاییز ۱۴۰۰
- نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱
- تلفن: ۸۸۷۵۰۸۸۴ دورنگار: ۸۸۷۵۰۸۸۴
- نشانی پست الکترونیک: res@ssrc.ac.ir
- نشانی سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی: Journals.ssrc.ac.ir

اسامی مشاوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفباء)

دکتر محمدرضا اسماعیلی (دکتری مدیریت ورزشی)

دکتر علی اکبر آقایی (دکتری مدیریت ورزشی)

دکتر فرشاد امامی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی)

دکتر رضا اندام (دانشیار دانشگاه صنعتی شاهرود)

دکتر نوشین بنار (استادیار دانشگاه گیلان)

دکتر محمد پورکیانی (استادیار دانشگاه شهید بهشتی)

دکتر سعید تابش (استادیار دانشگاه مازندران)

دکتر زهرا تسلیمی (دکتری مدیریت ورزشی)

محمد جوادی پور (دانشیار دانشگاه تهران)

دکتر عباس خدایاری (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج)

دکتر رحیم رضائی نژاد (استاد دانشگاه گیلان)

دکتر حسین زارعیان (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)

دکتر حمیدرضا صفری جعفرلو (استادیار دانشگاه جهرم)

دکتر حمید قاسمی (دانشیار دانشگاه پیام نور)

دکتر محمدحسین قربانی (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)

دکتر احسان محمدی ترکمانی (استادیار دانشگاه تهران)

دکتر محسن وحدانی (دکترای مدیریت ورزشی)

اصول نگارش و ارسال مقاله برای نشریه علمی پژوهش در ورزش تربیتی

مجله علمی پژوهش در ورزش تربیتی اولویت ارزیابی، داوری و انتشار را به مقالاتی اختصاص خواهد داد که از قرابت موضوعی و مفهومی بیشتری با حوزه تخصصی مزبور برخوردار باشند.

حیطه های پذیرش مقاله:

- نظام های تعلیم و تربیت در ورزش
- آموزش و یادگیری تربیت بدنی و علوم ورزشی
- مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی، تکنولوژی و کیفیت خدمات آموزشی در تربیت بدنی و علوم ورزشی
- آینده پژوهی و مطالعات راهبردی در ورزش تربیتی
- مطالعات مبانی اسلامی در ورزش تربیتی
- فلسفه و تاریخ تربیت بدنی و علوم ورزشی
- جامعه شناسی و روانشناسی تعلیم و تربیت در حوزه ورزش
- مدیریت دانش و سرمایه های اجتماعی در ورزش
- مطالعات فرهنگی در محیط های ورزشی
- سواد حرکتی و ورزشی
- مطالعات حقوق و اخلاق در ورزش
- سبک زندگی و غنی سازی اوقات فراغت جامعه از طریق ورزش
- ورزش همگانی و ترویج آن در جامعه

اصول کلی

- مقاله ارسالی باید اصیل باشد.
- مقاله های ترجمه شده، تحلیلی، موردی و تک بررسی، برای چاپ در این مجله اولویت ندارند.
- مقاله مروری از اشخاص مجرب، که حداقل ۲۰ مقاله در موضوعات مرتبط در نشریات داخلی یا خارجی چاپ کرده باشند، پذیرفته می شود و باید شامل عنوان، چکیده فارسی و انگلیسی، کلیات و تاریخچه ای در مورد موضوع، هدف از انجام پژوهش، مطالب علمی و مطالعات انجام شده درباره موضوع، تجزیه و تحلیل و بحث در رابطه با پژوهش های ارائه شده و نتیجه گیری باشد. نتیجه گیری باید شامل جمع بندی و نتیجه کلی باشد. همچنین پیشنهاد های سازنده برای آینده بیان شود. علاوه بر آن، پژوهش باید در بردارنده گزارش موارد نادر و جالب، شرح حال مربوط به مراجع، بحث درباره گزارش تهیه شده، بدون نیاز به مروری بر مقالات و کارهای انجام شده قبلی، نکات مهم و مورد توجه و بیان آموخته های قبلی پژوهشگر به تناسب موضوع باشد.
- نویسندگان مقالات موظف به رعایت استانداردهای علمی و اخلاقی در نگارش مقالات خود می باشند.

شیوه نامه ارسال مقالات

مقالات باید از طریق سامانه نشریه پژوهش در ورزش تربیتی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی www.journals.ssrc.ac.ir به صورتی که شرح داده شده است، ارسال شود.

تمامی مقالاتی که به صورت الکترونیکی در سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی ثبت گردند در ابتدا توسط سردبیر نشریه بررسی و در صورت دارا بودن ملاک های لازم برای انجام بررسی های تخصصی بیشتر وارد فرایند داوری می شوند. این مقالات، بدون نام نویسندگان توسط حداقل ۲ داور که از سوی سردبیر و هیات تحریریه انتخاب می شوند ارزیابی خواهند شد و نویسنده مسئول از پذیرش، رد یا نیاز به اعمال اصلاحات درخواستی از سوی داوران در اسرع وقت مطلع خواهد شد. چنانچه مقاله کاملاً مطابق موارد ذکر شده در این راهنما بوده و پذیرش کامل داوران را نیز اخذ نماید، در نوبت چاپ قرار خواهد گرفت. استفاده از مندرجات مجله با ذکر کامل مأخذ آزاد است.

نحوه تنظیم مقالات

- مطالب مقاله به صورت یک ستونی با رعایت حاشیه لازم (حداقل ۲ سانتی متر از هر طرف) با قلم B-Nazanin12 برای متون فارسی و قلم Times New Roman 13 برای متون انگلیسی تایپ شوند.

- تعداد صفحات مقاله نباید از ۱۵ صفحه (تمامی بخش ها شامل صفحه اول، چکیده، متن اصلی، فهرست منابع و جداول) تجاوز کند.

- مقاله باید ضمن رعایت قواعد دستوری، به فارسی سلیس و روان نوشته شده باشد و تا حد امکان از کاربرد اصطلاحات بیگانه که معادل مناسب فارسی دارند، پرهیز گردد. در صورتی که واژه جایگزین فارسی مصطلح یا مناسب نباشد، می توان با حروف فارسی از آوانویسی استفاده و اصل واژه انگلیسی در زیرنویس نگاشته شود. همچنین مولف باید معادل انگلیسی نام های خارجی و اصطلاحات مورد استفاده را در پایین صفحه زیر نویس نماید. شماره زیرنویس ها در هر صفحه از شماره یک شروع شود.

واژه ها و یا عباراتی که بصورت علائم اختصاری بکار برده می شوند نیز در اولین استفاده، نام کامل آنها ذکر گردد. البته در خصوص واژه های اختصاری و مخفف و نمادها لازم به ذکر است که فقط موارد استاندارد آنها قابل استفاده می باشد و به هیچ وجه در عنوان و چکیده ها نباید مورد استفاده قرار گیرند. تمامی متن اصلی مقاله می بایست دارای شماره صفحه (در پایین و مرکز صفحه) باشد.

- **فایل مشخصات نویسندگان:** شامل عنوان مقاله (عنوان مقاله، با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات، نباید از ۶۰ حرف تجاوز کند)، نام و نام خانوادگی نویسندگان همراه با درجه علمی و محل اشتغال آنها به دو زبان فارسی و انگلیسی، و در صورت وجود مؤسسه ناظر، حامیان مالی و محل انجام پژوهش باشد. هنگامی که مولف محل کار یا وابستگی ندارد، باید رتبه تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل خود را در زیر نام و نام خانوادگی خود بنویسد. نشانی، تلفن و پست الکترونیک نویسنده مسئول (همراه با ذکر نام نویسنده مسئول) به صورت مشخص باید ذکر گردد. تمامی مکاتبات نشریه تنها با نویسنده مسئول انجام خواهد شد.

- **صفحه اول فایل اصلی:** عنوان فارسی مقاله، چکیده فارسی و کلید واژگان به ترتیب ذکر می گردند. چکیده مقاله در یک پاراگراف، حداکثر ۲۵۰ کلمه و در متن آن هدف، روش ها، یافته ها و نتیجه گیری ذکر شده باشد (نیازی نیست تا در متن چکیده این چهار بخش تفکیک شده و عنوان هر بخش ذکر گردد). در متن چکیده از فعل های معلوم استفاده شود. برای توصیف آنچه انجام شده از فعل گذشته و برای نتیجه گیری از فعل زمان حال استفاده گردد. از ذکر مقدار سطح معنی داری، آر و منابع استفاده شده برای آزمون یا پرسش نامه و استفاده از کلمات، حروف و علائم اختصاری انگلیسی در چکیده کوتاه اجتناب شود. کلید واژگان نیز بین ۳-۵ کلمه بوده و با کاما از یکدیگر جدا شوند.

- **صفحه دوم:** شامل عنوان انگلیسی مقاله، چکیده انگلیسی و کلید واژگان مرتبط می باشد. شایسته است چکیده انگلیسی و کلید واژگان دقیقاً با چکیده و کلید واژگان فارسی مطابقت نماید.

اصل مقاله باید شامل موارد زیر باشد:

- متن اصلی مقاله به ترتیب شامل ۶ بخش مقدمه، روش شناسی، نتایج، بحث و نتیجه گیری، تشکر و قدردانی و منابع می باشد. کلیه بخش های فوق به صورت مجزا و با همین عناوین باید بیان شوند. در مقابل این عناوین از قرار دادن علامت " : " پرهیز گردد.

- **مقدمه:** مقدمه باید توضیح دهد که مساله چیست؟ چگونه با کارهای قبلی مرتبط است و چه تفاوتی با آنها دارد؟ این بخش در دو تا سه صفحه به گزارش بیان مسئله با مروری بر مطالعات گذشته، چالش های موجود در این مسئله، ضرورت، کاربرد نتایج و اهداف تحقیق می پردازد. در نوشتن مقدمه از نوشتن مطالب عمومی، غیر ضروری و غیر مفید خودداری کنید. همچنین مقدمه نباید به گونه ای نوشته شود که فقط برای افراد حرفه ای قابل استفاده باشد.

- **روش شناسی:** روش شناسی به نحوی باید نوشته شود که هر خواننده ای بتواند با آن، تجربه نویسنده مقاله را تکرار کند. در این بخش جزئیات روش تحقیق و علت انتخاب آن، مدت زمان اجرای طرح و پی گیری، زمان و مکان اجرای تحقیق، نمونه های مورد آزمون و ملاک انتخاب آنها، روش نمونه گیری و منطق تعداد نمونه، نحوه جمع آوری اطلاعات، رعایت موازین اخلاق در پژوهش، ابزارهای اندازه گیری (روایی و پایایی وسایل و ابزارها در خارج و داخل کشور) آزمون های آماری مورد استفاده می بایست گزارش شود.

- **نتایج:** نتایج شامل شرح کامل یافته های پژوهش می باشد. نتایج تحقیق با توجه به اصول علمی به صورت کاملاً شفاف و روشن می بایست ارائه گردند. ارائه نتایج دقیق شامل گزارش عدد با درصد، گزارش میانگین با حدود اطمینان، ذکر دقیق مقادیر آماره آزمون ها بالاخص مقدار دقیق سطح معناداری به عنوان مثال ($P=12/0$) در آزمون های آمار استنباطی ضروری می باشد. مولفین لازم است، تنها به گزارش مهم ترین یافته های به دست آمده اکتفا کنند. همچنین استفاده مناسب از جدول و نمودارهای فارسی با حداقل تعداد ممکن به صورت سیاه و سفید و دو بعدی موجب سهولت مطالعه مقاله خواهد شد. کلیه شکل ها، نمودارها و تصاویر با واژه "شکل" نام گذاری شده و عنوان شکل در زیر آن درج شود. عناوین جداول نیز در بالای آنها قرار داده می شود. برای درج عنوان هر شکل یا جدول پس از کلمه شکل یا جدول و شماره آن، خط تیره و سپس عنوان ذکر گردد. عکس ها باید به وضوح و کیفیت بالا تهیه شوند و نویسندگان محترم می بایست از قرار دادن تصویر شکل ها

خودداری نموده و تنها از فایل های اصلی برگرفته از نرم افزارهای مربوطه استفاده کنند. بهتر است برای متمایز کردن ستون نمودارها به جای استفاده از رنگ های مختلف از هاشور به شیوه های مختلف استفاده کرد. با توجه به محدودیت صفحات مجله، بدیهی است از تکرار مطالبی که در متن آورده شده اند در جداول و بالعکس اجتناب نمود. نکته مهم دیگر این که جداول و نمودارهای مورد نیاز می بایست مطابق ضوابط و الگوهای ای. پی. ای ارائه گردند. استفاده از جدول وقتی مجاز است که نتوان اطلاعات به دست آمده (نتیجه) را به راحتی در متن آورد. عنوان جدول باید گویا باشد به نحوی که نیاز نباشد به متن مراجعه شود. اعداد جدول حتی الامکان بدون اعشار و در صورت لزوم تا دو رقم اعشار داشته باشد. اختصارات و علائم متن جدول را می توان با زیر نویس روشن کرد. در جدول فقط از خطوط افقی (ترجیحا" سه خط) آن هم برای مشخص کردن تیترو انتهای جدول استفاده شود. اعداد و ارقام و مطالب جدول نباید در متن مقاله تکرار شده باشد. ابعاد جداول باید طوری تنظیم شوند که در یک صفحه مجله (طولی یا عرضی) جا بگیرد.

-بحث و نتیجه گیری: شرح نکات مهم یافته ها، آثار و اهمیت و محدودیت آن ها، مقایسه نتایج تحقیق با یافته های حاصل از مطالعات دیگر، توجیه و تفسیر موارد مشترک و مورد اختلاف، بیان کاربرد احتمالی یافته ها، و در نهایت نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات حاصل از یافته های پژوهش از موارد مورد بحث در این بخش مقاله است. در این بخش از تکرار بخش یافته ها خودداری گردد و نباید نتایج جدید که در قسمت یافته ها به آن اشاره نشده است، عرضه شود. از اظهار نظر در مواردی که یافته های مطالعه آن را مطرح نمی کنند نیز باید خودداری شود.

نکته: در انتهای مقاله دو پاراگراف کوچک ارائه داده شود؛ یکی درباره آنچه تاکنون در مورد موضوع پژوهش می دانستیم و دیگری درباره اینکه مقاله حاضر چه اطلاعات جدیدی به حیطه و موضوع مورد مطالعه اضافه کرده است.

نحوه نگارش منابع مورد استفاده:

منابعی که در متن استفاده می شوند باید مطابق با دستورالعمل «ای. پی. ای» به صورت زیر معرفی شوند:

- تعداد منابع بیش از ۴۰ شماره نباشد.

- در انتهای مقاله، منابع به ترتیب حروف الفبا، آورده شوند.

به منظور نگارش منابع فایل موجود در راهنمای نویسندگان روی صفحه اصلی سامانه را مطالعه کنید و بر مبنای چارچوب ذکر شده اقدام گردد.

شیوه نگارش منابع بر اساس فرمت APA

منابع فارسی نیز باید به زبان انگلیسی نوشته و در داخل پرانتز واژه (Persian) آورده شود.

مثال:

Koozechian, H., Khatibzadeh, M., & Honarvar, A. (1390). The role of sport tourism service quality dimensions in sport tourists' satisfaction. *Sport management studies and Movement Science*, 2, 19-32. (Persian).

شیوه نامه نوشتن متن مقاله و ارجاع منابع داخل متن

مقاله نباید اشکالات نگارشی و ادبی داشته باشد. نکات زیر برخی از مهم ترین موارد نگارشی است که باید رعایت شود:

- پس از نقطه یک فاصله بگذارید و سپس کلمه بعدی را بنویسید.
- داخل متن فارسی نباید کلمه‌های انگلیسی بیایند. به جای آنها، معادل فارسی آنها را در متن بنویسید، حتی علائم اختصاری‌ای مانند «اس.پی.اس.اس»، و سپس در اولین ارجاع زیرنویس کنید.
- فونت زیرنویس‌ها باید Times New Roman 8 باشد و پس از شماره، نقطه و یک فاصله گذاشته شود و سپس نام خاص انگلیسی یا توضیحات مربوط نوشته شود. نوشته‌ها و اعداد باید در یک امتداد باشند. برای این کار، اگر دو بار ساب اسکرپیت را کلیک کنید، هر دو در یک امتداد قرار خواهند گرفت.
- نباید نام کوچک نویسنده در داخل متن یا زیر نویس نوشته شود و تنها نام خانوادگی باید ذکر شود.
- در داخل متن، هر جا که نیاز به استفاده از کمانک (پرانتز) باشد، باید بین حرف آخر کلمه قبل از کمانک و کمانک اول و پس از کمانک دوم و کلمه بعد یک فاصله باشد. مثلاً: بررسی اشمیت (۲۰۰۴) نشان داد...
- در منبع‌نویسی داخل متن نیازی نیست به ازای نام هر نویسنده شماره پانویس بدهید. تمام آنها را پشت سر هم بنویسید و بین آنها علامت "،" بیاورید و پیش از کلمه آخر «و» بگذارید. پس از آخرین نام، شماره پانویس بگذارید. در پانویس نیز تمام اسامی را پشت سر هم بنویسید. مانند: وینبرگ و گولد

نکات اداری و تعهدی

- هیئت تحریریه نشریه در پذیرش، رد یا ویرایش مقاله آزاد است.
- مقالات منتشر شده نباید پیش از این در هیچ نشریه داخلی و خارجی‌ای چاپ شده باشند. در صورت مشاهده این موضوع، مقاله از فرآیند داوری این نشریه حذف خواهد شد و ضمن انعکاس عدم تعهد نویسنده به سایر نشریات علمی کشور، مدیریت نشریه مقالات دیگر آن نویسنده را بررسی نخواهد کرد.
- ارائه‌دهنده مقاله متعهد است تا زمانی که جواب نهایی (پذیرش یا رد) مقاله خود را دریافت نکرده باشد، مقاله خود را به نشریه‌های داخلی و خارجی دیگری ارسال نکند.
- در صورتی که نویسنده مسئول، تغییرات درخواست شده از سوی داوران و کارشناسان مجله را ظرف مدت ۳۰ روز انجام و از طریق سامانه ارسال نکند، مقاله از فرآیند بررسی و داوری حذف می‌شود.
- لازم به ذکر است در صورت پذیرش مقاله به شرط انجام اصلاحات محقق می‌بایست توضیحات لازم در خصوص کلیه سوالات را در قالب یک نامه در ابتدای مقاله ارائه نموده و اصلاحات انجام گرفته را نیز با رنگی متمایز (برای هر داور با یک رنگ مشخص) مشخص نماید. بهتر است این اعمال در نسخه‌ای از مقاله انجام شود که داور توضیحات را در آن ارائه نموده و این توضیحات حذف نشوند تا داور با یک نظر بتواند تغییرات لازم را بررسی نماید.

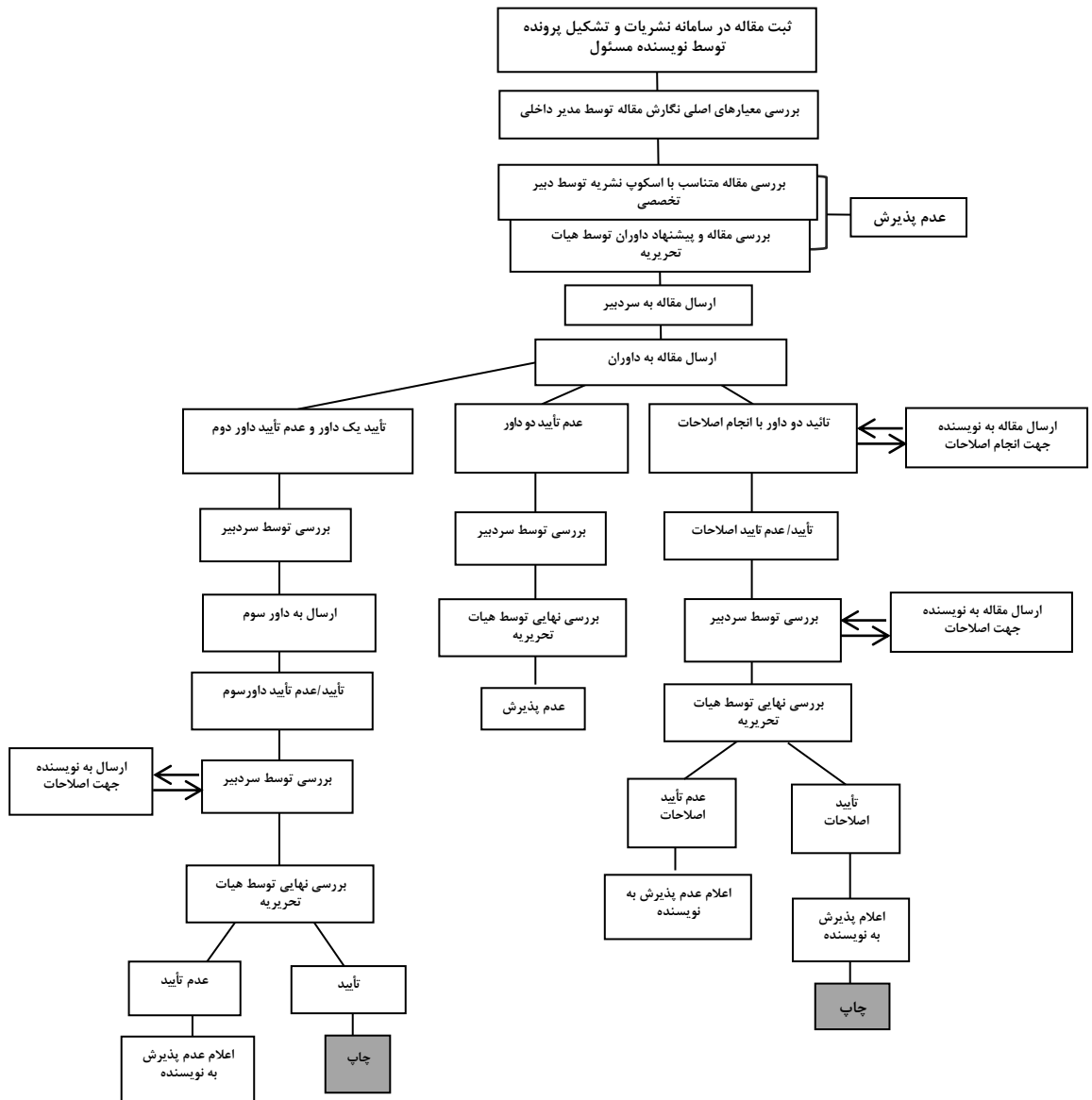
- مسوولیت محتوای علمی مقاله، با نویسنده یا نویسندگان آن است.
- استفاده از مندرجات نشریه با ذکر کامل مأخذ آزاد است.
- از به کار بردن نام و نام خانوادگی کامل یا مخفف در فایل‌های ارسالی خودداری شود. ذکر کلمه با نام و بی نام برای عنوان فایل مقاله کافی خواهد بود.

- پس از صدور نامه پذیرش، امکان هیچگونه تغییری در نام و ترتیب نویسندگان مقالات وجود ندارد.
در پایان، از نویسنده محترم درخواست می‌شود که ضمن مطالعه مندرجات این راهنما و مشاهده نمونه مقالات چاپ شده در جدیدترین شماره نشریه، مقاله خود را تنظیم و از طریق سامانه به نشریه ارسال کند.

نشانی سامانه نشریه: <http://journals.ssric.ac.ir>

پست الکترونیک نشریه: res@ssric.ac.ir

فرایند چاپ مقاله در فصلنامه پژوهش در ورزش تربیتی



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
• شناسایی راهبرد مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان با استفاده از رویکرد پویا.....	۱۷
لیلا مصلحی، محمود گودرزی، ابراهیم علیدوست قهفرخی، آمنه خدیور	
• مطالعه تطبیقی ورزش مدارس کشورهای فنلاند، دانمارک، آلمان، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و ایران.....	۴۳
صدیقه جمشیدی عینی، سید محمد حسین رضوی، مرتضی دوستی	
• طراحی چارچوب شایستگی های سواد بدنی مورد نیاز دانشجویان: رویکرد فراترکیب.....	۷۷
مهدی محمدی، رضا ناصری جهرمی، خاطره محمد جعفری، پرستو نبیئی، پریسا معارف، فاطمه میرغفاری، راحیل ناصری جهرمی، زهرا حسامپور	
• عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های تربیت بدنی مدارس.....	۱۰۷
فرحناز شمس، محمد احسانی، مرجان صفاری، شهرام عروف زاد	
• طراحی الگوی توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور.....	۱۳۷
فاطمه آزر، پریوش نوربخش، مهوش نوربخش، حسین سپاسی	
• تأثیر طردشدگی در محیط کار بر بی‌نزاکتی سازمانی با نقش میانجی قصد ترک شغل معلمان تربیت بدنی منطقه سیستان.....	۱۶۱
راضیه شیخی، ناصر ناستی‌زایی	
• شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی دانشگاه.....	۱۸۷
هادی عبداللهی‌فر، علی محمد صفانیا، مهدی نمازی‌زاده، شیوا آزادفدا	
• طراحی الگوی توسعه پایدار ورزش زنان ایران.....	۲۱۳
شیرین محمدامینی، سیروس احمدی، مجید سلیمانی	
• تحلیل عوامل اثرگذار بر مدیریت عملکرد در سازمان‌های ورزشی (مطالعه موردی: فدراسیون ورزش دانش‌آموزی و دفتر تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی).....	۲۴۱
سحر سهیلی پیشکناری، مهرعلی همتی‌نژاد، محمدحسن قلیزاده	
• تبیین جایگاه ورزش همگانی در اندیشه رهبر معظم انقلاب با رویکرد تحلیل محتوا.....	۲۷۳
جاوید پورعبدی، وحید ساعت‌چیان، محمدکشتی‌دار	

Research Paper

Identifying the Knowledge Management Strategy in the Ministry of Sport and Youth using the Dynamic Approach

**L. Moslehi¹, M. Goodarzi², E. Alidoust Ghahfarrokhi³,
A. Khadivar⁴**

1. Ph.D. student of sport management, University of Tehran
2. Professor in Sport Management, University of Tehran (Corresponding Author)
3. Associate Professor in Sport Management, University of Tehran
4. Associate Professor in management, Alzahra University

Received: 2020/04/20

Accepted: 2020/08/23

Abstract

One of the ways to succeed in implementing knowledge management is to have the right, clear and planned strategy; But, to choose the right strategy, many organizational factors must be considered, and the status of knowledge creation and dissemination processes has a direct impact on the selected strategy. Therefore, the aim of this applied descriptive study was to identify the knowledge management strategy using the dynamic approach in the Ministry of Sport and Youth. The statistical population was at the first part: managers and expert advisers of the organization that are aware of the field and the second part: the deputy general managers, group leaders and department heads. The statistical sample was selected in the first and second parts through purposive sampling and all-counting, respectively. The macro range of knowledge management strategy was determined in a range from system-oriented to human-oriented. The status of knowledge management processes was evaluated based on Nonaka and Takeuchi model and the final strategy with the aim of creating a balance between implicit and explicit knowledge was selected. Descriptive and inferential statistics including the Kolmogorov Smirnov test and one sample T-test were used. Based on the results, the system-oriented strategy was identified as the main strategy and the internalization and externalization processes were identified as the priority processes; As a result, it is necessary to focus on information-based strategies in order to strengthen the transformation of explicit knowledge into tacit and conversely.

Keywords: System-Oriented, Human-Oriented, Nonaka and Takeuchi's Model, Sports Organization, Government Organization

1. Email: leilamoslehi93@gmail.com

2. Email: mgoodarz@ut.ac.ir

3. Email: e.alidoust@ut.ac.ir

4. Email: a.khadivar@alzahra.ac.ir

Extended Abstract

Background and Purpose

Nowadays knowledge is considered as one of the most crucial corporate resources whose proper management can provide sustainable competitive advantage (1). Knowledge management is considered as an important factor for predicting organizational performance in sport organizations (2). The Ministry of Sport and Youth of the Islamic Republic of Iran, as the main custodian of sports in the country, must use individual and organizational knowledge investments to achieve organizational goals (3). In this regard, knowledge management strategy is a critical factor for the success of knowledge management in organizations. This strategy can organize the resources and capabilities of the organization to achieve the goals of knowledge management (4); therefore, the present study was conducted with the aim of identifying the knowledge management strategy using the dynamic approach in the Ministry of Sport and Youth.

Methodology

In this applied descriptive study, the statistical population was selected in two parts; the first part: managers and expert advisers of the organization that was aware of the field and the second part: the deputy general managers, group leaders and department heads. Statistical sample in the first part, 12 people were purposefully selected and in the second part, 48 people of the entire available statistical population were selected. The data collection tool was a standard and researcher-made questionnaire. Elahi et al.'s (2010) method (5) was used to select a knowledge management strategy in the Ministry of Sport and Youth. Hence, in the first step in order to determine the effect of three factors of general strategies, organizational structure and cultural factors in choosing the type of knowledge management strategy, the weights (between 1-5) were assigned by the first part of the statistical sample. Then, research questionnaires were developed or selected. In order to delineate the face and content validity of the questionnaires, the views of the research experts were used and to determine the reliability, Cronbach's alpha coefficient was used. The one-sample T-test was applied to identify the components affecting the knowledge management strategy. The Kolmogorov-Smirnov test was utilized to ensure the normality of the data. The macro knowledge management strategy was determined based on three variables of organizational strategy, structure and culture, and the prioritization of processes was delineated based on the degree of governance as well as the coefficient of alignment with the knowledge management strategy in the Ministry. Finally, the status of the organization was evaluated from the perspective of human resource management strategy and information technology as tools for implementing the knowledge management strategy.

Results

The mean coefficients of influence of organizational factors including overall organizational strategy, organizational structure and organizational culture on knowledge management strategy in the Ministry of Sports and Youth were estimated to be 3.22, 4.21 and 3.16, respectively. The degree of the organization's general strategy based on Porter's model and organizational culture based on Quinn's and Cameron's model was identified, also the organizational structure based on organic and mechanical conditions was determined. The average assessment of the company's overall strategy was 3.62 for cost leadership strategy and 3.31 for differentiation strategy. Organizational culture in the Ministry of Sports and Youth was 2.36 in group culture, 3.26 in market culture, 3.31 in hierarchical culture and 2.11 in entrepreneurial culture. Based on the average opinion of the respondents, the organizational structure was 3.93 in the area of mechanical structure and 2.07 in the area of organic structure.

The results showed that the coefficient of alignment of the general strategy with the organization for the human-oriented strategy was 2.12 and with the system-oriented strategy was equal to 2.32. Moreover, the coefficient of alignment of organizational structure with human-oriented strategy was 1.30 and with system-oriented strategy was equal to 2.48. The results in the organizational culture section indicated that the coefficient of alignment of organizational culture was 1.98 and 2.74 with human-oriented strategy and system-oriented strategy, respectively.

The range of appropriate knowledge management strategy for the system-oriented strategy using the average alignment coefficients of relevant organizational factors (general strategy of cost leadership, market culture and mechanical structure) was 2.51 and was 1.8 for the human-oriented strategy using the average alignment coefficients of relevant organizational factors (general strategy of differentiation, group culture and organic structure) (Figure 1).

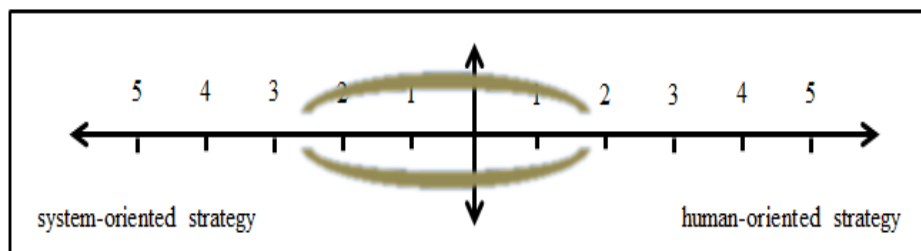


Figure 1- Macroscopic of knowledge management

Next, the level of governance of knowledge creation and dissemination processes was evaluated, and then, the processes in need of improvement were identified and prioritized, and the results represented that the internalization process is the priority for improvement.

The average opinion of the respondents regarding the tendency of the human resource management strategy in the Ministry of Sport and Youth was 2.64 and 2.85 for the commitment strategy and control strategy, respectively. The maturity level of the organization in terms of information technology was measured in six dimensions and was in the range of data management status with a score of 4.23.

Discussion

Based on the findings of the current study, the knowledge management strategy in the Ministry of Sport and Youth was identified as a balanced strategy with a tendency towards the system-oriented strategy. Therefore, the system-oriented strategy is considered as the main knowledge management strategy and the human-oriented strategy is considered as a complementary strategy. The results of Razmi (2014) in Khorasan Regional Electricity Company and Elahi et al. (2010) in Darugar Company are in line with the results of the present study. In implementing the system-oriented strategy, documenting knowledge and applied information on a large scale in databases and information systems should be important operational activities. The results indicated that in the implementation of knowledge management processes, the process of internalization and externalization is the first two priorities in need of improvement, representing the importance of transformation of explicit knowledge into tacit and conversely through the use of operational measures.

Keywords: System-Oriented, Human-Oriented, Nonaka and Takeuchi's Model, Sports Organization, Government Organization

References

1. Hashemi, M. (2019). Using the Swot Approach for the Codification of Knowledge Management Strategy in the Shouder Faucets Corporation. *Humanities & Innovation Magazine*. 6(13): 294-301.
2. Nazarian Madavani, A., & mokhtari dinani, M. (2016). The Prediction of Organizational Performance through Knowledge Management in Sports Organizations. *Sport management studies*. 8(36): 73-92. (Persian)
3. Gholipour, R., Ismaili, M.R., Honari, H., & Ghorbani M.H. (2017). Develop A Model For Developing Knowledge Management In The Ministry Of Sports And Youth Using Data Theory. *Research in Educational Sports*. 5(13): 193-214. (Persian)

4. Razmi, M. (2014). Choosing The Right Knowledge Management Strategy With A Dynamic Approach Based On Nonaka And Takeuchi Models (Case Study: Khorasan Regional Electricity Company). Master Thesis. Yazd University. (Persian)
5. Elahi, Sh., Hasanzade, A., & Khadivar, A. (2010). A Methodology for Knowledge Management Strategy Development; Multi-Case Study in Three Organizations. *Management Research in Iran*. 14 (3): 24-59. (Persian)

شناسایی راهبرد مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان با استفاده از رویکرد پویا

لیلا مصلحی^۱، محمود گودرزی^۲، ابراهیم علیدوست قهفرخی^۳، آمنه خدیور^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران

۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

۴. دانشیار مدیریت، دانشگاه الزهرا

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱

چکیده

یکی از راه‌های رسیدن به موفقیت در پیاده‌سازی مدیریت دانش، داشتن یک راهبرد مناسب، روشن و برنامه‌ریزی شده است؛ اما برای انتخاب راهبرد مناسب، عوامل سازمانی زیادی باید مورد توجه قرار بگیرد و از طرفی وضعیت فرآیندهای خلق و انتشار دانش، تأثیر مستقیمی بر راهبرد انتخابی دارد. لذا پژوهش حاضر با هدف شناسایی راهبرد مدیریت دانش با بهره‌گیری از رویکرد پویا در وزارت ورزش و جوانان انجام گردید. پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل دو بخش بود. بخش اول شامل مدیران و مشاوران خبره وزارت ورزش و جوانان آگاه به حوزه مدیریت دانش و بخش دوم شامل معاونین مدیرکل، رؤسای گروه و رؤسای ادارات در این وزارتخانه بود. نمونه آماری در بخش اول به شیوه هدفمند و در بخش دوم به شیوه کل‌شمار گزینش شد. در اولین گام، محدوده کلان راهبرد مدیریت دانش در طیفی از سیستم‌محور تا انسان‌محور مشخص شد. در گام بعدی وضعیت فرآیندهای مدیریت دانش بر اساس مدل نوناکا و تاکوچی ارزیابی گردید و در نهایت راهبرد نهایی، با هدف ایجاد تعادل بین دانش پنهان و آشکار انتخاب شد. از آمار توصیفی و استنباطی شامل آزمون کالموگروف اسمیرنوف و تی‌تک‌نمونه‌ای جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده، راهبرد سیستم‌محور به عنوان راهبرد اصلی و فرآیندهای درونی‌سازی و برونی‌سازی به عنوان فرآیندهای دارای اولویت شناسایی گردید. در نتیجه تمرکز بر راهبردهای مبتنی بر سیستم‌های اطلاعاتی با هدف تقویت تبدیل دانش آشکار به پنهان و بالعکس در وزارت ورزش و جوانان، امری ضروری است.

واژگان کلیدی: سیستم‌محور، انسان‌محور، مدل نوناکا و تاکوچی، سازمان ورزشی، سازمان دولتی

1. Email: leilamoslehi93@gmail.com

2. Email: mgoodarz@ut.ac.ir

3. Email: e.alidoust@ut.ac.ir

4. Email: a.khadivar@alzahra.ac.ir

مقدمه

بر اساس دیدگاه منبع‌محور^۱، سازمان‌ها با مدیریت و کنترل منابع ملموس و ناملموس می‌توانند به مزیت رقابتی پایدار دست یابند (سندهو و همکاران^۲، ۲۰۱۱، ۲۰۷) و در عصر رقابتی و پویای امروزی، دانش به عنوان یک منبع راهبردی ارزشمند مطرح است، که اگر به درستی مدیریت شود می‌تواند منبع مزیت رقابتی سازمان در نظر گرفته شود. در حقیقت، دانش تنها منبع سازمانی است که اگر مورد استفاده قرار گیرد، نه تنها کاهش پیدا نمی‌کند، بلکه ارزشمندتر خواهد شد (هاشمی^۳، ۲۰۱۹، ۲۹۳). جریان دانش سازمانی می‌تواند اهمیت سرنوشت‌سازی در راستای برآورده ساختن انتظارات راهبردی سازمان داشته باشد و منبعی قابل اطمینان برای برنامه‌ریزی بلندمدت در سازمان است و بسته به ماهیت یک سازمان میزان دانش در سرنوشت و بقایش تأثیرگذار است (مجلسی‌ارده‌جانی و همکاران، ۲۰۱۹، ۷۶). سازمان‌های ورزشی، نقش مهمی در توسعه، ترویج و رشد ورزش در هر دو بعد ورزش همگانی و قهرمانی بر عهده دارند. لازمه رسیدن به این اهداف آن است که این نوع سازمان‌ها به‌طور مؤثر عمل نمایند که در این صورت، خواهند توانست سیستم ورزشی کشور را به‌طور موفقیت‌آمیزی مدیریت نمایند و به اثربخشی مطلوب نزدیک شوند و مدیریت دانش سازمانی از عوامل اصلی و کلیدی تأثیرگذار در این زمینه است (منصوری‌بروجنی و همکاران، ۲۰۱۶، ۴۲). استفاده خلاقانه از دانش و توجه بیشتر به حوزه‌های مختلف مدیریت دانش، می‌تواند فراهم‌کننده حضور و عملکرد پویای سازمان‌های ورزشی در عرصه‌های مختلف ورزشی، اقتصادی و اجتماعی باشد (مجلسی‌ارده‌جانی و همکاران، ۲۰۱۹، ۷۶) و این امر در مورد سازمان‌های بزرگ ورزشی همچون وزارت ورزش و جوانان، به عنوان متولی اصلی ورزش کشور، اهمیتی دوچندان دارد.

دانش مخلوط سیالی از تجربه‌ها، ارزش‌ها و اطلاعات جدید است و در سازمان‌ها نه تنها در مدارک و ذخایر دانش، بلکه در رویه‌های کاری، فرآیندهای سازمانی، اعمال و هنجارها مجسم می‌شود (ظهیری و همکاران، ۲۰۱۵، ۱۶۵). در بیشتر تحقیقات انجام شده، دانش در دو بعد پنهان و آشکار مورد توجه قرار گرفته است. دانش آشکار، دانشی است که به روشنی در کلمات، اعداد و ارقام، مدون و کدگذاری شده و در کتاب‌ها، اسناد، طرح‌ها، گزارش‌ها و مستندات قابل دستیابی و ذخیره است (ماراویل‌هاس و مارتینز^۴، ۲۰۱۹، ۳۵۵)، و دانش پنهان، دانش مبتنی بر تجربه افراد است و به شکل نگرش‌ها، دیدگاه‌ها، ارزشیابی‌ها، تعهدات، انگیزه‌ها ابراز می‌شود. نوناکا و تاکوچی^۵ (۱۹۹۵) چهار نوع راهبرد خلق و

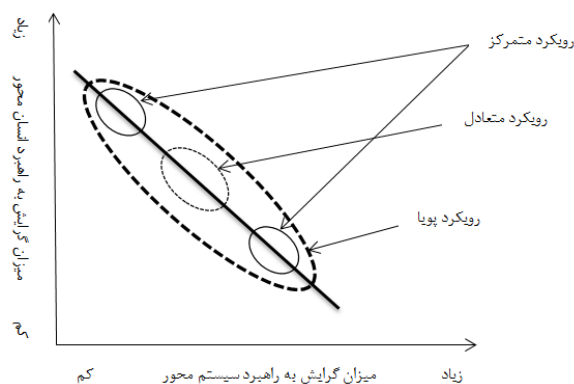
-
1. Resource-Based View
 2. Sandhu et al
 3. Hashemi
 4. Maravilhas & Martins
 5. Nonaka and Takeuchi

تبدیل دانش آشکار و پنهان در سازمان را ارائه نمودند که عبارتند از اجتماعی سازی، برونی سازی، ترکیب و درونی سازی. اجتماعی سازی (پنهان به پنهان) شامل دستیابی افراد به درک متقابل از طریق تعاملات اجتماعی چهره به چهره، تسهیم دیدگاه‌ها، هم‌اندیشی، تعاملات حمایت‌گری و غیره است؛ در حالی که برونی سازی (پنهان به آشکار) به افراد اجازه می‌دهد که به صورت انفرادی مفاهیم دانش پنهان را تدوین نمایند و با دیگران به اشتراک بگذارند. در فرآیند ترکیب (آشکار به آشکار) تبادل اطلاعات از طریق فناوری‌ها و ابزارهایی مانند شبکه‌های کامپیوتری صورت می‌پذیرد و فرآیند درونی سازی (آشکار به پنهان) می‌تواند از طریق یادگیری حین عمل صورت پذیرد (محمدمقدم و همکاران، ۲۰۱۶، ۳۰). اگر چه تعاریف متعددی از دانش و مفاهیم مربوط به آن صورت گرفته است، اما همگان معتقدند دانش در هر سازمانی باید مدیریت و سازمان‌دهی شود تا دسترسی و بازیابی آن با سهولت صورت گیرد (اولوگبو و نور^۱، ۲۰۱۵، ۱۲۰). بر اساس تعریف داوینپورت^۲ (۱۹۹۴) مدیریت دانش عبارت است از کسب، توسعه، اشتراک و استفاده مؤثر از دانش سازمانی (مسیرنی و کونیگ^۳، ۲۰۱۱، ۱). مدیریت دانش به عنوان عنصری حیاتی برای بهبود کلی سازمان از طریق بهبود بهره‌وری و اثربخشی در سازمان‌های خصوصی و دولتی مطرح است. اما بر خلاف بخش خصوصی که در آن بهره‌وری و اثربخشی با سودآوری مترادف است، بخش دولتی که اساساً غیرانتفاعی است، به اندازه بخش خصوصی بر ابتکارات در زمینه مدیریت دانش سرمایه‌گذاری نکرده است (امبر و همکاران^۴، ۲۰۱۹، ۲). ایوی و همکاران^۵ در بررسی اثربخشی مدیریت دانش در بخش دولتی نشان دادند، استفاده از دانش سازمانی و اجرای پروژه‌های مدیریت دانش می‌تواند موجب ارتقا بهره‌وری و بهبود خدمات گردد (ایوی و همکاران، ۳۹). همچنین نتایج پژوهش نظریان مادوانی و مختاری دینانی نشان داد مدیریت دانش به عنوان عامل پیش‌بین مهمی برای عملکرد سازمانی در سازمان‌های ورزشی از جمله وزارت ورزش و جوانان مطرح است (نظریان مادوانی و مختاری دینانی، ۲۰۱۶، ۷۳). وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران همانند دیگر سازمان‌های دولتی، برای دستیابی به اهداف سازمانی در جهت بهبود ارائه خدمات، اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولتی و در نهایت اعتلای ورزش کشور نیازمند استفاده هرچه بهتر از سرمایه‌های دانشی فردی و سازمانی است که داشتن برنامه و راهبرد در این حوزه اقدامات را با اثربخشی مضاعفی همراه خواهد ساخت. در این راستا نتایج پژوهش پژوهش قلی‌پور و همکاران نشان داد یکی از ابزارهای اصلی که می‌تواند به صورت مستقیم بر توسعه مدیریت دانش در

-
1. Ologbo & Nor
 2. Davenport
 3. Mcinerney & Koenig
 4. Amber et al
 5. Evoy et al

وزارت ورزش و جوانان تأثیرگذار باشد، "تدوین برنامه راهبردی مدیریت دانش" در این وزارتخانه است (قلی‌پور و همکاران، ۲۰۱۷، ۲۰۴) همچنین نتایج پژوهش حاتمی و همکاران نشان داد راهبردها و سیاست‌های دانش‌محور در وزارت ورزش و جوانان سبب افزایش توأم خلاقیت و یادگیری سازمانی می‌شود (حاتمی و همکاران، ۲۰۱۵، ۲۶۳).

به طور کلی راهبرد مدیریت دانش عاملی حیاتی برای موفقیت مدیریت دانش در سازمان‌ها است. این راهبرد می‌تواند منابع و توانایی‌های سازمان را برای دستیابی به اهداف مدیریت دانش سازماندهی کند (رزمی، ۲۰۱۴، ۳). راهبردهای عمده مدیریت دانش به دو دسته راهبردهای سیستم‌محور و انسان‌محور که در ادبیات موضوع به نام‌های کدگذاری و شخصی‌سازی نیز مطرح است، تقسیم می‌شود. زمانی که دانش پنهان از طریق تعاملات فرد به فرد قابل دستیابی است، راهبرد انسان‌محور به کار می‌رود و راهبرد سیستم‌محور تلاشی آشکار برای افزایش کارایی سازمانی به‌وسیله کدگذاری و استفاده مجدد از دانش از طریق ایجاد سیستم‌های فناوری اطلاعاتی پیشرفته است؛ این راهبرد تهدید ترک سرمایه‌های دانش سازمان را کاهش می‌دهد (خدیور و همکاران، ۲۰۱۴، ۹۶). در راهبرد شخصی-ساز، تعامل، ارتباط و مذاکره مستقیم و شخصی ضروری است و افراد مبنای تسهیم و انتقال دانش هستند، در حالی که راهبرد کدگذاری، مبتنی بر رمزگذاری و ذخیره دانش در پایگاه داده‌هاست و فرصتی فراهم می‌کند که افراد زیادی دانش را جستجو و بازیابی نمایند، بدون این‌که با افراد تولیدکننده آن ارتباط یا تماسی برقرار کنند (ظهیری و همکاران، ۲۰۱۵، ۱۶۷). چوی و لی^۱ رویکردهای مدیریت دانش را در سه دسته متمرکز، متعادل و پویا در کاربرد راهبردهای سیستم‌محور و انسان‌محور مدیریت دانش تقسیم کردند. رویکرد متمرکز پیشنهاد می‌کند که شرکت باید روی یکی از راهبردهای سیستم‌محور و انسان‌محور تمرکز کند، در حالی که رویکرد متعادل و رویکرد پویا معتقدند که سازمان باید از هر دوی راهبردها استفاده کند (چوی و لی، ۲۰۰۲، ۱۷۵). چوی و لی معتقدند شرکت‌هایی که تنها از یک نوع راهبرد استفاده می‌کنند با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. به عنوان مثال شرکت‌هایی که تنها به راهبرد سیستم‌محور تکیه می‌کنند، نمی‌توانند دانش ضمنی را منتقل کنند. اما از طرفی رویکرد متعادل نیز از توجه به پویایی دانش سازمان و تأثیر آن بر تغییر راهبرد مدیریت دانش غفلت کرده است که این موضوع باعث شده تا در تدوین راهبرد مدیریت دانش، رویکرد پویا مورد توجه قرار گیرد که هدف آن ایجاد تعادل میان دانش ضمنی و صریح سازمان است. در رویکرد پویا، راهبرد مدیریت دانش با توجه به دانش سازمانی ممکن است به راهبردهای سیستم-محور، انسان‌محور یا متعادل نزدیک شود (مولوی و همکاران، ۲۰۱۴، ۱۲۷).



شکل ۱- سه رویکرد راهبردهای مدیریت دانش (چوی و لی، ۲۰۰۲؛ ۱۷۵)

برای انتخاب راهبرد مناسب، عوامل سازمانی زیادی باید مورد توجه قرار بگیرد که این عوامل سازمانی به نوعی با فرآیندهای دانشی در سازمان در ارتباط هستند. تدوین برنامه جامع و راهبردی مدیریت دانش و پیوند آن با برنامه راهبردی در وزارت ورزش و جوانان یکی از علل اصلی توسعه مدیریت دانش در این وزارتخانه است (قلی‌پور و همکاران، ۲۰۱۷، ۲۰۶). از طرفی موفقیت سازمان در اجرای هر راهبرد از جمله مدیریت دانش تا حدود زیادی به حمایت و پشتیبانی فرهنگ سازمانی بستگی دارد؛ بنابراین سازمان‌ها قبل از اقدامات دانشی، بایستی نگاهی دقیق به فرهنگ سازمانی خود داشته باشند (رضایی و کاراوند، ۲۰۱۷، ۵). بر اساس نتایج پژوهش عبدالملکی و همکاران در بررسی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر استقرار سیستم مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان، فرهنگ سازمانی مهم‌ترین عامل شناسایی شد (عبدالملکی و همکاران، ۲۰۱۵، ۹۷). از طرفی در سازمانی که ساختار سازمانی بتواند از جریان سریع و با سهولت دانش و اطلاعات مناسب به افراد مناسب پشتیبانی کند، فرآیندهای مدیریت دانش با بازدهی بالایی قابل اجرا خواهد بود (لیچاتارسکی^۱، ۲۰۰۹، ۶). الهی و همکاران روشی جهت انتخاب راهبرد مدیریت دانش ارائه دادند که در همه مراحل آن توجه به استراتژی پویای مدیریت دانش وجود داشته و استراتژی نهایی برای سازمان به صورتی طیفی از انسان‌گرایی تا سیستم‌گرایی و با هدف توازن سطح دانش آشکار و ضمنی سازمان در نظر گرفته می‌شود. در این روش عواملی که بر راهبرد انتخاب شده نهایی اثرگذارند عبارتند از راهبرد عمومی سازمان، ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی و فرآیندهای خلق و انتشار دانش؛ و در نهایت راهبردهای مدیریت دانش بر اساس راهبرد کلان مدیریت دانش و فرآیندهای دانشی دارای اولویت، با استفاده از راهبردهای مدیریت منابع انسانی و راهبردهای فناوری اطلاعات در سازمان تدوین خواهند شد (الهی و همکاران، ۲۰۱۰، ۲۴).

1. Lichtarski

سازمان‌ها و نهادهای ورزشی عصر حاضر در معرض تغییرات مداوم قرار دارند. ارتباط و تعامل این سازمان‌ها با عوامل مختلفی چون دولت، بخش خصوصی، حامیان مالی و دیگر سازمان‌های ورزشی ملی و بین‌المللی و مهم‌تر از همه عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجب می‌شود که این سازمان‌ها در معرض خواسته‌های متفاوت و گوناگونی قرار گیرند. از این رو ضروری است تا این سازمان‌ها برای حفظ جایگاه و موفق بودن در رسالت سازمانی خود از طریق بکارگیری مدیریت دانش بنیان و دیگر روش‌های علمی، عملکرد خود را بهبود بخشند (موسیوند و همکاران، ۲۰۱۵، ۸۸). عامل کلیدی در مدیریت دانش بنیان، نیاز سازمان‌ها به مدیریت کردن دانش سازمانی است، که مرور مطالعات حاکی از توجه کم به این موضوع در سازمان‌های ورزشی است و این در حالی است که نتایج پژوهش رئیسی و همکاران نشان داد که ۰/۷۵۶ درصد از واریانس اثربخشی سازمانی در سازمان‌های ورزشی مربوط به فرآیندهای مدیریت دانش است (رئسی و همکاران، ۲۰۱۴، ۴۷). وزارت ورزش و جوانان، با توجه به ارتباطات وسیعی که با سازمان‌های مختلف داخل و خارج دارد و نقش چشمگیر آن در ارتقاء سطح ورزش و سلامت افراد جامعه، همانند دیگر سازمان‌ها، در راستای دستیابی به اهداف، نیازمند مدیریت دانش سازمانی است. در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در زمینه ارتباط مدیریت دانش با متغیرهای سازمانی متعددی از جمله ارتباط مدیریت دانش و اثربخشی سازمانی (صابری و گودرزی، ۲۰۱۹)، کارآفرینی سازمانی (محمدی و همکاران، ۲۰۱۷)، هوش سازمانی (شوهانی و همکاران، ۲۰۱۷) و فرهنگ سازمانی (شوهانی و همکاران، ۲۰۱۵) در این وزارتخانه صورت پذیرفته است. همچنین قلی‌پورسوته و همکاران در پژوهشی به تدوین الگوی توسعه مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان با استفاده از نظریه داده بنیاد پرداختند و نتایج نشان داد توسعه مدیریت دانش تحت تأثیر شرایط گوناگونی از جمله تدوین برنامه راهبردی مدیریت دانش در این وزارتخانه قرار دارد (قلی‌پورسوته و همکاران، ۲۰۱۷، ۱۹۳). اگر چه دارا بودن یک راهبرد روشن و به خوبی برنامه‌ریزی شده یکی از گام‌های مهم و اساسی در رسیدن به موفقیت در اجرای پروژه‌های مدیریت دانش در سازمان‌ها است، اما همان‌طور که پیشینه تحقیق نشان می‌دهد، انتخاب نوع راهبرد مؤثر مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان و مباحث مربوط به آن در هیچ پژوهشی مورد توجه قرار نگرفته است. به این ترتیب با توجه به اهمیت و ضرورت مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان و لزوم استفاده از راهبرد مدیریت دانش به عنوان نقشه راه و ابزاری جهت بهره‌برداری بهینه و صحیح از منابع سازمانی، شناسایی راهبرد مدیریت دانش در این وزارتخانه در پژوهش حاضر مدنظر قرار گرفت. با توجه به مزایای استفاده از رویکرد پویا، تعیین راهبرد مدیریت دانش در این وزارتخانه با استفاده از این رویکرد و بر مبنای روش الهی و همکاران (۲۰۱۰) (با در نظر گرفتن تغییراتی بر اساس سازمان مورد مطالعه)، مورد توجه قرار گرفت.

روش پژوهش

پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی است، زیرا از داده‌ها برای توصیف و تصمیم‌گیری درباره شرایط موجود استفاده شده است. جامعه آماری در دو بخش انتخاب گردید. بخش اول شامل مدیران و مشاوران خبره وزارت ورزش و جوانان آگاه به حوزه مدیریت دانش و بخش دوم شامل معاونین مدیر کل، رؤسای گروه و رؤسای ادارات در این وزارتخانه بود. نمونه آماری در بخش اول ۱۲ نفر و به شیوه هدفمند و در بخش دوم ۴۸ نفر، موارد در دسترس گزینش گردیدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد و محقق ساخته بود. به منظور اجرای فرآیند پژوهش ابتدا مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی پیشینه تحقیق صورت پذیرفت و با توجه به مزایای استفاده از رویکرد پویا در انتخاب راهبرد مدیریت دانش، روش الهی و همکاران (۱۳۸۸)، برای انتخاب راهبرد مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان انتخاب شد. بر این اساس، سه متغیر استراتژی، فرهنگ و ساختار سازمانی به عنوان سه متغیر اصلی مؤثر بر نوع راهبرد مدیریت دانش مطرح است. بنابراین، در این مرحله از سوی بخش اول نمونه آماری پژوهش، به منظور تعیین میزان تأثیر سه عامل راهبردهای عمومی سازمان، ساختار سازمانی و عوامل فرهنگی در انتخاب نوع راهبرد مدیریت دانش، وزن‌هایی (بین ۱-۵) نسبت داده شد و میانگین نظرات مورد استفاده قرار گرفت.

در ادامه پرسش‌نامه‌های پژوهش تدوین و یا انتخاب شد. به منظور تعیین روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها از نظر اساتید خبره آگاه به حیطه پژوهش و برای تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. به منظور شناسایی مؤلفه‌های (سئوالات پرسش‌نامه) مؤثر بر راهبرد مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان در مورد سه عامل سازمانی راهبرد، ساختار و فرهنگ سازمانی، از آزمون تی‌تک‌نمونه‌ای با مقدار متوسط برابر ۳ استفاده شد. برای اطمینان از نرمال بودن داده‌ها، آزمون کولموگروف اسمیرنوف مورد استفاده قرار گرفت. به منظور ارزیابی وضعیت عوامل سازمانی در وزارت ورزش و جوانان سئوالات پرسش‌نامه‌ها بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت مورد نظرسنجی قرار گرفت. به این صورت که گزینه‌های هر سؤال برای متغیر فرهنگ سازمانی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم و برای بقیه متغیرها از خیلی کم تا خیلی زیاد مدنظر قرار گرفت. از ۴۸ پرسش‌نامه توزیع شده، ۴۵ پرسش‌نامه به طور کامل پاسخ داده شد و مورد ارزیابی قرار گرفت جزئیات مربوط به هر یک از پرسش‌نامه‌ها در جدول یک بیان شده است.

جدول ۱- جزئیات پرسش‌نامه‌های مورد استفاده در پژوهش

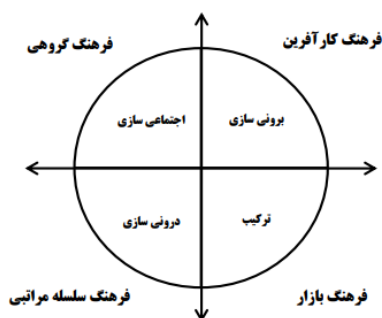
ردیف	نوع پرسش‌نامه	کاربرد	تعداد سئوالات	پایایی
۱	محقق ساخته (مدل پورتر ^۱)	ارزیابی راهبرد سازمانی	۷	۰/۷۸
۲	استاندارد (مدل کوبین و کامرون ^۲)	ارزیابی میزان حاکمیت ابعاد فرهنگ سازمانی	۲۴	۰/۸۳
۳	استاندارد (مدل رابینز ^۳)	ارزیابی ساختار سازمانی	۶	۰/۸۱
۴	محقق ساخته (مدل نوناکا و تاکوچی)	ارزیابی میزان حاکمیت فرآیندهای مدیریت دانش	۳۰	۰/۸۳
۵	محقق ساخته (مدل کنترل محور و تعهد محور ^۴)	ارزیابی نوع راهبرد منابع انسانی	۱۰	۰/۷۹
۶	محقق ساخته (مدل نولان ^۵)	ارزیابی میزان بلوغ فناوری اطلاعات	۱۱	۰/۸۱

از پرسش‌نامه‌های یک تا سه، برای ارزیابی سه متغیر سازمانی راهبرد، فرهنگ و ساختار سازمانی در وزارت ورزش و جوانان استفاده شد. مبانی نظری نشان دهنده ارتباط راهبردهای عمومی پورتر شامل راهبرد رهبری هزینه با راهبرد کدگذاری و راهبرد تمایز با راهبرد شخصی‌سازی بود (سوکولو و زاویالوا^۶، ۲۰۱۹؛ بهبودی و سهرابی، ۲۰۱۹؛ مردانی و لگزریان، ۲۰۱۶؛ شیخ و چیانگ^۷، ۲۰۰۵). سئوالات پرسش‌نامه شماره یک با توجه به دولتی بودن و اهداف سازمان مورد مطالعه (ارائه خدمات و نه سودآوری) تنظیم شد. از رابطه یک برای تعیین میزان همسویی راهبردهای عمومی سازمان با راهبردهای مدیریت دانش استفاده شد. (Xgss): میانگین امتیاز راهبرد رهبری هزینه؛ (Xgsh): میانگین امتیاز راهبرد تمایز؛ (SYSgs): ضریب همسویی راهبرد رهبری هزینه با راهبرد سیستم‌محور؛ (HUMgs): ضریب همسویی راهبرد تمایز با راهبرد انسان‌محور؛ (Wgs): وزن راهبرد عمومی.

$$SYSgs = Xgss * Wgs, HUMgs = Xgsh * Wgs \quad (1)$$

1. Porter
2. Cameron & Quinn
3. Robbins
4. control-oriented & commitment-oriented
5. Nolan
6. Sokolov & Zavyalova
7. Shih & Chiang

به منظور ارزیابی فرهنگ سازمانی، ابعاد فرهنگ سازمانی بر اساس تقسیم‌بندی کامرون و کویین (۱۹۹۹) با استفاده از پرسش‌نامه شماره دو مورد ارزیابی قرار گرفت. هر یک از چهار بعد فرهنگ سازمانی با یکی از فرآیندهای خلق دانش ارتباط مستقیمی دارد.



شکل ۲- رابطه ابعاد فرهنگ سازمانی با فرآیندهای خلق دانش (گری و دنستن، ۲۰۰۵، ۵۹۶)

با توجه به حمایت مستقیم راهبرد انسان‌محور از فرآیند اجتماعی‌سازی و حمایت راهبرد سیستم‌محور از فرآیند ترکیب، رابطه دو برای تعیین ضریب همسویی فرهنگ با راهبردهای مدیریت دانش به دست آمد. میانگین امتیاز فرهنگ حامی اجتماعی‌سازی (فرهنگ گروهی)؛ (Xcus): میانگین امتیاز فرهنگ حامی ترکیب (فرهنگ بازار)؛ (Wcu): وزن فرهنگ سازمانی. (SYScu): ضریب همسویی فرهنگ سازمانی با راهبرد سیستم‌محور؛ (HUMcu): ضریب همسویی فرهنگ سازمانی با راهبرد انسان‌محور.

$$HUMcu = Xcuh * Wcu \quad SYScu = Xcus * Wcu \quad (۲)$$

با استفاده از پرسش‌نامه شماره سه، به ارزیابی ساختار سازمانی بر اساس میزان تمرکز، رسمیت و پیچیدگی (تئوری رابینز) در سازمان، در طیفی از ارگانیک تا مکانیک پرداخته شد. ساختارهای مکانیکی از راهبردهای کدگذاری و ساختارهای ارگانیک از راهبرد شخصی‌سازی مدیریت دانش پشتیبانی می‌کنند (سیدنقوی و فیاضی آزاد، ۲۰۰۹؛ الهی و همکاران، ۲۰۱۰). از رابطه سه به منظور تعیین میزان ضریب همسویی ساختار سازمانی با راهبردهای مدیریت دانش استفاده شد. (SYSst): ضریب همسویی ساختار سازمانی با راهبرد سیستم‌محور؛ (HUMst): ضریب همسویی ساختار سازمانی

با راهبرد انسان‌محور؛ (Xsts): میانگین امتیاز ساختار مکانیک؛ (Xsth): میانگین امتیاز ساختار ارگانیک؛ (Wst): وزن ساختار سازمانی.

$$SYSst = Xsts * Wst, Xsth = 5 - Xsts, HUMst = Xsth * Wst \quad (۳)$$

با گرفتن میانگین از ضرایب همسویی به دست آمده در مراحل قبلی، محدوده راهبرد کلان مدیریت دانش در سازمان به دست می‌آید.

در گام بعدی، ابتدا میزان سطح حاکمیت فرآیندها بر اساس مدل نوناکا و تاکوچی (۱۹۹۵) و با استفاده از پرسش‌نامه شماره چهار، به عنوان وضع موجود فرآیندهای چهارگانه پذیرفته شد. به دلیل حمایت مستقیم راهبرد انسان‌محور از فرآیند اجتماعی‌سازی و حمایت راهبرد سیستم‌محور از فرآیند ترکیب، از اعداد به دست آمده در مرحله سوم برای راهبرد انسان‌محور و سیستم‌محور به ترتیب برای ضریب همسویی فرآیند اجتماعی‌سازی و ترکیب استفاده می‌شود. برای فرآیندهای درونی‌سازی و بیرونی‌سازی که به وسیله عوامل فرهنگی حمایت می‌شوند، از میانگین‌های به دست آمده در پرسش‌نامه آنالیز عوامل فرهنگی استفاده شد. به این صورت که از اعداد به دست آمده برای فرهنگ سلسله‌مراتبی و کارآفرین به ترتیب به عنوان ضرایب همسویی فرآیندهای درونی‌سازی و بیرونی‌سازی استفاده می‌شود.

جهت دستیابی به شاخصی برای اولویت‌بندی فرآیندها، نیاز است ضریب همسویی و سطح فرآیندها یک‌سو شوند؛ زیرا یک عامل به صورت صعودی و دیگری به صورت نزولی مورد توجه است. با توجه به این موضوع، ابتدا سطح (میزان حاکمیت) فرآیندها، معکوس شد و سپس شاخص رتبه‌بندی فرآیندها به صورت حاصل ضرب معکوس سطح فرآیند در ضریب همسویی فرآیند، محاسبه گردید. این شاخص به صورت صعودی نشان‌دهنده، بحرانی بودن (نامطلوبی) وضعیت فرآیندها است. فرآیندی که در وضعیت بحرانی‌تری قرار دارد، از اولویت بالاتری برای انجام اقدامات در جهت ارتقا و بهبود برخوردار است (مولوی، ۲۰۱۴، ۱۳۶)

در گام نهایی پس از ارزیابی منابع انسانی و فناوری اطلاعات، راهبرد نهایی مدیریت دانش بر اساس محدوده راهبرد کلان مدیریت دانش و فرآیندهای نیازمند بهبود بر اساس وضعیت سازمان در حیطه مدیریت منابع انسانی و میزان بلوغ فناوری اطلاعات انتخاب می‌گردد.

نتایج

نرمال بودن توزیع نظرات پاسخگویان در مورد سئوالات مربوط به سه عامل سازمانی راهبرد، ساختار و فرهنگ سازمانی، بر اساس نتایج آزمون کالموگروف اسمیرنف، مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس نتایج آزمون تی-تک‌نمونه‌ای، میانگین نظرات پاسخگویان در مورد کلیه سئوالات به طور معناداری بالاتر از حد متوسط بود. بنابراین کلیه سئوالات مربوط به هر سه عامل سازمانی در مراحل تعیین راهبرد مدیریت دانش مورد استفاده قرار گرفت. نتایج مراحل تعیین راهبرد مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان به شرح زیر است.

مرحله اول: تعیین ضریب تأثیر (وزن) عامل‌های مؤثر در فرآیند تدوین راهبرد مدیریت دانش:

جدول ۲- میانگین ضرایب تأثیر عوامل سازمانی بر راهبرد مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان

عوامل سازمانی	ضریب تأثیر	ضریب تأثیر بی‌مقیاس (نسبت به عدد ۵)
راهبرد عمومی سازمان (Wgs)	۳/۲۲	۰/۶۴
فرهنگ سازمانی (Wcu)	۴/۲۱	۰/۸۴
ساختار سازمانی (Wst)	۳/۱۶	۰/۶۳

مرحله دوم: ارزیابی راهبرد، فرهنگ و ساختار سازمانی

در این مرحله میزان گرایش راهبرد عمومی سازمان بر مبنای مدل راهبردهای عمومی پورتر، فرهنگ سازمانی بر مبنای مدل کویین و کامرون و همچنین میزان مکانیکی بودن و ارگانیکی بودن ساختار سازمانی شناسایی گردید که نتایج آن در جدول سه قابل مشاهده است.

جدول ۳- نتایج ارزیابی راهبرد، فرهنگ و ساختار سازمانی در وزارت ورزش و جوانان

عامل سازمانی	راهبرد سازمان	میانگین نظرات
راهبرد عمومی	راهبرد رهبری هزینه	۳/۶۲
سازمان	راهبرد تمایز	۳/۳۱
فرهنگ سازمانی	فرهنگ گروهی	۲/۳۶
	فرهنگ بازار	۳/۲۶
	فرهنگ سلسله‌مراتبی	۳/۳۱
	فرهنگ کارآفرین	۲/۱۱
ساختار سازمانی	ساختار مکانیک	۳/۹۳
	ساختار ارگانیک	۲/۰۷

ضرایب همسویی راهبردهای عمومی، فرهنگ و ساختار سازمانی با هر یک از راهبردهای مدیریت دانش طبق جدول چهار ارائه گردید.

جدول ۴- ضرایب همسویی متغیرهای سازمانی با راهبردهای مدیریت دانش

عامل سازمانی	ضریب همسویی با راهبرد انسان محور	ضریب همسویی با راهبرد سیستم محور
راهبرد عمومی سازمان	$۲/۱۲ = ۳/۳۱ * ۰/۶۴$	$۲/۳۲ = ۳/۶۲ * ۰/۶۴$
فرهنگ سازمانی	$۱/۹۸ = ۲/۳۶ * ۰/۸۴$	$۲/۷۴ = ۳/۲۶ * ۰/۸۴$
ساختار سازمانی	$۱/۳۰ = ۲/۰۷ * ۰/۶۳$	$۲/۴۸ = ۳/۹۳ * ۰/۶۳$

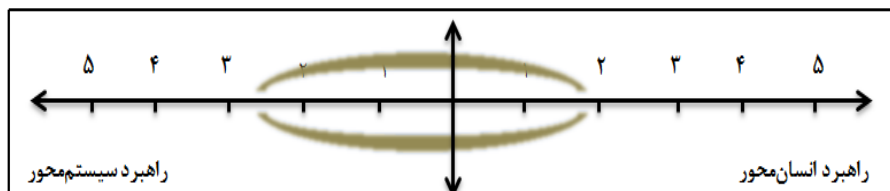
مرحله سوم: تعیین محدوده راهبرد مناسب مدیریت دانش:

در این مرحله برای تعیین محدوده راهبرد مناسب مدیریت دانش، برای راهبرد سیستم محور از میانگین ضرایب همسویی عوامل سازمانی مربوطه (راهبرد عمومی رهبری هزینه، فرهنگ بازار و ساختار مکانیک) و برای راهبرد انسان محور نیز از میانگین ضرایب همسویی عوامل سازمانی مربوطه (راهبرد عمومی تمایز، فرهنگ گروهی و ساختار ارگانیک) استفاده شد. (SYS: محدوده راهبرد مناسب مدیریت دانش برای راهبرد سیستم محور، HUM: محدوده راهبرد مناسب مدیریت دانش برای راهبرد انسان محور)

$$SYS = (۲/۲ + ۳۲/۲ + ۷۴/۴۸) / ۳ = ۲/۵۱$$

$$HUM = (۲/۱ + ۱۲/۱ + ۹۸/۳۰) / ۳ = ۱/۸$$

نتایج حاصل شده، محدوده کلان مدیریت دانش در سازمان را مشخص می کند که در شکل سه قابل مشاهده است.



شکل ۳- محدوده کلان مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان

با توجه به نتایج به دست آمده، راهبرد کلان مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان ترکیبی از راهبردهای سیستم‌محور و انسان‌محور، و با تمرکز بیشتر به راهبرد سیستم‌محور در نظر گرفته شود.

مرحله چهارم: ارزیابی وضعیت فرآیندهای خلق دانش

در این مرحله سطح حاکمیت فرآیندهای خلق و انتشار دانش در وزارت ورزش و جوانان با استفاده از پرسش‌نامه شماره چهار مورد ارزیابی قرار گرفت و در ادامه فرآیندهای نیازمند به بهبود مورد شناسایی و اولویت‌بندی شد که نتایج در جدول پنج ارائه شده است.

جدول ۵- اولویت‌بندی فرآیندهای خلق دانش در وزارت ورزش و جوانان

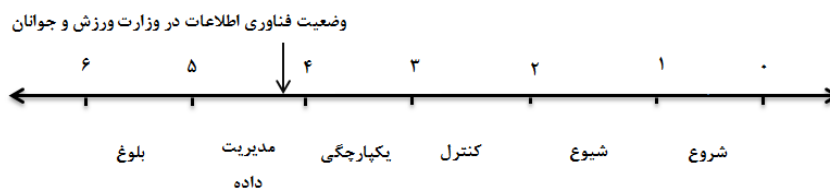
اولویت	میزان بحرانی بودن	ضریب همسویی فرآیند	معکوس سطح هر فرآیند	سطح حاکمیت فرآیند	فرآیند
۴	۰/۶۱	۱/۸	۰/۳۴	۲/۹۱	اجتماعی سازی
۳	۰/۹۳	۲/۵۱	۰/۳۷	۲/۶۶	ترکیب
۱	۱/۵۵	۳/۳۱	۰/۴۷	۲/۱۳	درونی‌سازی
۲	۰/۹۷	۲/۱۱	۰/۴۶	۲/۱۶	برونی‌سازی

میزان بحرانی بودن فرآیندها در جدول پنج نشان می‌دهد، فرآیند درونی‌سازی در اولویت اول برای بهبود قرار دارد. مقدار بالای میزان بحرانی بودن فرآیند درونی‌سازی نشان می‌دهد. در حالی که این فرآیند از ضریب همسویی بالایی با راهبرد مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان برخوردار است، اما سطح حاکمیت آن در سازمان به آن نسبت مطلوب نیست. با توجه به این که دو اولویت اول شامل دو فرآیند درونی‌سازی و بیرونی‌سازی شناسایی گردید، این امر نشان دهنده ضعف در تبدیل دانش آشکار به پنهان و بالعکس در این سازمان است.

مرحله پنجم: ارزیابی راهبرد مدیریت منابع انسانی و سطح بلوغ فناوری اطلاعات در وزارتخانه:

در این مرحله در ابتدا وضعیت راهبرد مدیریت منابع انسانی از لحاظ میزان گرایش به راهبرد تعهدگرا و کنترل‌گرا (سوکولو و زاویالوا، ۲۰۱۹) در سازمان با استفاده از پرسش‌نامه شماره پنج شناسایی گردید. نتایج نشان داد میانگین نظر پاسخگویان در رابطه با میزان گرایش راهبرد مدیریت منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان برای راهبرد تعهدگرا برابر ۲/۶۴ و برای راهبرد کنترل‌گرا برابر ۲/۸۵ است.

سطح بلوغ فناوری اطلاعات در وزارتخانه بر اساس الگوی رشد نولان و با استفاده از پرسش‌نامه شماره شش استفاده گردید. در این پرسش‌نامه وضعیت بلوغ سازمان از جهت فناوری اطلاعات در شش بعد مورد سنجش قرار گرفت که نتیجه به شرح شکل چهار به دست آمد.



شکل ۴- سطح بلوغ فناوری اطلاعات در وزارت ورزش و جوانان

مرحله ششم: تعیین راهبرد نهایی مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان

بر اساس نتایج مرحله سوم، محدوده راهبرد کلان مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان، راهبرد متعادل با گرایش به سمت راهبرد سیستم‌محور تعیین گردید. اولویت‌های فرآیندها نشان داد فرآیندهای درونی‌سازی و بیرونی‌سازی بالاترین اولویت و پس از آنها به ترتیب فرآیندهای ترکیب و اجتماعی‌سازی اولویت‌های بعدی برای بهبود در سازمان هستند.

بحث و نتیجه گیری

بررسی‌ها حاکی از آن است که مدیریت دانش، موضوعی است که در بخش خصوصی متولد شده، رشد یافته و در مورد پیشینه مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی کمتر صحبت شده است. این موضوع در مورد سازمان‌های دولتی، نوپا و در مراحل ابتدایی است و باید توجه ویژه‌ای به آن شود. مدیریت دانش اقدامی پرهزینه برای سازمان است؛ بنابراین، نباید به وجود بیاید، مگر این که دستیابی به اهداف و مأموریت سازمانی از طریق آن قطعی باشد. تحقق این امر مستلزم انجام یک برنامه‌ریزی راهبردی دقیق برای مدیریت دانش در سازمان است. بنابراین در پژوهش حاضر با توجه به نقش اساسی وزارت ورزش و جوانان در اعتلای ورزش کشور در سطح داخلی و بین‌المللی و اهمیت دانش سازمانی به عنوان یک منبع راهبردی و ارزشمند در عصر حاضر، شناسایی راهبرد مدیریت دانش در این وزارتخانه با استفاده از رویکرد پویا مدنظر قرار گرفت. از نظر هانسن و همکاران^۱، سازمان‌هایی که از دانش به طور کارآمد استفاده می‌کنند، یک راهبرد را به طور عمده مورد استفاده قرار می‌دهند و از راهبرد دیگر جهت پشتیبانی از راهبرد اصلی استفاده می‌کنند (هانسن و همکاران، ۱۹۹۹، ۱۱۲). بر اساس یافته-

1. Hansen et al

های پژوهش، راهبرد مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان، راهبرد متعادل با گرایش به سمت راهبرد سیستم‌محور شناسایی شد. بنابراین، راهبرد سیستم‌محور به عنوان راهبرد اصلی مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان و راهبرد انسان‌محور به عنوان راهبرد مکمل در نظر گرفته می‌شود. در اجرای راهبرد سیستم‌محور، مستند کردن دانش و اطلاعات کاربردی در مقیاس وسیع در پایگاه‌های داده و سیستم‌های اطلاعاتی باید از اهم فعالیت‌های عملیاتی اجرای راهبرد مدیریت دانش در این وزارتخانه قرار گیرد. در این صورت دانش ذخیره شده و استاندارد شده، برای کارکنانی که به این منبع راهبردی در سازمان نیاز دارند، به راحتی قابل دسترسی و استفاده خواهد بود. راهبرد سیستم‌محور به دنبال مستند کردن دانش تجربی است؛ بنابراین، باید دانش در پایگاه‌های تخصصی کدگذاری و ذخیره شود، به گونه‌ای که جستجو و بازیابی دانش، تسهیل و تسریع گردد. این کار می‌تواند با بهره‌گیری مناسب و با برنامه از فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام شود.

تحلیل وضعیت فناوری اطلاعات نشان داد، وزارتخانه از حیث امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی در وضعیت مطلوبی به سر می‌برد. سیستم‌های گزارش‌دهی سیستمی و غیرسیستمی، سیستم‌های آموزش آنلاین، اتوماسیون قوی سازمانی، سیستم‌های داخلی اشتراک دانش در هر بخش سازمانی و سایت سازمان از جمله این امکانات است؛ اما آنچه که باید مدنظر قرار گیرد، استفاده بهینه از این ابزار است، که این امر با کمک راهبردهای مدیریت منابع انسانی همچون سیستم‌های پاداش و کنترل، نظارت و ارزیابی عملکرد قابل اجرا خواهد بود.

همان‌طور که نتایج پژوهش نشان داد، راهبرد انسان‌محور به عنوان راهبرد مکمل در وزارت ورزش و جوانان شناسایی شد. بنابراین لازم است در کنار جاری سازی راهبرد سیستم‌محور به عنوان راهبرد اصلی، اجرای راهبرد انسان‌محور از طریق تشکیل گروه‌ها و تیم‌های کاری و جلسات گروهی و استفاده از مکانیزم‌های یادگیری سازمانی صورت پذیرد. از جمله این اقدامات می‌توان به تشکیل جلسات هدفمند و سازمان‌یافته با حضور مدیران و کارکنان دانشی در راستای اشتراک دانش اشاره کرد. آموزش‌های ضمن خدمت از طریق آموزش استاد-شاگردی توسط کارکنان باتجربه و با دانش کاربردی برای انتقال تجربه و دانش سازمانی به کارکنان جدید از دیگر اقدامات در این زمینه است. در اقدامات مذکور دانش پنهانی که در ذهن افراد مستتر است با استفاده از روش‌های گوناگون آشکارسازی، ثبت و ذخیره می‌گردد.

نتایج پژوهش ظهیری و همکاران (۲۰۱۵)، در تعیین راهبرد مدیریت دانش در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و پژوهش رزمی (۲۰۱۴) در استفاده از رویکرد پویا بر اساس مدل نوناکا و تاکوچی در انتخاب راهبرد مناسب مدیریت دانش در شرکت برق منطقه‌ای خراسان، هم‌راستا با با نتایج پژوهش حاضر است. رزمی نشان داد اگر چه نیاز به بهبود هر دو راهبرد سیستم‌محور و انسان-

محور وجود دارد، اما راهبرد سیستم محور اولویت بیشتری برای بهبود دارد. رویکرد پویا توسط الهی و همکاران (۲۰۱۰) در شرکت داروگر مورد استفاده قرار گرفت که نتایج نشان داد راهبرد مدیریت دانش مطلوب در این شرکت نیز، متعادل و متمایل به راهبرد سیستم محور است. این در حالی است که نتایج پژوهش‌های مولوی و همکاران (۲۰۱۴) در یک واحد تحقیقاتی و پژوهش الهی و همکاران (۲۰۱۰) در مورد شرکت پژوهش و فناوری پتروشیم تمایل بیشتر راهبرد انتخابی به سمت راهبرد انسان محور را نشان می‌دهد. این تفاوت در راهبردهای شناسایی شده می‌تواند ناشی از تفاوت در نوع مأموریت، اهداف، ساختار و فرهنگ سازمانی باشد.

مول^۱ به این نتیجه رسید که در سازمان ناسا راهبرد ترکیبی سیستم محور و انسان محور بیش از استفاده مجزا از این راهبردها، موجب بهبود عملکرد می‌شود (مول، ۲۰۱۹، ۱۱۴). نتایج پژوهش دیواه و موتولا^۲ (۲۰۱۴) نشان داد امکانات در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات همچون پایگاه‌های داده داخلی و خارجی، ایمیل، پورتال‌ها، سیستم‌های حسابداری و مالی مهم‌ترین ابزار برای کسب و بازیابی دانش در بخش سازمان‌های دولتی آفریقا است. نتایج پژوهش اولوکپه^۳ (۲۰۱۲) در تدوین راهبرد مدیریت دانش در یک سازمان دولتی (بانک مرکزی نیجریه) نشان داد، راهبرد ترکیبی سیستم محور و انسان محور و استفاده از مزایای هر دو راهبرد، این سازمان را به اهداف دانشی خود که متأثر از اهداف و مأموریت‌های کلی سازمان می‌باشد، می‌رساند.

در روش الهی و همکاران (۱۳۸۸) وضعیت فرآیندهای خلق دانش بر اساس الگوی نوناکا و تاکوچی نیز بر انتخاب راهبرد نهایی اثرگذار بود که این موضوع باعث می‌گردد راهبرد انتخابی، در رده راهبردهای پویا قرار گیرد. در اولویت‌بندی فرآیندهای مدیریت دانش در وزارتخانه، با اولویت‌ترین فرآیند برای بهبود وضعیت در سازمان، فرآیندی است که دارای ضریب همسویی بالاتر و امتیاز پایین‌تر است. چرا که امتیاز پایین‌تر نشان می‌دهد که این فرآیند دارای ضعف است و از طرفی بیشترین همسویی را با عوامل تأثیرگذار سازمانی دارد. نتایج نشان داد در اجرای فرآیندهای مدیریت دانش، فرآیند درونی‌سازی و بیرونی‌سازی (آشکارسازی) به عنوان دو اولویت اول نیازمند بهبود، مطرح هستند که این امر نشان دهنده اهمیت تبدیل دانش آشکار به پنهان (درونی‌سازی) و پنهان به آشکار (بیرونی‌سازی) در اجرای فرآیندهای دانشی، با استفاده از اقدامات عملیاتی است. بنابراین، فراهم‌سازی دانش کاربردی و مؤثر در سیستم‌های اطلاعاتی برای کارکنانی که به این دانش نیازمندند (درونی‌سازی) و انتقال دانش موجود در اذهان کارکنان با دانش و تجربه، به سیستم‌های اطلاعاتی (بیرونی‌سازی) باید در اولویت اجرای فرآیندهای دانشی در سازمان قرار گیرد.

-
1. Moll
 2. Dewah & Mutula
 3. Oluikpe

در محیط پویا و پیچیده امروزی، برای سازمان‌ها ضروری است که به طور مداوم، دانش جدید را برای اعتبار بخشی و کاربرد در خدمات و وظایف خود به کار گیرند. توجه به این امر در سازمان‌های ورزشی با توجه به نقش غیرقابل انکار آنها در ارتقای جایگاه ورزش کشور در ابعاد مختلف همگانی و قهرمانی و سلامت افراد جامعه، اجتناب‌ناپذیر است. با مدیریت صحیح دانش در سازمان‌ها، دانش مورد نیاز در هر زمان که لازم باشد می‌تواند بازیابی شود و مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین شناسایی راهبرد مؤثر مدیریت دانش، به عنوان یکی از مهم‌ترین گام‌های اولیه مدیریت دانش در سازمان‌های ورزشی و جاری‌سازی آن، دانش ارزشمند را نه تنها برای مصارف داخلی سازمان، بلکه برای اشتراک آن بین دیگر سازمان‌های ورزشی داخلی و خارجی فراهم می‌سازد و این تلاش می‌تواند گامی بلند در جهت مدیریت اثربخش این سرمایه ارزشمند در سازمان‌های ورزشی و در نتیجه اعتلای ورزش کشور باشد. در این راستا، در پژوهش حاضر انتخاب راهبرد مناسب مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان مورد توجه قرار گرفت و راهبرد سیستم‌محور به عنوان راهبرد اصلی در این سازمان شناسایی گردید. جاری‌سازی راهبرد سیستم‌محور، باعث می‌گردد موانعی همچون عدم ثبات مدیریت در بخش دولتی و خارج شدن افراد باتجربه در اثر بازنشستگی باعث خروج دانش از سازمان نشود و دانش مطلوب در سازمان تولید، کسب، ذخیره و در زمان مورد نیاز مورد بازیابی قرار گیرد. همان‌طور که نتایج پژوهش تئوچاریس و سیرینتزیس^۱ (۲۰۱۶) نیز نشان داد، این امری واضح است، زمانی که کارمندان سازمان‌های دولتی توسط سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر ذخیره دانش پنهان پشتیبانی شوند، خدمات بهتری ارائه می‌دهند. بنابراین لازم است مدیران سازمان، با فراهم آوردن فناوری و سیستم‌های اطلاعاتی روز دنیا، که ثبت و ذخیره‌سازی و اشتراک دانش در سازمان‌ها را هر روز با اثربخشی و سهولت بیشتری همراه می‌کند، دستیابی به اهداف راهبرد سیستم‌محور را تسهیل کنند. به‌کارگیری کارگروه مدیریت دانش در سازمان‌های بزرگی همچون وزارت ورزش و جوانان متشکل از مدیران با دانش و تجربه (منابع انسانی درون سازمانی) و همچنین افراد متخصص در حوزه مدیریت دانش (منابع انسانی برون سازمانی)، می‌تواند جاری‌سازی راهبردهای مدیریت دانش و اقدامات عملیاتی در این زمینه را با تلفیق دانش مدیران ورزشی و افراد خبره در حوزه مدیریت دانش با اثربخشی بیشتری همراه سازد.

تقدیر و تشکر

در نهایت، از تمامی مشاوران و مدیران سطوح مختلف سازمانی در وزارت ورزش و جوانان که ما را در انجام این تحقیق یاری رساندند کمال تشکر و قدرانی را داریم.

منابع

1. Abdolmaleki, H., Mirzazadeh, Z., & Alidoust Ghahfarrokhi, E. (2015). Evaluate And Prioritize Relationships Influencing Factors of Knowledge Management System in the Ministry of Youth And Sport. *Scientific Journal of Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 2(1): 97-104. (Persian)
2. Amber, Q., Ahmad, M., Khan, I.A. & Hashmi, F.A. (2019). Knowledge Sharing and Social Dilemma in Bureaucratic Organizations: Evidence from Public Sector in Pakistan. *Cogent Business & Management*, (6): 1-18.
3. Behboodi, A., Sohrabi, SH. (2019). Align business strategies with Knowledge Management strategies. *Journal Of Business Management*, 12(45): 440-456. (Persian)
4. Choi, B. & Lee, H. (2002). Knowledge Management Strategy and Its Link to Knowledge Creation Process. *Expert Systems with Applications*, (23): 173-187.
5. Dewah, P., & Mutula, S. (2014). Knowledge Retention Strategies in Public Sector Organizations: Current Status in Sub-Saharan Africa. *Information Development*, 32(3): 362-376.
6. Elahi, Sh., Hasanzade, A., & Khadivar, A. (2010). A Methodology for Knowledge Management Strategy Development; Multi-Case Study in Three Organizations. *Management Research in Iran*, 14 (3): 24-59. (Persian)
7. Evoy, P., Ragab, M., & Arisha, A. (2019). The Effectiveness of Knowledge Management in the Public Sector. *Knowledge Management Research & Practice*, 17(1): 39-51.
8. Hansen, M.T., Nohria, N., & Tierney, T. (1999). Whats Your Strategy for Managing Knowledge, *Harvard Business Review*, 77(2): 106-116.
9. Hashemi, M. (2019). Using the Swot Approach for the Codification of Knowledge Management Strategy in the Shouder Faucets Corporation. *Humanities & Innovation Magazine*, 6(13): 294-301.
10. Hatami S., Saboonchi, R., & Sobhani, Y. (2015). Presenting A Model Of Key Factors Of Knowledge Management Success To Increase Organizational Creativity And Learning In Ministry Of Sport And Youth Of The Islamic Republic Of Iran. *Journal of Sport Management*, 7(2): 253-266. (Persian)
11. Gholipour, R., Ismaili, M.R., Honari, H., & Ghorbani M.H. (2017). Develop A Model For Developing Knowledge Management In The Ministry Of Sports And Youth Using Data Theory. *Research in Educational Sports*, 5(13): 193-214. (Persian)
12. Gray, J.H., & Densten, I. (2005). Towards An Integrative Model of Organizational Culture And Knowledge Management. *International Journal of Organisational Behaviour*, 9(2): 594-603.
13. Khadivar, A., Nasri Nasrabadi, S., & Fallah, E. (2014). Designing a Fuzzy Expert System for Selecting Knowledge Management Strategy. *Information Processing and Management Research Journal*, 30 (1): 91-119. (Persian)
14. Lichtarski, J.M. (2009). Organizational Structure and Knowledge Management. *Argumenta Oeconomica*, 1(22): 83-101.

15. Majlesi Ardejani, S., Shabani Bahar, GH., Soleimani, M., & Honari, H. (2019). Development of knowledge management model based on organizational readiness of employees of the Ministry of Sports and Youth. *Applied Research in Sport Management*, 7(4): 45-56. (Persian)
16. Mansouri Boroujeni, V., Atghia, N., Mokhtari Dinani, M., & Nazarian Madovani, A. (2016). The relationship between knowledge management and organizational effectiveness in employees of the Ministry of Sports and Youth. *Contemporary studies in sport management*, 6(11): 41-50. (Persian)
17. Maravilhas, S., & Martins, J. (2019). Strategic Knowledge Management a Digital Environment: Tacit and Explicit Knowledge in Fab Labs. *Journal of Business Research*, (94): 353-359.
18. Mardani, S., & Legzian, M. (2016). Strategic Alignment between Company Strategy, Human Resource Management Strategy and Knowledge Management Strategy. The 8th National Conference and the 2nd International Conference on Knowledge Management, Tehran, Iran. (Persian)
19. Mcinerney, C.R., & Koenig, M.E.D. (2011). Knowledge Management (KM) Processes In Organizations: Theoretical Foundations And Practice. *Synthesis Lectures on Information Concepts Retrieval and Services*, 3(1): 1-84.
20. Mohammadi, F., Kalate, M., Farahani, A., & Ghasemi, H., (2017). To Design Relationship Model of Knowledge Management and Organizational Entrepreneurship with Mediation of Social Capital in Ministry of Sport and Youth. *New approaches in sports management*, 4(15): 39-53. (Persian)
21. Mohammadi Moghaddam, Y., Behboodi, A., Hamze, R., & Khodie, Gh. (2016). A Methodology of Knowledge Management Strategy Based On the Knowledge Spiral Model: Case Study Two Iranian Organizations. *BI Management Studies*, 4(14): 23-50. (Persian)
22. Molavi, B., Ghanbarpour, F., & Ansari, R. (2014). Selecting a Knowledge Management Strategy in a Research-Industrial Laboratory based on Dynamic Strategy. *Innovation Management journal*, 2(4): 123-146. (Persian)
23. Moll, J.K.Q. (2019). Personalization and Codification at NASA: A Case of an Evolving Knowledge Management Strategy. Master Thesis. Stellenbosch University.
24. Musivand, M., Amraee, M., & Siavashi, M. (2015). Assessment Of Level Of Knowledge Management System And Its Regression Equation With The Quality Of Work Life In Employees Of Ministry Of Sport And Youth. *Sports Management and Development*, 4(1): 85-101. (Persian)
25. Nazarian Madavani, A., & mokhtari dinani, M. (2016). The Prediction of Organizational Performance through Knowledge Management in Sports Organizations. *Sport management studies*, 8(36): 73-92. (Persian)
26. Ologbo, A.C., & Nor, K.M. (2015). The 7-Circle Model: A Practical and Coherent KM Model for Managing Organizational Knowledge. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 6(4): 120-128.

27. Oluikpe, P. (2012). Developing a Corporate Knowledge Management Strategy. *Journal of Knowledge Management*, 16(6): 862-878.
28. Raesi, M., Hosseini, E., Talebpoor, M., & Nazari, V. (2014). The Fit of Regression Equation of Knowledge Management and Organizational Effectiveness in Iran Selected Sport Organizations. *Journal of Sport Management*, 5(4): 47-65. (Persian)
29. Razmi, M. (2014). Choosing The Right Knowledge Management Strategy With A Dynamic Approach Based On Nonaka And Takeuchi Models (Case Study: Khorasan Regional Electricity Company). Master Thesis. Yazd University. (Persian)
30. Rezaie, R., & Karavand, O. (2017). Review And Predict Changes In The Components Of The Knowledge Management Based On Organizational Culture. 1st International & 3rd National Conference on Management and Humanistic Science Research. Tehran. (Persian)
31. Saberi, a., & goodarzi, s. (2019). The impact of knowledge management on the effectiveness of the Ministry of Youth and Sports with emphasis on the role of mediator Organizational wisdom. *Research on educational sport*, 7(16): 149-168. (Persian)
32. Sandhu, M.S., Jain, K.K. & Ahmad, I.K.B. (2001). Knowledge Sharing Among Public Sector Employees: Evidence from Malaysia. *International Journal of Public Sector Management*, 24(3): 206-226.
33. Seyednagavi, A., & Fayaziazad, A. (2009). The Relation between Knowledge Management Strategies and Organization Structures. *Management Studies in Development and Evolution*, 16(59): 151-172. (Persian)
34. Shih, H., & Chiang, Y. (2005). Strategy Alignment between HRM, KM, and Corporate Development. *International Journal of Manpower*, 26(6):582-603.
35. Shohani, m., mohammadi, s., & norbakhsh, p. (2017). Role of Organizational Culture and Knowledge Management in Organizational Intelligence of the Ministry of Sport and Youth Staff. *Sport management studies*, 8(39): 51-72. (Persian)
36. Shohani, m., mohammadi, s., & norbakhsh, p. (2015). Relationship between organizational culture and knowledge management of employees of the Ministry of Sports and Youth. *Human resource management in sport journal*, 2(1): 23-33. (Persian)
37. Sokolov, D., & Zavyalova, E. (2019). Human Resource Management and Knowledge Management Strategies. Working Papers. Graduate School of Management. Petersburg State University.
38. Theocharis, S.A. & Tsihrintzis, G.A. (2016). Knowledge Management Systems in the Public Sector: Critical Issues. *Lecture Notes on Software Engineering*, 4(1): 59-65.
39. Zahiri, Z., Karimikhah, J., & Mirghafouri, H. (2015). Determining the knowledge management strategy of the Islamic Republic of Iran Broadcasting Organization. *Public management perspective*, 5(4): 163-184. (Persian)

ارجاع‌دهی

مصلحی، لیلا؛ گودرزی، محمود؛ علیدوست قهفرخی، ابراهیم؛ خدیور، آمنه. (۱۴۰۰). شناسایی راهبرد مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان با استفاده از رویکرد پویا. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹ (۲۴): ۱۷-۴۲. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2020.8682.1846

Moslehi, L; Goodarzi, M; Alidoust Ghahfarrokhi, E; Khadivar, A. (2021). Identifying the Knowledge Management Strategy in the Ministry of Sport and Youth using the Dynamic Approach. *Research on Educational Sport*, 9 (24): 17-42. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2020.8682.1846

Research Paper

A Comparative Study of School Sports in Finland, Denmark, Germany, the United Kingdom, the United States and Iran

S. Jamshidi eini¹, S. M. H. Razavi², M. Dousti³

1. Ph.D. Student in Sports Management, Faculty of Sport Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.
2. Department of Sport Management, Faculty of Sport Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author)
3. Department of Sport Management, Faculty of Sport Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Received: 2020/07/05

Accepted: 2020/12/22

Abstract

Increasing opportunities for physical activity in schools is recognized as a global priority among school-age children and adolescents. Since the state of physical activity in some countries has not yet reached the recommended level of the World Health Organization (WHO), the aim of this study was to pay attention to the role of school in creating opportunities for physical activity and drawing a comparative framework of issues related to school sports including assessing the quality of physical education (time, content and expertise of teacher), national strategies and extracurricular programs according to the Comprehensive School Physical Activity Program (CSPAP). This comparative study was conducted using the Bereday method. Exploring the methods of execution in the best educational systems of the world (Finland, Denmark, Germany, the United Kingdom, and the United States) that have a CSPAP indicated that many countries designed and implemented physical activity initiatives, increasing the physical activity opportunities available to children before, during and after school. It can also compensate for the lack of physical activity hours in the school's physical education lesson.

Keywords: School Sports, Comprehensive School Physical Activity Program, Physical Activity Opportunity

-
1. Email: ss_jamshidi@yahoo.com
 2. Email: razavismh@yahoo.com
 3. Email: m_dostipasha@yahoo.com

Extended Abstract

Background and Purpose

The new global action plan on Physical Activity (PA) of the World Health Organization (WHO), introduces sports, and PA as the main factors in the quality of life, physical and mental health of people (1). Therefore, creating and promoting PA opportunities in schools has become a global priority among school-aged children and adolescents (2). Since the situation of PA in some countries has not reached the level of the recommendations of the WHO yet, the aim of this study was to concentrate on the role of school in creating opportunities for PA and promoting interest and active lifestyle among children and adolescents. Hence, in the first step, the quality of this course should be controlled as part of quality management for schools and in the next step, should be regarded to incentive plans and opportunities beyond the training program.

Materials and Methods

This applied descriptive and comparative study was conducted based on the Bereday method (3). The population of the current study was the sports program of schools in all countries, and the sample was selected using purposive methods of Finland, Denmark, Germany, the United Kingdom (UK) and the United States of America (USA). The countries selected in the present study, in addition to having the best and most well-known educational systems in the world are also pioneers in providing Comprehensive School Physical Activity Program (CSPAP).

Research materials in systematic library study were performed using the method of taking notes in national documents of different countries, international reports, articles and some international studies. The search was conducted using multiple search engines and databases such as Science Direct, Google Scholar and Research Gate, as well as through the websites of EU member states and related ministries of education. Over 100 selected European and American articles and documents during 2008-2020 were reviewed. Accurate national information on the situation of school sports and comprehensive PA program for schools and initiatives of countries to increase the level of PA of children and adolescents were downloaded from the information pages of countries by the Regional Office of the WHO, European Commission, European Physical Education Association Seminar (2018) and the website of the Ministry of Education. Of course, two resources for collecting information about the curriculum of PE and PA existed in this research depending on the concentration or non-concentration of course planning in schools. In countries that have a centralized education system to collect information, refer to the documents of the ministry or organization that runs the central education system. But, in countries where there is a decentralized

curriculum, national recommendations for physical education programs were mentioned.

Results

Research results showed that in the USA, school sports activities were organized in the direction of the national standard arranged by the National Association of Sports and Physical Education. In Germany, though each state has retained jurisdiction for planning, there are General and common policies by the federal for all states, that are necessary to implement for them. Decentralization in Denmark is the basis for allocating time for teachers and resources for school budget activities. Some areas such as human resource management and operations have been decentralized from the state level to the local level such as municipalities. Other areas like curriculum, goals, and responsibility are state-level. In Finland and the UK, central authorities determine the top management levels, framework and content characteristics of the obligatory curriculum and minimum content to be taught. Local education authorities and teachers arrange detailed curriculum. In addition, schools can make a decision about teaching time and how to divide the curriculum. According to the centralized education system in Iran, all measures, including general and partial, are prepared at the national level, and the teacher is merely the administrator and facilitator of the prepared programs.

Examining the characteristics related to the quality of Physical Education (PE) lessons demonstrated that the general purpose of PE in most countries was to promote the physical, psychological, social and moral development of students and guide them into lifelong PA. In terms of teaching content, there are some independent schools in some countries such as Denmark, Germany and the USA, while in the UK, Wales, Northern Ireland, and Iran, schools have common contents and are dependent. When comparing the taught time earmarked for PE by primary and general secondary levels, the differences between countries were substantial. In elementary education, the average weekly teaching time varied between 90 (in Finland and Iran) to 180 minutes (in Germany). At the secondary level, these figures ranged from 90 (in Denmark and Iran) to 225 minutes (in the USA). A comparative study of selected documents suggested that PE in elementary schools was taught by general or specialized teachers, depending on the availability, independence, and resources of the school. In high schools, the picture of countries was more uniform, and the PE teachers run classrooms.

Moreover, the findings represented that unfortunately in most countries, the time allocated to PE was not enough to cover the recommendations of the WHO. For this reason, the countries surveyed have developed strategies to encourage young people to engage in PA, most of which have been based on a CSPAP (see table1).

Table1- School and extracurricular proposals implemented for the promotion and implementation of sports practice and PA.

Country	School strategies	Extracurricular strategies
USA	Let's Move Active Schools (LMAS) The goal of LMAS is to strategically assist in the accumulation of the recommended 60 minutes of moderate-to-vigorous physical activity (MVPA) by making PE and PA a priority in schools.	
Germany		National recommendations for P.A. and the promotion of P.A. were designed in the context of the national action plan "in the form", the national initiative to promote healthy diets and P.A.
Finland	"On the move" is a government action program launched in 2010 to establish a culture of P.A. in Finnish schools. Active breaks and before and after school activities are key elements.	
Denmark	45 minutes of daily P.A. in schools. In addition to P.E. classes, they are required 45 minutes of daily P.A. (about 150 hours/year) in primary and secondary public high schools to improve students' learning, health and well-being.	
UK	In Scotland, the "Active School" program offers more opportunities for higher quality participation in sport and P.A. before school, during the lunch hour and after school, and also develops effective pathways between schools and local sports clubs. Sport Scotland works in partnership with all 32 local authorities to invest and support the Active Schools Network.	
Iran		Generalize extracurricular activities Including in-school sports olympiads, Dynamic yard and Morning exercise.

Conclusion

Comprehensive and multi-component approaches that help improve PA in children and adolescents are of international importance. The PA initiatives examined in this study, which are designed and implemented to stimulate students' interest and PA, seek to increase the opportunities for PA available to children before, during and after school, and may also compensate for the lack of PA hours in school PE. In these countries, the school program PE is central to the framework and includes other components such as staff involvement, and family and community involvement. The reason for this is that implementing initiatives requires strong support from school leadership and staff involvement. In particular, a PE teacher who knows the school environment, parents, and community is in an ideal position to lead, develop and implement programs. Besides these approaches, coordinated and multilevel actions should be taken to improve participation in PA. Since increasing PA can almost be considered an ideal public health measure, it is suggested that the environment be changed to support active lifestyles by informing health and educational sports organizations.

Keywords

School Sports, Comprehensive School Physical Activity Program, Physical Activity Opportunity.

References

1. Baniameryan, M., hakime zadeh, R., javadipuor, M. (2015). Comparative study of the national curriculum of Australia, New Zealand and Iran in the field of information and technology. *Technical and Vocational Education*, 4(1): 61-82. (Persian)
2. D'Anna, C., Forte, P & Gomez, F. (2019). Physical education status in European school's curriculum, extension of educational offer and planning. *Journal of Human Sport and Exercise*, 14(4): 805- 817.
3. European Commission/EACEA/. (2013). Physical Education and Sport at School in Europe Eurydice Report. Luxembourg: Publications Office of the European Union .
4. McMullen, J, Ní Chróinín, D, Tammelin, T & et al. (2015). International Approaches to Whole-of-School Physical Activity Promotion. *Quest*, 67(4): 384-399.
5. Messing, S, Rütten, A, Abu-Omar, K & et al. (2019). How Can Physical Activity Be Promoted Among Children and Adolescents?. *Front Public Health*, 7(55).
6. Public Health England. (2019). What Works in Schools and Colleges to Increase Physical Activity? A briefing for head teachers. GW-1195
7. WHO (a). (2018). Promoting physical activity in the education sector. Current status and success stories from the European Union Member. WHO Regional Office for Europe. Copenhagen: Denmark
8. WHO (b). (2018). Global action plan on physical activity 2018-2030: More active people for a healthier world. Geneva: License: CC BY-NC-SA 3.0

مطالعه تطبیقی ورزش مدارس کشورهای فنلاند، دانمارک، آلمان، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و ایران

صدیقه جمشیدی عینی^۱، سید محمد حسین رضوی^۲، مرتضی دوستی^۳

۱. دانشجوی دکترای مدیریت راهبردی، پردیس دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲. استاد مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

چکیده

افزایش فرصت‌های فعالیت بدنی در مدارس به عنوان یک اولویت جهانی در بین کودکان و نوجوانان در سنین مدرسه شناخته شده است. از آن‌جا که وضعیت فعالیت بدنی در برخی از کشورها هنوز به میزان توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی نرسیده است، هدف این پژوهش توجه به نقش مدرسه در ایجاد فرصت‌های فعالیت بدنی و ترسیم چارچوبی تطبیقی از موضوعات مرتبط با ورزش مدارس از جمله بررسی کیفیت درس تربیت بدنی (زمان، محتوی و تخصص معلمان)، استراتژی‌های ملی کشورها و فوق برنامه‌ها با توجه به چارچوب برنامه جامع فعالیت بدنی مدرسه است. این پژوهش از نوع مطالعات تطبیقی است و با استفاده از روش بردی انجام شده است. کاوش در شیوه‌های اجرایی بهترین سیستم‌های آموزشی دنیا (فنلاند، دانمارک، آلمان، بریتانیا، ایالات متحده) که دارای برنامه جامع در زمینه فعالیت بدنی در مدرسه بوده‌اند، نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها ابتکار فعالیت‌های بدنی را طراحی و اجرا نموده‌اند که درصدد افزایش فرصت‌های فعالیت بدنی در دسترس کودکان قبل، حین و بعد از مدرسه است و می‌تواند کمبود ساعات فعالیت بدنی در درس تربیت بدنی مدارس را نیز جبران نماید.

واژگان کلیدی: ورزش مدارس، برنامه جامع فعالیت بدنی مدرسه، فرصت فعالیت بدنی.

1. Email: ss_jamshidi@yahoo.com

2. Email: razavismh@yahoo.com

3. Email: m_dostipasha@yahoo.com

مقدمه

پایه‌های رفتار فعال بدنی، در اوایل زندگی شکل می‌گیرد و آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین و گسترده‌ترین نهاد فرهنگی و اجتماعی کشور بیشترین تأثیر را بر کودکان و نوجوانان دارد (هیلز^۱، ۲۰۱۵). چرا که فعالیت بدنی در مدرسه و در دوران کودکی و نوجوانی، فرصتی عالی برای یادگیری و تمرین مهارت‌هایی است که باعث تقویت آمادگی جسمانی و سلامتی مادام‌العمر (جانسن^۲، ۲۰۱۰) و افزایش ضریب هوشی در جهت یادگیری مطالب علمی و به دنبال آن توسعه علمی در کشور می‌شود (میناسیان، ۲۰۱۶). اگر چه نشستن بخشی ذاتی از طبیعت انسان است اما عدم تحرک بدنی، یک سبک زندگی غیر فعال و چاقی احتمالی و همبسته یک پدیده گسترده در سراسر جهان است (گالوتا^۳، ۲۰۱۶) که به عنوان یکی از جدی‌ترین چالش‌های جهانی بهداشت عمومی در قرن بیست و یکم شناخته می‌شود (بلر^۴، ۲۰۰۹). سازمان بهداشت جهانی^۵ نیز عدم تحرک بدنی را چهارمین عامل خطر مرگ و میر در جهان معرفی نموده است (کاتساروا^۶، ۲۰۱۶). در دهه‌های اخیر، اطلاعات مربوط به افزایش میزان عدم تحرک جسمی در بین افراد در سنین رشد، افزایش چشم‌گیری داشته (نینگ ژائو^۷، ۲۰۱۹) و سبب بالا رفتن چاقی و اضافه وزن در بین کودکان و نوجوانان شده است. طی برآوردهای انجام شده در سال ۲۰۱۶، تعداد کودکان چاق در سنین دبستان و نوجوانی نسبت به چهار دهه گذشته با افزایش ده برابری، از ۱۱ میلیون به ۱۲۴ میلیون نفر رسیده است؛ این در حالی است که در این آمار، ۲۱۶ میلیون کودک دارای اضافه وزن بوده‌اند و در طبقه چاقی قرار نگرفته‌اند (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۸، d). اهمیت توجه به چاقی در دوران کودکی و نوجوانی به چندین دلیل است: (۱) با خطر بیشتر و بروز زودرس اختلالات مزمن مانند بیماری‌های قلبی و دیابت نوع ۲ همراه است؛ (۲) دارای عواقب روانشناختی نامطلوب بوده و پیشرفت تحصیلی را پایین می‌آورد؛ (۳) احتمالاً منجر به اضافه وزن و چاقی مادام‌العمر خواهد شد. حتی اگر چاقی و اضافه وزن در دوران کودکی و نوجوانی عوارض طبی قابل مشاهده‌ای نداشته باشد ولی در دهه‌های بعد، می‌تواند سبب کاهش کارایی اجتماعی فرد و تحمیل هزینه‌های گزاف به خانواده و نظام بهداشتی شود (حبیبی، ۲۰۱۵).

-
1. Hills, Dengel & Lubans
 2. Janssen & Leblanc
 3. Gallotta & etal
 4. Blair
 5. World Health Organization (WHO)
 6. Katsarova
 7. Ning Zhao, Ping Dong, Wu, Ling Wang, Ullah & Fen Fu

ورزش و فعالیت بدنی یک عنصر کلیدی در مبارزه با چاقی کودکان است (میسینگ^۱، ۲۰۱۹) که سبب بهبود ترکیب بدن، تنفس، سلامت قلبی و عروقی و استخوان‌ها و نشانگرهای بیولوژیکی متابولیک می‌شود. علاوه بر این، فعالیت بدنی جوانان می‌تواند اثرات مثبت مستقیم و غیرمستقیم بر سلامتی بزرگسالی داشته باشد که نشان از اهمیت شروع فعالیت بدنی در اوایل زندگی است (وزارت بهداشت و خدمات انسانی ایالات متحده^۲، ۲۰۰۸). سازمان بهداشت جهانی نیز به اهمیت فعالیت بدنی به عنوان عامل اصلی کیفیت زندگی، سلامت جسم و روان افراد تأکید نموده است و برای پیشگیری از روند چاقی، ۱۵۰ دقیقه در هفته فعالیت هوازی برای بزرگسالان و حداقل ۶۰ دقیقه در روز فعالیت بدنی متوسط تا شدید برای جوانان و کودکان توصیه می‌نماید (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۶). در حال حاضر تناقضی که در این رابطه وجود دارد این است که علی‌رغم افزایش نگرانی‌ها در مورد تندرستی و افزایش توصیه به انجام فعالیت جسمانی، اکثریت افراد جامعه از جنبه جسمانی کم‌تحرک می‌باشند (میناسیان، ۲۰۱۶). تقریباً ۸۱ درصد از نوجوانان در جهان (۷۸٪ پسران، ۸۴٪ دختران) پایین‌تر از حداقل حدود توصیه شده، فعالیت دارند (سازمان بهداشت جهانی d، ۲۰۱۸).

سازمان بهداشت جهانی با برنامه جدید -افراد فعال‌تر برای دنیای سالم‌تر^۳- تأکید می‌نماید که با تغییر در الگوی سبک زندگی، می‌توان فعالیت بدنی منظم را با توجه به توانایی افراد در طول زندگی ایجاد کرد. این برنامه به درخواست دولت‌ها برای داشتن دستورالعمل‌های به‌روز در مورد سیاست‌های مؤثر برای افزایش فعالیت بدنی افراد جامعه پاسخ می‌دهد. این برنامه از چهار هدف استراتژیک تشکیل شده که عبارتند از: ۱. ایجاد جوامع فعال (هنجارها و رفتارهای اجتماعی)؛ ۲. ایجاد محیط‌های زندگی فعال (فضاها و مکان‌ها)؛ ۳. ترویج شیوه‌های زندگی فعال (برنامه‌ها و فرصت‌ها) و ۴. تمرکز سیستم‌های دولتی به سمت ارتقای فعالیت‌های بدنی و سلامت (اهرم‌های سیاسی و دولتی) (سازمان بهداشت جهانی c، ۲۰۱۸).

با توجه به تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف که مدارس را به عنوان مراکز اصلی و کانون مداخلات پیشگیری از چاقی معرفی نموده‌اند و البته سازمان بهداشت جهانی که آموزش با کیفیت برای همه دختران و پسران را به منظور کاهش رفتارهای بی‌تحرک و ارتقای فعالیت‌های بدنی و ایجاد محیط‌های یادگیری بهتر، دارای اهمیت می‌داند (د.آنا^۴، ۲۰۱۹)؛ نقش اساسی فضای آموزشی بیش از پیش مشخص می‌شود. مهم‌ترین دلایلی که مدارس را محیط مناسبی برای توسعه فعالیت بدنی می‌داند عبارتند از

1. Messing & et al
2. USDHHS (United States Department of Health and Human Services)
3. More active people for a healthier world
4. D'Anna, Forte & Gomez

- میزان دسترسی: مدارس در تمام مناطق وجود دارند و کودکان و نوجوانان می‌توانند به آسانی به آن دسترسی پیدا کنند.
 - زمان و دامنه فعالیت: مدارس سالانه حدوداً ۱۸۰ روز در سال را با دانش آموزان در ارتباط هستند. (کاتساروا، ۲۰۱۶).
 - وجود پرسنل کافی و تجهیزات: مدارس تا حدودی زمینه لازم را در اختیار دارند. با توجه به محدودیت منابع، افزایش جمعیت و رشد نیازها در عصر حاضر، این امر بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد (میناسیان، ۲۰۱۶).
 - کاهش رفتارهای بی‌تحرك: دانش آموزان حدوداً ۷-۸ ساعت از زمان بیداری خود را به صورت غیر فعال صرف مدرسه و مطالعه می‌نمایند. بنابراین مدارس، فرصت مناسبی برای کاهش رفتارهای بی‌تحرك و افزایش آگاهی آنان است.
 - پیوند با اجتماع: پتانسیل گسترش ورزش در مدارس تأثیر بیشتری بر جوانان و خانواده‌های آنها در گسترش فرهنگ فعالیت بدنی در جامعه دارد (بهداشت عمومی انگلستان^۱، ۲۰۱۹).
- کمیسون اروپا^۲ در مقاله خود در مورد ورزش اظهار داشت که ورزش در مدارس شامل دروس اجباری تربیت بدنی و فعالیت‌های فوق برنامه است که می‌تواند سبب آموزش مهارت‌ها و مزایای سلامتی شود. تربیت بدنی که در برنامه درسی ملی اکثر کشورها الزامی است، فرصت منحصر به فردی برای رشد سواد بدنی^۳ است. یک فرد با سواد به لحاظ بدنی فردی است که دانش، مهارت‌ها و اعتماد به نفس برای کسب لذت مادام‌العمر از فعالیت بدنی را دارد (انجمن مربیان تربیت بدنی و سلامت آمریکا^۴، ۲۰۱۵). علاوه بر این در برخی از کشورها، بر اهمیت فعالیت بدنی و ورزش به عنوان یک روش مفید برای استفاده از وقت آزاد نیز تأکید نموده‌اند (کمیسون اروپا، ۲۰۱۳). بدین منظور محیط مدارس باید فرصت و فضاهای مناسبی برای فعالیت بدنی تعداد زیادی از کودکان برای مدت طولانی را فراهم سازد (مانتجز^۵، ۲۰۱۲).
- در یک رویکرد جامع برای ارتقای فعالیت بدنی در مدارس می‌بایست چند مؤلفه را در نظر گرفت. برنامه جامع فعالیت بدنی مدرسه^۶ یک رویکرد چند وجهی است و مدارس با کمک آن می‌توانند از همه فرصت‌ها برای افزایش فعالیت بدنی دانش آموزان استفاده کنند تا دانش، مهارت و اعتماد به نفس فعال بودن در طول زندگی را در کودکان و نوجوانان توسعه دهند. مؤلفه‌های موجود در این برنامه

1. Public Health England
2. European Commission
3. physical literacy
4. Society of Health and Physical Educators (SHAPE America)
5. Mantjes, Jones, Corder & et al
6. Comprehensive School Physical Activity Program (CSPAP)

عبارتند از ۱- تربیت بدنی با کیفیت (به عنوان پایه و اساس)؛ ۲- فعالیت بدنی قبل و بعد از مدرسه؛ ۳- فعالیت بدنی در کلاس درس؛ ۴- مشارکت کارکنان؛ ۵- تعامل خانواده و اجتماع.

بنابراین به جز کلاس درس تربیت بدنی، ورزش در مدارس را می‌توان به چهار نوع تقسیم نمود:

۱. استراحت فعال در زنگ‌های تفریح: استراحت فعال شامل فرصت‌هایی برای فعالیت بدنی و زیرساخت‌های مناسب، مانند مسیرهای پیاده روی در حیاط مدرسه، امکانات کافی برای زمین بازی و دسترسی به تجهیزات است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۸).

۲. ایجاد استراحت فعال در ساعات دروس: استراحت فعال درون کلاس درس شامل فعالیت بدنی مختصر و ساختار یافته در طول درس است تا دوره‌های طولانی نشستن را از بین ببرد. به عنوان مثال در اسلوونی، معلمان دروس غیر تربیت بدنی، تشویق می‌شوند گاهی اوقات درس‌های کلاس خود را برای زمان سلامتی^۱ قطع نمایند و در این وقفه مختصر، دانش آموزان فعالیت‌های حرکتی و آرامشی انجام می‌دهند (مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها، ۲۰۱۸). ارزیابی این ابتکار نشان داد که گنجاندن فعالیت بدنی در سایر دروس مانند زبان (دانمارکی) و ریاضیات، باعث بهبود رفاه و یادگیری دانش آموزان می‌شود. علاوه بر این دانش آموزان در کلاس‌ها ساکت‌تر هستند و تمرکز و توانایی بهتری برای یادگیری دارند (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۸).

۳. ایجاد فرهنگ سفر فعال به مدرسه: ارتقای حمل و نقل فعال به مدرسه یکی دیگر از راهکارهای مؤثر برای ارتقای فعالیت بدنی در بین کودکان و نوجوانان است. سفر فعال به هر نوع سفر غیر موتوری از جمله پیاده روی، دوچرخه سواری، اسکیت بورد و غیره که برای افزایش فعالیت‌های بدنی شناخته می‌شود، اشاره دارد.

۴. ایجاد فعالیت‌های فوق برنامه در ساعات بیرون از مدرسه: در قالب کانون‌های ورزشی و اردوها. همه این مؤلفه‌ها این پتانسیل‌ها را دارند که بتوانند در دستیابی به سطح فعالیت‌های بدنی توصیه شده روزانه نقش داشته باشند. اهداف این برنامه نیز عبارتند از (۱) ارائه انواع فعالیت‌های بدنی مبتنی بر مدرسه (به‌منظور دستیابی کلیه دانش آموزان به ۶۰ دقیقه فعالیت بدنی متوسط تا شدید روزانه)؛ (۲) ایجاد هماهنگی بین مؤلفه‌ها برای به حداکثر رساندن درک، کاربرد و تمرین دانش و مهارت‌های آموخته شده در تربیت بدنی، به گونه‌ای که کلیه دانش آموزان برای یک عمر فعالیت بدنی کاملاً از نظر جسمی آموخته و مجهز باشند (مرکز پیشگیری و کنترل بیماری‌ها، ۲۰۱۳). از نظر انجمن مربیان تربیت بدنی و بهداشت آمریکا، برای اجرای برنامه تربیت بدنی با کیفیت باید مؤلفه‌های فرصت یادگیری، محتوای معنادار، دستوالعمل مناسب و ارزیابی دانش آموز و برنامه را در نظر گرفت.

1. The Health Minute
2. Centers for Disease Control and Prevention

بررسی طیف وسیعی از تحقیقات، نشان می‌دهد که برنامه‌های ساختارمند در برنامه درسی رسمی مدارس، از جمله مداخلات مربوط به درس تربیت بدنی، تأثیر مثبتی بر رفتار فعالیت بدنی در کودکان دارد (بهداشت عمومی انگلستان و میسینگ، ۲۰۱۹). گروفیک^۱ (۲۰۲۰) نیز در پژوهشی به مقایسه دو سیستم مختلف آموزشی لهستان و جمهوری چک که به ترتیب چهار و دو درس تربیت بدنی در هفته داشت، پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که دروس تربیت بدنی بیشتر با افزایش فعالیت بدنی شدید روزانه در نوجوانان همراه است. بنابراین افزایش تعداد ساعت درس تربیت بدنی، یک استراتژی کلیدی برای ارتقای فعالیت بدنی در سطح مدارس است که علاوه بر افزایش ضریب هوشی، باعث بهبود کیفیت درس تربیت بدنی و بالا رفتن زمان صرف شده در فعالیت بدنی با شدت متوسط می‌شود. بنابراین تأثیر زیادی بر کل فعالیت بدنی روزانه در دانش آموزان می‌گذارد. کودلاک^۲ (۲۰۲۰) نیز اظهار داشت هنگام ایجاد شرایط برای ارتقای سطح فعالیت بدنی نوجوانان، لازم است انواع دلخواه فعالیت بدنی آنان را در نظر گرفت. میسینگ (۲۰۱۹) در مطالعه خود نشان داد که چون استفاده از مداخلات چند جزئی موفق‌تر از مداخلات تک جزئی است بنابراین می‌بایست فعالیت‌های قبل و بعد از مدرسه را جدی گرفت. به خصوص بخش‌هایی مانند درس تربیت بدنی و صبحگاه، که منابع مهمی برای درگیری پسران و دختران در فعالیت بدنی متوسط تا شدید هستند. در این زمینه، بالا بودن میزان حضور دانش آموزان از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا اثربخشی برنامه را ارتقا می‌دهد (میسینگ، ۲۰۱۹؛ کوبل^۳، ۲۰۱۷). ضمناً برای اجرای موضوع‌های مربوط به محتوای درس تربیت بدنی، بحث فضا و تجهیزات بسیار اهمیت دارد. تغییر محیط مدرسه به ویژه تهیه تجهیزات و زمین‌های بازی در فعالیت بدنی کودکان در مدرسه تأثیر دارد و استفاده از علائم زمین بازی می‌تواند باعث افزایش فعالیت بدنی در کودکان در هنگام زنگ‌های تفریح و یا استراحت‌های بین دروس شود (اسکالانت^۴، ۲۰۱۴؛ ملیچی، ۲۰۱۸). بنابراین، ورزش در مدارس فقط به آموزش مهارت‌های بدنی محدود نمی‌شود و صرفاً از بعد تفریحی برخوردار نیست. اهدافی که فراتر از تربیت بدنی و ورزش است (از جمله سلامتی، پیشرفت شخصی و مشارکت اجتماعی) سبب شده که تربیت بدنی مفهوم بازی به شکل آزاد یا حکم ساعت تنفس میان دو کلاس را نداشته باشد. بنابراین معلم تربیت بدنی نقش بسیار مهمی در پرورش دانش آموزان به معنی رشد آنها در ابعاد مختلف دارد (کمیسون اروپا، ۲۰۱۳). در نتیجه می‌بایست خط‌مشی‌ها، جدول زمانی و برنامه‌های درسی به گونه‌ای در نظر گرفته شود که فرصت کافی برای فعالیت جسمانی کودکان در طول روز فراهم نماید (کوبل، ۲۰۱۷)

-
1. Groffik
 2. Kudlacek
 3. Kobel, Kettner, Lämmle & Steinacker
 4. Escalante

با توجه به این که انسان از دیرباز در اندیشه استفاده مفید، کارا و اثربخش از توانایی‌ها، امکانات و منابع در دسترس خود بوده است و این که در اکثر کشورها، دولت کنترل بخش آموزش را به عهده دارد و همکاری مؤثر بین نظام آموزش و سلامت می‌تواند به ایجاد محیط‌های سالم در مدارس و ترویج آموزش تغذیه و فعالیت بدنی در آنان کمک نماید (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۷)، مسئله اصلی تحقیق این بود که در سطح اروپا و در کشورهای توسعه یافته به منظور ارتقای ورزش مدارس همچنین دستیابی به میزان توصیه شده فعالیت بدنی روزانه در کودکان و نوجوانان از چه راهبردهایی استفاده کرده و چه تغییراتی در برنامه ورزش مدارس لحاظ نموده‌اند. بنابراین، اهداف جزئی عبارتند از (۱) بررسی کیفیت درس تربیت بدنی در کشورهای مورد مطالعه به منظور پاسخگویی به سطح فعالیت بدنی مطلوب؛ (۲) بررسی استراتژی مدارس و فوق برنامه‌ها در کشورهای مورد مطالعه و (۳) بررسی راهکارهای کشورهای مورد مطالعه برای کمبود ساعت فعالیت بدنی در مدارس. در نهایت، با مقایسه یافته‌های تحقیق با وضعیت ایران راهکارهای مفیدی برای بهبود ورزش مدارس در کشور ارائه نمایند.

روش پژوهش

این تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نوع پژوهش‌های تطبیقی است. از روش چهار مرحله‌ای بردی^۱ (توصیف، تفسیر، هم‌جواری و مقایسه) که معمولاً در مطالعات تطبیقی به کار برده می‌شود، استفاده شده و بر همین اساس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است (بردی، ۱۹۶۴ به نقل از بنی عامریان، ۲۰۱۵). جامعه آماری پژوهش، برنامه ورزش مدارس کلیه کشورها بود و نمونه آماری به روش هدفمند کشورهای فنلاند، دانمارک، آلمان، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا انتخاب شدند که در تدوین برنامه جامع فعالیت بدنی در مدارس پیشگام بوده‌اند. ابزار پژوهش مطالعه کتابخانه‌ای نظام‌مند با استفاده از روش فیش‌برداری از بین اسناد ملی کشورهای مختلف، گزارش‌های بین‌المللی، مقالات و برخی بررسی‌های بین‌المللی انجام شد. جستجو از طریق موتورهای جستجو مختلف و از پایگاه‌های داده مانند ساینس دایرکت^۲، گوگل اسکولار^۳ و ریسرچ گیت^۴ و همچنین از طریق وب سایت‌های کشورهای مختلف عضو اتحادیه اروپا و وزارتخانه‌های آموزشی مرتبط انجام گرفت. نزدیک به ۱۰۰ مقاله و اسناد منتخب اروپایی و آمریکایی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات دقیق ملی از وضعیت ورزش مدارس و برنامه جامع فعالیت بدنی در مدارس و ابتکارات کشورها به منظور افزایش سطح فعالیت بدنی کودکان و نوجوانان، از صفحه‌های اطلاعاتی کشورها توسط دفتر منطقه‌ای سازمان

-
1. Bereday
 2. Science Direct
 3. Google Scholar
 4. Research Gate

بهداشت جهانی، کمیسیون اروپا، سمینار انجمن تربیت بدنی اروپا^۱ (۲۰۱۸) و وب سایت وزارت آموزش دریافت گردید.

نتایج

جدول ۱- مقایسه ویژگی‌های کشورهای مورد بررسی

نام کشور	مساحت Km ²	جمعیت به نفر	نوع حکومت	تقسیمات کشوری
ایالات متحده آمریکا	۸/۹۰۰/۰۰۰	۳۳۰/۰۰۰/۰۰۰	جمهوری فدرال	۵۰ ایالت
آلمان	۳۵۷/۳۸۶	۸۲/۵۲۱/۶۵۳	جمهوری فدرال دموکراتیک پارلمانی	۱۶ ایالت
فنلاند	۳۳۸/۱۴۵	۵/۵۰۳/۲۹۷	جمهوری	۱۹ منطقه
دانمارک	۴۳/۰۹۴	۵/۷۴۸/۷۶۹	پادشاهی مشروطه	پنج استان
بریتانیا کبیر	۲۴۲/۴۹۵	۶۷/۸۴۲/۰۰۰	سلطنت مشروطه و نظام پارلمانی	چهار کشور
ایران	۱/۶۴۸/۱۹۵	۸۲/۰۰۰/۰۰۰	جمهوری اسلامی	۳۱ استان

سؤال اول: در کشورهای مورد مطالعه، کیفیت درس تربیت بدنی به منظور پاسخگوی به سطح فعالیت بدنی مطلوب در کودکان و نوجوانان چگونه است؟

جدول ۲- مقایسه تمرکز ساختار سازمانی در تدوین برنامه درسی در کشورهای مورد مطالعه

نام کشور	الگوی برنامه ریزی درسی	نوع برنامه ریزی درسی		اختیار تعدیل و تغییر توسط مدارس
		برنامه درسی ملی	استاندارد استانی/ ایالتی	
ایالات متحده آمریکا	غیر متمرکز	*	*	*
آلمان	غیر متمرکز	*	*	*
فنلاند	غیر متمرکز	*	-	*
دانمارک	غیر متمرکز	*	*	*
بریتانیا کبیر	غیر متمرکز	*	*	*
ایران	متمرکز	*	-	-

از لحاظ نوع برنامه ریزی درسی و میزان انعطاف برنامه، کشورهای ایالات متحده آمریکا، آلمان، فنلاند، دانمارک و بریتانیا، چون به صورت غیر متمرکز اداره می‌شوند، نظام آموزش ملی وجود ندارد. در ایالات متحده آمریکا فعالیت‌های ورزشی در راستای استاندارد ملی که توسط انجمن ملی ورزش و تربیت بدنی طراحی شده، برنامه ریزی می‌شوند. در آلمان نیز با وجود این که هر ایالت تا حدودی اختیار برنامه ریزی را برای خود محفوظ داشته است، اما سیاست‌های کلی مشترکی توسط دولت فدرال برای تمام ایالت‌ها وجود دارد که اجرای آن برای همگی ضروری است. حتی در سطح هر یک از ایالت‌ها نیز با وجود اختیارات وسیعی که معلمان دارا هستند، کتاب درسی مورد نظر آنها باید به تأیید وزارت خانه مسئول در آن ایالت برسد. عدم تمرکز در دانمارک مبنای تخصیص وقت برای معلمان و منابع برای فعالیت‌های بودجه مدرسه است. برخی از حوزه‌ها، مانند مدیریت منابع انسانی و عملیات، از سطح ایالتی به سطح محلی مانند شهرداری‌ها غیرمتمرکز شده‌اند. در حالی که حوزه های دیگر مانند برنامه درسی، اهداف و پاسخگویی، در سطح ایالت قرار دارند.

در بریتانیا، مقامات مرکزی سطوح بالای مدیریت، چهارچوب و ویژگی‌های محتوای برنامه درسی اجباری و حداقل محتوایی که باید تدریس شود، تعیین می‌کنند. مقامات محلی آموزشی و معلمان، برنامه‌های درسی تفصیلی را تنظیم می‌نمایند. در ضمن، مدارس می‌توانند درباره زمان آموزش و تقسیم بندی برنامه درسی تصمیم‌گیری کنند. در انگلستان و ولز وزارت آموزش و پرورش، مسئول نظارت و بازنگری برنامه‌های درسی است. افزون بر آن، مقامات محلی آموزش و پرورش، هیأت مدیره و مدیر مدرسه، مسئول اجرا و ارزشیابی و بازنگری برنامه‌های درسی هستند. وزارت آموزش و هیأت ملی آموزش فنلاند، اندکی با سایر کشورهایی که نظام غیر متمرکز دارند متفاوت است؛ چرا که برنامه‌های گسترده آموزش ملی، محتوای برنامه‌های آموزشی را تعیین می‌نماید و در اختیار معلمان و مدارس قرار می‌دهد و معلمان مدارس از پاسخگویی انعطاف پذیر که تأثیر مثبت عمده‌ای در آموزش و در یادگیری دانش آموزان دارد، بهره می‌گیرند. به عبارت دیگر در این سیستم، ارزیابی یادگیری دانش آموزان بیشتر بر اساس آزمون‌های ساخته شده توسط معلم است.

بر اساس سیستم آموزشی متمرکز در ایران، برنامه‌های درسی، اهداف، تخصیص زمان آموزش و نحوه ارزیابی دانش آموزان و سیاست‌های مربوط به تخصیص اعتبار و تأمین نیرو در سطح ملی تدوین می‌گردد و معلم مجری و تسهیل‌گر برنامه‌های تدوین شده است.

جدول ۳- مقایسه اهداف برنامه درسی تربیت بدنی در کشورهای مورد مطالعه

حیطه‌ها	اهداف	ایالات متحده	آلمان	فنلاند	دانمارک	بریتانیا	ایران
حیطه شناختی	افزایش دانش و اطلاعات مربوط به تناسب اندام و تمرین بدنی و استفاده از این دانش	-	-	-	-	*	*
	افزایش دانش و اطلاعات در مورد بهداشت، ایمنی فعالیت بدنی، تغذیه و استفاده از این دانش	-	-	*	*	*	*
	افزایش دانش و اطلاعات در مورد ورزش و مهارت‌های حرکتی، توانایی تجزیه و تحلیل حرکات و اجزای حرکت، کسب تکنیک‌ها و استراتژی‌های بازی و استفاده از این دانش	*	-	-	-	*	*
حیطه عاطفی	ایجاد دیدگاه مثبت نسبت به فعالیت‌های بدنی و تمایل به شرکت در بازی‌های جسمی و انواع ورزش‌ها و فعالیت‌های بدنی منظم و عادات سلامتی	*	-	*	*	-	*
	توسعه مثبت نسبت به قوانین بازی و احترام به آنها و انجام آنها و نشان دادن رفتار مسئولانه در شرایط بازی و ورزش.	*	-	-	-	-	*
	ایجاد دیدگاه مثبت نسبت به ارزش‌های اجتماعی از جمله فرهنگ جامعه، احساس همکاری گروهی، مسئولیت پذیری، نظم و انضباط اجتماعی، احترام به تفاوت‌های شخصی و توانایی برقراری روابط مثبت با دیگران (رشد اجتماعی). ایجاد دیدگاه مثبت نسبت به بهداشت و عادات بهداشتی شخصی و رعایت آنها و ایجاد ارزش‌های شخصی از جمله عزت نفس و اعتماد به نفس در ورزش و موقعیت‌های زندگی (رشد فردی و شخصیتی).	*	*	*	*	*	-

ادامه جدول ۳- مقایسه اهداف برنامه درسی تربیت بدنی در کشورهای مورد مطالعه

حیطه‌ها	اهداف	ایالات متحده	آلمان	فنلاند	دانمارک	بریتانیا	ایران
	یادگیری مهارت‌های اساسی حرکتی و جسمی و بکارگیری آنها در شرایط زندگی و ورزشی و انجام فعالیت‌های بدنی (کمک به رشد حرکتی و جسمی).	*	*	*	*	*	*
حیطه مهارتی	کسب تناسب اندام (افزایش و حفظ آن از طریق تمرینات بدنی).	*	-	-	-	-	*
	شرکت در بازی‌های بدنی و ورزشی و فعالیت‌های بدنی منظم.	*	*	*	*	*	*
	یادگیری مهارت‌های ورزشی (مهارت‌های اساسی در ورزش).	-	-	*	-	-	*
	انجام الگوهای حرکتی با بهبود هماهنگی و کنترل عملکرد.	-	-	-	-	*	*

هدف کلی تربیت بدنی در اکثر کشورها، ارتقای رشد جسمانی، روانی، اجتماعی و اخلاقی دانش آموزان و هدایت آنها به سمت فعالیت بدنی مادام‌العمر است. به طور ویژه، تربیت بدنی مدرسه با هدف ارتقای توانایی دانش آموزان در مهارت‌های حرکتی و الگوهای حرکتی، ارتقای یک سبک زندگی فعال و آمادگی جسمانی، ارتقای رفتار شخصی و اجتماعی مسئولانه، ترویج ارزش‌های مناسب و لذت بردن از فعالیت بدنی است. همان‌طور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، بالاترین تکرار مربوط به اهداف به ترتیب مربوط به رشد حرکتی و جسمی، رشد شخصی و اجتماعی، شرکت در بازی‌های بدنی و ورزشی و فعالیت‌های بدنی منظم، افزایش دانش و اطلاعات در مورد بهداشت، ایمنی فعالیت بدنی، تغذیه و استفاده از این دانش، ایجاد دیدگاه مثبت نسبت به فعالیت بدنی و تمایل به شرکت در بازی‌های بدنی و انواع ورزش‌ها و تقویت فعالیت‌های بدنی منظم و عادات سلامتی است. در سطح آموزش مقدماتی، تأکید اصلی بر یادگیری طیف گسترده‌ای از مهارت‌های حرکتی است. در سطح دبیرستان، برنامه درسی بر آموزش مهارت‌های ورزشی و اتخاذ یک سبک زندگی سالم و از نظر جسمی فعال و کسب درک از چگونگی تأثیر مثبت فعالیت بدنی بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی تأکید دارد.

جدول ۴- محتوای درس تربیت بدنی در کشورهای مورد مطالعه

کشورها	بازی‌ها	ژیمناستیک	دو و میدانی	رقص	شنا	سلامت و آمادگی جسمانی	ماجراجویی در فضای باز	دیگر
ایالات متحده آمریکا	◀▶	▶	◀▶	◀▶				
آلمان	◀▶	◀▶	◀▶	◀▶	◀▶	◀	-	◀
فنلاند	◀▶	◀▶	-	◀▶	◀▶	-	◀▶	◀▶
دانمارک	◀▶	◀▶	-	-	◀▶	◀▶	◀▶	-
بریتانیا کبیر	◀▶	◀▶	◀▶	◀▶	◀▶	◀▶	◀▶	-
ایران	◀▶	▶	▶	-	-	◀▶	-	◀▶

◀ مقطع متوسطه

▶ مقطع ابتدایی

از نظر محتوای تدریسی، مدارس برخی از کشورها همچون دانمارک، آلمان و ایالات متحده از استقلال عمل برخوردارند. در انگلستان، ولز و ایرلند شمالی محتوای مشترک بود و مدارس استقلال ندارند اما در اسکاتلند محتوای معرفی نشده و در عوض مدارس دارای استقلال هستند. اما به طور کلی بررسی اسناد مختلف نشان می‌دهد که بازی‌های توپی، دو و میدانی، ژیمناستیک و رقص فعالیت‌هایی هستند که معمولاً بیشترین زمان درس تربیت بدنی مدارس در مقاطع ابتدایی و متوسطه را به خود اختصاص داده‌اند. بازی‌های توپی، دو و میدانی و ژیمناستیک، بیش از ۷۰ درصد محتوای برنامه‌درسی تربیت بدنی در سطح ابتدایی است. در مدارس متوسطه نیز وضعیت یکسان است، تنها تفاوت این است که دو و میدانی با ۱۷ درصد در رتبه دوم قرار دارند و پس از آن ژیمناستیک با ۱۳ درصد قرار گرفته است. در ایران نیز محتوای آموزشی تا حدودی یکسان است؛ اگر چه به علت عدم وجود امکانات کافی هنوز هم ژیمناستیک و شنا، در مدارس به شکل رسمی و جدی پیگیری نمی‌شود.

جدول ۵- ساعات‌های هفتگی برای تدریس اجباری درس تربیت بدنی در برنامه‌های درسی مدارس

کشورها	توضیحات مربوط به هر کشور
ایالات متحده آمریکا ^۱	پایه‌های اول تا پنجم، ۱۵۰ دقیقه در هر هفته پایه‌های ششم تا دوازدهم ۲۲۵ دقیقه در هر هفته
آلمان ^۲	پایه‌های اول تا نهم ۳ ساعت در هفته
فنلاند ^۳	پایه‌های اول تا نهم دو یا سه جلسه ۴۵ دقیقه‌ای در هر هفته
دانمارک ^۴	پایه‌های اول تا سوم: ۹۰ دقیقه در هر هفته؛ پایه‌های چهارم تا ششم: ۱۳۵ دقیقه در هر هفته؛ پایه‌های هفتم تا نهم: ۹۰ دقیقه در هر هفته
بریتانیای کبیر	پایه‌های اول تا نهم حداقل ۲ ساعت در هفته
ایران	پایه‌های اول تا ششم، ۲ ساعت در هر هفته پایه‌های هفتم تا دوازدهم، یک کلاس ۹۰ دقیقه‌ای در هر هفته

همان‌طور که در جدول شماره ۵ نشان داده شده است، بیشترین ساعت اختصاص داده شده به درس تربیت بدنی در مقطع ابتدایی مربوط به کشورهای آلمان و ایالات متحده آمریکا با ۱۸۰ و ۱۵۰ دقیقه فعالیت در هفته است. در مقطع متوسطه نیز ایالات متحده آمریکا با ۲۲۵ دقیقه فعالیت در هفته در رأس قرار گرفته و بعد از آن آلمان با ۱۸۰ دقیقه ورزش هفتگی دارای بیشترین زمان تدریس درس تربیت بدنی است. کشورهای فنلاند، دانمارک با زمان بین ۹۰ تا ۱۳۵ دقیقه ورزش هفتگی در رتبه‌های بعدی هستند. در انگلستان نیز، ۲ ساعت در هفته توصیه وزارت آموزش و پرورش است و می‌تواند این مقدار بیشتر هم باشد (چون قانوناً قرار دادن مدت زمان معین، برای دروس ممنوع است). کشور ایران در هر دو مقطع، ۲ ساعت درس تربیت بدنی در هفته می‌باشد که در مقطع ابتدایی در قالب دو جلسه تمرینی ۴۵ دقیقه‌ای و در مقطع متوسطه در یک جلسه ۹۰ دقیقه‌ای ارائه می‌شود.

1. References of SHAPE America
2. References of WHO (b), 2018
3. References of WHO (b), 2018
4. References of D'Anna & et al, 2019

جدول ۶- تخصص لازم برای آموزش درس تربیت بدنی

کشورها	ابتدایی		متوسطه	
	معلمان عمومی	معلمان متخصص	معلمان عمومی	معلمان متخصص
ایالات متحده آمریکا		*	*	
آلمان	*			*
فنلاند		*	*	
دانمارک		*	*	
بریتانیا		*	*	
ایران	*	*		*

مطالعه تطبیقی اسناد منتخب نشان می‌دهد که تدریس تربیت بدنی در مدارس ابتدایی توسط معلمان عمومی و یا معلمان تخصصی، بسته به در دسترس بودن، استقلال و منابع مدرسه انجام می‌شود. به طور کلی در سطح ابتدایی، حداقل مدرک تحصیلی مورد نیاز یک مدرک دانشگاهی است. در بعضی از کشورها مانند آلمان این امر را می‌توان توسط معلمان عمومی که موظف به آموزش همه چیز هستند، آموزش داد. در دبیرستان‌ها، تصویر کشورها یکدست‌تر است؛ چرا که معلمان تربیت بدنی متخصص و دارای مدرک می‌بایست کلاس‌ها را اداره نمایند. وضعیت ایران نیز با کشورهای مورد مطالعه برابر است.

از نظر سرانه فضاهای ورزشی نیز مدارس ایران با استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارند. سرانه فضای ورزشی کشور ایران یک سوم استاندارد جهانی است. بررسی فضاهای ورزشی کشورهای پیشرو در این زمینه نشان می‌دهد که تایوان و ژاپن از بیشترین سرانه فضاهای ورزشی به ازای هر یک میلیون نفر دانش آموز برخوردارند. پس از آنها دانمارک، استرالیا، لهستان و آلمان قرار گرفته‌اند. در بیشتر کشورهای مورد مطالعه از جمله آمریکا و آلمان از سالن‌های ورزشی، استخر، سالن‌های بدنسازی (رقص) و یا زمین‌های ورزشی روباز و در انتها حیاط مدرسه به عنوان مکان تشکیل کلاس درس تربیت بدنی در مدارس نام برده شده است. اما بر اساس اطلاعات موجود حدود ۱۱ درصد از مدارس ایران از سالن‌های ورزشی استفاده می‌نمایند، ۲۶ درصد مدارس دو یا بیشتر از دو زمین ورزشی (روپاز) دارند، ۳۶ درصد مدارس تنها یک زمین دارند و ۲۵ درصد مدارس زمین ایمنی برای اجرای فعالیت‌های حرکتی دانش آموزان ندارند. ضمن این‌که بررسی‌ها نشان می‌دهد در کشورهای اروپای شمالی و غربی با رونق اقتصادی، کیفیت و کمیت امکانات و تجهیزات مدارس حداقل کافی و در بعضی موارد عالی ارزیابی شده است.

سؤال دوم: استراتژی مدارس و فوق برنامه‌ها در کشورهای مورد مطالعه چگونه است؟ جدول شماره ۷ شامل رویکردهای ملی موفق است که هدف آن افزایش تعداد دانش آموزان فعال (از نظر جسمی) و همچنین بالا بردن آگاهی آنان از مزایای فعالیت‌های بدنی است.

جدول ۷- پیشنهادات مدرسه و فوق برنامه که توسط کشورها برای ارتقای فعالیت‌های بدنی اجرا شده است.

کشورها	استراتژی مدارس	استراتژی‌های فوق برنامه
ایالات متحده آمریکا	«بیابید در مدارس فعال حرکت کنیم ^۱ »: در این برنامه اولویت مدارس این است که به کودکان کمک کنند تا به توصیه‌های مربوط به فعالیت بدنی دست یابند.	
آلمان		«روی فرم ^۲ »: ابتکاری ملی برای ترویج رژیم‌های غذایی سالم و فعالیت بدنی است.
فنلاند	«در حال حرکت ^۳ »: استراحت فعال قبل و بعد از فعالیت‌های مدرسه را عناصر اصلی قرار داده است.	
دانمارک	۴۵ دقیقه تربیت بدنی روزانه (حدود ۱۵۰ ساعت در سال) در مدارس (ابتدایی و دبیرستان‌های عمومی دولتی) علاوه بر کلاس درس تربیت بدنی	سیاست ورزش دانمارک (۲۰۱۶) به همه گروه‌های جامعه امکان تضمین شرکت در ورزش یا فعالیت بدنی را می‌دهد.
بریتانیا	انگلستان، ایرلند شمالی و ولز: سفر فعال اسکاتلند: برنامه «مدرسه فعال».	کمپین «این دختر می‌تواند ^۴ »: در سال ۲۰۱۵ این کمپین برای تغییر رفتار زنان ۱۴ تا ۴۰ سال راه اندازی شد تا آنان را تشویق نماید که فارغ از شکل، اندازه و مهارت خود، فعال باشند.
ایران		مدرسه-محور کردن و عمومیت بخشیدن به فعالیت‌های فوق برنامه از جمله المپیادهای ورزشی درون مدرسه‌ای، حیاط پویا، کانون‌های ورزشی درون و برون مدرسه‌ای و نرمش صبحگاهی (وحدانی، ۲۰۱۶)

۱- ایالات متحده آمریکا: برنامه «بیابید در مدارس فعال حرکت کنیم» بر اساس مدل برنامه جامع فعالیت بدنی مدرسه است که توسط دولت فدرال آمریکا تأیید شده است و توسط چندین سازمان و

1. Let's Move Active Schools (LMAS)
2. in the form
3. On the move
4. This girl can (TGC)

شرکت‌های خصوصی (از جمله انجمن مربیان تربیت بدنی و سلامت، اتحاد برای یک نسل سالم‌تر^۱، نایک، شورای رئیس جمهور در زمینه تناسب اندام، ورزش و تغذیه) پشتیبانی می‌شود. شعار این جنبش «بچه‌های فعال بهتر انجام می‌دهند^۲» بود (مک مولن^۳، ۲۰۱۵) و هدف آن، کمک استراتژیک به انجام ۶۰ دقیقه فعالیت بدنی متوسط تا شدید توصیه شده در اولویت کار مدارس است. مطابق با برنامه جامع فعالیت بدنی مدرسه، برنامه تربیت بدنی مدارس در کانون و مرکز چاقوب جدید عمل کرده و سایر مؤلفه‌ها همچون کارکنان مدرسه و خانواده‌ها نیز بهره می‌گیرد. همچنین این برنامه، فعالیت بدنی دانش آموزان در زنگ‌های تفریح، فعالیت بدنی تلفیق شده با سایر دروس و فعالیت‌های قبل از مدرسه و بعد از مدرسه را نیز هدف قرار داده است (آزمون، ۲۰۱۷). ویژگی منحصر به فرد دیگر این برنامه در ایالات متحده آمریکا، داوطلبانه بودن و قابلیت دسترسی آن برای کلیه مدارس است. به طوری که مدارس با مراجعه به وب سایت موجود^۴ و ثبت نام در آن، خود فرایندی را با هدف ایجاد تیمی از افراد برای کمک به اجرا و تهیه برنامه‌های عملیاتی انجام می‌دهند (مرکز پیشگیری و کنترل بیماری‌ها، ۲۰۱۳). این مدارس به منابع و ابزارهای رایگان مانند کارگاه‌های آموزشی حضوری، مطالب برنامه و کمک‌های مالی که می‌توانند از تلاش‌های اجرای برنامه پشتیبانی کنند، دسترسی پیدا می‌کنند. علاوه بر این، از کمک‌های متخصصان دارای مجوز نیز استفاده می‌کنند. هنگامی که یک برنامه نشان داد که اهداف مورد نظر خود را برآورده کرده است، به طور رسمی به عنوان برنامه «بیباید در مدارس فعال حرکت کنیم» شناخته می‌شود. نکته مهم در اجرای این ابتکار عمل، نقش معلمان تربیت بدنی است که به عنوان یک رهبر فعالیت بدنی^۵ مجدداً نقش گذاری شده‌اند و نظارت بر برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی اجزای مختلف برنامه جامع فعالیت بدنی مدرسه را هماهنگ می‌کند. در حال حاضر، انجمن مربیان تربیت بدنی و سلامت آژانسی است که کارگاه‌هایی را برای رهبرهای فعالیت بدنی مستقر در مدرسه برای ایفای نقش خود آموزش می‌دهد (مک مولن، ۲۰۱۵).

۲- آلمان: در سال ۲۰۱۶، توصیه‌های ملی کشور آلمان برای ارتقاء فعالیت بدنی در چارچوب برنامه اقدام ملی «روی فرم» معرفی شده است. این توصیه‌ها یک نوآوری را در دو سطح تشکیل می‌دهد: (۱) در سطح ملی، با ارائه اولین توصیه‌های مبتنی بر شواهد برای آلمان، با استفاده از روش علمی دقیق و (۲) در سطح بین المللی، با پیوند سیستماتیک توصیه‌های مربوط به فعالیت‌های بدنی با ارتقای فعالیت‌های بدنی.

-
1. Alliance for a Healthier Generation
 2. Active Kids Do Better
 3. McMullen & et al
 4. <http://www.letsmoveschools.org>
 5. physical activity leader(PAL)

توصیه‌های ملی برای فعالیت‌های بدنی در سال ۲۰۱۴ در وزارت بهداشت فدرال برای ارتقای فعالیت‌های بدنی در زندگی روزمره ارائه شد و با اختصاص بودجه از وزارت غذا، کشاورزی و حمایت از مصرف کننده و وزارت بهداشت فدرال، امکان پذیر گردید (سازمان بهداشت جهانی a، ۲۰۱۸). در این برنامه ملی، دولت فدرال آلمان می‌خواهد اطمینان حاصل کند که کودکان و بزرگسالان، سالم تر زندگی می‌کنند و همه از کیفیت زندگی بالاتر و افزایش کارایی بهره مند می‌شوند. در واقع هدف این است که آلمان نه تنها شرایط خوبی برای یک زندگی سالم داشته باشد، بلکه همه از آن سود ببرند. برای این منظور:

- رویکردهای مثبت برای تغذیه سالم و ورزش کافی همراه با اهداف مشترکی بسته بندی و تراز شده‌اند که اجرای آن، به طور منظم بررسی می‌شود؛
- استراتژی‌ها و تدابیری تدوین شده است که شامل رفتار فردی می‌شود و سطح منطقه‌ای و ملی را نیز در نظر می‌گیرد؛
- ساختارهایی ایجاد شده که افراد را قادر می‌سازد تا یک شیوه ارتقای سلامت را پیش ببرند (وزارت فدرال کشاورزی و حمایت از مصرف کننده، ۲۰۱۳).

اگر چه برنامه اقدام ملی نتیجه همکاری نزدیک بین دو وزارت بهداشت فدرال و غذا و کشاورزی است و یک دفتر مشترک برای هماهنگی بهتر بین آنها وجود دارد ولی ترویج سبک زندگی سالم از طریق فعالیت بدنی و رژیم غذایی یک وظیفه در بسیاری از حوزه‌های سیاست است. تصمیمات عمده برای آینده نه تنها توسط سیاست‌های بهداشتی و غذایی، بلکه در زمینه‌های برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی حمل و نقل، تحقیق، توسعه تجارت، خانواده، محیط زیست، کشاورزی، ورزش و سیاست‌های اجتماعی اتخاذ می‌شود. تنها با تثبیت این موضوع فراگیر در حوزه‌های مختلف سیاستی است که می‌توان به پیشرفت‌های عمده در وضعیت فعالیت بدنی و رژیم غذایی در آلمان دست یافت. (وزارت فدرال کشاورزی و حمایت از مصرف کننده، ۲۰۱۳)

یک کارگروه ویژه نیز بر طراحی توصیه‌هایی برای فعالیت بدنی روزانه که منعکس کننده نیازهای خاص گروه‌های هدف باشد، تمرکز نموده و پیشنهادات زیر را برای گروه‌های مختلف ارائه داده است:

- در گروه کودکان پیش دبستانی (۴ تا ۶ سال) باید در روز ۱۸۰ دقیقه و یا بیشتر فعالیت بدنی داشته باشند؛
- دو گروه سنی کودکان (۶ تا ۱۱ سال) و نوجوانان (۱۲ تا ۱۸ سال) باید هر روز ۹۰ دقیقه یا بیشتر از نظر جسمی فعال باشند. ۶۰ دقیقه از این زمان را می‌توانند صرف فعالیت‌های روزمره مثلاً حداقل ۱۲۰۰۰ قدم در روز نمایند؛

- به حداقل رساندن زمان نشستن و استفاده از وسایل حمل و نقل موتوری؛
- کاهش مصرف رسانه‌های دارای صفحه نمایش (تلویزیون، رایانه، تلفن هوشمند و ...) (پفیفر^۱، ۲۰۱۶).

۳- فنلاند: «در حال حرکت»، اقدام دولت فنلاند برای ایجاد فرهنگ فعالیت بدنی در مدارس جامع است که استراحت فعال قبل و بعد از فعالیت‌های مدرسه را عناصر اصلی قرار داده است. مدارس و شهرداری‌هایی که در این برنامه شرکت می‌کنند، برنامه‌های مختص خود را برای افزایش فعالیت بدنی در طول یک روز از مدرسه به اجرا درمی‌آورند. بودجه این برنامه توسط وزارت آموزش و پرورش تأمین شده و توسط هیات آموزش و پرورش، سازمان‌های اداری منطقه‌ای دولتی و سازمان‌های مختلف دیگر اجرا می‌شود^۲ (مک مولن، ۲۰۱۵). در مرحله آزمایشی این برنامه (۲۰۱۲-۲۰۱۰) ۲۱ پروژه منطقه‌ای-محلی با ۴۵ مدرسه و ۱۰۰۰۰ دانش آموز پایه‌های اول تا نهم در سراسر فنلاند آغاز شد. هدف آن در ابتدا ترغیب کودکان به فعالیت بدنی مطابق با توصیه‌های مربوط به فعالیت بدنی (روزانه حداقل ۶۰ دقیقه) به منظور بهبود بهزیستی، کاهش رفتارهای غیرفعال و تقویت یادگیری، مشارکت دانش آموزان و سفر فعال به مدرسه است. در سال‌های بعد هدف این بوده است که از طریق فعالیت بدنی، یک روز مدرسه فعال‌تر و دلپذیر ایجاد شود. در ماه مه ۲۰۱۷، بیش از ۹۰٪ شهرداری‌ها و ۸۰٪ مدارس جامع (۲۰۰۰ مدرسه) در این برنامه شرکت داشتند. این یکی از اصلی‌ترین پروژه‌های دانش و آموزش در برنامه دولت است که در سراسر کشور گسترش یافت (سازمان بهداشت جهانی a، ۲۰۱۸). چندین عنصر از این برنامه در فنلاند، به عنوان یک ابتکار عمل در موفقیت آن نقش دارد. این برنامه داوطلبانه بوده و در حالی که چارچوبی برای راهنمایی وجود دارد، هر مدرسه می‌تواند فعالیت‌های مناسبی را برای اجرای خود انتخاب کند تا بتواند به هدف اصلی مدرسه دست یابد. از مهم‌ترین نقاط قوت این ابتکار عمل می‌توان به دسترسی به آموزش‌های ملی (مدارس با شرکت در سمینارهای ملی به ایده‌هایی در مورد فعال‌تر شدن دانش آموزان در طول مدرسه دست یابند)، وجود مربی آموزش دیده و فرصت‌های بودجه برای پیگیری اجرای فعالیت‌ها اشاره نمود (مک مولن، ۲۰۱۵).

۴- دانمارک: ورزش روزانه به عنوان بخشی از اصلاحات مدرسه در سال ۲۰۱۳ معرفی شد. دانش آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه دولتی دانمارک برای اطمینان از بهبود یادگیری، سلامتی و بهزیستی، موظفند روزانه ۴۵ دقیقه فعالیت بدنی انجام دهند. مدارس مسئولیت دارد تا روشی را برای قرار دادن این زمان در مدرسه ایجاد نمایند و این آزادی را دارد که فعالیت‌ها را با ساختارهای یادگیری ادغام نماید و یا در طی زمان اختصاص داده شده به ورزش انجام دهند. این وزارتخانه مطالب الهام

1. Pfeifer, Banzer & et al
2. www.liikkuvakoulu.fi/in-english.

بخش را به صورت آنلاین ارائه می‌دهد و از متخصصان دعوت می‌کند تا یاد بگیرند که چگونه فعالیت بدنی را در کلاس انجام دهند. مدارس و شهرداری‌ها در طراحی برنامه‌های منظم و ساختاری یاری می‌شوند. این فعالیت‌ها می‌تواند سرمایه‌گذاری مشترک با باشگاه‌ها یا شرکت‌های ورزشی محلی نیز صورت گیرد. در این برنامه بر انگیزه، تنوع و درگیری دانش‌آموزان تأکید می‌شود (سازمان بهداشت جهانی a، ۲۰۱۸).

۵- بریتانیا

۱- اسکاتلند: برنامه «مدرسه فعال»^۱ در اسکاتلند فرصت‌های بیشتری را برای مشارکت با کیفیت بالاتر در ورزش و فعالیت بدنی قبل از مدرسه، در طول ناهار و بعد از مدرسه و همچنین مسیرهای مؤثر بین مدارس و باشگاه‌های ورزشی محلی ایجاد می‌نماید. ورزش اسکاتلند با همکاری هر ۳۲ مقام مسئول محلی برای سرمایه‌گذاری و پشتیبانی از شبکه مدارس فعال همکاری می‌کند (سازمان بهداشت جهانی b، ۲۰۱۸).

۲- انگلستان: برنامه «پیاده روی به مدرسه»^۲ در سال ۱۹۹۷ توسط یک خیریه^۳ تأسیس شد و سفر فعال به مدرسه را در بین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه سراسر انگلیس به منظور افزایش فعالیت بدنی کودکان ترویج نمود و در عین حال سبب کاهش آلودگی هوا، انتشار گازهای کربن و ترافیک به دلیل کاهش تعداد والدینی که با خودرو فرزندان خود را به مدرسه می‌رسانند، شد. همچنین در این برنامه از اثرات مفید فعالیت بدنی برای افزایش توانایی یادگیری و تمرکز کودکان در طول درس نیز بهره‌مند می‌شوند. این برنامه توسط وزارت حمل و نقل تأمین می‌شود. در سال ۲۰۱۷، یک میلیون کودک در یک چالش یک‌ساله در ۴۰۰۰ مدرسه در برنامه پیاده روی به مدرسه شرکت کردند. «پاهای خود را آزاد کنید»^۴ نیز یک چالش مشابه برای دانش‌آموزان در مدارس متوسطه است که باعث می‌شود دانش‌آموزان به مدت یک هفته، تمام یا حداقل بخشی از راه را پیاده به مدرسه بروند. طبق نظارت داخلی صورت گرفته توسط صندوق حمل و نقل پایدار محلی، ۲۳٪ کودکان پس از شرکت در این برنامه به مدت یک‌سال پیاده به مدرسه رفتند و تعداد اتومبیل‌های موجود در دروازه‌های مدرسه ۳۰٪ کاهش یافت (سازمان بهداشت جهانی a، ۲۰۱۸).

۳- ایرلند شمالی: برنامه «سفر فعال مدرسه»^۵ که هدف از آن، افزایش تعداد دانش‌آموزانی است که به طور فعال به مدرسه سفر می‌کنند. از سال ۱۹۹۵ تعداد کودکانی که در ایرلند شمالی به صورت

-
1. Active school
 2. Walk to school
 3. charity Living Streets
 4. Free your feet
 5. Active School Travel

پیاپیاده یا با دوچرخه به مدرسه می‌رفتند در حال کاهش و تعداد اتومبیل‌های سواری که به مدرسه رفت و آمد می‌نمودند، در حال افزایش بود. تا این‌که در سال تحصیلی ۲۰۱۶-۲۰۱۷، این برنامه با ۲۲۹ مدرسه که نماینده ۲۲٪ از مدارس کشور است آغاز به کار نمود. در پایان سال تحصیلی، تعداد کودکانی که پیاده روی می‌کردند و یا از دوچرخه و اسکوتر استفاده می‌نمودند، از ۳۶٪ به ۴۶٪ افزایش یافت و تعداد دانش‌آموزانی که به وسیله خودرو به مدرسه رفت و آمد می‌کردند، از ۵۶٪ به ۴۷٪ کاهش یافت. قرار است این برنامه تا سال ۲۰۲۱ با بودجه آژانس بهداشت عمومی و وزارت زیرساخت‌ها اجرا شود (سازمان بهداشت جهانی a، ۲۰۱۸).

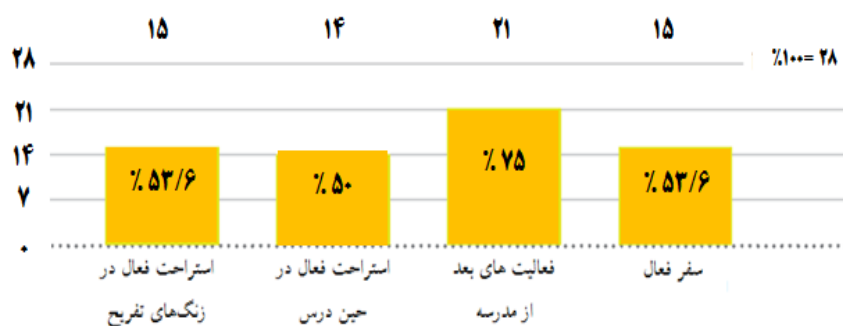
۴-۵ و لوز: برنامه «مایل روزانه»^۱ یک انگیزه سلامتی برای ارتقای فعالیت بدنی در بین دانش‌آموزان مدرسه است. اصل برنامه ایجاد انگیزه برای کودکان است که هر روز ۱۵ دقیقه، با راه رفتن یا دویدن به مدرسه بروند. این یک فرصت ساده و رایگان است که هدف آن افزایش توانایی یادگیری کودکان و آگاهی از سلامت خود و همچنین ترغیب مهارت‌های اجتماعی آنان انجام شد. این برنامه توسط دولت و لوز، وزارت بهداشت و چندین مؤسسه خصوصی و دولتی پشتیبانی می‌شود. مایل روزانه در مارس ۲۰۱۷ راه اندازی شد و تا به امروز بیش از ۲۸۰ مدرسه در این برنامه شرکت می‌کنند (سازمان بهداشت جهانی a، ۲۰۱۸).

سؤال سوم: در کشورهای مورد مطالعه برای جبران کمبود ساعت فعالیت بدنی چه راهکارهایی ارائه شده است؟

جدول ۸- راهکارهای کشورهای مورد مطالعه برای رسیدن به فعالیت مطلوب کودکان و نوجوانان

کشورهای مورد مطالعه	فعالیت بدنی در هنگام استراحت (زنگ‌های تفریح و زمان نهار)	فعالیت بدنی تلفیق شده با سایر دروس	برنامه‌های فعالیت بدنی بعد از مدرسه	سفر فعال به مدرسه و از مدرسه
ایالات متحده آمریکا	*	*	*	*
آلمان	*	*	*	*
فنلاند	*	*	*	*
دانمارک	*	*	*	*
انگلستان	*	*	*	*
ایران	*	-	*	-

در سرتاسر اتحادیه اروپا، تعداد کل کشورهایی که دارای سیاست‌ها و استراتژی‌هایی هستند و در ارتقای فعالیت‌های بدنی در جمعیت مؤثر هستند، افزایش یافته است. طبق تحقیق انجام شده توسط سازمان بهداشت جهانی در بین ۲۸ کشور اتحادیه اروپا، ۱۵ کشور (یعنی ۵۳٫۶٪ از کشورها) استراحت فعال در زنگ‌های تفریح، ۱۴ کشور (یعنی ۵۰٪) استراحت فعال در ساعت درسی، ۲۱ کشور (یعنی ۷۵٪) برنامه‌های بعد از مدرسه و ۱۵ کشور (یعنی ۵۳٫۶٪) سفر فعال به مدرسه را جز طرح‌های تشویقی برای ارتقای فعالیت بدنی در مدارس خود قرار داده‌اند.



شکل ۱- تعداد کشورهایی که حداقل یک طرح برای ارتقای فعالیت بدنی در مدارس یا سفرهای فعال به مدرسه را دارند (منبع: سازمان بهداشت جهانی، b، ۲۰۱۸)

بحث و نتیجه گیری

آموزش حرکت و ارتقای فعالیت بدنی یک کار سازنده در مدرسه است. با این فرض، تربیت بدنی باید یکی از ارکان اصلی مسیر آموزشی در سن مدرسه باشد. اهمیت تربیت بدنی و فعالیت ورزشی به تدریج طی سال‌ها در همه کشورها تقویت شده است تا جوانان بتوانند در طول روز و بعد از مدرسه از نظر جسمی فعال باشند. برای این منظور، درس تربیت بدنی و ورزش تقریباً در برنامه‌های درسی ابتدایی و متوسطه اول کلیه کشورها اجباری شد و هدف اصلی آن در همه کشورها، پرورش جسمی، شخصی و پیشرفت اجتماعی کودکان است و اغلب بر ارتقای یک سبک زندگی سالم تأکید می‌شود. کیفیت این درس می‌بایست به عنوان بخشی از مدیریت کیفیت در مدارس کنترل شود. بدین منظور از بین مؤلفه‌های بیان شده توسط انجمن مربیان تربیت بدنی و بهداشت آمریکا، مواردی که به طور مستقیم جهت دستیابی به سطح فعالیت بدنی مطلوب در کودکان و نوجوانان نقش داشت مورد بررسی

قرار گرفت که عبارتند از برنامه درسی و محتوای آموزشی، مقدار ساعت اختصاص یافته به آموزش درس تربیت بدنی، تخصص نیروی انسانی و امکانات و تجهیزات مناسب بوده است. از آن جا که، مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها، یک برنامه تربیت بدنی خوب طراحی شده را شامل ویژگی‌های از جمله برآورده سازی نیازهای همه دانش آموزان، فعال نگه داشتن آنان در اغلب ساعات کلاس درس تربیت بدنی، آموزش خود مدیریتی، تأکید بر دانش و مهارت‌های فعالیت مادام العمر، تجربه‌ای لذت بخش برای همه دانش آموزان، می‌داند، اگر برنامه‌ای بتواند به گونه‌ای طراحی شود که ریشه در نیازها، علایق و سطح رشد کودکان داشته باشد و به شکل صحیح در زمان کافی تدریس گردد، مسلماً سهم مهمی را در رشد همه جانبه دانش آموزان خواهد داشت. بدین منظور باید در درس تربیت بدنی مدارس، چهار رکن اصلی یعنی برنامه، دانش آموز، معلم و امکانات و تجهیزات را مد نظر قرار داد.

در تمامی مدارس دنیا، برنامه مبتنی بر نیازهای جامعه طراحی می‌شود. با تغییر سبک زندگی انسان‌ها و صنعتی شدن آنها، نیاز جامعه به تربیت بدنی و نیاز مخاطبان یعنی دانش آموزان دچار تحول شده است. بنابراین برنامه‌های مدارس باید متناسب با نیاز جامعه تغییر نماید. چرا که امروزه نیاز به تربیت شهروندانی سالم وجود دارد. معلمان نیز باید با تغییر و تحولات صورت گرفته هماهنگ شوند. در تجهیزات هم تغییرات زیادی رخ داده است؛ به طوری که اگر معلمان آموزش نبینند، نمی‌توانند از آنها استفاده کنند. در جمع بندی این چهار رکن باید گفت که نقش محور معلم خیلی برجسته است، چون اگر برنامه، دانش آموز و تجهیزات مناسب را در اختیار داشته باشیم ولی معلمی نتواند مسائل را باب روز منتقل نماید، تغییری در تربیت بدنی مدارس صورت نخواهد گرفت. بنابراین برای ارتقای کیفیت درس تربیت بدنی در مدارس، روند فعلی باید تقویت مهارت‌های حرفه‌ای معلمان در مدارس باشد. این امر در مقطع ابتدایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که در بیشتر کشورها از معلمان عمومی برای تدریس این درس استفاده می‌شود.

به‌علاوه یکی از ویژگی‌های تربیت بدنی کیفی این است که فرصت‌های بیشتری برای دانش آموزان فراهم سازد، برای این منظور باید در اولین قدم، مدارس (از مهدهای کودک گرفته تا دبیرستان‌ها) از تعداد کافی درس اجباری تربیت بدنی و بهبود کیفیت این درس برخوردار شود. چرا که تحقیقات زیادی نشان داده است که مداخلات مربوط به درس تربیت بدنی در فعالیت بدنی کودکان بسیار مؤثر است از جمله پژوهش بهداشت عمومی انگلیس (۲۰۱۹) که افزایش تعداد ساعت درس تربیت بدنی را یک استراتژی کلیدی برای ارتقای فعالیت بدنی در سطح مدارس معرفی نمود و بیان می‌دارد که این استراتژی سبب بهبود کیفیت درس تربیت بدنی و بالا رفتن ۲۴ درصدی زمان صرف شده در فعالیت بدنی با شدت متوسط می‌شود. بنابراین تأثیر زیادی بر کل فعالیت بدنی روزانه در دانش آموزان

می‌گذارد. اما از آنجایی که سیستم آموزش و پرورش در ایران به صورت متمرکز اداره می‌شود و افزایش ساعت کلاس درس تربیت بدنی علاوه بر مشکلات برنامه ریزی درسی، بار مالی سنگینی نیز برای دولت خواهد داشت، به همین دلیل برای دستیابی به حد مطلوب فعالیت بدنی، باید استراتژی‌های ضد انفعالی تدوین نمود و از اقدامات پیشگیرانه استفاده کرد. به عنوان مثال طرح مدرسه پویا که این فرصت را در مدارس ایران فراهم نموده است. اگر در اجرای این طرح اطلاعات و دانشی در اختیار معلمان و مدیران قرار گیرد، می‌تواند بهره‌وری بیشتری نیز داشته باشد.

ضمن این‌که، نقش تجهیزات و امکانات نیز در این امر غیر قابل انکار است. در ایران نیز اقدامات خوبی در بخش فضاهای ورزشی انجام شده است، از جمله این‌که در زیر نظام تأمین فضاهای تجهیزات و فناوری سند تحول بنیادی، توجه ویژه‌ای به فضاهای ورزشی شده است و هم‌اکنون نیز استانداردهای تجهیزات ورزشی در مرحله نهایی سازی است و معاونت تربیت بدنی و سلامت نیز هر ساله در ابتدای سال تحصیلی بخش عمده‌ای از اعتبارات خود را در قالب کاروان‌های ورزشی اختصاص به خرید تجهیزات ورزشی برای مدارس می‌نماید. اما همچنان مشکل سرانه فضاهای ورزشی در ایران وجود دارد که نیاز به سیاست‌ها و برنامه‌های بین بخشی دارد تا بتواند مشکل کمبود فضا در مدارس را بهبود داده و به استانداردهای جهانی نزدیک نماید.

اگر چه ماهیت تربیت بدنی به گونه‌ای است که معمولاً اولویت اصلی آن، توسعه مهارت‌های بدنی و حرکتی است اما یک چالش مضاعف برای این درس، جبران ساعات نشسته سپری شده در سایر دروس است. با توجه به تعداد ساعاتی که کودکان در مدرسه می‌گذرانند و این واقعیت که تا ۸۰٪ از آنها فقط در مدرسه ورزش می‌کنند، متأسفانه تنها توجه به ساعت درس تربیت بدنی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای حرکتی کودکان و نوجوانان باشد (کاتساروا، ۲۰۱۶). به همین دلیل برای دستیابی به حد مطلوب فعالیت بدنی، باید از فعالیت‌های فوق برنامه یا جبرانی مانند استراحت فعال در زنگ‌های تفریح و استراحت فعال در کلاس درس، که یک نوع یادگیری جایگزین است و فرصت‌های بیرون از مدرسه در قالب طرح‌های مختلف از جمله ایجاد و ارتقای فرهنگ سفر فعال به مدرسه و کانون‌های ورزشی استفاده نمود؛ تا همان‌طور که سازمان بهداشت جهانی بیان داشته است فعالیت‌های متنوع ورزشی در مدارس سبب شود تا همه کودکان و نوجوانان بدون توجه به ترجیح‌هایشان از فعالیت بدنی لذت ببرند و با اتخاذ شیوه زندگی فعال بدنی، از مزایای سلامتی بهره‌مند شوند.

ابتکار فعالیت‌های بدنی، یک استراتژی شناخته شده بین‌المللی برای کمک به افزایش سطح فعالیت بدنی در کودکان و نوجوانان به‌ویژه در مدارس است که در اکثر کشورهای مورد بررسی از جمله ایالات متحده آمریکا، فنلاند، بریتانیا، دانمارک به اجرا در آمده است. در این کشورها با یک رویکرد جامع برای ارتقای فعالیت بدنی در مدارس، از چند مؤلفه به جای تأکید روی یک مؤلفه استفاده شده است

که با پژوهش‌های کوبل (۲۰۱۷)، مک مولن (۲۰۱۵)، میسینگ و بهداشت عمومی انگلستان (۲۰۱۹) همخوانی دارد. مدل برنامه جامع فعالیت بدنی مدرسه، چارچوبی را برای ابتکارات ملی از جمله ابتکار ایالات متحده ارائه می‌دهد و شامل بسیاری از مؤلفه‌های موجود در سایر طرح‌های ملی است که از مفهوم کل حمایت می‌کند و سبب ارتقای فعالیت بدنی در مدرسه می‌شود.

در کشورهایی که کودکان فقط نیمی از روز را در مدرسه می‌گذرانند مانند آلمان و ایران، مداخلات مبتنی بر مدرسه ممکن است اهمیت کمتری برای پیشرفت فعالیت بدنی داشته باشند. دلیل این امر این است که مدارس نه ظرفیت و نه امکان مداخلات اضافی برای پیشرفت فعالیت بدنی را دارند. برای چنین کشورهایی، دانش بیشتری در مورد پیشرفت فعالیت بدنی در خارج از مدرسه - یعنی فعالیت‌های قبل و بعد از مدرسه - لازم است. در آلمان معمولاً دروس مدرسه، ساعت ۱ تا ۲ بعد از ظهر به پایان می‌رسد. با این حال، درصد دانش آموزان که تمام روز به مدارس مراجعه می‌کنند، در طول سال‌ها افزایش یافته است (از ۹.۸٪ در سال ۲۰۰۲ تا ۳۹.۳٪ در سال ۲۰۱۵). با افزایش تعداد دانش آموزانی که همه روزه از مدارس بازدید می‌کنند، نیاز به امکانات ورزشی اضافی و تغییر در محیط مدرسه، مهم‌ترین عامل است.

لازم به ذکر است که با تمام تلاش‌های صورت گرفته برای ارتقای سطح ورزش مدارس، هنوز فرهنگ سفر فعال و هماهنگی‌های ملی، استانی و منطقه‌ای آن صورت نگرفته است و جای خالی آن، به وضوح در بین طرح‌های اجرایی مدارس ایران دیده می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود این موضوع در پروژه‌های آتی معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد. برای این منظور می‌توان از برنامه‌های ساختاری مانند پروژه‌های «مسیرهای ایمن به مدرسه» و «اتوبوس‌های پیاده روی» برای ترویج سفر فعال به مدرسه استفاده نمود. البته این استراتژی وابسته به سیاست‌هایی دارد که اطمینان از مسیرهای ایمن به مدرسه و بهبود طراحی شهری در آن مورد توجه قرار گرفته باشد.

طرح‌های جامع و چند مؤلفه‌ای که از افزایش فعالیت‌های بدنی در بین کودکان و نوجوانان حمایت می‌کنند، دارای اهمیت بین‌المللی هستند. در این پژوهش تلاش چند کشور برای اجرای فعالیت‌های ارتقای فعالیت بدنی در سطح مدرسه نشان داده شد. هر یک از آنها اهمیت قابل توجهی در کیفیت درس تربیت بدنی و سایر فرصت‌های مشارکت فعالیت بدنی در مدرسه قائل بودند. در این کشورها، برنامه تربیت بدنی مدارس در مرکز چارچوب فعالیت بدنی در مدارس عمل کرده و از سایر مؤلفه‌ها همچون کارکنان مدرسه و خانواده‌ها نیز بهره گرفته شده است. چرا که حمایت قوی از طرف مدیریت مدرسه و مشارکت کارکنان در این برنامه‌ها بسیار مهم و ضروری است. مربی ورزش با درکی که از محیط مدرسه، والدین، جامعه، ارتباط فعالیت‌های بدنی و ویژگی‌های منحصر به فرد دارد، می‌تواند به راحتی مسائل بی‌حرکی بدنی را در طول مدرسه برطرف کند. از این منظر، معلم تربیت بدنی با

پشتیبانی کارکنان، والدین، داوطلبان و سایر معلمان، در موقعیتی ایده‌آل برای هدایت، توسعه و اجرای برنامه‌ها قرار دارد. به علاوه، معلمان کلاس و کارکنان مدرسه با تلفیق فرصت‌های فعالیت بدنی در طول روز مدرسه (به‌ویژه در زمینه ایجاد استراحت فعال درون کلاس درس) و خدمت به عنوان الگوهای مثبت، ضمن حمایت از مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های بدنی، نقشی اساسی در ارتقای سلامت دانش‌آموزان خود دارند.

علاوه بر این مشارکت جامعه در برنامه‌های فعالیت بدنی مدرسه محور، مزایای بی‌شماری را به همراه دارد از جمله این‌که مشارکت خانواده و جامعه، امکان استفاده حداکثری از منابع مدرسه و جامعه را فراهم می‌کند و ارتباطی بین مدرسه و فرصت‌های فعالیت بدنی مبتنی بر جامعه را ایجاد می‌کند. سازمان‌های درگیر در جامعه نیز ممکن است برنامه‌هایی را قبل یا بعد از مدرسه ارائه دهند یا توافق - نامه‌های استفاده مشترک از مدارس را تنظیم نمایند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بعد مالی اجرای طرح‌ها مطرح می‌شود. چرا که ورزش مدارس جهت دستیابی به اهداف سلامتی دانش‌آموز و در نتیجه جامعه سالم، با کمترین امکانات روبه‌رو است. بنابراین نیاز است تا با بازنگری در قوانین دولتی، سازمان‌های درگیر در ورزش تربیتی را درگیر فعالیت‌های تربیت بدنی و ورزش مدارس نمود. بنابراین تلاش‌ها برای به حداکثر رساندن فرصت‌های فعالیت بدنی در مدارس باید هماهنگ، برنامه‌ریزی شده و متفکرانه، اجرا و ارزیابی شود و به یاد داشت که زمانی فرهنگ فعالیت بدنی ایجاد می‌شود که در کل فضای مدرسه ادغام شده و فراتر از محیط مدرسه و بتن جامعه باشد. در کشورهای مورد بررسی نیز، به منظور اجرای بهتر استراتژی‌ها، به‌جز آموزش و پرورش از سایر سازمان‌های دولتی و خصوصی به‌ویژه شهرداری‌ها بهره‌گرفته‌اند و تأمین مالی، دسترسی به منابع آموزشی و قابلیت ارزیابی از جمله موارد مهم در موفقیت برنامه‌های آنان محسوب می‌شود.

به‌طور کلی از تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای کشورهای مورد بررسی در پژوهش، داده‌های جالبی حاصل می‌شود که جای تأمل دارد. اول این‌که، اگر چه تنها افزایش واقعی تعداد ساعات درس تربیت بدنی و تعریف مشترک از استانداردهای کیفیت می‌تواند باعث بهبود وضعیت تربیت بدنی، تحقق و نهایی کردن اقدام آموزشی شود اما وجود ابتکارات و اقداماتی برای افزایش ورزش و فعالیت بدنی در بین جوانان، سبب ارتقای سبک زندگی سالم و بالا رفتن کیفیت زندگی آنان در بزرگسالی می‌شود. دوم این‌که پاسخ‌های سیاسی نوآورانه که برای کمبود فعالیت بدنی در کودکان و نوجوانان استفاده می‌شود، برای کشورهایی که در حال حاضر کمتر قادر به سرمایه‌گذاری در کیفیت و کمیت درس تربیت بدنی در سطح مدارس هستند، بسیار کاربردی است. نکته آخر این‌که اگر چه در طول سال‌ها کارهای زیادی انجام شده است اما به منظور بهبود هر چه بیشتر باید مکانیزم‌های هماهنگی بین بخش‌هایی از جمله بهداشت، ورزش، آموزش، حمل و نقل، برنامه‌ریزی شهری در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی، به منظور

شناسایی اهداف مشترک، تضمین اثربخشی، مسئولیت‌های تعریف شده و داشتن منابع و ارزیابی‌های کافی ایجاد شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله بر گرفته از رساله دکتری نویسنده اول مقاله می باشد و بدین وسیله از راهنمایی‌ها و تلاش‌های ارزنده اساتید راهنما و مشاور که در به ثمر رسیدن این پژوهش کمال همکاری را داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

منابع

1. Azmoon, J. (2017). A global experience- Physical education lessons from the perspective of American physical education and health teachers. *Journal of Physical Education Development*, 18(1): 50-48. (Persian)
2. Baniameryan, M., hakime zadeh, R., javadipuor, M. (2015). Comparative study of the national curriculum of Australia, New Zealand and Iran in the field of information and technology. *Technical and Vocational Education*, 4(1): 61-82. (Persian)
3. Blair, S. N. (2009). Physical inactivity: the biggest public health problem of the 21st century. *Br J Sports Med*, 43 (1).
4. Centers for Disease Control and Prevention. (2013). *Comprehensive School Physical Activity Programs: A Guide for Schools*. Atlanta, GA: U.S. Department of Health and Human Services.
5. Centers for Disease Control and Prevention. (2018). *Strategies for Classroom Physical Activity in Schools*. Atlanta, GA: Centers for Disease Control and Prevention, US Dept of Health and Human Services.
6. D'Anna, C., Forte, P & Gomez, F. (2019). Physical education status in European school's curriculum, extension of educational offer and planning. *Journal of Human Sport and Exercise*, 14(4): 805- 817.
7. Escalante, Y., García-Hermoso, A & et al. (2014). Playground designs to increase physical activity levels during school recess: a systematic review. *Health Education & Behavior*, 41(2):138-44.
8. European Commission/EACEA/. (2013). *Physical Education and Sport at School in Europe Eurydice Report*. Luxembourg: Publications Office of the European Union .
9. Federal Ministry of Food Agriculture and Consumer Protection. (2013). *IN FORM: German national initiative to promote healthy diets and physical activity*.
10. Gallotta, M.C. Iazzoni, S & et al. (2016). Effects of combined physical education and nutritional programs on schoolchildren's healthy habits. *National Library of Medicine*, 11(4).
11. Pfeifer, K. Banzer, W & et al. (2016). *National recommendations for physical activity and physical activity promotion*. Erlangen FAU University Press.

12. Groffik, D. Mitáš, J. Jakubec, L & et al. (2020). Adolescents' Physical Activity in Education Systems Varying in the Number of Weekly Physical Education Lessons. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 91(4): 551- 561.
13. Habibi. Y & et al. (2015). Epidemiological study of obesity and overweight in 7- to 12-year-old students in Sanandaj city. *Zanko Journal of Medical Sciences*, 16(49): 20-11. (Persian)
14. Hills, A.P. Dengel, D.R & Lubans, D.R. (2015). Supporting public health priorities: Recommendations for physical education and physical activity promotion in schools. *Progress in Cardiovascular Diseases*, 57(4): 368–374.
15. Janssen, I. Leblanc, A.G. (2010). Systematic review of the health benefits of physical activity and fitness in school-aged children. *Int J Behav Nutr Phys Act*, 7(40).
16. Katsarova, I. (2016). Physical education in EU schools. EPRS: European Parliament Research Service.
17. Kudlacek, M. Fromel, K & Groffik, D. (2020). Associations between adolescents' preference for fitness activities and achieving the recommended weekly level of physical activity. *Journal of Exercise Science & Fitness*, 18(1): 31-39.
18. Kobel, S. Kettner, S & et al (2017). Physical activity of German children during different segments of the school day. *Z Gesundh Wiss*, 25(1): 29–35.
19. Maliji. M., Aliasgari. M., Aghaei. N., Javadipoor. M. (2018). Comparative Study of Preschool Curriculum in Iran and Several Selected Countries in Terms of Physical Education. *Research on Educational Sport*, 6(14): 277-300. (Persian).
20. Mantjes, J.A. Jones, A.P & et al. (2012). School related factors and 1yr change in physical activity amongst 9–11-year-old English schoolchildren. *Int. J. Behav. Nutr. Phys.Act*, 9(153).
21. McMullen, J. Ní Chróinín, D. Tammelin, T & et al. (2015). International Approaches to Whole-of-School Physical Activity Promotion. *Quest*, 67(4): 384-399.
22. Messing, S. Rütten, A. Abu-Omar, K & et al. (2019). How Can Physical Activity Be Promoted Among Children and Adolescents?. *Front Public Health*, 7(55).
23. Minasian. V, Marandi. M, Klishadi R. (2016). Children, obesity and exercise (practical strategies for the prevention and treatment of overweight in children and adolescents). Vice-Chancellor for Research and Technology. University of Esfahan Medical Sciences. (Persian)
24. Ning Zhao, N. Ping Dong, G & et al (2019). FTO gene polymorphisms and obesity risk in Chinese population: a meta-analysis. *World Journal of Pediatrics*, 15: 382-389.
25. Public Health England. (2019). What Works in Schools and Colleges to Increase Physical Activity? A briefing for head teachers. GW-1195
26. Vahdani. M, Hamidi. M, Khabiri. M, Alidoost. E. (2016). Codification a Strategy Map of Physical Education and Sports Activities in Ministry of Education of Iran. *Research on Educational Sport*, 5(12): 17-36. (Persian)
27. World Health Organization. (2016). Physical activity strategy for the WHO European Region 2016- 2025. Copenhagen.
28. World Health Organization. (2017). Report of the commission on ending childhood obesity.

29. WHO (a). (2018). Promoting physical activity in the education sector. Current status and success stories from the European Union Member. WHO Regional Office for Europe. Copenhagen: Denmark
30. WHO (b). (2018). PHYSICAL ACTIVITY Factsheets for the 28 EU Member States of the WHO European Region. WHO Regional Office for Europe.
31. WHO (c). (2018). Global action plan on physical activity 2018-2030: More active people for a healthier world. Copenhagen. Geneva: License: CC BY-NC-SA 3.0
32. WHO (d). (2018). Taking action on childhood obesity. World Health Organization.
33. SHAPE America – Society of Health and Physical Educators. (2015). The essential components of physical education.
34. USDHHS. (2008). Physical Activity Guidelines Advisory Committee Report 2008. Washington, DC. United States Department of Health and Human Services.

ارجاع دهی

جمشیدی عینی، صدیقه؛ رضوی، سیدمحمدحسین؛ دوستی، مرتضی. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی ورزش مدارس کشورهای فنلاند، دانمارک، آلمان، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و ایران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹ (۲۴): ۴۳-۷۶.
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2020.9167.1917

Jamshidi eini, S; Razavi, S. M. H; Dousti, M. (2021). A Comparative Study of School Sports in Finland, Denmark, Germany, the United Kingdom, the United States and Iran. *Research on Educational Sport*, 9 (24): 43-76. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2020.9167.1917

Research Paper

**Designing a Framework for Physical Literacy
Competencies Required by Students: Meta Synthesis
Approach**

**M. Mohammadi¹, R. Naseri Jahromi², Kh. Mohammad Jafari³,
P. Nabiee⁴, P. Maaref⁵, F. Mirghafari⁶, R. Naseri Jahromi⁷,
Z. Hesampoor⁸**

1. Associate Professor of Curriculum Development, Shiraz University, (Corresponding Author)
2. Ph. D of Curriculum Development, Shiraz University
3. Ph. D of Curriculum Development, Shiraz University
4. Ph. D Student of Educational Administration, Shahid Chamran University
5. M.A of Urban Management, Shiraz Azad University
6. M. A Student of Curriculum Development, Shiraz University
7. M.A of General Psychology, Firooz Abad Azad University
8. M. A of Educational Researches, Shiraz Payame Noor University

Received: 2020/08/15

Accepted: 2020/12/22

Abstract

The aim of this study was to design a framework for physical literacy competencies required by students. This qualitative study was conducted using the six-step method of Sandlowski and Barroso (2007). The Meta-synthesis team consisted of three curriculum planning specialists, one physical education specialist and one meta-research expert. Moreover, 27 related research sources were used as the basis for the analysis, which resulted in extracting 11 students' physical literacy competencies and classifying them into three main themes: individual competencies (cognitive ability, practical ability, emotional ability and participation in physical activities), academic competencies (Educational facilities, characteristics of faculties, educational environment, family and peer group) and social competencies (cultural context of society, policies and mass media). Data validation was confirmed using data validation, transferability and data alignment and data reliability

-
1. Email: m48r52@gmail.com
 2. Email: dr_rnaseri@hotmail.com
 3. Email: khaterejafari95@gmail.com
 4. Email: parastoo_nabeei@yahoo.com
 5. Email: parisa_maaref@yahoo.com
 6. Email: fateme.mirqafari@gmail.com
 7. Email: rahil.naseri@gmail.com
 8. Email: zahra.hsm95@gmail.com

techniques with precise guidance of researchers' data collection and alignment. The present study, by providing a framework of physical literacy competencies required by students, has shown the importance and necessity of physical literacy education in the higher education system and has introduced it as an important and necessary factor for active participation in communities, development and health protection.

Keywords: Health, Physical Activities, Motor Skills, Athletic Development

Extended Abstract

Background and Purpose

Physical activity plays an essential role in the health and well-being of teenagers and youth. This contributes to their short-term and long-term physical, social, emotional and psychological development. This promotes independence and healthy growth and helps develop basic motor skills (1). Young people need daily physical activity for healthy growth and development. In addition, worldwide researches show that teenagers and young people who engage in regular physical activities have more improvement in their academic performance (2).

Physical literacy is different from exercise. Exercise and physical literacy are both subsets of physical education activities. Exercise should be done to improve or maintain a level of fitness and should be structured, planned, repetitive and purposeful (3). Everyone should be able to be physically literate, regardless of age, ability or gender (4). Physical literacy is necessary not only for professional athletes and for adults, but also for people who participate in sports activities throughout their lives and also children. Everyone should engage in physical activity with confidence and competence to be active throughout their lives and increase their health at any age (5, 6).

Most research done so far has focused on the conceptualization of physical literacy and its components; As a result, researches have been conducted focusing on the role of theoretical knowledge, the effect of motor competence, the importance of motivation, the role of educators, family and peers in the development of physical literacy. Due to the lack of a comprehensive model that includes the features of a favorable curriculum for physical education, the present study aims to design the framework of physical literacy competencies required by students and designed the physical literacy competencies required by students to be a desirable basis for providing physical literacy training in higher education curricula.

Methods

This qualitative study was conducted using the six-step method of Sandelowski and Barroso (7). The meta-synthesis team consisted of three curriculum planning specialists, one physical education specialist and one meta-synthesis expert. 27 related research sources were used as the basis for the analysis. Data validation was verified using data validation, transferability, and data alignment and data reliability techniques by precisely guiding the data collection and alignment process of the researchers.

Results

Findings included extracting 11 students' physical literacy competencies and classifying them into three main themes of individual competencies (cognitive ability, practical ability, emotional ability and participation in physical activities), academic competencies (educational facilities, characteristics of teachers, educational environment, family and peer group) and social competencies (cultural context of society, policies, mass media).

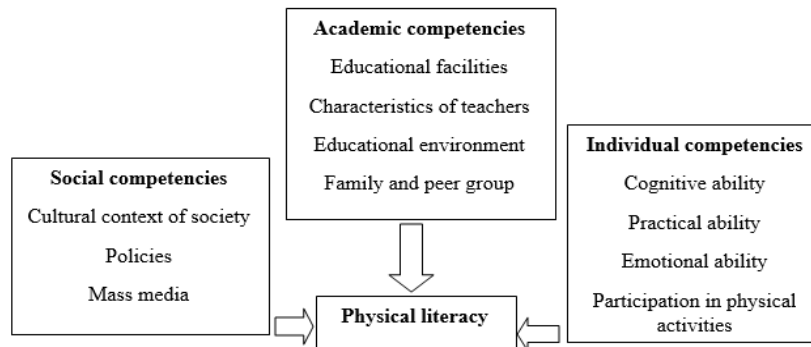


Figure1. Model of Physical Literacy Competencies Required by Students

Discussion

Examination of students' physical literacy characteristics showed that some of these characteristics play a prerequisite role. Students' competencies play a key role in achieving physical literacy. In other words, students experience different levels of physical literacy based on cognitive ability, practical ability, emotional ability and participation in physical activities. The present study has shown the importance and necessity of physical literacy education in the higher education system and has introduced it as an important and necessary factor for active participation in communities, development and maintenance of health.

Keywords: Health, Physical activities, Motor skills, Athletic development

References

1. World Health Organization. (2012). Young and physically active: a blueprint for making physical activity appealing to youth
2. Balyi, I., Way, R., & Higgs, C. (2020). Physical Literacy. In Long-Term Athlete Development (pp. 33–48). Champaign, IL: Human Kinetics. Retrieved July 9, 2020, from <http://dx.doi.org/10.5040/9781492596318.ch003>
3. Whitehead, M. (2001). The concept of physical literacy. *European Journal of Physical Education*, 6 (2), 127-138.
4. Whitehead, M. (2007). Physical literacy: Philosophical considerations in relation to developing a sense of self, universality and propositional knowledge. *Sport, Ethics and Philosophy*, 1 (3), 281-298.
5. Edwards, L. C., Bryant, A. S., Keegan, R. J., Morgan, K., & Jones, A. M. (2017). Definitions, foundations and associations of physical literacy: a systematic review. *Sports medicine*, 47(1), 113-126.
6. Stoddart, A. L. (2018). *Physical Literacy: A Journey of Understanding and Development* (Doctoral dissertation, University of Saskatchewan).
7. Sandelowski, M., & Barroso. J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*, New York, NY: Springer.

طراحی چارچوب شایستگی‌های سواد بدنی مورد نیاز دانشجویان: رویکرد

فرا ترکیب

مهدی محمدی^۱، رضا ناصری جهرمی^۲، خاطره محمد جعفری^۳، پرستو نبیئی^۴، پریسا

معارف^۵، فاطمه میرغفاری^۶، راحیل ناصری جهرمی^۷، زهرا حسامپور^۸

۱. دانشیار بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

۲ و ۳. دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شیراز

۴. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز

۵. کارشناس ارشد مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

۶. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شیراز

۷. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد

۸. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه پیام نور واحد شیراز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، طراحی چارچوب شایستگی‌های سواد بدنی مورد نیاز دانشجویان بود. این پژوهش کیفی با استفاده از روش شش مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) انجام شده است. تیم فرا ترکیب متشکل از سه نفر متخصص برنامه‌ریزی درسی، یک نفر متخصص در حوزه تربیت بدنی و یک نفر متخصص در روش پژوهش فرا ترکیب بود. ۲۷ منبع پژوهشی مرتبط، مبنای تحلیل قرار گرفت که نتیجه آن استخراج ۱۱ شایستگی سواد بدنی دانشجویان و دسته‌بندی آنها در سه مضمون اصلی شایستگی‌های فردی (توانایی شناختی، توانایی عملی، توانایی عاطفی و مشارکت در فعالیت‌های بدنی)، شایستگی‌های دانشگاهی (امکانات آموزشی، ویژگی‌های اساتید، محیط آموزشی، خانواده و گروه همسالان) و شایستگی‌های اجتماعی (بافت فرهنگی جامعه، سیاست‌ها و رسانه‌های جمعی) است. اعتبار داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های اعتبار‌پذیری،

1. Email: m48r52@gmail.com

2. Email: dr_rnaseri@hotmail.com

3. Email: khaterejafari95@gmail.com

4. Email: parastoo_nabeei@yahoo.com

5. Email: parisa_maaref@yahoo.com

6. Email: fateme.mirqafari@gmail.com

7. Email: rahil.naseri@gmail.com

8. Email: zahra.hsm95@gmail.com

انتقال پذیری و هم‌سوسازی داده‌ها و اعتمادپذیری به داده‌ها نیز با هدایت دقیق جریان جمع‌آوری اطلاعات و هم‌سوسازی پژوهشگران تأیید شد. پژوهش حاضر با ارائه چارچوب شایستگی‌های سواد بدنی مورد نیاز دانشجویان، اهمیت و ضرورت آموزش سواد بدنی را در نظام آموزش عالی نشان داده و آن را به عنوان عاملی مهم و ضروری برای مشارکت فعال در جوامع، توسعه و حفظ سلامت معرفی نموده است.

واژگان کلیدی: سلامت، فعالیت‌های بدنی، مهارت‌های حرکتی، پیشرفت ورزشی

مقدمه

فعالیت بدنی نقش اساسی در سلامت و رفاه نوجوانان و جوانان دارد. این امر به رشد کوتاه مدت و بلند مدت جسمی، اجتماعی، عاطفی و روانی آنها کمک می‌کند؛ استقلال و رشد سالم را ارتقاء می‌بخشد و به پیشرفت مهارت‌های اساسی حرکت کمک می‌کند (سازمان بهداشت جهانی^۱، ۲۰۱۰). جوانان برای رشد و پیشرفت سالم به فعالیت بدنی روزانه نیاز دارند. علاوه بر این، تحقیقات در سراسر جهان نشان می‌دهد که نوجوانان و جوانانی که به طور منظم فعالیت بدنی انجام می‌دهند، عملکرد تحصیلی و دانشگاهی خود را بهبود بخشیده‌اند (بالی، وای و هیگز^۲، ۲۰۲۰).

در این راستا، دانشگاه‌ها در موقعیت منحصر به فردی قرار دارند که می‌توانند بر سلامت جوانان و خانواده‌های آنان تأثیر مثبتی گذارند. به طور ویژه برنامه‌های ورزشی می‌تواند جوانان را برای فعالیت بدنی فراهم کند، که به نوبه خود می‌تواند منجر به بهبود سلامت جسمی شود (باسوگلا^۳، ۲۰۱۸). برنامه‌های ورزشی جوانان مدتهاست که برای رشد روانی اجتماعی جوانان مهم بوده و فرصتی برای یادگیری مهارت‌های مهم زندگی مانند همکاری، نظم و انضباط، رهبری و خودکنترلی فراهم می‌کند ضمن این‌که برای یادگیری مهارت‌های حرکتی بسیار مهم است. مهارت‌های حرکتی به عنوان پایه‌ای برای ستاره‌های آینده ورزشی ملی و شرکت‌کنندگان در ورزش تفریحی بزرگسالان نقش اساسی ایفا می‌کند (فراسر^۴، ۲۰۰۶).

در واقع، از نظر سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد^۵، این نکته حائز اهمیت است که آموزش بدنی با کیفیت یک بخش اساسی از برنامه درسی دانشگاه است و برای دانشجویان و تصمیم‌گیرندگان مسئول آموزش بسیار حیاتی است. به طور خاص، برنامه‌های تربیت بدنی بر توسعه مهارت‌های خاص توسط دانش‌آموزان، درک راهبردهای عملی مبتنی بر محیط و ارزیابی اثرات تربیت

1. World Health Organization
2. Balyi, Way & Higgs
3. Basoglu
4. Fraser
5. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

بدنی بر سلامتی متمرکز است. همان‌طور که از این گفته مشخص است، هدف اصلی برنامه‌های تربیت بدنی بهبود سواد دانشجویان است (سام، والهدها، ها و سیت^۱، ۲۰۱۶).

از طرفی سوادآموزی برای کسب مهارت‌های اساسی در زندگی برای کودکان و نوجوانان و بزرگسالان بسیار مهم است که به آنها امکان می‌دهد چالش‌هایی را که در زندگی با آنها روبرو هستند، برطرف سازد و نشان دهنده یک گام اساسی در آموزش پایه است که وسیله‌ای ضروری برای مشارکت مؤثر در جوامع و اقتصادهای قرن بیست و یکم است. بر اساس این تعریف، سواد محدود به خواندن و نوشتن نیست. بر اساس اعلام سازمان آموزش، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو، ۲۰۰۳) سواد مربوط به چگونگی ارتباط افراد در جامعه و شیوه‌ها و روابط اجتماعی، درباره دانش، زبان و فرهنگ است (باسوگلا، ۲۰۱۸). سواد به طور کلی در چهار مؤلفه اصلی دانش و درک کردن و فهم محتوا و درک مطالب، تفکر و استفاده از مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق در کارها و فرآیندها، ارتباطات و انتقال اطلاعات از طریق راه‌ها و اشکال مختلف و کاربرد مهارت‌ها و استفاده از دانش و مهارت‌ها برای برقراری ارتباط درون و بین فردی در زمینه‌های مختلف معنا پیدا می‌کند (مندیگو، فرانسیس و لودیوک^۲، ۲۰۰۷؛ مندیگو، فرانسیس، لودیوک و لویز^۳، ۲۰۰۹).

سواد در حوزه فعالیت‌های بدنی، ورزشی و تربیت بدنی نیز معنای خاص خود را دارد. در تربیت بدنی کلمه سواد بدنی^۴ بخشی از گفتمان در بین مربیان و تا حدی نیز در بین کسانی است که با پیشرفت ورزشی همکاری می‌کنند. ورزش بخشی از زندگی کودکان و نوجوانان است. سواد بدنی رویکردی عملی برای مشارکت و توسعه ورزش در طول زندگی جوانان دارد (لوندوال^۵، ۲۰۱۵). سواد بدنی اصطلاحی نسبتاً جدید است که در سال‌های اخیر محبوبیت زیادی در سراسر دنیا پیدا کرده و توجه تحقیقاتی زیادی را به خود جلب کرده است. از نیمه‌های قرن ۲۰ میلادی بحث‌های زیادی در مورد تعاریف و اهداف سواد بدنی صورت گرفته است (دادلی^۶، ۲۰۱۵؛ لانگ مویر و ترمبلی^۷، ۲۰۱۶؛ کوربین^۸، ۲۰۱۶؛ ادوارد، بریانت، کیگان، مورگان و جونز^۹، ۲۰۱۷). مرکز ورزش کانادا در سال ۲۰۰۶، در برنامه توسعه بلند مدت ورزشکاران، سواد بدنی را پایه و اساس رشد مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های موردنیاز برای زندگی سالم و فعال دانشجویان دانسته است (مندیگو و همکاران، ۲۰۰۹).

1. Sum, Wallhead, Ha & Sit
2. Mandigo, Francis & Lodewyk
3. Mandigo, Francis, Lodewyk & Lopez
4. Physical Literacy
5. Lundvall
6. Dudley
7. Longmuir & Tremblay
8. Corbin
9. Edwards, Bryant, Keegan, Morgan & Jones

سواد بدنی بر اساس نظر وایت‌هد^۱ (۲۰۰۷) مربوط به هدف نهایی یک برنامه تربیت بدنی با کیفیت، اساس و معنای انگیزه، اعتماد به نفس، صلاحیت بدنی، دانش و درک برای ارزش‌گذاری و مسئولیت حفظ فعالیت بدنی هدفمند در طول دوران زندگی است. به طور کلی سواد بدنی راهبردی نوظهور برای بازگردن چگونگی افزایش مشارکت در فعالیت‌های بدنی در طول عمر است (وایت‌هد، ۲۰۱۳؛ ترمبالی و لیاد^۲، ۲۰۱۰؛ شریر^۳ و همکاران، ۲۰۱۸؛ جونز^۴ و همکاران، ۲۰۱۸). سواد بدنی باید همانند مفهومی چتر مانند در نظر گرفته شود که دانش، مهارت‌ها، درک و ارزش‌های مربوط به مسئولیت انجام فعالیت‌های بدنی هدفمند و حرکت انسان در طول زندگی را بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های جسمی یا روانی به خود جذب می‌کند. به همین سبب دادلی (۲۰۱۵) مدلی را ارائه می‌دهد که چهار عنصر مذکور را برای سواد بدنی در نظر گرفته است. این عناصر اصلی شامل صلاحیت‌های حرکتی، قواعد، تاکتیک‌ها و راهبردهای حرکتی، مهارت‌های انگیزشی و رفتاری حرکت و ویژگی شخصی و اجتماعی حرکت هستند. جونز و همکاران (۲۰۱۸) مدلی از سواد بدنی مشتمل بر پنج بعد درون فردی، برون فردی، سازمانی، اجتماعی و سیاسی را ارائه نموده‌اند. این مدل نشان می‌دهد که عناصر ذکر شده در ارتقاء و اتخاذ سواد بدنی تأثیرگذار هستند.

سواد بدنی با ورزش تفاوت دارد. ورزش و سواد بدنی هر دو زیرمجموعه فعالیت‌های تربیت بدنی هستند. ورزش به منظور بهبود یا حفظ سطح تناسب اندام انجام می‌شود و بایستی ساختاریافته، برنامه‌ریزی شده، تکراری و هدفمند باشد (کاسپرسن، پوول و کریستنسون^۵، ۱۹۸۵؛ وایت‌هد، ۲۰۰۱). سواد بدنی بسیار گسترده‌تر از تربیت بدنی است، در واقع سواد بدنی یکی از اهداف اساسی و تمرکز اصلی تربیت بدنی و آموزش بدنی است و ارتباط تنگاتنگی بین فعالیت بدنی، تربیت بدنی و سواد بدنی وجود دارد (وایت‌هد، ۲۰۱۰؛ وایت‌هد، ۲۰۱۳؛ گیبلین، کولینز و باتن^۶، ۲۰۱۴). لوندال^۷ (۲۰۱۵) سواد بدنی را به عنوان اولویتی توصیف می‌کند که هم آموزش و هم ورزش می‌تواند در آن سهیم باشد و به عنوان پلی است که فاصله بین آموزش و ورزش را از بین می‌برد. به زعم استودارت^۸ (۲۰۱۸) آموزش بدنی با کیفیت می‌تواند به افراد کمک کند تا در مسیر سواد بدنی خود به جلو حرکت کرده و پیشرفت کنند. همه افراد بدون توجه به سن، توانایی و جنسیت از این توانایی برخوردار هستند که دارای سواد بدنی باشند (وایت‌هد، ۲۰۱۰). سواد بدنی نه تنها برای ورزشکاران حرفه‌ای و بزرگسالان،

1. Whitehead
2. Tremblay & Llyod
3. Shearer
4. Jones
5. Caspersen, Powell & Christenson
6. Giblin, Collins & Button
7. Lundvall
8. Stoddart

بلکه برای افرادی که در طول زندگی خود در فعالیتهای ورزشی شرکت می‌کنند و کودکان نیز لازم است. همه این افراد بایستی با اعتماد به نفس و با شایستگی درگیر فعالیتهای جسمانی شوند تا در طول زندگی خود فعال باشند و سلامتی آنها در هر سنی افزایش یابد (ادوارد و همکاران، ۲۰۱۷؛ استودارت، ۲۰۱۸).

افرادی که سواد بدنی دارند با مهارت و اطمینان در طیف گسترده‌ای از فعالیتهای بدنی در محیط‌های مختلف حرکت می‌کنند که از رشد و پیشرفت سالم کل افراد سود می‌برند. بدون پیشرفت سواد بدنی، بسیاری از کودکان و نوجوانان از فعالیت بدنی و ورزش کناره‌گیری می‌کنند و در اوقات فراغت خود به انتخاب‌های غیرفعال و ناسالم روی می‌آورند؛ لذا سواد بدنی عاملی مهم و ضروری برای مشارکت فعال در جوامع، توسعه و حفظ سلامت است (فراسر، ۲۰۰۶). بالی و همکاران (۲۰۱۰) ویژگی‌های افرادی که از لحاظ سواد بدنی رشد یافته‌اند را به شرح زیر ذکر نموده‌اند:

- ۱) برخوردار از انگیزه و اعتماد به نفس برای سرمایه‌گذاری در پتانسیل‌های جسمی
- ۲) انجام طیف گسترده‌ای از فعالیتهای بدنی چالش برانگیز
- ۳) توانایی شناخت تمام جوانب محیط فیزیکی، پیش‌بینی نیازها یا امکانات حرکتی و پاسخ‌گویی مناسب به آنها
- ۴) تعامل مناسب با محیط و ایجاد حس عزت نفس و اعتماد به نفس در افراد
- ۵) توانایی شناسایی و بیان ویژگی‌های اساسی تأثیرگذار بر اثربخشی حرکات
- ۶) درک جنبه‌های اساسی اصول سلامت مانند ورزش، خواب و تغذیه

سواد بدنی دارای فواید پیش‌بینی شده زیادی از جمله افزایش میزان مراقبت‌های بهداشتی افراد، بهبود جسمی و روانی، افزایش بهره‌وری در فعالیتهای، رشد سطح مهارت و مشارکت بیشتر در فعالیتهای ورزشی است (گیبیلین و همکاران، ۲۰۱۴). پرورش این جنبه موجب غنی‌سازی تجربه و کمک به تحقق کل پتانسیل‌های انسان می‌شود (وایت هد، ۲۰۰۷). همچنین فرد در درک جوانب محیط فیزیکی، پیش‌بینی نیازهای حرکتی و پاسخ‌گویی مناسب به آنها با هوش و تمرکز بالا فعالیت می‌کند. بنابراین فرد به سمت سلامتی حرکت می‌نماید که موجب ارتقاء و بهبود سبک زندگی فرد در طول زندگی خواهد شد (وایت هد، ۲۰۰۱؛ وایت هد، ۲۰۰۷؛ وایت هد، ۲۰۱۰؛ روارت و جفریز، ۲۰۱۴؛ استودارت، ۲۰۱۸؛ تاش، ۲۰۱۹). علاوه بر این فرد قادر به شناسایی و بیان ویژگی‌های تأثیرگذار بر عملکرد حرکتی خود و همچنین درک اصول سلامت خود خواهد بود. در سطح حرفه‌ای نیز سواد بدنی به معلم و مربیان این قابلیت را می‌دهد که دید آگاهانه‌تر و بهتری نسبت به نتیجه تربیت بدنی

به دست آورند و نسبت به آنچه که باید در ارتقاء اهداف فیزیکی هدفمند و چگونگی تعامل با کودکان و بزرگسالان مورد توجه قرار دهند، درک بهتری داشته باشند. معلمان آگاه به سواد بدنی و ماهر می‌توانند به ترویج و پرورش سرزندگی، پویایی، توانایی، تندرستی کمک کنند و دانش‌آموزان را به حرکت در این زمینه دعوت نمایند (آلموند، ۲۰۱۳).

پژوهش‌های زیادی در زمینه سواد بدنی صورت نگرفته است، مخصوصاً این کمبود در زمینه پژوهش‌های فارسی بیشتر به چشم می‌خورد. تاش (۲۰۱۹) در پژوهشی با نام «ارزیابی سواد بدنی کودکان مدارس متوسطه» به نقش معلمان و والدین اشاره کرده و والدین دانش‌آموزان و معلمان را به حضور در انواع فعالیت‌های بدنی در محیط‌های مختلف تشویق نموده است. تلفورد^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان «رویکرد تربیت بدنی و سواد بدنی» با تأکید بر نقش آموزش حرفه‌ای معلمان نشان دادند که آموزش حرفه‌ای معلمان موجب تغییر در رویکرد تربیت بدنی و سواد بدنی آنها و همچنین منجر به توسعه سواد بدنی دانش‌آموزان و افزایش انگیزه آنان برای فعالیت‌های بدنی شده است. سام^۳ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر توسعه حرفه‌ای آموزش تربیت بدنی بر سواد بدنی معلمان و خودکارآمدی آنان و نتایج یادگیری دانش‌آموزان» بر نقش آموزش‌های مداوم حرفه‌ای معلمان توجه کرده و بیان نموده‌اند که این آموزش‌ها نه تنها می‌توانند موجب بهبود شایستگی‌های حرفه‌ای آنان گردند، بلکه به نفع دانش‌آموزان نیز خواهد بود، چرا که سواد بدنی معلمان به عنوان مهم‌ترین عامل تعلیم و تربیت بدنی بر انگیزه و سواد بدنی دانش‌آموزان و مشارکت آنها در فعالیت‌های بدنی تأثیرگذار است.

هالتین^۴ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود با نام «نقش صلاحیت در مهارت‌های حرکتی در دستیابی به سواد بدنی» بر نقش کسب مهارت‌های اساسی اشاره کرده و با ارائه مدلی مفهومی، نشان داده‌اند که برخورداری از مهارت‌های اساسی فعالیت‌های بدنی، از یک‌سو به فرد اجازه فعال بودن می‌دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز سواد بدنی است. چن^۵ (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «عملی کردن سواد بدنی برای یادگیرندگان: ایجاد انگیزه برای حرکت» بر اهمیت انگیزه تأکید و بیان داشته است که از مشخصه‌های شخصیتی افراد دارای سواد بدنی، انگیزه قوی برای فعالیت بدنی است. از نظر وی، این انگیزه باید همراه با دانش، مهارت، علاقه، محیط و هدف عمل باشد. لاندوال^۶ (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی

-
1. Almond
 2. Telfor
 3. Sum
 4. Hulteen
 5. Chen
 6. Lundvall

با عنوان «سواد بدنی در زمینه تربیت بدنی» بر نقش مربیان تأکید و عنوان نموده است که حرفه‌ای شدن فرد در یادگیری حرکتی مادام‌العمر به برنامه‌ریزی دقیق معلمان تربیت بدنی بستگی دارد.

سیلورمن و مرسیر^۱ (۲۰۱۵) بر اهمیت نقش تصمیمات معلمان در توسعه مهارت‌های حرکتی، یادگیری دانش‌آموزان و برآورده شدن اهداف سواد بدنی اشاره و بیان داشته‌اند که تحقق اهداف سواد بدنی در یک جامعه به طراحی آموزشی خوب و مناسب بستگی دارد. هاستی و وال‌هد^۲ (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی با عنوان «عملی کردن سواد بدنی از طریق آموزش ورزش» بر نقش مثبت آموزش ورزش در بسیاری از ابعاد سواد بدنی تأکید نموده‌اند. مک‌دانالد و انرایت^۳ (۲۰۱۳) بر ارتباط و هماهنگی بین سواد بدنی و برنامه درسی تربیت بدنی تأکید می‌کند و سواد بدنی را توانایی عمومی برای انسان قرن بیست و یکم می‌داند. وایت‌هد^۳ (۲۰۱۳) با تأکید بر نقش معلمان معتقد است که معلمان، همسالان و خانواده‌ها بازیگران اصلی پشتیبانی از رشد سواد بدنی فرد هستند. در پژوهشی دیگر مندیگو و همکاران (۲۰۰۹) تعریفی عملی از سواد بدنی را ارائه داده‌اند که به معلمان برای اجرای برنامه‌های با کیفیت تربیت بدنی و رشد دانش‌آموزان دارای سواد بدنی کمک نموده است. از نظر آنان، سواد بدنی نه تنها موجب پیشرفت دانش‌آموزان با سواد بدنی در برنامه‌های ورزشی می‌گردد، بلکه موجب توسعه افراد با سواد بدنی در زندگی نیز خواهد شد. پژوهش میرعالی، بهرام و قدیری (۲۰۱۹) بر نقش دانش نظری و مهارت حرکتی اشاره کرده و نتیجه گرفته است که برای افزایش میزان فعالیت بدنی و رشد سواد بدنی دانش‌آموزان بایستی به همان اندازه که بر فعالیت عملی تأکید می‌شود، به دانش نظری آنان نیز توجه شود.

دنیا با گسترش فن‌آوری‌های نوین، پیشرفت سواد رسانه‌ای و عدم تحرک کافی افراد، به سمت کم‌سوادی حرکتی پیش می‌رود و این موضوع زنگ خطری است که اندیشمندان جهان و سازمان‌های بین‌المللی را نسبت به این موضوع حساس نموده است. از سوی دیگر، اگر سواد بدنی به سطح مطلوبی ارتقاء یابد، می‌تواند تضمین‌کننده مشارکت مطلوب در ورزش و فعالیت بدنی در طول عمر افراد شود، پس ضرورت دارد تربیت بدنی، هویت و جایگاه خود را در نظام تعلیم و تربیت و متعاقباً آموزش عالی به دست آورد. لذا برنامه‌های درسی تربیت بدنی باید مبتنی بر چشم‌اندازی باشند تا دانش، مهارت و نگرش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به ارتقاء سلامتی و یادگیری سواد بدنی را ارتقاء بخشند و آنان را قادر سازد تا با انگیزه، اعتماد به نفس و کنترل، در طیف وسیعی از فعالیت‌های بدنی و موزون و شرایط ورزشی حرکت کنند. بیشتر پژوهش‌های انجام شده تاکنون بر مفهوم‌پردازی سواد بدنی و مؤلفه‌های آن توجه نموده‌اند، در نتیجه پژوهش‌هایی با محوریت نقش دانش نظری، تأثیر صلاحیت حرکتی، اهمیت انگیزه، نقش مربیان، خانواده و همسالان در رشد سواد بدنی انجام شده است. با توجه به فقدان

-
1. Silverman & Mercier
 2. Hastie & Wallhead
 3. Macdonald & Enright

الگوی جامع و دربرگیرنده ویژگی‌های برنامه درسی مطلوب آموزش سواد بدنی، پژوهش حاضر به طراحی شایستگی سواد بدنی مورد نیاز دانشجویان پرداخته است تا به عنوان مبنایی مطلوب برای ارائه آموزش‌های سواد بدنی در برنامه‌های درسی آموزش عالی قرار گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی، در زمره پژوهش‌های کیفی و از نوع فراترکیب^۱ بوده که با استفاده از روش شش مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو^۲ (۲۰۰۷) انجام شده است. تیم فراترکیب از سه نفر متخصص برنامه‌ریزی درسی، یک نفر متخصص در حوزه تربیت بدنی و یک نفر متخصص در روش پژوهش فراترکیب با همراهی کارشناس ارشد پایگاه‌های اطلاعاتی و رشته علوم دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی تشکیل شده است. حضور کارشناس پایگاه‌های اطلاعاتی به منظور اطمینان و اعتباربخشی به جستجوی جامع و نظام‌مند پیشینه مرتبط با موضوع و یافتن منابع مورد نیاز بوده است. گام‌های فراترکیب عبارتند از:

مرحله اول) تنظیم سؤال پژوهش

سؤال اصلی پژوهش این بود که چارچوب سواد بدنی مورد نیاز دانشجویان شامل چه مؤلفه‌هایی است؟

مرحله دوم) جستجوی نظام‌مند ادبیات

در این پژوهش پنج پایگاه داده به زبان انگلیسی شامل «اسکوپوس^۳»، «امرالده^۴»، «ساینس دایرکت^۵»، «اشپرینگر^۶» و «پروکوئست^۷» برای مطالعات خارجی و دو پایگاه داده به زبان فارسی شامل «پایگاه نشریات کشور^۸» و «پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۹» انتخاب شدند. برای جست‌وجوی مقالات در این پایگاه‌ها از واژه‌های کلیدی «سواد^{۱۰}»، «سواد بدنی^{۱۱}»، «چارچوب سواد بدنی^{۱۲}»، «شایستگی

-
1. Meta-Synthesis
 2. Sandelowski & Barroso
 3. Scopus
 4. Emerald
 5. Science Direct
 6. Springer
 7. ProQuest
 8. <http://www.magiran.com/>
 9. <https://www.sid.ir/fa/journal/>
 10. Literacy
 11. Physical Literacy
 12. Physical Literacy Framework

سواد بدنی^۱ و «مؤلفه‌های سواد بدنی^۲» استفاده و مقالات مرتبط در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ جمع‌آوری گردید.

مرحله سوم: ارزیابی کیفیت

پس از جستجو اولیه پایگاه داده‌های مذکور، در مجموع تعداد ۶۰ منبع با کلید واژه‌های اشاره شده به دست آمد. فرآیند بازبینی شامل بررسی عنوان منابع، چکیده و محتوای آنها بود و در هر مرحله متناسب با معیارهای پذیرش (زبان پژوهش‌ها فارسی و انگلیسی، زمان انجام پژوهش‌ها از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۹، پژوهش‌های ترکیبی یا کیفی) مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش‌های زیر از فرآیند تجزیه و تحلیل کنار گذاشته شدند:

- موضوع یا محتوای آنها متناسب با موضوع پژوهش حاضر (سواد بدنی) نبودند.
- با روش تحقیق کمی انجام شده بودند. از آن‌جا که پژوهش‌های کیفی (از جمله فراترکیب) با هدف کشف^۳ و پژوهش‌های کمی با هدف توضیح^۴ یا تبیین انجام می‌شوند، مطابق نظر ساندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) پژوهش‌های استفاده شده در فراترکیب باید با روش تحقیق کیفی (یا ترکیبی) انجام شده باشد.
- مقاله‌هایی که در یافته‌ها یا بحث و نتیجه‌گیری آنها، به سودمندی هیچ یک از مؤلفه‌های سواد بدنی نپرداخته باشند.

در این مرحله ۷ منبع به دلیل عدم ارتباط با سؤال پژوهش، ۹ پژوهش کمی و ۳ مقاله که دارای بحث و نتیجه‌گیری نامرتبط بودند کنار گذاشته شدند و ۴۱ منبع برای بررسی بیشتر وارد مرحله بعد شدند.

در این مرحله، از منابعی که مربوط به نویسندگان مشترک یا دارای یافته‌های تکراری بودند یکی از آنها حذف و پژوهش کامل‌تر باقی ماند. به این ترتیب ۵ منبع دیگر نیز حذف و در نهایت تعداد ۳۶ منبع برای ورود به مرحله بعدی باقی ماند.

در قدم بعدی، باید کیفیت روش‌شناختی مطالعات، مورد ارزیابی قرار گیرد. هدف از این گام، حذف منابعی است که پژوهشگر به یافته‌های آنها اعتمادی نداشته باشد. بنابراین ممکن است مطالعه‌ای که باید در تلفیق وجود داشته باشد رد شود. به همین دلیل ابزار ارزیابی حیاتی^۵ مورد استفاده قرار گرفت که لیست کامل و جامعی از سئوال‌ات را ارائه می‌دهد و برای تعیین اعتبار، کاربردی بودن و تناسب

1. Physical Literacy Competence
2. Physical Literacy Components
3. Explore
4. Explain
5. CASP (Critical Appraisal Skills Program)

پژوهش به کار برده می‌شود (چنایل^۱، ۲۰۱۱). به این منظور، چک لیستی ۱۰ سوالی جهت بررسی دقت، اعتبار و اهمیت مطالعات کیفی تهیه شد. سوالات شامل بررسی اهداف پژوهش، منطق روش، طرح پژوهش، روش نمونه‌گیری، روش جمع‌آوری داده‌ها، رابطه پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان، ملاحظات اخلاقی، اعتبار تجزیه و تحلیل داده‌ها، بیان واضح یافته‌ها و ارزش پژوهش بود. هنگام استفاده از این ابزار، منابع مطالعه شد و برای هر منبع به لحاظ دارا بودن ویژگی‌های بالا امتیازی بین ۱ تا ۵ در نظر گرفته شد. بر اساس مقیاس ۵۰ امتیازی این روش، هر منبع بر اساس درجه کیفی و مطابق طیف: خیلی خوب «۴۱-۵۰»، خوب «۳۱-۴۰»، متوسط «۲۱-۳۰»، ضعیف «۱۱-۲۰» و خیلی ضعیف «۰-۱۰» دسته‌بندی شدند.

بر این اساس، ۹ منبع به دلیل کسب امتیاز ضعیف و خیلی ضعیف حذف شدند و ۲۷ منبع در فرآیند ارزیابی پذیرفته شدند که از این تعداد ۱۴ منبع امتیاز متوسط، ۷ مقاله امتیاز خیلی خوب و ۶ مقاله امتیاز خوب را کسب کردند.

جدول ۱- مقالات انتخاب شده نهایی برای جمع آوری اطلاعات

ردیف	نویسنده	عنوان پژوهش
۱	میرعالی و همکاران (۱۳۹۸)	ساختاریابی مدل سواد بدنی در دختران ده ساله ناحیه یک
۲	تلفورد، الیو، کیگان و بارنت (۲۰۱۹)	رویکرد تربیت بدنی و سواد بدنی
۳	انجمن ورزش استرالیا ^۲ (۲۰۱۹)	چارچوب سواد بدنی استرالیا
۴	تاش (۲۰۱۹)	ارزیابی سواد بدنی کودکان مدارس متوسطه
۵	پیلار، رافائل، فلیکس و گابریل ^۳ (۲۰۱۹)	تأثیر رسانه‌های جمعی ورزشی بر رفتار و سلامت جامعه
۶	کومار و پرتی ^۴ (۲۰۱۸)	تأثیرات رسانه بر ورزش
۷	جونز و همکاران (۲۰۱۸)	تدوین الگوی سواد بدنی برای بزرگسالان مسن
۸	سام و همکاران (۲۰۱۸)	تأثیر توسعه حرفه‌ای آموزش تربیت بدنی بر سواد بدنی معلمان و خود کارآمدی آنان و نتایج یادگیری دانش‌آموزان
۹	دادلی، کیرنی، وین رایت، کریلارس و میچل ^۵ (۲۰۱۷)	ملاحظات انتقادی برای سیاست سواد بدنی در بهداشت عمومی، تفریح، ورزش و آموزش

1. Chenail

2. Sport Australia²³

3. Pilar, Rafael, Feli24x & Gabriel

4. Kumar & Priti²⁵5. Dudley, Cairney,²⁶ Wainwright, Kriellaars & Mitchell

جدول ۱- مقالات انتخاب شده نهایی برای جمع آوری اطلاعات

ردیف	نویسنده	عنوان پژوهش
۱۰	ادوارد و همکاران (۲۰۱۷)	تعاریف، مبانی و مشارکت در سواد بدنی
۱۱	هالتین و همکاران (۲۰۱۷)	نقش صلاحیت در مهارت‌های حرکتی در دستیابی به سواد
۱۲	چن (۲۰۱۵)	عملی کردن سواد بدنی برای یادگیرندگان: ایجاد انگیزه برای حرکت
۱۳	هاستی و وال هد (۲۰۱۵)	عملی کردن سواد بدنی از طریق آموزش ورزش
۱۴	لاندوال (۲۰۱۵)	سواد بدنی در زمینه تربیت بدنی
۱۵	سیلورمن و مرسیر (۲۰۱۵)	آموزش سواد بدنی
۱۶	دادلی (۲۰۱۵)	مدل مفهومی سواد بدنی
۱۷	انجمن بین‌المللی سواد بدنی ^۱ (۲۰۱۴)	بیانیه اجماع سواد بدنی کانادا
۱۸	کاستلی، سنتیو، بیل، کارسون و نیکسیک ^۲ (۲۰۱۴)	برنامه‌های جامع سواد بدنی مدرسه
۱۹	تامپست، بورکت و مک کین ^۳ (۲۰۱۴)	مرور پیشنهادهای توسعه سواد بدنی و صلاحیت‌های حرکتی
۲۰	صادقیان، حسینی و فرزنان (۱۳۹۳)	بررسی نقش رسانه‌های جمعی در گرایش مردم شهر همدان به ورزش همگانی
۲۱	یزدانی (۱۳۹۲)	تأثیر رسانه بر همگانی شدن ورزش
۲۲	توکلی، نجفی و نوبخت رضانی ^۴ (۲۰۱۳)	بررسی نقش رسانه‌های جمعی در توسعه ورزش
۲۳	مکدانالد و انرایت (۲۰۱۳)	سواد بدنی و سلامت و برنامه درسی تربیت بدنی استرالیا
۲۴	وایت هد (۲۰۱۳)	تعریف سواد بدنی و شفاف‌سازی موضوعات مرتبط
۲۵	الشاملی، الانازی و احمد شوقی ^۵ (۲۰۱۲)	تأثیر رسانه‌های جمعی ورزشی بر ارتقای ورزش به منظور بهبود سلامت عمومی
۲۶	نظری و قاسمی ^۶ (۲۰۱۱)	نقش رسانه‌های جمعی بر توسعه پایدار ورزش
۲۷	مندیکو و همکاران (۲۰۰۹)	سواد بدنی برای مربیان

1. International Physical Literacy Association
2. Castelli, Centeio, Beighle, Carson & Nicksic
3. Tompsett, Burkett & McKean
4. Tavakolli, Najafi & Nobakht Ramezani
5. Alshamli, Al Anazi & Ahmed Shawqi
6. Nazari & Ghasemi

مرحله چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی
در این مرحله، پژوهشگران به طور پیوسته، ۲۷ مقاله منتخب و نهایی شده را به منظور دستیابی به یافته‌ها درون محتوایی مجزایی که در آنها مطالعات اصلی انجام شده‌اند، چندبار مرور کردند و به استخراج کدها از متون انتخابی اقدام شد. برای استخراج کدها سؤال اصلی پژوهش ملاک عمل قرار گرفت. مراحل پنجم (ترکیب یافته‌های کیفی) و ششم (اعتباریابی یافته‌های کیفی) در بخش یافته‌ها ارائه شده است.

یافته‌ها

مرحله پنجم: ترکیب یافته‌های کیفی
ابتدا تمام عوامل استخراج شده از پژوهش‌ها به عنوان کد در نظر گرفته شد و سپس طبق قاعده‌های تقلیل با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از کدها، کدها خلاصه شد. سپس این کدها بر اساس مفاهیم مرتبط با مفهوم سواد بدنی، در سه مضمون اصلی (۱) شایستگی‌های فردی مشتمل بر چهار مضمون فرعی توانایی شناختی، توانایی عملی، توانایی عاطفی و مشارکت در فعالیت‌های بدنی؛ (۲) شایستگی‌های دانشگاهی مشتمل بر چهار مضمون فرعی امکانات آموزشی، ویژگی‌های اساتید، محیط آموزشی، خانواده و گروه همسالان و (۳) شایستگی‌های اجتماعی مشتمل بر سه مضمون فرعی بافت فرهنگی جامعه، سیاست‌ها و رسانه‌های جمعی طبقه‌بندی شدند. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲- مضامین اصلی و فرعی مستخرج از پژوهش

مضمون اصلی	مضامین فرعی	منبع
توانایی شناختی		مک‌دانالد و انزایت (۲۰۱۳)، انجمن بین المللی سواد بدنی (۲۰۱۴)، هاستی و وال هد (۲۰۱۵)، جونز و همکاران (۲۰۱۸)، میرعالی و همکاران (۱۳۹۸)
		تامپست و همکاران (۲۰۱۴)، انجمن بین المللی سواد بدنی (۲۰۱۴)، سیلورمن و مرسیر (۲۰۱۵)، هالتین و همکاران (۲۰۱۷)، جونز و همکاران (۲۰۱۸)، انجمن ورزش استرالیا (۲۰۱۹)، میرعالی و همکاران (۱۳۹۸)
شایستگی‌های فردی	توانایی عملی	انجمن بین المللی سواد بدنی (۲۰۱۴)، چن (۲۰۱۵)، دادلی (۲۰۱۵)، ادوارد و همکاران (۲۰۱۷)
	مشارکت در فعالیت‌های بدنی	مک‌دانالد و انزایت (۲۰۱۳)، انجمن بین المللی سواد بدنی (۲۰۱۴)، ادوارد و همکاران (۲۰۱۷)

ادامه جدول ۲- مضامین اصلی و فرعی مستخرج از پژوهش

مضمون اصلی	مضامین فرعی	منبع
شایستگی‌های دانشگاهی	امکانات آموزشی	کاستلی و همکاران (۲۰۱۴)
	ویژگی‌های اساتید	مندیکو و همکاران (۲۰۰۹)، لاندوال (۲۰۱۵)، سیلورمن و مرسیر (۲۰۱۵)، سام و همکاران (۲۰۱۸)، جونز و همکاران (۲۰۱۸)، تلفورد و همکاران (۲۰۱۹)
	محیط آموزشی	جونز و همکاران (۲۰۱۸)
	خانواده و همسالان	وایت هد (۲۰۱۳)، ادوارد و همکاران (۲۰۱۷)، جونز و همکاران (۲۰۱۸)، تاش (۲۰۱۹)
شایستگی‌های اجتماعی	بافت فرهنگی جامعه	دادلی و همکاران (۲۰۱۷)، جونز و همکاران (۲۰۱۸)
	سیاست‌ها	جونز و همکاران (۲۰۱۸)
	رسانه‌های جمعی	پیلار و همکاران (۲۰۱۹)، کومار و پرتی (۲۰۱۸)، صادقیان و همکاران (۱۳۹۳)، یزدانی (۱۳۹۲)، توکلی و همکاران (۲۰۱۳)، الشاملی و همکاران (۲۰۱۲)، نظری و قاسمی (۲۰۱۱)

مرحله ششم: اعتباریابی یافته‌های کیفی

در سراسر فرآیند این پژوهش تلاش گردید تا با فراهم کردن توضیحات و توصیف واضح و روشن برای گزینه‌های موجود، مراحل پژوهش به دقت طی شود و در زمان لازم از ابزارهای مناسب جهت ارزیابی پژوهش‌ها استفاده شود. اعتبار داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های اعتبارپذیری^۱ و انتقال‌پذیری^۲ از طریق خودبازبینی پژوهشگران^۳ و هم‌سوسازی داده‌ها^۴ و اعتمادپذیری^۵ با هدایت دقیق جریان جمع‌آوری اطلاعات و هم‌سوسازی پژوهشگران^۶ (لینکلن و گوبا^۷، ۱۹۸۵) تعیین شد. همچنین برای اطمینان بیشتر از روش توافق بین دو کدگذار^۸ و ضریب کاپا استفاده شده است. بدین صورت که پژوهشگر دیگری در حوزه تعلیم و تربیت- بدون اطلاع از نحوه ادغام کدها و مفاهیم ایجاد شده توسط پژوهشگران حاضر- اقدام به دسته‌بندی کدها و مفاهیم نموده سپس با مفاهیم ارائه شده توسط پژوهشگران مقایسه شده است. در نهایت با توجه به تعداد مفاهیم ایجاد شده مشابه و متفاوت، ضریب کاپا برابر با ۰/۸۸ محاسبه شده است که نشان می‌دهد نتایج پژوهش، از قابلیت اطمینان زیادی

1. Credibility
2. Transferability
3. Nvestigator self-monitoring
4. Data Triangulation
5. Dependability
6. Investigator Triangulation
7. Lincoln & Guba
8. Interceder Reliability (ICR)

برخوردارند. همچنین، در طول فرآیند پژوهش، منابع استفاده شده توسط دو نفر از پژوهشگران به صورت مستقل جستجو شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است. جلسه‌های هفتگی تیم پژوهشی به منظور بحث درباره نتایج جستجوها، شکل‌دهی و اصلاح راهبردهای جستجوی منابع، بحث درباره نتایج ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری درباره راهبردهای ارزیابی مطالعات، تثبیت حوزه‌های مورد توافق و مذاکره درباره حوزه‌ها و موارد شامل اختلاف نظر تا رسیدن به اجماع برگزار گردید. همچنین مستندسازی از تمام فرایندها، رویه‌ها و تغییرات در روند کار و نتایج صورت پذیرفت لذا از اعتبار توصیفی^۱، تفسیری^۲، نظری^۳ و پراگماتیک^۴ (ساندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷) برخوردار است. همچنین از نظریات خبرگان موضوعی در خصوص کدگذاری‌های انجام شده بهره گرفته شد. در این راستا گروه کانونی^۵ با شرکت ۸ نفر از اعضای هیئت علمی و متخصص در حوزه تعلیم و تربیت برگزار شد. مشخصات اعضای گروه کانونی در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳- مشخصات اعضای گروه کانونی

استاد	دانشیار	استادیار	
---	---	۲	کمتر از ۱۰ سال سابقه
---	۲	۱	بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه
۱	۲	---	بیش از ۲۰ سال سابقه

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، طراحی چارچوب شایستگی‌های سواد بدنی مورد نیاز دانشجویان بود. همه دانشجویان بدون توجه به سن، توانایی و جنسیت از این توانایی برخوردارند که دارای سواد بدنی باشند (وایت هد، ۲۰۱۰). سواد بدنی نه تنها برای ورزشکاران حرفه‌ای و بزرگسالان بلکه برای دانشجویانی که در طول زندگی خود در فعالیتهای ورزشی شرکت می‌کنند و کودکان نیز، لازم است. همه این دانشجویان بایستی با اعتماد به نفس و شایستگی درگیر فعالیتهای جسمانی شوند تا در طول زندگی خود فعال باشند و سلامتی آنها در هر سنی افزایش یابد (ادوارد و همکاران، ۲۰۱۷)؛ استودارت، ۲۰۱۸). آموزش سواد بدنی با کیفیت می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا در مسیر سواد بدنی خود به جلو حرکت کرده و پیشرفت کنند (استودارت، ۲۰۱۸). دانشجویانی که سواد بدنی دارند

1. Descriptive
2. Interpretive
3. Theoreticall
4. Pragmatic
5. Focus Group

با مهارت و اطمینان در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های بدنی و در محیط‌های مختلف حرکت می‌کنند که از رشد و پیشرفت سالم کل دانشجویان سود می‌برند. بدون پیشرفت سواد بدنی، بسیاری از کودکان و نوجوانان از فعالیت بدنی و ورزش کنار می‌روند و در اوقات فراغت خود به انتخاب‌های غیرفعال و ناسالم تر می‌روند. سواد جسمی وسیله‌ای ضروری برای مشارکت فعال در جوامع و توسعه و حفظ سلامت است (فراسر، ۲۰۰۶). سواد بدنی دارای فواید پیش‌بینی شده زیادی از جمله افزایش میزان مراقبت‌های بهداشتی دانشجویان، بهبود جسمی و روانی، افزایش بهره‌وری در فعالیت‌ها، رشد سطح مهارت و مشارکت بیشتر در فعالیت‌های ورزشی است (گیبلین و همکاران، ۲۰۱۴). پرورش این جنبه موجب غنی‌سازی تجربه و کمک به تحقق کل پتانسیل‌های انسان می‌شود (وایت‌هد، ۲۰۰۷).

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، طراحی چارچوب سواد بدنی دانشجویان تربیت بدنی بود که با توجه به یافته‌های پژوهش سه شایستگی سواد بدنی شامل شایستگی‌های فردی دانشجویان، شایستگی محیطی دانشگاه و شایستگی اجتماعی بود.

شایستگی‌های فردی دانشجویان شامل چهار حوزه استعدادی است: توانایی شناختی، توانایی عملی، توانایی عاطفی و مشارکت در فعالیت‌های بدنی. استعداد و تسلط برتر بر توانایی‌ها (یا مهارت‌ها) و فردی که حداقل در یک زمینه از فعالیت‌های انسانی به‌طور منظم توسعه یافته‌اند اشاره دارد به حدی که فرد را حداقل در ۱۰٪ بالای همسالان خود قرار دهد. اگر توسعه ورزش یا ورزشکار مورد توجه باشد، نتیجه می‌گیریم که ممکن است دانشجویی در حوزه حرکتی استعداد و هوش داشته باشد که در هر فرد متفاوت و بالقوه است. باید توانایی هر دانشجو را در برنامه‌ها در نظر گرفت (کیگن و همکاران، ۲۰۱۷). یکی از مؤلفه‌های شایستگی‌های فردی، داشتن توانایی شناختی برای دانشجو است. وقتی در مورد بعد شناختی دانشجویان بحث می‌شود، دامنه دانش و مهارت وسیع است و شامل چندین زمینه فراتر از حیطه جسمی است. برای حضور فعال در محیط‌های طبیعی، دانشجویان باید، دربارہ آنها آگاهی داشته باشند و انتخاب‌های بی‌خطری انجام دهند. چشم‌انداز و توانایی‌ها را درک کرده و بدانند که چگونه بر جسم خود غالب شوند. همچنین باید قادر به تعبیر این مسئله باشند که مهارت‌هایشان متناسب با موقعیت پیش‌روست یا خیر و از خود آگاهی داشته باشند (توسعه سواد بدنی، ۲۰۱۹). میرعالی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود بر نقش دانش نظری و مهارت حرکتی توجه داشتند و بیان می‌دارند که میان شایستگی‌های مهارت حرکتی و میزان فعالیت بدنی ارتباط معناداری وجود دارد و همچنین میان دانش تربیت بدنی با فعالیت بدنی نیز رابطه معناداری یافت شده است. به همین سبب برای افزایش میزان فعالیت بدنی و رشد سواد بدنی دانشجویان بایستی به همان اندازه که بر فعالیت عملی تأکید می‌شود، به دانش نظری و شناختی آنان نیز توجه شود. از دیگر مؤلفه‌های شایستگی‌های فردی، توانایی عملی دانشجویان است که در این مؤلفه به نقش

صلاحیت بدنی دانشجویان دارای سواد بدنی در شرکت در فعالیت های بدنی تأکید شده است. هالتین و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود بر نقش کسب مهارت های اساسی اشاره کردند و نشان دادند که داشتن مهارت های اساسی در فعالیت های بدنی به دانشجو اجازه فعال بودن می دهد و زمینه ساز سواد بدنی است. مؤلفه بعدی شایستگی های فردی دانشجویان، توانایی عاطفی است. فعالیت های طبیعی به کودکان و بزرگسالان اجازه می دهد تا خود را به چالش بکشند. غلبه بر این چالش ها اعتماد به نفس یک دانشجو را افزایش می دهد. آشنایی با یک کار و تداوم آن باعث افزایش اعتماد به نفس می شود و بیشتر منجر به این خواهد شد که دانشجویان خود را به سمت جهش های پیشرفته تر، تعادل و صعود به چالش بکشند. فرصتی برای تنها بودن و یا وابستگی به مهارت های شخصی خود، مانند یافتن مسیر، اعتماد به نفس را نیز افزایش و سواد بدنی را توسعه می دهد (توسعه سواد بدنی، ۲۰۱۹). در این مؤلفه بر تأثیر انگیزه در سواد بدنی و انجام فعالیت های بدنی تأکید شده است. چن (۲۰۱۵) در پژوهش خود، بر اهمیت انگیزه تأکید داشته و بیان می دارد که یکی از مشخصه های شخصیتی دانشجویان دارای سواد بدنی، انگیزه ای قوی برای فعالیت بدنی است و همچنین اذعان داشته است که این انگیزه باید همراه با دانش، مهارت، علاقه، محیط و هدف عمل باشد. فعالیت های عملی آنان نقش اساسی دارد. آخرین مؤلفه شایستگی های فردی می توان به مشارکت در فعالیت های بدنی دانشجویان اشاره کنیم. فعالیت بدنی همواره جزء مکملی از زندگی افراد است و موقعیتی را به وجود می آورد که در آن شرایط افراد، از مشکلات زندگی دور شده و در فاصله های متناوب فرصتی پیدا می کنند تا تجارب شاد و خوشایندی را به دست آورند (پارسامهر و همکاران، ۱۳۹۶). طبق نتایج پژوهش قره و همکاران (۱۳۸۸) تداوم مشارکت ورزشی دانشجویان به یک سری عوامل مرتبط است. برخی از عوامل انگیزه مشارکت ورزشی دانشجویان دارای فعالیت بدنی منظم، مانند همراهی با گروه، آمادگی، رهایی انرژی، عوامل موقعیتی، توسعه مهارت و تفریح است.

دومین شایستگی کشف شده در این پژوهش شایستگی دانشگاهی است. دسترسی به طیف وسیعی از امکانات و تجهیزات فراهم کننده فعالیت های بدنی قبل، حین و بعد از محیط های ورزشی باید فراهم شود. همچنین کلاس هایی طراحی شود که حرکت و فعالیت بدنی را تشویق می کنند. امکانات کافی برای کارکنان و دانشجویان فراهم شود تا از فعالیت های متنوع و فعالانه استفاده کنند. دسترسی به کلیه فضاهای باز، از جمله فضای ورزشی داخلی. اطمینان حاصل شود که محیط ورزشی از نظر بهداشتی، ایمنی کنترل شده است. مربیان نیز تشویق شوند تا از فعالیت های فعال و بدنی در حین انجام وظیفه در محیط حمایت کنند (توسعه سواد بدنی، ۲۰۱۹). یکی از مؤلفه های شایستگی محیطی دانشگاه، ویژگی های اساتید است. اساتید باید اطمینان حاصل کنند که تربیت بدنی به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی برنامه درسی ارزش دارد و باید از منابع برای حمایت از پیشرفت سواد بدنی در کلاس

تربیت بدنی خود برای طیف وسیعی از ابزارهای عالی بیشتر استفاده نمایند. همچنین برنامه‌های تربیت بدنی را سرگرم کننده، برنامه ریزی کنند تا دانش و مهارت‌های متناسب، ایجاد و فعالیت‌های متنوعی ارائه داده شود. همچنین به مربیان چند ورزشی آموزش داده شود تا قبل از حرکت به مرحله بعدی، کنترل، قوام و اطمینان را در اولویت قرار دهند. پیشرفت تدریجی مبتنی بر پایه محکم مهارت‌های حرکتی بهترین راه برای پیشرفت است. این کار از قبل با پیشرفت تعادل، چابکی، انعطاف پذیری و هماهنگی شروع می‌شود، در نهایت با اضافه کردن پیچیدگی یا حرکت به ارتفاعات بیشتر همان‌طور که صلاحیت دانشجو اجازه می‌دهد ادامه پیدا می‌کند (مراکز ورزشی کانادا، ۲۰۰۸). در این مؤلفه بر نقش معلمان و برنامه‌های با کیفیت تربیت بدنی در رشد دانشجویان با سواد بدنی تأکید شده است. لاندوال (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود بر نقش مربیان تأکید کرده و بیان می‌دارد که حرفه‌ای شدن دانشجو در یادگیری حرکتی مادام‌العمر به برنامه ریزی دقیق معلمان تربیت بدنی توجه به سواد بدنی و نتایج یادگیری وابسته است. همچنین سیلورمن و مرسیر (۲۰۱۵) در پژوهش خود بر نقش مهم تصمیمات معلمان اشاره کرده‌اند و با نام "آموزش سواد بدنی" بر اهمیت نقش تصمیمات معلمان در توسعه مهارت‌های حرکتی، یادگیری دانشجویان و برآورده شدن اهداف سواد بدنی تأکید می‌کنند و بیان می‌دارند که هدف سواد بدنی در یک جامعه با یک طراحی آموزشی خوب توسط معلمان آغاز می‌گردد. مؤلفه محیط آموزشی و امکانات آن از دیگر مؤلفه‌های شایستگی محیطی دانشگاه است. با توجه به این مؤلفه باید انواع فعالیت‌های ورزشی و بدنی فراگیر، رقابتی، غیر رقابتی، تیمی و دانشجویی برای دانشجویان فراهم شوند. از دانشجویان برای هدایت ابتکارات ورزشی و فعالیت‌های بدنی در دانشگاه حمایت شود. دانشجویان برای مشارکت و موفقیت به رسمیت شناخته شوند و پاداش داده شوند. ارتقاء نگرش مثبت به توسعه سواد جسمی در نظر گرفته شود و از دانشجویان برای شناسایی فرصت‌های حرکتی در محیط آموزشی و در جامعه محلی خود پشتیبانی شود (توسعه سواد بدنی، ۲۰۱۹). هاستی و وال هد (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود بر نقش مثبت آموزش ورزش در بسیاری از ابعاد سواد بدنی تأکید کرده‌اند. در نهایت خانواده و گروه همسالان سومین مؤلفه شایستگی محیطی دانشگاه است. مربیان، والدین و همسالان بر انگیزه و رویکردهای تلاش و ریسک تأثیر می‌گذارند. یادگیری مشاهده‌ای، تقلید و تجربه در بهبود خودکارآمدی نقش دارند. تعامل و مشاهده همسالان و همچنین تشویق کلامی و اجتماعی، رشد سواد بدنی را در محیط‌های متنوع تقویت می‌کند. مشارکت در تجربیات سواد جسمی با کیفیت، نتایج مثبتی را در تجربه، درک و کاربرد هر یک از شرکت‌کنندگان در تنظیمات مختلف ایجاد می‌کند. این مشارکت منجر به پیشرفت در سلامت جسمی و روحی، افزایش تناسب اندام و افزایش عملکرد از طریق مؤلفه‌های مبتنی بر اتصال و شایستگی طراحی

برنامه می شود که موجب تقویت بیشتر اعتماد به نفس، انگیزه لذت، درک اجتماعی، جنبشی و آگاهی مکانی از اصطلاحات حرکتی تقویت شده می گردد. از دیگر مزایا می توان به ارتقاء اهمیت تربیت بدنی، ورزش و فعالیت بدنی بر مزایای تحصیلی، بهداشتی و درمانی، ارائه اطلاعات منظم و راهکارهای عملی برای ارتقاء سواد بدنی و کاهش رفتارهای کم تحرک در خانه اشاره کرد. با توجه به این مطالب نقش والدین به عنوان الگو در فعالیت بدنی باید ارتقاء داده شود و والدین ترغیب شوند که در ورزش و فعالیت بدنی فرزندشان شرکت کنند. همچنین بر مزایای شرکت در انواع فعالیت‌های فراگیر، رقابتی، غیر رقابتی، تیمی، دانشجویی و تفریحی توصیه می شود. مشارکت دانشجویان با سوابق فرهنگی متنوع برای مشارکت در ورزش و فعالیت های بدنی تشویق شود و والدین ترغیب شوند تا فرهنگ و تجربیات خود را در صورت لزوم به اشتراک بگذارند. خانواده ها ترغیب شوند تا با مربیان در مورد رشد سواد جسمی فرزندشان ارتباط برقرار کنند (توسعه سواد بدنی، ۲۰۱۹). تاش (۲۰۱۹) نیز در پژوهش خود به نقش معلمان و والدین اشاره کرده و اعلام می کند که به منظور رشد سواد بدنی، والدین و معلمان دانشجویان را به حضور در فعالیت های بدنی مختلف در محیط های مختلف تشویق می کنند و دانش کافی را در رابطه با سواد بدنی به دانشجویان ارائه می دهند. همچنین وایت هد (۲۰۱۳) در پژوهش خود با تأکید بر نقش معلمان اعلام داشت که معلمان، همسالان و خانواده ها بازیگران اصلی پشتیبانی از رشد سواد بدنی دانشجو هستند.

و سومین مورد، شایستگی اجتماعی است. در حالی که کاوش در محیط طبیعی می تواند یک فعالیت انفرادی باشد، غالباً یک مؤلفه اجتماعی برای فعالیت های مبتنی بر طبیعت وجود دارد. در هنگام پیاده روی، کمپینگ یا کوهنوردی، دانشجویان فرصتی برای تصمیم گیری با هم خواهند داشت و اغلب اوقات برای موفقیت در وظیفه خود به حمایت دیگری نیاز دارند. کنار هم بودن (شبکه) به مردم این امکان را می دهد تا با یکدیگر معاشرت کنند، پیوند برقرار کنند و یکدیگر را به روش های مختلف درک کنند و سواد بدنی در گرده همایی های باهم بودن شکل گرفته و توسعه می یابد. با توجه به اهمیت این مؤلفه مشارکت در فعالیت های بدنی جامعه باید ارتقا یابد. برای تقویت فرصت های فعالیت بدنی با مراکز تفریحی، باید ورزش در جامعه برقرار شود. همچنین ارتباطات با آژانس های بهداشتی محلی، سازمان ها و مشاغل محلی برای حمایت از ابتکارات سواد بدنی، مشارکت در زمینه مناطق امن و زیرساخت های فعالیت ها و دسترسی به امکانات ورزشی محیط آموزشی باید تشویق و فعال شود. و ابتکارات و پیام های سلامتی و رفاه جامعه محلی نیز ترویج داده شوند (توسعه سواد بدنی، ۲۰۱۹). از جمله مؤلفه های شایستگی اجتماعی، بافت جامعه است. جوامع با سواد بدنی محیطی از فعالیت های بدنی متنوع، غنی و عاری از تعصبات و متناسب را در طول زندگی برای دانشجویان فراهم می کنند که در آنها سواد بدنی مورد تشویق، دستیابی، توسعه و پایداری است. آمادگی فرهنگی و ویژگی

های آن شامل ارتباطات اجتماعی، هنجارها و انتظارات اجتماعی فرهنگی، می‌توانند مشارکت در فعالیت‌های بدنی و سواد بدنی دانشجویان را به طور مثبت یا منفی تحت تأثیر قرار دهند (جونز و همکاران، ۲۰۱۸؛ دادلی و همکاران، ۲۰۱۷). دومین مؤلفه شایستگی اجتماعی، سیاست است. پشتیبانی از تمام جنبه‌های سواد جسمی از جمله رشد جسمی، روانی، اجتماعی و شناختی، جامعه گسترده مدرسه و دانشگاه را در ایجاد، بررسی و به اشتراک گذاری این سیاست باید درگیر نمود. توجه به نیازهای فردی دانشجویان با استفاده از یک رویکرد مبتنی بر قدرت و دانش محور را بایستی در اولویت قرار داد. بایستی هشت مؤلفه اصلی سواد جسمی در نظر گرفته شود و راهنمای مدارس، اصول ایمنی و فراگیر و بهترین اقدامات ادغام شوند. همچنین فرصت‌هایی را برای دانشجویان برای بهبود سواد بدنی خود به عنوان بخشی از یک برنامه بهزیستی در نظر گرفته شود. اطمینان حاصل شود که دانشجویان هر روز از لحاظ جسمی فعال هستند و از سلامت، ورزش، شکاف و هرگونه فعالیت بدنی مستثنا نیستند. سواد بدنی در سایر سیاست‌های مربوطه باید گنجانده شوند (اندرسون، ۱۹۸۶). در این راستا جونز و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که سیاست از دیگر مؤلفه‌های سواد بدنی پشتیبانی می‌کند و قبول فعالیت‌های ورزشی مادام‌العمر را تسهیل می‌کند و می‌تواند با اینکار در بهبود کیفیت زندگی و بهبود وضعیت سلامتی جامعه هم در سطح خرد و هم در سطح کلان موثر باشد.

مؤلفه‌های شایستگی اجتماعی، رسانه‌های جمعی هستند. رسانه‌های ورزشی با ارتقا عادات سالم تأثیرات مثبتی بر انگیزه دانشجویان برای ایجاد تغییر در سبک زندگی را برجسته می‌کنند و ظرفیت قابل توجهی برای تأثیرگذاری بر سرشت و پیشرفت ورزش دارند. همچنین رسانه‌ها با نقش مشارکت اجتماعی خود بر گرایش مردم به ورزش و تربیت نیروی انسانی سالم تأثیر می‌گذارند. و با مهم‌ترین نقش خود یعنی آگاه‌سازی مردم از فواید ورزش همگانی و تبلیغ و اطلاع‌رسانی در مورد آن بر گرایش مردم به ورزش همگانی و توسعه ورزش تأثیر می‌گذارند. رسانه‌های جمعی وسیله مهمی برای توسعه ورزش هستند که بر تحقق بیشتر اهداف توسعه ورزش تأثیر می‌گذارند. و در ارتقای یک سبک زندگی فعال بدنی مؤثر هستند (پیلار و همکاران، ۲۰۱۹؛ کومار و پریتی، ۲۰۱۸)،

بنابراین، سواد بدنی نقش اصلی در توسعه آمادگی جسمانی دانشجویان دارد که می‌تواند با داشتن یک تمرین بدنی خوب، منظم، برنامه‌ریزی شده و از نظر فنی با تحمل تمرینات به حداکثر حجم اکسیژن، استفاده از کالری برای تناسب اندام منجر گردد. آمادگی بدنی و سلامتی مادام‌العمر می‌تواند با فعالیت بدنی منظم دانشجویان و تمرین خودتنظیمی و تحت انگیزه فعالیت بدنی برای تناسب اندام و شیوه زندگی سالم موفق باشد. در گسترش سلامت تحت آموزش بهداشت عمومی، فعالیت

بدنی عامل اصلی است. فعالیت بدنی می‌تواند به عنوان حرکت انسانی تعریف شود که توسط سیستم های اسکلتی عضلانی انجام شود و می‌تواند سلامت فیزیولوژیکی و روانی را که از اهمیت بالایی برای سلامتی کامل دانشجویان برخوردار است، بهبود بخشد. با توجه به اهمیت و کارایی داشتن و کاربردی بودن فعالیت های فیزیکی، توجه و تشخیص لازم برای آموزش و یادگیری در دانشکده ها برای ارتقاء سطح سواد فعالیت بدنی دانشجویان مورد تأکید قرار می‌گیرد (توکر^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ لاگو^۲ و همکاران، ۲۰۱۷؛ بیلی^۳، ۲۰۱۶).

همچنین، انگیزه فعالیت بدنی و خودتنظیمی دانشجویان (لذت، شایستگی، ظاهر، تناسب اندام) زیر مجموعه آموزش سلامت جسمی آنان در مورد آمادگی جسمی و سلامتی آنان در طول زندگی است. مطالعه فعالیت های بدنی دانشجویان نشان داد که اکثر آنان تحت انگیزه حفظ ظاهر خود، فعالیت بدنی انجام می‌دهند، که این مورد مربوط به حفظ مهارت های جسمی (انگیزه ظاهری) به عنوان یک عامل انگیزشی برای فعالیت بدنی و تمرکز بر حفظ تناسب اندام بدن در طول زندگی (انگیزه تناسب اندام) است. برخی از دانشجویان نیز به طور حرفه ای فعالیت های بدنی انجام می‌دهند. این مقوله شامل حفظ مهارت های حرفه ای (انگیزه شایستگی) است که عامل انگیزشی برای فعالیت بدنی محسوب می‌گردد. همچنین، علاقه نیز یک عامل اصلی در حفظ و تحریک مشارکت (انگیزه لذت) و بنابراین محرکی برای فعالیت بدنی است (بیلی، ۲۰۱۷).

انگیزه دانشجویان به عنوان یک عامل اصلی در سواد فعالیت بدنی، می‌تواند با فرآیند درونی (انگیزه ذاتی) و فرآیند بیرونی (انگیزش بیرونی)، با فاکتورهای طبیعت یعنی گرایش های ذاتی به دست آمده توسط دانشجویان قبل از تولد، مرتبط باشد. توانایی ها و تغذیه یعنی گرایش های محیطی به دست آمده توسط دانشجویان پس از تولد که می‌توانند توانایی، قدرت، تمرکز، تعقل و پتانسیل برای شروع، ادامه و حفظ فعالیت بدنی هدفمند را توضیح داده و توجیه کننده رفتارهایی عاطفی، اجتماعی و شناختی دانشجویان باشد که جهت گیری رفتاری، خواسته ها، نیازها و اقدامات دانشجو از جمله یادگیری روان‌شناختی (بدنی یعنی فعالیت بدنی)، یادگیری عاطفی (اخلاقی یعنی خودداری) و یادگیری شناختی (ذهنی هوش یعنی کسب دانش) را فعال می‌کند (بیلی و همکاران، ۲۰۱۷؛ توکر و همکاران، ۲۰۱۷). درک دانشجویان از علائم حیاتی (ضربان قلب، فشار خون و شاخص توده بدنی)، جلوگیری از صدمات ورزشی (تاندونیت آشیل، سندرم درد زانو)، سطح سواد سلامتی آسم (به دلیل شرایط محیطی، جسمی و پزشکی)، سواد سلامتی سطح آتروفی ماهیچه ها (به دلیل عوامل جسمی، پزشکی و ورزش)، موارد منع مصرف ضعف عضلانی (ناشی از خستگی مرکزی، خستگی محیطی و

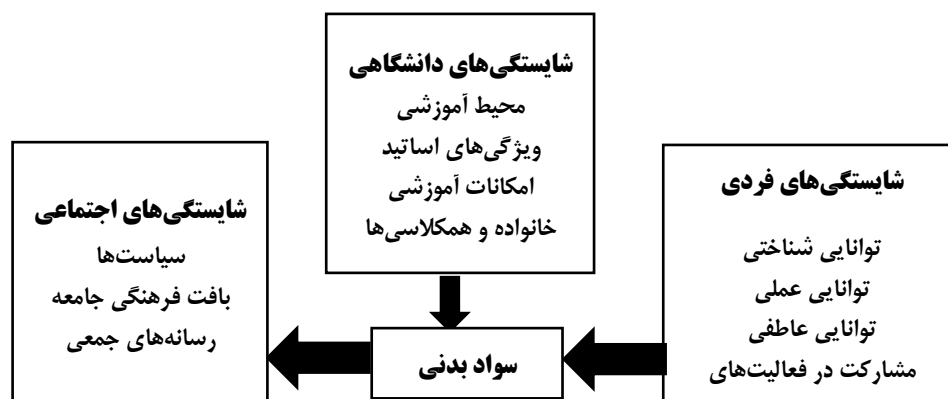
-
1. Tucker
 2. Laggao
 3. Bebeley

اسید لاکتیک)، سطح سواد آموزش بهداشتی استرس (به دلیل عوامل شناختی، عاطفی و جسمی)، سطح سواد آمادگی بدنی (به دلیل فاکتورهای رشدی، انسانی و تناسب اندام)، سطح اندازه گیری (حداکثر حجم مصرف اکسیژن)، تأثیرات آموزش‌ها (برنامه تربیت بدنی بر آمادگی حرکتی)، سطح سواد جسمی (حرکتی بدنی، مهارت‌های ارسال و دریافت) و میزان آگاهی در مورد منع مصرف بیماری‌های قلبی عروقی قلب (ضربان قلب، فشار خون بالا و بیماری قلبی ریوی)، نه تنها باعث افزایش جوانب مثبت، انگیزه، تنظیم رفتار، خودکارآمدی و اوقات فراغت هفتگی در فعالیت‌های بدنی می‌شود، بلکه به دانشجویان، جوامع، محیط زیست و عموم مردم کمک می‌کند تا با کنترل و چاقی، بیماری‌های مرتبط با سبک زندگی و مرگ و میر را کاهش دهد (توکر و همکاران، ۲۰۱۷؛ بلی و همکاران، ۲۰۱۶). سواد بدنی آرمان و وسیله‌ای برای تربیت بدنی محسوب می‌شود که می‌تواند تربیت بدنی را از نقش مرسوم و نسبتاً محدود در جهت توسعه ورزش‌ها کند و هم‌زمان اثربخشی آن را به‌عنوان یکی از عوامل مشارکت دائمی در فعالیت‌های بدنی سالم، لذت‌بخش و هدفمند، تجربه جسمانی و یادگیری، بهبود بخشد. از این رو، توجه همه جانبه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام آموزشی در تهیه این مهم را بیش‌ازپیش طلب می‌نماید.

بررسی ویژگی‌های مربوط به سواد بدنی دانشجویان نشان داد که برخی از این ویژگی‌های نقش پیش‌نیاز را ایفا می‌کنند. یعنی شایستگی‌های فردی دانشجویان در میزان کسب سواد بدنی نقش اساسی را ایفا می‌کنند. به عبارتی دانشجویان بر اساس توانایی شناختی، توانایی عملی، توانایی عاطفی و مشارکت در فعالیت‌های بدنی، میزان متفاوتی از سواد بدنی را تجربه می‌کنند. دانشجویانی که شناخت کامل‌تری از ویژگی‌های فیزیولوژیکی بدن خود داشته باشند، با بهترین فعالیت‌های عملی قادر هستند بهترین شرایط سلامت بدنی را در خود ایجاد نمایند و نهایتاً با مشارکت در فعالیت‌های بدنی که با انگیزش و احساس مثبت و علاقه بالاست می‌تواند سواد بدنی خود را به طور قابل ملاحظه‌ای بالا ببرد.

اما در کنار ویژگی‌های فردی حضور در محیط دانشگاهی می‌تواند شرایط تسهیل‌کننده‌ای برای توسعه سواد بدنی دانشجویان ایجاد نماید. وجود محیط آموزشی مساعد و غنی از نظر انجام فعالیت‌های ورزشی، اساتید علاقه‌مند به ورزش و همراه و همگام و مشوق دانشجویان، امکانات ورزشی به روز و مجهز به آخرین فناوری‌های دنیا و خانواده و همکلاسی‌های مشوق و حمایت‌کننده می‌تواند به توسعه سواد بدنی، عمق و کیفیت آن کمک قابل توجهی نماید و در نهایت دانشجویانی که دارای این سواد بدنی توسعه یافته باشند می‌توانند شایستگی‌های خود را در سطح جامعه نشان دهند. این چنین دانشجویانی می‌توانند به عنوان مدیران آشنا به تربیت بدنی، نقش اساسی در تدوین سیاست‌های تربیت بدنی در سطح جامعه داشته باشند. ضمن آن که با توجه به این که این دانشجویان از

بافت فرهنگی خود جامعه برخاسته اند می توانند به آسانی تأثیرگذاری خود را در توسعه این سواد بدنی در اجتماع محلی و نهایتاً جامعه بزرگ تر نشان دهند و در نهایت به دلیل آگاهی و دانش و مهارت و نگرش اندیشمندانه به سواد بدنی می توانند از طریق رسانه های جمعی این سواد بدنی را در سطح اجتماعی گسترده تر نموده و رشد و توسعه دهند.



شکل ۱- مدل سواد بدنی دانشجویان

در نهایت با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادات زیر مطرح می شود:

- طراحی کلاس هایی که حرکت و فعالیت بدنی را تشویق می کنند
- فراهم سازی دسترسی دانشجویان به طیف وسیعی از امکانات و تجهیزات فراهم کننده فعالیت های بدنی
- تهیه برنامه های تربیت بدنی دقیق و جامع توسط اساتید، جهت ارائه دانش، مهارت های متناسب و ایجاد فعالیت های متنوع

منابع

1. Almond, L. (2013). What is the value of physical literacy and why is physical literacy valuable? *Presidents Message*, 12.
2. Alshamli, A., Al Anazi, H. M., Shawqi, M. A. (2012). Sport mass media influence on promoting sports in order to improve public health. *Current Research Journal of Social Sciences*, 4(2): 153-158.
3. Aronson, RM. (1986). What is the relationship between Physical Education and Physical Literacy? In *Journal of Physical Education, Recreation & Dance* (Vol. 57, Issue 6, pp. 29-32). <https://doi.org/10.1080/07303084.1986.10606159>

4. Balyi, I; Way, R; Higgs, C. (2020). Physical literacy in long-term athlete development (pp. 33–48). Champaign, IL: Human Kinetics. Retrieved July 9, 2020, from <http://dx.doi.org/10.5040/9781492596318.ch003>
5. Basoglu, U. D. (2018). The Importance of Physical Literacy for Physical Education and Recreation. *Journal of Education and Training Studies*, 6(4): 139-142.
6. Bebeley, S. J., Wu, Y., & Liu, Y. (2016). Athletes' knowledge about preventing sports injuries as prime prevention strategies in slowing ageing process. *Journal of Exercise Science and Physiotherapy*, 12(1): 25-37.
7. Canadian Sport Centres (2008). *Canadian Sport for Life: Long Term Athlete Development resource paper v2*. Canadian Sport Centres, Vancouver, BC
8. Caspersen, C. J., Powell, K. E., & Christenson, G. M. (1985). Physical activity, exercise, and physical fitness: definitions and distinctions for health-related research. *Public health rep*, 100(2): 126-31.
9. Castelli, D. M., Centeio, E. E., Beighle, A. E., Carson, R. L., & Nicksic, H. M. (2014). Physical literacy and comprehensive school physical activity programs. *Preventive medicine*, 66: 95-100.
10. Chenail, R. J. (2011). Learning to Appraise the Quality of Qualitative Research Articles: A Contextualized Learning Object for Constructing Knowledge. *The Qualitative Report*, 16(1): 236-248. Retrieved from <https://nsuworks.nova.edu/tqr/vol16/iss1/14>
11. Chen, A. (2015). Operationalizing physical literacy for learners: Embodying the motivation to move. *Journal of Sport and Health Science*, 4(2): 125-131.
12. Corbin, C. B. (2016). Implications of physical literacy for research and practice: A commentary. *Research quarterly for exercise and sport*, 87(1): 14-27.
13. DPL-2_EN_web_November_2019-1.pdf. (n.d.).
14. Dudley, D. A. (2015). A conceptual model of observed physical literacy. *The Physical Educator*, 72(5).
15. Dudley, D., Cairney, J., Wainwright, N., Kriellaars, D., & Mitchell, D. (2017). Critical considerations for physical literacy policy in public health, recreation, sport, and education agencies. *Quest*, 69(4): 436-452.
16. Edwards, L. C., Bryant, A. S., Keegan, R. J., Morgan, K., & Jones, A. M. (2017). Definitions, foundations and associations of physical literacy: a systematic review. *Sports medicine*, 47(1): 113-126.
17. Fraser-Thomas, J., & Côté, J. (2006). Youth sports: Implementing findings and moving forward with research. *Athletic Insight*, 8(3): 12-27.
18. Ghare, M., Tavakoli, J., Mohammadi, Z. & Arab Nermi, Z. (2009). Comparison of motivational factors of regular participation of students in physical activities (by gender and self-efficacy). *Sports Management Studies (Institute of Physical Education)*, 4(25): 151-163. (Persian)
19. Giblin, S., Collins, D., & Button, C. (2014). Physical literacy: importance, assessment and future directions. *Sports Medicine*, 44(9): 1177-1184.
20. Hastie, P. A., & Wallhead, T. L. (2015). Operationalizing physical literacy through sport education. *Journal of Sport and Health Science*, 4(2): 132-138.

21. Hulteen, R., Morgan, P., Barnett, L., Stodden, D., & Lubans, D. (2017). The role of movement skill competency in the pursuit of physical literacy: Are fundamental movement skills the only pathway? *Journal of Science and Medicine in Sport*, 20, e77.
22. International Physical Literacy Association. (2014). Canada's physical literacy consensus statement.
23. Jones, G. R., Stathokostas, L., Young, B. W., Wister, A. V., Chau, S., Clark, P., ... & Nordland, P. (2018). Development of a physical literacy model for older adults—a consensus process by the collaborative working group on physical literacy for older Canadians. *BMC geriatrics*, 18(1): 13.
24. Keegan, R., Barnett, L., & Dudley, D. (2017). Physical literacy: Informing a definition and standard for australia. Australian Sports Commission.
25. Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
26. Longmuir, P. E., & Tremblay, M. S. (2016). Top 10 research questions related to physical literacy. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 87(1):28-35.
27. Lundvall, S. (2015). Physical literacy in the field of physical education—A challenge and a possibility. *Journal of Sport and Health Science*, 4(2): 113-118.
28. Macdonald, D., & Enright, E. (2013). Physical literacy and the Australian health and physical education curriculum. *ICSSPE Bull J Sport Sci Phys Educ*, 65: 351-59.
29. Mandigo, J., Francis, N., & Lodewyk, K. (2007). Physical literacy concept paper. Canadian Sport for Life.
30. Mandigo, J., Francis, N., Lodewyk, K., & Lopez, R. (2009). Position paper: Physical literacy for educators. Ottawa, Canada: Physical and Health Education Canada.
31. Mir Ali, M., Bahram, A., & Ghadiri, F. (2019). Structuring the physical literacy model in 10-year-old girls in district one of Ahvaz city. *Journal of Sports Psychology Studies*, 28: 1- 12. (Persian)
32. Nazari, R., & Ghasemi, H. (2011). The Role of Mass Media on sustainable Sport Development. *Revista Pedagógica ADAL*, (23): 17-20.
33. Parsamehr, M., Mirzaeian Monfared, H., Niknejad, M. & Rasouli Nejad, S. (2017). The relationship between cultural capital and participation in physical activities of women in Yazd. *Journal of Sports Management and Motor Behavior*, 13(25): 83-99. (Persian)
34. Pilar, P. M., Rafael, M. C., Félix, Z. O., & Gabriel, G. V. (2019). Impact of sports mass media on the behavior and health of society. A systematic review. *International journal of environmental research and public health*, 16(3): 486.
35. Rajesh Kumar, Priti (2018). Effects of media on sports. *International Journal of Physical Education, Sports and Health*, 5(2): 338-339.
36. Roetert, E. P., & Jefferies, S. C. (2014). Embracing physical literacy. *Journal of Physical Education, Recreation and Dance*, 85(8): 38-40.
37. Sadeghian, Z., Hosseini, E., & Farzan, F. (2014). Investigating the role of mass media in the tendency of the people of Hamedan to public sports. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 10 (20): 44- 25. (Persian)
38. Sandelowski, M., & Barroso. J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*, New York: Springer.

39. SHAPE America. (2014). National standards & grade-level outcomes for K-12 physical education. Champaign, IL: Human Kinetics
40. Shearer, C., Goss, H. R., Edwards, L. C., Keegan, R. J., Knowles, Z. R., Boddy, L. M., Durden-Myers, E. J., & Foweather, L. (2018). How is physical literacy defined? A contemporary update. *Journal of Teaching in Physical Education*, 37(3): 237-245.
41. Silverman, S., & Mercier, K. (2015). Teaching for physical literacy: Implications to instructional design and PETE. *Journal of Sport and Health Science*, 4(2): 150-155.
42. Sport Australia Association. (2019). The Australian Physical Literacy Framework.
43. Stoddart, A. L. (2018). Physical Literacy: A Journey of Understanding and Development (Doctoral dissertation, University of Saskatchewan).
44. Sum, K. W. R., Wallhead, T., Ha, S. C. A., & Sit, H. P. C. (2018). Effects of physical education continuing professional development on teachers' physical literacy and self-efficacy and students' learning outcomes. *International Journal of Educational Research*, 88: 1-8.
45. Sum, R. K. W., Ha, A. S. C., Cheng, C. F., Chung, P. K., Yiu, K. T. C., Kuo, C. C. (2016). Construction and Validation of a Perceived Physical Literacy Instrument for Physical Education Teachers. *PLoS ONE*, 11(5), e0155610. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0155610>
46. TAŞ, H. (2019). EVALUATION OF PHYSICAL LITERACY OF SECONDARY SCHOOL CHILDREN (Doctoral dissertation, MIDDLE EAST TECHNICAL UNIVERSITY).
47. Tavakolli, M., Najafi, A., & Ramezani, Z. N. (2013). Studying role of mass media in sport development. *Advances in Applied Science Research*, 4(4): 49-54.
48. Telford, R., Olive, L., Keegan, R., & Barnett, L. (2019). The physical education and physical literacy (pepl) approach: a multicomponent primary school intervention targeting physical literacy. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 22: S21.
49. Tompsett, C., Burkett, B. J., & McKean, M. (2014). Development of physical literacy and movement competency: A literature review. *Journal of Fitness Research*, 3(2): 53-74.
50. Tremblay, M., & Llyod, M. (2010). Physical Literacy Measurement The Missing Piece. *Physical & Health Education Journal*, 76(1): 13-25
51. Tucker, H. J., Bebeley, S. J., & Laggao, S. A. (2017). Children and adolescents' fitness skill level in physical activity: a motivational concern for public health education. *International Journal of Science and Research*, 6(11): 18-22.
52. Tucker, H. J., Bebeley, S. J., & Conteh, M. (2018). Physical activity and motor fitness skill level of children and adolescents: a motivational factor for health and physical education. *International Journal of Science and Research*, 7(1): 895-899.
53. Whitehead 1, M. (2001). The concept of physical literacy. *European Journal of Physical Education*, 6(2): 127-138.
54. Whitehead, M. (2007). Physical literacy: Philosophical considerations in relation to developing a sense of self, universality and propositional knowledge. *Sport, Ethics and Philosophy*, 1(3): 281-298.
55. Whitehead, M. (2013). Definition of physical literacy and clarification of related issues. *ICSSPE Bulletin*, 65(1.2).
56. Whitehead, M. (Ed.). (2010). *Physical literacy: Throughout the lifecourse*. Routledge.

57. World Health Organization. (2012). Young and physically active: a blueprint for making physical activity appealing to youth
58. Yazdani, M. (2013). The impact of media on the popularization of sport. Congress of Pioneers of Progress, Tehran. (Persian)

ارجاع دهی

محمدی، مهدی؛ ناصری جهرمی، رضا؛ محمد جعفری، خاطره؛ نبیئی، پرستو؛ معارف، پرینا؛ میرغفاری، فاطمه؛ ناصری جهرمی، راحیل؛ حسامپور، زهرا. (۱۴۰۰). طراحی چارچوب شایستگی‌های سواد بدنی مورد نیاز دانشجویان: رویکرد فراترکیب. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹ (۲۴): ۷۷-۱۰۶. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2020.9253.1932

Mohammadi, M; Naseri Jahromi, R; Mohammad Jafari, Kh; Nabie, P; Maaref, P; Naseri Jahromi, R; Hesampoor, Z. (2021). Evaluating the Governing Pattern in Physical Education in Schools from the Teacher's Viewpoint Based on the Criteria National Association for Sport and Physical Education. *Research on Educational Sport*, 9 (24): 77-106. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2020.9253.1932

Research Paper

Driving, Accelerating, and Inhibiting Factors of Student Participation in School's Physical Education Extracurricular Activities

F. Shams¹, M. Ehsani², M. Saffari³, Sh. Aroufzad⁴

1. Department of Physical Education and sport sciences, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2. Professor of Sport Management, Faculty of Humanities. Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor of Sport Management, Faculty of Humanities. Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
4. Assistant Professor, Department of Physical Education. Farhangian University, Isfahan, Iran

Received: 2019/07/20

Accepted: 2019/11/16

Abstract

The aim of this study was to develop the driving, accelerating, and inhibiting factors of student participation in school's physical education extracurricular activities. To do so, the researchers referred to experts in the field of student sport and extracurricular programs. Data were collected through a deep interview using purposive snowball sampling methods. Then, the data which were obtained from interviews, articles, educational materials, guidelines, related books and clips through triangulation techniques were coded and analyzed using the content analysis method. The results of the code grouping suggested two main components and eight sub-components at the entrance level of the students into the extracurricular programs. Accordingly, it can be stated that the driving and inhibiting factors of student participation in school's physical education extracurricular activities are students and educators along with stimuli and inhibitors that play a central role and require special attention. Accelerators such as stakeholder cooperation, political context, sponsorship and incentive sources and financial resources are involved in accelerating the sport participation of students. This research can be used as an analytical tool for sports participation of students in school's extracurricular activities in Iran to provide a logical and principal solution to the problems of this field of student sport.

Keywords: Sport Participation, Extracurricular, Schools, Students

-
1. Email: Shamsfarahnaz@yahoo.com
 2. Email: Ehsani@modares.ac.ir
 3. Email: Saffari.marjan@modares.ac.ir
 4. Email: Aroufzad@gmail.com

Extended Abstract

Background and Purpose

The aim of this study was to develop the driving, accelerating, and inhibiting factors of student participation in school's physical education extracurricular activities. The current study addressed the positive impact of sport on people including students, the role of extracurricular activities on students' mental and physical health, and the need to improve students' attraction to need to address the attraction and participation in extracurricular physical education (sports) in schools. In addition, foreign studies have to a large extent provided good sources on the theoretical basis of the above-mentioned sports programs, but few research studies have been conducted domestically despite the growing number of students. Therefore, there is a need for more scientific and applied studies to better consider and utilize students' participation in developing their talents as well as their own and the community's health.

Methodology

In this qualitative research (studying and discovering the aspects that were not considered before the research (Bayabangard, 2013, 289)), the data were through a deep interview using purposive snowball sampling methods in Iran during 2018-2019. Then, the data which were obtained from interviews, articles, educational materials, guidelines, related books and clips through triangulation techniques were coded and analyzed using the content analysis method.

In selecting the sample for the in-depth interviews, an effort was made to include academic educators or faculty members who have some connection with students, individuals with management experience in the extracurricular areas, and those involved in extracurricular activities. Purposive and snowball sampling methods were used for the in-depth interviews.

In data collection, the interview was continued until theoretical saturation. Data analysis in the content analysis method was based on the coding process, representing an important data element in relation to the research questions and partly reflecting the meaning and concept of the pattern in the data set (Brown, 2006, 88). In this research, the driving, accelerating, and inhibiting factors of students' participation in school physical education programs were identified after reaching theoretical saturation through analyzing data obtained from various sources using content analysis.

In the current study, the "member survey" (interviewees) method was used to confirm validity and test-retest reliability to calculate reliability (Khashtar, 2009) which was calculated as 83%.

Results

In this study, the data were analyzed using the method of thematic analysis which included: basic themes, organizing themes and enclosing themes. At this stage of the study, 155 codes were extracted from the data from the approximately 600 transcribed sentences after duplicates and unrelated codes were removed. From the data-driven codes, 23 underlying themes and 8 organizer themes emerged (barriers, incentives, students, educators, stakeholder engagement, funding, support and incentives, policy context), as well as 2 integrative themes. (Driving factors - barriers to student participation and accelerators) were defined. Finally, the driving, inhibiting, and accelerating factors for student participation in sport were selected as the major overarching themes. the driving, accelerating, and inhibiting factors of students' participation in school physical education programs were identified after reaching theoretical saturation through analyzing data obtained from various sources using content analysis. While such an approach identifies the key components and elements required to achieve the objective, it also clarifies how these elements interact with each other as a whole and gives the relevant authorities more guidance on the path to follow. Only by focusing on the elements under consideration and taking into account the accelerating components to achieve the goal can student sport participation be increased.

Discussion

Furthermore, conducting this research while raising awareness of the current situation can be beneficial for optimal planning and identifying and studying the driving, accelerating and inhibiting factors for students' participation in extracurricular physical education (sports) in schools, such as greater participation in extracurricular sports activities, diversification of school sports activities, attending to students' needs and interests, creating an informal and intimate atmosphere, revitalizing students' vitality and better identifying sports talents. Accordingly, it can be stated that the driving and inhibiting factors of student participation in school's physical education extracurricular activities are students and educators along with stimuli and inhibitors that play a central role and require special attention. Accelerators such as stakeholder cooperation, political context, sponsorship and incentive sources and financial resources are involved in accelerating the sport participation of students. This research can be used as an analytical tool for sports participation of students in school's extracurricular activities in Iran to provide a logical and principal solution to the problems of this field of student sport.

Keywords: Sport Participation, Extracurricular, Schools, Students

References

1. Biabangard, A. (2014 Winter). Methods of research in psychology and education. publication of Doran, Volume 1, eighth edition: 288-305. (Persian)
2. Braun, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*. 77-101.
3. Khastar, H. (2009 spring). Providing a method for calculating the reliability of the coding step in research interviews. *Methodology of social sciences and humanities journal*. 15(58): 161-174. (Persian)

عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های تربیت بدنی مدارس

فرحناز شمس^۱، محمد احسانی^۲، مرجان صفاری^۳، شهرام عرفوف زاد^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. استاد تمام مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴. استادیار گروه تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۵

چکیده

هدف این مقاله تدوین عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های تربیت بدنی مدارس بود. پژوهشگر برای این منظور به خبرگان و متخصصان حوزه فوق برنامه و ورزش دانش آموزی مراجعه نمود و از طریق مصاحبه عمیق با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و تکنیک نمونه گیری گلوله برفی، به جمع آوری اطلاعات از آنها پرداخت. سپس داده های حاصل از مصاحبه ها، مقالات، مدارک و دستورات عملی های تربیت بدنی آموزش و پرورش، کتب و کلیپ های مرتبط را از طریق تکنیک مثلث سازی، جمع آوری کردند و سپس آنها را به روش تحلیل مضمون، کدگذاری و تجزیه و تحلیل کرد. نتیجه گروه بندی کدها، دو مؤلفه اصلی و هشت زیر مؤلفه بود که دانش آموزان جهت شرکت در فوق برنامه های تربیت بدنی در سطح ورودی با آن مواجه هستند. بر این اساس می توان عنوان کرد که عوامل سوق دهنده و بازدارنده که یکی از مؤلفه های اصلی است شامل؛ دانش آموزان و آموزش دهندگان به همراه محرک ها و بازدارنده ها است که نقش اصلی ایفا می کنند و نیاز به توجه ویژه ای دارند. همچنین تسریع کننده ها که مؤلفه اصلی دیگر است شامل منابع حمایتی و تشویقی، همکاری با ذینفعان، منابع مالی و بستر سیاسی هست که در سرعت بخشیدن به مشارکت ورزشی دانش آموزان جهت ورود به فوق برنامه های مدارس دخیل هستند. این پژوهش می تواند به عنوان ابزار تحلیلی مشارکت ورزشی دانش آموزان در فوق برنامه های مدارس ایران مبنای عمل قرار گیرد تا به گونه ای منطقی و اصولی به حل مشکلات این حوزه از ورزش دانش آموزی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: مشارکت ورزشی، فوق برنامه، مدارس، دانش آموزان

1. Email: Shamsfarahnaz@yahoo.com
2. Email: Ehsani@modares.ac.ir
3. Email: Saffari.marjan@modares.ac.ir
4. Email: Aroufzad@gmail.com

مقدمه

در نظام های آموزشی عوامل متعدد درونی و بیرونی در حال تضعیف شادی دانش آموزان در مدارس هستند که نه تنها کیفیت آموزش و یادگیری را تحت الشعاع خود قرار می دهند، بلکه به کیفیت زندگی افراد چه در حال و چه در آینده لطمه می زند (یونسکو^۱، ۲۰۱۶). امروزه دانش آموزان ما بیش از هر چیز نیاز به محیطی سرشار از انعطاف پذیری و آزادی عمل دارند؛ یکی از برنامه هایی که برای ایجاد چنین محیطی لازم است، برنامه های فوق برنامه^۲ است (هندریکسون^۳، ۲۰۱۸، ۱۳) که می تواند هم جهت با برنامه های درسی باشد. احمدی (۲۰۰۵) در تعریف خود بیان نمود فعالیت هایی که بر اساس نوآوری و ابتکار معلمین در کنار تدریس و بر اساس آموزش مفاهیم و اهداف درس به کار گرفته شوند و در داخل یا خارج کلاس انجام شود، فعالیت مکمل گفته می شود. چنانچه این فعالیت ها با توجه به شرایط خاص منطقه ای یا اقلیمی باشد و یا در راستای آموزش استعدادهای خاص فراگیران باشد، فعالیت فوق برنامه گفته می شود. این فعالیت های تقریباً غیررسمی، به کلاس و حتی گاهی به مدرسه محدود نیستند و بیش از هر عامل دیگر از میزان علاقه، تجربه و قدرت ابتکار معلم و دانش آموزان و مدرسه متأثر می شوند (کلی^۴، ۲۰۰۴). در واقع هدف از این فعالیت ها کمک به کودک و نوجوان است که بتواند رغبت های اصیل خویش را تشخیص دهد، استعداد های ذاتی خویش را کشف نماید و در تربیت و توسعه آنها به منظور تأمین سعادت شخصی و افزودن امکان شرکت در فعالیت های اجتماعی بکوشد (ملکی، ۲۰۱۷، ۱۰). هم اکنون، فعالیت های فوق برنامه در حوزه تربیت بدنی، زیر نظر معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش ایران عمل می کند.

یکی از مهم ترین ویژگی دانش آموزان، سن آنهاست که در مطالعات انجام شده، چگونگی مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های مدارس به ویژه فوق برنامه های ورزشی مورد بی توجهی قرار گرفته است؛ حتی اورتگا و همکاران^۵ (۲۰۰۸، ۳) در تحقیق خود به تمرکز بیشتر مطالعات بر جمعیت بالغ در حوزه مشارکت اجتماعی و مشارکت ورزشی توجه کرده اند. حال با توجه به سن دانش آموزان و این که زمان قابل توجهی در اختیار مدرسه هستند، مشارکت آنها در فوق برنامه های ورزشی نیاز به پژوهش دارد. از یک طرف جمعیت دانش آموزان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ با توجه به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبر، ۱۴ میلیون و ۷ هزار و ۷۳۶ دانش آموز در مقاطع مختلف است که این آمار

-
1. UNESCO
 2. Extracurricular
 3. Hendrickson
 4. Kelly
 5. Ortega et al

در مقایسه با سال قبل رشد حدود ۶ درصدی را نشان می‌دهد و از طرف دیگر، چالش بزرگ کشورهای در حال توسعه که عدم فعالیت بدنی در سنین دانش آموزی است (بائمن و همکاران^۱، ۲۰۱۷)، لزوم توجه به پژوهش در این حوزه را برای محقق دو چندان نمود به گونه‌ای که عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده که بر تصمیم‌گیری دانش‌آموزان به مشارکت ورزشی تأثیرگذار است، در این پژوهش مدنظر قرار گرفته است.

مشارکت در فوق برنامه‌های مدارس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و عوامل متأثر بر آن جهت تسریع و استمرار می‌بایست مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد. ان و وسترن^۲ (۲۰۱۹، ۱۹۲) در مطالعه خود بر روی دانش‌آموزان به این نتیجه دست یافتند که برای تساوی مشارکت کودکان در فعالیت‌های فوق برنامه، سیاست‌های اجتماعی آینده باید مداخله‌هایی را برای خانواده‌های کم درآمد یا دانش‌آموزان یتیم و یا بدون سرپرست را مدنظر خود قرار دهد، همچنین نوع فعالیت‌های فوق برنامه در نظر گرفته شوند. پژوهش‌ها نشان داده است که با مشارکت در انجام فعالیت‌های فوق برنامه، فواید بسیاری حاصل می‌گردد. وودز^۳ (۲۰۰۷) معتقد است اگر مسئولان می‌خواهند فعالیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان نتیجه‌ای داشته باشد، باید از فعالیت‌های فوق برنامه نیز استفاده کنند. دنالت^۴ و همکاران (۲۰۱۹، ۴۳) اظهار داشتند که فعالیت‌های فوق برنامه، افزایش جستجوی شغلی و کاهش عدم رضایت شغلی را پیش‌بینی خواهد نمود. گیلمت^۵ و همکاران (۲۰۱۹، ۸) به ارتباط خودتنظیمی با اهداف، موفقیت تحصیلی و رضایت عاطفی با مشارکت در فوق برنامه‌ها، در پژوهش خود دست یافتند. تومن و همکاران^۶ (۲۰۰۸) بر تأثیر مثبت فوق برنامه بر عملکرد دانش‌آموزان، بلوم فیلد و باربر^۷ (۲۰۰۹، ۷۳۳) بر اصلاح خودباوری تأکید داشته‌اند.

مشارکت یک مفهوم بسیار گسترده است (لن^۸، ۱۹۹۵). بخش عمده و اصلی از فعالیت را مفهوم مشارکت تشکیل می‌دهد. تعریف مشارکت بسیار پیچیده و دشوار است چرا که علایق، ارزش‌ها، استانداردها، و توانایی‌های افراد با هم بسیار متفاوت است. قصد مشارکت یک فرد متأثر از عوامل و انگیزه‌های درونی و بیرونی است که می‌تواند از فردی به فردی دیگر مختلف و متفاوت باشند. قابل ذکر است که مشارکت را می‌توان به صورت فعال و غیر فعال تقسیم‌بندی نمود. مشارکت غیر فعال

-
1. Bauman et al
 2. Ana & Western
 3. Woods
 4. Denault
 5. Guilmette
 6. Tumen et al
 7. Barber & Blomfield
 8. Lane

می‌تواند با حضور تماشاگران فعالیت‌ها و رویدادهای ورزشی تفسیر شود، در حالی که مشارکت فعال نیازمند درگیری و ایفای نقش در خود فعالیت و تمرین است. مشارکت ورزشی^۱ مربوط به دارا بودن نقش فعال در فعالیت ورزشی می‌شود. عوامل مختلفی در مشارکت ورزشی می‌تواند تأثیر داشته باشد. ییلدیزر و بیلگین^۲ (۲۰۱۸، ۲۷) عنوان نمودند نقش محیط اجتماعی و عوامل اجتماعی در مشارکت ورزشی به طور فزاینده ای شناخته شده است همچنین اظهار داشتند که سیاست های ارتقا سلامت باید جنسیت و عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی را برای بهبود مشارکت فعالیت بدنی در میان نوجوانان در نظر بگیرد. همچنین بیان نمودند که مدارس با امتیاز بالا در شاخص های اجتماعی، نسبت به مدارس با امتیاز پایین، فعالیت بدنی بیشتری دارند. مورلا^۳ و همکاران (۲۰۱۹، ۲۴) در پژوهش خود به سطوح پایین تر تنش و تبعیض مرتبط با مدرسه را در افرادی که مشارکت ورزشی داشتند نسبت به کسانی که در ورزش شرکت نمی کردند، نشان دادند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که ورزش می‌تواند به عنوان یک میانجی در برابر استرس آموزشی استفاده شود. لی یو^۴ و همکاران (۲۰۱۱، ۶۹) انگیزه های درونی و بیرونی مثل لذت بردن از ورزش و جلب توجه کردن را از عوامل مهم پرداختن به ورزش عنوان کرد. کاندریک^۵ و همکاران (۲۰۱۳، ۱۰) شش عامل دوست یابی، محبوبیت، آمادگی جسمانی، موقعیت اجتماعی، گذران اوقات فراغت و آسودگی را از مهم ترین عوامل در انگیزش ورزش در میان افراد سه کشور عنوان کردند. همچنین ایشان تفاوت جنسیتی را از مهم ترین علل تفاوت در انگیزه ها عنوان نمودند. یائو و رودز^۶ (۲۰۱۵، ۲) اشاره می کنند در دوره پیش از نوجوانی، نقش الگویی والدین در فعالیت های بدنی، نقش مهمی در تثبیت اجتماعی پذیری فعالیت های بدنی بازی می کند، اما به مرور در دوره نوجوانی و پس از آن نقش همسالان پررنگ تر می شود. نتایج پژوهشی فتحی و الماسی (۲۰۱۷) نشان داد که موانع شخصی از مهم ترین موانع هستند. به طوری که می توان با دادن انگیزه های لازم و افزایش خود اعتمادی و خود باوری در زنان و برنامه ریزی های اصولی جهت رفع موانع شخصی، شاهد حضور پررنگ تر دانش آموزان دختر مقطع متوسطه در عرصه فعالیت های فوق برنامه بود از طرفی دیگر نقش معلمان و مربیان در تربیت اجتماعی و ورزشی افراد بر کسی پوشیده نیست. نتایج پژوهش جنکینسون و بنسون^۷ (۲۰۱۰، ۸) در مدارس دولتی و ویکتوریا در استرالیا نشان داده است که مهم ترین عوامل بازدارنده مشارکت در فعالیت های

-
1. Sports Participation
 2. Yildizer & Bilgin
 3. Morelaa
 4. Lui
 5. Kondric
 6. Yao & Rhodes
 7. Jenkinson & Benson

ورزشی اوقات فراغت دانش آموزان، کمبود امکانات و تجهیزات ورزشی، کمبود وقت، عدم فضای کافی مدرسه برای فعالیت های ورزشی، نبود علاقه، شلوغی برنامه های درسی، مشکل داشتن تعامل با سایر دانش آموزان و گذشته منفی نسبت به ورزش بوده است. نیکلاس^۱ (۲۰۱۱، ۴۹۰) در تحقیق خود مهم ترین دلیل عدم مشارکت فرزندان در فعالیت های ورزشی را درآمد کم خانواده یا به عبارتی عوامل اقتصادی دانسته است. جیمز^۲ (۲۰۰۹، ۱۲۶) در تحقیق دیگری نشان داده شده است موانع اصلی برای شرکت نکردن زنان در فعالیت های ورزشی، عدم حمایت آنها برای شرکت در فعالیت های ورزشی، فقدان اراده و کمبود وقت است. بولیوار و همکاران^۳ (۲۰۱۰، ۶۰) در تحقیقی نشان دادند که عدم وجود فضای سبز در اطراف منزل، بر احتمال مشارکت مردان و زنان در فعالیت های ورزشی اثر منفی دارد. صادق زاده و مقامی (۲۰۱۲، ۱۰۶۲) بیان نمودند که عوامل بازدارنده فردی، بین فردی و ساختاری به ترتیب عوامل اصلی در عدم مشارکت دختران دانشجو در فعالیت های ورزشی هستند. نتایج تحقیق تیمپریو و همکاران^۴ (۲۰۱۳) نشان داد که در دسترس بودن امکانات، شرایط مادی، پشتیبانی و حمایت عاطفی و الگوی فرزندپروری به طور مثبتی با مشارکت در فعالیت های ورزشی همبستگی دارد. بختیاری اقدام و همکاران (۲۰۱۳، ۱۸۹) نشان دادند که عوامل روانی، جسمانی و اجتماعی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر انجام فعالیت بدنی دارند.

در سال های اخیر در زمینه فوق برنامه ورزشی مدارس تلاش های بسیاری شده است و هر سال دستورالعمل فوق برنامه کانون های تابستان ارائه می شود و نشان می دهد که تنها به یک بعد فوق برنامه ورزشی توجه شده است. در صورتی که فوق برنامه ی ورزشی در مدارس شامل فعالیت های تفریحی، بازی و ورزش است که در مدارس ایران تنها به بعد ورزش توجه می شود. از طرفی در همین بعد، در طول سال نیز برنامه های المپیاد درون مدرسه ای و کانون های درون مدرسه ای فعال گردیده است ولی همچنان مشکل مشارکت دانش آموزان در این گونه برنامه ها وجود دارد. دوستی (۲۰۱۶، ۴۹) سه مورد از مشکلات در برگزاری المپیاد درون مدرسه ای را به ترتیب عدم اطلاع رسانی و برنامه ریزی صحیح از سطح وزارتخانه تا ادارات، رعایت نشدن نکات ایمنی و فضای مناسب برای برگزاری المپیاد، ناآگاهی از اهداف و همکاری نکردن عوامل برگزارکننده ذکر نمود. باقر زاده (۲۰۰۲، ۲۳) اهم محدودیت ها و موانع شرکت آزمودنی ها در فعالیت های ورزشی فوق برنامه را به ترتیب کمبود فضا و امکانات لازم (۸۷.۶۹٪)، عدم توجه مسئولان (۸۴.۱۵٪)، نامناسب بودن وقت فعالیت اماکن ورزشی (۸۱.۵۸٪)، نداشتن وقت آزاد (۶۹.۰۶٪)، زیاد بودن هزینه شرکت در فعالیت های ورزشی فوق برنامه

-
1. Nicholas
 2. James
 3. Bolivar
 4. Timperio

(۶۷.۳٪)، ترس از افت تحصیلی (۶۴.۰۴٪)، عدم تخصص مربیان اماکن ورزشی (۶۴.۰۲٪)، مزاحمت از جانب دیگران در مسیر رفت و برگشت (۵۹.۹۲٪)، نداشتن اطلاعات کافی در مورد ورزش (۵۵.۵۱٪)، عدم علاقه به ورزش (۵۳.۰۱٪) و مخالفت والدین (۴۳.۸۲٪) بیان نمود و با مقایسه نتایج این دو پژوهش که ۱۴ سال فاصله زمانی دارند هنوز محدودیت‌ها و مشکلات مشابه وجود دارد که می‌بایست برای جذب دانش‌آموزان به فوق برنامه‌های ورزشی این موارد را مد نظر قرار داد. همچنین کیوانفر (۲۰۱۰) معتقدند فعالیت‌های فوق برنامه در ایران، بیشتر رنگ و بوی مذهبی دارد. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته از طریق فعالیت‌های ورزشی فوق برنامه‌ها حتی به عوامل اجتماعی در دانش‌آموزان همچون اضطراب‌های اجتماعی و سازگاری‌های اجتماعی نیز می‌پردازند. از طرفی بررسی دستورالعمل‌های ارسالی از سوی تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش خود نیاز به تعمق بیشتر دارد ولی در این پژوهش تمرکز بر عوامل سوق دهنده، تسریع‌کننده و بازدارنده مشارکت دانش‌آموزان در فوق برنامه‌های تربیت بدنی مدارس است.

با توجه به مرور مطالعات و پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌توان بر تأثیر مثبت ورزش بر آحاد مردم از جمله دانش‌آموزان، نقش فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در سلامت روانی و جسمانی دانش‌آموزان و لزوم پرداختن به جذب و مشارکت ورزشی دانش‌آموزان در فوق برنامه‌های مدارس دست یافت. علاوه بر این، مطالعات خارجی تا حدود زیادی در خصوص مبانی نظری حوزه فوق برنامه‌های ورزشی منابع مناسبی را فراهم آورده‌اند که می‌توان در جهت انجام پژوهش و فعالیت‌های عملیاتی در این حوزه آنها را مورد استفاده قرار داد. اما به نظر می‌رسد در داخل کشور با وجود افزایش جمعیت دانش‌آموزی، مطالعات پژوهشی بسیار اندک است و نیاز است برای برخورد مناسب‌تر و استفاده بیشتر از مشارکت دانش‌آموزان در جهت رشد و پرورش استعدادهایشان و همچنین سلامت خودشان و جامعه، مطالعات علمی و کاربردی بیشتری صورت پذیرد. ضمن این‌که تجربیات پژوهشگر به عنوان معلم تربیت بدنی، حاکی از وجود مشکلاتی در سیستم آموزش و پرورش همچون توجه بیش از حد به تدریس کتب درسی، برگزاری امتحانات متنوع، استرس فراوان دانش‌آموزان، عدم توجه به نشاط و شادابی دانش‌آموزان، کم‌حرکی، عدم اثربخشی یک جلسه کلاس درس تربیت بدنی در هفته، محدود بودن فعالیت‌های ورزشی و عدم توجه به علاقه‌های دانش‌آموزان است که می‌بایست برای ارتقای سواد حرکتی بیشتر تلاش بیشتری شود. این مشکلات و ناهماهنگی‌ها باعث شد این مسئله در ذهن پژوهشگر شکل بگیرد که چه عواملی می‌تواند بر روی مشارکت ورزشی دانش‌آموزان جهت ورود به فوق برنامه‌های مدارس تأثیرگذار باشد؛ از این رو این پژوهش تلاش نمود تا با توجه به نبود پژوهشی برگرفته از ادبیات روز دنیا در حوزه فوق برنامه‌های دانش‌آموزی و بومی متناسب با کشور، با پاسخ به

این سؤال، موجب ایجاد بستری مناسب در این حوزه برای مسئولین، فعالین و پژوهشگران در شناخت و تصمیم‌گیری بهتر گردد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است. استفاده از روش کیفی در این پژوهش به این دلیل بود که علی‌رغم جستجوی فراوان محقق در پیشینه پژوهش، فرضیه و یا مدل مشخصی برای شناسایی عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش‌آموزان در فوق برنامه‌های تربیت بدنی مدارس یافت نشد و از طرفی پژوهش کیفی قابلیت مطالعه و کشف جنبه‌هایی از موضوعات را دارد که تا قبل از پژوهش مورد توجه نبوده است (بیابانگرد، ۲۰۱۳، ۲۸۹)، از این رو در این پژوهش از روش کیفی استفاده گردید تا عواملی شناسایی گردد که دانش‌آموز، اولیا، آموزش‌دهندگان، معلمان، مسئولین مدارس کامل آن را لمس کرده باشند و بستری جهت ایجاد ابزاری برای تحلیل و بررسی مشارکت ورزشی دانش‌آموزان و راه‌های ارتقا و توسعه آن فراهم گردد و بهتر می‌توانند در شناسایی این عوامل یاری رسانند. در این صورت می‌توان به جامع بودن عوامل اثرگذار بر مشارکت دانش‌آموزان در فوق برنامه‌های مدارس دست یافت. برای استخراج داده‌ها از منابع مختلف با تکنیک مثلث‌سازی استفاده گردید. مثلث‌سازی به استفاده از منابع متعدد داده‌ها برای ترسیم نتایج، در مورد آن چه حقیقت را تشکیل می‌دهد، اشاره دارد. هدف مثلث‌سازی، غلبه به سوگیری‌های اصلی (ذاتی) است که ناشی از به‌کار گرفتن یک روش، یک مشاهده‌گر و یا یک تئوری در مطالعات است. به‌کار بردن رویکردهای متعدد در یک مطالعه می‌تواند منجر به افزایش اعتماد و اعتبار اطلاعات گردد زیرا قدرت یک روش، ضعف روش دیگر را پوشش می‌دهد. همچنین محققین از انواع روش‌های مثلث‌سازی به منظور تأیید یافته‌ها و یا اطمینان از کامل بودن آنها استفاده می‌نمایند. در این پژوهش از روش مثلث‌سازی منابع و روش، از جمله مصاحبه‌های عمیق، مشاهده کلیپ‌های مرتبط با فوق برنامه دانش‌آموزان و مشارکت ورزشی (جدول ۱)، مقالات مرتبط با مشارکت ورزشی، فوق برنامه‌های ورزشی و فعالیت بدنی در مدارس، اسناد و مدارک از جمله کتب لاتین به صورت پی‌دی‌اف، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های ارسالی دفتر تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش (جدول ۲) بهره‌گرفته شد و با استفاده از روش تحلیل مضمون که می‌توان آن را یکی از روش‌های تحلیل محتوای کیفی نامید، مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل مضمون، فرایندی برای تحلیل اطلاعات کیفی به شمار می‌رود؛ لذا تحلیل مضمون فقط یک روش کیفی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی

به کار رود. همچنین این روش، امکان تبدیل اطلاعات کیفی به کمی را فراهم می کند (بویاتزیس^۱، ۱۹۹۸).

جدول ۱- راهنمای کدگذاری

کد	منبع	تعداد	وسایل و ادوات مورد نیاز
IN-M	مصاحبه با مدیران ارشد تربیت بدنی آموزش و پرورش	۴	وسایل ضبط و ثبت
IN-E	مصاحبه با معاونین و کارشناسان تربیت بدنی ادارات کل آموزش و پرورش استان ها	۱۶	وسایل ضبط و ثبت
IN-T	مصاحبه با معلمان فعال تربیت بدنی	۹	وسایل ضبط و ثبت
IN-P	گروه کانونی با اولیا دانش آموزان	۶) (گروه)	یادداشت برداری
IN-S	گروه کانونی با دانش آموزان	۸) (گروه)	یادداشت برداری
DO	ادبیات و مبانی نظری، اسناد و مدارک	۴۹	کامپیوتر و اینترنت، کاربرگها، فهرست برداری و چک لیستها
C	کلیپ ها و ویدیوها	۱۲	اینترنت

جدول ۲- مهم ترین اسناد، کتب، مقالات و دستورالعمل ها

عنوان	منبع	نوع منبع
دستورالعمل برگزاری اوقات فراغت ورزشی	وزارت آموزش و پرورش، معاونت تربیت بدنی و سلامت، دفتر تربیت بدنی و فعالیت های ورزشی	دستورالعمل
ارتباط شاخص های مختلف سرمایه اجتماعی و مشارکت در فعالیت بدنی در نوجوانان ترکیه	Günay Yıldız, Emre Bilgin , Ezel Nur Korur , Dario Novak, Gıyasettin Demirhan. The association of various social capital indicators and physical activity participation among Turkish adolescents. Journal of Sport and Health Science 7 (2018) 27-33	مقاله

ادامه جدول ۲- مهم ترین اسناد، کتب، مقالات و دستورالعمل ها

عنوان	منبع	نوع منبع
Background Document prepared for the WHO Workshop on Physical Activity and Public Health	Bauman, A. Schoeppe, S. Lewicka, M. Armstrong, T. Candeias, V. Richards, J. (2017). Review of best practice in interventions to promote physical activity in developing countries. Geneva: WHO Press. Available at: http://www.who.int/dietphysicalactivity/bestpracticePA2008.pdf ; 2005 [accessed 22.04.2017.]	سند
آشنایی با فعالیت های تربیتی، اجتماعی (فعالیت های فوق برنامه)	نشر آییژ	کتاب

در انتخاب نمونه آماری جهت مصاحبه های عمیق سعی گردید تا از معلمان تربیت بدنی دارای تحصیلات آکادمیک و یا اعضای هیئت علمی که به گونه ای با دانش آموزان ارتباط دارند، افراد دارای تجربیات مدیریتی در بخش های فوق برنامه مدارس و همچنین افرادی که درگیر با فوق برنامه ها هستند نیز استفاده شود که شامل مدیران ارشد تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش، معاونین و کارشناسان تربیت بدنی ادارات کل آموزش و پرورش استان ها، معلمان تربیت بدنی فعال در فوق برنامه ها، اولیای دانش آموزان و خود دانش آموزان است که سعی شد موازین اخلاقی در خصوص محرمانه نگه داشتن مصاحبه ها نزد محقق رعایت گردد. جهت نمونه گیری برای انجام مصاحبه های عمیق از روش نمونه گیری هدفمند و تکنیک نمونه گیری گلوله برفی استفاده شد. بازده زمانی انجام این پژوهش در طول سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ و قلمرو مکانی کل کشور بود.

در گردآوری اطلاعات متون، از آن جا که روش تحلیل مضمون به بررسی و تحلیل متن می پردازد، نحوه جمع آوری اطلاعات، در قالب چرخه های برداشت از متن انجام می شود. در هر رفت و برگشت، یافته های جزئی که ناسازگار و متناقض با سایر یافته های محکم تر قبلی هستند، کنار گذاشته می شوند. این مسیر تا جایی ادامه می یابد که درک قابل قبولی از متن ایجاد شود که کمترین تناقض درونی را دارد (پاتن، ۲۰۰۲، ۱۴۱). در این پژوهش نیز سعی گردید که متون به صورت دقیق بررسی و تحلیل شود. همچنین در گردآوری اطلاعات مصاحبه ها، مصاحبه ها تا زمان اشباع نظری، به گونه ای که در مصاحبه ۱۱ با گروه های کانونی (دانش آموزان و اولیا) و مصاحبه ۲۱ با مدیران ارشد، معاونین، کارشناسان و معلمان تربیت بدنی ادامه یافت. تجزیه و تحلیل اطلاعات در روش تحلیل مضمون مبتنی بر فرآیند کدگذاری است. مضمون یا تم، بیانگر چیز مهمی در داده ها در رابطه با سئوالات تحقیق

است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه ای از داده ها را نشان می‌دهد (براون^۱، ۲۰۰۶، ۸۸). مضمون، الگویی است که در داده ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه هایی از پدیده مورد بررسی می‌پردازد (بویاتزیس، ۱۹۹۸، ۴). شبکه مضامین بر اساس یک رویه مشخص، مضامینی چون مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن) مضامین سازمان دهنده (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگزیده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) را نظام مند می‌کند. سپس این مضامین به صورت نقشه های شبکه وب رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. شبکه مضامین به عنوان رویه ای برای تهیه مقدمات تحلیل یا ارائه نتایج پایانی تحلیل نیست، بلکه تکنیکی برای شکستن متن و یافتن نکات معقول و برجسته روشنی در درون متن است (عابدی جعفری و همکاران، ۲۰۱۱، ۱۷۰). در این پژوهش بعد از رسیدن به اشباع نظری، از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های برآمده از منابع مختلف (جدول ۲و۱) با استفاده از تحلیل مضمون، عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های تربیت بدنی مدارس شناسایی گردید.

در این پژوهش، از روش «بررسی توسط اعضا» (مصاحبه شوندهگان) برای تأیید روایی پژوهش استفاده شد. برای این منظور پژوهشگر، بخشی از یافته ها را در اختیار گروه مورد مطالعه قرار داد تا تحلیل او را بررسی کنند و به این سئوالات پاسخ دهند: آیا محقق، برداشت درستی از گفته‌هایشان داشته است؟ آیا این تحلیل برای آنان نیز منطقی به نظر می‌رسد، یا او در فهم معنی داده ها دچار خطا شده است؟ در این پژوهش نیز محقق از برخی از مصاحبه شوندهگان خواست تا گزارش نهایی مرحله نخست، فرایند تحلیل یا مقوله های به دست آمده را بازبینی و نظر خود را در ارتباط با آنها ابراز کنند. به زعم این افراد، یافته های پژوهش تا حد بسیار زیادی، بازتاب عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های تربیت بدنی مدارس است. برای محاسبه پایایی کدگذاری های انجام شده، از روش پایایی بازآزمون استفاده شد (خواستار، ۱۳۸۸). برای این منظور، از میان مصاحبه های انجام گرفته، سه مصاحبه (م ۳، م ۶، م ۹) به عنوان نمونه انتخاب شد و هر کدام از آنها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص توسط محقق، دو بار کدگذاری شدند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه ها با هم مقایسه شدند. روش بازآزمون، برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به کار می‌رود. در هر کدام از مصاحبه ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی، با هم مشابه هستند، با عنوان کدهای «توافق» و کدهای غیر مشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص شدند و در فرمول زیر قرار گرفتند:

(تعداد توافقات) ۲

$$۱۰۰\% * \frac{\text{تعداد کل کدها}}{\text{درصد پایایی بازآزمون}} =$$

در این راستا تعداد کل کدها در دو فاصله زمانی ۲۰ روزه برابر ۱۳۷، تعداد کل توافقات بین کدها در این دو زمان برابر ۵۷ و تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان برابر ۲۳ بود و پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در این تحقیق با استفاده از فرمول ذکر شده، برابر ۸۳ درصد محاسبه گردید.

نتایج

در این پژوهش داده‌های به دست آمده، به روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که شامل مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن) مضامین سازمان دهنده (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) است.

در این مرحله از تحقیق، از حدود ۶۰۰ جمله پیاده‌سازی شده، بعد از حذف موارد تکراری و غیر مرتبط ۱۵۵ کد از این داده‌ها به دست آمد (جدول ۳).

جدول ۳- نمونه استخراج کدها از منابع

منبع	متن	کد
IN-M مصاحبه	"در بحث مشارکت دانش آموزان نکته ای که نقطه قوت است، دسترسی آسان به مدرسه و تجهیزات و امکانات ورزشی در آن است. خوشبختانه با اجرای رویکرد نوین درس تربیت بدنی نگاه ویژه ای به امر فوق برنامه شده است و باید معلمان با توجه به پتانسیل های موجود، زمینه را برای حضور حداکثری دانش آموزان در فوق برنامه ها فراهم نمایند و نهایتاً هدف اصلی توسعه ورزش که همانا ایجاد جامعه ای سالم می باشد را پیاده".	دسترسی آسان به اماکن و تجهیزات حمایت مدیریت ارشد استفاده پتانسیل های موجود حضور حداکثری دانش آموزان جامعه سالم، هدف اصلی توسعه ورزش

ادامه جدول ۳- نمونه استخراج کدها از منابع

منبع	متن	کد
IN-E مصاحبه	معلمان باید فعالیت هایی را طراحی کنند که دانش آموزان با ترشح هورمون اندورفین، احساس شادی و لذت از فعالیت داشته باشند و در این هنگام هست که او آماده پذیرش هر خواسته ای از معلم می باشد و این گونه می توان در دانش آموز نسبت به ورزش علاقه ایجاد کنیم.	فعالیت جهت شادابی دانش آموزان احساس شادی و لذت برنامه ریزی جهت ایجاد علاقه
IN-T مصاحبه	بهتر هست که برنامه های فوق برنامه هم جهت با برنامه های کلاس درس تربیت بدنی باشد و به شکلی دیگر می توان گفت مکمل درس تربیت بدنی باشد.	برنامه های فوق برنامه هم جهت با کلاس درس برنامه های مکمل درس تربیت بدنی
IN-P مصاحبه	خانواده هایی که ورزشی هستند مسلماً فرزندان شان در کلاس های ورزشی خارج از مدرسه مشغول هستند و می باید شرایط فوق برنامه های ورزشی از هر لحاظی همچون ایمنی، امنیت و امکانات مطلوب باشد که فرزندم را در این گونه کلاس ها بگذارم شرکت کند.	حمایت خانواده از فرزندان شان مطلوبیت شرایط فوق برنامه
IN-S مصاحبه	به نظرم فوق برنامه ها باید خیلی شاد باشند و همان شکلی باشد که ما دانش آموزان دوست داریم. باید معلم ورزشمان به خواسته های ما در فوق برنامه ها توجه کنند.	ایجاد برنامه های شاد توجه به خواسته های دانش آموزان
DO ادبیات	مدیران فوق برنامه ورزشی باید در تدوین برنامه به حیطه های سه گانه تعلیم و تربیت (حیطه شناختی، مهارتی و نگرشی) توجه ویژه داشته باشند.	توجه مدیران فوق برنامه به حیطه های سه گانه تعلیم و تربیت
C کلیپ و ویدیو	همراهی اولیا در فعالیت های ورزشی و فراهم نمودن حس لذت بخش و شادی برای دانش آموزان	مشارکت اولیا در فعالیت های فوق برنامه

سپس از کدهای برآمده از داده ها، ۲۳ مضمون پایه و ۸ مضمون سازمان دهنده با عناوین (بازدارنده ها، محرک ها، دانش آموزان، آموزش دهندگان، همکاری با ذینفعان، منابع مالی، منابع حمایتی و تشویقی، بستر سیاسی) و ۲ مضمون فراگیر (عوامل سوق دهنده و بازدارنده مشارکت ورزشی دانش آموزان و تسریع کننده ها) تعریف شد که در (جدول ۴) مضمون عوامل سوق دهنده و بازدارنده مشارکت ورزشی دانش آموزان نشان داده شده است.

جدول ۴- استخراج مضمون های پایه، سازمان دهنده و فراگیر عوامل سوق دهنده و بازدارنده مشارکت

ورزشی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	کد
عوامل سوق دهنده و بازدارنده مشارکت ورزشی دانش آموزان	محرك های مشاركت ورزشی	شاخص های اجتماعی مدارس	تراز فعالیت بدنی مدارس، اعتماد بین فردی، روابط معلم و دانش آموز
		تقلید و الگوبرداری	معلمان ورزش دوست و ورزشکار، ظاهر معلم و مربی، الگو و مدل بودن معلمان در مدرسه، رعایت شاخص های سلامتی
		فاکتورهای زیرساخت مناسب	فضا و مکان، موقعیت، دسترسی، قیمت، جنبه های زیبایی شناسی، تنوع و تعداد ورزش ها
		امنیت	امنیت مکانی، امنیت روانی، امنیت اخلاقی و پرورشی
		کیفیت خدمات	بهره وری، توانمندی نیروی انسانی، تخصص مدیران کارآمد، امکانات مناسب، بازدهی مطلوب، ارزیابی، آموزش نوین
		بازدارنده درون فردی	محدودیت های زندگی، تحصیلات کم خانواده، عوامل رفتاری مخرب، عدم نهادینگی ورزش در فرهنگ و ساختار فکر افراد، باورهای غلط، فقر حرکتی
بازدارنده های مشارکت ورزشی	وضعیت اقتصادی نامناسب دولت و جامعه، کمبود وقت، درآمد پایین خانواده، شرایط آب و هوایی خیلی گرم و خیلی سرد، مناطق کمتر برخوردار		
	بازدارنده های بین فردی	محیط نامناسب اجتماعی، دوستان نامناسب، جنسیت	

ادامهٔ جدول ۴- استخراج مضمون های پایه، سازمان دهنده و فراگیر عوامل سوق دهنده و بازدارنده مشارکت ورزشی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	کد
عوامل سوق دهنده و بازدارنده مشارکت ورزشی دانش آموزان	آموزش دهندگان	آموزش دهندگان داخل مدرسه	داوطلبان آموزش دهنده، دبیران سایر دروس متخصص در یک رشته ورزشی، اولیا متخصص در رشته های ورزشی، دبیر تربیت بدنی، مربیان متخصص ورزشی
		آموزش دهندگان خارج مدرسه	
	دانش آموزان	دانش آموزان داخل مدرسه	دانش آموزان تمام پایه های تحصیلی شاغل در مدرسه، دانش آموزان مشغول به تحصیل
		دانش آموزان خارج از مدرسه	مدارس دیگر

در (جدول ۵) مضمون تسریع کننده های مشارکت ورزشی دانش آموزان نشان داده شده است که در نهایت، عوامل سوق دهنده، بازدارنده و تسریع کننده مشارکت ورزشی دانش آموزان به عنوان مضمون فراگیر اصلی انتخاب گردید.

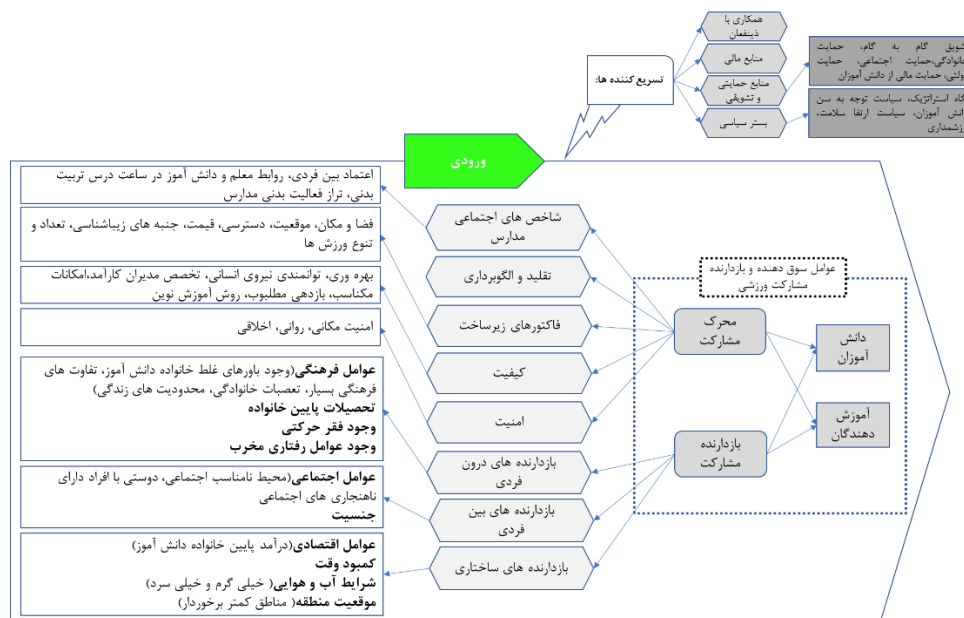
جدول ۵- استخراج مضمون های پایه، سازمان دهنده و فراگیر تسریع کننده های مشارکت ورزشی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	کد
تسریع کننده ها	بستر سیاسی	ارزش مداری سیاست ارتقا سلامت سیاست توجه به سن دانش آموزان نگاه استراتژیک به مشارکت	نگاه برابر دولت به تمام کارکنان، ارتقا جایگاه معلمان تربیت بدنی سیاست های ارتقا سلامت، از بین بردن عدم فعالیت ضرورت توجه به دانش آموزان استراتژی ترویج مشارکت ورزشی، نگاه استراتژیک، حیطه های سه گانه تعلیم و تربیت

ادامه جدول ۵- استخراج مضمون های پایه، سازمان دهنده و فراگیر تسریع کننده های مشارکت ورزشی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	کد
تسریع کننده و	منابع حمایتی و تشویقی	تشویق گام به گام	تشویق و حمایت گام به گام، تخفیف
		حمایت مالی	اختصاص اعتبارات
		حمایت خانوادگی	حمایت خانواده، جایگاه ورزش در سبب اجتماعی خانوار
		حمایت اجتماعی	حمایت جامعه، جایگاه ورزش در جامعه، حمایت مدرسه، حمایت رسانه
	حمایت دولتی	حمایت مدیران ارشد	
همکاری با ذینفعان	همکاری با ذینفعان	لزوم همکاری با ذینفعان، همکاری با سایر مدارس، همکاری با شهرداری، همکاری با هیات ها، همکاری با فدراسیون، همکاری با رسانه ها	
منابع مالی	منابع مالی و اعتبارات	اختصاص منابع مالی دولت، اعتبارات دولتی	

طبق جدول ۴ و ۵، عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های تربیت بدنی مدارس به صورت شبکه ای از مضامین ارائه شده است (شکل ۱). در این پژوهش سعی گردید که مؤلفه های اساسی مؤثر در مشارکت ورزشی دانش آموزان در مرحله ورود به سیستم فوق برنامه های مدارس مشخص گردد. اتخاذ چنین رویکردی، ضمن مشخص کردن اجزا و عناصر کلیدی مورد نیاز برای تحقق هدف، نحوه پیوند و تعاملات این عناصر با یکدیگر را به عنوان یک کل، روشن تر کرد و زوایای بیشتری را از مسیری که باید طی شود، در اختیار متولیان مربوطه قرار می دهد. تنها با توجه و تمرکز بر عناصر مدنظر و در نظر گرفتن مؤلفه های تسریع کننده جهت اجرای هدف، می توان بر میزان مشارکت ورزشی دانش آموزان افزود.



شکل ۱- مضمون نهایی عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه‌های تربیت بدنی مدارس

در زیر اجزا و مؤلفه های عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های تربیت بدنی مدارس شرح داده شده است.

الف) عوامل سوق دهنده و بازدارنده مشارکت ورزشی: شامل افرادی که می توانند در فوق برنامه های مدارس حضور داشته باشند و عوامل اثرگذار بر این افراد. در این پژوهش عناصر مشارکت ورزشی کلیه دانش آموزان، آموزش دهندگان و عوامل تأثیر گذار بر آنها از جمله محرک ها و بازدارنده ها است که شامل ۱) **دانش آموزان:** کلیه دانش آموزانی که در مدارس اشتغال به تحصیل دارند اعم از دانش آموزان دختر و پسر در سه مقطع ابتدایی، متوسطه اول و دوم؛ ۲) **آموزش دهندگان:** کلیه افرادی که در فوق برنامه های ورزشی به تعلیم دانش آموزان می پردازند برای این کار می توان از دبیر تربیت بدنی برای کلاس های فوق برنامه استفاده نمود حتی می توان از دبیران سایر مدارس یا از دبیران سایر دروس که در سطح حرفه ای ورزش می کنند و همین طور اولیایی که سابقه قهرمانی در رشته ای را دارند جهت آموزش استفاده کرد. دانش آموزان قهرمان و حرفه ای در یک رشته می توانند بسیار در این کلاس ها موفق باشند که در این صورت دبیران تربیت بدنی از آنها به عنوان همیار می توانند بهره ببرند؛ ۳) **محرک ها:** محرک های مشارکت شامل عواملی می شود که بر روی دانش آموز و

آموزش دهنده جهت حضور در فوق برنامه ورزشی تأثیرگذار است. تقلید و الگوبرداری، شاخص های اجتماعی مدارس، فاکتورهای زیرساخت، کیفیت، امنیت از جمله مؤلفه هایی هستند که باید قبل از این که کلاس های فوق برنامه تشکیل گردد مورد بررسی قرار گیرند؛ (۴) **بازدارنده ها:** بازدارنده های مشارکت با توجه به نظریه بازدارنده های مشارکت جکسون و کرافورد، در این پژوهش به سه دسته درون فردی (عوامل فرهنگی، تحصیلات پایین خانواده، وجود فقر حرکتی، وجود عوامل رفتاری مخرب)، بین فردی (عوامل اجتماعی، جنسیت) و ساختاری (عوامل اقتصادی خانواده، کمبود وقت، شرایط آب و هوایی، موقعیت منطقه) تقسیم شده اند که هر کدام می توانند بر روی دانش آموز و آموزش دهنده تأثیرگذار باشد و در صورتی که از توجه به این مؤلفه های بازدارنده غفلت شود می توان گفت که با عدم موفقیت فوق برنامه های ورزشی مواجه خواهیم بود و مشارکت ورزشی دانش آموزان در این کلاس ها بسیار ضعیف می گردد.

ب) تسریع کننده های مشارکت ورزشی: تسریع کننده ها یا کاتالیزورها به دلیل نقش سرعت بخشیدن می توانند در ورودی، فرآیند و خروجی اعمال شود و مشارکت ورزشی دانش آموزان با روند بهتری انجام گردد که در این پژوهش شامل (۱) **همکاری با ذینفعان:** در این پژوهش هر گونه همکاری و مشارکت و ارتباط با مراکز، ارگان های دولتی و خصوصی که دانش آموزان منبع اصلی سرمایه های آنها محسوب می شوند و همچنین بهره مندی از خدمات آنها، گفته می شود؛ (۲) **منابع حمایتی و تشویقی:** منابع حمایتی از جمله خانواده، دوستان، مدرسه و دولت می تواند در هر مرحله مشارکت ورزشی دانش آموزان در فوق برنامه به عنوان انگیزاننده به مشارکت بیشتر دانش آموزان سرعت بخشد؛ (۳) **بستر سیاسی:** بستری که به ارزش مداری، سیاست ارتقا سلامت، سیاست توجه به سن دانش آموزان، نگاه استراتژیک به مشارکت توجه نماید و با تمرکز بر این ها به افزایش مشارکت ورزشی دانش آموزان کمک کند؛ (۴) **منابع مالی:** فراهم نمودن بستر مناسب جهت فعالیت ورزشی فوق برنامه و اختصاص اعتبارات می تواند به سرعت مشارکت ورزشی دانش آموزان بیفزاید.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش تدوین عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های تربیت بدنی مدارس است. منظور از عوامل سوق دهنده و بازدارنده مشارکت ورزشی در این تحقیق، به کلیه دانش آموزان، آموزش دهندگان حوزه ورزشی، محرک ها و بازدارنده ها گفته می شود. دانش آموزان در مشارکت ورزشی مدارس ایران از جایگاه خاصی برخوردار هستند. مهم ترین ویژگی دانش آموزان، سن آنهاست که مطالعات انجام شده در حوزه مشارکت بسیار اندک بوده و در حوزه مشارکت ورزشی مورد بی توجهی قرار گرفته است حتی اورتگا و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیق

خود، تمرکز بیشتر مطالعات در جمعیت بالغ در حوزه مشارکت اجتماعی و مشارکت ورزشی داشته است که نشان از کم توجهی به پژوهش در زمینه دانش آموزان است. آموزش دهندگان یکی دیگر از عوامل سوق دهنده مشارکت ورزشی است که اغلب معلمان تربیت بدنی را شامل می شوند ولی می تواند شامل هر آموزش دهنده ورزشی که توان مدیریت کلاس ورزشی را داشته باشد و مورد تأیید معلم و مدیر مدرسه باشد نیز بشود و از لحاظ شخصیتی، اخلاقی، رفتاری، علم و دانش و ظاهر آراسته می تواند تأثیرات زیادی بر دانش آموزان بگذارد. از جمله دانش آموزان قهرمان در رشته های مختلف ورزشی، اولیای با سابقه قهرمانی و ورزش حرفه ای، معلمان سایر دروس دارای سابقه قهرمانی، دبیر تربیت بدنی، دانش آموزان ورزشکار سایر مدارس، معلمان متخصص سایر مدارس، مربیان داوطلب هیات های ورزشی و نیروهای کارورز که همگی می توانند به عنوان آموزش دهنده در فوق برنامه ها شرکت نمایند.

محرك ها، سوق دهنده دیگری است که هم بر دانش آموزان و هم بر آموزش دهندگان جهت ایجاد رغبت و تمایل برای شرکت در فوق برنامه تأثیرگذار است و می بایست بر روی محرك هایی چون شاخص های اجتماعی مدارس (بیلدیزر و بیلگین، ۲۰۱۸)، تقلید و الگوبرداری (یائو رودز، ۲۰۱۵)، فاکتورهای زیرساخت مناسب (بولیوار، ۲۰۱۰؛ جنکینسون و بنسون، ۲۰۱۰)، امنیت؛ کیفیت خدمات (تیمپریو، ۲۰۱۳) تمرکز ویژه ای نمود زیرا توجه به هر کدام قبل از این که کلاس های فوق برنامه تشکیل شود می تواند بر میزان مشارکت دانش آموزان جهت حضور در فوق برنامه های ورزشی بیفزاید. از جمله مواردی که در درون محرك های به دست آمده بر اساس یافته ها می توان عنوان نمود امنیت مکانی (فعالیت در فضای بدون آزار و اذیت های همسایگان و رهگذران)، روانی (فعالیت در فضایی بدون ترس از رفتارهای مدیران، معاونین و معلمان)، اخلاقی (فعالیت در محیطی که چهارچوب های اخلاقی از جمله احترام و رعایت حقوق یکدیگر رعایت شود)، بهره وری (رسیدن به هدف در کوتاهترین زمان و باکمترین هزینه)، توانمندی نیروی انسانی (آموزش دهندگان توانا و متخصص در امر فوق برنامه های تربیت بدنی)، تخصص مدیران کارآمد (مدیران آگاه و حامی به امر فوق برنامه ها)، امکانات مناسب (فراهم نمودن شرایط مناسب برای فعالیت های فوق برنامه)، بازدهی مطلوب (استفاده از شرکت کنندگان در فوق برنامه ها در مسابقات، جشنواره ها و برنامه های تفریحی)، روش آموزش نوین (بکارگیری آموزش دهندگان با شیوه های بروز و متنوع)، فضا و مکان (زیبایی و مناسب بودن محیط فعالیت های فوق برنامه)، موقعیت (قرارگیری مدرسه در محیط محلی مناسب مدرسه و دوری از فضاهای شلوغ)، دسترسی (دسترسی آسان به مدرسه)، قیمت (شهریه های حداقلی برای کلاس های فوق برنامه)، جنبه های زیباشناسی (رنگ آمیزی و سبز بودن فضای بازی و فعالیت)، تعداد و تنوع ورزش ها (برگزاری فعالیت های مختلف در فوق برنامه ها)، اعتماد بین فردی (سلامت روانی)، روابط

معلم و دانش آموز (احساس دوستی و اعتماد)، تراز فعالیت بدنی مدارس (بالا بودن میزان فعالیت های ورزشی و تفریحی مدرسه نسبت به مدارس دیگر) است که بر مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های ورزشی تأثیرگذار است.

بازدارنده، یکی دیگر از عوامل است که بدلیل گستردگی در سه سطح درون فردی، بین فردی و ساختاری تقسیم شده است (صادق زاده و مقامی، ۲۰۱۲). عوامل بازدارنده درون فردی شامل محدودیت های زندگی، تحصیلات کم خانواده، عوامل رفتاری مخرب، عدم نهادینگی ورزش در فرهنگ و ساختار فکر افراد (فتحی و الماسی، ۲۰۱۷)، باورهای غلط، فقر حرکتی است که همگی می تواند بر روحیه و شخصیت دانش آموزان تأثیرگذار باشد و نهایتاً دانش آموز در درون خود احساس نماید که نمی تواند و نباید در فوق برنامه شرکت کند؛ عوامل بازدارنده بین فردی شامل محیط نامناسب اجتماعی (بختیاری اقدم، ۲۰۱۳)، دوستان نامناسب، جنسیت (بیلدیزر و بیلگین، ۲۰۱۸) است که به دلیل ارتباط نامناسب با دیگران یا شخص دیگر می تواند مانع مشارکت دانش آموز در فوق برنامه های ورزشی گردد؛ و عوامل بازدارنده ساختاری شامل وضعیت اقتصادی نامناسب دولت و جامعه (ان و وسترن، ۲۰۱۹)، کمبود وقت (جیمز، ۲۰۰۹)، درآمد پایین خانواده (ان و وسترن، ۲۰۱۹؛ نیکلاس، ۲۰۱۱؛ جنکینسون و بنسون، ۲۰۱۰)، شرایط آب و هوایی خیلی گرم و خیلی سرد، مناطق کمتر برخوردار است که این دسته عوامل به دلیل محدودیت ها و مشکلاتی که محیط و اجتماع بر دانش آموز و خانواده دانش آموز می گذارد، می تواند باعث عدم مشارکت ورزشی یا کاهش میزان مشارکت ورزشی دانش آموزان در فوق برنامه های مدارس گردد. بنابراین در این پژوهش بر اساس یافته ها این نتیجه حاصل می شود که بر کاهش سه دسته بازدارنده های ساختاری، درون فردی و بین فردی مشارکت ورزشی دانش آموزان قبل از تشکیل کلاس های فوق برنامه باید به طور جدی برنامه ریزی نمود و یا حتی به شرایط معمول و عادی رسانید.

در کنار عوامل سوق دهنده و بازدارنده که بر اساس یافته ها به دست آمد، تسریع کننده های مختلفی نیز وجود دارد که می تواند بر دانش آموز و آموزش دهنده اثر بگذارد و بر میزان مشارکت بیفزاید و حتی به دلیل ارتباط دو سویه ای که بین معلم و دانش آموز وجود دارد می تواند با وارد شدن بر یکی از این طرفین بر دیگری نیز تأثیر گذارد. منابع مالی، منابع حمایتی و تشویقی (تیمپریو، ۲۰۱۳)، بستر سیاسی (ان و وسترن، ۲۰۱۹؛ بیلدیزر و بیلگین، ۲۰۱۸)، و همکاری با ذینفعان از جمله تسریع کننده هایی هستند که هر کدام به طور جداگانه با تأثیر بر دانش آموز یا آموزش دهنده به تنهایی می تواند بر مشارکت ورزشی دانش آموزان جهت ورود به فوق برنامه مدارس ایران بیفزاید. در منابع مالی می توان به جذب حامیان مالی جهت برگزاری مسابقات در درون مدرسه یا اردوهای ورزشی خارج مدرسه مبادرت ورزید. همچنین تخصیص اعتبارات دولتی برای برپایی و ارتقا کلاس های فوق برنامه ورزشی

نیز می تواند در مشارکت ورزشی دانش آموزان تأثیر مثبتی بگذارد. حمایت ارگان ها، سازمان های دولتی و بخش خصوصی، رسانه ها، مدیران ارشد و میانی، خانواده ها، مدرسه و دوستان از جمله منابع حمایتی هستند که دانش آموز را از مرحله تصمیم گیری جهت حضور در فوق برنامه ها تا نهادینه شدن ورزش در فکر و جان دانش آموز می توانند حمایت نمایند. همچنین منابع تشویقی را خانواده ها و دوستان، معلمان و مدرسه می توانند پر نمایند و باعث ایجاد انگیزه و رغبت به ورزش در دانش آموز با حضور و شرکت در فوق برنامه های ورزشی شوند. از جمله سیاست های بلند مدت برای توسعه ورزش در جامعه را می تواند از دل مدارس و رشد ورزش در مدارس پایه ریزی نمود بنابراین اگر سیاستمداران تمرکز بیشتری بر ورزش مدارس داشته باشند خودبه خود جامعه ای سالم تر ایجاد می گردد؛ همچنین ارزش گماردن به کار معلمان تربیت بدنی و ورزش در مدارس می تواند روحیه عاملان برپایی کلاس ها فوق برنامه که همانا معلمان تربیت بدنی و مدیران مدارس هستند را دو چندان نماید و از سوی دیگر با بالا رفتن روحیه معلمان، دانش آموزان نیز دارای روحیه بهتری خواهند بود. همکاری مدرسه با نهادهای بیرونی، استفاده از قدرت مقام و ارتباطات به جهت ارتقا رشد ورزشی درون مدرسه و آماده سازی شرایط مناسب برای مشارکت ورزشی دانش آموزان در فوق برنامه ها و بازدهی مناسب از این فوق برنامه ها نه تنها باعث توسعه ورزش در مدرسه می شود بلکه باعث ایجاد بازده مطلوب برای ذینفعان می گردد. بنابراین مؤلفه های تسریع کننده هم باعث سرعت بخشیدن به مشارکت ورزشی بیشتر دانش آموزان می شود هم باعث توسعه ورزش و نهادینگی ورزش در فکر افراد و نهایتاً در سبب خانوار و جامعه می گردد.

مدرسه جایگاه و سیستم اصلی برای فوق برنامه هاست و فوق برنامه های ورزشی به عنوان سیستم های زیرین قرار دارد که درکنش و واکنش دائمی هستند و نسبت به سیستم های بالاتر سیستم فرعی محسوب می شود. بنابراین، با توجه به سیستم بودن کلاس فوق برنامه، همه علل و عواملی که موجبات برقراری و ورود دانش آموزان به فعالیت های فوق برنامه ورزشی مدارس است، در این پژوهش به عنوان ورودی های سیستم مورد بررسی قرار گرفت تا بتوان به تدوین عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده کامل و جامع و با پشتوانه نظری پرداخت. نقطه قوت این پژوهش، قابلیت اجرایی نمودن آن است، زیرا که به تمام جنبه های تأثیر گذار برای مشارکت ورزشی دانش آموز توجه گردیده است.

همچنین انجام این پژوهش ضمن ایجاد آگاهی از وضعیت موجود جهت برنامه ریزی مطلوب و شناخت و موشکافی عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های تربیت بدنی مدارس می تواند فوایدی همچون امکان مشارکت بیشتر در فعالیت های ورزشی فوق برنامه های مدارس، تنوع در فعالیت های ورزشی مدارس، توجه به علاقه و نیازهای دانش آموزان،

ایجاد جو غیررسمی و صمیمی، احیاء نشاط و شادابی در دانش آموزان و شناسایی بهتر استعدادها و ورزشی به همراه داشته باشد. در این مطالعه به روش کیفی تنها به شناخت عوامل سوق دهنده، تسریع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های تربیت بدنی مدارس پرداخته شد. مطالعات بعدی می توانند با رویکرد توسعه ابزار بر اساس شناخت عوامل حاضر بپردازند. از جمله پیشنهادات این پژوهش می توان بیان نمود که متولیان فوق برنامه در زمینه ورزش بهتر است زمینه انگیزش معلمان تربیت بدنی و مدیران مدارس را با ارزش گذاری بر فعالیت های این عزیزان در سطح مدرسه فراهم نمایند. همچنین به کارشناسان تربیت بدنی ادارات کل استان ها پیشنهاد می شود با اجرای برنامه هایی از جمله انتخاب بهترین مدرسه دارای فوق برنامه در زمینه ورزش، به تشویق معلمان تربیت بدنی برای رشد فوق برنامه در مدارس بپردازند. برای برقراری امنیت روانی، مکانی و اخلاقی پیشنهاد می شود دوره های ضمن خدمت برای مدیران مدارس جهت ارتباط با دانش آموزان و شیوه های مدیریت مشارکتی ارائه گردد و فضای دوستی بین مدیران و معلمان با دانش آموزان فراهم گردد. جهت افزایش شاخص های اجتماعی مدارس پیشنهاد می شود فعالیت های تفریحی و ورزشی بیشتری در مدارس اجرا گردد و حتی جشنواره هایی در این زمینه بین مدارس برگزار شود و میزبان این جشنواره ها خود مدارس باشند. همچنین در این جشنواره ها معلمان تربیت بدنی هر مدرسه با دانش آموزان آن مدرسه در رقابت های تفریحی شرکت نمایند. برای توسعه زیرساخت ها می توان طی اردوها و جشنواره هایی از دانش آموزان برای این منظور استفاده نمود به طور مثال جشنواره رنگ آمیزی دیوارهای مدرسه، جشنواره گل کاری... همچنین می توان برای ایمن سازی مدارس برنامه ای تفریحی به همراه فنس کشی مدرسه توسط پدران دانش آموزان برپا نمود. همکاری و برقراری ارتباط با اولیا در کنار برنامه های شاد در سطح استان و ناحیه می تواند انگیزه و رغبت برای توسعه ورزش در مدارس را فراهم نماید.

تشکر و قدردانی

ضمن سپاس از اساتید محترم جهت همراهی بنده در فرآیند انجام پژوهش، از کلیه مسئولان تربیت بدنی آموزش و پرورش در سطح کشوری و استانی و معلمان تربیت بدنی و همچنین دانش آموزان و خانواده های آنان، صمیمانه قدردانی می نمایم.

منابع

1. Abedi Jafari, H. Teslimi, M. S. Faghihi, A. Sheikhzadeh, M. (Autumn and Winter 2011). Thematic analysis and networking of themes. A simple and efficient method for explaining patterns in qualitative data. *Strategic Management Thought (Management Thought)*, 5(2): 151-198. (Persian).
2. Ahmadi, H. Siahposht, M. Shokoohi, M. Chabok, H. Jahanbakh, R. (Autumn 2005). *A guide to completing and completing extracurricular activities in elementary school*. Publishers: Azmoon Novin. (Persian)
3. An, W. Western, B. (2019). Social capital in the creation of cultural capital: Family structure, neighborhood cohesion, and extracurricular participation. *Social Science Research*, 81: 192-208.
4. Bagherzadeh, F. Hemayattalab, R. Motaghi poor, M. (2002 winter). Study of the causes of non-attendance of high school female students in extracurricular activities. *Journal of Motion*, 11: 23-31. (Persian).
5. Bakhtari Aghdam, F. Baghiani Moghaddam, M. H. Asghari, M. Allahverdipour, H. Dabagh Nikookheslat, S. Nourizadeh, R. (2013). Explaining the Role of Personal, Social and Physical Environment Factors on Employed Women's Physical Activity: A Structural Equation Analysis. *Global Journal of Health Science*, 5(4): 189-199.
6. Bauman, A. Schoeppe, S. Lewicka, M. Armstrong, T. Candeias, V. Richards, J. (2017). Review of best practice in interventions to promote physical activity in developing countries. Geneva: WHO Press. Available at: <http://www.who.int/dietphysicalactivity/bestpracticePA2008.pdf>; 2005 [accessed 22.04.2017].
7. Biabangard, A. (2014 Winter). *Methods of research in psychology and education*. publication of Doran, Volume 1, eighth edition: 288-305. (Persian)
8. Blomfield, C. Barber, J. Bonnie, L. (2009). Brief report: performing on the stage, the field, or both? Australian adolescent extra curricular activity participation and self-concept. *journal of adolescence*, 32(3): 733-739.
9. Bolivar, J. Daponte, A. Rodriguez, M. & Sanchez, J. (2010). The Influence of Individual, Social and Physical Environment Factors on Physical Activity in the Adult Population in Andalusia, Spain. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 7: 60-77.
10. Boyatzis, R. (1998). *Transforming Qualitative Information*. Cleveland: Sage.
11. Braun, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 77-101.
12. Denault, A. S Ratelle, F. Duchesne, S. Guay, F. (2019). Extracurricular activities and career indecision: A look at the mediating role of vocational exploration. *Journal of Vocational Behavior*, 110: 43-53.
13. Fathi, A. Almasi, P. (2017 Autumn). Analysis of Barriers to Participation of High School Girl Students in Sports Exercise Activities, *Third National Conference on Sport Sciences and Physical Education*, Tehran, Association for the Promotion of Basic Sciences and Technology. (Persian).

14. Guilmette, M. Mulvihill, K. Villemare-Krajden, R. T. Barker, E. (2019). Past and present participation in extracurricular activities is associated with adaptive self-regulation of goals, academic success, and emotional wellbeing among university students. *Learning and Individual Differences*, 73: 8-15.
15. Doosti, M. Habib Niarami, S. Darvishi, A. (2017 autumn). Identifying the Problems and Benefits of Implementing the In-School Olympiad: Case Study: Mazandaran Province. *New Approaches to Sport Management*, 4(13): 49-59. (Persian)
16. Hendrickson, B. (2018). Intercultural connectors: Explaining the influence of extracurricular activities and tutor programs on international student friendship network development. *International Journal of Intercultural Relations*, 63: 1-16.
17. James, A. Sheila, L. Tessaro, I. Coffindaffer, J. (2009). Perceived Barriers to Physical Activity According to Stage of Change and Body Mass Index in the West Virginia Wisewoman Population. *Women's Health Issues*, 126-134.
18. Jenkinson, K. A. Benson, A. C. (2010). Barriers to Providing Physical Education and Physical Activity in Victorian State, Secondary Schools, Australian. *Journal of Teacher Education*, 35(8): 1-17.
19. Kelly, A.V. (2004). *The Curriculum Theory and Practice*. London: SAGE Publications. pdf.
20. Khastar, H. (2009 spring). Providing a method for calculating the reliability of the coding step in research interviews. *Methodology of social sciences and humanities journal*, 15(58): 161-174. (Persian).
21. Keyvanfar, Z. (2010). A comparative and analytical review of leisure activities and extracurricular activities in primary schools in Iran and the United States. M.Sc., Allameh Tabatabai University.
22. Kondric, M. Sindik, J. Furjan-Mandic, G. & Schiefler, B. (2013). Participation motivation and student's physical activity among sport students in three countries. *Journal of sports science & medicine*, 12(1): 8-10.
23. Lane, J. (1995). Non-governmental organisations and participatory development: the concept in theory versus the concept in practice. In 'Power and Participatory Development'. (Ed. S Wright). London: ITDG Publishing, 2001, 1995.
24. Liu, W. Bian, W. & Yan, L. (2011). Perceived competence, motivation, and physical activity participation among college students. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 82(1): 69.
25. Maleki, H. (2017 winter). *Introduction to Educational and Social Activities*. Publisher: Aeizh, Fifth Edition. 8-14. (Persian).
26. Morelaa, E. Elbeb, A. M. Theodorakisa, Y. Hatzigeorgiadis, A. (2019). Sport participation and acculturative stress of young migrants in Greece: The role of sport motivational environment. *Elsevier International Journal of Intercultural Relations*, 71: 24-30.
27. Nicholas, L. Holt, B. C. Kingsley, L. (2011). Benefits and Challenges Associated with Sport Participation By Children and parents from low-Income Families. *Psychology of Sport and Exercise*, 2: 490-499.

28. Orłowski, M. Karen wonders, K. (2010). Physical Activity in an Organized After School Program. *Journal of Exercise Physiology*, 13(3): 12-21.
29. Ortega, F. Ruiz, J. Castillo, M. Sjöström, M. (2008). Physical fitness in childhood and adolescence: a powerful marker of health. *International Journal of Obesity*, 32: 1–11.
30. Patton, M. (2002). *Qualitative research and evaluation methods*. Thousand Oaks: California.
31. Sadeghzadeh, M. H. Maghami, M. (2012). Study and analysis of inhibitory factors of female students for participation in recreational sport activities. *European Journal of Experimental Biology*, 2(4): 1062-1070.
32. Shaw, M. S. Dawson, D. (2001). Purposive leisure: Examining Parental Discourses on Family Activities. *Leisure sciences*, 4(23): 217-231.
33. Shulruf, B. Tumen, S. Tolley, H. (2008). Extra curricular activities in school, do they matter? children, and youth services review. *Journal of American psychological association*, 30(4): 418-426.
34. Streubert Speziale, H. Rinaldi Carpenter, D. (2011). *Qualitative Research in Nursing: Advancing the Humanistic Imperative*. Fifth edition.
35. Timperio, A. F. Stralen, M. Brug, J. Bere, E. Chinapaw, M. J. (2013). Direct and indirect associations between the family physical activity environment and sports participation among 10–12-year-old European children: testing the EnRG framework in the ENERGY project. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 10:15.
36. Unesco. (2016). happy schools: a framework for learner wellbeing in the Asia-pacific. <http://unesdoc.unesco.org/images/0024/002441/244140e.pdf>.
37. Woods, J. R. Witte, J. E. (2007). An investigation of two-year community college students' involvement in extracurricular activities.
38. Yao, C. Rhodes, R. (2015). Parental correlates in child and adolescent physical activity: a meta-analysis. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 12(10): 1-38.
39. Yıldizer, G. Bilgin, E. Nur Korur, E. Novak, D. Demirhan, G. (2018). The association of various social capital indicators and physical activity participation among Turkish adolescents. *Journal of Sport and Health Science*, 7: 27–33.

ارجاع دهی

شمس، فرحناز؛ احسانی، محمد؛ صفاری، مرجان؛ عروف‌زاد، شهرام. (۱۴۰۰). عوامل سوق دهنده، تسريع کننده و بازدارنده مشارکت دانش آموزان در فوق برنامه های تربیت بدنی مدارس. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹ (۲۴): ۳۶-۱۰۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.7695.1713

Shams, F; Ehsani, M; Saffari, M; Aroufzad. S. (2021). The driving, accelerating, and inhibiting factors of student participation in school's physical education extracurricular activities. *Research on Educational Sport*, 9 (24): 107-36. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2019.7695.1713

Designing a Model for the Development of Human Capital in Iranian University Sports

F. Azarm¹, P. Nourbakhsh², M. Noorbakhsh³, H. Sepasi⁴

1. Ph.D. Student, Department of Sports Management, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

2. Professor of Sports Management Department, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran (Corresponding Author)

3. Professor of Sports Management Department, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

4. Professor of Sports Management Department, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Received: 2020/09/30

Accepted: 2021/01/11

Abstract

According to the review of the proposed models and research background, so far a comprehensive model in the field of factors affecting the development of human capital in academic sports has not been presented and this trend needs to grow. Therefore, the aim of this study was to design a model for the development of human capital in university sports. This qualitative study was conducted using the content analysis method. Research experts were 19 professors and directors of physical education who were champions and coaches of national teams in various fields and executives of university sports in the country, who were selected through non-random sampling in a purposeful way to achieve theoretical saturation. Data were collected using in-depth and semi-organized interviews. Data were analyzed after coding, and MaxQda software was used to analyze the research data. The results showed that the factors of the human capital development model of university sports could be classified into 8 main categories and 134 sub-categories. Training and learning, performance management, maintenance management, recruitment, service compensation, succession, competency factors as well as belief and moral context were the main identified themes of human capital development of university sports. Therefore, to implement the development of human capital of university sports, a desirable investment should be made based on scientific-sports talents in the country's universities, and the use of sports heroes should be among the strategies for the development of human capital of universities.

Keywords: Content Analysis, Human Force, Modeling, Sports Development

1. Email: azarm.f1383@gmail.com

2. Email: parivashnourbakhsh@yahoo.com

3. Email: mahvashnoorbakhsh@yahoo.com

4. Email: hosseinsepasi@yahoo.com

Extended Abstract

Background and Purpose

One of the issues that all organizations pay attention to is the concept of human capital, which is the most important factor in the development of any organization (1). Human capital development is a process related to the development activities of an organization to equip and improve creative skills, talents, competencies, knowledge, and abilities (2). The development of human capital is very necessary, to the extent that the development of such capacities through education has become a top priority in designing the strategic plan of organizations (3). According to the review of the proposed models and research background, so far a comprehensive model in the field of factors affecting the development of human capital in academic sports has not been presented and this trend needs to grow in a more scientific future. Therefore, the aim of the present study was to design a model for the development of human capital in university sports in the country.

Methodology

This qualitative study was conducted using the content analysis method. Research experts were 19 professors and directors of physical education who were champions and coaches of national teams in various fields and executives of university sports in the country who were selected through non-random sampling in a purposeful way to achieve theoretical saturation. Data were collected using in-depth and semi-organized interviews. Data were analyzed after coding, and MaxQda software was used to analyze the research data. According to the criteria provided by Creswell and Miller (4) to ensure the validity of qualitative research and to ensure the accuracy of the findings from the researcher's point of view, three Delphi Committee interviewees submit the final report of the first stage of the analysis process or categories obtained that their comments and suggestions were implemented at a qualitative stage. To evaluate the reliability of the research, the Holsti method (5) was used, according to which the reliability coefficient value of 0.96 was obtained, indicating that the results of the qualitative part had high reliability.

Results

The results indicated that the factors of the human capital development model of university sports could be classified into 8 main categories and 134 sub-categories. Training and learning, performance management, maintenance management, recruitment, service compensation, succession, competency factors as well as belief and moral context were the main identified themes of human capital development of university sports. In the causal factors section, items were obtained from data affecting the central phenomenon of research, one of these

factors was teaching and learning, the next factor was performance management and the third factor was management, preservation and maintenance that support the results of the authors (6-7). In the contextual factors section, items were extracted from the data affecting the central phenomenon of the research, these included factors such as competency and belief and moral context. In the section on interfering factors in the development of human capital of university sports in the country, items were extracted from the data influencing the central phenomenon of research; Items such as recruitment (recruitment and selection system), service compensation and succession breeding were among the factors affecting the central phenomenon that supports the result of Papaioannou et al.(8). Strategies obtained for the development of human capital of university sports in the country included recruitment based on needs assessment and competence, investment based on scientific-sports talents, commitment to university sports, use of modern technologies for evaluation and education, encouraging innovation and creativity, use of scientific and practical human force (sports heroes) and the development of technical, perceptual and human skills according to the missions and macro policies of student sports. The consequences of the implementation of the model included the development and improvement of health, exhilaration and vitality of academics and society, organizational excellence, improving the effectiveness and efficiency of university sports, meritocracy management in university sports and strategic agility.

Discussion

Since the proposed research model has been extracted from the text of relevant sources, organizations, universities and higher education centers can easily apply this model to their work, taking into account only the views of stakeholders and organizational requirements to achieve their own pattern. In order to implement the development of human capital of university sports, a desirable investment should be made based on scientific and sports talents in the country's universities, and the use of sports heroes should be one of the strategies for the development of human capital of universities.

Keywords: Content analysis, Human force, Modeling, Sports development

References

1. Mehranpoor, M., Sayadi, S., Pourkiani, M., & Salajegheh, S. (2019). Designing a human resources development model based on organizational values. *Iranian Journal of Management Sciences*, 13(52): 133-151. (Persian).
2. Linda, M. R., Thabrani, G., & Firman, F. (2020). The role of human capital and knowledge management in innovation. *Advances in Economics, Business and Management Research*, 145: 261-267.
3. Obiekwe, O. (2018). Human capital development and organizational survival: A theoretical review. *International Journal of Management and Sustainability*, 7(4): 194-203.
4. Creswell, J. W., & Miller, D. L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into Practice*, 39(3): 124-130.
5. Neuendorf, K. A. (2017). *The content analysis guidebook*. US: Sage Publications, Inc.
6. Manafi, F., Ramezaninejad, R., Gohar Rostami, H. R., Pourkani, M., & Dastoom, S. (2019). Designing the model of factors affecting the development of university sport in Iran. *Sport Management*, 11(2): 195-218. (Persian).
7. Divya, J., & Narashiman, K. (2018). An empirical investigation into the factors distorting the rhetoric of human capital development with specific reference to distance education institutions in Tamilandu, India. *The Online Journal of Distance Education and e-Learning*, 6(1): 1-16.
8. Papaioannou, A., Kriemadis, T., Alexopoulos, P., & Vrontou, O. (2012). An analysis of human resource empowerment and organizational performance in Greek sport federations. *World Review of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 8(4): 439-455.

طراحی الگوی توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور

فاطمه آزر م^۱، پریوش نوربخش^۲، مهوش نوربخش^۳، حسین سپاسی^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. استاد گروه مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استاد گروه مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۴. استاد گروه مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲

چکیده

با توجه به مروری بر مدل‌های ارائه شده و پیشینه تحقیق تا کنون مدلی جامع در زمینه عوامل مؤثر در توسعه سرمایه انسانی در ورزش دانشگاهی ارائه نشده است و نیاز است که این روند در آینده علمی تر رشد کند. لذا تحقیق حاضر با هدف طراحی الگوی توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور انجام پذیرفت. تحقیق مورد مطالعه به لحاظ هدف و ماهیت از نوع روش تحلیل محتوا است که نوع داده‌های آن کیفی است. خبرگان تحقیق ۱۹ نفر از اساتید و مدیران تربیت بدنی که از قهرمانان و مربیان تیم‌های ملی و مدیران اجرایی ورزش دانشگاهی کشور بودند. این افراد از طریق نمونه‌گیری غیرتصادفی به شیوه هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه سازمان‌یافته گردآوری شد. داده‌ها پس از کدگذاری، تحلیل شدند و برای تحلیل داده‌های پژوهش از نرم افزار مکس کیودا استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد عوامل مدل توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور را می‌توان در ۸ مقوله اصلی و ۱۳۴ مقوله فرعی طبقه بندی نمود. آموزش و یادگیری، مدیریت عملکرد، مدیریت حفظ و نگهداری، کارمندیابی، جبران خدمات، جانشین پروری، عوامل شایستگی و بستر اعتقادی و اخلاقی به عنوان مضامین اصلی شناسایی شده توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور هستند. لذا برای عملیاتی کردن توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی، باید سرمایه گذاری مطلوبی بر اساس استعدادهای علمی-ورزشی در دانشگاه‌های کشور انجام پذیرد و به‌کارگیری قهرمانان ورزشی، می‌بایست در زمره راهبردهای توسعه سرمایه انسانی دانشگاه‌ها قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، توسعه ورزش، مدل سازی، نیروی انسانی

1. Email: azarm.f13/83@gmail.com
2. Email: parivashnourbakhsh@yahoo.com
3. Email: mahvashnoorbakhsh@yahoo.com
4. Email: hosseinsepasi@yahoo.com

مقدمه

توسعه دانش و پیشرفت روزافزون فناوری باعث ایجاد تحول عظیمی در همه ابعاد سازمان‌ها شده است. در نتیجه، سازمان‌ها، از جمله نهادهای ورزشی، حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان را آغاز کرده اند، به گونه‌ای که امروز می‌توان اقتصادی مبتنی بر دانش، اندیشه و اطلاعات را مشاهده نمود که مبتنی بر دارایی‌های نامشهود و سرمایه انسانی است (قربانی، اسدی، گودرزی و حمیدی، ۲۰۱۶، ۱۰). یکی از مواردی که همه سازمان‌ها به آن توجه می‌کنند، مسئله سرمایه انسانی است که مهم‌ترین عامل توسعه هر سازمان است (مهرانپور، صیادی، وریکیانی و سلاجقه، ۲۰۱۹، ۱۳۵).

توسعه سرمایه انسانی^۱ فرآیندی مربوط به فعالیتهای توسعه‌ای است که یک سازمان برای تجهیز و بهبود مهارت‌ها، استعدادها، شایستگی‌ها، دانش و توانایی‌های خلاقانه آن کار می‌کند. همچنین شامل کلیه فعالیتهایی است که فرد برای توسعه مهارت‌ها، شایستگی‌ها، توانایی‌ها، دانش و تخصص خود برای انجام کارها به صورت مؤثر انجام می‌دهد (لیندا و همکاران^۲، ۲۰۲۰، ۲۶۲). بنابراین توسعه سرمایه انسانی بسیار ضروری است، به حدی که توسعه چنین ظرفیتهایی از طریق آموزش به اولویت اصلی در طراحی برنامه راهبردی سازمان‌ها تبدیل شده است. بدون شک، سازمان‌ها اکنون بیش از گذشته اهمیت سرمایه گذاری در کارمندان خود را می‌شناسند (ایبکوی^۳، ۲۰۱۸، ۱۹۵). منابع انسانی در سازمان‌ها از جمله منابعی است که کمیاب بوده و به آسانی توسط سازمان‌های دیگر قابل تکثیر نیست. عملکرد و بازدهی سازمان‌ها بستگی به دارایی‌های مشهود و نامشهود آنها دارد و این دارایی‌ها معیار مناسبی برای ارزش گذاری آنها محسوب می‌شوند. منابع انسانی از جمله دارایی‌های نامشهود است و بدون شک بهره‌وری منابع انسانی در ایجاد ارزش سازمانی نقش بسزایی دارد. به همین دلیل، نیروی انسانی دارای خلاقیت و پویایی است و از این رو، منابع انسانی بنای اصلی فرآیند افزایش کارایی و اثربخشی و با ارزش‌ترین سرمایه و کلید اصلی رقابت قلمداد می‌شود (طالب پور، میرزازاده، شجیع و علیزایی یوسف آبادی، ۲۰۱۹، ۱۶۰). لذا تمام سازمان‌ها به دنبال جذب و از آن مهم‌تر حفظ و توسعه بهترین افراد برای انجام فرآیندهای جاری و فعالیتهای آتی خود هستند، تا از این طریق بتوانند اهداف و استراتژی‌های از پیش تعیین شده را محقق سازند.

با توجه به این‌که دانشگاه‌ها وظیفه تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص، ماهر و سالم را دارند، ورزش دانشگاهی می‌تواند نقش بسزایی در برنامه‌های مدیریت منابع انسانی کشور ایفا نماید، همچنین توسعه ورزش دانشگاهی می‌تواند تضمینی در راستای توسعه ورزش کشور باشد (منافی، رضانی‌نژاد،

-
1. Human Capital Development
 2. Linda
 3. Obiekwe

گوهر رستمی و پورکیانی، ۲۰۱۵، ۶۶). ورزش دانشگاهی به‌عنوان بخشی از روند آموزش و پرورش می‌کوشد تا با فراهم آوردن شرایط لازم و ایجاد یک محیط و فرصت مناسب، کلیه دانشجویان را در شرایط تفریحی و رقابتی سالم قرار دهد (حسینی، حمیدی و تجاری، ۲۰۱۳، ۱۶). روند توسعه ورزش دانشگاهی در دوران قبل از انقلاب، به‌دلیل نداشتن تشکیلات ساختاری رسمی و مسئول اجرایی، دارای فعالیت‌های پراکنده‌ای بود و در بعد از انقلاب، خصوصاً از جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۷۰ فعالیت چشمگیری نداشت و مهم‌ترین رویداد این دوره برگزاری اولین مسابقات دوومیدانی دانشگاه‌ها در دانشگاه شهید چمران اهواز بود. برپایی جشنواره ورزشی دختران در دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۷۰، اعزام تیم ورزشی دانشجویی در رشته بسکتبال به مسابقات خارج از کشور در سال ۷۱ و میزبانی اولین المپیاد ورزشی دانشجویی در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه تهران، از مهم‌ترین رویدادهای این سال‌ها بود. در سال ۱۳۸۴ با تأسیس فدراسیون ورزش دانشجویی، ورزش دانشگاهی کشور در اعزام به مسابقات برون‌مرزی فعالیت چشمگیرتری نسبت به گذشته پیدا کرد. در توسعه ورزش دانشگاهی تا سال ۱۳۹۰، تقریباً روند یکنواختی، وجود داشته است، در بخش توسعه منابع انسانی و امکانات، از نظر مؤلفه‌های وضعیت توسعه انجمن‌های ورزشی و فضای ورزشی و در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ روند صعودی تقریباً یکنواخت بود و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. روند شرکت دانشجویان در مسابقات ورزشی قهرمانی سراسری دانشگاه‌ها از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ سالانه حدود ۳ درصد برای سال‌های زوج و حدود ۶ درصد برای سال‌های فرد گزارش شده است و میزان رشد سالانه مشارکت دانشجویان تحت پوشش ورزش همگانی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ تنها ۶ درصد بوده است. به‌صورت کلی گزارش‌های توسعه ورزش در دانشگاه‌ها حاکی از پایین بودن شاخص‌های توسعه‌یافتگی در ورزش دانشگاهی و به‌خصوص در بخش سرمایه انسانی است (منافی، رضانی‌نژاد، گوهر رستمی، پورکیانی و دستوم، ۲۰۱۹، ۱۹۸).

محیط‌های ورزشی، محیط‌هایی پویا هستند که در آنها انسان نقش بسیار مهمی دارد، توسعه قابلیت‌ها و به تبع آن سرمایه‌های انسانی می‌تواند به بهبود شاخص‌های عملکردی در سطوح ملی و بین‌المللی منجر شود. تحقیقات در زمینه قابلیت‌های انسانی بسیار محدود است. علاوه بر این، بر اساس جستجوهای محقق مبحث سرمایه انسانی و توسعه آن در زمینه ورزش دانشگاهی کشور تاکنون به‌صورت منسجم مطالعه نشده است. بی‌توجهی به مبحث سرمایه انسانی در حوزه ورزش دانشگاهی، باعث می‌شود که سلامت، نشاط و سرزندگی دانشجویان رشد و پیشرفت چشمگیری نداشته باشد و اثربخشی و کارایی ورزش دانشگاهی کشور کاهش یابد.

مطالعات مختلف به عوامل مختلفی در توسعه سرمایه انسانی اشاره کرده‌اند که از مهم‌ترین این عوامل و مؤلفه‌ها می‌توان به قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و شایستگی‌های سرمایه انسانی (منافی و همکاران، ۲۰۱۹؛

مهرانپور و همکاران، ۲۰۱۹؛ سپهوند، شریعت نژاد و ساعدی، ۲۰۱۷؛ و قربانی و همکاران، ۲۰۱۶)؛ مدیریت عملکرد (مهرانپور و همکاران، ۲۰۱۹؛ نوروزی سیدحسینی، احسانی، کوزه چیان و امیری، ۲۰۱۵؛ و دیویا و ناراشیمن،^۱ ۲۰۱۸)؛ آموزش، یادگیری و توانمندسازی نیروی انسانی (سپهوند و همکاران، ۲۰۱۷؛ نودهی، دوستی، رضوی و کلاته سیفری، ۲۰۱۷؛ خیر اندیش، دولتی و قمی، ۲۰۱۶؛ محمدی، فرهی، سلطانی و تاروردی پور، ۲۰۱۵؛ بدری آذرین، طالبیان نیا و سلمانی، ۲۰۱۳؛ دیویا و ناراشیمن، ۲۰۱۸؛ کیسمانوویچ، برانکوویچ و رادسویچ^۲، ۲۰۱۴؛ مینگ کای^۳ و همکاران، ۲۰۱۱؛ و باسی و مک مورر^۴، ۲۰۰۷)؛ جانشین پروری و مدیریت استعداد (سپهوند و همکاران، ۲۰۱۷؛ نودهی و همکاران، ۲۰۱۷ و ربانی و همکاران، ۲۰۱۶)؛ کارمندیابی (سپهوند و همکاران، ۲۰۱۷؛ نودهی و همکاران، ۲۰۱۷؛ محمدی و همکاران، ۲۰۱۵ و بدری آذرین و همکاران، ۲۰۱۳)؛ جبران خدمات (اسین، اوچندو و برایت^۵، ۲۰۱۴؛ پاپائیانو، کریمادیس، الکسوپولوس و ورون دو^۶، ۲۰۱۲ و مینگ کای^۷ و همکاران، ۲۰۱۱)؛ حفظ و نگهداری توسعه سرمایه انسانی (بدری آذرین و همکاران، ۲۰۱۳ و بغدادچی، ۲۰۱۹)؛ و بستر اعتقادی و اخلاقی (مهرانپور و همکاران، ۲۰۱۹؛ نوروزی سیدحسینی و همکاران، ۲۰۱۵ و دیویا و ناراشیمن، ۲۰۱۸) اشاره نمود.

بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که در حیطه ورزش دانشگاهی کمتر به سرمایه انسانی توجه شده است و این مفهوم غالباً در قالب سرمایه فکری یا در بررسی اثرات و روابط سرمایه فکری با سایر متغیرهای سازمانی (به عنوان مثال، عملکرد، فرهنگ و ...) مورد مطالعه قرار گرفته است که باعث شده است تا تلاش نظام‌مند و منسجمی برای تعیین شاخص‌ها و متغیرهای سرمایه انسانی و مدل‌سازی آن در ورزش دانشگاهی کشور انجام نگردد. از طرف دیگر، ابعاد و شاخص‌های سرمایه انسانی در کشورها و صنایع مختلف می‌تواند متفاوت باشد، در نتیجه به نظر می‌رسد خلاء تحقیقاتی در این زمینه وجود دارد پژوهش در راستای طراحی الگوی توسعه سرمایه انسانی در ورزش دانشگاهی کشور است.

-
1. Divya and Narashiman
 2. Krsmanović, Branković & Radšoević
 3. Ming-Kai
 4. Bassi & Mc Murrer
 5. Eseyin, Uchendu & Bright
 6. Papaioannou, Kriemadis, Alexopoulos & Vrontdou
 7. Ming-Kai

روش پژوهش

تحقیق مورد مطالعه به لحاظ هدف و ماهیت از نوع روش تحلیل محتواست و نوع داده‌های آن کیفی است. شکل جمع‌آوری داده‌ها نظری است و بر اساس طول مدت اجرا مقطعی و به صورت میدانی است. به لحاظ زمان مورد بررسی حال نگر و از نقطه نظر استراتژی از نوع اکتشافی است. با توجه به طراحی مدل در این تحقیق طرح تحقیق حاضر مدل سازی است.

جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان و صاحب‌نظران حیطة توسعه منابع انسانی در ورزش دانشگاهی بودند. این صاحب‌نظران از اساتید و مدیران تربیت بدنی که از قهرمانان و مربیان تیم‌های ملی در رشته‌های مختلف و از مدیران اجرایی ورزش دانشگاهی که در انتهای سال ۱۳۹۸ اشتغال داشتند، تشکیل شده‌است. به دلیل محدودیت در شناسایی نمونه آماری خبرگان روش نمونه‌گیری هدفمند (قضاوتی) بر اساس روش گلوله برفی تعریف می‌شود و از هر خبره به خبره معرفی شده بعدی رجوع، تا به نقطه اشباع برسد.

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش، مصاحبه نیمه ساختار یافته^۱ استفاده شد. مصاحبه نیمه ساختار یافته یکی از معمول‌ترین انواع مصاحبه است که در تحقیقات کیفی اجتماعی مورد استفاده واقع می‌شود. در پایان هر مصاحبه از فرد مصاحبه شونده درخواست می‌شود که پیشنهادات خود را در زمینه موضوع مورد پژوهش و انجام بهتر مصاحبه‌ها مطرح نمایند. فرآیند مصاحبه ادامه پیدا کرد به گونه‌ای که دیگر به یافته‌های مصاحبه چیزی اضافه نمی‌شد. به عبارتی پاسخ‌های مطرح شده تکرار می‌شدند. در اصطلاح نمونه‌گیری نظری مقوله‌ها به اشباع نظری رسیده بودند. اشباع نظری مرحله‌ای است که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید نمی‌آید، مقوله‌ها گستره مناسبی می‌یابند و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید می‌شود. کفایت نظری مقوله‌ها یا نظریه است و به عبارتی در این وضعیت ".... هیچ داده تازه‌ای یافت نمی‌شود که پژوهشگر توسط آن بتواند ویژگی‌های مقوله را توسعه دهد. به گونه‌ای که پژوهشگر داده‌های مشابه را چندین بار مشاهده می‌کند، از لحاظ تجربی اطمینان حاصل می‌کند که یک مقوله به کفایت رسیده است" (دانایی فرد و امامی، ۲۰۰۸، ۷۸). در این بخش از پژوهش بعد از اجرای ۱۹ مصاحبه اشباع نظری مقوله‌ها بدست آمد.

روش تحلیل از نوع تحلیل محتوا است، روش‌هایی هستند که اساساً مستقل از موقعیت خاص نظری یا معرفت‌شناختی هستند و می‌تواند در طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری و معرفت‌شناختی مورد استفاده قرار گیرد. تجزیه و تحلیل محتوا در این طبقه قرار می‌گیرد. بنابراین، این یک ابزار تحقیقاتی انعطاف پذیر و مفید است که می‌تواند برای تجزیه و تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل

مورد استفاده قرار گیرد. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار مکس کیودا^۱ استفاده گردید. به صورت کلی مراحل که در تحلیل محتوای کیفی برای دستیابی به پاسخ سئوالات پژوهش باید طی کرد، سه مرحله اصلی در فرآیند انجام تحلیل محتوا باید طی شود: آماده شدن برای تحلیل، سازماندهی و در نهایت گزارش نتایج به دست آمده است.

با توجه به معیارهای ارائه شده توسط کرسول و میلر^۲ برای حصول از روایی پژوهش‌های آمیخته و به منظور اطمینان خاطر از دقت بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر، مشارکت‌کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش، اقدامات زیر انجام شد. سه نفر از مصاحبه‌شوندگان کمیته دلفی گزارش نهایی مرحله نخست فرآیند تحلیل یا مقوله‌های به دست آمده را بازبینی نمودند که نظرات و پیشنهادات آنها در مرحله کیفی محوری اعمال شد.

برای بررسی پایایی تحقیق از روش هولستی^۳ استفاده گردید. در این روش، کدگذاری باید دو مرتبه انجام شود (نئوندورف^۴، ۲۰۱۷، ۴۵). فرمول آن عبارت است از:

$$PAO = \frac{2M}{(n1+n2)}$$

PAO، به معنی درصد توافق مشاهده شده یا همان ضریب پایایی، M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری، و n₁ تعداد کدهای استخراج شده در مرحله اول و n₂ تعداد کدهای استخراج شده در مرحله دوم است. مقدار درصد توافق مشاهده شده بین صفر تا یک متغیر است. در این تحقیق ابتدا کدگذاری با استفاده از نرم افزار مکس کیودا و در مرتبه دوم به صورت دستی انجام شد. تعداد کدهای استخراج شده در مرتبه اول ۱۳۲۱ واحد و تعداد کدهای استخراج شده در مرتبه دوم ۱۲۷۳ واحد بود. همچنین مجموع کدهای موافق در دو مرحله کدگذاری ۱۲۵۲ است که با قرار دادن این مقادیر در فرمول فوق، مقدار ضریب پایایی ۰/۹۶ به دست می‌آید که نشان می‌دهد نتایج بخش کیفی از پایایی زیادی برخوردار است.

-
1. Maxqda
 2. Carswell & Miller
 3. Holsti
 4. Neuendorf

نتایج

به منظور نیل به هدف اصلی تحقیق و بر اساس داده‌های کیفی جمع آوری شده از طریق مصاحبه بر اساس روند تحلیل محتوا، این داده‌ها با استفاده از نرم افزار مکس کیودا تحلیل شدند.

گام اول (کدگذاری باز): بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با مشارکت کنندگان در پژوهش، و کدگذاری و تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها و در عین حال مطابقت آنها با مبانی نظری، مقوله‌ها، عوامل اصلی و فرعی مدل توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور را می‌توان در ۸ مقوله اصلی و ۱۳۴ گویه فرعی طبقه بندی نمود. جدول ۱، نتایج کدگذاری باز را نشان می‌دهد.

جدول ۱- کدگذاری باز

ردیف	متن مصاحبه (نکات کلیدی)	مفهوم (مقوله)
۱	دانش و مهارت تخصصی و ویژگی‌های فردی و شخصیتی همراه با تجربه بسیار اهمیت دارد.	دانش، مهارت تخصصی، ویژگی‌های فردی، تجربه
۲	انگیزه یادگیری در افراد بسیار اهمیت دارد.	انگیزه یادگیری
۳	دیدگاه مدیران قبلی، داشتن دید باز و عدم حسادت مدیران و شایسته پروری بسیار مهم است.	شایسته پروری
۴	داشتن ارتباطات قوی و بدون پارتی بازی و حزب و سیاسی بودن هم مداخله‌گر هستند.	ارتباطات قوی
۵	تعهد، مثبت اندیشی، خلاقیت، وظیفه شناسی و مدیریت زمان از عوامل مهم توسعه سرمایه انسانی در محیط دانشگاهی است.	تعهد، مثبت اندیشی، خلاقیت، وظیفه شناسی، مدیریت زمان
۶	تبادل نظر و مشاوره با افراد موفق و با تجربه از طریق سمینار، استفاده از سیستم الکترونیک و جلوگیری از اتلاف وقت و کاغذبازی‌های بی مورد.	تبادل نظر و ایده
۷	اجتناب از پارتی بازی و قوم گرایی.	شایستگی
۸	انگیزه نگرش افراد و علاقه مندی به ورزش بسیار مؤثر است.	انگیزش، نگرش مثبت
۹	سیستمی کارآمد برای شناسایی، گزینش، ارتقاء و پرورش سرمایه انسانی فعال شود.	سیستمی کارآمد
۱۰	توسعه سرمایه انسانی در هر سطحی نیازمند طی کردن آموزش است.	آموزش
۱۱	نقش مهم توسعه مهارت‌های کارکنان در توسعه ارزش‌های منابع انسانی آشکار می‌شود.	توسعه مهارت‌ها
۱۲	نیروهای متخصص و متعهد، سرمایه‌های فکری و نرم افزاری هستند که لازم است مستمر مهارت‌های آنها بروز شود.	تخصص

ادامه جدول ۱- کدگذاری باز

ردیف	متن مصاحبه (نکات کلیدی)	مفهوم (مقوله)
۱۳	بهسازی سرمایه انسانی و نظام ارزشیابی عملکرد، نظام‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد.	ارزشیابی عملکرد
۱۴	شاخص‌های مهم چون دانش، مهارت و نگرش مثبت، مؤلفه‌های توسعه منابع انسانی هستند.	دانش، مهارت، نگرش مثبت
۱۵	فعالیت کلیدی توسعه منابع انسانی آموزش، پرورش و توسعه می‌باشند.	آموزش، پرورش و توسعه
۱۶	برگزاری کارگاه‌های آموزشی توسط افراد متخصص با تجربه و اساتید برتر و درخصوص موضوع خاصی نه در حاشیه بحث و صرفاً وقت‌گذرانی و وقت تلف کردن.	برگزاری کارگاه‌های آموزشی
۱۷	با حسادت و تخریب افراد توانمند را از میدان به در می‌برند و این امر می‌تواند ریشه فرهنگی و سیاسی هم داشته باشد.	فرهنگ سازمانی، جو اخلاقی
۱۸	هوش هیجانی از عوامل بسیار مهم توسعه سرمایه انسانی در محیط دانشگاهی است.	هوش هیجانی
۱۹	باز خورد و ارزیابی می‌تواند کمک کننده باشد.	بازخورد و ارزیابی
۲۰	معمولاً برای گزینش افراد آزمون‌های اعتقادی انجام می‌شود، با توجه به فرهنگ جامعه کلیه کارکنان از اعتقادات ملی مذهبی برخوردار هستند.	اعتقادات ملی - مذهبی
۲۱	برنامه‌ریزی توسعه دانش کارکنان در ارتباط با شغل و فعالیت‌های مرتبط کاری حائز اهمیت فراوانی است.	کسب دانش
۲۲	باید برای افزایش تجربه کارکنان و توسعه تجارب اقدامات اساسی انجام شود.	تجربه
۲۳	کارکنان سازمان باید به این برسند که توانایی لازم برای انجام مطلوب و مناسب کار را دارند.	خودکارآمدی
۲۴	حمایت از ایده‌های جدید و تشویق افراد	ایده‌های جدید
۲۵	برنامه‌های آموزشی و کلاس‌های ضمن خدمت برای افراد باید در نظر گرفته شود.	آموزش ضمن خدمت
۲۶	کارگاه‌های تیم سازی و کار گروهی در دانشگاه‌ها طراحی و اجرا گردد.	آموزش گروهی
۲۷	برنامه ریزی مسیر پیشرفت شغلی به صورت مستمر و پیوسته انجام شود.	مسیر شغلی
۲۸	شرایط جذب و نگهداری نخبگان مانند ورزشکاران و مربیان بزرگ و نامی کشور در دانشگاه فراهم گردد.	جذب نخبگان، جذب ورزشکاران بزرگ، جذب مربیان بزرگ
۲۹	تفویض اختیار و آزادی عمل با مسئولیت بیشتر برای افزایش تعهد و پاسخگویی در بین افراد باید در نظر گرفته شود.	اختیارات، مسئولیت، استقلال

ادامهٔ جدول ۱- کدگذاری باز

ردیف	متن مصاحبه (نکات کلیدی)	مفهوم (مقوله)
۳۰	از ظرفیت‌های ذهنی و توانایی‌های هوشی کارکنان به صورت اثربخش استفاده شود.	هوشمندی
۳۱	شرایط و محیط کاری مطلوب در دانشگاه فراهم گردد.	شرایط کار مناسب
۳۲	افراد مستعد شناسایی شوند و در پست‌های راهبردی در ورزش دانشگاهی استفاده گردند.	شناسایی استعدادها
۳۳	از ایده‌های جدید استقبال شود، کارکنان تشویق شوند تا شیوه‌ها و راه‌های نوین برای انجام کار پیدا کنند.	نوآوری
۳۴	رفاه و امنیت اقتصادی منابع انسانی خود را در نظر بگیرند.	امنیت مالی
۳۵	پایبندی به اصول اخلاقی و دینی در سازمان از اصول مهم تلقی می‌شود.	الزامات دینی
۳۶	کارکنان به عنوان یک منبع و مزیت رقابتی در نظر گرفته شوند.	احترام
۳۷	برنامه‌های مختلفی برای ارتقاء سلامت روانی و جسمی افراد طرح ریزی شود.	سلامت روانی و جسمی
۳۸	افراد به خلاقیت و تولید دانش در زمینه ورزش دانشگاهی تشویق شوند.	داشتن خلاقیت
۳۹	دانشگاه کلیه تسهیلات بیمه‌های تأمین اجتماعی و خدمات درمانی اعم از تکمیلی درمان، عمر و سرمایه گذاری، عمر، حوادث، از کارافتادگی، بازنشستگی را ارائه نماید.	هزینه‌های غرامت، بیمه درمانی، بیمه عمر، بازنشستگی
۴۰	با توجه به این‌که جامعه ایرانی، جامعه مبتنی بر روابط انسانی است برای توسعه منابع انسانی مدیر با نیروهای خود رابطه عاطفی نرمال باید برقرار کند. ایجاد انگیزه‌های درونی به مراتب کار گشایتر است.	ارتباط با همکاران، ارتباط با مدیریت
۴۱	بالاترین سرمایه هر سازمانی نیروی انسانی آن است، به خصوص که خدمات بیشتر در قالب خدمات انسانی است. قطعاً می‌تواند نقش اساسی در توسعه ورزش داشته باشد.	احترام
۴۲	برای پیشرفت ورزش باید از افراد متخصص و با تجربه و دلسوز ورزشی استفاده شود.	تخصص، تجربه
۴۳	بیانیه مأموریت مشخص سازمانی، اهداف سازمانی مشخص برای توسعه نیروی انسانی، ارزیابی مداوم بر مبنای اهداف سازمانی، تشکیل جلسات بازخورد بر عملکرد به شکل گروهی و فردی، برنامه ریزی برای افزایش رضایت کارمندان و مدیران، استفاده از فناوری های روز جهت ارزیابی و آموزش، تشویق به نوآوری و خلاقیت و فراهم آوردن استقلال کاری بیشتر.	آشنایی با فناوری‌های روز، آگاهی از بیانیه و اهداف استراتژیک، ارزشیابی عملکرد، بازخورد از کارکنان
۴۴	توسعه مهارت‌های فنی، ادراکی و انسانی با توجه به مأموریت‌ها و سیاست‌های کلان ورزش دانشگاهی.	مهارت‌های فنی، ادراکی و انسانی

ادامه جدول ۱- کدگذاری باز

ردیف	متن مصاحبه (نکات کلیدی)	مفهوم (مقوله)
۴۵	استفاده از نیروهایی که هم تخصص علمی و هم عملی دارند در اولویت قرار بگیرد خصوصاً قهرمانان ورزشی.	جذب قهرمانان ورزشی
۴۶	دانشگاه باید متعهد به آموزش و توسعه کارکنان خود و دانشجویان در حوزه ورزش باشد.	تعهد به آموزش و توسعه
۴۷	تمام انتصاب ها در سازمان باید برپایه شایستگی باشد.	شایسته سالاری
۴۸	جو و فضای شغلی علاقه کارکنان به توسعه خود از طریق فراگیری مهارت‌ها و دانش جدید را بر انگیزد.	جو شغلی
۴۹	ارزیابی مستمر از عملکرد، آموزش مستمر به منظور ارتقاء دانش و تجربه، تشکیل اتاق فکر با حضور نیروهای خلاق در سازمان، پیش بینی امکانات مادی، مالی و معنوی برای نیروها، تلاش در جهت کم کردن روابط غیر اصولی و جایگزینی ضوابط به جای آن، توجه به شایستگی‌های افراد به جای توصیه‌ها	ارزیابی مستمر عملکرد، خلاقیت، شایسته سالاری

گام دوم (کدگذاری محوری): با مقایسه مفاهیم (کدها) مختلف می‌توان زمینه‌های اشتراک بیشتری را میان آنها کشف کرد که امکان طبقه بندی مفاهیم مشابه در قالب طبقه بندی‌های یکسان را فراهم خواهد ساخت. حاصل این مرحله از فرآیند شکل گیری مؤلفه‌ها است. جدول ۲، نتایج کدگذاری محوری را نشان می‌دهد. همچنین میزان تکرار مقوله‌ها در مصاحبه با خبرگان پژوهش، مشخص شده‌است.

جدول ۲- کدگذاری محوری

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی	فراونی مقوله های فرعی
۱	عوامل شایستگی	کسب دانش؛ تجربه؛ تخصص؛ مهارت؛ توانایی ارتباطات؛ خود رهبری؛ دید رقابتی؛ آشنایی با فناوری های روز؛ الگو بودن؛ خودکارآمدی؛ قدرت تصمیم گیری؛ آینده نگری؛ ایده های جدید؛ تیپ شخصیتی؛ قدرت پاسخگویی؛ هوش هیجانی؛ داشتن انگیزه.	۹؛ ۱۳؛ ۱۴؛ ۱۵؛ ۱۶؛ ۱۷؛ ۱۸؛ ۱۹؛ ۲۰؛ ۲۱؛ ۲۲؛ ۲۳؛ ۲۴؛ ۲۵؛ ۲۶؛ ۲۷؛ ۲۸؛ ۲۹؛ ۳۰؛ ۳۱؛ ۳۲؛ ۳۳؛ ۳۴؛ ۳۵؛ ۳۶؛ ۳۷؛ ۳۸؛ ۳۹؛ ۴۰؛ ۴۱؛ ۴۲؛ ۴۳؛ ۴۴؛ ۴۵؛ ۴۶؛ ۴۷؛ ۴۸؛ ۴۹؛ ۵۰؛ ۵۱؛ ۵۲؛ ۵۳؛ ۵۴؛ ۵۵؛ ۵۶؛ ۵۷؛ ۵۸؛ ۵۹؛ ۶۰؛ ۶۱؛ ۶۲؛ ۶۳؛ ۶۴؛ ۶۵؛ ۶۶؛ ۶۷؛ ۶۸؛ ۶۹؛ ۷۰؛ ۷۱؛ ۷۲؛ ۷۳؛ ۷۴؛ ۷۵؛ ۷۶؛ ۷۷؛ ۷۸؛ ۷۹؛ ۸۰؛ ۸۱؛ ۸۲؛ ۸۳؛ ۸۴؛ ۸۵؛ ۸۶؛ ۸۷؛ ۸۸؛ ۸۹؛ ۹۰؛ ۹۱؛ ۹۲؛ ۹۳؛ ۹۴؛ ۹۵؛ ۹۶؛ ۹۷؛ ۹۸؛ ۹۹؛ ۱۰۰؛ ۱۰۱؛ ۱۰۲؛ ۱۰۳؛ ۱۰۴؛ ۱۰۵؛ ۱۰۶؛ ۱۰۷؛ ۱۰۸؛ ۱۰۹؛ ۱۱۰؛ ۱۱۱؛ ۱۱۲؛ ۱۱۳؛ ۱۱۴؛ ۱۱۵؛ ۱۱۶؛ ۱۱۷؛ ۱۱۸؛ ۱۱۹؛ ۱۲۰؛ ۱۲۱؛ ۱۲۲؛ ۱۲۳؛ ۱۲۴؛ ۱۲۵؛ ۱۲۶؛ ۱۲۷؛ ۱۲۸؛ ۱۲۹؛ ۱۳۰؛ ۱۳۱؛ ۱۳۲؛ ۱۳۳؛ ۱۳۴؛ ۱۳۵؛ ۱۳۶؛ ۱۳۷؛ ۱۳۸؛ ۱۳۹؛ ۱۴۰؛ ۱۴۱؛ ۱۴۲؛ ۱۴۳؛ ۱۴۴؛ ۱۴۵؛ ۱۴۶؛ ۱۴۷؛ ۱۴۸؛ ۱۴۹؛ ۱۵۰؛ ۱۵۱؛ ۱۵۲؛ ۱۵۳؛ ۱۵۴؛ ۱۵۵؛ ۱۵۶؛ ۱۵۷؛ ۱۵۸؛ ۱۵۹؛ ۱۶۰؛ ۱۶۱؛ ۱۶۲؛ ۱۶۳؛ ۱۶۴؛ ۱۶۵؛ ۱۶۶؛ ۱۶۷؛ ۱۶۸؛ ۱۶۹؛ ۱۷۰؛ ۱۷۱؛ ۱۷۲؛ ۱۷۳؛ ۱۷۴؛ ۱۷۵؛ ۱۷۶؛ ۱۷۷؛ ۱۷۸؛ ۱۷۹؛ ۱۸۰؛ ۱۸۱؛ ۱۸۲؛ ۱۸۳؛ ۱۸۴؛ ۱۸۵؛ ۱۸۶؛ ۱۸۷؛ ۱۸۸؛ ۱۸۹؛ ۱۹۰؛ ۱۹۱؛ ۱۹۲؛ ۱۹۳؛ ۱۹۴؛ ۱۹۵؛ ۱۹۶؛ ۱۹۷؛ ۱۹۸؛ ۱۹۹؛ ۲۰۰؛ ۲۰۱؛ ۲۰۲؛ ۲۰۳؛ ۲۰۴؛ ۲۰۵؛ ۲۰۶؛ ۲۰۷؛ ۲۰۸؛ ۲۰۹؛ ۲۱۰؛ ۲۱۱؛ ۲۱۲؛ ۲۱۳؛ ۲۱۴؛ ۲۱۵؛ ۲۱۶؛ ۲۱۷؛ ۲۱۸؛ ۲۱۹؛ ۲۲۰؛ ۲۲۱؛ ۲۲۲؛ ۲۲۳؛ ۲۲۴؛ ۲۲۵؛ ۲۲۶؛ ۲۲۷؛ ۲۲۸؛ ۲۲۹؛ ۲۳۰؛ ۲۳۱؛ ۲۳۲؛ ۲۳۳؛ ۲۳۴؛ ۲۳۵؛ ۲۳۶؛ ۲۳۷؛ ۲۳۸؛ ۲۳۹؛ ۲۴۰؛ ۲۴۱؛ ۲۴۲؛ ۲۴۳؛ ۲۴۴؛ ۲۴۵؛ ۲۴۶؛ ۲۴۷؛ ۲۴۸؛ ۲۴۹؛ ۲۵۰؛ ۲۵۱؛ ۲۵۲؛ ۲۵۳؛ ۲۵۴؛ ۲۵۵؛ ۲۵۶؛ ۲۵۷؛ ۲۵۸؛ ۲۵۹؛ ۲۶۰؛ ۲۶۱؛ ۲۶۲؛ ۲۶۳؛ ۲۶۴؛ ۲۶۵؛ ۲۶۶؛ ۲۶۷؛ ۲۶۸؛ ۲۶۹؛ ۲۷۰؛ ۲۷۱؛ ۲۷۲؛ ۲۷۳؛ ۲۷۴؛ ۲۷۵؛ ۲۷۶؛ ۲۷۷؛ ۲۷۸؛ ۲۷۹؛ ۲۸۰؛ ۲۸۱؛ ۲۸۲؛ ۲۸۳؛ ۲۸۴؛ ۲۸۵؛ ۲۸۶؛ ۲۸۷؛ ۲۸۸؛ ۲۸۹؛ ۲۹۰؛ ۲۹۱؛ ۲۹۲؛ ۲۹۳؛ ۲۹۴؛ ۲۹۵؛ ۲۹۶؛ ۲۹۷؛ ۲۹۸؛ ۲۹۹؛ ۳۰۰؛ ۳۰۱؛ ۳۰۲؛ ۳۰۳؛ ۳۰۴؛ ۳۰۵؛ ۳۰۶؛ ۳۰۷؛ ۳۰۸؛ ۳۰۹؛ ۳۱۰؛ ۳۱۱؛ ۳۱۲؛ ۳۱۳؛ ۳۱۴؛ ۳۱۵؛ ۳۱۶؛ ۳۱۷؛ ۳۱۸؛ ۳۱۹؛ ۳۲۰؛ ۳۲۱؛ ۳۲۲؛ ۳۲۳؛ ۳۲۴؛ ۳۲۵؛ ۳۲۶؛ ۳۲۷؛ ۳۲۸؛ ۳۲۹؛ ۳۳۰؛ ۳۳۱؛ ۳۳۲؛ ۳۳۳؛ ۳۳۴؛ ۳۳۵؛ ۳۳۶؛ ۳۳۷؛ ۳۳۸؛ ۳۳۹؛ ۳۴۰؛ ۳۴۱؛ ۳۴۲؛ ۳۴۳؛ ۳۴۴؛ ۳۴۵؛ ۳۴۶؛ ۳۴۷؛ ۳۴۸؛ ۳۴۹؛ ۳۵۰؛ ۳۵۱؛ ۳۵۲؛ ۳۵۳؛ ۳۵۴؛ ۳۵۵؛ ۳۵۶؛ ۳۵۷؛ ۳۵۸؛ ۳۵۹؛ ۳۶۰؛ ۳۶۱؛ ۳۶۲؛ ۳۶۳؛ ۳۶۴؛ ۳۶۵؛ ۳۶۶؛ ۳۶۷؛ ۳۶۸؛ ۳۶۹؛ ۳۷۰؛ ۳۷۱؛ ۳۷۲؛ ۳۷۳؛ ۳۷۴؛ ۳۷۵؛ ۳۷۶؛ ۳۷۷؛ ۳۷۸؛ ۳۷۹؛ ۳۸۰؛ ۳۸۱؛ ۳۸۲؛ ۳۸۳؛ ۳۸۴؛ ۳۸۵؛ ۳۸۶؛ ۳۸۷؛ ۳۸۸؛ ۳۸۹؛ ۳۹۰؛ ۳۹۱؛ ۳۹۲؛ ۳۹۳؛ ۳۹۴؛ ۳۹۵؛ ۳۹۶؛ ۳۹۷؛ ۳۹۸؛ ۳۹۹؛ ۴۰۰؛ ۴۰۱؛ ۴۰۲؛ ۴۰۳؛ ۴۰۴؛ ۴۰۵؛ ۴۰۶؛ ۴۰۷؛ ۴۰۸؛ ۴۰۹؛ ۴۱۰؛ ۴۱۱؛ ۴۱۲؛ ۴۱۳؛ ۴۱۴؛ ۴۱۵؛ ۴۱۶؛ ۴۱۷؛ ۴۱۸؛ ۴۱۹؛ ۴۲۰؛ ۴۲۱؛ ۴۲۲؛ ۴۲۳؛ ۴۲۴؛ ۴۲۵؛ ۴۲۶؛ ۴۲۷؛ ۴۲۸؛ ۴۲۹؛ ۴۳۰؛ ۴۳۱؛ ۴۳۲؛ ۴۳۳؛ ۴۳۴؛ ۴۳۵؛ ۴۳۶؛ ۴۳۷؛ ۴۳۸؛ ۴۳۹؛ ۴۴۰؛ ۴۴۱؛ ۴۴۲؛ ۴۴۳؛ ۴۴۴؛ ۴۴۵؛ ۴۴۶؛ ۴۴۷؛ ۴۴۸؛ ۴۴۹؛ ۴۵۰؛ ۴۵۱؛ ۴۵۲؛ ۴۵۳؛ ۴۵۴؛ ۴۵۵؛ ۴۵۶؛ ۴۵۷؛ ۴۵۸؛ ۴۵۹؛ ۴۶۰؛ ۴۶۱؛ ۴۶۲؛ ۴۶۳؛ ۴۶۴؛ ۴۶۵؛ ۴۶۶؛ ۴۶۷؛ ۴۶۸؛ ۴۶۹؛ ۴۷۰؛ ۴۷۱؛ ۴۷۲؛ ۴۷۳؛ ۴۷۴؛ ۴۷۵؛ ۴۷۶؛ ۴۷۷؛ ۴۷۸؛ ۴۷۹؛ ۴۸۰؛ ۴۸۱؛ ۴۸۲؛ ۴۸۳؛ ۴۸۴؛ ۴۸۵؛ ۴۸۶؛ ۴۸۷؛ ۴۸۸؛ ۴۸۹؛ ۴۹۰؛ ۴۹۱؛ ۴۹۲؛ ۴۹۳؛ ۴۹۴؛ ۴۹۵؛ ۴۹۶؛ ۴۹۷؛ ۴۹۸؛ ۴۹۹؛ ۵۰۰؛ ۵۰۱؛ ۵۰۲؛ ۵۰۳؛ ۵۰۴؛ ۵۰۵؛ ۵۰۶؛ ۵۰۷؛ ۵۰۸؛ ۵۰۹؛ ۵۱۰؛ ۵۱۱؛ ۵۱۲؛ ۵۱۳؛ ۵۱۴؛ ۵۱۵؛ ۵۱۶؛ ۵۱۷؛ ۵۱۸؛ ۵۱۹؛ ۵۲۰؛ ۵۲۱؛ ۵۲۲؛ ۵۲۳؛ ۵۲۴؛ ۵۲۵؛ ۵۲۶؛ ۵۲۷؛ ۵۲۸؛ ۵۲۹؛ ۵۳۰؛ ۵۳۱؛ ۵۳۲؛ ۵۳۳؛ ۵۳۴؛ ۵۳۵؛ ۵۳۶؛ ۵۳۷؛ ۵۳۸؛ ۵۳۹؛ ۵۴۰؛ ۵۴۱؛ ۵۴۲؛ ۵۴۳؛ ۵۴۴؛ ۵۴۵؛ ۵۴۶؛ ۵۴۷؛ ۵۴۸؛ ۵۴۹؛ ۵۵۰؛ ۵۵۱؛ ۵۵۲؛ ۵۵۳؛ ۵۵۴؛ ۵۵۵؛ ۵۵۶؛ ۵۵۷؛ ۵۵۸؛ ۵۵۹؛ ۵۶۰؛ ۵۶۱؛ ۵۶۲؛ ۵۶۳؛ ۵۶۴؛ ۵۶۵؛ ۵۶۶؛ ۵۶۷؛ ۵۶۸؛ ۵۶۹؛ ۵۷۰؛ ۵۷۱؛ ۵۷۲؛ ۵۷۳؛ ۵۷۴؛ ۵۷۵؛ ۵۷۶؛ ۵۷۷؛ ۵۷۸؛ ۵۷۹؛ ۵۸۰؛ ۵۸۱؛ ۵۸۲؛ ۵۸۳؛ ۵۸۴؛ ۵۸۵؛ ۵۸۶؛ ۵۸۷؛ ۵۸۸؛ ۵۸۹؛ ۵۹۰؛ ۵۹۱؛ ۵۹۲؛ ۵۹۳؛ ۵۹۴؛ ۵۹۵؛ ۵۹۶؛ ۵۹۷؛ ۵۹۸؛ ۵۹۹؛ ۶۰۰؛ ۶۰۱؛ ۶۰۲؛ ۶۰۳؛ ۶۰۴؛ ۶۰۵؛ ۶۰۶؛ ۶۰۷؛ ۶۰۸؛ ۶۰۹؛ ۶۱۰؛ ۶۱۱؛ ۶۱۲؛ ۶۱۳؛ ۶۱۴؛ ۶۱۵؛ ۶۱۶؛ ۶۱۷؛ ۶۱۸؛ ۶۱۹؛ ۶۲۰؛ ۶۲۱؛ ۶۲۲؛ ۶۲۳؛ ۶۲۴؛ ۶۲۵؛ ۶۲۶؛ ۶۲۷؛ ۶۲۸؛ ۶۲۹؛ ۶۳۰؛ ۶۳۱؛ ۶۳۲؛ ۶۳۳؛ ۶۳۴؛ ۶۳۵؛ ۶۳۶؛ ۶۳۷؛ ۶۳۸؛ ۶۳۹؛ ۶۴۰؛ ۶۴۱؛ ۶۴۲؛ ۶۴۳؛ ۶۴۴؛ ۶۴۵؛ ۶۴۶؛ ۶۴۷؛ ۶۴۸؛ ۶۴۹؛ ۶۵۰؛ ۶۵۱؛ ۶۵۲؛ ۶۵۳؛ ۶۵۴؛ ۶۵۵؛ ۶۵۶؛ ۶۵۷؛ ۶۵۸؛ ۶۵۹؛ ۶۶۰؛ ۶۶۱؛ ۶۶۲؛ ۶۶۳؛ ۶۶۴؛ ۶۶۵؛ ۶۶۶؛ ۶۶۷؛ ۶۶۸؛ ۶۶۹؛ ۶۷۰؛ ۶۷۱؛ ۶۷۲؛ ۶۷۳؛ ۶۷۴؛ ۶۷۵؛ ۶۷۶؛ ۶۷۷؛ ۶۷۸؛ ۶۷۹؛ ۶۸۰؛ ۶۸۱؛ ۶۸۲؛ ۶۸۳؛ ۶۸۴؛ ۶۸۵؛ ۶۸۶؛ ۶۸۷؛ ۶۸۸؛ ۶۸۹؛ ۶۹۰؛ ۶۹۱؛ ۶۹۲؛ ۶۹۳؛ ۶۹۴؛ ۶۹۵؛ ۶۹۶؛ ۶۹۷؛ ۶۹۸؛ ۶۹۹؛ ۷۰۰؛ ۷۰۱؛ ۷۰۲؛ ۷۰۳؛ ۷۰۴؛ ۷۰۵؛ ۷۰۶؛ ۷۰۷؛ ۷۰۸؛ ۷۰۹؛ ۷۱۰؛ ۷۱۱؛ ۷۱۲؛ ۷۱۳؛ ۷۱۴؛ ۷۱۵؛ ۷۱۶؛ ۷۱۷؛ ۷۱۸؛ ۷۱۹؛ ۷۲۰؛ ۷۲۱؛ ۷۲۲؛ ۷۲۳؛ ۷۲۴؛ ۷۲۵؛ ۷۲۶؛ ۷۲۷؛ ۷۲۸؛ ۷۲۹؛ ۷۳۰؛ ۷۳۱؛ ۷۳۲؛ ۷۳۳؛ ۷۳۴؛ ۷۳۵؛ ۷۳۶؛ ۷۳۷؛ ۷۳۸؛ ۷۳۹؛ ۷۴۰؛ ۷۴۱؛ ۷۴۲؛ ۷۴۳؛ ۷۴۴؛ ۷۴۵؛ ۷۴۶؛ ۷۴۷؛ ۷۴۸؛ ۷۴۹؛ ۷۵۰؛ ۷۵۱؛ ۷۵۲؛ ۷۵۳؛ ۷۵۴؛ ۷۵۵؛ ۷۵۶؛ ۷۵۷؛ ۷۵۸؛ ۷۵۹؛ ۷۶۰؛ ۷۶۱؛ ۷۶۲؛ ۷۶۳؛ ۷۶۴؛ ۷۶۵؛ ۷۶۶؛ ۷۶۷؛ ۷۶۸؛ ۷۶۹؛ ۷۷۰؛ ۷۷۱؛ ۷۷۲؛ ۷۷۳؛ ۷۷۴؛ ۷۷۵؛ ۷۷۶؛ ۷۷۷؛ ۷۷۸؛ ۷۷۹؛ ۷۸۰؛ ۷۸۱؛ ۷۸۲؛ ۷۸۳؛ ۷۸۴؛ ۷۸۵؛ ۷۸۶؛ ۷۸۷؛ ۷۸۸؛ ۷۸۹؛ ۷۹۰؛ ۷۹۱؛ ۷۹۲؛ ۷۹۳؛ ۷۹۴؛ ۷۹۵؛ ۷۹۶؛ ۷۹۷؛ ۷۹۸؛ ۷۹۹؛ ۸۰۰؛ ۸۰۱؛ ۸۰۲؛ ۸۰۳؛ ۸۰۴؛ ۸۰۵؛ ۸۰۶؛ ۸۰۷؛ ۸۰۸؛ ۸۰۹؛ ۸۱۰؛ ۸۱۱؛ ۸۱۲؛ ۸۱۳؛ ۸۱۴؛ ۸۱۵؛ ۸۱۶؛ ۸۱۷؛ ۸۱۸؛ ۸۱۹؛ ۸۲۰؛ ۸۲۱؛ ۸۲۲؛ ۸۲۳؛ ۸۲۴؛ ۸۲۵؛ ۸۲۶؛ ۸۲۷؛ ۸۲۸؛ ۸۲۹؛ ۸۳۰؛ ۸۳۱؛ ۸۳۲؛ ۸۳۳؛ ۸۳۴؛ ۸۳۵؛ ۸۳۶؛ ۸۳۷؛ ۸۳۸؛ ۸۳۹؛ ۸۴۰؛ ۸۴۱؛ ۸۴۲؛ ۸۴۳؛ ۸۴۴؛ ۸۴۵؛ ۸۴۶؛ ۸۴۷؛ ۸۴۸؛ ۸۴۹؛ ۸۵۰؛ ۸۵۱؛ ۸۵۲؛ ۸۵۳؛ ۸۵۴؛ ۸۵۵؛ ۸۵۶؛ ۸۵۷؛ ۸۵۸؛ ۸۵۹؛ ۸۶۰؛ ۸۶۱؛ ۸۶۲؛ ۸۶۳؛ ۸۶۴؛ ۸۶۵؛ ۸۶۶؛ ۸۶۷؛ ۸۶۸؛ ۸۶۹؛ ۸۷۰؛ ۸۷۱؛ ۸۷۲؛ ۸۷۳؛ ۸۷۴؛ ۸۷۵؛ ۸۷۶؛ ۸۷۷؛ ۸۷۸؛ ۸۷۹؛ ۸۸۰؛ ۸۸۱؛ ۸۸۲؛ ۸۸۳؛ ۸۸۴؛ ۸۸۵؛ ۸۸۶؛ ۸۸۷؛ ۸۸۸؛ ۸۸۹؛ ۸۹۰؛ ۸۹۱؛ ۸۹۲؛ ۸۹۳؛ ۸۹۴؛ ۸۹۵؛ ۸۹۶؛ ۸۹۷؛ ۸۹۸؛ ۸۹۹؛ ۹۰۰؛ ۹۰۱؛ ۹۰۲؛ ۹۰۳؛ ۹۰۴؛ ۹۰۵؛ ۹۰۶؛ ۹۰۷؛ ۹۰۸؛ ۹۰۹؛ ۹۱۰؛ ۹۱۱؛ ۹۱۲؛ ۹۱۳؛ ۹۱۴؛ ۹۱۵؛ ۹۱۶؛ ۹۱۷؛ ۹۱۸؛ ۹۱۹؛ ۹۲۰؛ ۹۲۱؛ ۹۲۲؛ ۹۲۳؛ ۹۲۴؛ ۹۲۵؛ ۹۲۶؛ ۹۲۷؛ ۹۲۸؛ ۹۲۹؛ ۹۳۰؛ ۹۳۱؛ ۹۳۲؛ ۹۳۳؛ ۹۳۴؛ ۹۳۵؛ ۹۳۶؛ ۹۳۷؛ ۹۳۸؛ ۹۳۹؛ ۹۴۰؛ ۹۴۱؛ ۹۴۲؛ ۹۴۳؛ ۹۴۴؛ ۹۴۵؛ ۹۴۶؛ ۹۴۷؛ ۹۴۸؛ ۹۴۹؛ ۹۵۰؛ ۹۵۱؛ ۹۵۲؛ ۹۵۳؛ ۹۵۴؛ ۹۵۵؛ ۹۵۶؛ ۹۵۷؛ ۹۵۸؛ ۹۵۹؛ ۹۶۰؛ ۹۶۱؛ ۹۶۲؛ ۹۶۳؛ ۹۶۴؛ ۹۶۵؛ ۹۶۶؛ ۹۶۷؛ ۹۶۸؛ ۹۶۹؛ ۹۷۰؛ ۹۷۱؛ ۹۷۲؛ ۹۷۳؛ ۹۷۴؛ ۹۷۵؛ ۹۷۶؛ ۹۷۷؛ ۹۷۸؛ ۹۷۹؛ ۹۸۰؛ ۹۸۱؛ ۹۸۲؛ ۹۸۳؛ ۹۸۴؛ ۹۸۵؛ ۹۸۶؛ ۹۸۷؛ ۹۸۸؛ ۹۸۹؛ ۹۹۰؛ ۹۹۱؛ ۹۹۲؛ ۹۹۳؛ ۹۹۴؛ ۹۹۵؛ ۹۹۶؛ ۹۹۷؛ ۹۹۸؛ ۹۹۹؛ ۱۰۰۰؛ ۱۰۰۱؛ ۱۰۰۲؛ ۱۰۰۳؛ ۱۰۰۴؛ ۱۰۰۵؛ ۱۰۰۶؛ ۱۰۰۷؛ ۱۰۰۸؛ ۱۰۰۹؛ ۱۰۱۰؛ ۱۰۱۱؛ ۱۰۱۲؛ ۱۰۱۳؛ ۱۰۱۴؛ ۱۰۱۵؛ ۱۰۱۶؛ ۱۰۱۷؛ ۱۰۱۸؛ ۱۰۱۹؛ ۱۰۲۰؛ ۱۰۲۱؛ ۱۰۲۲؛ ۱۰۲۳؛ ۱۰۲۴؛ ۱۰۲۵؛ ۱۰۲۶؛ ۱۰۲۷؛ ۱۰۲۸؛ ۱۰۲۹؛ ۱۰۳۰؛ ۱۰۳۱؛ ۱۰۳۲؛ ۱۰۳۳؛ ۱۰۳۴؛ ۱۰۳۵؛ ۱۰۳۶؛ ۱۰۳۷؛ ۱۰۳۸؛ ۱۰۳۹؛ ۱۰۴۰؛ ۱۰۴۱؛ ۱۰۴۲؛ ۱۰۴۳؛ ۱۰۴۴؛ ۱۰۴۵؛ ۱۰۴۶؛ ۱۰۴۷؛ ۱۰۴۸؛ ۱۰۴۹؛ ۱۰۵۰؛ ۱۰۵۱؛ ۱۰۵۲؛ ۱۰۵۳؛ ۱۰۵۴؛ ۱۰۵۵؛ ۱۰۵۶؛ ۱۰۵۷؛ ۱۰۵۸؛ ۱۰۵۹؛ ۱۰۶۰؛ ۱۰۶۱؛ ۱۰۶۲؛ ۱۰۶۳؛ ۱۰۶۴؛ ۱۰۶۵؛ ۱۰۶۶؛ ۱۰۶۷؛ ۱۰۶۸؛ ۱۰۶۹؛ ۱۰۷۰؛ ۱۰۷۱؛ ۱۰۷۲؛ ۱۰۷۳؛ ۱۰۷۴؛ ۱۰۷۵؛ ۱۰۷۶؛ ۱۰۷۷؛ ۱۰۷۸؛ ۱۰۷۹؛ ۱۰۸۰؛ ۱۰۸۱؛ ۱۰۸۲؛ ۱۰۸۳؛ ۱۰۸۴؛ ۱۰۸۵؛ ۱۰۸۶؛ ۱۰۸۷؛ ۱۰۸۸؛ ۱۰۸۹؛ ۱۰۹۰؛ ۱۰۹۱؛ ۱۰۹۲؛ ۱۰۹۳؛ ۱۰۹۴؛ ۱۰۹۵؛ ۱۰۹۶؛ ۱۰۹۷؛ ۱۰۹۸؛ ۱۰۹۹؛ ۱۱۰۰؛ ۱۱۰۱؛ ۱۱۰۲؛ ۱۱۰۳؛ ۱۱۰۴؛ ۱۱۰۵؛ ۱۱۰۶؛ ۱۱۰۷؛ ۱۱۰۸؛ ۱۱۰۹؛ ۱۱۱۰؛ ۱۱۱۱؛ ۱۱۱۲؛ ۱۱۱۳؛ ۱۱۱۴؛ ۱۱۱۵؛ ۱۱۱۶؛ ۱۱۱۷؛ ۱۱۱۸؛ ۱۱۱۹؛ ۱۱۲۰؛ ۱۱۲۱؛ ۱۱۲۲؛ ۱۱۲۳؛ ۱۱۲۴؛ ۱۱۲۵؛ ۱۱۲۶؛ ۱۱۲۷؛ ۱۱۲۸؛ ۱۱۲۹؛ ۱۱۳۰؛ ۱۱۳۱؛ ۱۱۳۲؛ ۱۱۳۳؛ ۱۱۳۴؛ ۱۱۳۵؛ ۱۱۳۶؛ ۱۱۳۷؛ ۱۱۳۸؛ ۱۱۳۹؛ ۱۱۴۰؛ ۱۱۴۱؛ ۱۱۴۲؛ ۱۱۴۳؛ ۱۱۴۴؛ ۱۱۴۵؛ ۱۱۴۶؛ ۱۱۴۷؛ ۱۱۴۸؛ ۱۱۴۹؛ ۱۱۵۰؛ ۱۱۵۱؛ ۱۱۵۲؛ ۱۱۵۳؛ ۱۱۵۴؛ ۱۱۵۵؛ ۱۱۵۶؛ ۱۱۵۷؛ ۱۱۵۸؛ ۱۱۵۹؛ ۱۱۶۰؛ ۱۱۶۱؛ ۱۱۶۲؛ ۱۱۶۳؛ ۱۱۶۴؛ ۱۱۶۵؛ ۱۱۶۶؛ ۱۱۶۷؛ ۱۱۶۸؛ ۱۱۶۹؛ ۱۱۷۰؛ ۱۱۷۱؛ ۱۱۷۲؛ ۱۱۷۳؛ ۱۱۷۴؛ ۱۱۷۵؛ ۱۱۷۶؛ ۱۱۷۷؛ ۱۱۷۸؛ ۱۱۷۹؛ ۱۱۸۰؛ ۱۱۸۱؛ ۱۱۸۲؛ ۱۱۸۳؛ ۱۱۸۴؛ ۱۱۸۵؛ ۱۱۸۶؛ ۱۱۸۷؛ ۱۱۸۸؛ ۱۱۸۹؛ ۱۱۹۰؛ ۱۱۹۱؛ ۱۱۹۲؛ ۱۱۹۳؛ ۱۱۹۴؛ ۱۱۹۵؛ ۱۱۹۶؛ ۱۱۹۷؛ ۱۱۹۸؛ ۱۱۹۹؛ ۱۲۰۰؛ ۱۲۰۱؛ ۱۲۰۲؛ ۱۲۰۳؛ ۱۲۰۴؛ ۱۲۰۵؛ ۱۲۰۶؛ ۱۲۰۷؛ ۱۲۰۸؛ ۱۲۰۹؛ ۱۲۱۰؛ ۱۲۱۱؛ ۱۲۱۲؛ ۱۲۱۳؛ ۱۲۱۴؛ ۱۲۱۵؛ ۱۲۱۶؛ ۱۲۱۷؛ ۱۲۱۸؛ ۱۲۱۹؛ ۱۲۲۰؛ ۱۲۲۱؛ ۱۲۲۲؛ ۱۲۲۳؛ ۱۲۲۴؛ ۱۲۲۵؛ ۱۲۲۶؛ ۱۲۲۷؛ ۱۲۲۸؛ ۱۲۲۹؛ ۱۲۳۰؛ ۱۲۳۱؛ ۱۲۳۲؛ ۱۲۳۳؛ ۱۲۳۴؛ ۱۲۳۵؛ ۱۲۳۶؛ ۱۲۳۷؛ ۱۲۳۸؛ ۱۲۳۹؛ ۱۲۴۰؛ ۱۲۴۱؛ ۱۲۴۲؛ ۱۲۴۳؛ ۱۲۴۴؛ ۱۲۴۵؛ ۱۲۴۶؛ ۱۲۴۷؛ ۱۲۴۸؛ ۱۲۴۹؛ ۱۲۵۰؛ ۱۲۵۱؛ ۱۲۵۲؛ ۱۲۵۳؛ ۱۲۵۴؛ ۱۲۵۵؛ ۱۲۵۶؛ ۱۲۵۷؛ ۱۲۵۸؛ ۱۲۵۹؛ ۱۲۶۰؛ ۱۲۶۱؛ ۱۲۶۲؛ ۱۲۶۳؛ ۱۲۶۴؛ ۱۲۶۵؛ ۱۲۶۶؛ ۱۲۶۷؛ ۱۲۶۸؛ ۱۲۶۹؛ ۱۲۷۰؛ ۱۲۷۱؛ ۱۲۷۲؛ ۱۲۷۳؛ ۱۲۷۴؛ ۱۲۷۵؛ ۱۲۷۶؛ ۱۲۷۷؛ ۱۲۷۸؛ ۱۲۷۹؛ ۱۲۸۰؛ ۱۲۸۱؛ ۱۲۸۲؛ ۱۲۸۳؛ ۱۲۸۴؛ ۱۲۸۵؛ ۱۲۸۶؛ ۱۲۸۷؛ ۱۲۸۸؛ ۱۲۸۹؛ ۱۲۹۰؛ ۱۲۹۱؛ ۱۲۹۲؛ ۱۲۹۳؛ ۱۲۹۴؛ ۱۲۹۵؛ ۱۲۹۶؛ ۱۲۹۷؛ ۱۲۹۸؛ ۱۲۹۹؛ ۱۳۰۰؛ ۱۳۰۱؛ ۱۳۰۲؛ ۱۳۰۳؛ ۱۳۰۴؛ ۱۳۰۵؛ ۱۳۰۶؛ ۱۳۰۷؛ ۱۳۰۸؛ ۱۳۰۹؛ ۱۳۱۰؛ ۱۳۱۱؛ ۱۳۱۲؛ ۱۳۱۳؛ ۱۳۱۴؛ ۱۳۱۵؛ ۱۳۱۶؛ ۱۳۱۷؛ ۱۳۱۸؛ ۱۳۱۹؛ ۱۳۲۰؛ ۱۳۲۱؛ ۱۳۲۲؛ ۱۳۲۳؛ ۱۳۲۴؛ ۱۳۲۵؛ ۱۳۲۶؛ ۱۳۲۷؛ ۱۳۲۸؛ ۱۳۲۹؛ ۱۳۳۰؛ ۱۳۳۱؛ ۱۳۳۲؛ ۱۳۳۳؛ ۱۳۳۴؛ ۱۳۳۵؛ ۱۳۳۶؛ ۱۳۳۷؛ ۱۳۳۸؛ ۱۳۳۹؛ ۱۳۴۰؛ ۱۳۴۱؛ ۱۳۴۲؛ ۱۳۴۳؛ ۱۳۴۴؛ ۱۳۴۵؛ ۱۳۴۶؛ ۱۳۴۷؛ ۱۳۴۸؛ ۱۳۴۹؛ ۱۳۵۰؛ ۱۳۵۱؛ ۱۳۵۲؛ ۱۳۵۳؛ ۱۳۵۴؛ ۱۳۵۵؛ ۱۳۵۶؛ ۱۳۵۷؛ ۱۳۵۸؛ ۱۳۵۹؛ ۱۳۶۰؛ ۱۳۶۱؛ ۱۳۶۲؛ ۱۳۶۳؛ ۱۳۶۴

ادامه جدول ۲- کدگذاری محوری

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی	فراونی مقوله های فرعی
۳	جانشین پروری	عملکرد بالا؛ مسیر شغلی؛ نوع؛ توانایی مواجهه با تغییرات؛ تطابق با کاهش اندازه.	۱۶؛ ۸؛ ۵؛ ۱۸؛ ۶.
۴	کارمندیابی (سیستم جذب و انتخاب)	دانشگاه ها و مراکز آموزش؛ مراکز کارایی؛ مراجعه مستقیم؛ آزمون سلامت اخلاقی؛ آزمون سلامت شخصیت؛ آزمون توانایی جسمانی و ذهنی؛ مصاحبه فردی؛ مصاحبه گروهی؛ مصاحبه ساختار یافته؛ مصاحبه نیمه ساختاریافته؛ معرفی و توصیه؛ جذب نخبگان؛ جذب ورزشکاران بزرگ؛ تنوع انتخاب بر اساس جنسیت؛ تنوع انتخاب بر اساس مذهب؛ تنوع انتخاب بر اساس سن؛ تنوع انتخاب بر اساس نژاد و قومیت؛ تنوع انتخاب بر اساس وضعیت تاهل؛ جذب مریدان بزرگ؛ نماینده در سطوح بین المللی؛ نداشتن سابقه کیفری؛ سوابق ورزشی؛ ارائه نمونه کار؛ پایه های دانشی.	۱۲؛ ۵؛ ۸؛ ۱۰؛ ۹؛ ۱۱؛ ۱۲؛ ۷؛ ۱۰؛ ۱۱؛ ۳؛ ۱۳؛ ۸؛ ۶؛ ۳؛ ۴؛ ۲؛ ۸؛ ۷؛ ۴؛ ۱۰.
۵	جبران خدمات	حق اولاد؛ کمک هزینه ها؛ پاداش؛ کارانه؛ حقوق؛ دستمزد؛ حق لباس؛ هدایا به مناسبت اعیاد؛ حق مسکن؛ مرخصی؛ بورس تحصیلی؛ بازنشستگی؛ هزینه های غرامت؛ بیمه درمانی؛ بیمه عمر؛ چالشی بودن؛ مسئولیت؛ رشد و یادگیری؛ اختیارات؛ فرصت های پیشرفت؛ شناخته شدن؛ هوشمندی؛ مافوق مناسب؛ همکاران مطلوب؛ شرایط کار مناسب؛ ساعات کار شناور؛ تعطیلات آخر هفته؛ تسهیم شغل؛ مزایای انتخابی؛ امکان کار از راه دور؛ وجود منابع مالی کافی.	۱۰؛ ۱۰؛ ۹؛ ۹؛ ۱۶؛ ۹؛ ۱۳؛ ۸؛ ۱۰؛ ۱۶؛ ۹؛ ۱۷؛ ۸؛ ۱۵؛ ۱۰؛ ۱۰؛ ۴؛ ۱۱؛ ۱۱؛ ۶؛ ۱۲؛ ۵؛ ۱۰؛ ۱۲؛ ۹؛ ۱۰؛ ۳؛ ۷؛ ۳؛ ۱۳؛ ۷.
۶	مدیریت حفظ و نگهداری	نگهداری استعدادهای درخشان؛ شناسایی و پرورش استعدادها؛ فرصت های توسعه افراد؛ پیشینه ورزشی؛ استخدام دائمی؛ استخدام موقت؛ جلوگیری از بازنشستگی زود هنگام؛ جلوگیری از جابجایی؛ توجه به تفکر نقادانه؛ داشتن خلاقیت؛ نوآوری؛ توانایی تجزیه و تحلیل؛ ارتقاء شغلی؛ امنیت مالی؛ استقلال؛ دانش محور؛ ارتباط با مدیریت؛ ارتباط با همکاران؛ افزایش روحیه مشارکت فردی؛ مشارکت گروهی؛ ارزشیابی عملکرد آینده؛ معیارهای عملکرد بلندمدت؛ معیارهای عملکرد کوتاه مدت؛ نظارت بر انجام کار؛ کنترل.	۱۴؛ ۱۳؛ ۱۱؛ ۶؛ ۴؛ ۵؛ ۱۱؛ ۱۷؛ ۱۰؛ ۱۱؛ ۱۰؛ ۱۱؛ ۴؛ ۱۱؛ ۱۳؛ ۱۱؛ ۸؛ ۷؛ ۵؛ ۱۲؛ ۱۱.

ادامه جدول ۲- کدگذاری محوری

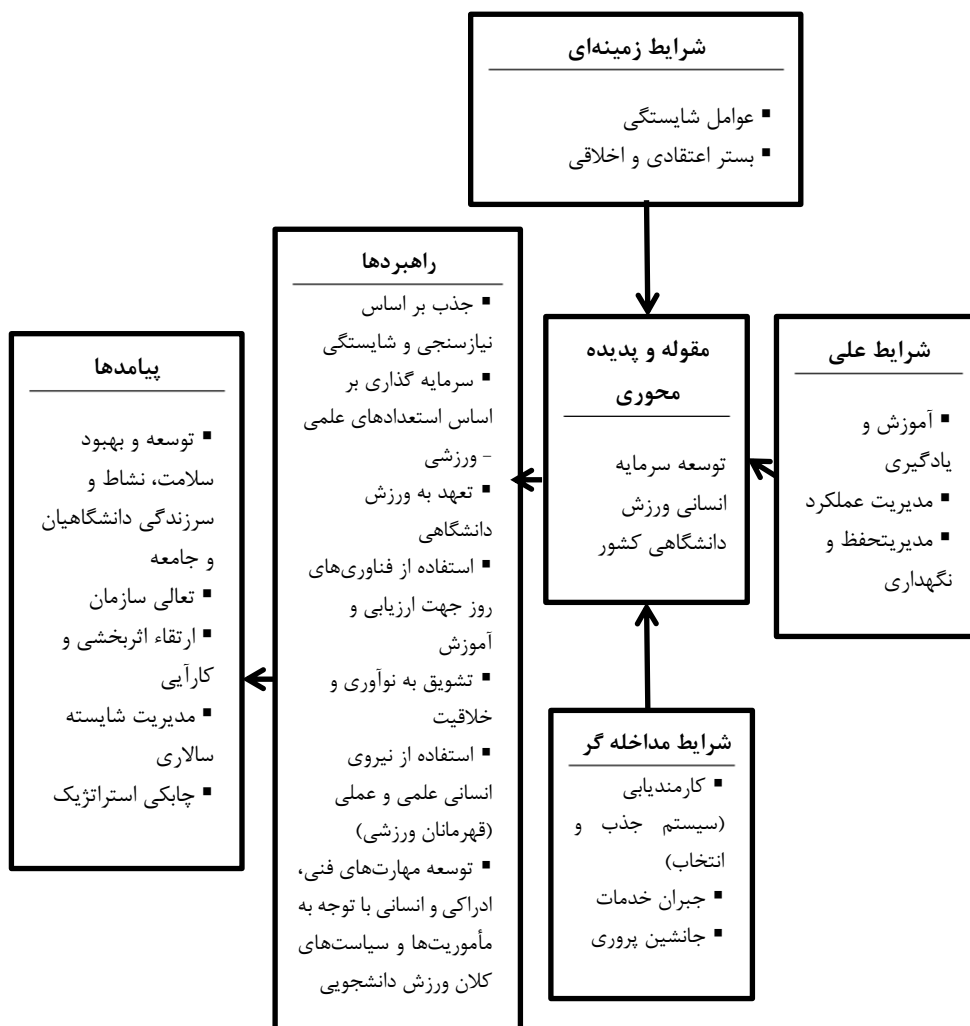
ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی	فراوانی مقوله های فرعی
۷	مدیریت عملکرد	بازخورد از مدیران؛ بازخورد از همکاران؛ بازخورد از ارباب رجوع؛ بازخورد از خود؛ ارزشیابی عملکرد فعلی؛ ارزشیابی عملکرد گذشته.	۱۴؛ ۱۲؛ ۱۵؛ ۱۲؛ ۸؛ ۷؛ ۳؛ ۱۴؛ ۱۲؛ ۷.
۸	بستر اعتقادی و اخلاقی	الزامات دینی؛ جو اخلاقی؛ روحیه جوانمردی؛ تأثیر محیط تحصیلی؛ رعایت هنجارها؛ رعایت نظام ارزشی؛ حمایت خانوادگی؛ نگرش مثبت؛ سلامت روانی؛ احترام؛ هویت ملی؛ اوقات فراغت و تفریح سالم؛ کنترل احساسات؛ وفاداری.	۷؛ ۱۴؛ ۳؛ ۱۲؛ ۱۱؛ ۷؛ ۱۳؛ ۱۵؛ ۱۲؛ ۷؛ ۵؛ ۱۱؛ ۱۵.
		مجموع فراوانی کدها	۱۲۷۳

گام سوم (مرحله نظری پردازی یا کدگذاری انتخابی): در کدگذاری انتخابی، به پالایش یافته‌های قبلی پرداخته شده و با طی این فرآیند، در نهایت، الگوی مفهومی بر اساس شکل ۱، حاصل شده است:

بر اساس رویه های کدگذاری، مدل نهایی پژوهش در شش طبقه تعیین شد که هر یک از این شش طبقه با یکدیگر ارتباط دارند. در طبقه محوری توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور قرار گرفت. طبقات دیگر عبارتند از:

- طبقه علی که باعث ایجاد و توسعه یک پدیده محوری می شود که شامل چندین عامل است؛ از جمله آموزش و یادگیری، مدیریت عملکرد و مدیریت حفظ و نگهداری.
- طبقه شرایط بستر یا زمینه ای که مقوله های آن عبارتند از عوامل شایستگی و بستر اعتقادی و اخلاقی عواملی هستند که بستر را برای توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور مهیا می کند.
- طبقه شرایط مداخله گر که برخی عوامل آن عبارتند از کارمندیابی (سیستم جذب و انتخاب)، جبران خدمات و جانشین پروری که مجموعه ای از متغیرهای میانجی و واسطه را تشکیل می دهند.
- طبقه کنش ها و تعاملات که بیانگر رفتارها، فعالیت ها و تعاملات هدفداری است که در طبقه محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله گر و بستر حاکم قرار می گیرند. این طبقه در مدل توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور، در قالب برخی راهبردها تجلی می یابد که عبارتند از جذب بر اساس نیازسنجی و شایستگی، سرمایه گذاری بر اساس استعدادهای علمی-ورزشی، تعهد به ورزش دانشگاهی، استفاده از فناوری های روز جهت ارزیابی و آموزش، تشویق به نوآوری و خلاقیت، استفاده از نیروی انسانی علمی و عملی (قهرمانان ورزشی) و توسعه مهارت های فنی، ادراکی و انسانی با توجه به مأموریت ها و سیاست های کلان ورزش دانشجویی.

- طبقه پیامدها که آخرین طبقه ای است که در مدل قرار دارد و زیرمجموعه های آن عبارتند از توسعه و بهبود سلامت، نشاط و سرزندگی دانشگاهیان و جامعه، تعالی سازمان، ارتقاء اثربخشی و کارایی ورزش دانشگاهی کشور، مدیریت شایسته سالاری در ورزش دانشگاهی کشور و چابکی استراتژیک. این پیامدها در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می آیند.



شکل ۱- الگوی تجربی توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی ایران

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف طراحی الگوی توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور، انجام پذیرفت. مطالعات قبلی این حوزه و حتی اسناد توسعه ورزش دانشگاهی اغلب بر اساس شاخص‌های عمومی و کلان توسعه ورزش گزارش شده بودند و کمتر شاخص سرمایه انسانی در ورزش دانشگاهی را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق بر اساس تحلیل داده‌های کیفی نشان می‌دهد که عوامل اصلی و فرعی مدل توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور را می‌توان در ۸ مقوله اصلی و ۱۳۴ مقوله فرعی طبقه بندی نمود.

در بخش عوامل علی، مواردی از داده‌ها استخراج شدند که بر پدیده محوری پژوهش تأثیرگذارند. یکی از این عوامل، آموزش و یادگیری است. عامل بعدی مدیریت عملکرد است و عامل سوم، مدیریت حفظ و نگهداری است. در خصوص وجه اشتراک پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها باید عنوان نمود که منافی و همکاران (۲۰۱۹) مهم‌ترین عوامل توسعه ورزش دانشگاهی را مدیریت و منابع توسعه عوامل فردی گزارش کردند. دیویا و ناراشیمن^۱ (۲۰۱۸) برای شناسایی عوامل توسعه سرمایه انسانی در مؤسسات آموزش از راه دور در هند نشان می‌دهند که مهارت‌های رهبری، فرهنگ سازمانی و آموزش و شیوه‌های آموزشی و توسعه توسط سازمان به عنوان عوامل اصلی در ایجاد توسعه سرمایه انسانی نقش دارند. در مطالعه دیگری کیسمانوویچ^۲ و همکاران (۲۰۱۴) عوامل اجتماع پذیری، خلاقیت و آموزش را در سازمان‌های ورزشی یکی از مهم‌ترین عوامل فرآیندهای اصلی سرمایه انسانی در ورزش برشمردند. در مطالعه دیگری نودهی^۳ و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقی تحت عنوان شاخص‌های توسعه منابع انسانی فدراسیون جودو ایران، بیان می‌کنند که چهار عامل (به ترتیب اولویت) برای توسعه منابع انسانی شامل انگیزه، آموزش و ارتقاء، ارزیابی عملکرد و جذب منابع انسانی است؛ و در نهایت در مطالعه دیگری، بدری آذرین و همکاران (۲۰۱۳) با هدف ارائه راهکارهای مناسب برای توسعه منابع انسانی ورزش ژیمناستیک نشان دادند که عوامل جذب، آموزش، ارتقاء و پرورش، حفظ و نگهداری نیروی انسانی در توسعه منابع انسانی ژیمناستیک تأثیرگذار است.

در بخش عوامل زمینه‌ای، مواردی از داده‌ها استخراج شدند که بر پدیده محوری پژوهش تأثیرگذارند؛ مواردی مانند عوامل شایستگی و بستر اعتقادی و اخلاقی، از آن جمله هستند. اهمیت این عوامل زمینه‌ای در مقایسه با پژوهش‌های مشابه تأیید شده‌اند. نگویان^۴ و همکاران (۲۰۱۹) تحقیقی تحت

-
1. Divya and Narashiman
 2. Krsmanović
 3. Noudehi
 4. Nguyen

عنوان تأثیر عوامل بر کیفیت سرمایه انسانی در آموزش عالی ویتنام انجام دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که عوامل شایستگی (دستیابی به توانایی دانش، روش یادگیری، سخت کوشی، خودآگاهی و توسعه روابط) مهم‌ترین عامل ارتقاء کیفیت سرمایه انسانی است. همچنین هسو^۱ و همکاران در سال ۲۰۰۷ بیان می‌کنند که سیستم‌های کار با عملکرد بالا، سرمایه انسانی سازمانی را توسعه می‌دهند که به نوبه خود، بر عملکرد شرکت تأثیر مثبت می‌گذارد. این فرضیه توسط ۶۲ نفر از مدیران منابع انسانی و ۲۰۶ مهندس در ۷۷ شرکت فناوری اطلاعات توسط تحلیلگرها آزمایش شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه انسانی سازمانی (شایستگی‌های کارمندان و تعهد) واسطه ارتباط بین سیستم‌های کاری با کارایی بالا و استحکام است.

در بخش عوامل مداخله‌گر در توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور مواردی از داده‌ها استخراج شدند که بر پدیده محوری پژوهش تأثیرگذارند؛ مواردی از قبیل کارمندیابی (سیستم جذب و انتخاب)، جبران خدمات و جانشین پروری از جمله عواملی هستند که بر پدیده محوری تأثیرگذار هستند. پاپائیانو^۲ و همکاران (۲۰۱۲) توانمندسازی سرمایه‌های انسانی فدراسیون‌های ورزشی کشور یونان را دستمایه تحقیق خود قرار دادند. نمونه‌ای از ۶۱ مدیر فنی و مدیریتی از ۲۰ فدراسیون ورزشی یونان مورد بررسی قرار گرفت. ارتقای مهارت‌های نظام اطلاعات و ارتباطات، افزایش مهارت‌های تصمیم‌گیری در کارکنان، ارتقای نظام ارزیابی کارکنان و در نهایت اولویت نظام انگیزشی و پاداش از عوامل اصلی در توانمندسازی در فدراسیون‌های ورزشی بود. در مطالعه دیگری، بدری آذرین و همکاران (۲۰۱۳) پژوهشی با هدف ارائه راه‌کارهای مناسب برای توسعه منابع انسانی ورزش ژیمناستیک انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد کارمندیابی (سیستم جذب و انتخاب) در توسعه منابع انسانی ژیمناستیک تأثیرگذار است. این نتایج با یافته‌های پژوهش حاضر در بخش عوامل مداخله‌گر همخوانی دارد.

راهبردهای به دست آمده برای توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور عبارت از جذب بر اساس نیازسنجی و شایستگی، سرمایه‌گذاری بر اساس استعدادهای علمی-ورزشی، تعهد به ورزش دانشگاهی، استفاده از فناوری‌های روز جهت ارزیابی و آموزش، تشویق به نوآوری و خلاقیت، استفاده از نیروی انسانی علمی و عملی (قهرمانان ورزشی) و توسعه مهارت‌های فنی، ادراکی و انسانی با توجه به مأموریت‌ها و سیاست‌های کلان ورزش دانشجویی بودند. منافی و همکاران (۲۰۱۹) در زمینه توسعه منابع انسانی ورزش دانشگاهی، راهبرد استفاده از متخصصان و مربیان سایر بخشهای ورزش کشور و به کار گماردن استادان علوم ورزشی در بدنه اجرایی ورزش دانشگاهی را موثر می‌دانند. محمدی و

1. Hsu
2. Papaioannou

کلاته سیفری، فرزانه و رضوی (۲۰۱۸) در تحقیقی طراحی الگوی پارادایمی ورزش دانشگاه فنی و حرفه‌ای بر اساس نظریه داده بنیاد، راهبردهای ورزش دانشجویی را نشان دادند که شامل استقرار نظام مدیریت و برنامه‌ریزی، اولویت بخشیدن به ورزش همگانی، ایجاد حساسیت در مسئولین، تخصیص و افزایش اعتبارات جاری و عمرانی و افزایش مدیریت مشارکتی است. سپهوند و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان طراحی مدل معماری سرمایه‌های انسانی، به راهبردهایی مانند کارمندیابی بر اساس نیازسنجی و مبتنی بر شایستگی و قابلیت منابع انسانی، برنامه‌ریزی در جهت سرمایه‌گذاری منابع انسانی دانش محور و متخصص، اشاره کردند. مقایسه نتایج پژوهش‌های مذکور با راهبردهایی که این پژوهش به دست آورده است، نشان می‌دهد که اشتراکاتی در موضوع جذب بر اساس نیازسنجی و شایستگی، سرمایه‌گذاری بر اساس استعدادها، علمی-ورزشی در هر دو پژوهش در بعد راهبردها کاملاً مشهود است و از این نظر با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

پیامدهایی که از اجرای مدل مورد نظر احصاء می‌شوند عبارتند از توسعه و بهبود سلامت، نشاط و سرزندگی دانشگاهیان و جامعه، تعالی سازمان، ارتقاء اثربخشی و کارآیی ورزش دانشگاهی کشور، مدیریت شایسته سالاری در ورزش دانشگاهی کشور و چابکی استراتژیک که این موارد در نتایج پژوهش‌های مشابه نیز به دست آمده است. نوروزی سیدحسینی و همکاران (۲۰۱۵) پیامدهای توسعه قابلیت‌های انسانی در ورزش را شامل شکوفایی استعدادها، ورزشی، بهبود سطح عملکرد و درآمد، افزایش دانش و مهارت، ظرفیت‌های عملکردی در ورزش، رشد اقتصادی و کاهش محرومیت‌های اجتماعی-فرهنگی می‌دانند و از این نظر با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

در نهایت، در ارتباط با محدودیت‌های این تحقیق، با توجه به هدف پژوهش، باید از نظرات خبرگان استفاده می‌شد که این امر محدودیت در تعداد نمونه را به وجود آورد. لذا محدودیت در نمونه‌گیری به عنوان مهم‌ترین محدودیت پژوهش ذکر می‌شود. با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود که الگوی حاصل از این پژوهش در توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور، مورد استفاده قرار گیرد. از آنجا که الگوی پیشنهادی این تحقیق از متن منابع به روز و مطرح استخراج شده است، سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، به راحتی می‌توانند این الگو را اساس کار خود قرار دهند و تنها با در نظر گرفتن نظرات ذینفعان و دست‌اندرکاران و اقتضات سازمانی، به الگوی بومی خود دست یابند. از آنجاکه در هر دیدگاه و پژوهش نظریه‌ای ممکن است اشکال‌ها و کاستی‌هایی داشته باشد، توصیه می‌شود محققان آتی جنبه‌های مختلف این مدل را بر اساس رویکردهای کیفی و کمی بررسی نمایند و آن را از زوایای مختلف مورد نقد و پالایش قرار دهند.

تشکر و قدردانی

این مطالعه از رساله دکتری مدیریت ورزشی استخراج و به کمک اساتید بزرگوار و همکاری خبرنگاران ورزش دانشگاهی به انجام رسید.

منابع

1. Badriazarin, Y., Talebiannia, H., & Salmani, A. (2013). Strategies in the human resources development of gymnastic sport. *Sport Management Studies*, 6(5): 81-92. (Persian).
2. Baghdadchi, R. (2019). Identifying the factors affecting the growth and development of human resources in universities: A qualitative study. *Higher Education Letter*, 11(44): 179-212. (Persian).
3. Bassi, L., & McMurrer, D. (2007). Maximizing your return on people. *Harvard Business Review*, 85(3): 115- 123.
4. Creswell, J. W., & Miller, D. L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into practice*, 39(3): 124-130.
5. Danaeifard, H., & Emami, M. (2008). Qualitative research strategies: reflection on data foundation theorizing. *Management Thought*, 1(2): 69-97. (Persian).
6. Divya, J., & Narashiman, K. (2018). An empirical investigation into the factors distorting the rhetoric of human capital development with specific reference to distance education institutions in Tamilandu, INDIA. *The Online Journal of Distance Education and e-Learning*, 6(1): 1-16.
7. Eseyin, E. O., Uchendu, E. E., & Bright, I. B. (2014). Higher education as a tool for human capital development in Nigeria. *International Journal of Education and Research*, 2(6): 591-600.
8. Ghorbani, M. M., Asadi, H., Goodarzi, M., & Hamidi, M. (2016). Developing human capital measurement model in Iran sports federations. *Sport Physiology & Management Investigations*, 8(1): 9-22. (Persian).
9. Hoseini, G., Hamidi, M., & Tejari, F. (2013). Development of a strategic plan for student sports at Islamic Azad University. *Applied Research in Sport Management*, 4(15): 15-33. (Persian).
10. Hsu, I. C., Yeh-Yun Lin, C., Lawler, J. J., & Wu, S. H. (2007). Toward a model of organizational human capital development: Preliminary evidence from Taiwan. *Asia Pacific Business Review*, 13(2): 251-275.
11. Kheirandish, M., Dolati, H., & Ghomi, S. (2016). Human capital development strategies in higher education. *Teaching in Marine Sciences*, 3(5): 67-78. (Persian).
12. Krsmanović, S., Branković, M., & Radšoević, I. (2014). Human resources: Main factor in the development of sports. *Activities in Physical Education & Sport*, 4(1): 84-86.
13. Linda, M. R., Thabrani, G., & Firman, F. (2020). The role of human capital and knowledge management in innovation. *Advances in Economics, Business and Management Research*, 145: 261-267.

14. Manafi, F., Ramezanezjad, R., Gohar Rostami, H. R., Pourkani, M., & Dastoom, S. (2019). Designing the model of Factors affecting the development of university sport in Iran. *Sport Management*, 11(2): 195-218. (Persian).
15. Manafi, F., Ramezanezjad, R., Gohar Rostami, H. R., Pourkani, M., & Dastoom, S. (2015). The sport participation development in the Iran's public universities. *Research on Educational Sport*, 4(9): 65-90. (Persian).
16. Mehranpoor, M., Sayadi, S., Pourkiani, M., & Salajegheh, S. (2019). Designing a human resources development model based on organizational values. *Iranian Journal of Management Sciences*, 13(52): 133-151. (Persian).
17. Metcalfe, B. D., & Rees, C. J. (2005). Theorizing advances in international human resource development. *Human Resource Development International*, 8(4): 449-465.
18. Chin, M. K., Edginton, C. R., Tang, M. S., Phua, K. W., & Yang, J. Z. (2019). *School and community-based physical education and healthy active living programs: Holistic practices in Hong Kong, Singapore, and the United States*. Chapter 32, Global Perspectives on Childhood Obesity (pp. 325-337). Academic Press.
19. Mohammadi, A., Farrahi, A., Soltani, M., & Tarverdi, K. (2015). Designing and explaining a model for human resource development in a military organization. *Journal of Research in Human Resources Management*, 7(1): 187-212. (Persian).
20. Mohammadi, A., Kalatseifari, M., Farzan, F., & Razavi, M. H. (2018). Designing paradigmatic pattern of sport technical and vocational based on grounded theory. *Research on Educational Sport*, 5(13): 215-230. (Persian).
21. Neuendorf, K. A. (2017). *The content analysis guidebook*. US: Sage Publication. Inc.
22. Nguyen, T. N. L., Vu, S. H., & Pham, T. H. (2019). The impact of factors on human capital quality: A study of economics students in Vietnam. *The Journal of Social Sciences Research*, 5(11): 1515-1529.
23. Norouzi Seyed Hosseini, R., Ehsani, M., Kozehchian, H., & Amiri, M. (2018). Designing a model of human capability development in sport (by grounded theory). *Sport Management*, 10(1): 49-63. (Persian).
24. Noudehi, M., Dousti, M., Razavi, S. M. H., & Kalateh Seifari, M. (2017). Human resource development indicators for the Iranian Judo Federation. *Sport Management Studies*, 5(3): 95-102.
25. Obiekwe, O. (2018). Human capital development and organizational survival: A theoretical review. *International Journal of Management and Sustainability*, 7(4): 194-203.
26. Papaioannou, A., Kriemadis, T., Alexopoulos, P., & Vrondou, O. (2012). An analysis of human resource empowerment and organisational performance in Greek sport federations. *World Review of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 8(4): 439-455.
27. Sepahvand, R., Shariatnezhad, A., & Saedi, A. (2017). Design architectural model of human capital in governmental agencies using grounded theory. *Development of Logistics & Human Resource Management Scientific Journal*, 12(44): 173-198. (Persian).

28. Talebpour, M., Mirzazadeh, Z.S., Shajie, K., & Yousefabadi, O. A. (2019). Gap analysis of the main human capital processes in the department of sports and the youth of Khorasan Razavi. *Journal of Research in Human Resources*, 10(4): 159-184. (Persian).
29. Harris, M. M., Werner, J. M., & DeSimone, R. L. (2006). *Human resource development*. 4edition. Published by Thomson South-western. Indian: Akash Press Delhi.

ارجاع دهی

آزرم، فاطمه؛ نوربخش، پریوش؛ نوربخش، مهوش؛ سپاسی، حسین. (۱۴۰۰). طراحی الگوی توسعه سرمایه انسانی ورزش دانشگاهی کشور. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹ (۲۴): ۶۰-۱۳۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2021.9490.1961

Azarm, F; Nourbakhsh, P; Noorbakhsh, M; Sepasi, H. (2021). Designing a Model for Developing Human Capital in Iranian University Sports, *Research on Educational Sport*, 9 (24): 137-60. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2021.9490.1961.

Research Paper

**Effect of Workplace Ostracism on Workplace Incivility
through the Mediating Role of Turnover Intention of
Physical Education Teachers in Sistan Region**

R. Sheykhi¹, N. Nastiezaie²

1. M. A. Student of educational administration, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

2. Associate Professor of educational administration, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran (Corresponding author)

Received: 2020/11/23

Accepted: 2021/02/01

Abstract

The aim of this descriptive correlational study was to investigate the effect of workplace ostracism on workplace incivility through the mediating role of turnover intention. The statistical population of the study was all (256) physical education teachers in the Sistan region (Sistan and Baluchestan Province) in the academic year of 2020-2021. Totally, 154 teachers were selected using stratified random sampling based on Cochran's sampling formula. Data collection instruments were questionnaires of workplace ostracism, workplace incivility and turnover intention. The data were analyzed through Pearson correlation coefficient and structural equation modeling using SPSS21 and Lisrel software. Based on the results, there was a positive and significant relationship between workplace ostracism, workplace incivility and turnover intention. Workplace ostracism had a direct effect on workplace incivility and turnover intention, and also the mediating effect of turnover intention in the relationship between workplace ostracism and workplace incivility was positive and significant. According to these results, school principals by creating an intimate and empathetic climate can provide the necessary grounds for accepting teachers and, consequently, reduce their turnover intention and workplace incivility.

Keywords: Workplace Ostracism, Deviant Behaviors, Workplace Incivility, Turnover Intention, Physical Education Teachers

1. Email: sheykhi.raziye.1456@gmail.com

2. E-mail: n_nastie1354@ped.usb.ac.ir

Extended Abstract

Background and purpose

Organizational deviant behaviors range from mild behaviors such as ignoring the person to severe behaviors such as violence. Workplace incivility is a type of mild deviant behavior that has received less attention from researchers (1). Given the prevalence of these behaviors, it is estimated that 96% of employees experience incivility (2). Due to the negative consequences of workplace incivility such as negative emotions, difficulty in regulating emotion, emotional burnout, job dissatisfaction, hostile thinking and withdrawal from work (3), identifying the causes of such behaviors is very important. However, some studies have examined the causes of workplace incivility including organizational injustice, positive and negative emotions, personality traits (4), job stress, organizational failure and lack of control over the workplace (5); therefore, the aim of this study was to investigate the relationship between workplace ostracism and intention to leave a job with workplace incivility of physical education teachers.

Methodology

This experimental and correlational was conducted using a structural equation model. The statistical population of the study was all (n=256) physical education teachers in the Sistan region (Sistan and Baluchestan Province) in the academic year 2020-2021. Totally, 154 physical education teachers were selected using stratified random sampling based on Cochran's sampling formula. Three questionnaires were employed for collecting data:

A) Workplace Ostracism: The questionnaire was designed by Hitlan and Noel in 2009 The questionnaire has 17 items and three dimensions of ostracism by the supervisor (5 items), ostracism by colleagues (7 items) and ostracism by colloquial language (5 items). It was organized on the 5-point Likert scale from “quite disagree” to “quite agree”, being represented by mean 1 and 5, respectively.

B) Workplace Incivility: The questionnaire was designed by Handoyo, Samian, Syarifah and Suhariadi in 2018 The questionnaire has 27 items and five dimensions of personal affairs: intervention (6 items), abandonment (7 items), unfriendly communication (5 items), inconsiderate behavior (4 items) and privacy invasion (5 items). It was organized on the 5-point Likert scale from “too little” to “too much”, being represented by mean 1 and 5, respectively.

C) Turnover Intention: The questionnaire was designed by Kim and Leung in 2007 The questionnaire has 3 items. It was organized on the 5-point Likert scale from “too little” to “too much”, being represented by scores 1 and 5, respectively. Using the Cronbach's alpha test, the reliability was 0.91, 0.97, and 0.92 for workplace ostracism, workplace incivility and turnover intention, respectively. Descriptive statistics including frequency, percentage, mean, standard deviation,

and inferential statistics, involving Pearson correlation coefficient and structural equation model were applied to analyze the data in SPSS21 and Lisrel software.

Results

The mean and standard deviation of the research variables were as follows: workplace ostracism 2.21 ± 0.73 , workplace incivility 1.73 ± 0.89 and turnover intention 1.61 ± 1.06 . The amount of correlation coefficient workplace ostracism with workplace incivility ($r=0.602$), workplace ostracism with turnover intention ($r=0.385$), turnover intention with workplace incivility ($r=0.369$) was positive and significant ($p<0.001$). Figure 1 shows all the relationships between the latent variables and factor loads of each item.

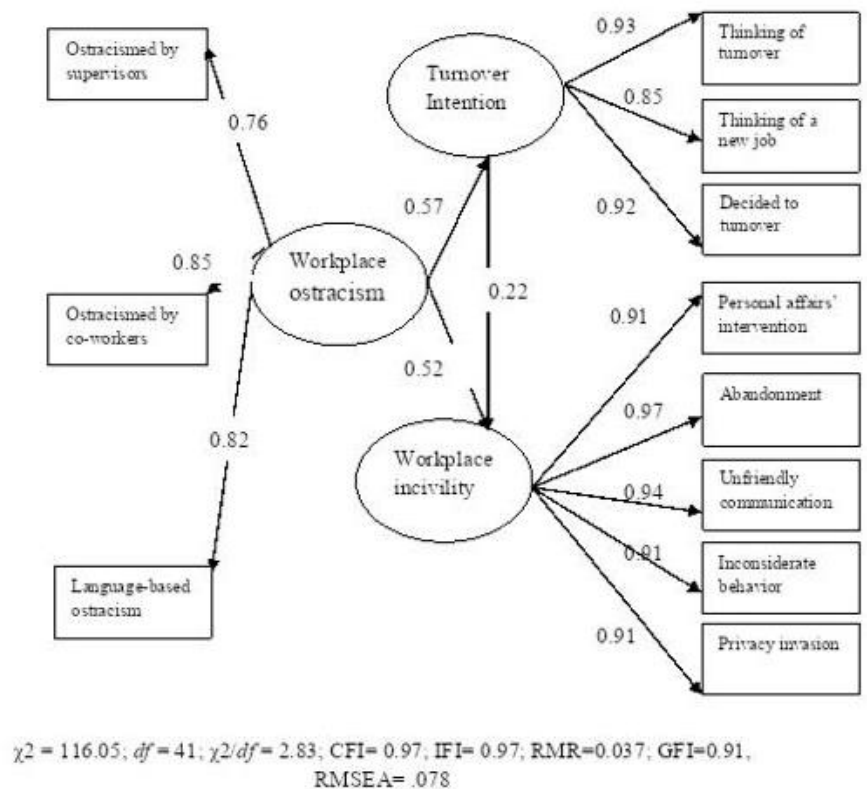


Figure 1- Fitted research model

Table 1 illustrates the direct, indirect and total effects of the variables to test the research hypotheses.

Table 1- Direct, indirect and total effects of the variables

Path	Direct effect	Indirect effect	Total effect	T	Conclusion
workplace ostracism → workplace incivility	0.52	0.125	0.645	5.62	Accept
workplace ostracism → turnover intention	0.57		0.57	6.78	Accept
turnover intention → workplace incivility	0.22		0.22	2.58	Accept

According to the obtained model (Figure 1) and Table 1, the direct effect of workplace ostracism on workplace incivility ($\beta = 0.52$, $t = 5.62$), direct effect of workplace ostracism on the turnover intention ($\beta = 0.57$, $t = 6.78$) and direct effect the turnover intention on workplace incivility ($\beta = 0.22$, $t = 2.58$) was positive and significant. Moreover, the indirect effect of workplace ostracism on workplace incivility mediated by the turnover intention ($\beta = 0.125$, $t = 4.44$) was positive and significant.

Discussion

The aim of this study was to investigate the effect of workplace ostracism on workplace incivility with the mediating role of turnover intention. Overall the findings showed workplace ostracism, both directly and indirectly through the mediation of turnover intention has a positive and significant effect on workplace incivility. This finding is consistent with those of previous studies (6-8). To explain this statement, it can be said that the ostracism of the teacher in the school environment makes him/her feel disadvantaged and ignored, that s/he is denied participation in the actions in which other school colleagues are involved, that the principal or other teachers withhold important and necessary information from him/her. This perception of ostracism reduces the teacher's ability to establish and maintain positive relationships, and as a result, his or her willingness to leave that negative climate and the demand for transfer to other schools increases. Because s/he feels that the principal and other teachers have not treated him/her properly when s/he intends to leave the job, s/he seeks revenge and leads to deviant behaviors such as organizational incivility on his part.

Keywords: Workplace Ostracism, Deviant Behaviors, Workplace Incivility, Turnover Intention, Physical Education Teachers

References

1. Lim, S., Cortina, L.M., & Magley, V.J. Personal and workgroup incivility: Impact on work and health outcomes. *Journal of Applied Psychology* 2008; 93(1), 95–107.
2. Porath, C.L., & Pearson, C.M. (2010). The cost of bad behavior. *Organizational Dynamics*, 39(1), 64–71.
3. Darkhor, S., Arshady, N., & Hashemi, E. Designing and testing a model of some outcomes of witnessing workplace incivility. *Social Psychology Research* 2018; 7(28), 23–40. (Persian)
4. Arab, N., Hashemi Sheykhshabani, E., & Beshlideh, K. Antecedents of Workplace Incivility: Investigating some Personal and Organizational Variables. *Journal of Psychology* 2013; 17(3), 294–309. (Persian)
5. Golparvar, M., Javadian, Z., Vaseghi, Z., Mosaheb, M., Esmailian Ardestani, Z. The Interactional Role of Perceived Organizational Justice Dimensions on Retaliatory Behaviors. *Social Cognition* 2014; 3(1), 73–86. (Persian)
6. Arshadi, N., Piriaei, S., & Zare, R. The moderating role of personality traits on the relationship between perceived workplace exclusion and workplace deviance. *International Journal of Behavioral Sciences* 2012; 6(3), 221–230. (Persian)
7. Scott, K.L., Tams, S., Schippers, M.C., & Lee, K. Opening the black box: Why and when workplace exclusion affects social reconnection behaviour, health, and attitudes. *European Journal of Work and Organizational Psychology* 2015; 24(2), 239–255.
8. Khajepour, N., Beshlideh, K., & Baharlou, M. Relationship of Workplace Ostracism with Job Performance, Organizational Citizenship Behavior, Turnover Intention: Mediating Role of Job Satisfaction. *Journal of Psychological Achievements* 2018, 24(2), 137–160. (Persian)

تأثیر طردشده‌گی در محیط کار بر بی‌نزاکتی سازمانی با نقش میانجی قصد ترک شغل معلمان تربیت بدنی منطقه سیستان

راضیه شیخی^۱، ناصر ناستی‌زایی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
۲. دانشیار مدیریت آموزشی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسندهٔ مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۳

چکیده

پژوهش با هدف بررسی تأثیر طردشده‌گی در محیط کار بر بی‌نزاکتی سازمانی با نقش میانجی قصد ترک شغل انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه معلمان تربیت بدنی منطقه سیستان (استان سیستان و بلوچستان) به حجم ۲۵۶ نفر بود. به شیوه نمونه‌گیری تصادفی-طبقه‌ای تعداد ۱۵۴ معلم از طریق سه پرسش‌نامه طردشده‌گی در محیط کار، قصد ترک شغل و بی‌نزاکتی در محل کار مورد مطالعه قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری با کمک نرم افزارهای اس پی اس اس (نسخه ۲۱) و لیزرل استفاده شد. بر اساس یافته‌ها رابطه مثبت و معناداری بین طردشده‌گی در محیط کار، بی‌نزاکتی سازمانی و قصد ترک شغل وجود داشت. طردشده‌گی در محیط کار بر بی‌نزاکتی سازمانی و قصد ترک شغل اثر مستقیم دارد. همچنین اثر میانجیگری قصد ترک شغل در رابطه بین طردشده‌گی در محیط کار و بی‌نزاکتی سازمانی مثبت و معنادار بود. بنابراین نتایج، مدیران مدارس می‌توانند با ایجاد جو صمیمی و همدلانه زمینه لازم برای پذیرش معلمان و به تبع آن کاهش قصد ترک شغل و بی‌نزاکتی آنان را فراهم کنند.

واژگان کلیدی: طردشده‌گی در محیط کار، رفتارهای انحرافی، بی‌نزاکتی سازمانی، قصد ترک شغل، معلمان تربیت بدنی.

1. Email: raziyehsheykhi99@gmail.com

2. Email: n_nastie1354@ped.usb.ac.ir

مقدمه

طی سال‌های اخیر، علاقه‌مندی به پژوهش در حوزه سوء رفتار در محیط کار افزایش یافته است. سوء رفتار در محیط کار دامنه‌ای از رفتارهای ملایم مانند بی‌محرمانگی محلی کردن به فرد و نادیده گرفتن وی تا رفتارهای شدید مثل خشونت و پرخاشگری را شامل می‌شود. اکثر سازمان‌ها از تأثیرات منفی سوء رفتارهای شدید مانند پرخاشگری و قلدری در محیط کار آگاه هستند؛ اما تاکنون توجه اندکی به شکل‌های خفیف‌تر سوء رفتارهای سازمانی و بین فردی نشان داده شده است (پیرسون، آندرسون و وگنر^۱، ۲۰۰۱). برخی پژوهشگران به اشکال ظریف‌تر و نامحسوس‌تر رفتارهای انحرافی مانند رفتار بی‌ادبانه و بی‌نزاکتی در محیط کار علاقه‌مند شده‌اند و با دقت بیشتری آن را بررسی کرده‌اند. بی‌نزاکتی در محیط کار، به رفتار کار مغانیر با ضوابط و هنجارهای احترام متقابل در محیط کار اشاره دارد که مشخصاً غیرمؤدبانه و گستاخانه است. رفتارهای بی‌نزاکتی در محیط کار با شدت کم و با قصدی مبهم برای آسیب رساندن به دیگری در همه جا وجود دارند و نتایج جدی و برجسته نظری و تجربی دارند و اغلب در حضور دیگران رخ می‌دهند (لیم، کورتینا و مگلی^۲، ۲۰۰۸). به علت پیامدهای منفی بی‌نزاکتی در محیط کار برای سازمان، شناسایی پیشایندهای این گونه رفتارها بسیار حائز اهمیت است. هر چند که در برخی مطالعات به بررسی پیشایندهای بی‌نزاکتی در محیط کار از جمله بی‌عدالتی سازمانی، عواطف مثبت و منفی، ویژگی‌های شخصیتی (عرب، هاشمی شیخ شبانی و بشلیده، ۲۰۱۳)، فشارهای شغلی، ناکامی سازمانی، فقدان کنترل بر محیط کار (گل‌پرور، جوادیان، واثقی، مصاحبی و اسماعیلیان اردستانی، ۲۰۱۴) پرداخته شده است؛ این پژوهش قصد دارد تا به بررسی رابطه پردشدگی در محیط کار و قصد ترک شغل با بی‌نزاکتی سازمانی، که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، بپردازد.

بی‌نزاکتی، رفتارهای انحرافی با شدت کم و نیت مبهم به منظور آسیب به شخص مورد هدف است. این گونه رفتارها هنجارهای مورد نیاز برای احترام دو طرفه در محیط کار را نقض می‌کنند و مشخصاً با نادیده گرفتن دیگران آشکار می‌شوند. این رفتارها مشخصاً رفتارهای بی‌ادبانه و گستاخانه‌ای هستند که با نادیده گرفتن دیگران آشکار می‌شود (آندرسون و پیرسون^۳، ۱۹۹۹). بی‌نزاکتی محل کار شامل مواردی از قبیل رفتارهای نامحترمانه، خشن و بی‌ادبانه، رفتارهای مخل با هدف پریشانی روانی و جسمانی دیگران، و رفتارهای بی‌ادبانه شامل قطع کردن صحبت دیگران، پخش شایعه، ریشخند یا حرف‌های طعنه آمیز، اظهار نظر و تن صدای تحقیرآمیز، نادیده گرفتن قدرت و هویت فرد در جلوی

-
1. Pearson, Andersson & Wegner
 2. Lim, Cortina & Magley
 3. Andersson & Pearson

همکاران و خیره و خصمانه نگاه کردن است (شیری، یاسینی و ساعتی، ۲۰۱۹) و پیامدهایی همچون عاطفه منفی، دشواری در تنظیم هیجان، فرسودگی عاطفی، عدم رضایت از شغل، تفکر خصمانه و کناره‌گیری از کار شغل دارد (درخور، ارشدی و هاشمی، ۲۰۱۸). بی‌نزاکتی سازمانی در یک محیط اجتماعی صورت می‌گیرد و در نتیجه بسیار محتمل است که دیگران رویدادهای بی‌نزاکتی را مشاهده کنند. در واقع، هر چند که معمولاً بی‌نزاکتی، یک فرد خاص را هدف قرار می‌دهد اما تعداد کارکنانی که شاهد رویدادهای بی‌ادبانه هستند، معمولاً بیشتر از تعداد کارکنانی است که این رویدادها را تجربه می‌کنند (آندرسون و پیرسون، ۱۹۹۹). با توجه به شیوع این رفتارها، تخمین زده شده است که ۹۶ درصد از کارکنان، بی‌نزاکتی را تجربه می‌کنند (پوراس و پیرسون^۱، ۲۰۱۰). مطالعات نشان می‌دهد که بی‌نزاکتی در محیط کار با بی‌عدالتی و پرخاشگری (مهداد و نجفیان، ۲۰۱۷)، استرس شغلی و سرمایه روان‌شناختی (هاشمی، سوادکوهی، نعامی و بشلیده، ۲۰۱۸)، احساس شرمندگی یا حقارت قربانیان (لیم و همکاران، ۲۰۰۸)، طردشدگی در محیط کار و قصد ترک شغل (رضایی بادافشانی، نوری و عریضی، ۲۰۱۲؛ گریفین^۲، ۲۰۱۰؛ لاسچینگر، لیتر و گیلین^۳، ۲۰۰۹) رابطه دارد. از عوامل تأثیرگذار بر بی‌نزاکتی سازمانی می‌تواند طردشدگی در محل کار باشد. وقتی فرد احساس کند که مورد طردشدگی قرار گرفته است به تدریج همکاری خود را با سازمان کم می‌کند، خود را شایسته هرگونه سوء استفاده از منابع سازمانی می‌داند و به رفتارهای انحرافی سازمانی^۴ رو می‌آورد (کرمی و همکاران، ۲۰۱۶). در عصر حاضر ماهیت کار به گونه‌ای است که کارکنان ناچارند زمان زیادی را با دیگر اعضای سازمان صرف کنند. اگر چه کار تیمی و همکاری با دیگر اعضای سازمان مزایای متعددی دارد، روابط بین فردی همیشه نتایج مثبت ندارد (چانگ و یانگ^۵، ۲۰۱۷) و می‌تواند عدم ارتباط و طردشدگی در محیط کار^۶ را به دنبال داشته باشد. عدم ارتباط و طردشدگی در محیط کار به دلیل آثار منفی که هم بر سازمان و هم بر افراد تحمیل می‌کند به یک نگرانی عمومی در جهان تبدیل شده است (رابینسون، اوریلی و وانگ^۷، ۲۰۱۳). ادراک طردشدگی حالتی است که شخص احساس می‌کند توسط مدیر یا همکاران در محیط کار نادیده گرفته شده است و می‌تواند شامل رفتارهای اجتناب از تعامل چشمی، بی‌اعتنایی کردن، بی‌محلی کردن، و سرد برخورد کردن باشد (ارشدی، پیریایی و زارع، ۲۰۱۲). نوع دیگر طردشدگی استفاده از زبان، اصطلاحات خاص و رمزگونه

1. Porath & Pearson
2. Griffin
3. Laschinger, Leiter & Gilin
4. Workplace Deviant Behaviors
5. Chung & Yang
6. Workplace Ostracism
7. Robinson, O'Reilly & Wang

در محیط کاری است به طوری که فرد قادر به درک آنان نباشد (هیتلان و نوتل^۱، ۲۰۰۹). طردشدگی سازمانی به دو صورت هدفمند و بدون هدف رخ می‌دهد. در طردشدگی هدفمند فرد آگاهانه و با میل خود از مشارکت با دیگران اجتناب می‌کند زیرا ارتباط با آنها را برای خودش مضر می‌داند. علاوه بر این گروهی برای داشتن عملکرد بهتر، ممکن است افراد خاصی را طرد کند. طردشدگی بدون هدف زمانی اتفاق می‌افتد که افراد نسبت به طرد کردن دیگران از توجه و تعامل اجتماعی، آگاه نباشند و افراد سهواً اقدام به طرد دیگران کنند. در واقع در طردشدگی بدون هدف، افراد بر اساس هنجارهای نانوشته و ناگفته‌ای رفتار می‌کنند که تعیین می‌کند در محیط‌های مختلف به چه افرادی باید توجه نمود و از چه افرادی باید چشم‌پوشی کرد (سامر، ویلیامز، سیاروکو و بامیستر^۲، ۲۰۰۱). از پیامدهای طردشدگی در محیط کار می‌توان به احساسات منفی ناراحتی و خشم، احساس تنهایی، عدم مشارکت در انجام وظایف گروهی، اضطراب اجتماعی، افسردگی، عزت نفس پایین، کاهش تمایل به ارتباطات آتی با گروه یا سازمان، بیماری‌های جسمانی مانند مشکلات گوارشی و سردرد، استنباط منفی نسبت به خود، دور و جدا افتادن از ارتباط با دیگران، عزت نفس پایین، احساس عدم شایستگی و لایق توجه نبودن، عدم کنترل، بی‌معنا شدن زندگی، خطرات احساسی، شناختی و انگیزشی برای فرد طرد شده، بروز عکس‌العمل‌های رفتاری مخرب مانند خشونت برای جلب توجه و کسب کنترل، کاهش تعهد سازمانی و رفتار شهروندی و عدم کارآیی عملکرد فرد اشاره کرد (توکلی، جمالی کاپک و خراسانی، ۲۰۱۵). مطالعات نشان می‌دهد که طردشدگی در محل کار با رفتارهای انحرافی، روان رنجوری و بدبینی سازمانی (صالحی صدقیانی، کرمی، قربانی پاجی، ۲۰۱۹)، خشنودی شغلی، عملکرد شغلی، رفتار شهروندی سازمانی و قصد ترک شغل (فریس، براون، برری و لیان^۳، ۲۰۰۸، خواجه پور، بشلیده و بهارلو، ۲۰۱۸؛ بشلیده، موسوی، خواجه پور و بهارلو، ۲۰۱۶)، بی‌نزاکتی سازمانی (کرمی، ضیاءالدینی، ناظر و کرمی، ۲۰۱۶)، رفتارهای انحرافی سازمانی و رفتارهای انحرافی بین فردی (ارشدی و همکاران، ۲۰۱۲؛ اسکات، تامز، شپرز و لی^۴، ۲۰۱۵) و کاهش تعلق سازمانی (هیتلان، کلافتون و دیسوتو^۵، ۲۰۰۶) رابطه دارد.

طردشدگی در محل کار سبب انزوای فرد شده و تمایل فرد را به ترک شغل افزایش می‌دهد. در صورتی که فرد نتواند شغلش را ترک کند احتمال بروز رفتارهای انحرافی سازمانی افزایش می‌یابد (رضایی

-
1. Hitlan & Noel
 2. Sommer, Williams, Ciarocco & Baumeister
 3. Ferris, Brown, Berry & Lian
 4. Scott, Tams, Schippers & Lee
 5. Hitlan

بادافشانی و همکاران، ۲۰۱۲). قصد ترک شغل^۱ به عنوان میل و اشتیاق آگاهانه برای ترک سازمان و استعفاء تعریف می‌شود که الزاماً به استعفا و ترک واقعی منجر نمی‌شود، بلکه به احتمال ترک رابطه با سازمان در آینده‌ای نزدیک اشاره دارد (طاهرلو، فضل‌زاده، صنوبر و فاریابی، ۲۰۱۷). البته کارکنان یک‌باره سازمان را ترک نمی‌کنند، بلکه تمایل به ترک شغل را به طور تدریجی در خود پرورش می‌دهند و پس از در نظر گرفتن همه شرایط اقدام به ترک شغل می‌کنند. دو نوع ترک خدمت اجباری و اختیاری وجود دارد. ترک اجباری به مواردی اطلاق می‌شود که کنترل آن در اختیار سازمان نیست. مثل بازنشستگی و از کار افتادگی، مرگ و میر، انتقالی به دلیل شرایط خاص زندگی کارکنان. ترک اختیاری به مواردی اطلاق می‌شود که علت آن عموماً به مسائل و موارد خود سازمان معطوف بوده و ناشی از شرایط موجود در سازمان است (تقی‌زاده مسن، پهلوانی فراهانی و هجر، ۲۰۱۷). همچنین باید بین ترک خدمت مطلوب و نامطلوب تمایز قائل شد، زیرا ترک خدمت کارکنانی که عملکرد مناسبی دارند برای سازمان یک ضایعه است در حالی که ترک خدمت کارکنانی که نمی‌توانند خود را با اهداف و سیاست‌های راهبردی سازمان تطبیق دهند در راستای منافع سازمان است (احمدی و قدرتیان، ۲۰۱۲). با افزایش رقابت و گسترش روش‌های توسعه منابع انسانی، سازمان‌ها همواره از این مسئله بیم دارند که سرمایه‌های انسانی خود را از دست بدهند و زیان ببینند، زیرا هر سازمان برای آموزش، تربیت و آماده سازی کارکنان خود تا مرحله بهره‌وری و کارایی مطلوب، هزینه‌های بسیاری را صرف می‌کند (کلاته سیفری، کوزه‌چیان، احسانی و حسینی، ۲۰۱۴). از دست دادن نیروهای متخصص و ارزشمند هزینه‌های مربوط به پست بلاتصدی، هزینه‌های استخدام و آموزش کارکنان جدید، هزینه‌های بهره‌وری پایین کارکنان تازه استخدام و هزینه اشتباهات احتمالی کارکنان تازه وارد را بر سازمان تحمیل می‌کند (بامری و ناستی‌زایی، ۲۰۱۶). کرمپور، احمدی، صفری کهره و اسداللهی دهکردی (۲۰۱۳) با بررسی پیشینه علل تمایل به ترک شغل دریافتند که عوامل عدم ارتقای شغلی، عدم توجه کافی به کارهای کارشناسی افراد، پایین بودن میزان حقوق و مزایا، عدم شایسته سالاری و ارجحیت رابطه بر ضابطه، تغییرات مداوم مدیریتی، نبود سیستم مناسب پاداش، توزیع غیرهمگن امکانات، عدم توجه به سوابق کاری افراد، فقدان استراتژی مناسب در حفظ و نگهداری کارکنان سازمان، عدم اطمینان از وضعیت‌های استخدامی، افزایش فشارهای روحی و توقعات بی‌جا، عدم رضایت شغلی، کنترل و نظارت بیش از حد، ناعادلانه و نامتوازن بودن واگذاری کار، نبود وضعیت کاری سالم و ایمن، ناهمگونی رشته تحصیلی و شغل، فقدان آموزش‌های لازم یا آموزش‌های غیرکاربردی، بی‌کفایتی مدیران، نبود انسجام اجتماعی در سازمان، رقابت منفی و ناسالم، ناتوانی در

ابراز وجود، مشکلات شخصی و فردی و مقررات دست و پاگیر می‌توانند در قصد ترک شغل نقش داشته باشند.

پرداختن به موضوع پردشدگی در محیط کار به این دلایل اهمیت دارد که طرد شدن از سوی دیگران و آزارهای دردناک و منفی است. کارکنان طردشده به احتمال زیاد دچار افسردگی و اضطراب و آزرده‌گی روانی خواهند شد (فریس و همکاران، ۲۰۰۸). افرادی که طرد می‌شوند در مقایسه با دیگران حمایت اجتماعی کمتری را تجربه می‌کنند و با توجه به این که حمایت اجتماعی منبع مهمی برای مبارزه با شرایط فشارزاست، چنین شرایطی می‌تواند سلامت آنان را تهدید نماید. علاوه بر این طرد شدن نه تنها حمایت اجتماعی بلکه اشکال محسوس‌تر حمایت را نیز از بین می‌برد، مانند شرایط فشارزایی که می‌تواند با بی‌اعتنایی از سوی همکاران تشدید شود که پیامد پردشدگی در محیط کار می‌تواند بروز رفتارهای بی‌نزاکتی و قصد ترک شغل باشد. بر خلاف دیگر رفتارهای انحرافی در محیط کار، مثل پرخاشگری، اغلب سازمان‌ها به بی‌نزاکتی توجه نمی‌کنند و این گونه رفتارها را رفتارهای گذرا و کوچکی می‌دانند که نیازی به مداخله ندارد در حالی که بی‌نزاکتی در محیط کار تأثیرات منفی زیادی بر سلامت کارکنان، رفتارهای کاری و نگرش‌های شغلی دارد. یکی دیگر از دلایل اهمیت توجه به بی‌نزاکتی در محیط کار، شدیدتر شدن چنین رفتارهایی است. بی‌نزاکتی ممکن است به خشونت بیشتر منجر شود و به یکی از ویژگی‌های جو سازمانی تبدیل گردد. تعاملات بی‌ادبانه، ناهماهنگی را افزایش می‌دهد و هزینه‌های فردی، گروهی و سازمانی زیادی را تحمیل می‌کند (رضایی بادافشانی و همکاران، ۲۰۱۲). انحرافات کاری معلمان پدیده‌ای قابل تأمل در مدارس است به طوری که مدارس شاهد انواع انحرافات کاری معلمان از جمله انحرافات فرایندی (هدر دادن وقت کلاس، تأخیر در ورود به کلاس، اتمام زود هنگام کلاس، غیبت بیش از حد، سرپیچی از قوانین، برخورد سلیقه‌ای با دانش‌آموزان، ارزیابی سوگیرانه دانش‌آموزان، بی‌توجهی به دانش‌آموزان ضعیف، عدم همکاری و هماهنگی با همکاران و عوامل مدرسه، ارتباط با اولیا بدون اطلاع مدرسه، عدم جدیت و بی‌دقتی در انجام وظایف، حضور فیزیکی در سر کار ولی درگیری‌های ذهنی غیر کاری، پرخاشگری و تنبیه بدنی)، انحرافات سیاسی (دادن اطلاعات نامناسب، زیر آب زنی و افشای اطلاعات محرمانه)، انحرافات مالی (رشوه گرفتن از دانش‌آموزان یا اولیا، سو استفاده از مقام و موقعیت خود، تساهل در نگهداری اموال مدرسه) و انحرافات میان فردی (غیبت کردن پشت سر همکاران، درگیری لفظی با همکاران، برچسب زدن به همکاران، با طعنه و کنایه حرف زدن و تیکه انداختن) هستند (رفیعی و برقی، ۲۰۱۸). گذشته از این موارد، معلمان به عنوان الگوی دانش‌آموزان مطرح هستند و بروز رفتارهای بی‌نزاکتی از جانب معلمان پدیده‌ای بسیار ناخوشایند خواهد بود. از این رو

بررسی موضوع رفتارهای بی‌نزاکتی و علل بروز آن در مدارس می‌تواند حائز اهمیت باشد. با افزایش رقابت و گسترش روش‌های توسعه منابع انسانی، سازمان‌ها تلاش می‌کنند کارکنان مستعد خود را حفظ کرده و آنان را برای بهبود کیفیت کاری که انجام می‌دهند، توانمند کنند، اما سازمان‌ها همواره از این مسئله بیم دارند که سرمایه‌های انسانی خود را از دست بدهند و زیان ببینند. زیرا هر سازمانی برای آموزش، تربیت و آماده‌سازی کارکنان خود تا مرحله بهره‌دهی و کارآیی مطلوب، هزینه‌های بسیاری را صرف می‌کند و با از دست دادن نیروهای ارزشمند، متحمل از دست دادن مهارت‌ها و تجربه‌هایی می‌شوند که طی سال‌ها تلاش به دست آمده است. به همین دلیل تمایل کارکنان به ترک خدمت یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مدیریت منابع انسانی شده است. از این رو سازمان‌هایی که بتوانند دلایل و عوامل مؤثر در تمایل به ترک شغل کارکنان را درک کنند، خواهند توانست پیش از ترک سازمان توسط کارکنان سیاست‌ها و روش‌های مؤثری را برای حفظ و نگهداری منابع انسانی کارآمد به کار گیرند (فرهادی، موحدی، نعلچی، دارایی و محمدزادگان، ۲۰۱۳). تمایل به ترک خدمت در معلمان ایرانی در سطح بالایی قرار دارد. بر اساس یافته‌های احمدی، رضازاده شیرزاد و صادقی (۲۰۱۴) ۹۶ درصد معلمان تمایل به ترک خدمت از سازمان آموزش و پرورش داشته‌اند. همچنین ۸۰ درصد تمایل به انتقال به سایر سازمان‌ها را داشته‌اند. ۴۰/۱ درصد معلمان فقدان رضایت از حقوق و مزایا، ۳۰/۹ درصد فقدان رضایت از ارتقاء و پیشرفت، ۲۴/۷ درصد فقدان رضایت از شایسته سالاری و ۵۳/۷ درصد عدم رضایت شغلی را علل تمایل به ترک خدمت معرفی کرده بودند. سازمان آموزش و پرورش نیز با از دست دادن معلمان با انگیزه و خبره خویش متحمل هزینه‌های جبران ناپذیر شده که این موضوع اثربخشی سازمان آموزش و پرورش به طور عام و مدارس به طور خاص را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. معلمان که به عنوان اصلی‌ترین عنصر فرآیند یاددهی و یادگیری مطرح هستند می‌توانند با داشتن سطح بالایی از انگیزه، روحیه و اشتیاق، اثربخشی نظام آموزشی را تضمین کنند اما معلمانی که تمایل بیشتری به قصد ترک شغل خود را دارند از اشتیاق شغلی کمتری برخوردار بوده، ارتباطاتی سرد با دانش‌آموزان، همکاران و اولیای دانش‌آموزان برقرار می‌کنند، از بهداشت روانی پایین‌تری برخوردارند، استرس هیجانی و فرسودگی بیشتری را تجربه می‌کنند که تمام این موارد می‌تواند اثربخشی مدرسه را کاهش دهد (دباشی، نوری، عریضی و دیباجی، ۲۰۱۶). از این رو پرداختن به علل قصد ترک شغل معلمان حایز اهمیت خواهد بود. همچنین باید یادآور شد که پژوهش‌های اندکی در رابطه با طردشدگی و پیامدهای آن در سازمان‌های ایرانی و به ویژه سازمان آموزش و پرورش و معلمان تربیت بدنی انجام شده است. پدیده طرد شدن از سوی دیگران، کارکنان یا گروه‌های منسجم، به خصوص در میان افراد تازه وارد، منجر به ایجاد احساسات ناخوشایند و سوء رفتارهای کاری در کارکنان سازمان می‌شود که معلمان نیز از این قاعده مستثنی

نیستند. این احساس طردشدگی می‌تواند ذهن معلم را مدتی به خود مشغول کند و چنانچه این رفتار و در نتیجه چنین احساسی تداوم داشته باشد سلامت روانی وی را تحت تأثیر خود قرار دهد و در نهایت ممکن است به رفتارهای ناهنجاری از سوی معلم ختم گردد که برای مدرسه قابل قبول نباشد. از این رو مطالعه طردشدگی معلم در محل کار و پیامدهای آن از جمله بی‌نزاکتی سازمانی و قصد ترک شغل بسیار حائز اهمیت خواهد بود. با توجه به مطالب فوق سؤال اصلی پژوهش این است که آیا طردشدگی در محیط کاری بر بی‌نزاکتی سازمانی با نقش میانجی قصد ترک شغل معلمان تربیت بدنی تأثیر مثبت و معناداری دارد؟

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش پژوهشی توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش کلیه معلمان تربیت بدنی منطقه سیستان از توابع استان سیستان و بلوچستان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به حجم ۲۵۶ نفر (۱۳۰ مرد و ۱۲۶ زن) بود. از آنجا که حجم جامعه آماری بر حسب جنسیت و شهرهای منطقه سیستان یکسان نبود به شیوه نمونه‌گیری تصادفی-طبقه‌ای (بر حسب جنسیت و شهر) و بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۱۵۴ معلم (۷۸ مرد و ۷۶ زن) به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفت (جدول ۱).

جدول ۱- اطلاعات جامعه و نمونه آماری معلمان تربیت بدنی

	جامعه آماری			نمونه آماری		
	مرد	زن	کل	مرد	زن	کل
زابل	۵۰	۶۲	۱۱۲	۳۰	۳۷	۶۷
زهک	۲۰	۱۸	۳۸	۱۲	۱۱	۲۳
نیمروز	۲۶	۱۷	۴۳	۱۶	۱۰	۲۶
هیرمند	۱۶	۱۸	۳۴	۹	۱۱	۲۰
هامون	۱۸	۱۱	۲۹	۱۱	۷	۱۸
کل	۱۳۰	۱۲۶	۲۵۶	۷۸	۷۶	۱۵۴

برای جمع‌آوری اطلاعات از سه پرسش‌نامه استفاده شد: الف) پرسش‌نامه طردشدگی در محیط کار (هیتلان و نوئل، ۲۰۰۹): پرسش‌نامه دارای ۱۷ گویه و سه بعد طرد از سوی سرپرست (۵ گویه)، طرد از سوی همکاران (۷ گویه) و طرد توسط زبان محاوره‌ای (۵ گویه) است. پرسش‌نامه بر اساس

مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم تنظیم شده است. نمره‌گذاری پرسش‌نامه از ۱ = کاملاً مخالفم تا ۵ = کاملاً موافقم است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ در مطالعه هیتلان و نوئل (۲۰۰۹) برای طرد توسط سرپرست ۰/۷۵، طرد توسط همکاران ۰/۷۶، طرد توسط زبان محاوره ۰/۷۵، در مطالعه ارشدی و همکاران (۲۰۱۱) برای طرد توسط سرپرست ۰/۸۲، طرد توسط همکاران ۰/۷۶، طرد توسط زبان محاوره ۰/۷۸، و در این مطالعه برای مقیاس کل طردشدگی در محل کار ۰/۹۱، طرد از سوی سرپرست ۰/۷۰، طرد از سوی همکاران ۰/۸۱ و طرد توسط زبان محاوره‌ای ۰/۸۵ به دست آمد.

ب) پرسش‌نامه بی‌نزاکتی در محل کار (هاندوو، سامیان، سیاریفاه و سوهاریادی، ۲۰۱۸): پرسش‌نامه دارای ۲۷ گویه و ۵ بعد دخالت در امور شخص (۶ گویه)، رها کردن (۷ گویه)، روابط غیردوستانه (۵ گویه)، بی‌ملاحظگی (۴ گویه) و دخالت در حریم خصوصی (۵ گویه) است. پرسش‌نامه بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد تنظیم شده است. نمره‌گذاری پرسش‌نامه از ۱ = خیلی کم تا ۵ = خیلی زیاد است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ در مطالعه طراحان پرسش‌نامه (هاندوو و همکاران، ۲۰۱۸) برای مقیاس کل بی‌نزاکتی سازمانی ۰/۹۴، دخالت در امور شخص ۰/۸۶، رها کردن ۰/۸۵، روابط غیردوستانه ۰/۸۰، بی‌ملاحظگی ۰/۸۰ و دخالت در حریم خصوصی ۰/۷۲ و در این مطالعه برای مقیاس کل بی‌نزاکتی سازمانی ۰/۹۷، دخالت در امور شخص ۰/۸۵، رها کردن ۰/۸۹، روابط غیردوستانه ۰/۹۲، بی‌ملاحظگی ۰/۸۲ و دخالت در حریم خصوصی ۰/۹۵ به دست آمد.

ج) پرسش‌نامه قصد ترک شغل (کیم و لیونگ، ۲۰۰۷): پرسش‌نامه تک مؤلفه‌ای با سه گویه است. پرسش‌نامه بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد تنظیم شده است. نمره‌گذاری پرسش‌نامه از ۱ = خیلی کم تا ۵ = خیلی زیاد است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ در مطالعه بامری و ناستی‌زایی (۲۰۱۷) ۰/۸۶ و در این مطالعه ۰/۹۲ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، کشیدگی و چولگی) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری) با کمک نرم‌افزارهای لیزرل و SPSS21 استفاده شد.

-
1. Handoyo, Samian, Syarifah & Suhariadi
 2. Kim & Leung

نتایج

وضعیت دموگرافیکی آزمودنی‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- اطلاعات جمعیت‌شناسی معلمان تربیت‌بدنی مورد مطالعه

متغیر	فراوانی (درصد)	متغیر	فراوانی (درصد)
جنسیت	مرد ۷۸ (۵۰/۶)	دیپلم و فوق دیپلم	۱۱ (۷/۲)
	زن ۷۶ (۴۹/۴)	کارشناسی	۱۰۶ (۶۸/۸)
تأهل	مجرد ۵۲ (۳۳/۸)	کارشناسی ارشد	۳۷ (۲۴)
	متأهل ۱۰۲ (۶۶/۲)	ابتدایی	۶۸ (۴۴/۲)
سنوات خدمت	۱ تا ۱۰ سال ۷۶ (۴۹/۴)	متوسطه اول	۶۶ (۴۲/۸)
	۱۱ تا ۲۰ سال ۵۵ (۳۵/۷)	متوسطه دوم	۲۰ (۱۳)
	بالای ۲۰ سال ۲۳ (۱۴/۹)	وضعیت رسمی	۱۰۹ (۷۰/۸)
		استخدامی پیمانی/قراردادی	۴۵ (۲۹/۲)

در بررسی توصیفی متغیرهای پژوهش از میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی استفاده شد که یافته‌های آن در جدول ۳ گزارش شده است:

جدول ۳- میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
طردشدگی در محیط کار (کل)	۲/۲۱	۰/۷۳	۰/۶۱	-۰/۲۵
طرد از سوی سرپرست	۲/۱۹	۰/۸۱	۰/۵۹	-۰/۰۱
طرد از سوی همکاران	۲/۳۹	۰/۷۲	۰/۱۷	-۰/۰۷
طرد توسط زبان محاوره‌ای	۲/۰۵	۰/۹۵	۰/۹۱	۰/۰۱
بی‌نزاکتی سازمانی (کل)	۱/۷۳	۰/۸۹	۱/۳۶	۱/۰۳
دخالت در امور شخص	۱/۷۷	۰/۹۵	۱/۲۲	۰/۷۳
رها کردن شخص	۱/۷۴	۰/۸۹	۱/۲۴	۰/۸۴
روابط غیردوستانه	۱/۷۳	۱/۰۱	۱/۴۵	۱/۲۹
بی‌ملاحظگی	۱/۷۸	۰/۹۶	۱/۱۰	۰/۱۶
دخالت در حریم خصوصی	۱/۶۵	۰/۹۵	۱/۴۷	۱/۲۲
قصد ترک شغل (کل)	۱/۶۱	۱/۰۶	۱/۷۸	۱/۹۹

در مدل‌یابی علی، توزیع متغیرها باید نرمال باشد. در این حالت مقدار چولگی و کشیدگی متغیرها باید بین $+2$ و -2 باشد. با توجه به یافته‌های جدول ۳ قدر مطلق چولگی و کشیدگی تمام متغیرها متناسب با استاندارد مورد نظر است. بنابراین پیش‌فرض مدل‌یابی علی یعنی نرمال بودن تک متغیری برقرار است. همچنین قبل از طراحی مدل معادلات ساختاری فرض ارتباط بین متغیرهای پژوهش از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد (جدول ۴).

جدول ۴- ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	طرد از سوی سرپرست	طرد از سوی همکاران	طرد توسط زبان محاوره‌ای	طردشدگی در محیط کار (کل)	قصد ترک شغل (کل)
بی‌نزاکتی سازمانی (کل)	۰/۴۵	۰/۵۱	۰/۵۹	۰/۶۰	۰/۳۶
دخالتمرکز در امور شخص	۰/۳۶	۰/۴۷	۰/۴۹	۰/۵۱	۰/۳۳
رها کردن شخص	۰/۴۱	۰/۴۹	۰/۵۳	۰/۵۵	۰/۳۱
روابط غیردوستانه	۰/۴۳	۰/۴۸	۰/۶۱	۰/۵۸	۰/۳۴
بی‌ملاحظگی	۰/۴۷	۰/۵۲	۰/۵۶	۰/۵۹	۰/۳۵
دخالتمرکز در حریم خصوصی	۰/۴۸	۰/۴۵	۰/۵۹	۰/۵۸	۰/۳۸
قصد ترک شغل (کل)	۰/۲۶	۰/۳۲	۰/۴۱	۰/۳۸	۱

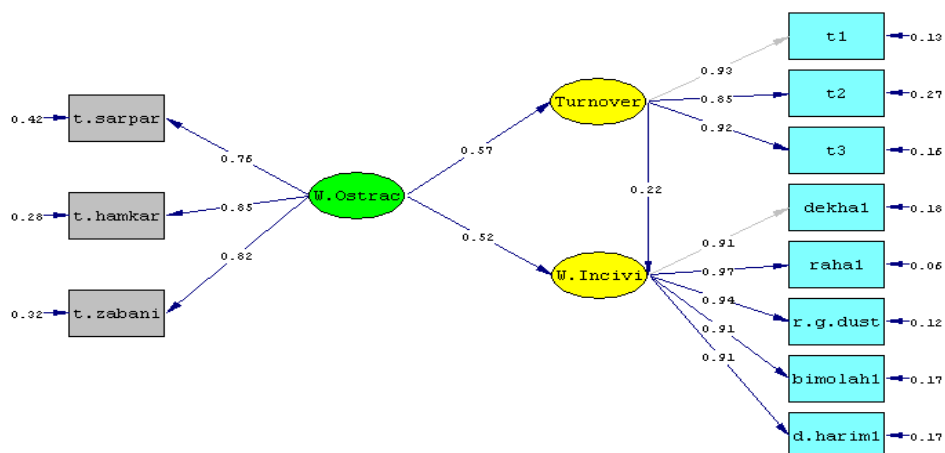
*تمام ضرایب در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار هستند

بر اساس یافته‌های جدول ۴ مقدار ضریب همبستگی طردشدگی در محل کار با بی‌نزاکتی سازمانی و قصد ترک شغل به ترتیب ۰/۶۰ و ۰/۳۸ و مقدار ضریب همبستگی بین قصد ترک شغل و بی‌نزاکتی سازمانی ۰/۳۶ به دست آمد که مثبت و معنادار بودند ($P < 0/01$). همچنین قبل از بررسی فرضیات پژوهش به برازش مدل پرداخته شد. اندازه برازش مدل در تعیین ارتباط متغیرهای آشکار و متغیرهای پنهان استفاده می‌شود (جدول ۵).

جدول ۵- شاخص‌های برازش مدل نظری پژوهش

نسبت خی‌دو به درجه آزادی (χ^2/df)	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	ریشه میانگین مربعات باقیمانده (RMR)	نیکوئی برازش (GFI)	مقدار مطلوب
<۳	<۰/۰۸	>۰/۹	<۰/۰۵	>۰/۹	مقدار به دست آمده
۲/۸۳	۰/۰۷	۰.۹۷	۰/۰۳	۰/۹۱	

نتایج برازش مطابق با استانداردهای تعیین شده جدول ۵ مناسب بوده است. لذا به طراحی مدل معادلات ساختاری پرداخته شد. در شکل ۱ کلیه روابط متغیرهای پنهان و بارهای عاملی هر یک از گویه‌ها نشان داده شده است.



$\chi^2 = 116.05$; $df = 41$; $\chi^2/df = 2.83$; CFI= 0.97; IFI= 0.97; RMR=0.037; GFI=0.91, RMSEA= .078

شکل ۱- مدل برازش شده تحقیق (ضرایب استاندارد)

در جدول ۶ اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها برای بررسی فرضیات پژوهش آورده شده است.

جدول ۶- اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها

result	t	total effect	indirect effect	direct effect	path
تأیید	۵/۶۲	۰/۶۴۵	۰/۱۲۵	۰/۵۲	بی‌نزاکتی سازمانی
تأیید	۶/۷۸	۰/۵۷		۰/۵۷	قصد ترک شغل
تأیید	۲/۵۸	۰/۲۲		۰/۲۲	بی‌نزاکتی سازمانی

با توجه به مدل به دست آمده (شکل ۱) و جدول ۶ می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که طردشدگی در محیط کار هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم از طریق میانجیگری قصد ترک شغل بر بی‌نزاکتی سازمانی اثر مثبت و معنادار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف بررسی تأثیر طردشدگی در محیط کار بر بی‌نزاکتی سازمانی با نقش میانجی قصد ترک شغل انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که طردشدگی در محل کار بر بی‌نزاکتی سازمانی تأثیر مثبت و معنادار دارد. این یافته با نتایج ارشدی و همکاران (۲۰۱۲)، اسکات، تامس، شپیپرز و لی^۱ (۲۰۱۵)، رایبسنسون و همکاران (۲۰۱۳)، ارشدی و همکاران (۲۰۱۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که هنگامی که معلم تربیت بدنی احساس می‌کند که در محیط مدرسه توسط مدیر و یا همکاران نادیده گرفته می‌شود، مورد بی‌اعتنایی، بی‌مهری و بی‌محلی قرار می‌گیرد، در تعاملات با وی سرد برخورد می‌شود و در واقع به وی احساس طردشدگی در محیط کار دست می‌دهد، در چنین حالتی وی خود را شایسته هرگونه رفتار تلافی‌جویانه می‌داند و در نتیجه تمایل وی به سمت رفتارهای انحرافی سازمانی و از جمله بی‌نزاکتی سازمانی افزایش پیدا می‌کند. بی‌نزاکتی سازمانی بخشی از رفتارهای انحرافی کارکنان است که به گونه‌ای عمدی و با قصد تلافی ناشی دراک طردشدگی در محل کار توسط اعضای سازمان انجام می‌شود. در واقع هنگامی که یکی از اعضای سازمان خود را عضو گروه بیگانه تلقی کند و احساس کند از سوی سرپرست یا همکارانش طرد شده است نیاز به تعلق و دوست داشته شدن در وی برآورده نمی‌شود و این وضعیت به وقوع پیامدهای منفی، همچون افزایش سطح رفتارهای انحرافی از جمله بی‌نزاکتی سازمانی می‌انجامد (هیتلان و همکاران، ۲۰۰۶).

1. Scott, Tams, Schippers & Lee

همچنین نتایج نشان داد که پردشدگی در محیط کار بر قصد ترک شغل تأثیر مثبت و معنادار دارد. این یافته با نتایج اسکات (۲۰۰۷)، فریس و همکاران (۲۰۰۸)، خواجه پور و همکاران (۲۰۱۸)، بشلیده و همکاران (۲۰۱۶) همسو است. در تبیین این یافته باید گفت در حالت پردشدگی، معلم تربیت بدنی احساس می‌کند که توسط مدیر یا همکاران در محیط کار نادیده گرفته می‌شود و این نادیده گرفتن شدن شامل تجربه‌هایی از قبیل اجتناب از تعامل چشمی، دوری از فرد، بی‌اعتنایی کردن، بی‌محلگی کردن و سرد برخورد کردن، است. در نتیجه معلم احساس بیگانه بودن در آن گروه کاری را می‌کند و جوی غیردوستانه را تجربه می‌کند. در چنین حالتی قصد و تمایل معلم تربیت بدنی برای ترک شغل یا جابه‌جایی محل کار افزایش می‌یابد. همچنین شیوه تعامل مدیر مدرسه با معلمان هنگامی که آنان را به عنوان اعضای گروه خودی در نظر می‌گیرد، نسبت به زمانی که به آنان به عنوان اعضای گروه بیگانه می‌نگرد، متفاوت است. تعامل با کیفیت پایین و فقدان اعتماد و حمایت زمانی روی می‌دهد که مدیر مدرسه، معلم را به عنوان عضو گروه بیگانه در نظر بگیرد. چنین برخوردی سبب می‌شود تا معلم احساس پردشدگی را تجربه کند و در نتیجه تمایل بیشتری برای ترک شغل و یافتن شغل جدید خواهد داشت.

نتایج همچنین نشان داد که قصد ترک شغل بر بی‌نزاکتی سازمانی تأثیر مثبت و معنادار دارد. این یافته با نتایج گل میمی، فیاض و نصری (۲۰۱۹)، گریفین (۲۰۱۰) و لاسچینگر و همکاران (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در قصد ترک شغل این احتمال وجود دارد که معلم احساس کند که در محیط مدرسه با وی به طور شایسته و عادلانه‌ای برخورد نشده است و مورد بی‌محلگی و بی‌مهری قرار گرفته است. این احساس بی‌عدالتی آغازگر بسیاری از عواطف منفی چون نگرانی، ترس، تنفر و عصبانیت در محیط مدرسه می‌شود و سبب می‌شود که معلم با قصد و غرض و عمدانه دست به رفتارهای انحرافی و تلافی‌جویانه از قبیل اتلاف مواد و منابع مدرسه، بدگویی از مدرسه، عدم متابعت، برهم ریختن نظم و فضای محیط کار، عدم مشارکت در توزیع اطلاعات لازم با مدیر و معلمان، کم‌کاری و انجام کارهای شخصی در زمان حضور بر سرکار بزند. همچنین رابطه قصد ترک شغل با رفتارهای انحرافی سازمانی از جمله بی‌نزاکتی را می‌توان طبق نظریه قرارداد روان‌شناختی توضیح داد. قرارداد روان‌شناختی یک قرارداد غیررسمی و مبتنی بر اعتقادات و باورهای افراد در مورد تعهدات متقابل میان آنها و سازمان است. ویژگی عمده قرارداد روان‌شناختی این باور فرد است که توافق وقتی وجود دارد که متقابل باشد. از آن جا که افراد در انتخابها و تلاش‌های بعدی بر درک خویش از این توافق تکیه می‌کنند، از پایبندی به تعهدات متقابل منابعی را کسب می‌کنند و انتظار دارند اگر طرف دیگر نتواند مطابق با تعهداتش عمل کند، متحمل خساراتی شود. در حالت

قصد ترک شغل، معلم احساس می‌کند که مدرسه و همکاران با عمل نکردن به وعده‌های خود در قبال وی، مرتکب نقض قراردادهای روان‌شناختی شده است و در نتیجه به خودش اجازه می‌دهد که مرتکب رفتارهای انحرافی سازمانی شود.

در نهایت یافته‌های تحقیق نشان داد که پردشدگی در محیط کار بر بی‌نزاکتی سازمانی با میانجیگری قصد ترک شغل تأثیر مثبت و معنادار دارد. این یافته با نتایج ارشدی و همکاران (۲۰۱۲)، اسکات و همکاران (۲۰۱۵)، رابینسون و همکاران (۲۰۱۳)، فریس و همکاران (۲۰۰۸)، خواجه پور و همکاران (۲۰۱۸)، بشلیده و همکاران (۲۰۱۶) گل میمی، فیاض و نصری (۲۰۱۹)، ارکتلو و چفرا (۲۰۱۳) و لاسچینگر و همکاران (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که پردشدگی معلم در محیط مدرسه موجب می‌شود که وی احساس چشم‌پوشی، محرومیت و نادیده گرفتن را داشته باشد، از مشارکت در انجام اقداماتی که سایر همکاران مدرسه در آن درگیر هستند محروم شود، مدیر و یا سایر معلمان اطلاعات مهم و ضروری را از وی پنهان کنند و حتی در گفتگوهای روزمره خویش با یکدیگر به گونه‌ای یا به زبانی صحبت کنند و یا از اصطلاحات خاص و رمزگونه‌ای استفاده نمایند که وی قادر به درک آنان نباشد. این ادراک پردشدگی، توانایی معلم را در برقراری و نگهداشت روابط مثبت کاهش می‌دهد و فرد خود را در محیط مدرسه اضافی احساس می‌کند و در نتیجه تمایل وی به ترک آن جو منفی و تقاضای انتقال به مدرسه‌ای دیگر افزایش پیدا می‌کند. از آن جا که در حالت قصد ترک شغل معلم احساس می‌کند که مدیر و سایر معلمان با وی رفتاری شایسته نداشته‌اند درصدد انتقام‌جویی و تلافی برآید. در واقع این ادراک پردشدگی و قصد ترک شغل می‌تواند ذهن معلم را مدتی به خود مشغول داشته و منجر به بروز رفتارهای انحرافی از جمله بی‌نزاکتی سازمانی از سوی وی شود. پردشدگی در محیط کار موجب جدا افتادن از ارتباط با دیگران و احساسات منفی به خود، دیگران و سازمان، کاهش تعاملات اجتماعی می‌گردد. کارکنان پردشده اغلب دچار عدم ثبات احساسی و کاهش روحیه مثبت می‌شوند که این عامل موجب احساس ناراحتی، استرس، خشم، خجالت و بی‌حسی عاطفی گردد (رستگار، باقری قره بلاغ و جباری، ۲۰۱۹). این احساسات منفی نسبت به سازمان می‌تواند قصد و تمایل فرد برای ترک شغل را افزایش دهد. در حالت قصد ترک شغل، کارکنان احساس می‌کنند که سازمان نظریه مبادله اجتماعی را زیر پا گذاشته است و در نتیجه درصدد تلافی خواهند بود. طبق نظریه مبادله اجتماعی ارتباط مبادله‌ای بین دو طرف معمولاً فراتر از مبادله اقتصادی است و شامل تعاملات اجتماعی نیز می‌شود. از دیدگاه پژوهشگران سازمانی، ارتباط بین کارکنان و مدیران فقط از منابعی مانند پول، خدمات و اطلاعات نشأت نمی‌گیرد، بلکه شامل منابع شخصی و احساسی مانند تأیید، احترام و حمایت می‌شود. در طول زمان میزان ادراک کارکنان از حمایت و عدالت سازمانی، در آنها احساس الزام جبران این حمایت و

عدالت را ایجاد می‌کند (سلطانی، نجات، خمویی و پسندیده، ۲۰۱۸). اما از آن جا که در قصد ترک شغل فرد احساس بی‌عدالتی و عدم حمایت سازمانی می‌کند این احتمال وجود دارد که به قصد تلافی و عامدانه دست به رفتارهای انحرافی می‌زند.

در مجموع یافته‌های این مطالعه نشان داد که پردشدگی در محل کار هم به طور مستقیم و هم به طور غیر مستقیم و از طریق میانجیگری قصد ترک شغل بر بی‌نزاکتی سازمانی اثر مثبت و معنادار دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مدیریت مدرسه با ایجاد یک جو صمیمانه و همدلانه موجبات کاهش احساس پردشدگی و به تبع آن کاهش تمایل به ترک شغل و بروز بی‌نزاکتی سازمانی را برای معلمان فراهم کنند. در این راستا مدیریت مدرسه می‌تواند با احترام گذاشتن به معلمان، گوش دادن به حرف‌های آنها، برقراری و توسعه روابط مطلوب بین فردی، توسعه اعتماد بین فردی، درک متقابل، درک مشکلات محیط کار، همسو بودن، همدلی و همدردی مشترک یک جو صمیمانه را در محیط کار ایجاد کنند تا به فرد حس پردشدگی دست ندهد. همچنین مدیریت مدرسه در کیفیت تعاملات خود با کارکنان تجدید نظر کنند و از توجه بیش از حد به روابط تعاملی با کیفیت پایین و مبتنی بر منافع اقتصادی، سلسله مراتب اداری و روابط قراردادی پرهیز کند و با تأکید بر ارتباطات درون شبکه‌ای و شبکه سازی غیررسمی باعث افزایش همدلی در بین معلمان شود. همچنین مدیریت مدرسه می‌تواند با تأکید بر فعالیت‌های گروهی موجبات مشارکت تمام معلمان را فراهم آورد و از طرد شدن معلمان جلوگیری کند. علاوه بر این، از آن جا که یکی از ابعاد پردشدگی در محل کار، پردشدگی ناشی از زبان محاوره‌ای بود و با توجه به این که اهالی منطقه سیستان به زبان محلی تکلم می‌کنند، به مدیر مدرسه و معلمان پیشنهاد می‌شود در مواردی که معلمی در مدرسه مشغول به کار است که با زبان محلی مدیر و سایر معلمان آشنایی و تسلط ندارد، در مواقع حضور این معلم در جمع همکاران، به زبان رسمی صحبت کنند تا به معلم حس بیگانه بودن و نامحرم بودن دست ندهد و به سمت انزوای اجتماعی کشیده نشود. به سایر پژوهشگران انجام چنین مطالعه‌ای به صورت آمیخته (کمی و کیفی) پیشنهاد می‌شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان است. نویسندگان بر خود لازم می‌بینند از همه کسانی که در انجام هر چه بهتر این مطالعه همکاری داشتند و به ویژه معلمان تربیت بدنی مورد مطالعه تشکر نمایند.

منابع

1. Ahmadi, P., Rezazadeh Shiraz, F., & Sadeghi, F. (2014). Turnover Intentions of teachers with Higher Education Degrees. *The Journal of New Thoughts on Education*, 10(1): 74–96. (Persian)
2. Ahmadi, S.A.A., & Ghodrati, A.A. (2012). Investigating the factors affecting the sustainability of knowledge and elite human resources and presenting an operational model to increase its coefficient. *Human Resource Management in the Oil Industry*, 4(14): 84–59. (Persian)
3. Alias, M., Mohd Rasdi, R., Ismail, M., & Abu Samah, B. (2013). Predictors of Workplace Deviant Behaviour: HRD Agenda for Malaysian Support Personnel. *European Journal of Training and Development*, 37(2): 161–182. Andersson, L.M., & Pearson, C.M. (1999). Tit for tat? The spiraling effect of incivility in the workplace. *Academy of Management Review*, 24(3): 452–471.
4. Arab, N., Hashemi Sheykhshabani, E., & Beshlideh, K. (2013). Antecedents of Workplace Incivility: Investigating some Personal and Organizational Variables. *Journal of Psychology*, 17(3): 294–309. (Persian)
5. Arshadi, N., Piriaei, S., & Zare, R. (2012). The moderating role of personality traits on the relationship between perceived workplace exclusion and workplace deviance. *International Journal of Behavioral Sciences*, 6(3): 221–230. (Persian)
6. Bameri, M., & Nastiezaie, N. (2016). The Role of Spiritual, Moral and Organizational Intelligence on Intention to Job Leaving of School Principals. *Social Psychology Research*, 6(22): 67–95. (Persian)
7. Beshlideh, K., Mosavi, S.H., Khajepour, N., & Baharlou, M. (2016). Relationship between Workplace Ostracism and Job Outcomes: Moderating role of Psychological Capital. *Modern psychological research*, 10(40): 173–192. (Persian)
8. Chung, Y.W., & Yang, J.Y. (2017). The mediating effects of organization-based self-esteem for the relationship between workplace ostracism and workplace behaviors. *Baltic Journal of Management*, 12(2): 255–270.
9. Dabbashi, F., & Nouri, A. (2017). Predicting Employees' Turnover Intention by Individual, Occupational and Organizational factors. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 17(2): 45–54. (Persian)
10. Darkhor, S., Arshady, N., & Hashemi, E. (2018). Designing and testing a model of some outcomes of witnessing workplace incivility. *Social Psychology Research*, 7(28): 23–40. (Persian)
11. Farhadi, A., Movahedi, Y., Nalchi, M., Daraei, M., & Mohammadzadegan, R. (2013). The Relationship between Work-family Conflict, Burnout Dimensions and Intention to Leave among Female Nurses. *Iran Journal of Nursing*, 26(84): 34–43. (Persian)
12. Ferris, D.L., Brown, J., Berry, W.J., & Lian, H. (2008). The development and validation of workplace ostracism scale. *Journal of Applied Psychology*, 93(6): 1348–1366.

13. Golmeymi, M., Fayaz, B., & Nasri, F. (2019). Clarifying the Mediating Role of Organizational Commitment in the Relationship between Career Life Quality and Deviant Behaviors in the Faculty Members and Commanders of the Naval Academy Dispatched to Maritime Missions. *Journal of Teaching in Marine Sciences*, 5(4): 76–92. (Persian)
14. Golparvar, M., Javadian, Z., Vaseghi, Z., Mosaheb, M., Esmailian Ardestani, Z. (2014). The Interactional Role of Perceived Organizational Justice Dimensions on Retaliatory Behaviors. *Social Cognition*, 3(1): 73–86. (Persian)
15. Grandey, A., Cordeiro, B., & Crouter, A. (2005). A longitudinal and multisource test of the work-family conflict and job satisfaction relationship. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 78(3): 305–323.
16. Griffin, B. (2010). Multilevel relationships between organizational-level incivility, justice and intention to stay. *Work & Stress*, 24(4): 309–323.
17. Handoyo, S., Samian, Syarifah, D., & Suhariadi, F. (2018). The measurement of workplace incivility in Indonesia: evidence and construct validity. *Psychology Research and Behavior Management*, 11(C): 217–226.
18. Hashemi, S., Savadkouhi, S., Naami, A., & Beshlideh, K. (2018). Relationship between job stress and workplace incivility regarding to the moderating role of psychological capital. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 20(2): 103–112. (Persian)
19. Hitlan, R.T., & Noel, J. (2009). The influence of workplace exclusion and personality on counterproductive work behaviors: An interactional perspective. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 18(4): 477–502.
20. Hitlan, R.T., Clifton, R.J., & DeSoto, M.C. (2006). Perceived exclusion in the workplace: The moderating effects of gender on work-related attitudes and psychological health. *North American Journal of Psychology*, 8(2): 217–236.
21. Kalateh Seifari, M., Koozechian, H., Ehsani, M., & Hosseini, S.Y. (2014). Designing and providing a model for volunteer retention in student Sports: Case study of sports volunteers of Tehran province university. *Research on Educational Sport*, 2(6): 33–50. (Persian)
22. Karami, M., Zia Addini, M., Nazer, M., & Karami, N. (2016). The Relationship between perceived workplace exclusion with workplace Incivility in the medical staff of Rafsanjan University of Medical Sciences. *Community Health Journal*, 9(4): 72–80. (Persian)
23. Karampour, A., Ahmadi, H., Safari-Kahreh, M., & Asadolahi Dehkordi, E. (2013). Investigation and prioritization the causes factors of employees' turnover in the Mobin petrochemical corporation of Southern Pars. *Journal of Public Administration*, 5(3): 123–142. (Persian)
24. Khajepour, N., Beshlideh, K., & Baharlou, M. (2018). Relationship of Workplace Ostracism with Job Performance, Organizational Citizenship Behavior, Turnover Intention: Mediating Role of Job Satisfaction. *Journal of Psychological Achievements*, 24(2): 137–160. (Persian)

25. Kim, T.Y., & Leung, K. (2007). Forming and reacting to overall fairness: A cross-cultural comparison. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 104(1): 83–95.
26. Kishokumar, R. (2018). The impact of psychological contract on organizational citizenship behavior: An investigation on banking sector in Eastern Province, Sri Lanka. *Asian Journal of Economics, Business and Accounting*, 6(1): 1–13.
27. Laschinger, H.K., Leiter, M., Day, A., & Gilin, D. (2009). Workplace empowerment, incivility, burnout: Impact on staff nurse recruitment and retention outcomes. *Journal of Nursing Management*, 17(3): 302–311.
28. Lim, S., Cortina, L.M., & Magley, V.J. (2008). Personal and workgroup incivility: Impact on work and health outcomes. *Journal of Applied Psychology*, 93(1): 95–107.
29. Mehdad, A., & Najafiyani, M.R. (2017). Structural Relationship between Perceived Organizational Injustice with Workplace Incivility: Mediating Role of Anger. *Social Psychology Research*, 7(26): 1–18. (Persian)
30. Pearson, C.M. (2010). Research on workplace incivility and its connection to practice: In J. Greenberg (Ed.): *Insidious workplace behaviour*, (Pp: 149–174). New York: Routledge Academic.
31. Porath, C.L., & Pearson, C.M. (2010). The cost of bad behavior. *Organizational Dynamics*, 39(1): 64–71.
32. Rafiee, M., & Barghi, I. (2018). Identifying the Representations of the Deviant Workplace Behavior and Examining their Relationship with Organizational Justice and Quality of Supervision of Instruction programs in Schools. *Journal of School Administration*, 6(1): 189-205. (Persian)
33. Rastegar, A., Bagheri Garbollah, H., & Jabari, E. (2019). Reflection on The Role of Workplace Ostracism on Organizational Cynicism by Moderating Psychological Capital: The Military Industry, a Case study Abasali Rastegar. *Military Management*, 19(74): 31–52. (Persian)
34. Rezaei Badafshani, F., Nouri, A., & Arizi, H.R. (2012). Workplace Incivility and Turnover Intention: The Mediating Role of Organizational Justice. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 12(46): 40–50. (Persian)
35. Robinson, S.L., O'Reilly, J., & Wang, W. (2013). Invisible at work: An integrated model of workplace ostracism. *Journal of Management*, 39(1): 203–231.
36. Salehi Sadaghiani, J., Karami, H., & Ghorbani Paji, A. (2019). Effect of Perceived Dismissal on Deviant Behaviors of Employees with the Role of Organizational Pessimism Mediator and Neuroticism Moderator. *Police Management Studies Quarterly*, 14(2): 195–216. (Persian)
- Scott, K.D. (2007). [The development and test of an exchange-based model of interpersonal *exclusion*]. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements of the degree of Doctor of Philosophy in the College of Business and Economics at the University of Kentucky, Lexington, Kentucky, United States. Scott, K.L., Tams, S., Schippers, M.C., & Lee, K. (2015). Opening the black box: Why and when workplace exclusion affects social reconnection behaviour, health, and attitudes. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 24(2): 239–255.

37. Shiri, A., Yasini, A., & Saati, N. (2019). Orkplace Incivility Consequences: A Model for Hospital Environment. *Journal of Ilam University of Medical Sciences*, 26(6): 194–204. (Persian)
38. Soltani, M., Nejat, S., Khamoie, F., & Pasandidieh, P. (2018). Turnover Intention Antecedents (A study in a Public Hospital). *Organizational Culture Management*, 15(45): 551–573. (Persian)
39. Sommer, K.L., Williams, K.D., Ciarocco, N.J., & Baumeister, R.F. (2001). When silence speaks louder than words: explorations into the interpersonal and intrapsychic consequences of social ostracism. *Basic and Applied Social Psychology*, 23(4): 225–243.
40. Taghizadeh Mosan, M., Pahlavani Farahani, A., & Hejr, A. (2017). Investigating the main factors of dismissal of efficient and experienced employees from the perspective of human resources (Case study: one of the Iranian oil and gas drilling companies). *Oil and Gas Exploration and Production*, 13(152): 29–34. (Persian)
41. Taherlou, S., Fazlzadeh, A., Sanoubar, N., & Faryabi, M. (2017). The Effect of Person-Job Fit on Turnover Intention & Job Quality Improvement with the Mediating Role of Job Involvement: Evidence of Brokerage Industry. *Organizational Culture Management*, 15(44): 249–269. (Persian)
42. Tavakoli, A., Jamali, Sh., & Khorasani, V. (2015). Designing a Model of Organizational Ostracism in Selected Banks. *Public Administration Perspective*, 5(20): 15–43. (Persian)
43. Vantilborgh, T. (2014). Volunteers' reactions to psychological contract fulfillment in terms of exit, voice, loyalty, and neglect behavior. *International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 26(2): 604-628.
44. Yang, W., & Chao, L. (2016). How psychological contract breach influences organizational identification and organizational citizenship behavior: The mediating role of psychological capital. *American Journal of Industrial and Business Management*, 6(8): 922–930.

ارجاع‌دهی

شیخی، راضیه؛ ناستی‌زایی، ناصر. (۱۴۰۰). تأثیر طردشدگی در محیط کار بر بی‌نزاکتی سازمانی با نقش میانجی قصد ترک شغل معلمان تربیت بدنی منطقه سیستان. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹ (۲۴): ۸۶-۱۶۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2021.9742.1996

Sheykhi, R., Nastiezaie, N. (2021). The Effect of Workplace Ostracism on Workplace Incivility through the Mediating Role of Turnover Intention of Physical Education Teachers in Sistan Region. *Research on Educational Sport*, 9(24): 161-86 (Persian). DOI: 10.22089/RES.2021.9742.1996

Research Paper

Identifying Organizational Factors Affecting Student Participation in Recreational Sports Activities of the University

**H. Abdollahifar¹, A.M. Safania², M. Namazi Zadeh³,
Sh. Azad Fada⁴**

1. Professor Assistant of Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Damavand Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Professor of Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Associated Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
4. Professor Assistant of Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 2020/11/30

Accepted: 2021/02/28

Abstract

Taking appropriate measures to attract students to participate actively in recreational sports and to ensure their health requires a good knowledge of the effective factors in this regard. The aim of this study was to investigate the organizational factors affecting student participation in recreational sports activities of the university. This applied and qualitative study was conducted using the exploratory mixed and library methods. Semi-structured interviews were then conducted with 22 experts selected through purposive non-random sampling, aiming at saturation in data collection. In the second phase, the questionnaire was developed with 5 components and 24 items. Face validity was performed to confirm the questionnaire by the experts. The statistical population of the quantitative phase consisted of 381 educational managers of Islamic Azad University in different branches and was confirmed based on Morgan table and required sample size for factor analysis. Totally, 201 stratified random samples were selected. Delphi method was used for qualitative analysis of research variables. The data were analyzed using exploratory factor analysis (EFA), confirmatory factor analysis (CFA), goodness-of-fit (GOF) (Friedman) and Cronbach's Alpha. The results indicated that organizational factors influencing student participation in leisure activities of the university could be classified into five components: organization, facilities and infrastructures, financial resources, technology

1. Email: hadiabdollahifar@gmail.com

2. Email: a.m.safania@gmail.com

3. Email: drmnamazi@yahoo.com

4. Email: azadfada@yahoo.com

and media and planning, respectively. These results can help the authorities in formulating strategies and policies for recreational sports at the university.

Keywords: Islamic Azad University, Organizational Factors, Recreational Sports Activities, Sport Participation

Extended Abstract

Background and Purpose

Taking appropriate measures to attract students to participate actively in recreational sports and to ensure their health requires a good knowledge of the effective factors in this regard. The aim of this study was to investigate the organizational factors affecting student participation in recreational sports activities of Islamic Azad University and provide an appropriate model to increase student participation in these activities.

Materials and Methodology

The applied study was an exploratory one. Qualitatively, the participants included 22 staff managers in the field of sports, the officials of physical education in Islamic Azad university branches, expert faculty members in the research topic, who were selected through judgmental non-probability sampling method and semi-structured interview to reach theoretical saturation. In quantitative terms, the statistical population included 381 physical education officials from comprehensive, very large and large branches of Iranian Islamic Azad Universities selected based on appropriate sample size for factor analysis (Hoe, 2008) and 201 individuals selected through stratified random sampling. To collect data, first, a library study and then a semi-structured and in-depth interview with experts were conducted, and a preliminary questionnaire was formulated. In order to qualitatively analyze the experts' opinions, check the research variables, and evaluate the validity of the questionnaire, the three-step Delphi method was used. Finally, a 24-item questionnaire was formulated with five components: planning and supervision, organization, financing, sports facilities and infrastructure, and technology and media. Moreover, the validity of the structure was confirmed by confirmatory factor analysis (CFA). Cronbach's alpha was used to evaluate the reliability of the questionnaire. Exploratory factor analysis (EFA), CFA and goodness-of-fit (GOF) test were used for quantitative analysis of the data in SPSS and LISREL statistical programs.

Results

The most important effective organizational factors and variables on the recreational-sport activities of Islamic Azad University students were identified after a qualitative study in five components of planning and supervision (6 questions), organization (6 questions), financial resources (3 questions), sports facilities and infrastructure (5 questions) and technology and media (4 questions). In order to analyze the data, first, the EFA was used; however, before EFA, the Kaiser-Meyer-Olkin (KMO) measure of sampling adequacy and Bartlett's tests were used.

The results of the KMO test with a value of 0.864 showed that the sample size was suitable for factor analysis. Moreover, the Chi-squared value and the significance level of Bartlett's Test of Sphericity ($P < 0.01$ and $X^2 = 1988 / 355$) showed that all the required assumptions related to the use of factor analysis were met.

The results of analyzing the main component along with varimax rotation on the factor load of questions (factor load above 0.50) revealed that the factor load of all questions was acceptable.

The results of the CFA suggested that the relationship between indices and components (relationship rate > 0.4 and t -value > 6) and the relationship between components and organizational dimension (relationship rate > 0.4 and t -value > 5) were significant.

Cronbach's alpha coefficient test was used to evaluate the reliability of the questionnaire, in which the total alpha coefficient of the questionnaire was 0.89, and the reliability of the instrument was confirmed.

The GOF indices demonstrated that all indices except PNFI, GFI, and AGFI (< 0.90) were appropriate and confirmed, and in general, the mentioned indices confirmed the fit of the model. Therefore, the model of organizational factors was appropriate in terms of fit indices.

The results of the Friedman test regarding the prioritization of components represented that there was a significant difference between the mean ranks of the components of the questionnaire organizational dimension ($P < 0.01$, $X^2 = 21.47$). The highest mean rank was related to the organizational component (3.39) and the lowest one was for the planning component (2.75).

Discussion

Organizational factors increased student participation in recreational sports activities at Islamic Azad University. Therefore, the following measures should be on the agenda of those responsible for recreational sports in the university:

Prominent consideration of organizational factors in formulating strategies and policies for the development of university recreational sports,

Reviewing and reforming the organization, goals, strategies and operational plans of university recreational sports,

Providing the necessary arrangements to recruit expert coaches and consultants, setting up sports organizations and associations, and using volunteer forces,

Providing investment conditions for the private sector in this area, and allocating more funds to the university's recreational sports, and

Inclusion of recreational sports notices and promotions like championship sports on the agenda.

Islamic Azad University, by having numerous sports facilities and equipping them (especially for women), can provide the necessary arrangements for more participation of students in recreational sports.

Keywords

Islamic Azad University, Organizational Factors, Recreational Sports Activities, Sport Participation

References

1. Hoe, S. (2008). Issues and procedures in adopting structural equation modeling technique. *Journal of applied quantitative methods*. 3(1): 76-83.

شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی دانشگاه

هادی عبداللهی فر^۱، علی محمد صفانیا^۲، مهدی نمازی زاده^۳، شیوا آزادفادا^۴

۱. استادیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استاد مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۳. دانشیار رفتار حرکتی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
۴. استادیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

چکیده

اتخاذ تدابیر مناسب برای جذب و مشارکت فعال دانشجویان در ورزش‌های تفریحی دانشگاه و تأمین سلامتی و نشاط آنان، مستلزم شناخت عوامل مؤثر در این زمینه است. هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر افزایش مشارکت دانشجویان در ورزش‌های تفریحی دانشگاه بود. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها، تحقیق آمیخته از نوع آمیخته اکتشافی است. در مرحله کیفی، ابتدا با روش کتابخانه‌ای اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. سپس با ۲۲ نفر از خبرگان ذیربط، که به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شدند، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تا حد رسیدن به اشباع نظری انجام گرفت. در نهایت پرسش‌نامه‌ای با ۵ مؤلفه و ۲۴ گویه تهیه شد. روایی صوری آن توسط خبرگان تأیید گردید. جامعه آماری بخش کمی، مسئولان تربیت بدنی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی به تعداد ۳۸۱ نفر بودند. با توجه به شرط حجم نمونه قابل کفایت جهت تحلیل عاملی، تعداد ۲۰۱ نفر از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. جهت تحلیل کیفی متغیرهای پژوهش از روش دلفی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، نیکویی برازش، فریدمن و آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان داد عوامل سازمانی مؤثر بر افزایش مشارکت دانشجویان در ورزش‌های تفریحی دانشگاه به ترتیب اولویت شامل پنج مؤلفه سازماندهی، امکانات و زیرساخت، منابع مالی، فناوری و رسانه و برنامه-

1. Email: hadiabdollahifar@gmail.com
2. Email: a.m.safania@gmail.com
3. Email: drmmamazi@yahoo.com
4. Email: azadfada@yahoo.com

ریزی هستند. این نتایج می‌تواند به مسئولان در تدوین راهبردها و سیاست‌های ورزش تفریحی دانشگاه کمک نماید.

واژگان کلیدی: دانشگاه آزاد اسلامی، عوامل سازمانی، فعالیت‌های ورزشی تفریحی، مشارکت ورزشی

مقدمه

پیشرفت تکنولوژی و کاربرد روزافزون آن، گسترش تسهیلات و امکانات رفاهی و ماشینی شدن بسیاری از کارها در عصر حاضر، شیوه و سبک زندگی انسان‌ها را تغییر داده و کاهش چشمگیر فعالیت‌های جسمانی را به دنبال داشته است. این روند زندگی ماشینی و کم‌ تحرکی موجب بروز بسیاری از بیماری‌های جسمانی و روانی و مشکلات عدیده اجتماعی شده‌است (فریدا^۱ و همکاران، ۲۰۱۹، ۳۲؛ کاترینا^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). بیماری‌های قلبی - عروقی، دیابت، پوکی استخوان، چاقی، همچنین بیماری‌های مرتبط با سلامت روان مانند افسردگی و استرس و اختلال در ارتباطات اجتماعی از جمله پیامدهای منفی این کم‌ تحرکی است. برون رفت از وضع موجود، نیازمند ابزارهای مناسب و کارآمد از جمله فعالیت‌های ورزشی است (بنار و همکاران، ۲۰۱۸، ۲۱۸؛ رحیمی و همکاران، ۲۰۱۷، ۱۷۶؛ طالب‌پور و همکاران، ۲۰۱۶، ۵۶).

مطالعات نشان داده‌است فعالیت‌های ورزشی اثرات مثبت و معناداری بر سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی، پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها، پیشگیری از بسیاری از مفسدات اجتماعی و انحرافات اخلاقی، گذراندن اوقات فراغت سالم، بانشاط و لذت‌بخش، ایجاد روابط اجتماعی سالم، ایجاد زمینه برای استقلال شخصیت، دستیابی به شادابی، نشاط و توسعه مهارت‌های اجتماعی، افزایش امید به زندگی و ارتقای کیفیت زندگی افراد جامعه دارد و یکی از زیرشاخص‌های توسعه انسانی در جوامع قلمداد می‌شود (جوادی‌پور و همکاران، ۲۰۱۸، ۲۱؛ آصفی، ۲۰۱۷، ۲۴۸؛ حسینی و همکاران، ۲۰۱۷، ۹۸). به همین دلیل کشورهای پیشرفته و صنعتی توجه خاصی به گسترش فعالیت‌های ورزشی در جامعه دارند تا با استفاده از دستاوردهای بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی آن، هم خود را به شاخص‌های توسعه نزدیک کنند و هم با استفاده از نیروی انسانی سالم و کارآمد برای تحقق اهداف دیگر توسعه، برنامه-

-
1. Frida
 2. Katharina

ریزی کنند (سابین^۱ و مارسل^۲، ۲۰۱۴؛ پرونا^۳ و همکاران، ۲۰۱۸، ۴۴). از جمله فعالیت های ورزشی که می تواند در کاهش و رفع این مشکلات مؤثر باشد ورزش های همگانی و تفریحی است. ورزش های همگانی و تفریحی مجموعه ای از فعالیت های ورزشی ساده، کم هزینه، غیررسمی، فرحبخش و بانشاط هستند که با هدف تفریح، نشاط و شادابی، تقویت قوای جسمانی و روانی، داشتن زندگی سالم در ابعاد فردی و اجتماعی، رفع ناهنجاری های خانوادگی و اجتماعی و از بین بردن مشکلات روحی و روانی در اقشار مختلف جامعه انجام می شوند و شدت فعالیت در آنها مورد نظر نیست و امکان شرکت در آنها برای همه افراد وجود دارد (پارساجو و همکاران، ۲۰۱۸، ۱۴). با این تعریف، انواع مختلف بازی های غیرمنظم و خودجوش بومی تا تمرین های بدنی منظم، ورزش صبحگاهی، فعالیت در پارک ها و فضای باز، کوهپیمایی، کلاس های آمادگی جسمانی و ورزش های غیررقابتی، جزو ورزش های همگانی و تفریحی محسوب می شوند (آصفی و اسدی دستجردی، ۲۰۱۷، ۸۲۵).

با توجه به اهمیت و فواید ورزش همگانی و تفریحی، کشورهای مختلف ترویج و گسترش آن را در دستور کار خود قرار داده اند. در ایران علی رغم افزایش آگاهی عمومی مردم درباره اهمیت و فواید ورزش و عوارض و پیامدهای ناشی از بی تحرکی و وجود سازمان ها و بخش های متعددی که هر کدام خود را به نوعی در قبال همگانی شدن ورزش مسئول می دانند؛ مثل فدراسیون ورزش های همگانی، وزارت ورزش و جوانان، شهرداری ها، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه آزاد اسلامی و...، اما شاهد آن هستیم که تعداد مشارکت کنندگان در ورزش های تفریحی و همگانی وضعیت چندان مطلوبی ندارد (رحیمی و همکاران، ۲۰۱۸، ۱۷۸). دانشگاه ها نیز از این امر مستثنی نیستند. نتایج پژوهش های انجام شده حاکی از آن است که تمایل و گرایش نداشتن به ورزش در میان دانشجویان به مسئله ای فراگیر تبدیل شده است و درصد کمی از دانشجویان از برنامه های ورزشی دانشگاه ها استقبال می کنند (مهدی زاده و اندام، ۲۰۱۵، ۱۶؛ گارن^۴ و همکاران، ۲۰۱۷، ۹۴). دانشگاه و دانشجویان از ارکان اساسی جوامع محسوب می شوند و نقش بسیار تأثیرگذاری در ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه و توسعه آن به عهده دارند. ساعات زیادی از اوقات دانشجویان در زمان حضور در دانشگاه، بدون برنامه ریزی و با اتلاف وقت صرف می شود. بنابراین برنامه ریزی و مدیریت مناسب می تواند مشارکت فعال دانشجویان در برنامه های ورزش تفریحی و همگانی دانشگاه را جلب نماید و از این طریق علاوه بر تأمین و ارتقاء سطح سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی، ایجاد سبک

-
1. Sabin
 2. Marcel
 3. Pruna
 4. Garn

زندگی فعال و افزایش بهره‌وری آنها، اشاعه و ترویج ورزش تفریحی و همگانی در اجتماع را به دنبال داشته باشد.

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت توسعه فعالیت‌های ورزشی تفریحی در دانشگاه‌ها و جلب مشارکت فعال دانشجویان در فعالیت‌های مذکور مستلزم داشتن اطلاعات کافی و شناسایی عوامل و متغیرهای ذیربط است. در همین راستا تحقیقات متعددی انجام شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود. طاهرزاده و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان ارائه مدل پارادایمی توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی نشان دادند که منابع انسانی، مادی و مالی، تبیین‌کننده منابع سازمانی دانشگاه آزاد اسلامی برای توسعه ورزش همگانی و در نتیجه افزایش مشارکت قشر دانشگاهی در این دانشگاه هستند. ابوالماجد^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در بررسی عوامل مشارکت ورزشی دانشجویان در دانشگاه‌های امارات متحده عربی نشان داد که وجود مربیان واجد شرایط و میزان دسترسی به امکانات از عوامل سازمانی مهم مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی است. یافته‌های حسینی و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد که پنج عامل مدیریتی، انگیزشی، اقتصادی، زیرساخت و اماکن ورزشی، اجتماعی و فرهنگی بر افزایش مشارکت ورزشی دانشجویان مؤثر هستند. مهم‌ترین عامل اثرگذار، عامل مدیریتی و پس از آن به ترتیب عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تجهیزاتی و انگیزشی قرار گرفتند. آصفی و اسدی دستجردی (۲۰۱۷) در بررسی موانع توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران نتیجه گرفتند که عوامل سازمانی مؤثر در توسعه ورزش همگانی دانشگاه‌ها به ترتیب اولویت عبارتند از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، مالی، آموزشی، قانونی، اطلاعاتی، انسانی، فردی و زیرساختی. حفظ‌اللسان (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان داد که عوامل سازمانی بر توسعه ورزش همگانی دانشگاه‌های دولتی ایران تأثیر مثبت معناداری دارد. مؤلفه‌های سازمانی به ترتیب اهمیت شامل تجهیزات ورزشی، استاندارد و ارزیابی، ورزش آموزشی و پرورشی، فناوری و اطلاعات، ورزش همگانی و تفریحی، مدیریت و برنامه‌ریزی، منابع مالی، منابع انسانی، امکانات و زیرساخت و نهادها و تشکیلات بودند. نتایج پژوهش اولانیپکون^۲ و ایساک^۳ (۲۰۱۷) تحت عنوان مزایای مشارکت جوانان (دانشجویان) در ورزش نشان داد که به ترتیب اولویت، تخصص و تجربه کارکنان و مربیان، منابع مالی، جذب اسپانسر، تجهیزات ورزشی با کیفیت و با دوام موجب افزایش مشارکت جوانان به ویژه دانشجویان در برنامه‌های ورزشی می‌شود. تیبوت^۴ و همکاران (۲۰۱۷) منابع مالی و زیر ساخت امکانات و تجهیزات

-
1. Abou Elmagd
 2. Olanipekun
 3. Isaac
 4. Thibaut

را مهم‌ترین مؤلفه در زمینه توسعه ورزش همگانی و تفریحی گزارش کردند و تام^۱ و همکاران (۲۰۱۵) امکانات و تجهیزات شامل دسترسی به امکانات، زمان و مسافت تا سالن ورزشی و هزینه استفاده از امکانات ورزشی و رسانه و تبلیغات را مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فعالیت بدنی دانشجویان در دانشگاه بلژیک گزارش کرد. همان‌طور که مطالعات نشان می‌دهد عوامل سازمانی از جمله عوامل مهم و مؤثر بر افزایش مشارکت در فعالیت‌های ورزشی تفریحی است. عوامل سازمانی، همه عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی سازمان هستند که با نظم، قاعده و ترتیب خاصی بهم پیوسته و چارچوب، قالب، پوسته، بدنه و یا هیکل فیزیکی و مادی سازمان را می‌سازند. بنابراین تمام منابع مادی، مالی و اطلاعاتی جزو عوامل سازمانی محسوب می‌شوند و در واقع عوامل غیرزنده سازمان هستند (میرزایی اهرنجانی و امیری، ۲۰۰۳، ۳۱۶).

در ایران مطالعات متعددی در زمینه ورزش‌های همگانی و تفریحی به ویژه در حوزه ورزش دانشگاهی انجام شده است که جوامع آماری اکثر این پژوهش‌ها، دانشگاه‌های دولتی است و از آنجایی که دانشگاه‌های دولتی با دانشگاه آزاد که به صورت خصوصی اداره می‌شود تفاوت‌های عمده‌ای به ویژه در بخش عوامل سازمانی (مدیریت، منابع و ...) دارند، بنابراین تعمیم یافته‌های آنها به یکدیگر با اشکال مواجه است. از سوی دیگر، اغلب مطالعاتی که در حوزه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی انجام شده است، عوامل بازدارنده و موانع مشارکت در ورزش همگانی، میزان رضایتمندی دانشجویان از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی دانشگاه و نقش ورزش در پرکردن اوقات فراغت دانشجویان را مورد بررسی قرار داده‌اند و تعداد بسیار محدودی نیز به تدوین برنامه استراتژیک و برنامه کلان ورزش دانشجویی در بخش قهرمانی و همگانی پرداخته‌اند و مطالعات مربوط به شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی دانشگاه به ویژه عوامل سازمانی بسیار اندک است. بنابراین با عنایت به این که دانشگاه آزاد اسلامی، به عنوان بزرگ‌ترین دانشگاه حضوری جهان اسلام و یکی از دانشگاه‌های معتبر کشور و با داشتن تعداد دانشجویان چشمگیر، فضا، امکانات و منابع انسانی و مالی متعدد و مناسب (طاهرزاده و همکاران، ۲۰۲۰، ۸۹) می‌تواند نقش بسیار مؤثری را در توسعه ورزش‌های همگانی و تفریحی در جامعه ایفا نماید، ضرورت دارد که در این زمینه تحقیق جامعی انجام شود تا برنامه‌ریزان و مسئولین ورزش دانشگاه آزاد اسلامی بتوانند در تدوین راهبردها و سیاست‌های ورزش‌های تفریحی دانشگاه از نتایج آن استفاده نمایند. لذا تحقیق حاضر در تلاش است با انجام مطالعات گسترده، مصاحبه با اساتید و مدیران اجرایی واحدهای دانشگاهی و بهره‌گیری از شیوه‌های علمی، عوامل مهم و مؤثر در این زمینه را شناسایی و به مسئولین ورزش دانشگاه آزاد اسلامی در

بخش ورزش تفریحی ارائه نماید تا در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها از آن استفاده کنند و اقدامات خود را مبتنی بر اصول علمی طراحی نمایند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها، تحقیق آمیخته^۱ از نوع آمیخته اکتشافی است که در دو مرحله کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، این پژوهش جزو پژوهش‌های اکتشافی و در بخش کمی، پیمایشی است. در طرح پژوهش آمیخته اکتشافی، پژوهشگر درصدد زمینه‌یابی درباره موقعیت نامعین است. بر این اساس، ابتدا به گردآوری داده‌های کیفی می‌پردازد. انجام این مرحله او را به توصیف جنبه‌های بی‌شماری از پدیده هدایت می‌کند. با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت‌بندی فرضیه(هایی) درباره بروز پدیده مورد مطالعه فراهم می‌شود. علاوه بر آن، در توالی گردآوری داده‌ها، ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گردآوری می‌شوند. در نهایت، پژوهشگر برمبنای یافته‌های حاصل از داده‌های کیفی سعی می‌کند داده‌های کمی را گردآوری کند تا تعمیم‌پذیری یافته را میسر کند (آصفی، ۲۰۱۷، ۲۵۱).

مشارکت کنندگان در بخش کیفی، شامل مدیران ستادی حوزه معاونت ورزش دانشگاه آزاد اسلامی، مدیران و مسئولان تربیت بدنی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، اعضای هیئت‌علمی متخصص تربیت بدنی و رشته‌های مرتبط با موضوع تحقیق نظیر علوم اجتماعی، علوم تربیتی و مهندسی ورزش بودند و نمونه‌گیری به روش غیرتصادفی هدفمند انجام شد. لذا ابتدا لیستی از خبرگان در زمینه فعالیت‌های ورزشی تفریحی دانشگاه شامل اساتید و مدیران اجرایی مرتبط با موضوع تحقیق تهیه و سپس به صورت متوالی و به ترتیب لیست با آنها مصاحبه عمیق تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. با توجه به این که بعد از انجام ۱۷ مصاحبه، اطلاعات دریافتی در مصاحبه‌ها تکراری بودند و داده‌های جدید با داده‌هایی که قبلاً جمع آوری شده، تفاوتی نداشت اشباع حاصل شد. اما برای اطمینان تا مصاحبه بیستم و دوم ادامه یافت و در نهایت با ۲۲ نفر از خبرگان ذیربط به شرح جدول ۱، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته تا حد رسیدن به اشباع نظری انجام گرفت.

1. Mixed Method

جدول ۱- توصیف مصاحبه شونده‌گان در بخش کیفی پژوهش

درصد	فراوانی	مدرک و رشته تحصیلی	سمت
۳۶/۳	۸	دکتری-مدیریت ورزشی	عضو هیئت علمی دانشگاه
۹/۱	۲	دکتری-فیزیولوژی ورزشی	
۴/۵	۱	دکتری-رفتار حرکتی	
۴/۵	۱	دکتری-مدیریت رسانه و ارتباطات	
۴/۵	۱	دکتری-علوم اجتماعی	
۴/۵	۱	دکتری-علوم تربیتی	
۴/۵	۱	دکتری-مدیریت ورزشی	مدیر ستادی حوزه معاونت ورزش دانشگاه
۹/۱	۱	کارشناسی ارشد-مدیریت ورزشی	
۴/۵	۱	کارشناسی ارشد-تربیت بدنی و علوم	
۹/۱	۲	دکتری-مدیریت ورزشی	مدیر یا مسئول تربیت بدنی دانشگاه
۴/۵	۱	کارشناسی ارشد-مدیریت ورزشی	
۴/۵	۱	کارشناسی ارشد-مهندسی ورزشی	
۱۰۰	۲۲	مجموع	

جامعه آماری در بخش کمی، شامل مدیران و مسئولان تربیت بدنی واحدهای جامع، بسیار بزرگ و بزرگ دانشگاه آزاد اسلامی سراسر کشور به تعداد ۳۸۱ نفر بودند. بر اساس شرط حجم نمونه قابل-کفایت جهت تحلیل عاملی، حجم نمونه ۲۰۰ نفر تعیین شد. با وجود آن که در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل سازی ساختاری، توافق کلی وجود ندارد اما به زعم بسیاری از پژوهشگران، حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ است (هوا، ۲۰۰۸). کلاین^۲ (۲۰۱۰) نیز معتقد است در تحلیل عاملی اکتشافی برای هر متغیر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است، اما حداقل حجم نمونه ۲۰۰ قابل دفاع است. جهت جلوگیری از ریزش آزمودنی‌ها ۲۳۰ پرسش نامه توزیع و در نهایت، ۲۰۱ پرسش نامه برگشت داده شد. نمونه گیری به صورت طبقه‌ای تصادفی متناسب با حجم جامعه انجام گرفت. توصیف نمونه‌های مورد مطالعه در بخش کمی پژوهش، در جدول ۲ آمده است:

1. Hoe
2. Kline

جدول ۲- توصیف نمونه‌های مورد مطالعه در بخش کمی پژوهش

متغیر	شاخص	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۶۵	۸۲/۱
	زن	۳۶	۱۷/۹
مدرک تحصیلی	دکتری	۹۲	۴۵/۸
	فوق لیسانس	۸۴	۴۱/۸
	لیسانس	۲۵	۱۲/۴
رشته تحصیلی	تربیت بدنی	۱۷۳	۸۶/۱
	غیر تربیت بدنی	۲۸	۱۳/۹
سمت	هیئت علمی و مسئول	۹۵	۴۷/۳
	مدیر یا مسئول	۶۳	۳۱/۴
	کارشناس	۴۳	۲۱/۴
سابقه اجرایی	۱۶ سال و بیشتر	۹۰	۴۴/۸
	۱۱ تا ۱۵ سال	۲۷	۱۳/۴
	۶ تا ۱۰ سال	۵۷	۲۸/۴
	کمتر از ۵ سال	۲۷	۱۳/۴
درجه واحد دانشگاهی	جامع	۴۳	۲۱/۴
	بسیار بزرگ	۱۰۱	۵۰/۲
	بزرگ	۵۷	۲۸/۴
مجموع		۲۰۱	

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات ابتدا از روش مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شد. در این مرحله محقق جهت شناسایی شاخص‌ها و عوامل تأثیرگذار در فعالیت‌های ورزشی تفریحی به بررسی اطلاعات موجود در اسناد، کتب، مقالات، مجلات، پایگاه‌های اینترنتی و نشریات مختلف مرتبط با فعالیت‌های ورزشی تفریحی دانشجویان پرداخت. در مرحله بعد برای تکمیل اطلاعات و شناسایی متغیرها، مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق با خبرگان انجام شد و سپس پرسش‌نامه ابتدایی تدوین گردید. جهت تحلیل نظرات کارشناسان، غربالگری متغیرهای پژوهش و بررسی روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه در بخش کیفی، از تکنیک دلفی سه مرحله‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا تیمی متشکل از اساتید راهنما، مشاور و پژوهشگر تشکیل و این تیم پرسش‌نامه اول را بر اساس اطلاعات حاصل از مراحل قبل، برای نظرخواهی از گروه دلفی تنظیم نمود. همچنین تیم مذکور، اعضای گروه دلفی (شامل ۱۶ نفر از متخصصان رشته مدیریت ورزش) را تعیین نمود. سپس طی سه مرحله از گروه دلفی نظرخواهی و در نهایت پرسش‌نامه‌ای با تعداد ۲۴ سؤال در پنج مؤلفه برنامه‌ریزی و نظارت (۶ سؤال)، سازماندهی (۶ سؤال)، منابع مالی (۳ سؤال)، امکانات و زیرساخت ورزشی (۵ سؤال) و فناوری و

رسانه (۴ سؤال)، با امتیازبندی بر اساس طیف لیکرت و با ارزش عددی ۱ تا ۵ برای پاسخ هر سؤال، تهیه شد. همچنین روایی سازه از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفت. به منظور بررسی قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه، از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب آلفای کل پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد و پایایی ابزار تأیید شد. این پرسشنامه به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی مطالعه، مورد استفاده قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها از روش‌های آماری تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی و آزمون نیکویی برازش، در نرم افزارهای آماری «اس.پی.اس.اس^۱» و «لیزرل^۲» استفاده شد.

نتایج

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. پیش از انجام آزمون تحلیل عاملی اکتشافی، آزمون شاخص کفایت نمونه‌گیری کایزر، مایر و اولکین^۳ (KMO) و آزمون بارتلت^۴ انجام شد. با توجه به این که مقدار آزمون کایزر، مایر و اولکین، ۰/۸۴ به دست آمد لذا قضاوت در مورد آن در حد خوب گزارش شد و نشان داد که حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی مناسب است. همچنین با توجه به مقدار مجذور کای و سطح معناداری آزمون کرویت بارتلت ($P < 0/01$) و $X^2 = 1988/355$ ، می‌توان نتیجه گرفت که بین سؤال‌ها همبستگی وجود دارد. از این رو ادامه و استفاده از سایر مراحل تحلیل عاملی جایز است.

جدول "برآورد اولیه میزان اشتراک" هر متغیر نشانگر آن بود که مقادیر تمامی آنها برابر با یک است. "واریانس عامل مشترک"، نشان‌دهنده همبستگی با عامل است. در منابع مختلف ملاک پذیرش همبستگی مشترک سئوال‌ات برابر با ۰/۳ و ۰/۵ گزارش شده است. در تحقیق حاضر ملاک پذیرش بر مبنای ۰/۵۰ تعیین گردید. بنابراین چهار سؤال (۸ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۲) به علت پایین بودن واریانس عامل مشترک از ۰/۵۰، از تحلیل کنار گذاشته شدند.

نتایج تحلیل عاملی ارائه شده در جدول ۳، نشان می‌دهد که بارعاملی تمامی سؤال‌ها (گویه‌ها) در حد قابل قبول است.

-
1. SPSS
 2. LISREL
 3. Kaiser-Meyer-Oklin Measure of Sampling Adequacy
 4. Bartlett's Test of Sphericity

جدول ۳- نتایج تحلیل مؤلفه های اصلی همراه با چرخش واریماکس در مورد بار عاملی سؤالها (گویهها)

شماره سؤال	سؤالها (گویهها)	برنامه	سازماندهی	منابع	امکانات و فناوری و
1	وجود آیین نامه و	۰/۶۲۶			
2	نیازسنجی و نظرسنجی	۰/۵۰۸			
3	کیفیت برنامه ها و رویدادهای	۰/۵۰۱			
4	برگزاری مسابقه، جشنواره،	۰/۷۱۷			
5	برگزاری کلاس های آموزشی	۰/۷۱۴			
6	اختصاص ساعات مناسب	۰/۶۴۳			
7	وجود ساختار مناسب ورزش	۰/۸۱۷			
9	وجود مربیان متخصص و	۰/۸۰۱			
10	وجود مشاوران مرتبط؛ مانند:	۰/۸۲۶			
11	وجود تشکل و انجمن	۰/۵۵۲			
12	وجود نیروهای داوطلب در	۰/۵۵۲			
13	اختصاص بودجه مناسب به	۰/۶۸۶			
14	سرمایه گذاری بخش	۰/۷۷۳			
15	بازاریابی و درآمدزایی برای	۰/۶۵۹			
16	وجود فضاها و اماکن ورزشی	۰/۵۳۰			
18	امنیت محیط ورزشی	۰/۸۲۶			
20	بیمه بودن فضاها و اماکن	۰/۸۳۴			
21	اطلاع رسانی و تبلیغات	۰/۵۶۰			
23	استفاده از شبکه های	۰/۵۹۰			
24	استفاده از نرم افزارهای	۰/۷۳۲			
	وارینانس کل	۴/۲۵۳	۳/۰۱۸	۲/۷۵۶	۲/۲۱۹
	درصد وارینانس	۱۷/۱۲۵	۱۵/۰۹۰	۱۳/۷۸۱	۱۱/۹۵
	درصد وارینانس تجمعی			۶۶/۳۲۸	

با توجه به داده های جدول ۴، تمامی رابطه های شاخص ها با عامل های مؤثر بر افزایش مشارکت دانشجویان در فعالیت های ورزشی تفریحی دانشگاه آزاد اسلامی معنادار است.

جدول ۴- روابط بین شاخص‌ها و عامل‌های مؤثر بر افزایش مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی
تفریحی دانشگاه

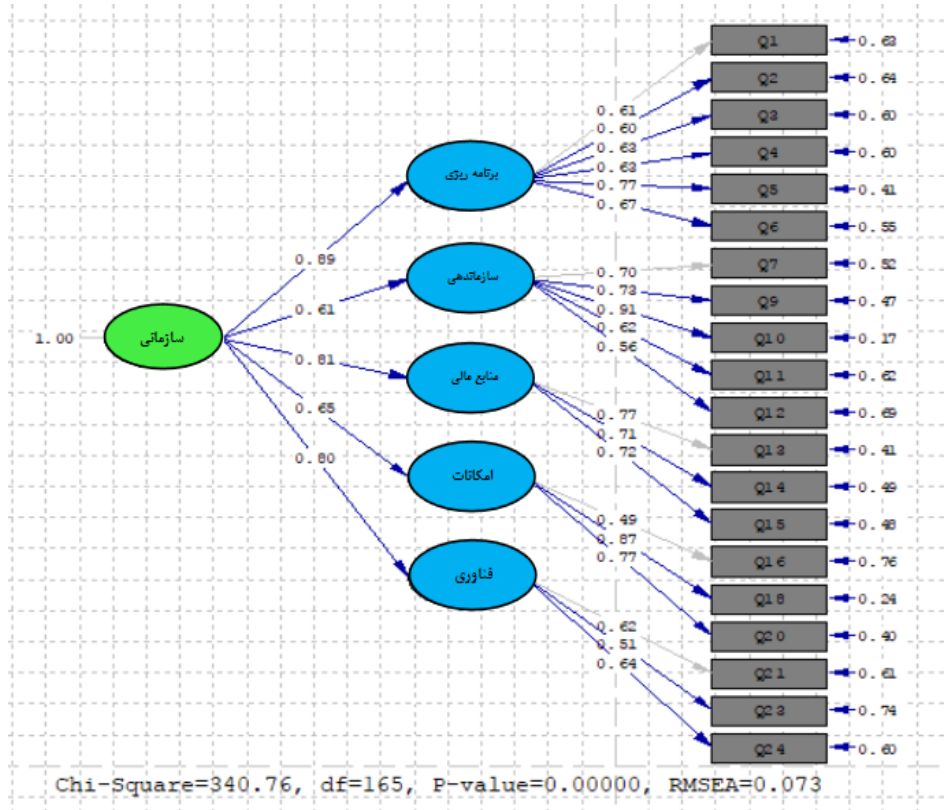
ردیف	شاخص‌ها	عامل‌ها	میزان	ضریب	مقدار تی	نتیجه
1	سئوال 1	برنامه ریزی	۰/۵۲	۰/۳۷	۹/۰۴	تأیید
2	سئوال 2		۰/۴۹	۰/۴۶	۶/۸۶	تأیید
3	سئوال 3		۰/۴۱	۰/۴۰	۷/۲۱	تأیید
4	سئوال 4		۰/۴۶	۰/۴۱	۶/۶۷	تأیید
5	سئوال 5		۰/۵۷	۰/۵۹	۸/۲۴	تأیید
6	سئوال 6		۰/۴۷	۰/۴۵	۰/۵۲	تأیید
7	سئوال 7	سازماندهی	۰/۴۱	۰/۴۸	۸/۷۴	تأیید
8	سئوال 9		۰/۴۵	۰/۵۳	۹/۳۹	تأیید
9	سئوال 10		۰/۵۷	۰/۸۳	۱۰/۹۷	تأیید
10	سئوال 11		۰/۴۵	۰/۴۸	۸/۰۶	تأیید
11	سئوال 12		۰/۵۱	۰/۴۱	۷/۳۱	تأیید
12	سئوال 13		۰/۶۹	۰/۵۹	۶/۷۱	تأیید
13	سئوال 14	منابع مالی	۰/۵۳	۰/۵۱	۹/۰۶	تأیید
14	سئوال 15		۰/۵۹	۰/۵۲	۹/۱۵	تأیید
15	سئوال 16		۰/۴۳	۰/۴۲	۷/۵۴	تأیید
16	سئوال 18	امکانات و زیر ساخت	۰/۹۵	۰/۷۶	۶/۴۷	تأیید
17	سئوال 20		۰/۸۳	۰/۶۰	۶/۴۵	تأیید
18	سئوال 21	فناوری و رسانه	۰/۴۶	۰/۴۹	۷/۵۲	تأیید
19	سئوال 23		۰/۴۹	۰/۴۶	۵/۳۴	تأیید
20	سئوال 24		۰/۵۰	۰/۴۰	۶/۱۷	تأیید

بر اساس داده‌های جدول ۵، رابطه تمامی مؤلفه‌ها با بعد سازمانی معنادار است.

جدول ۵- روابط مؤلفه‌ها با بعد سازمانی

ردیف	مؤلفه‌ها با بعد سازمانی	میزان	ضریب	مقدار	نتیجه
۱	برنامه ریزی (F1) با بعد سازمانی	۰/۸۹	۰/۷۹	۸/۰۱	تأیید
۲	سازماندهی (F2) با بعد سازمانی	۰/۶۱	۰/۳۷	۶/۸۸	تأیید
۳	منابع مالی (F3) با بعد سازمانی	۰/۸۱	۰/۶۵	۹/۱۱	تأیید
۴	امکانات و زیر ساخت (F4) با بعد سازمانی	۰/۶۵	۰/۴۲	۵/۴۹	تأیید
۵	فناوری و رسانه (F5) با بعد سازمانی	۰/۸۰	۰/۶۴	۶/۹۹	تأیید

ملاک معناداری $\pm 1/96$ می باشد.



شکل ۱- تحلیل عاملی تأییدی؛ مدل اندازه گیری عوامل سازمانی در حالت استاندارد

آزمون نیکویی برازش

در آزمون نیکویی برازش، تناسب مجموعه داده‌ها بررسی می‌شود که با توجه به نتایج جدول ۶، در مجموع شاخص‌های آزمون خوبی برازش، تناسب مدل را تأیید کردند. بنابراین مدل عوامل سازمانی از لحاظ شاخص‌های برازش، مناسب است.

جدول ۶- نتایج آزمون خوبی برازش "تناسب مجموعه داده‌های مدل"

شاخص‌های	اختصار شاخص	ملاک	مقدار بدست	نتیجه
مقتصد	X/df	زیر ۳	۲/۰۷	تأیید
	RMSEA	زیر ۰/۰۸	۰/۷۳	تأیید
	PNFI	بالای ۰/۹۰	۰/۷۳	عدم تأیید
	PGFI	بالای ۰/۹۰	۰/۶۰	عدم تأیید
تطبیقی (نسبی)	NFI	بالای ۰/۹۰	۰/۹۴	تأیید
	NNFI	بالای ۰/۹۰	۰/۹۶	تأیید
	CFI	بالای ۰/۹۰	۰/۹۸	تأیید
	IFI	بالای ۰/۹۰	۰/۹۸	تأیید
	RFI	بالای ۰/۹۰	۰/۹۲	تأیید
مطلق	GFI	بالای ۰/۹۰	۰/۷۶	عدم تأیید
	AGFI	بالای ۰/۹۰	۰/۷۰	عدم تأیید

با ملاحظه جدول ۷ مشخص می‌شود که پایایی پرسش‌نامه نیز در حد قابل قبول است.

جدول ۷- پایایی پرسش‌نامه

ردیف	متغیرها	آلفای کرونباخ	وضعیت پایایی
۱	برنامه ریزی	۰/۸۱	قابل قبول
۲	سازماندهی	۰/۸۰	قابل قبول
۳	منابع مالی	۰/۷۸	قابل قبول
۴	امکانات و زیر ساخت	۰/۷۴	قابل قبول
۵	فناوری و رسانه	۰/۷۰	قابل قبول
۶	کل پرسش‌نامه	۰/۸۹	قابل قبول

نتایج جدول ۸ نشان دهنده آن است که اختلاف معناداری بین میانگین رتبه‌های عوامل سازمانی ($X^2=21/47, P<0/01$) وجود دارد. بالاترین میانگین رتبه مربوط به مؤلفه سازماندهی (۳/۳۹) و پایین‌ترین رتبه مربوط به مؤلفه برنامه ریزی (۲/۷۵) است.

جدول ۸- نتایج آزمون فریدمن در خصوص الویت بندی مؤلفه‌ها

ردیف	مؤلفه‌های سازمانی	میانگین رتبه	تعداد	خی -	درجه	سطح
۱	سازماندهی	۳/۳۹	۲۰۱	۲۱/۴۷	۴	۰/۰۰۱
۲	امکانات و زیر ساخت	۳/۰۶				
۳	منابع مالی	۲/۹۹				
۴	فناوری و رسانه	۲/۸۲				
۵	برنامه ریزی	۲/۷۵				

بحث و نتیجه‌گیری

عوامل سازمانی همه عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی سازمان هستند که با نظم، قاعده و ترتیب خاصی بهم پیوسته و چارچوب، قالب، پوسته، بدنه و یا هیكل فیزیکی و مادی سازمان را می‌سازند (میرزایی اهرنجانی و امیری، ۲۰۰۳، ۳۱۵).

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، عوامل سازمانی بر افزایش مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی دانشگاه آزاد اسلامی اثرگذار است. این یافته با نتایج اکثر پژوهشگران از جمله ابوالماجد و همکاران (۲۰۱۸)، حسینی و همکاران (۲۰۱۷)، تام و همکاران (۲۰۱۵)، جوشوا^۱ و همکاران (۲۰۱۵)، منافی و همکاران (۲۰۱۶) و مهدی زاده و اندام (۲۰۱۵) همخوانی دارد. زیرا در تمامی این تحقیقات، عوامل سازمانی از جمله عوامل تأثیرگذار بر افزایش مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی دانشگاه‌ها بوده است. برخی از تحقیقات نیز مانند حفظ‌اللسان (۲۰۱۷) و آصفی (۲۰۱۷) عوامل سازمانی را مهم‌ترین عامل در این زمینه گزارش نمودند. بنابراین می‌توان اظهار داشت که مدیران ستادی و برنامه‌ریزان ورزش دانشگاه به ویژه در بخش همگانی و تفریحی می‌بایست در تدوین راهبردها و سیاست‌های توسعه فعالیت‌های ورزشی تفریحی دانشگاه آزاد اسلامی علاوه بر عوامل رفتاری، محیطی و ... عوامل سازمانی را نیز مدنظر قرار دهند.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل سازمانی مؤثر بر افزایش مشارکت دانشجویان در ورزش‌های تفریحی دانشگاه به ترتیب اولویت شامل پنج مؤلفه سازماندهی، امکانات و زیرساخت، منابع مالی، فناوری و رسانه و برنامه‌ریزی هستند. در این راستا مطالعه ابوالماجد و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد که وجود امکانات و تجهیزات ورزشی، مربیان واجد شرایط و دسترسی به امکانات ورزشی، به طور قابل ملاحظه‌ای بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی دانشگاه مؤثر است. همچنین یافته‌های تحقیقات حسینی و همکاران (۲۰۱۷) و عزیزی و همکاران (۲۰۱۵)، عوامل مدیریتی، منابع مالی و زیرساخت و اماکن ورزشی، آصفی (۲۰۱۷)، مؤلفه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، مالی، قانونی، اطلاعاتی، انسانی و زیرساختی و حفظ‌اللسان (۲۰۱۷) مؤلفه‌های تجهیزات ورزشی، مدیریت و برنامه‌ریزی، منابع مالی، امکانات و زیرساخت، منابع انسانی، نهادها و تشکیلات و فناوری و اطلاعات را در توسعه ورزش همگانی و تفریحی دانشگاه‌ها و جلب مشارکت دانشجویان اثرگذار گزارش کردند که با برخی از عوامل شناسایی شده در پژوهش حاضر همخوانی دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تفاوت‌ها در شناسایی عوامل و تا حدودی اولویت‌بندی آنها است که از دلایل آن می‌توان به جامعه آماری متفاوت (در بخش کیفی و کمی) و همچنین تمرکز محققان مذکور بر جنبه‌های خاصی از عوامل سازمانی با توجه به اهداف پژوهش آنها اشاره کرد. در پژوهش حاضر، تلاش بر آن بود که همه

1. Joshua

مؤلفه‌های تأثیرگذار در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین توصیه می‌شود که در سیاست‌گذاری ورزش‌های تفریحی دانشگاه، به همه مؤلفه‌های آن توجه شود تا از این طریق، زمینه‌های مشارکت هر چه بیشتر دانشجویان در آنها فراهم گردد.

نتایج نشان داد که مهم‌ترین مؤلفه عوامل سازمانی، سازماندهی است. وجود ساختار مناسب ورزش دانشگاه، وجود مربیان متخصص و باتجربه، وجود مشاوران مرتبط مانند پزشکی- ورزشی، روان‌شناسی، علم تمرین، وجود تشکل و انجمن فعالیت‌های ورزشی تفریحی و وجود نیروهای داوطلب در فعالیت‌های ورزشی تفریحی از عوامل این مؤلفه در تحقیق حاضر بودند. نتایج یافته‌های مطالعه ابوالماجد و همکاران (۲۰۱۸)، اولانپکون و ایساک (۲۰۱۷)، منافی و همکاران (۲۰۱۶) و سوادی (۲۰۱۵) نیز تشکیلات و منابع انسانی نظیر صلاحیت مدیریت و پرسنل ورزش، مربیان واجد شرایط، تشکل‌های ورزش دانشجویی و نیروی انسانی متخصص را مهم‌ترین عامل در مشارکت دانش‌جویان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی دانشگاه گزارش کردند که با یافته‌های تحقیق حاضر هم‌راستا است. اما از نظر اولویت- بندی، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های برخی از مطالعات مانند آصفی (۲۰۱۷)، حفظ‌اللسان (۲۰۱۷)، تام و همکاران (۲۰۱۵) و الانصاری^۱ و همکاران (۲۰۱۵) هم‌سو نیست. هر چند در پژوهش‌های ذکر شده مؤلفه سازماندهی جزو عوامل سازمانی مهم و مؤثر بر مشارکت در ورزش‌های تفریحی بوده است اما اولویت اول آنها نیست. شاید دلیل مغایرت این باشد که تحقیقات مذکور در دانشگاه‌های دولتی یا کشورهای دیگر انجام شده است و ساختار و تشکیلات بخش ورزش تفریحی این دانشگاه‌ها با دانشگاه آزاد متفاوت است. ساختار ورزش دانشگاه آزاد، در سال‌های اخیر به طور مداوم در بخش ستاد و واحدهای دانشگاهی دچار تغییر شده است. به طوری که در ستاد از معاونت به اداره کل و در واحدهای دانشگاهی از اداره به کارشناسی تنزل یافته است و به تبع آن تعداد پست‌های سازمانی ذیربط نیز کاهش داشته است. بدیهی است این تغییرات، می‌تواند بر کمیت و کیفیت برنامه‌ها به ویژه در بخش ورزش همگانی و تفریحی تأثیر منفی داشته باشد. همچنین در زمینه استفاده از پتانسیل خوب تشکل‌ها و انجمن‌های ورزشی دانشجویی دستورالعمل مناسب و شفاف وجود ندارد، ضمن آن‌که جذب و به- کارگیری نیروی انسانی متخصص و باتجربه به دلیل پایین بودن میزان حق‌الزحمه و روند طولانی مدت انعقاد قرارداد، با مشکل مواجه است که در دانشگاه‌های دولتی علاوه بر ثبات تشکیلات و ساختار، موانع و مشکلات مذکور به مراتب کمتر است. لذا به نظر می‌رسد باید مجدداً تشکیلات و ساختار ورزش دانشگاه آزاد مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد. همچنین از آنجایی که منابع انسانی متخصص و کارآمد مهم‌ترین سرمایه هر سازمان محسوب می‌شود می‌بایست زمینه جذب و استفاده از مربیان

1. Al-Ansari

متخصص و باتجربه و مشاوران ورزشی تسهیل شود و با ایجاد تمهیدات مناسب، شرایط راه‌اندازی تشکلهای و انجمن‌های ورزشی دانشجویی و استفاده از نیروهای داوطلب فراهم گردد.

اولویت بعدی، امکانات و زیرساخت بود. وجود فضاها و اماکن ورزشی مناسب، استاندارد و ایمن، امنیت محیط ورزشی دانشگاه و بیمه بودن فضاها و اماکن ورزشی از یافته‌های این مطالعه هستند. ابوالماجد و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود نشان داد که وجود امکانات و تجهیزات و دسترسی به این امکانات به طور قابل ملاحظه‌ای بر مشارکت دانش‌جویان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی دانشگاه مؤثر است. اولانپکون و ایساک (۲۰۱۷) نشان داد که دانشگاه‌ها باید برای ایجاد انگیزه در ورزشکاران جهت مشارکت در ورزش‌های تفریحی دانشگاه از تجهیزات ورزشی با کیفیت و با دوام استفاده نمایند. حسینی و همکاران (۲۰۱۷) و منافی (۲۰۱۶) در مطالعه خود گزارش کردند که پس از عامل مدیریتی، مهم‌ترین عامل اثرگذار بر مشارکت دانشجویان در فعالیت بدنی، امکانات و تجهیزات است. ویسیا^۱ و همکاران (۲۰۱۵) دسترسی به فضاها و اماکن ورزشی را جزو مهم‌ترین انگیزه‌های شرکت‌جویان به ویژه دانشجویان در ورزش همگانی و تفریحی گزارش نمودند. عزیزی و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که در دانشگاه‌های منتخب جهان، اختصاص فضا و امکانات ورزشی به دانشجویان از اولویت‌های برنامه‌های ورزش دانشگاه است که با یافته‌های این تحقیق هم‌راستا است. اما نتایج اولویت بندی این مؤلفه در پژوهش حاضر با نتایج تحقیق آصفی (۲۰۱۷) همسو نیست. از دلایل اختلاف می‌توان به تفاوت در جامعه آماری آنها اشاره کرد. تحقیق مذکور در دانشگاه دولتی انجام شده است و در دانشگاه‌های دولتی از بودجه دولتی جهت ساخت و خرید وسایل و امکانات ورزشی استفاده می‌شود و ردیف بودجه‌ای خاصی برای این منظور پیش‌بینی شده است اما در دانشگاه آزاد، امور عمرانی از طریق درآمدهای اختصاصی که عمدتاً شهریه دانشجویان است تأمین می‌گردد. با توجه به اولویت ساخت کلاس‌های آموزشی، بیشتر منابع مالی صرف ساخت ساختمان‌های آموزشی می‌شود. بنابراین با توجه به نتایج می‌توان اظهار داشت که دانشگاه آزاد اسلامی با داشتن فضاهای بسیار مناسب به ویژه در شهرستان‌ها، می‌تواند در ایجاد و تمهید امکانات و زیرساخت‌های ورزشی، مانند ساخت فضاهای ورزشی روباز و سرپوشیده، پیست دوچرخه‌سواری، استخر و ایجاد مسیر پیاده‌روی و تجهیز آنها به وسایل و امکانات ورزشی مناسب به ویژه برای بانوان و توجه به در دسترس بودن این فضاها، زمینه مشارکت هر چه بیشتر دانشجویان در ورزش همگانی و تفریحی را فراهم کند.

مؤلفه بعدی، منابع مالی بود. در این مطالعه اختصاص بودجه مناسب به فعالیت‌های ورزشی تفریحی و تحقق آن، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیت‌های ورزشی تفریحی و بازاریابی و درآمدزایی برای فعالیت‌های ورزشی تفریحی از عوامل آن تعیین شدند. نتایج پژوهش اولانپکون و ایساک (۲۰۱۷) نشان

داد که دانشگاه‌ها باید بخشی از هزینه‌های ورزشی دانشجویان را از منابع مالی ورزشی، نیکوکاران، آژانس‌های داوطلبانه و جذب اسپانسر تأمین نمایند. عزیزی و همکاران (۲۰۱۵) اختصاص دادن بودجه‌های کلان را اولویت مهم ورزش‌های تفریحی در دانشگاه‌های منتخب اروپایی گزارش کرد و حفظ-اللسان (۲۰۱۷)، حسینی و همکاران (۲۰۱۷)، صفاری (۲۰۱۴) و تام و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که منابع مالی جزو اولویت‌های مهم عوامل سازمانی در مشارکت دانشجویان در ورزش همگانی است که با نتایج این پژوهش همخوانی دارد. اما برخی از تحقیقات نظیر تیبوت^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، سوادی (۲۰۱۵) و عزیزی و همکاران (۲۰۱۵) منابع مالی را مهم‌ترین عامل سازمانی اثرگذار بر توسعه ورزش‌های همگانی و تفریحی نشان دادند که با نتایج این پژوهش همسو نیست. شاید علت تفاوت‌ها در جامعه آماری، مکان و زمان انجام این مطالعات باشد. در حال حاضر منابع مالی بخش ورزش‌های همگانی و تفریحی دانشگاه آزاد از محل درآمدهای دانشگاه (شهریه دانشجویی) تأمین می‌شود که متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل کاهش تعداد دانشجو در واحدهای دانشگاهی به ویژه در شهرستان-ها، منابع درآمدی دانشگاه کاهش چشمگیری داشته و به تبع آن بودجه تخصیصی به بخش ورزش دانشگاه نیز کاهش یافته است. از طرفی بخش خصوصی نیز همانند گذشته تمایل و رغبتی برای سرمایه‌گذاری در بخش ورزش همگانی و فعالیت‌های ورزشی تفریحی ندارد. هر چند در ورزش‌های همگانی و تفریحی تأکید بر پایین بودن هزینه و استفاده بیشتر از فضاهای طبیعی و تجهیزات ارزان قیمت است اما با توجه به شرایط اقتصادی موجود، این‌گونه موارد نیز نیازمند تخصیص بودجه مناسب است. بنابراین با توجه به گستردگی فعالیت‌های ورزش تفریحی و تعداد زیاد مخاطبان آن به نظر می‌رسد که مسئولان تربیت بدنی در سازمان مرکزی دانشگاه می‌بایست ضمن مذاکره با مسئولین مالی و تبیین اهمیت موضوع و جلب نظر آنها، بودجه بیشتری را به این بخش اختصاص دهند. همچنین با اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب، شرایط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش دانشگاه را تسهیل نمایند.

چهارمین مؤلفه از نظر اولویت در سطح سازمانی، فناوری و رسانه بود. فناوری و رسانه در این مطالعه شامل اطلاع‌رسانی و تبلیغات مناسب جهت جلب مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی جهت ترویج فعالیت‌های ورزشی تفریحی، استفاده از نرم‌افزارهای ورزشی جهت جلب مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی هستند. کریمی (۲۰۱۸)، آصفی (۲۰۱۷)، منافی و همکاران (۲۰۱۶) و عراقی و کاشف (۲۰۱۵) در پژوهش‌های خود به نقش مؤلفه فناوری و رسانه در توسعه فعالیت‌های ورزش تفریحی و همگانی دست یافتند. سارانی و همکاران (۲۰۱۸) شیوه‌های مناسب استفاده از رسانه و تبلیغات را در این زمینه تأثیرگذار می‌دانند. تام و همکاران

1. Thibaut

(۲۰۱۵) نشان دادند که هر دو مورد فعالیت بدنی و بی تحرکی دانشجویان تحت تأثیر عوامل سازمانی مانند رسانه و تبلیغات است که با نتایج این پژوهش همخوانی دارد. اما با نتایج پژوهش حفظ‌اللسان (۲۰۱۷) که نشان داد فناوری در اولویت آخر عوامل سازمانی مؤثر بر مشارکت ورزش همگانی قرار دارد، هم‌راستا نیست. از دلایل آن می‌توان به تفاوت دیدگاه مسئولان و سیاست‌های دانشگاه‌های دولتی با آزاد در این زمینه اشاره کرد. در دانشگاه آزاد اسلامی جهت جذب هر چه بیشتر دانشجوی، عمدتاً تبلیغات ورزشی در واحدهای دانشگاهی و فضای رسانه‌ای خارج از دانشگاه در زمینه ورزش قهرمانی است. به عنوان نمونه می‌توان به جذب و ادامه تحصیل رایگان دانشجویان عضو تیم‌های ملی در دانشگاه آزاد، عضویت در تیم‌های حرفه‌ای دانشگاه با تسهیلات مناسب و تخفیف شهریه به دانشجویان برتر مسابقات ورزشی دانشجویان در سطح استان و کشور اشاره کرد. ضمن آن که جاذبه‌های ورزش قهرمانی موجب شده است که تبلیغات در زمینه ورزش‌های همگانی و تفریحی نسبت به قهرمانی کم‌رنگ باشد. بنابراین می‌بایست اطلاع‌رسانی و تبلیغات ورزش همگانی و تفریحی نیز همانند ورزش قهرمانی در دستور کار قرار گیرد. تولید برنامه‌های آموزشی و رسانه‌ای مانند تهیه فیلم‌های آموزشی کوتاه و کلیپ‌های صوتی و ویدئویی و قرار دادن فایل قابل دانلود در فضای اینترنت، توزیع بروشور، استفاده از پوسترهای ورزش همگانی و تفریحی، تابلوهای تبلیغاتی الکترونیک، انجام تبلیغات مناسب در محافل و معابر پر تردد دانشگاه، از جمله راهکارهای افزایش انگیزه جهت مشارکت دانشجویان در ورزش همگانی و تفریحی دانشگاه است.

یافته‌ها نشان داد که آخرین مؤلفه سازمانی، برنامه‌ریزی است. وجود آیین‌نامه و دستورالعمل‌های مدون (مالی، ساختاری و ...) در زمینه فعالیت‌های ورزشی تفریحی، نیازسنجی و نظرسنجی (مشارکت دانشجویان) درباره فعالیت‌های ورزشی تفریحی، کیفیت برنامه‌ها و رویدادهای ورزشی تفریحی، برگزاری مسابقه، جشنواره، المپیاد درون دانشگاهی و اردو در زمینه ورزش تفریحی، برگزاری کلاس-های آموزشی در زمینه فعالیت‌های ورزشی تفریحی، اختصاص ساعات مناسب جهت انجام فعالیت‌های ورزشی تفریحی از یافته‌های این مطالعه هستند یافته‌های تحقیقات سارانی و همکاران (۲۰۱۸) و حسینی و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد که برنامه‌ریزی عامل مهمی در توسعه فعالیت‌های ورزش تفریحی و همگانی است که با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. اما یافته‌های پژوهش آصفی و اسدی دستجردی (۲۰۱۷)، عزیزی و همکاران (۲۰۱۵) و الانصاری و همکاران (۲۰۱۵) برنامه‌ریزی را مهم‌ترین عامل در توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌ها گزارش کردند که از نظر اولویت بندی مؤلفه-های عوامل سازمانی، با نتایج این پژوهش همسو نیست. به نظر می‌رسد علت تناقض به تفاوت جامعه آماری و مکان انجام تحقیقات مذکور بازگردد. شاید هم به این دلیل باشد که در زمان وجود معاونت ورزش در ساختار دانشگاه آزاد اسلامی، برنامه استراتژیک مناسب و جامعی برای ورزش‌های همگانی

و تفریحی و قهرمانی تدوین گردید که با وجود حذف معاونت ورزش از ساختار، همچنان برنامه مذکور ملاک عمل بسیاری از برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی دانشگاه است. لذا با وجود چنین برنامه‌ای، در حال حاضر این مؤلفه از دید مسئولان تربیت بدنی واحدها از اولویت‌های مهم عوامل سازمانی محسوب نمی‌شود. از آنجایی که مهم‌ترین عامل در کسب هر موفقیتی، تدوین و مشخص کردن دقیق اهداف و برنامه‌ها است لذا ضرورت دارد که با توجه به شرایط و ساختار موجود ورزش دانشگاه، مجدداً اهداف، راهبردها و برنامه‌های عملیاتی فعالیت‌های ورزشی تفریحی مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد تا زمینه مشارکت دانشجویان در این فعالیت‌ها را بیش از پیش فراهم نماید.

تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول پژوهش است و از تمامی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

1. Abou Elmagd, M., Usha, T., Abubakr, H.M. & Dhirendra, T. (2018). Barriers of sports participation in higher education in the UAE. *Journal physical therapy sports medicine*, 2(2): 40-45.
2. AlAnsari, A., AlHarbi, F., AbdelAziz, W., AbdelSalam, M., ElTantawi, M. & ElRefae, I. (2015). Factors affecting student participation in extra-curricular activities. *The Saudi Dental Journal*, 28(1): 36-43.
3. Asefi, A., A. (2017). The identifying and Prioritizing Effective Groups in the Institutionalization of Sport for All in Iran. *Research on Educational Sport Journal*, 15: 247 – 270. (Persian)
4. Asefi, A.A. & Asadi Dastgerdi. (2017). Investigating the barriers to the development of public sport in Tehran's public universities and providing practical solutions for its development. *Journal of Sport Management*, 8(6): 844-823. (Persian)
5. Azizi, B., Jalali Farahani, M. & Khabiri M. (2015). Investigating Students' Attitude toward Public Sports in Dormitories of Tehran University. *Journal of Sport Management*, 3(8): 91-75. (Persian)
6. Banar, N., Dastum, S. & Gohar Rostami, H.R. (2018). Designing a Sport Participation Development Model (Case Study of Guilan Province). *Journal of Human Resource Management in Sport*, 2: 234-217. (Persian)
7. Frida, K. S., Mathisen, C., Sami, K., Jorma, T., Torbjørn, T. & Bente, W. (2019). Leisure-time physical activity and participation in organized sports. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*, 29(8): 1232- 1242.
8. Garn, A. C., Simonton, K., Dasingert, T., & Simonton, A. (2017). Predicting changes in student engagement in university physical education: Application of control-value theory of achievement emotion. *Psychology of Sport and Exercise*, 29:93-102.

9. Hefzollasan, M. (2017). Designing and Explaining the Model of Public Sports Development of Iranian Public Universities [Phd]. University of Urmia. (Persian)
10. Hefzollasan, M. & Yadollahzadeh, R. (2017). Determination of Factors Influencing the Behavioral Level of Sport for All Development. *Journal Sport Management Studies*, 46: 51-68. (Persian)
11. Hoe, S. (2008). Issues and procedures in adopting structural equation modeling technique. *Journal of applied quantitative methods*, 3(1): 76-83.
12. Hosseini, S., Pourkiani, M., Jami, A. & Afroozeh, A. (2017). Determine Affecting Factors on Increasing Students' Physical Activity Participation. *Journal Research on Educational Sport*, 12: 97-114. (Persian)
13. Iraqi, M. & Kashif. M.M. (2015). Challenges facing the development of public sport in Iran and its strategies. *Journal Sport Management*, 6(4): 643-655. (Persian)
14. Javadipour, M., Zareian H. & Parsajoo, A. (2018). Identifying the Areas of Social Participation in Iranian Public Sports: A Qualitative Study. *Journal of Education and Community Health*, 5(3): 20-30. (Persian)
15. Joshua, C., Robert, A., Robert, K. & Shania, S.M. (2015). Factors That Affect the Usage of Fitness and Recreation Centers by Students on College Campuses. *Journal of Physical Education and Sports Management*, 2(20): 100-119.
16. Karimi, A. (2018). Presenting the Model of Impact of Socio-Economic and Cultural Factors on Students' Attitude to Public Sport. *Journal Iranian Social Science Studies*, 54: 31-46. (Persian)
17. Katharina, D., Anna K.F., Katharina, R. & Jennifer H.K. (2018). Students' Motivation for Sport Activity and Participation in University Sports: A Mixed-Methods Study, *Journal of BioMed Research International*, Article ID 9524861, 7 pages.
18. Kline, R. (2010). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. (3rd). New York, THE Guilford Press.
19. Manafi, F., Ramazaninejad, Z., Rostami, HG. & Pourkiani, M. (2016). The Impact of Infrastructure and Management Factors on the Development of Sport Participation in Iranian Public Universities. *Journal Research in Academic Sport*, 9: 65-90. (Persian)
20. Mehdi Zadeh, R. & Andam, R. (2015). Public Sports Development Strategies in Iranian Universities. *Journal Sport Management Studies*, 22: 15-38. (Persian)
21. Mirzaei, A. & Amiri M. (2003). Introducing a three-dimensional model of philosophical intermediate analysis and fundamental infrastructures of management theories. *Journal Management knowledge*, 56: 3-21. (Persian)
22. Olanipekun, J.A. & Akindutire Isaac, O. (2017). Benefits of Participation in Sport to the Youth. *Journal of Sports and Physical Education*, 4(1): 30-34.
23. Parsajoo, A., Javadipour, M. & Zareian, Hossein. (2018). Determining Strategies for Social Participation in Iranian Public Sports. *Contemporary Research in Sport Management*, 16: 13-28. (Persian)
24. Pruna, R., Tribaldos, L.M., & Bahdur, K. (2018). Player talent identification and development in football, *Apunts.Medicina de l'Esport*, 53: 43-46.
25. Rahimi, A.H., Khayamian, Z., Ghahreman Tabrizi, K. & Sharifian, E. (2017). The comparison of Influential Factors on Promoting Sport for All in the Dormitories. *Research on Educational Sport Journal*, 13: 175-192. (Persian)

26. Sabin, I. & Marcel, P. (2014). Study Regarding the Impact of Sport Competitions on Students Socialization. *European Scientific Journal*, 10(26): 41-58.
27. Saffari, m. (2013). *Designing the Nodel of Sport for all in Iran* [PhD]. Iran: Tarbiat Modares University. (Persian)
28. Sarani, H., Aghaei, N., Saffari, M. & Akbari, Y.H. (2018). Factors Influencing Iranian Elderly Participation in Sport Activities from the Experts' Viewpoint: A Qualitative Study. *Health Education and Health Promotion Research Journal*, 6(2): 147-158. (Persian)
29. Sawadi, M. (2015). *Development of Hormozgan Province Public Sports Model and Formulation of its Executive Strategy* [PhD]. University of Guilan. (Persian)
30. Taher Zadeh, J., Nazari, R. & Hemmati, J. (2020). Presenting the Development Paradigmatic Model of Sport for All in Islamic Azad University. *Sport Management Studies*, 12(61): 85-108. (Persian)
31. Talebpour, M., Sahebkar, M.A., Mosalanezhad, M. & Rajabi, M. (2016). Comparison Study to the Factors Affecting on Institutionalization of Sport among Students. *Research on Educational Sport Journal*, 11: 55-70. (Persian)
32. Thibaut, E., Eakins, J. & Scheerder, J. (2017). Time and money expenditure in sports participation: The role of income in consuming the most practiced sports activities in Flanders. *Journal Sport Management Review*, 20(5): 455-467.
33. Tom, D., Benedicte, D., Ilse, D. & Peter C. (2015). Determinants of physical activity and sedentary behaviour in university students: a qualitative study using focus group discussions. *Jornal BMC Public Health*, 15: 28-34.
34. Wissia, I., Heydari, N. & Maleki, F. (2015). Prioritizing the Factors Affecting Ahwazi Citizens' Attitude to Public Sport. *Journal Khuzestan Police Knowledge Quarterly*, 15: 63-76. (Persian)

ارجاع دهی

عبداللهی فر، هادی؛ صفانیا، علی محمد؛ نمازی زاده، مهدی؛ آزادفدا، شیوا. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت های ورزشی تفریحی دانشگاه. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹ (۲۴): ۱۸۷-۲۱۲.
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2021.9782.2001

Abdollahifar, H; Safania, A. M; Namazi Zadeh, M; Azad Fada, Sh. (2021). Identifying Organizational Factors Affecting Student Participation in Recreational Sports Activities of the University. *Research on Educational Sport*, 9 (24): 187-212. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2021.9782.2001

Research Paper

Designing a Model for Sustainable Development in Women's Sport of Iran**Sh. Mohammadamini¹, S. Ahmadi², M. Solymani⁴**

1. Ph.D. Student of Sport Management, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Sport Management, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Physical Education, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran.

Received: 2020/05/28**Accepted: 2020/11/01**

Abstract

The aim of this study was to design a model for sustainable development in the women's sport of Iran. In this qualitative study with a systematic and explicit approach, the statistical population consisted of two parts of the human community (directors, professors, educators and so on) and the information society (books, articles, documents, media and so on). Sampling was collected based on theoretical saturation, and the judgment was done (24 and 76 versions). The research tool was a library study and framework exploratory interviews. The validity of the tool was evaluated and confirmed by the legal and scientific credibility of the statistical sample, opinion of the experts and coefficient of agreement between the coders. Multi-stage coding method was used to analyze the data. The framework of the research identified in the model consisted of four general and consecutive levels: ecosystem (2 perspectives, 5 dimensions and 20 components), strategy (3 perspectives, 10 dimensions and 29 components), performance (3 perspectives, 11 dimensions and 43 components) and outcome (2 perspectives and 8 components). The nature of the relationship between variables in the model was determined based on causal relationships and system analysis. Based on the research findings, it can be said that the sustainable development of women's sports is formed by the systematic interaction of three perspectives (ecosystem environment, strategy and performance) and the ultimate goal is to achieve sustainable development of women's sports.

Keywords: Development Model, Resource Sustainability, Sustainable Management, Women's Sports

-
1. Email: sharmin.mohammadamini1986@gmail.com
 2. Email: sahmadi@yu.ac.ir*
 3. Email: mjd_slymn@yahoo.com

Extended Abstract

Background and Purpose

Undoubtedly, women are more restricted in dealing with sports than men, so they should be given more attention in sports development programs (Deaner et al., 2016). Based on scientific and media evidence, the most important paradigm of women's sports at the international level is related to the issues of sustainable development of women's sports and women's empowerment through sports (Lindsey and Chapman, 2017). In women's sports, sustainable development needs to be the most important goal of the management and development process because it is more in line with the inherent characteristics of women's role and social status. According to the principles of the Women's Sports Foundation (WSF), there are several reasons for the sustainable development of women's sports. On the one hand, sport is an important part of social life that develops leadership skills and opportunities for creativity and contributes to the friendship and closeness of society, and on the other hand, participation in sports activities increases the level of public health and Preventing diseases and engaging more members of society in a busy life. The foundation sees sports as a means to improve the freedom and well-being of women and girls. (WSF website). However, sustainable development in Iranian women's sports is not yet pursued as a formal and specific program. Scientific research is one of the methods that increase environmental and institutional attention to the issue of sustainable development of women's sports and the present study has been defined in this regard. A review of the research has shown that so far, no specialized research has been conducted on the issue of sustainable development of women's sports in the country from a managerial and structural perspective. Moreover, previous studies in the field of executive, scientific and media have not provided a model or management model in the field of sustainable development of women's sports. Therefore, the aim of this research was to design a model for sustainable development in the women's sport of Iran.

Methodology

The method of the current study was qualitative with a systematic and explicit approach. The statistical population consisted of two parts of the human community (directors, professors, educators and so on) and the information society (books, articles, documents, media and so on). Sampling was collected based on theoretical saturation, and the judgment was done (24 and 76 versions). The research tool was a library study and framework exploratory interviews. The validity of the tool was evaluated and confirmed by the legal and scientific credibility of the statistical sample, opinion of the experts and coefficient of agreement between the coders. The multi-stage coding method was used to analyze the data. In the present study, an attempt was made to increase internal validity by providing feedback to the respondents and directing them in the direction of the research in a way that did not influence the way they answered. In addition, after each interview, the model obtained

up to that point was presented and discussed if the interviewee had any points about the model. This was done after the interview so that the interview was free from assumptions and orientations. Since the reliability component refers to the extent to which research findings can be replicated and in conducting qualitative studies, the researcher interprets the subject under study. Simultaneously with data collection, their analysis work began in three coding steps. After extracting the codes, they were classified: Continuous comparisons revealed differences and similarities between these codes, Classes were separated or merged to form a theory in the process. Existing sources and texts were also used in the process of completing the theory. Data collection continued until the researcher was satisfied that continuing the work added nothing new to his knowledge. After conducting 24 interviews over a six-month period, data analysis revealed that no new data were added to the previous data; because a high percentage of the data extracted from the last interviews were repetitive.

Results

The framework of the research identified in the model consists of four general and consecutive levels: ecosystem (2 perspectives, 5 dimensions and 20 components), strategy (3 perspectives, 10 dimensions and 29 components), performance (3 perspectives, 11 dimensions and 43 components) and outcome (2 perspectives and 8 components). The nature of the relationship between variables in the model was determined based on causal relationships and system analysis. Based on the identified framework: the national context included three approaches to national sport development, national sustainable development and national approach to women's development. The global context included two approaches to international sustainable sport development and international women's sport development. The perspective of supporting women's sports was composed of two types of institutional support and map support. The Sustainable Development Survey perspective includes development needs assessment, documentation of experiences and development studies. The sustainable development capacity building perspective contains four approaches: environmental networking, performance standardization, management efficiency and process integration. The sustainable development strategy perspective comprises three types of strategies: reactive, propulsive and situational. Stabilizing women's sports participation is also included. There are three sections: breeding sports, public sports and women's competitive sports. Sustainability of women's sports resources consisted of financial, human, physical and knowledge resources. Further, sustainable development of women's sports involved social development, institutional development, green development and economic development. Finally, the consequences of sustainable development included two types of external and internal consequences for the women's sports system. The level of women's sports ecosystem covered three perspectives: national context, global context and environmental support. The level of the

strategy included three perspectives: sustainable development survey, sustainable development capacity building and sustainable development strategy. Besides, the level of performance included three perspectives of stabilizing women's sports participation, stabilizing sports resources, and sustainable development of women's sports. In addition, the outcome level included two perspectives on extra-systemic consequences and intra-systemic consequences.

Discussion

The nature of the relationships between variables in the model was based on causal relationships (research background) and system analysis theories in management and development sciences. These general perspectives are in line with the perspectives introduced in the previous model of women's sports. According to the research findings, sustainable development of women's sports can be formed from systematic interaction and emergence of components in six perspectives, and the ultimate goal is to achieve sustainable development of women's sports to enhance its function.

Keywords: Development Model, Resource Sustainability, Sustainable Management, Women's Sports

References

1. Deaner, Robert O., Balish Shea M., Lombardo Michael P. (2016). "Sex Differences in Sports Interest and Motivation: An Evolutionary Perspective". *Evolutionary Behavioral Sciences*. 2(10). 73-97.
2. Lindsey, I., & Chapman, T. (2017). *Enhancing the contribution of sport to the sustainable development goals*. Commonwealth Secretariat.

طراحی الگوی توسعه پایدار ورزش زنان ایران

شیرین محمدامینی^۱، سیروس احمدی^۲، مجید سلیمانی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
۲. استادیار گروه مدیریت ورزشی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار گروه تربیت بدنی، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر ارائه طراحی الگوی توسعه پایدار در ورزش زنان بود. روش تحقیق از نوع تحقیقات کیفی با رویکرد اکتشافی و سیستماتیک انتخاب شد. جامعه آماری شامل دو بخش جامعه انسانی (مدیران، اساتید، مربیان، و ...) و جامعه اطلاعاتی (کتاب‌ها، مقالات، اسناد، رسانه‌ها، و ...) بود. نمونه گیری به تعداد قابل کفایت بر مبنای رسیدن به اشباع نظری به صورت قضاوتی انجام شد (۲۴ نفر و ۷۶ نسخه). ابزار پژوهش شامل مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های اکتشافی چارچوب‌دار بود. روایی ابزار بر اساس اعتبار حقوقی و علمی نمونه آماری، نظر خبرگان و ضریب توافق بین مصححان کدگذار ارزیابی و تأیید گردید. جهت تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری چندمرحله‌ای استفاده شد. چارچوب پژوهش شناسایی شده در مدل شامل چهار سطح کلی؛ اکوسیستم (۲ منظر، ۵ بُعد و ۲۰ مؤلفه)، راهبرد (۳ منظر، ۱۰ بُعد و ۲۹ مؤلفه)، عملکرد (۳ منظر، ۱۱ بُعد و ۴۳ مؤلفه) و پیامد (۲ منظر و ۸ مؤلفه) بود. ماهیت ارتباط بین متغیرها در مدل بر اساس روابط علی- معلولی و تحلیل سیستمی مشخص شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که توسعه پایدار ورزش زنان از تعامل نظامند منظرهای چهارگانه‌ی (اکوسیستم، راهبرد، عملکرد و پیامد) شکل می‌گیرد و هدف نهایی دستیابی به توسعه پایدار ورزش زنان است.

واژگان کلیدی: مدل توسعه، پایدارسازی منابع، مدیریت پایدار، ورزش بانوان.

1. Email: sharmin.mohammadamini1986@gmail.com
2. Email: sahmadi@yu.ac.ir*
3. Email: mjd_slymn@yahoo.com

مقدمه

بی تردید، زنان از نظر پرداختن به ورزش، نسبت به مردان از محدودیت بیشتری برخوردارند از این رو در برنامه‌های توسعه ورزش باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرند (دینر^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). بر اساس شواهد علمی و رسانه‌ای، مهم‌ترین پارادایم ورزش زنان در سطح بین الملل مربوط به مباحث توسعه پایدار ورزش زنان و توانمندسازی زنان از طریق ورزش است (لیندسی و چاپمن^۲، ۲۰۱۹). این رویکرد در کشور ما در چند سال اخیر با همایش‌هایی مانند سمینار بین المللی زن، ورزش، رسانه، سمپوزیوم بین المللی توانمندسازی زنان و دختران از طریق ورزش، همایش ملی علوم ورزشی زنان جدی‌تر پیگیری شد. با این وجود هنوز توسعه پایدار در ورزش زنان کشور به صورت یک برنامه رسمی و مشخص دنبال نمی‌شود. تحقیقات علمی یکی از روش‌هایی است که سبب افزایش توجهات محیطی و نهادی به موضوع توسعه پایدار ورزش زنان می‌شود و پژوهش حاضر نیز در این راستا تعریف شده است.

توسعه پایدار^۳، مفهومی است که توجه روزافزونی را در تحقیقات امروزی به خود معطوف کرده است. از طرفی مبحث توسعه پایدار با تأکید بر مفهوم پایدارسازی و مبتنی بر نیازهای یکپارچه جهت بهبود رفاه انسانی با تأکید بر کاهش تخریب محیطی نیز در نظر گرفته شده است (زاهدی، ۲۰۱۴). در این رابطه، کلمه پایداری در توسعه به معنی تعادل بین سلامتی اقتصادی، عدالت اجتماعی و قابلیت انعطاف‌پذیری^۴ است که چشم‌اندازی طولانی مدت را تدوین می‌کند و فرصت‌هایی را برای راه حل‌های برد-برد فراهم می‌آورد (غفاری‌رهبر و همکاران، ۲۰۱۵). اگر توسعه ورزش از دید پایداری تعریف شود، می‌توان گفت که توسعه پایدار ورزش به مثابه رشد مستمر و بلندمدت شاخص‌های محوری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، نهادی و زیست محیطی مانند منابع پایدار، داوطلبی ورزشی، ورزش سبز است (لیندسی و چاپمن، ۲۰۱۹). از منظری دیگر، توسعه پایدار ورزش را می‌توان نوعی مداخله اجتماعی دانست که به دنبال ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت ورزشی همگانی در تمام طول عمر است. در برخی کشورها از قبیل انگلستان منظور از برنامه‌های توسعه‌ای برای ورزش، توسعه پایدار ورزش است، چرا که این برنامه‌ها، توسعه را در تمامی ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، محیطی) در نظر گرفته است. این برنامه‌ها، اهدافی مانند عدالت اجتماعی، توسعه جامعه، امنیت اجتماعی، عملکرد برابر، بهبود سلامتی، انسجام اجتماعی، کنترل اجتماعی، توانمندسازی و موفقیت در ورزش، توسعه شغلی، توسعه فردی، توانبخشی، تفویض اختیار، خود مختاری، عملکرد اخلاقی، کار گروهی، یادگیری و اجرای توأمان را برای ورزش انگلستان هدف‌گذاری کرده‌اند. به صورت کلی توسعه پایدار ورزش به قابلیت استمرار و تداوم

-
1. Deaner
 2. Lindsey, I., & Chapman
 3. Sustainable Development
 4. Flexibility

برنامه‌های توسعه ورزش بر می‌گردد (شری و همکاران^۱، ۲۰۱۶). در نتیجه تلاش‌هایی برای تأکید همزمان بر هر دو جنبه صورت گرفته است.

در ورزش زنان، لازم است که توسعه پایدار مهم‌ترین هدف از فرایند مدیریت و توسعه باشد زیرا با ویژگی‌های ذاتی نقش و وضعیت اجتماعی زنان تناسب بیشتری نیز دارد. بر اساس اصول بنیاد ورزش زنان^۲ (WSF) دلایل متعددی جهت توسعه پایدار ورزش زنان وجود دارد. از یک طرف ورزش بخش مهمی از زندگی اجتماعی است که سبب توسعه مهارت‌های رهبری و فرصت بروز خلاقیت‌ها می‌گردد و به دوستی و نزدیکی جامعه کمک می‌کند و از طرف دیگر شرکت در فعالیت‌های ورزشی باعث افزایش سطح بهداشت عمومی و جلوگیری از بروز بیماری‌ها و نیز درگیر شدن بیشتر آحاد جامعه در یک زندگی پرتحرک می‌شود. این بنیاد ورزش را یک وسیله برای بهبود وضعیت آزادی و رفاه زنان و دختران می‌داند. (وب سایت^۳ WSF). موارد مذکور جزو شاخص‌های اصلی توسعه پایدار هستند (سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار یونسکو، ۲۰۱۶).

بر اساس شواهد رسانه‌ای و علمی در حال حاضر ورزش زنان در کشور با چالش‌های اساسی از جمله بی‌جهت بودن روند توسعه و بی‌ارتباط بودن آن با ویژگی‌های ذاتی این قشر مواجه است (مومنی و همکاران، ۲۰۱۴). از سوی دیگر وابستگی بسیاری از ابعاد ورزش زنان به سایر بخش‌ها بالادستی و هم‌سطح خود در حوزه مردان، موجب ضعف پیوندهای پسین این بخش شده است که کمترین تأثیر آن ضعیف ماندن بخش مشارکت زنان در ورزش و امکانات و خدمات مربوط به آن است (حکمتی، ۲۰۱۷). از این روی، بخش ورزش زنان به لحاظ تأمین منابع توسعه اولیه، بیشتر برون‌گرا و به لحاظ عرضه دستاوردها و رویدادها، بیشتر درون‌گرا است. در همین راستا پارادایم حاکم و روند حرکت جهانی در توسعه ورزش زنان نشان می‌دهد که در کشورهای پیشرفته صنعتی تمرکز بر توسعه ورزش زنان به صورت سیستماتیک و مبتنی بر نوآوری در چهارچوب علمی و آینده‌نگرانه هستند (سعادت‌فرد و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین فراهم نمودن محیط مناسب مشارکت ورزشی در کنار جذب پشتوانه فرهنگی، حمایت اجتماعی، سرمایه‌گذاری اقتصادی و توجه باید در اولویت اقدامات و مطالبات توسعه ورزش زنان قرار بگیرد. دستیابی به چنین ساختاری نیازمند داشتن الگوهای مدیریتی و ساختاری نظامند است که این پژوهش بر آن تمرکز دارد.

ضرورت مدل‌های راهبردی برای مدیریت و توسعه را می‌توان متأثر از شرایط محیطی متغیر و پیچیده جهان کنونی دانست. برای هماهنگ شدن با این تحولات محیطی، مدل‌های مدیریت و توسعه به مدیران نهادها و سازمان‌های کمک می‌کند تا آن بینش فکری مناسبی از آینده داشته باشند و روند حرکت ساختارهای تحت امر خود را ترسیم کنند، سپس با اتخاذ و اجرای فرآیند

1. Sherry et al
2. Women's Sport Foundation

۳. آدرس سایت: www.wsf.org.uk

برنامه‌ریزی، همواره خود را برای متحول شدن به منظور سازگاری با دگرگونی‌های محیطی آماده نگه دارند (قلی پور، ۲۰۱۸). بر اساس این دیدگاه و با اتکا به تفکر سیستمی و کل‌نگر، چنانچه ورزش زنان کشور به عنوان یک نظام نهادی و سیستم اجتماعی و در درون سیستم‌های بزرگتری همچون نظام ورزش کشور در نظر گرفته شود، عملکرد سازمان‌های ورزشی حوزه زنان و دستیابی به اهداف توسعه در این زمینه، همزمان از عواملی گوناگون در سطوحی مختلف تأثیر می‌پذیرد. این عوامل نیازمند شناسایی، تحلیل، مدل‌سازی و تفسیر هستند.

تاکنون تحقیقاتی مرتبط با موضوع توسعه پایدار و ورزش زنان به ارائه دانش پرداخته‌اند. در تحقیقات داخلی عبدوی و فخری (۲۰۱۰) نقش رسانه در توسعه فرهنگ ورزش و اوقات فراغت زنان را در همه ابعاد معنادار گزارش کردند. منظمی و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که عوامل مالی و امکاناتی، انسانی و تخصصی، ساختاری و مدیریتی و فرهنگی و اجتماعی به ترتیب اولویت بر توسعه تربیت‌بدنی و ورزش بانوان کشور مؤثرند. موتمنی و همکاران (۲۰۱۴) مهم‌ترین موانع پیش روی بانوان در انجام فعالیت‌های ورزشی را شامل عدم توجه مسئولان به ورزش زنان، وجود فرهنگ مرد محوری، کمبود زمان، وضعیت اقتصادی و عدم سرمایه‌گذاری لازم در توسعه اماکن ورزشی زنان گزارش کردند. راسخ و سجادی (۲۰۱۵) در تحلیل راهبردی توسعه ورزش قهرمانی بانوان کشور گزارش کردند ورزش قهرمانی بانوان از نظر موقعیت استراتژیک در موقعیت WT قرار دارد و بایستی از راهبردهای تدافعی استفاده کند. هاشمی (۲۰۱۶) نشان داد که عوامل ساختاری، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی-حقوقی و مدیریتی در توسعه منابع مالی در ورزش بانوان تعیین کننده هستند. باقری پالندی و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی فقهی و حقوقی حضور زنان در فضاهای ورزشی کرده است که عمده چالش‌ها متوجه شرایط محیطی مشارکت و حضور زنان در فضاهای ورزشی است. حکمتی (۲۰۱۷) مدل پیشنهادی خود برای توسعه ورزش بانوان در ایران را منطبق با الگوی عمومی سه شاخگی و مشتمل بر مؤلفه‌های محیطی، ساختاری و رفتاری ترسیم کرده است. رستگاری (۲۰۱۷) مهم‌ترین چالش‌های مدیریت بانوان در ورزش را موانع فرهنگی، فردی و شخصیتی، سازمانی، محیطی و اجتماعی و موانع شرعی و قانونی گزارش کرده است. سعادت‌فرد و همکاران (۲۰۲۱) الگوی پیشنهادی خود برای توسعه ورزش تفریحی زنان ایران را منطبق بر چارچوب مدل پارادایمی شامل منظرهای شرایط علی، شرایط واسطه‌ای، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها قرار داد. به طور کلی نتایج و پژوهش‌های انجام شده در ورزش زنان کشور نشان داده است که فقدان سیاست‌ها، خط مشی‌های راهبردی، عدم هماهنگی بین مجموعه نهادها، سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با ورزش، ناکافی بودن منابع مادی و انسانی در حوزه‌های مختلف ورزشی و بعضاً انجام کارهای موازی و عدم نظارت کافی بر فعالیت‌های ورزشی از جمله مهم‌ترین نارسایی‌های این بخش محسوب می‌شوند.

برخی تحقیقات داخلی هم در حوزه ورزش به موضوع ورزش و توسعه پایدار پرداخته‌اند. نظری و قاسمی (۲۰۱۳) تأثیر رسانه در توسعه پایدار ورزش را مربوط به محورهای فرهنگی اجتماعی،

آموزشی و پژوهشی، انسانی و مالی می‌دانند. قربانی (۲۰۱۸) کارکردهای ورزش در توسعه پایدار را مربوط به حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گزارش کرده است. قلی پور (۲۰۱۸) برای مشارکت بین سازمانی جهت ارتقای نقش ورزش در توسعه پایدار، چالش‌هایی مانند نبودن ظرفیت‌ها و زیرساخت‌ها، عدم توجه به مأموریت اصلی سازمان و عدم آگاهی لازم مسئولین سازمان‌های ورزشی را شناسایی کرده و برای آنها راهبردهایی مانند استفاده از نخبگان سیاسی، نظارت بر اجرای برنامه‌ها، تأمین منابع مالی و انسانی را پیشنهاد کرده است. رضائی نژاد و همکاران (۲۰۱۹) در بررسی ارتباط توسعه پایدار و ورزش مبتنی بر سند ۲۰۳۰ گزارش کردند که بر اساس نظر خبرگان، از بین ۱۷ هدف توسعه پایدار در سند ۲۰۳۰، ورزش به طور مستقیم با ۶ هدف و به طور غیرمستقیم با ۷ هدف ارتباط دارد. حسینی نسب و همکاران (۲۰۱۹) نقش گردشگری ورزشی در توسعه پایدار شهری (مشهد) را در منظرهای اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی مورد تأیید قرار دادند. نظری و شعبانی مقدم (۲۰۲۰) در بررسی تأثیر ادراک زیست محیطی بر توسعه پایدار در ورزش نشان دادند که بین سطح ادراک از تأثیرات زیست‌محیطی با رفتار واقعی مصرف‌کننده در رویدادهای ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

تحقیقات خارجی ابعاد گسترده‌تری از توسعه پایدار ورزش زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند. در گزارش سازمان ملل تحت عنوان توسعه برای زنان (۲۰۰۷) تبعیض بین ورزش مردان و زنان به عنوان مهم‌ترین مانع توسعه پایدار ورزش زنان عنوان شده است. رس^۱ (۲۰۰۸) شرایط تبعیض - آمیز در ورزش به نفع مردان را مهم‌ترین مانع توسعه ورزش زنان می‌داند. اسچولنکورف^۲ (۲۰۱۲) در بررسی توسعه پایدار جامعه از طریق ورزش گزارش کرد که رویدادهای ورزشی بسته به حجم پوشش آنها بر توسعه پایدار محلی نقش دارند. هانکوک^۳ و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی رویکرد جهانی توسعه ورزش زنان گزارش کردند که ورزش ظرفیت تعریف به عنوان برنامه‌ای برای توسعه پایدار زنان را دارد. کوتچوار^۴ (۲۰۱۴) در ارائه مدلی برای توسعه پایدار ورزش، برنامه و ساختار را در محوریت قرار داده است. فینک^۵ (۲۰۱۵) در پژوهش خود گزارش کرد که نهادینه شدن ورزش در زندگی زنان، به آگاهی از نقش و انتظارات مربوط به رفتارهای آنان در جوامع ورزشی بستگی دارد. دینر^۶ و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی تفاوت‌های جنسیتی در ورزش گزارش کرد که بین انواع مشارکت در ورزش (فعالیت ورزشی، هواداری، رسانه‌ای، و...) تفاوت قابل توجهی وجود دارد. ویسیون^۷ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند که تناسب جنسیت و نوع ورزش‌ها

-
1. Ross
 2. Schulkorf
 3. Hancock
 4. Kotschwar
 5. Fink
 6. Deaner
 7. Vinson

بر میزان توسعه آنها در بخش زنان و مردان تعیین کننده است. هال و اگلسبی^۱ (۲۰۱۶) در پژوهش خود کاهش پدیده سقف شیشه‌ای را یکی از روندهای مهم آینده توسعه ورزش زنان پیش‌بینی می‌کند. فاردولی^۲ و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی نقش رسانه در اوقات فراغت زنان نشان داد که رسانه‌های اجتماعی بیشترین اثر مثبت خود بر تندرستی و فعالیت بدنی آنان می‌گذارند. لیندسی و داربی^۳ (۲۰۱۹) در بررسی همسویی ورزش و اهداف توسعه پایدار گزارش کرد که اهداف ورزش همسویی بالایی با اهداف توسعه پایدار دارد و با افزایش هماهنگی سیاست‌های دو حوزه، همسویی بیشتری ایجاد می‌شود. اسچولنکرف و سیفکن^۴ (۲۰۱۹) در ارائه مدل ورزش برای توسعه و زندگی سالم، به برخی تفاوت‌های بین زنان و مردان در تفسیر مدل (برابری، کارکرد و...) توجه کرده است. لبل^۵ و همکاران (۲۰۱۹) فرهنگ دیجیتال امروز را مهم‌ترین عامل در پویایی جمعیت ورزشی زنان می‌داند. اندرسون^۶ (۲۰۲۰) در تحلیل وضعیت توسعه ورزش زنان در ایالات متحده، نشان داد که در تمامی زمینه‌ها، ورزش زنان نسبت به مردان شکاف وجود دارد و عوامل تجاری، فنی، رسانه‌ای و رفتاری در کاهش این شکاف اثرگذارند.

علاوه بر این بررسی مدل‌های ارائه شده در تحقیقات داخلی و خارجی حوزه توسعه ورزش و دیدگاه‌های موجود در زمینه توسعه پایدار ورزش زنان می‌توان گفت چالش اصلی مربوط به شرایط خانوادگی و محیطی زنان برای شرکت در ورزش همگانی و ورزش‌های رقابتی است. در این زمینه دو نگاه حداکثری (در اکثر مدل‌ها) و یک نگاه بینابین در یک پیوستار وجود دارد. در یک قطب از این پیوستار، ورزش‌های رقابتی برای زنان موضوعی نامناسب تلقی شده است که با ویژگی‌های زنانه در تعارض است^۷ (طرفداران رویکردهای تساوی‌گرا و به طور خاص اندیشه‌های فمینیستی)، اما در قطب دیگری از این پیوستار خواهان ایجاد فرصت‌های برابر در همه عرصه‌ها از جمله ورزش‌های رقابتی در بین زنان و مردان بوده‌اند. منتقدان فرهنگ مردسالار، ورزش را همواره تحت سلطه و هژمونی مردان دانسته‌اند. دیدگاه سوم، بینابینی است و معتقد است صرف نظر از میزان سلطه مردان و آثار کلیشه جنسیتی در ورزش، تناسب جنسیت و نوع ورزش یکی از موضوعات غیر قابل انکار در مورد مقبولیت رقابت‌های ورزشی برای مردان و زنان است (جمع‌بندی نگارندگان). از منظر رویکردهای توسعه نیز دو رویکردهای غالب در اکثر مدل‌های پیشین وجود دارد: توسعه ورزش و ورزش برای توسعه. رویکرد توسعه ورزش مشتمل بر مواردی مانند توسعه

-
1. Hall & Oglesby
 3. Fardouly et al.
 4. Lindsey & Darby
 5. Schulenkorf & Siefken
 6. Lebel
 7. Anderson

۸. شاید تعجب برانگیز باشد که کوبرتن بنیانگذار المپیک نوین خود از طرفداران این دیدگاه بوده است

منابع، مشارکت و تشکیلات در ورزش است و رویکرد ورزش برای توسعه بیانگر نقش ورزش در توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۹).

مرور تحقیقات نشان داد که تاکنون تحقیقی تخصصی با موضوع توسعه پایدار ورزش زنان در کشور از منظر مدیریتی و ساختاری انجام نشده است. همچنین مطالعات قبلی در حوزه اجرایی، علمی و رسانه‌ای مدل یا الگوی مدیریتی در زمینه توسعه پایدار توسعه ورزش زنان ارائه ندهاده‌اند. در همین راستا، بر اساس وضعیت فعلی نامناسب ورزش زنان در کشور (مومنی و همکاران، ۲۰۱۴؛ راسخ و سجادی، ۲۰۱۵؛ و...) و تجارب موفق بین‌المللی در زمینه بهره‌گیری از ورزش برای توسعه زنان (هانکوک و همکاران، ۲۰۱۳؛ فینک، ۲۰۱۵؛ و...)، می‌توان مسئله توسعه پایدار ورزش زنان در کشور را به صورت این سؤال مطرح کرد که چگونه می‌توان تحول مثبتی در ورزش زنان کشور شکل داد تا در مسیر صحیح توسعه پایدار قرار بگیرد؟ یکی از پاسخ‌ها و راهکارها در این زمینه، ارائه مدل‌های جامع‌نگر، فرایندنگر و نظام‌مند برای توسعه پایدار توسط محققان است. با توجه محدودیت‌ها و چالش‌های فراوان پیش روی ورزش زنان در ایران، توسعه پایدار مهم‌ترین مقوله مورد بحث محسوب می‌شود که تاکنون به صورت تحقیق علمی بررسی نشده است. بر اساس مطالب بیان شده به صورت کلی مسئله اصلی توسعه ورزش زنان را می‌توان در توجه محدود به رویکرد توسعه پایدار عنوان کرد. از این رو نیاز به ارائه چارچوب علمی در زمینه تحلیل سیستم توسعه پایدار ورزش زنان در کشور وجود دارد و پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که مدل مفهومی و تحلیلی مناسب برای توسعه ورزش پایدار زنان در کشور چگونه است؟

روش پژوهش

روش تحقیق از نوع کیفی با رویکرد اکتشافی و چارچوب‌بندی سیستماتیک بود (منطبق بر تئوری داده‌بنیاد). جامعه آماری شامل دو بخش منابع انسانی و منابع اطلاعاتی (منابع علمی، اسنادی و کتابخانه‌ای) بود. بخش منابع انسانی جامعه آماری پژوهش را تمامی کسانی تشکیل می‌دادند که آگاه به موضوع مدیریت و توسعه ورزش زنان هستند و به صورت مشخص مدیران سازمان‌های متولی ورزش زنان، اساتید مدیریت ورزشی صاحب‌نظر در زمینه ورزش زنان، مربیان و معلمان ورزش زن و... نمونه آماری به تعداد قابل کفایت بر مبنای رسیدن به اشباع نظری چارچوب پژوهش انتخاب و به صورت هدفمند و در دسترس نمونه‌گیری شد (۲۴ نفر). اساس انتخاب نمونه این بود که افراد منتخب بتوانند به شکل‌گیری نظریه و تکرارپذیری یافته‌ها کمک کنند. جامعه اطلاعاتی نیز شامل منابع کتابخانه‌ای و علمی، گزارش‌ها و اسناد اجرایی و حقوقی و منابع آرشیوهای رسانه‌ای بود. نمونه آماری این بخش شامل ۷۶ نسخه بر اساس رسیدن به اشباع نظری چارچوب پژوهش انتخاب و و به روش نمونه‌گیری نظری و از نوع قضاوتی نمونه‌گیری شد.

جدول ۱- مشخصات نمونه آماری پژوهش

جامعه اطلاعاتی		جامعه انسانی			جامعه
منابع و آرشیه‌های رسانه‌ای	گزارش‌ها و اسناد اجرایی و حقوقی	منابع کتابخانه‌ای و علمی	مربیان و معلمان ورزش زن	اساتید دانشگاهی صاحب‌نظر در زمینه توسعه ورزش و ورزش زنان	مدیران و کارشناسان سازمان‌های حوزه ورزش زنان
	نظری (قضای) و نظری (قضای)	نظری (قضای)	هدفمند و دردسترس	هدفمند و دردسترس	هدفمند و دردسترس
نظری (قضای)	نظری (قضای)	نظری (قضای)	۷ نفر	۸ نفر	۹ نفر
۳۱ نسخه	۱۶ نسخه	۲۹ نسخه	۷ نفر	۸ نفر	۹ نفر
	۷۶ نسخه			۲۴ نفر	

ابزار پژوهش شامل مطالعه کتابخانه‌ای نظام‌مند و مصاحبه اکتشافی بود. سئوالات مصاحبه و چارچوب رونوشت مطالعه کتابخانه‌ای بر اساس چارچوب نظری توسعه پایدار ورزش زنان طراحی شده بود. مشخصات ابزارهای پژوهش به صورت زیر است. روایی ابزار با استفاده از روش‌های روایی‌سنجی ذکر شده در جدول ۲ کنترل و مطلوب ارزیابی شد.

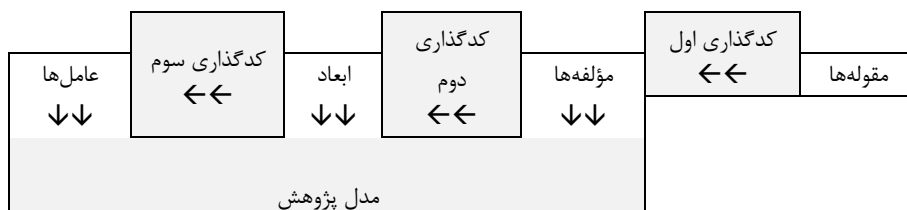
جدول ۲- مشخصات ابزارهای پژوهش

روش	ابزار	زمینه	روایی
مطالعه کتابخانه‌ای	رونوشت (چک لیست استخراج مفاهیم)	جامعه اطلاعاتی	انتخاب نسخه‌های معتبر به لحاظ علمی و حقوقی
مصاحبه	چارچوب پرسش (پرسش‌نامه بازپاسخ)	جامعه انسانی	انتخاب افراد بر حسب شایستگی علمی و فنی
			روایی محتوایی و صوری پرسش‌نامه از دیدگاه متخصصان
			محاسبه ضریب توافق بین اساتید کدگذار و مصحح

در این پژوهش، با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قراردادن آنها در مسیر پژوهش به طوری که بر نحوه پاسخگویی آنها تأثیر نگذارد، به منظور افزایش روایی درونی اقدام شد. ضمناً پس از انجام هر مصاحبه، الگوی به‌دست آمده تا آن مرحله ارائه می‌شد و در صورتی که مصاحبه‌شونده نکاتی را نسبت به الگو داشت، مورد بحث قرار می‌داد. این کار پس از انجام مصاحبه انجام می‌شد

تا مصاحبه خالی از هر گونه پیش‌فرض و جهت‌گیری انجام شود. از آنجایی که در انجام مطالعات کیفی پژوهشگر به تفسیر موضوع مورد مطالعه می‌پردازد. همزمان با گردآوری داده‌ها، کار تحلیل آنها طی سه مرحله کدگذاری نیز شروع شد. پس از استخراج کدها، آنها طبقه‌بندی می‌شوند. مقایسه مداوم، تفاوت‌ها و تشابهات بین این کدها را آشکار می‌کند؛ طبقات جدا و یا ادغام می‌گردند تا نظریه در روند این فرآیند شکل گیرد. منابع و متون موجود نیز در روند تکمیل تئوری مورد استفاده قرار می‌گیرند. کار گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر اطمینان حاصل کند که ادامه کار چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید. پس از انجام ۲۴ مصاحبه در طی دوره شش ماه، تحلیل داده‌ها حاکی از اضافه نشدن داده جدید به داده‌های قبلی بود؛ چرا که درصد بالایی از داده‌های مستخرج از مصاحبه‌های آخر تکراری بود. بنابراین، با رسیدن به حد اشباع نظری، به مصاحبه‌ها پایان داده شد. پژوهشگران کیفی به جای واژه اعتبار و روایی، از واژه‌های مقبولیت، انتقال‌پذیری و تأییدپذیری استفاده می‌کنند.

تحلیل یافته‌ها از طریق روش‌های چارچوب‌بندی و کدگذاری مفهومی بر مبنای تحلیل سیستمی مفهومی صورت گرفت. کدگذاری با استفاده از مطالعات قبلی و نظر متخصصان انجام شد. روش تحلیل یافته‌های کیفی در این پژوهش ترکیبی دو روش تحلیل ساختاری (چارچوب‌بندی مفهومی) و تحلیل کمی (میزان تکرار در مطالعه) است (شکل ۱). یعنی پس از کدگذاری اول، مؤلفه‌ها برحسب فراوانی تأکید و تکرار بازنویسی و گزینش شدند و هر مؤلفه انسجام یافته مفاهیم محوری آن در منابع اطلاعاتی و انسانی است.



شکل ۱- فرایند کدگذاری یافته‌های پژوهش

در نهایت مدل پژوهش به صورت تخصصی در یک جلسه گروه کانونی با حضور ۵ نفر که هم دارای دکترای مدیریت ورزشی و دارای فعالیت مدیریتی در حوزه ورزش زنان بودند و متغیرها و روابط بین آنها ویرایش و تکمیل گردید.

نتایج

یافته‌های پژوهش که با استفاده از ابزارها از جامعه آماری مستخرج شدند پس از مراحل کدگذاری در قالب چارچوب و مدل مفهومی تنظیم گردیدند. عوامل شناسایی شده دارای بیشترین تکرار در منابع و بیشترین میزان ارتباط به ماهیت و ساختار و ورزش زنان و توسعه پایدار آن هستند (جدول ۳). بر اساس چارچوب شناسایی شده، منظر بستر ملی شامل سه رویکرد توسعه ملی ورزش، توسعه پایدار ملی و رویکرد ملی توسعه زنان است. منظر بستر جهانی شامل دو رویکرد توسعه پایدار ورزش بین‌المللی و توسعه بین‌المللی ورزش زنان بود. منظر حمایت از ورزش زنان مشتمل بر دو نوع حمایت نهادها و حمایت نقش‌ها است. منظر پیمایش توسعه پایدار شامل نیازسنجی توسعه، مستندسازی تجربیات و مطالعات توسعه است. منظر ظرفیت‌سازی توسعه پایدار شامل چهار رویکرد شبکه‌سازی محیطی، استانداردسازی عملکرد، کارآمدسازی مدیریت و یکپارچه‌سازی فرایندها بود. منظر استراتژی توسعه پایدار شامل سه نوع استراتژی‌های واکنشی، پیشرانی و وضعیتی است. پایدارسازی مشارکت ورزشی زنان نیز شامل سه بخش ورزش پرورشی، ورزش همگانی و ورزش رقابتی زنان است. پایدارسازی منابع ورزش زنان مشتمل بر منابع مالی، انسانی، فیزیکی و دانشی بود. توسعه پایدار ورزش زنان نیز شامل توسعه اجتماعی، توسعه نهادی، توسعه سبز و توسعه اقتصادی است. در نهایت پیامدهای توسعه پایدار شامل دو نوع پیامدهای بیرونی و درونی برای سیستم ورزش زنان است.

جدول ۳- کدگذاری مقوله‌های استخراج شده از پیمایش کیفی و گزارش فراوانی تکرار آنها (تحلیل ساختاری و کمی یافته‌ها)

میزان تکرار در مطالعه	کد ۱ (مؤلفه‌ها)	کد ۲ (عامل)	کد ۳ (منظر)
۱۳	برنامه کلان توسعه ورزش کشور		
۵	مدیریت سبز در ورزش کشور	رویکرد توسعه	
۴	توسعه فرهنگی ورزش کشور	ملی ورزش	
۸	توسعه اقتصادی ورزش و صنعت ورزش در کشور		
۱۲	سیاست‌های توسعه سبز در کشور		
۱۱	راهبردهای توسعه اجتماعی پایدار کشور	رویکرد توسعه	توسعه اجتماعی
۳	سیاست‌های توسعه اقتصادی پایدار کشور	پایدار ملی	توسعه پایدار
۶	برنامه‌های ملی توسعه پایدار		
۷	رشد مشارکت اجتماعی زنان در کشور		
۵	ارتقای مشارکت اقتصادی زنان در کشور	رویکرد ملی	
۶	ارتقای مشارکت سیاسی زنان در کشور	توسعه زنان	
۵	توانمندسازی زنان در کشور		

ادامه جدول ۳- کدگذاری مقوله‌های استخراج شده از پیمایش کیفی و گزارش فراوانی تکرار آنها
(تحلیل ساختاری و کمی یافته‌ها)

میزان تکرار در مطالعه	کد ۱ (مؤلفه‌ها)	کد ۲ (عامل)	کد ۳ (منظر)	
۴	رشد تجاری ورزش زنان در جهان		بستر جهانی	
۴	ارتقای پوشش رسانه‌های ورزش زنان در جهان	توسعه		
۷	افزایش حمایت و منابع ورزش زنان در جهان	بین‌المللی		
۹	موفقیت ورزش در ارتقای جایگاه اجتماعی زنان در سطح بین‌المللی	ورزش زنان		
۳	اقدامات و برنامه‌های کشورهای مختلف در زمینه توسعه پایدار ورزش			
۹	قوانین و منشورهای جهانی در زمینه توسعه پایدار ورزش	توسعه پایدار		
۱۱	نهادهای و مراکز فعال در زمینه توسعه پایدار ورزش در سطح جهان	جهانی ورزش		
۳	مطالعات و تحقیقات جهانی توسعه پایدار ورزش			
۴	جلب حمایت نهادهای رسانه‌ای کشور از ورزش زنان			حمایت محیطی از ورزش زنان
۳	جلب حمایت نهادهای فرهنگی هنری کشور از ورزش زنان			
۶	جلب حمایت نهادهای سیاسی کشور از ورزش زنان	حمایت نهادها		
۳	جلب حمایت نهادهای ورزشی بین‌المللی از ورزش زنان کشور			
۵	جلب حمایت شخصیت‌ها و فرهیختگان زن جامعه از ورزش زنان			
۷	جلب حمایت شخصیت‌های ورزشی بین‌المللی از ورزش زنان کشور	حمایت نقش-ها		
۴	جلب حمایت بیشتر هواداران ورزشی از ورزش زنان			
۶	جلب حمایت شخصیت‌های ورزشی مرد کشور از ورزش زنان		پیمایش توسعه ورزش زنان	
۵	ایجاد سازوکار ثبت و تفسیر تجربیات مدیریت و توسعه ورزش زنان	مستندسازی		
۷	مستندسازی تجربیات مدیران ورزشی زن	تجربیات		
۱۰	تحلیل برنامه‌های پیشین توسعه ورزش زنان			
۶	نظرخواهی از جامعه ورزش زنان در ارتباط با نیازهای توسعه	نیازسنجی		
۹	پایش و آمایش توسعه ورزش زنان در کشور	توسعه		
۸	ارزیابی و چارچوب‌بندی نیازهای توسعه ورزش زنان			
۴	انجام مطالعات تطبیقی در زمینه ورزش زنان با کشورهای مختلف	مطالعات		
۳	انجام مطالعات آینده‌پژوهی در زمینه ورزش زنان	توسعه‌نگر		
۳	انجام مطالعات آسیب‌شناسی راهبردی در زمینه ورزش زنان			

ادامه جدول ۳- کدگذاری مقوله‌های استخراج شده از پیمایش کیفی و گزارش فراوانی تکرار آنها
(تحلیل ساختاری و کمی یافته‌ها)

میزان تکرار در مطالعه	کد ۱ (مؤلفه‌ها)	کد ۲ (عامل)	کد ۳ (منظر)
۱۱	تعریف بخش یا واحد تخصصی برای توسعه پایدار ورزش زنان	کارآمدسازی	ظرفیت‌سازی توسعه پایدار ورزش زنان.
۹	برنامه‌ریزی مناسب در زمینه توسعه پایدار ورزش زنان	مدیریتی	
۱۲	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه ورزش زنان توسط نهادهای متولی		
۸	نظام استاندارد و ارزیابی مدیریت، برنامه و عملکرد	استانداردسازی	
۷	به روزآوری و اجرای قوانین و مقررات	عملکرد	
۸	نظارت و ارزیابی مستمر بر فعالیت‌های توسعه ورزش زنان		
۵	همسوسازی برنامه‌های مرتبط به توسعه ورزش زنان		
۱۰	تعیین روابط و وابستگی بین فعالیت‌های مختلف در توسعه ورزش زنان	یکپارچه‌سازی	
۷	هماهنگ‌سازی کلیه فعالیت‌ها برحسب مؤلفه‌های ساختاری و عملکردی	فرایندها	
۶	ایجاد سیستم ارتباطی و جریان اطلاعاتی بین متولیان و ذینفعان	شبکه‌سازی	
۶	تقسیم کار ملی و بین سازمانی به ورزش زنان	محیطی	استراتژی توسعه پایدار ورزش
۸	تعریف نقش و تفویض اختیارات در تشکیلات مرتبط با ورزش زنان		
۴	تدوین قوانین لازم در زمینه توسعه پایدار ورزش زنان	واکنشی	
۴	پیش‌بینی تغییرات لازم جهت توسعه پایدار ورزش زنان		
۸	پایدارسازی فرایندهای ورزش زنان (آموزش، ارزیابی و ...)		
۳	هوشمندسازی فضاهای ورزشی تخصصی زنان		
۶	پیاده‌سازی شاخص‌های ورزش سبز در فضاهای ورزشی زنان	پیشرانی	
۵	کارآمدسازی سیستم مدیریت عملکرد حوزه ورزش زنان		
۵	مشارکت‌دهی بخش‌ها و نقش‌های لازم جهت توسعه پایدار ورزش زنان	وضعیتی	
۳	بهبود امکانات و شرایط مشارکت هواداران ورزشی زنان		
۶	مدیریت مهاجرت ورزشی زنان در کشور		

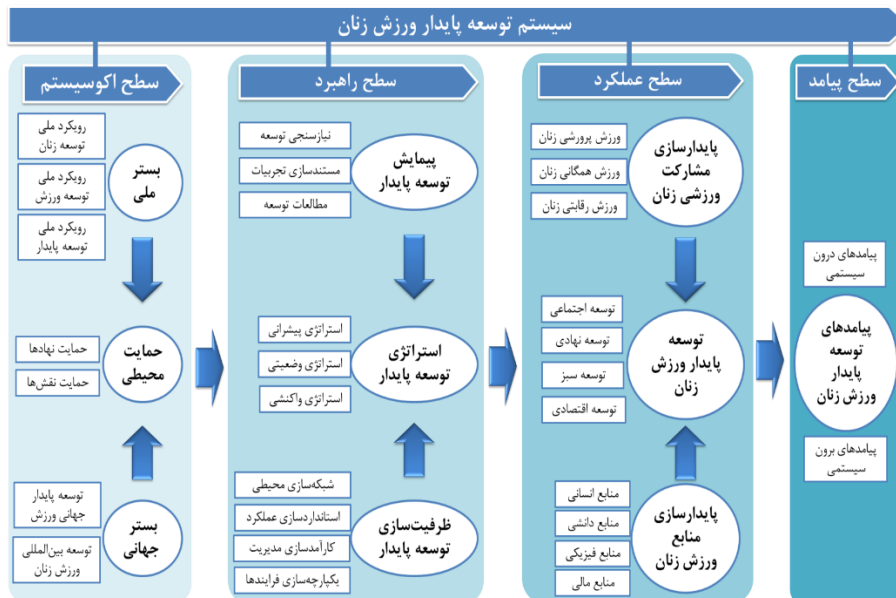
ادامهٔ جدول ۳- کدگذاری مقوله‌های استخراج شده از پیمایش کیفی و گزارش فراوانی تکرار آنها (تحلیل ساختاری و کمی یافته‌ها)

میزان تکرار در مطالعه	کد ۱ (مؤلفه‌ها)	کد ۲ (عامل)	کد ۳ (منظر)
۶	افزایش بودجه متخصص ورزش زنان در کشور	مالی	پایدارسازی منابع ورزش زنان
۸	توسعه جذب منابع مالی از بخش نهادها و افراد		
۳	ارتقای و تنوع بخشی روش‌های تأمین مالی		
۷	تربیت متخصصان زنان برای حوزه‌های مختلف ورزش کشور	انسانی	
۷	اصلاح نظام استخدام و ارتقای شغلی ورزش کشور جهت عدالت بیشتر نسبت به زنان		
۸	بهره‌گیری از ظرفیت‌های داوطلبی و کارورزی در ورزش زنان		
۶	رشد سرانه فضای ورزشی قابل استفاده برای بانوان	فیزیکی	
۴	کمک از منابع خیریه، نهادهای عمومی و مردمی جهت توسعه فضاهای ورزشی برای زنان		
۵	استانداردسازی فضاهای ورزش رقابتی و قهرمانی زنان در کشور		
۹	توسعه تولیدات علمی مرتبط با ورزش زنان در دانشگاه‌ها	دانشی	
۱۱	ارتقای سطح فناوری و نوآوری در مراکز و فضاهای ورزشی زنان		
۵	توسعه دوره‌های آموزشی حوزه ورزش زنان		
۳	ارتقای سطح سواد حرکتی و آموزش ورزشی دانش آموزان دختر	ورزش	پایدارسازی مشارکت ورزشی زنان
۸	ترویج مشارکت ورزشی دانشجویان دختر	پرورشی زنان	
۲	توسعه سیستم استعدادیابی ورزشی برای دختران	ورزش همگانی زنان	
۴	رشد فعالیت بدنی و مشارکت ورزشی زنان		
۲	فراهم‌سازی جو محیطی مناسب جهت حضور بانوان در ورزش همگانی		
۷	توسعه ورزش در اوقات فراغت و تفریحات زنان مانند گردشگری ورزشی	ورزش رقابتی زنان	
۳	بهبود مستمر سطح مسابقات ورزشی زنان در کشور		
۲	حمایت از تیم‌داری و باشگاه‌داری در ورزش زنان		
۶	کارآمدسازی سیستم مدیریت مسیر ورزشی استعدادها و قهرمانان دختر	ورزش رقابتی زنان	
۴	حمایت از حضور تیم‌های بانوان در رویدادهای ورزشی بین‌المللی		

ادامه جدول ۳- کدگذاری مقوله‌های استخراج شده از پیمایش کیفی و گزارش فراوانی تکرار آنها
(تحلیل ساختاری و کمی یافته‌ها)

میزان تکرار در مطالعه	کد ۱ (مؤلفه‌ها)	کد ۲ (عامل)	کد ۳ (منظر)
۴	ارتقای عدالت بین ورزش زنان و مردان در سطوح مختلف	توسعه اجتماعی	توسعه پایدار ورزش زنان
۱۱	نهادینه‌سازی مشارکت ورزشی زنان در جامعه و خانواده‌ها		
۹	ارتقای سرمایه اجتماعی زنان مشارکت کننده در ورزش		
۸	ارتقای نقش زنان در مدیریت ورزش کشور و کاهش سقف شیشه‌ای	توسعه نهادی	
۱۲	ارتقای جایگاه ورزش زنان در برنامه‌های کلان کشور		
۴	توسعه ساختارها و تشکیلات سازمانی ورزش زنان		
۵	ارتقای استانداردهای زیست محیطی در ورزش زنان	توسعه سبز	
۳	ارتقای استانداردهای بهداشتی در ورزش زنان		
۳	ارتقای استانداردهای اخلاقی در ورزش زنان		
۸	ارتقای نقش زنان در تجارت و صنعت ورزش با رویکرد کارآفرینی	توسعه اقتصادی	
۳	توسعه تولیدات و خدمات تخصصی ورزش زنان		توسعه پایدار پیامدهای توسعه پایدار
۳	پایدارسازی تأمین منابع مالی و فیزیکی ورزش زنان		
۵	ارتقای منافع روانی ورزش برای زنان	پیامدهای درون سیستمی	
۴	ارتقای مزایای جسمی ورزش برای زنان		
۳	ارتقای مزایای تربیتی ورزش برای زنان		
۴	ارتقای مزایای حرفه‌ای ورزش برای زنان		
۳	ارتقای کارکردهای سیاسی ورزش زنان در کشور	پیامدهای برون سیستمی	
۷	ارتقای کارکردهای اقتصادی ورزش زنان در کشور		
۵	ارتقای کارکردهای فرهنگی ورزش زنان در کشور		
۶	ارتقای کارکردهای اجتماعی ورزش زنان در کشور		

ماهیت ارتباط بین متغیرها در مدل بر اساس روابط علی- معلولی و تحلیل سیستمی مشخص شده است. چارچوب اصلی مدل شامل چهار سطح کلی و متوالی؛ اکوسیستم، راهبرد، توسعه و پیامد بود. سطح اکوسیستم ورزش زنان شامل سه منظر بستر ملی، بستر جهانی و حمایت محیطی بود. سطح راهبرد شامل سه منظر پیمایش توسعه پایدار، ظرفیت‌سازی توسعه پایدار و استراتژی توسعه پایدار بود. سطح عملکرد نیز شامل سه منظر پایدارسازی مشارکت ورزشی زنان، پایدارسازی منابع ورزش و توسعه پایدار ورزش زنان بود. سطح پیامد نیز شامل دو منظر پیامدهای برون سیستمی و پیامدهای درون سیستمی بود.



شکل ۲- مدل مفهومی اولیه پژوهش (متغیرها و روابط بین آن‌ها)

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به اکتشاف و نظام‌سازی مفاهیم کلیدی و محوری در توسعه پایدار ورزش زنان کشور اقدام شد. ساختار اصلی مدل ارائه شده شامل چهار سطح کلی و متوالی؛ اکوسیستم، راهبرد، توسعه و پیامد بود. ماهیت روابط بین متغیرها در مدل بر اساس روابط علی- معلولی (پیشینه پژوهش) و تئوری‌های تحلیل سیستمی در علوم مدیریت و توسعه است. این منظرهای کلی با منظرهای معرفی شده در مدل پیشین حوزه ورزش زنان دارای انطباق و همسویی است. به طور مثال مؤلفه‌های محیطی، ساختاری و رفتاری توسعه ورزش بانوان در ایران در مدل حکمتی (۲۰۱۷) و شرایط علی، شرایط واسطه‌ای، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای توسعه ورزش تفریحی زنان ایران در مدل سعادتی‌فرد و همکاران (۲۰۲۱) با سطوح ارائه شده در مدل این پژوهش همخوانی دارند.

سطح اول مدل مربوط به عوامل اکوسیستمی ورزش زنان شامل سه منظر بستر ملی، بستر جهانی و حمایت محیطی بود. اکوسیستم به مثابه ظرفی است که سایر عناصر و سیستم‌ها در آن جریان دارند. از این رو هر چه عوامل موجود در اکوسیستم ورزش کشور (نهادهای، رویدادها، و ...) بیشتر بتوانند به مؤلفه‌های ورزش زنان پیوند ایجاد کنند بیشتر می‌توانند زمینه‌ساز توسعه پایدار آن شوند. برخی از عوامل اکوسیستمی در این پژوهش در مدل‌های پیشین (مانند حکمتی، ۲۰۱۷؛ سعادتی‌فرد و همکاران، ۲۰۲۱) تحت عنوان عوامل محیطی بررسی شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت

قابلیت‌های اکوسیستمی موجب می‌شوند که شهروند بر اساس ظرفیت‌هایش از میان امکانات و رشته‌های ورزشی مختلف مواردی خاص را برگزیند و به مشارکت ورزشی بپردازد. منظر بستر ملی شامل سه رویکرد توسعه ملی ورزش، توسعه پایدار ملی و رویکرد ملی توسعه زنان است. در واقع توسعه پایدار ورزش زنان در کشور را می‌توان بر سه بستر ملی سیستم ورزش، مطالبات توسعه پایدار و مسائل زنان توصیف کرد. این زمینه‌های توسط محققان قبلی به صورت موردی نیز بررسی و تأیید شده‌اند. باقری پالندی (۲۰۱۷) دیدگاه‌های مراجع فقهی و حقوقی برای حضور زنان در اماکن و میادین ورزشی را دارای چالش می‌داند. راسخ و سجادی (۲۰۱۶) نقش توسعه ورزش برای ورزش بانوان را مقوله‌ای زمینه‌ای توصیف کرده‌اند. منظر بستر جهانی شامل دو رویکرد توسعه پایدار ورزش بین‌المللی و توسعه بین‌المللی ورزش زنان بود. جهت‌گیری اصلی در بستر بین‌المللی توسعه پایدار ورزش زنان بر کاهش شکاف و ناعدالتی بین ورزش زنان و مردان متمرکز است. در گزارش سازمان ملل بخش توسعه برای زنان (۲۰۰۷) تبعیض بین ورزش مردان و زنان به عنوان مهم‌ترین مانع توسعه پایدار ورزش زنان مورد تأکید است. رس^۱ (۲۰۰۸) نشان داد که شرایط تبعیض آمیز در ورزش به نفع مردان، مهم‌ترین دلیل شکاف توسعه بین ورزش زنان و مردان است.

منظر حمایت از ورزش زنان مشتمل بر دو نوع حمایت نهادها و حمایت نقش‌ها است. می‌توان گفت اصلی‌ترین دلیل عدم توسعه ورزش زنان، نبود حمایت چندجانبه مناسب در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، مالی و قانونی است. از این رو با توجه به وضعیت فعلی ورزش زنان در کشور و مسائل مربوط به آن، می‌توان گفت که توسعه ورزش زنان بیش از هر اقدامی به حمایت نهادی و عمومی نیاز دارد تا بتواند ابتدا جایگاه واقعی خود را تعریف کند و سپس در مسیر توسعه گام بردارد. در واقع ورزش زنان باید در مسیر توسعه پایدار گام بردارد. در همین راستا، دستیابی به سطح مطلوب از توسعه ورزش زنان نیازمند یک رویکرد مدیریت اکوسیستمی است تا بتواند به طور مناسب همه نهادها و ذینفعان را جهت ایفای نقش فعال و هم‌افزا مشارکت دهد. نتایج مطالعات پیشین تأیید کننده این عوامل هستند. قلی پور (۲۰۱۸) مشارکت بین‌سازمانی و نهادی جهت ارتقای نقش ورزش در توسعه را عاملی محوری معرفی کرده است. نظری و قاسمی (۲۰۱۳) نقش افراد و مراکز رسانه‌ای، هاشمی (۲۰۱۶) نقش نهادهای اقتصادی و باقری پالندی (۲۰۱۷) نقش‌های مراجع و نهادهای مذهبی فرهنگی را در توسعه ورزش بانوان کشور مهم ارزیابی کرده‌اند. سطح راهبرد نیز شامل سه منظر پیمایش توسعه پایدار، ظرفیت‌سازی توسعه پایدار و استراتژی توسعه پایدار بود. در جهان امروز مدیریت مقوله‌ای تخصصی‌تر و حرفه‌ای‌تر شده و نیازمند اتخاذ روش‌ها و فرایندهای نوین است. از این رو پایش محیطی، ظرفیت‌سازی سیستمی و تعیین استراتژی هر کدام یک رویکرد مهم و مجزا از هم در زمینه توسعه توسعه پایدار هستند. برخی اسناد و قوانین ملی در این زمینه یک جهت‌گیری کلی را ترسیم کرده‌اند. به طور مثال، در مصوبه

شورای عالی انقلاب فرهنگی^۱، سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی ورزش زنان کشور مطرح کرده و بر فراهم آوردن زمینه مشارکت ورزشی زنان با رعایت موازین اسلامی تأکید شده است. همچنین سیاست‌های معاونت توسعه ورزش زنان وزارت ورزش و معاونت زنان ریاست جمهوری بر توسعه سرانه‌های ورزش زنان از جمله تأکید دارند. نتایج برخی تحقیقات داخلی و خارجی پیشین نیز با این پژوهش هم‌راستا بوده‌اند. راسخ و سجادی (۲۰۱۵) راهبردهای مختلف مدیریتی، اقتصادی، رسانه‌ای و... را برای توسعه ورزش قهرمانی بانوان کشور پیشنهاد کرده‌اند. لیندسی و داری (۲۰۱۹) همسوسازی و هماهنگی بین استراتژی‌ها را برای توسعه پایدار ورزش پیشنهاد کرده است. منظر پیمایش توسعه پایدار شامل نیازسنجی توسعه، مستندسازی تجربیات و مطالعات توسعه است. در تبیین اهمیت این عامل می‌توان گفت که مقدمه مدیریت و توسعه داشتن اطلاعات است و برخورداری از اطلاعات نیازمند به‌کارگیری روش‌های مناسب استخراج اطلاعات است. در نتیجه نیازسنجی، مستندسازی و مطالعات سه ابزارهای مهم برای پایش توسعه و اقداماتی مانند آمایش سرزمین هستند. منظر ظرفیت‌سازی توسعه پایدار شامل چهار رویکرد شبکه‌سازی محیطی، استانداردسازی عملکرد، کارآمدسازی مدیریت و یکپارچه‌سازی فرایندها بود. برای هر سیستمی مانند ورزش، لازم است تا مداخله مثبت و سازنده صورت بگیرد (بنار و همکاران، ۲۰۱۸؛ ۴۴). از این رو ظرفیت‌سازها و توانمندسازها به دلیل نقشی که در بهبود فرآیندهای ورزشی می‌تواند داشته باشند به عنوان متغیرهای تعیین‌کننده باید مورد توجه و بررسی قرار بگیرند. در ارتباط با رویکرد شبکه‌سازی محیطی می‌توان به عنصر رسانه اشاره کرد. برخی تحقیقات داخلی نقش رسانه و ارتباطات را در توسعه فرهنگ ورزش و اوقات فراغت زنان قابل توجه گزارش کردند (عبدوی و فخری، ۲۰۱۰). همچنین چارچوب‌های ارائه شده در خارج از کشور برای توسعه پایدار ورزش بیانگر این هستند که برنامه‌های موجود در این زمینه در محوریت قرار دارند (کوتچوار، ۲۰۱۴). از این رو می‌توان گفت که رابطه گزارش شده از پشتوانه نظری و مصادیق محیطی برخوردار است.

سومین منظر سطح راهبرد از مدل پژوهش مربوط به استراتژی توسعه پایدار است که شامل سه نوع استراتژی‌های واکنشی، پیشرانی و وضعیتی است. این سه نوع استراتژی منطبق بر اصول توسعه پایدار در برنامه‌های بین‌المللی هستند (زاهدی، ۲۰۱۴). در شواهد علمی مشابه، لیندسی و داری (۲۰۱۹) هم‌راستای اهداف و استراتژی توسعه ورزش با توسعه پایدار را پیشنهاد کرده‌اند که با منظر پیشرانی در مدل پژوهش انطباق دارد. عمده جهت‌گیری‌های موجود در سند ۲۰۳۰ نیز با توسعه ورزش انطباق و همسویی دارند (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۹). از این رو مدیریت توسعه پایدار ورزش زنان باید به تناسب و فراخور شرایط محیطی در هر یک از بخش‌های کلی سیستم ورزش زنان بر یکی از این استراتژی‌ها تأکید داشته باشد. اهداف ورزش همسویی بالایی

۱. نامه شماره ۶۰۴۰۱۷. د ش مورخ ۷۵.۱۲.۶ شورای فرهنگی و اجتماعی زنان

با اهداف توسعه پایدار دارد و به طور ویژه هماهنگی سیاست‌های اجرایی آن در تحقق این اهداف مشترک بیشتر نقش را دارد.

سطح عملکرد نیز شامل سه منظر پایدارسازی مشارکت ورزشی زنان، پایدارسازی منابع ورزش و توسعه پایدار ورزش زنان بود. در تبیین این منظرها می‌توان گفت از آنجا که ورزش زنان و مردان در کل دو سیستم متفاوت از هم تلقی می‌شوند، بنابراین سرمایه‌گذاری در ورزش زنان نسبت به مردان (توسعه یافته‌تر است) می‌تواند به نوعی سرمایه‌گذاری در یک حوزه بالقوه‌تر محسوب شود. البته از نظر تحقق اهداف و موفقیت در عملکرد، سرمایه‌گذاری بر ورزش زنان دارای ریسک بالاتری از ورزش مردان است. عدالت در توزیع منابع و فرصت مشارکت برای زنان در ورزش برای توسعه پایدار ورزش زنان به عنوان اصلی ضروری پیشنهاد شده است (اندرسون^۱، ۲۰۲۰).

منظر پایدارسازی مشارکت ورزشی زنان نیز شامل سه بخش ورزش پرورشی، ورزش همگانی و ورزش رقابتی زنان است. این سه بخش در واقع همان سطوح عمومی مشارکت در ورزش هستند که ارتباط تنگاتنگی نیز با هم دارند. به طور مثال ترویج و توسعه پایدار ورزش زنان در سطح اجتماعات محلی بر توسعه ورزش زنان در سطوح قهرمانی و حرفه‌ای تأثیر بالایی دارد (لیندسی و داربی، ۲۰۱۹). عمده تحقیقات، مشارکت در ورزش را وابسته به وضعیت معیشتی، اجتماعی و اقتصادی با میانجی‌های رفتاری و مدیریتی دیگر دانسته‌اند (بنار و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین ورزش در نزد بسیاری از افراد جامعه فی‌نفسه فعالیتی ارزشمند، مثبت و مفید ارزیابی می‌شود و هر فردی ممکن است برای مدتی کوتاه (چندبار) به فعالیت ورزشی روی بیاورد اما این هدف اصلی توسعه مشارکت ورزشی نیست، بلکه فعالیت ورزشی مستمر همراه با نهادینه شدن اثرات آن به طور اعم و اخص را شکل می‌دهد (بشارتی و همکاران، ۲۰۱۹). در این میان بررسی تحقیقات خارجی و دیدگاه‌های موجود در زمینه توسعه پایدار ورزش زنان می‌توان گفت چالش اصلی مربوط به شرکت زنان در ورزش‌های رقابتی است.

منظر پایدارسازی منابع ورزش زنان مشتمل بر منابع مالی، انسانی، فیزیکی و دانشی بود. مفهوم اصلی توسعه پایدار دلالت بر حفظ و توسعه منابع برای آینده دارد. منابع مورد استفاده در ورزش نیز از تنوع بالایی برخوردارند که می‌توان آنها در چهار دسته کلی مالی، انسانی، فیزیکی و دانشی قرار داد. به طور مشخص برای توسعه و گسترش ورزش زنان نیاز به تنوع منابع مالی موجود است (شری و همکاران، ۲۰۱۶). از طرفی مشارکت ورزشی زنان بیش از هر چیزی به امکانات و خدمات محیطی وابسته است (صفاری، ۲۰۱۲). همچنین در یک دهه اخیر نیز نقش سرمایه انسانی و دستیابی به دانش و فناوری نوین نیز تعیین‌کننده مزیت رقابتی در توسعه محسوب می‌شود. از این رو پایدارسازی انواع منابع در ورزش زنان میزان پیشبرد سایر اقدامات در توسعه پایدار این حوزه را تعیین می‌کند. شواهد علمی در داخل کشور نیز تأییدکننده اهمیت و نقش این منابع هستند و توسعه ورزش را دارای وابستگی مستقیم به عوامل مالی و امکاناتی، انسانی و تخصصی

1. Anderson

گزارش کرده‌اند (منظمی و همکاران، ۲۰۱۱؛ هاشمی، ۲۰۱۶). از این رو جهت تحقق اهداف توسعه پایدار در ورزش زنان کشور باید از طریق مشارکت و حمایت‌های دولتی و عمومی به توسعه منابع مالی، امکانات و فضاها، سرمایه انسانی، دانش و فناوری اهتمام ورزیده شود.

منظر توسعه پایدار ورزش زنان نیز شامل توسعه اجتماعی، توسعه نهادی، توسعه سبز و توسعه اقتصادی است. در واقع بر اساس تحقیقات مختلف و اسناد بین‌المللی توسعه پایدار این چهار بخش اصلی توسعه پایدار هستند که بر کارکردهای حوزه ورزش نیز منطبق هستند. امروزه در میان صاحب‌نظران حوزه زنان دیگر بحث اهمیت و ضرورت ورزش و توجیه آن برای مردم مطرح نیست؛ بلکه برنامه ریزی و سرمایه گذاری در این امر به منظور توسعه پایدار در محورهای چندگانه آن مهم است. از طرفی دیگر لازم به ذکر است که توسعه پایدار مبنی بر توسعه انسان است. توسعه پایدار نیاز به آن دارد که بتوان برای تمامی اعضاء جامعه فرصت‌های بیشتر و شرایط لازم برای زندگی سالم، طولانی‌تر و پر محتواتر را فراهم نمود. در این راستا برنامه‌های ورزشی در جهت تأمین اهداف توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ثبات محیطی کمک می‌کند (غفاری رهبر و همکاران، ۲۰۱۵). در همین راستا بر اساس مدل‌های پیشین توسعه ورزش مانند صفاری (۲۰۱۲) می‌توان گفت که مشارکت ورزشی زنان در واقع پیامد واکنش عوامل مبتنی بر زنان به عوامل ساختاری، رفتاری و محیطی ورزش است.

در نهایت پیامدهای توسعه پایدار ورزش زنان به عنوان آخرین سطح در مدل مورد بررسی قرار گرفت. کارکردهای ورزش برای زنان چند بعدی هستند اما عمدتاً فراتر از سطح فردی هستند. در فرهنگ فراغت ایرانیان به چندبعدی بودن فعالیت‌های فراغتی بسیار اهمیت داده می‌شود، از این رو فعالیت ورزشی باید بیش از یک کارکرد ارزشمند و ملموس برای شهروندان فراهم کند تا در سبب خرید و مصرف تفریحی آنها جزو ترجیحات باشد. از منظر برون سیستمی می‌توان گفت که پیامدهای توسعه پایدار ورزش زنان علاوه بر دستاوردهای آشکار فرهنگی و اجتماعی می‌تواند در بسیاری از زوایای پنهان عرصه‌های ملی و فراملی راهگشا باشد و زمینه‌های شکوفایی این قشر را فراهم سازد. برای مثال برنامه‌های ورزشی می‌تواند با مقابله با تفکرات غلط درباره شایستگی زنان به کاهش تبعیض و گسترش نقش زنان کمک کند. مهارت‌ها و ارزش‌های آموخته شده از ورزش به ویژه برای دختران مهم است و به آنان که فرصت‌های کمتری نسبت به پسران برای فعالیت‌های اجتماعی خارج از خانه دارند اجازه می‌دهد که مهارت‌ها و ارزش‌ها را در سطحی فراتر از خانواده‌ها فرا بگیرند (حمیدی و همکاران، ۲۰۱۱). هانکوک و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی رویکرد جهانی توسعه ورزش زنان گزارش کردند که ورزش ظرفیت تعریف به عنوان برنامه‌ای برای توسعه پایدار زنان را دارد. رویدادهای ورزشی بسته به حجم پوشش آنها بر توسعه پایدار محلی نقش دارند (اسچولنکوف، ۲۰۱۲). با توجه به ماهیت فعالیت‌های ورزشی در بخش زنان که مؤثر بر ارتقای سلامت جسمانی و روانی بانوان و زمینه‌ساز اصلی تربیت نیروی انسانی سالم است (برمن، ۲۰۱۵). ورزش همگانی موجب افزایش نشاط و بهره‌وری و ورزش قهرمانی موجب

زبانزد شدن نام‌های فردی، سازمانی و ملی زنان پیروز می‌شود. هدف افراد از مشارکت در هر فعالیتی کسب دستاوردها و مزایای مورد انتظار است و میزان دستیابی به آنها میزان تداوم مشارکت را تعیین می‌کند.

مدل پژوهش را می‌توان با سایر مدل‌های مرتبط با توسعه ورزش، توسعه پایدار و ورزش زنان تطبیق داد. مدل حاضر نسبت به مدل‌های ارائه شده در تحقیقاتی مانند حکمتی (۲۰۱۷) و سعادتی‌فرد و همکاران (۲۰۲۱) برای توسعه ورزش زنان در کشور از جامعیت بیشتری برخوردار است. از منظر تحلیل سیستمی نسبت به تحقیق قربانی (۲۰۱۸) دارای تفاوت است اما در عمده پیامدها و کارکردهای بررسی شده با آن تطابق دارد. علاوه بر این نسبت به تحقیق اسچولنکرف و سیفکن (۲۰۱۹) و اندرسون (۲۰۲۰) از جنبه‌های تخصصی بیشتری برای ورزش زنان برخوردار است.

در نهایت می‌توان گفت که بر پایه مدل طراحی شده می‌توان ورزش زنان را تجزیه و تحلیل کرد و به نوعی دسته بندی جدید دست یافت که مبتنی بر مطالعات پیشین، تجارب مدیران و ادراک متخصصان است؛ این مدل، می‌توان چارچوبی مناسب و بومی برای مطالعات در این حوزه باشد و به عنوان مقدمه‌ای به منظور پایدار شدن ورزش زنان می‌تواند مبنای عمل قرار بگیرد. همچنین مدل ترسیم شده شناختی جامع از سیستم ورزش زنان بر پایه شناسایی عوامل کلیدی و چگونگی تعامل آنها با یکدیگر پدید می‌آورد و می‌تواند مبنای عقلانی توسعه پایدار آن نیز قرار بگیرند. با توجه به این که به طور پیش فرض، ورزش زنان نصف اکوسیستم ورزش است؛ مدل ارائه شده به خوبی می‌تواند ظرفیت ابعاد مختلف در جذب زنان به سوی ورزش را نشان دهد، قابلیت ارزیابی مستمر را ایجاد کند و روشن سازد که مشارکت زنان در ورزش از چه عواملی و به چه صورتی اثر می‌پذیرد. یک نهاد مشخص با امکانات گسترده و توانمندی فراوان به تنهایی نمی‌تواند موجب توسعه پایدار ورزش زنان شود، زیرا ورزش یک محصول رفتاری، فرآورده‌ای بین بخشی و خروجی کل یک نظام اجتماعی است.

از منظر ضرورت روش شناختی نیز می‌توان گفت از آن جا که مبانی اصلی دانش در هر حوزه‌ای بر پایه مدل‌های شناسایی شده مناسب و نه یافته‌های جزئی و پراکنده قرار دارد؛ بنابراین مطالعات مبتنی بر مدل از اهمیت بالایی برای توسعه و مدیریت برخوردارند. زیرا داده‌ها در قالب مدل می‌توانند کشف، تبیین و تفسیر شوند. مدل‌سازی نمی‌تواند روابط پدیده‌های اجتماعی را به‌طور کامل توضیح دهد، اما درک مکانیسم‌های اساسی آن را آسان‌تر می‌کند. فقدان مدل‌های قابل اتکا و دارای مصادق عینی در توسعه ورزش زنان محقق را برآن داشت تا با اتکا بر نظرات کارشناسان مجرب ورزش زنان، مدل ساختاری توسعه پایدار ورزش زنان را ارائه بدهد. مدل ارائه شده باید بتواند به خوبی ظرفیت ابعاد مختلف اثرگذار بر توسعه حمایت ورزش زنان را بیشتر نشان دهد. این مدل نمایش ساده‌ای از ساختار توسعه پایدار ورزش زنان است و در حد خود قادر به تبیین کارکرد ساخت‌های اساسی توسعه ورزش زنان است. در همین راستا هدف از مدل‌سازی‌های

توسعه و جلب حمایت در ورزش زنان، اقدام به نوع ویژه‌ای از آینده‌پژوهی و آینده‌نگری است تا با اتکا به فنون و صورت‌بندی مدل‌های انسانی، آینده‌های محتمل را به آینده‌های ممکن، مرجح و مطلوب تبدیل نمود.

بر این اساس با توجه به این که یکی از دلایل عمده ناکارایی برنامه‌های فعلی، جزیره‌ای عمل کردن در حوزه ورزش زنان، نداشتن یک مدل و نقشه نظام‌مند کلی‌نگر است پیشنهاد می‌شود که در مطالعات و برنامه‌ریزی‌های آتی برای توسعه ورزش زنان در کشور الف) از منظر مفهوم‌شناسی به مفاهیم نوین و کلیدی که عمده آنها در این پژوهش شناسایی شده است توجه جدی شود؛ ب) از منظر روش‌شناختی نیز از روش تحلیل اکوسیستمی و مبتنی بر مدل بر اساس الگوی ارائه شده در این پژوهش استفاده شود؛ ج) از منظر کاربری نیز این نتایج به صورت برنامه عملیاتی می‌تواند در قالب پروژه‌ها، راهکارها و ابتکاراتی مورد استفاده قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

در نهایت از تمامی مدیران و کارشناسان سازمان‌های حوزه ورزش زنان و مربیان و معلمان ورزش زن که ما را در انجام این تحقیق یاری کردند، صمیمانه تشکر می‌کنیم.

منابع

1. Abduy, F., Fakhri, F. (2010). The role of the media in the development of a culture of sports at leisure women. *Communication research*, 18 (68): 31-50. (Persian).
2. Anderson, S. N. (2020). Women and sports in the United States: A documentary reader. *Women in Sport and Physical Activity Journal*, 1: 1-3.
3. Bagheri Palandi. M.S., Izadi Fard, A.A & Mohseni Dehklani, M (2017). Jurisprudential and legal review of the presence of women in sporting venues and fields. Master of Science, Faculty of Theology and Islamic Sciences of Mazandaran University. (Persian)
4. Benar, Noushin, Sadom, Salah, Khan Mohammadi, Mohammad Ali. (2018). Analysis of the Perspectives of Sports Expansion Development in Guilan Province: Services, Stratters, Factors, Custodians, Needs, Challenges and Solutions. *Sport Management Studies*, 10 (48): 37-66. (Persian)
5. Bermon, S., Vilain, E., Fénelichel, P., & Ritzén, M. (2015). Women with hyperandrogenism in elite sports: scientific and ethical rationales for regulating. *The Journal of Clinical Endocrinology & Metabolism*, 100(3), 828-830.
6. Besharati holaso, M., Naderinasab, M., ramzani nezhad, R. (2019). A model for analysis and management development of familys sport in Iran. *Research on Educational Sport*, 18: 23-41.
7. Deaner, Robert O., Balish Shea M., Lombardo Michael P. (2016). "Sex Differences in Sports Interest and Motivation: An Evolutionary Perspective". *Evolutionary Behavioral Sciences*, 2(10): 73-97.
8. Fardouly, O. (2017). "Perspectives on the Evolution of Sports and Olympic Facilities", Thirty-eight years of lectures 1961-1998, InternationalOlympic Academy (IOA): 114.

9. Fatemeh Ghaffari, R. Pourasghar, F., & Hossein Abadi, M (2015). Sustainable Development: Basics and Sustainability Indicators. Iranian Agricultural Science Publishing, Tehran, First Printing. (Persian)
10. Fink, J. S. (2015). Female athletes, women's sport, and the sport media commercial complex: Have we really "come a long way, baby"?. *Sport management review*, 18(3), 331-342.
11. Gholipour, Mahshid, (2018). *Challenges and strategies for establishing and supporting inter-organizational partnerships in sports for sustainable development and peace in Iran*. Master Thesis of Shahid Chamran University of Ahvaz, Faculty of Physical Education and Sports Sciences. (Persian)
12. Ghorbani, Hussein (2018). Develop a comprehensive model of sports and physical education functions for sustainable development in Iran. Research project of the Institute of Physical Education and Sports Sciences. (Persian)
13. Hall, R. L., & Oglesby, C. A. (2016). "Stepping through the looking glass: The future for women in sport". *Sex Roles*, 74(8): 271-274.
14. Hancock, M., Lyras, A. L. E. X. I. S., & Ha, J. P. (2013). Sport for development programs for girls and women: A global assessment. *Journal of Sport for Development*, 1(1): 15-24.
15. Hashemi, E (2016). *Checking the barriers and strategies for developing financial resources for women's sports*. Master thesis of Shahid Chamran University of Ahvaz. (Persian)
16. Hekmati, M (2017). *Designing a Women's Sports Extension Model in Iran*. Master's Thesis for Sport Management at Al-Zahra University. (Persian)
17. Hosseini Nasab, S., Tayebi Sani, S., morsal, B. (2019). Developing a Strategic Sport Tourism Model for Sustainable Urban Development (Case Study of Mashhad). *Geography (Regional Planning)*, 9(4): 613-637. (Persian.)
18. Kotschwar, B. (2014). *Women, Sports, and Development: Does It Pay to Let Girls Play?*. Peterson Institute for International Economics: Washington, n. PB, 14-8.
19. Lebel, K., Pegoraro, A., & Harman, A. (2019). The impact of digital culture on women in sport. In *Digital dilemmas* (163-182). Palgrave Macmillan, Cham.
20. Lindsey, I., & Chapman, T. (2017). *Enhancing the contribution of sport to the sustainable development goals*. Commonwealth Secretariat.
21. Lindsey, I., & Darby, P. (2019). Sport and the Sustainable Development Goals: Where is the policy coherence?. *International Review for the Sociology of Sport*, 54(7), 793-812.
22. Monazami, Ma, Alam, Sh, shetab Booshehri, S.N. (2011). Determining the Factors Affecting the Development of Physical Education and Women's Sports of the Islamic Republic of Iran. *Sports Management Journal*, 3 (10): 67-83. (Persian)
23. Mutmani, A., Hemati, A., Moradi, H. (2014). Identifying and prioritizing obstacles facing women in sports activities. *Sports Management Studies*, 6 (24): 111-130. (Persian)
24. Nazari, L., Shabani Moghaddam, K. (2020). Impact of environmental perception on sustainable development in sport. *journal of motor and behavioral sciences*, 3(1): 61-67.

25. Nazari, R., Ghasemi, H. (2013). The role of mass media as an opportunity for sustainable development in sport. *Communication Management in Sport Media*, 1(1): 40-44.
26. Ramezani Nejad, R., Hejbari, K., & Abedinzadeh, R (2019). Sustainable development through sport; An Analysis of the Agenda 2030, 3rd National Congress of Sports and Health Science Achievements, Guilan, University of Guilan. (Persian).
27. Rasekh, N., & Sajjadi, S.N (2015). Sports Development Strategies for Women's Women's Championship in Iran based on the SPP Model. *Human Resources Management in Sport*, 2 (2): 93-103. (Persian)
28. Rastgari, S (2017). Investigating the challenges of women's management in sport. Master's thesis, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz. (Persian)
29. Ross S, R., (2008). "Perspectives of Women College Athletes on Sport and Gender". *Sex Roles*, 58: 40-57.
30. Saadatifard, E; Javadipour, M; Honari, H; Saffari, M; Zareian, H. (2021). The Pattern of Women's Recreational Sports in Iran. *Research on Educational Sport*, 9(22): 187-216. (Persian).
31. Schulenkorf, N. (2012). Sustainable community development through sport and events: A conceptual framework for sport-for-development projects. *Sport management review*, 15(1): 1-12.
32. Schulenkorf, N., & Siefken, K. (2019). Managing sport-for-development and healthy lifestyles: The sport-for-health model. *Sport Management Review*, 22(1): 96-107.
33. Sherry, E., Osborne, A., & Nicholson, M. (2016). Images of sports women: A review. *Sex Roles*, 74(7-8), 299-309.
34. Vinson, D., Christian, P., Jones, V., Williams, C., & Peters, D. M. (2016). Exploring how well UK coach education meets the needs of women sports coaches. *International Sport Coaching Journal*, 3(3), 287-302.
35. Zahedi, Sh. S (2014). Sustainable Development. Publication side. Tehran. Eighth edition. (Persian)

ارجاع دهی

محمدامینی، شیرین؛ احمدی، سیروس؛ سلیمانی، مجید. (۱۴۰۰). طراحی الگوی توسعه پایدار ورزش زنان ایران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹ (۲۴): ۴۰-۲۱۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2020.8991.1892

Mohammad Amini, Sh., Ahmadi, S., Soleimani, M (2021). Designing a model for sustainable development of Iranian women's sports. *Research on Educational Sport*, 9 (24): 213-40. (Persian). DOI: 10.22089/res.2020.8991.1892

Research Paper

Analysis of Factors Affecting Performance Management in Sports Organizations (Case Study: Student Sports Federation and Physical Education and Sports Activities Office)

S. Soheili Pishkenari¹, M. A. Hemati Nejad², M. H. Gholizade³

1. Ph.D. Sport Management, University of Guilan, Rasht, Iran

2. Professor of Sport Management, University of Guilan, Rasht, Iran (Corresponding Author)

3. Associate Professor of Management, University of Guilan, Rasht, Iran

Received: 2020/05/09

Accepted: 2020/08/09

Abstract

The aim of the present study was to investigate the factors influencing performance management in executive sports organizations. The statistical population of this applied descriptive correlational study was provinces' physical education and physical activity office heads, deputies and members of physical education and sports activities' office, presidents of sports associations, boards' chairmen and student sports federation members. Moreover, the statistical sample was the same as a statistical population (n=147). The researcher-made questionnaire based on library studies as well as semi-structured interviews were used as a research tool for this study (four factors, ten aspects, 50 questions). Content and face validity (by 10 experts' opinions), convergent validity via Average Variance Extracted (larger than 0.5), discriminant validity through Fornel-Larcker Matrix, internal consistency using factor loadings (larger than 0.4) and Cronbach`s Alpha (larger than 0.7), and composite reliability (larger than 0.7) were collectively confirmed. For hypothesis testing, SmartPLS software version 3 was utilized. The results showed presented model had an appropriate fitting. In the path analysis, relationships of contextual factors, knowledge, and psychological capital as well as organizational engineering had a direct and significant influence over organizational performance management and clarified 0.26, 0.26, and 0.28% of changes, respectively. Designing, revising, and

1. Email: saharsoheil3@yahoo.com

2. Email: ma_hemati@yahoo.com

3. Email: gholizadeh@guilan.ac.ir

empowering the mechanisms of influencing factors on performance management in a certain framework can provide a guarantee and assurance for organizational missions and goals achievement.

Keywords: Student Sports, Organizational Performance, Sports Organization

Extended Abstract

Background and Purpose

Organizations are considered as social phenomena in a changing environment that face various challenges. They are among the most important organizational structures affected by changes in performance management systems. The more comprehensive, transparent, and cohesive organizational systems such as the performance management system are (1) designed and implemented according to the requirements and prerequisites in the organization, the more successful they are in identifying and providing some practical solutions to organizational problems (2). Governmental organizations suffer from severe inefficiency in the field of performance management (3) which part of this inefficiency is how to the implement this system and another part of the is theoretical gap in this field, which indicates that most studies are considered with performance measurement and evaluation approach and performance management is less life-long (4). The conceptual ambiguity and turmoil in the literature of organizational performance in the public sector and the distribution of models and contradictions among them are so much that Siegel and Summer Metter (2008) after studying and analyzing studies in this field stated that in general, knowledge in this field lacks clear opinion about the most important explanatory elements for measuring and evaluating the performance of governmental organizations (5). Marr (2009) as one of the experts in strategic performance management also acknowledges the theoretical gap in the field of performance management in the public sector and confirms the lack of a comprehensive and practical resource in this field (6). Another problem for organizations is that strategies are constantly changing, but performance measurement patterns have not changed in the same proportion (7). Summarizing the studies, a theoretical gap, ambiguity, and confusion for factors affecting performance management in sports organizations are observed. Furthermore, a study examining all factors affecting the implementation of performance management in sports organizations in a coherent, integrated, and practical method is less visible, and most studies have been conducted sporadically as case studies. The aim of the current study was to investigate the factors influencing performance management in executive sports organizations.

Materials and Methodology

In this applied descriptive correlational study, the statistical population consisted of heads of physical education departments and sports activities of the provinces in education, deputies, and members of the physical education and sports activities office, heads of boards, president of sports associations, and members of the student sports federation. The sample was the same as the statistical population, and 147 questionnaires were collected (the return rate was 90.74%). The research instrument was a researcher-made questionnaire of factors affecting performance management in sports organizations developed based on library study and semi-structured interviews with 14 scientific experts in the field of performance management in sports organizations as well as senior managers of Iranian sports organizations in sports education (4 factors, 10 dimensions, 50 items). The face and content validity of the questionnaire was confirmed via the opinions of experts and specialists (10 university professors, experts in performance management and research methods). The convergent validity was approved using the Average Variance Extracted (AVE) above 0.5, and interaction of more than a structure in the model with its indices than other structures (divergent validity) using the Fornel-Larcker Criterion. The index reliability for measuring internal reliability was evaluated and confirmed using factor loadings coefficients, Cronbach's alpha, and composite reliability. The operating loads of the gauges in their respective structures were higher than 0.4, the Cronbach's alpha values, and the combined reliability were higher than 0.7. The structural equation model (Smart PLS software version 3) was employed to test the hypotheses. All hypotheses were tested at $p \leq 0.05$.

Results

The goodness of fit (GOF) of the structural model was evaluated using t-value, effect size (F^2), coefficient of determination (R^2), and coefficient of predictive power (Q^2). In Table 1, the t-values of the relationship between the dimensions are >1.96 , which are significant, indicating the correct prediction of the relationships of the research model and as a result the confirmation of the research hypotheses at a confidence level of 95%. In addition, to represent the magnitude of the relationship between structures, F^2 was used. The results indicated that in the relationship between the underlying variable with organizational performance management and the knowledge and psychological capital variable with organizational performance management, a medium effect, and in organizational engineering variable with organizational performance management, a small effect, and in other relationships, a large effect could be observed. To determine the effect that an exogenous variable had on an endogenous variable, R^2 was applied. The endogenous variable of organizational performance management had a medium to large fit, and other endogenous variables had a very large fit. To

indicate the predictability of indicators related to the endogenous structures of the model, Q^2 was utilized. The endogenous variable of performance management had medium-large predictive power, and other endogenous variables had strong predictive power. The overall fit of the model was obtained via the GOF developed by Tenenhaus et al. (2004) via $\sqrt{Communalities \times \overline{R^2}}$ (3) as 0.556. It indicated that the overall fit of the model was confirmed at a very strong level. In factor analysis, the main financial dimensions (0.908), human capital (0.901) and procurement (0.82) factors had a significant role in explaining the background factor. Besides, behavioral capital dimension (0.967) and intellectual capital (0.854) had a significant role in explaining knowledge and psychological capital. Further, administrative smartization (0.898), management system (0.893) and ecology (0.841) had a significant role in explaining the organizational engineering factor. In addition, satisfaction and productivity (0.904) and social adaptation (0.891) had a significant role in explaining organizational performance management. Analysis of the relationship between the main factors, background factors, knowledge, and psychological capital, organizational engineering had a direct positive and significant effect on organizational performance management, and each was 0.26, 0.26, and 0.28% of the variations.

Table 2- Path coefficient and t-values and effect size of relationships among factors and with dimensions

Relationship among factors and with dimensions	Path coefficient	t-value	Sig.	F ^{2**}	Effect size
Background <- procurement	0.821	26.653	0.001*	2.062	Large
Background <- human capital	0.901	53.068	0.001*	4.322	Large
Background <- financial	0.908	62.320	0.001*	4.674	Large
Background <- organizational performance management	0.269	2.709	0.008*	0.266	Medium
Knowledge and psychological capital <_ behavioral capital	0.967	145.251	0.001*	14.467	Large
Knowledge and psychological capital <_ intellectual capital	0.854	31.051	0.001*	2.695	Large
Knowledge and psychological capital <_ organizational performance management	0.269	2.099	0.038*	0.224	Medium
Organizational engineering-<management system	0.893	50.027	0.001*	3.955	Large

Table 2- Path coefficient and t-values and effect size of relationships among factors and with dimensions

Relationship among factors and with dimensions	Path coefficient	t-value	Sig.	**F²	Effect size
Organizational engineering-<ecology	0.841	35.919	0.001*	2.418	Large
Organizational engineering-<administrative smartization	0.898	46.018	0.001*	4.160	Large
Organizational engineering-<organizational performance management	0.281	2.200	0.029*	0.121	Small
organizational performance management<- social adaptation	0.891	43.984	0.001*	3.867	Large
organizational performance management<- satisfaction and productivity	0.904	37.949	0.001*	4.465	Large

*: At the confidence level of 95%, research hypotheses are confirmed.

** : 0.02 is small effect size, 0.15 medium effect size, and 0.35 large effect size.

Discussion

Designing, modifying, and reinforcing the mechanisms of factors affecting performance management in a specific framework based on the requirements, vision, mission, goals, and strategies can guarantee realizing organizational missions and objectives. The Physical Education and Sports Activities Office of the Ministry of Education and the Student Sports Federation, based on its goals codified in the Fundamental Transformation Deed, need to implement the performance management system to obtain feedback and information on the performance of their programs. It is suggested that the classification obtained for the factors, dimensions, and components serves as a criterion for the performance management of sports organizations. Moreover, according to the causal relationship between the variables in each factor, special attention should be paid to the dimensions with greater explanatory effects and in each dimension to the components with greater explanatory effects. Each factor, dimension and component should be measured accurately in the organization under study.

Keywords: Student Sports, Organizational Performance, Sports Organization

References

1. Sherafat, S., Khaef Elahi, A. A., Gholipour, A., & Danaei Fard, H. (2018). Development and Construct Validation of Performance Management of Human Resources in Line with Organization Objectives. *Management Researches*, 11(39), 33-59 [Persian].
2. Gunduz, M., & Simsek, B. (2007). A strategic safety management framework through balanced scorecard and quality function deployment. *Canadian journal of civil engineering*, 34(5), 622-630.
3. Madella, A., Bayle, E., & Tome, J. (2005). The organisational performance of national swimming federations in Mediterranean countries: A comparative approach. *European journal of sport science*, 5(4), 207-220.
4. Yavari, V & Zahedi, SH. (2013). Organizational Performance Management for Public and Non-Profit Sectors; A Conceptual Model. *Strategic Management Thought*, 7 (1), 79-112 [Persian].
5. Siegel, J. P., & Summermatter, L. (2008). Defining performance in public management: A survey of academic journals. *Paper presented at the European Group of Public Administration Conference (EGPA)*.
6. Marr, B. (2009). *Managing and delivering performance*: Routledge.
7. Kaplan, R. S., & Norton, D. P. (1996). Using the balanced scorecard as a strategic management system.
8. Tenenhaus, M., Amato, S., & Esposito Vinzi, V. (2004). A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modelling. *Paper presented at the Proceedings of the XLII SIS scientific meeting*.

تحلیل عوامل اثرگذار بر مدیریت عملکرد در سازمان‌های ورزشی (مطالعه موردی: فدراسیون ورزش دانش آموزی و دفتر تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی)

سحر سهیلی پیشکناری^۱، مهرعلی همتی‌نژاد^۲، محمدحسن قلیزاده^۳

۱. دانش آموخته دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار مدیریت، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۹

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی عوامل اثرگذار بر مدیریت عملکرد در سازمان‌های ورزشی بود. این پژوهش توصیفی-همبستگی و از نظر هدف کاربردی بود. جامعه آماری پژوهش را رؤسای ادارات تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی استان‌ها در حوزه آموزش و پرورش، معاونین و اعضای دفتر تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی، رؤسای هیئت‌ها، رئیس انجمن‌های ورزشی و اعضای فدراسیون ورزش دانش آموزی تشکیل می‌دادند که نمونه آماری برابر با جامعه آماری در نظر گرفته شد (۱۴۷ نفر). ابزار پژوهش پرسش‌نامه محقق ساخته بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های نیمه هدایت شده بود (۴ عامل، ۱۰ بعد، ۵۰ گویه). روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه به وسیله متخصصان (۱۰ نفر)، روایی همگرا با استفاده از میانگین واریانس استخراج شده (بالتر از ۰/۵)، روایی واگرا با استفاده از ماتریس فورنل-لارکر، سنجش پایایی درونی با استفاده از ضرایب بارهای عاملی (بالتر از ۰/۴)، آلفای کرونباخ (بیشتر از ۰/۷) و پایایی ترکیبی (بیشتر از ۰/۷) تأیید شد. جهت آزمون فرضیات از نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس نسخه ۳ استفاده شد. نتایج نشان داد مدل ارائه شده دارای برازش مناسبی بود. در تحلیل مسیر روابط، عوامل زمینه‌ای، سرمایه دانشی-روان‌شناختی و مهندسی سازمان به طور مستقیم اثر مثبت و معناداری بر مدیریت عملکرد سازمانی دارند و هر کدام به ترتیب ۰/۲۶، ۰/۲۸ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند. طراحی، اصلاح و تقویت سازوکارهای عوامل اثرگذار بر مدیریت عملکرد در چارچوب مشخص و معین می‌تواند تضمین‌کننده و اطمینان بخش تحقق مأموریت‌ها و اهداف سازمانی باشد.

واژگان کلیدی: ورزش دانش آموزی، عملکرد سازمانی، سازمان ورزشی

1. Email: saharsoheil3@yahoo.com

2. Email: ma_hemati@yahoo.com

3. Email: gholizadeh@guilan.ac.ir

مقدمه

هر سازمانی به منظور آگاهی از میزان مطلوبیت و مرغوبیت فعالیت‌های خود در محیط پویا، نیاز مبرم به نظام سنجش و مدیریت عملکرد دارد، از سوی دیگر نبود نظام مدیریت و سنجش عملکرد در یک سازمان به معنای عدم برقراری ارتباط با محیط درون و بیرون سازمان تلقی می‌گردد که در نتیجه مرگ سازمان را در پی خواهد داشت (رضائیان و گنجعلی، ۲۰۱۷، ۳۲۳). مدیریت عملکرد سازمانی را می‌توان فرآیندی استراتژیک و یکپارچه و مستمر تعریف کرد که شامل مجموعه‌ای به هم پیوسته از سیاست‌ها، اقدامات و فعالیت‌ها برای مدیریت امور، مسئولیت‌های شغلی و رفتاری (فرآیند نظم‌دهی به منابع، سیستم و کارمندان سازمان‌ها) و شناسایی، اندازه‌گیری و توسعه عملکرد افراد و گروه‌ها، به منظور پیدایش محیط مطلوب‌تر کاری، تعهد بیشتر نسبت به کیفیت خدمات، افزایش سطح استفاده بهینه از امکانات و منابع در جهت دستیابی به هدف‌ها به شیوه‌ای اقتصادی توأم با کارایی و اثربخشی می‌باشد که موفقیت پایدار سازمان‌ها را فراهم می‌کند (حمیدی و وحدانی، ۲۰۱۹، ۲۴). رویکردهای ذینفعان چندبعدی بیان می‌دارد که وظیفه کلیدی مدیریت این است که میان منافع ذینفعان که دارای همپوشانی و تضاد با یکدیگر است قضاوت نماید تا بتواند از افزایش بیش از اندازه اطلاعات عملکرد و مشکلات این زبادی اطلاعات در موقع تصمیم‌گیری جلوگیری نماید و هم‌راستا با آن فرضیه مبنایی و کلیدی کارت امتیازی متوازن این است که سنجش عملکرد باید کاملاً متناسب با راهبردها باشد تا هم‌راستایی اهداف راهبردی با کنش‌های سازمانی را تسهیل نماید. علاوه بر این باید اهداف و شاخص‌های عملکرد به گونه‌ای تعیین شوند که پیوندهای علی و معلولی میان جنبه‌های مالی و غیرمالی عملکرد که نشان‌دهنده نیازمندی‌ها و خواسته‌های ذینفعان چندگانه است قابل رویت و قابل مدیریت شوند. اما رویکرد نهادی موضوعاتی همچون حجم انبوه اطلاعات، نبود ثبات و تبعیت محدود از منطق ابزاری را جزء لازم و طبیعی در مدیریت فشارهای متضاد ذینفعان می‌داند و رویکرد نوین یادگیری چنین پدیده‌هایی را از فرآیندهای مهم یادگیری می‌دانند که در سازمان‌هایی که مدیریت عملکرد را تجربه می‌کنند، قوت می‌گیرند. مدل^۱ معتقد است می‌توان از رویکردهای نهادی و ذینفعان برای تعیین سنجش‌های مناسب برای پیامد و اثربخشی کمک گرفت و مدیریت عملکرد زمانی معنادارتر و مناسب‌تر می‌گردد که پیش‌ران‌های علی پیامدها که در لایه‌های زیرین قرار دارند نیز مورد توجه واقع شوند؛ این در واقع چیزی شبیه به رویکرد متوازن به مدیریت عملکرد است و رویکرد یادگیری نوین می‌تواند در بررسی نیروهایی که از تمایل به سمت همسان‌سازی و تجدید فعالیت‌های مدیریت عملکرد پشتیبانی می‌کنند و نیز در بررسی تنش‌های بالقوه میان چنین نیروهایی، چارچوب مکمل مناسبی برای تئوری نهادی باشد (مادل، ۲۰۰۵، ۴۶-۵۷). مدیریت عملکرد با ایجاد محیطی مشارکتی

و ابلاغ اهداف سازمان‌های ورزشی به کارکنان و راه‌های دستیابی به آنها و همچنین برقراری جلسات ارزیابی و هدایت کارکنان و نیز با بهره‌گیری از سیستم‌های پرداخت بر مبنای عملکرد، باعث ایجاد همسویی اهداف کارکنان و سازمان می‌شود و بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد. در چنین نظامی افراد احساس تعلق خاطر بیشتری به سازمان می‌کنند. انجام رضایت‌بخش امور محوله توسط کارکنان باعث بهبود عملکرد سازمان می‌شود. بنابراین، تعهد دو سویه بین کارکنان و سازمان ایجاد می‌شود که نتیجه آن بهبود عملکرد، کارایی و بهره‌وری سازمان است. یک نوع هماهنگی بین اهداف کارکنان و اهداف سازمانی ایجاد می‌شود که هر چه کارکنان برای تحقق اهداف سازمانی بیشتر تلاش کنند، اهداف خودشان نیز که آمیزه‌ای از دریافت‌های جبرانی و احترام بیشتر است، بیشتر محقق می‌شود و از سوی دیگر، سازمان نیز با افزایش بهره‌وری که به دست می‌آورد بهتر می‌تواند در محیط رقابتی به کسب درآمد بپردازد و پرداخت‌های جهانی و تسهیلات بهتری را در اختیار نیروی انسانی خود قرار دهد (معصومی، ۲۰۱۷، ۲۴). کاساله و همکاران^۱ (۲۰۱۸) در بررسی مدیریت عملکرد سازمان‌های ملی ورزشی یک مدل جامع از مدیریت عملکرد برای سازمان‌های ملی ورزشی با پشتیبانی تئوری‌های سازمانی دینفعان، وابستگی به منابع، نظریه‌های کاری سازمانی و نهادی ارائه می‌دهد. این مطالعه از اولین مطالعاتی است که رویکردی جامع و چندسطحی به مدیریت عملکرد در سازمان‌های ملی ورزش دارد و عناصر خاصی را که نقش مهمی در مدیریت عملکرد دارد را در چارچوب کلان، مزو و میکرو برای توصیف تأثیرات محیطی خارجی و داخلی به تصویر می‌کشد. نتایج نشان داد توانایی سازمان‌های ملی ورزش برای پاسخگویی به پویایی‌های محیط بیرونی خود با اجرای فرآیندهای سازمانی که منابع موجود را تشکیل می‌دهند و طرح‌های ساختاری آنها بر مدیریت عملکرد آنها تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، توانایی افراد در سازمان‌های ملی ورزش برای ایجاد محیط‌های فعال برای مدیریت عملکرد، بر کارایی و اثربخشی سازمان تأثیر دارد. برث و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در بررسی رویکردها و روش‌های مورد استفاده برای سنجش عملکرد سازمانی در دستگاه‌های حاکم بر ورزش ملی از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۴ بیان داشتند دستگاه‌های حاکم بر ورزش باید به عنوان سیستم‌های طبیعی و باز با سطوح مختلف مورد توجه قرار گیرند و محدودیت‌هایی در مدل‌های موجود عملکرد سازمانی وجود دارد. برای توسعه مدل‌ها بایستی به نتایج و تأثیرات و سطوح خرد سازمان نیز توجه بیشتری نمود و تشخیص عوامل برای عملکرد و مدیریت سازمانی ضروری است. مدل‌سازی چندسطحی نه تنها در ارائه نتایج قابل اطمینان‌تر امیدوارکننده است، بلکه در تقویت درک ما از عملکرد سازمانی و در نتیجه نحوه مدیریت آن نیز امیدوارکننده است.

1. Kasale et al

2. Barth et al

ویلیام و همکاران^۱ (۲۰۱۴) اشاره می‌کند که شناخت جامع از سیستم مستلزم شناسایی همه عوامل اثرگذار و تشخیص روابط بین آنها است. مدیریت عملکرد ابتدا باید توان و منابع خود را بر اساس معیارها و استانداردها بشناسند تا بر اساس آن بتواند به فعالیت در بازار رقابتی بپردازند. امروزه پیاده‌سازی یک راهبرد در مدیریت عملکرد نیازمند تشخیص میزان آمادگی آن سازمان است. فلچر و آرنولد^۲ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای درباره مدیریت و رهبری در ورزش قهرمانی، عملکرد ۱۳ سازمان ورزشی را تجزیه و تحلیل می‌کنند و ۴ بعد عملکردی را برای بررسی مدیریت عملکرد در نظر می‌گیرند که این ابعاد عبارتند از بُعد اول چشم‌انداز که مهم‌ترین آن شامل توسعه چشم‌انداز، عوامل مؤثر بر چشم‌انداز، چشم‌انداز مشترک؛ بُعد دوم عملیاتی و اجرایی که شامل عملکرد مالی، استراتژی رقابتی و برنامه‌ریزی آموزشی، انتخاب ورزشکاران، نتایج و مقررات؛ بُعد سوم جامعه که شامل مدیریت کارگزینی، خطوط ارتباطی و مکانیزم بازخورد و بُعد چهارم فرهنگ شامل آگاهی‌ها، محیط تیمی و سازمانی. شیوری و موری^۳ (۲۰۰۶) در بررسی ۱۰ سازمان ورزشی المپیک استرالیا با استفاده از رویکردهای رقابتی برای سنجش اثربخشی سازمان‌های ورزشی، مدیریت عملکرد را شامل ابعاد بهره‌وری، انعطاف‌پذیری، منابع، برنامه‌ریزی، اطلاعات و ثبات دانستند. بیل و رایبسون^۴ (۲۰۰۷) در بررسی مدیریت عملکرد در ۱۱ سازمان ورزشی فرانسه چارچوبی برای مدیریت عملکرد سازمانی مبتنی بر ترکیب عملکرد استراتژیک و ترکیب عملکرد عملیاتی ارائه می‌دهد. مدیریت عملکرد را شامل ۵ بُعد عملکرد، سیستم دولتی، موقعیت صنعت، کیفیت عامل شبکه، تسهیل‌کننده، بازدارنده دانستند. بابایی‌زکلیکی و همکاران (۲۰۱۵) در طراحی الگوی پیاده‌سازی کارآمد نظام مدیریت عملکرد در سازمان‌های خدماتی بیان داشتند که عوامل بستر ساز درون سازمانی بیشترین نقش را در تعریف و تبیین پیاده‌سازی کارآمد نظام مدیریت داشتند. قنبری و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت مدیریت عملکرد، چالش‌های فراروی و تئوری پیچیدگی بیان داشتند مدیریت عملکرد در بخش دولتی همچنان با مشکلات بزرگی مواجه هست و تجدیدنظر در شیوه‌های موجود برای جلوگیری از اثرات منفی به کارگیری آن ضروری است.

اهمیت انجام تحقیقات پیرامون قابلیت‌های عملکردی سیستم یک سازمان از آنجا ناشی می‌شود که مراکز در پیاده‌سازی راهبرد مدیریت عملکرد نیازمند شناخت جامع و چندسطحی هستند. بیشتر تحقیقات مدیریت عملکرد در سازمان نشان داده است که سازمان‌ها آشنایی کافی با مبانی و اصول تخصصی مدیریت عملکرد ندارند. به دلیل این‌که عملکرد مناسب در جوامع دارای قدرت و دامنه

-
1. Williams et al
 2. Fletcher & Arnold
 3. Shilbury & Moore
 4. Bayle & Robinson

اثرگذاری بالا هستند انجام تحقیق در این خصوص بسیار حائز اهمیت است. مدیریت عملکرد به منظور دستیابی به نتایج و پیامدهای مورد انتظار در سازمان های ورزشی بسیار حائز اهمیت است. توجه به سیستم مدیریت عملکرد در سازمان های ورزشی وابسته به آموزش و پرورش کشور به عنوان یکی از زیربنایی ترین نهادهای ورزشی کشور اهمیت دو چندان دارد. مرور ادبیات نشان می دهد مباحث عملکرد به طور کلی در مدیریت و به طور خاص در مدیریت ورزشی بیشتر با رویکرد سنجش و ارزیابی مطرح شده و رویکرد مدیریت عمر کمتری دارد. اوبویل^۱ (۲۰۱۵) در مطالعه ای مروری در مورد عملکرد سازمانی در بین سازمان های ورزشی بیان داشت مطالعات انجام شده بین سال های ۱۹۸۶ و ۲۰۱۴، بیشتر بر روی سنجش عملکرد تا مدیریت عملکرد متمرکز شده اند. اوبویل و حسن^۲ (۲۰۱۵) در مطالعه ای روی سازمان های ملی ورزش نیوزلند نشان دادند که مدیریت عملکرد در مراحل تحولی بود، در برخی سازمان ها اجرا می شد و در برخی دیگر اصلاً مدیریت عملکرد را اجرا نمی کردند. اوبویل و حسن (۲۰۱۴) نشان می دهند بیشتر مطالعات با تمرکز بر معیارهای مختلف سنجش عملکرد موجود است و مطالعات در مورد مدیریت عملکرد از دیدگاه سازمانی نیاز به بررسی جامع تر دارد. روش های تکراری در مطالعات موجود همراه با محدودیت ها، شکاف های واضحی را برای تحقیقات آینده برای کشف و در نتیجه تسهیل توسعه سطح جدیدی از درک و توسعه تئوری در این زمینه نوظهور از مدیریت ورزشی ایجاد می کند. وحدانی و همکاران (۲۰۱۷) استقرار و توسعه نظام مدیریت عملکرد را از استراتژی لازم برای تربیت بدنی و فعالیت های وزارت آموزش و پرورش عنوان نمودند. حمیدی و همکاران (۲۰۱۸) توسعه نظام مدیریت عملکرد را از اولویت های راهبردی در فدراسیون ورزش دانش آموزی بیان کردند. از آنجا که ابعاد عملکرد در سازمان های مختلف، متفاوت است، هر سازمان باید متناسب با اقتضات و بر اساس چشم انداز، مأموریت، اهداف کلان و راهبردهای خود به سؤال چيستی عملکرد خویش پاسخ دهد و ابعاد عملکرد خود را تبیین کند و پس از آن به طراحی شاخص ها و سنجش های مناسب همت گمارد. چه بسا عاملی که در سازمانی، اثری محوری بر عملکرد دارد اما در سازمان دیگری چندان مهم نیست. با این وصف، می توان ادعا کرد که ادبیات مدیریت عملکرد در سازمان های ورزشی هنوز بلوغ نیافته و مسائل و موضوعات بسیاری برای پژوهش در این عرصه باقی است. سؤالی که در این پژوهش مطرح است این است که مؤلفه های مؤثر بر مدیریت عملکرد در سازمان های چه ساختاری دارند.

1. O'Boyle
2. Hassan

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر چگونگی گردآوری داده‌ها توصیفی و از نظر ماهیت از نوع تحقیقات همبستگی است، زیرا هدف کشف رابطه میان متغیرها است که به صورت پیمایشی انجام شد. به لحاظ هدف تحقیق کاربردی در محدوده زمانی سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ انجام شده است.

جامعه آماری ۱۷۲ نفر شامل رئیس و اعضای فدراسیون ورزش دانش‌آموزی (۱۲ نفر)، رؤسای هیئت‌های ورزشی دانش‌آموزی استان‌ها (۳۲ نفر)، رئیس و دبیر انجمن‌های ورزشی دانش‌آموزی کشور (۴۱ نفر)، معاون و اعضای دفتر تربیت‌بدنی و سلامت آموزش و پرورش (۲۳ نفر)، معاونین تربیت‌بدنی و سلامت اداره کل آموزش و پرورش استان‌ها (۳۲ نفر)، رؤسای ادارات تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی استان‌ها (۳۲ نفر) بودند. به علت این‌که ۹ نفر در سازمان دو مسئولیت داشتند و استان کهگیلویه و بویراحمد فاقد رئیس اداره بود، جامعه آماری در نهایت ۱۶۲ نفر شامل رئیس و اعضای فدراسیون ورزش دانش‌آموزی (۱۲ نفر)، رؤسای هیئت‌های ورزشی دانش‌آموزی استان‌ها (۲۸ نفر)، رئیس و دبیر انجمن‌های ورزشی دانش‌آموزی کشور (۴۱ نفر)، معاون و اعضای دفتر تربیت‌بدنی و سلامت آموزش و پرورش (۲۳ نفر)، معاونین تربیت‌بدنی و سلامت اداره کل آموزش و پرورش استان‌ها (۳۲ نفر)، رؤسای ادارات تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی استان‌ها (۲۶ نفر) بودند. حجم نمونه آماری برابر با جامعه آماری (۱۶۲ نفر) در نظر گرفته شد. لینک پرسش‌نامه اینترنتی طراحی شد و با استفاده از سایت کافه پردازش، از طریق راه‌های ارتباطی اینترنتی برای افراد ارسال شد. از این تعداد ۱۴۷ پرسش‌نامه پاسخ داده شده جهت تجزیه و تحلیل استفاده شد (نرخ بازگشتی پرسش‌نامه: ۹۰/۷۴ درصد). مطابق قاعده بارکلای و همکاران^۱ (۱۹۹۵) حداقل حجم نمونه لازم برای استفاده از روش اسمارت پی. ال. اس^۲ بر طبق روش اول برابر است با بزرگ‌ترین مقدار حاصل از ۱۰ ضرب در تعداد شاخص‌های مدل اندازه‌گیری که دارای بیشترین شاخص در میان مدل‌های اندازه‌گیری مدل اصلی پژوهش است (در این پژوهش $10 \times 10 = 100$). بر طبق روش دوم برابر است با ۱۰ ضرب در بیشترین روابط موجود در بخش ساختاری مدل اصلی پژوهش که به یک متغیر مربوط می‌شوند (در این پژوهش $3 \times 10 = 30$). بنابراین تعداد پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها با تعداد قابل کفایت جهت مدل‌سازی معادلات ساختاری برای نرم افزار اسمارت پی. ال. اس در این پژوهش مطابقت دارد.

پرسش‌نامه محقق‌ساخته عوامل اثرگذار بر سیستم مدیریت عملکرد با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای نظامند و مصاحبه اکتشافی نیمه هدایت شده با ۱۴ نفر از متخصصان علمی در زمینه مدیریت عملکرد

-
1. Barclay et al
 2. Smart PLS

در سازمان‌های ورزشی و نیز مدیران فوقانی سازمان‌های ورزشی در حوزه ورزش آموزش و پرورش ایران به‌دست آمد. پس از جمع‌بندی و تحلیل نتایج مطالعات کتابخانه‌ای و نشست‌های خبرگی متغیرهای نهایی شناسایی و پرسش‌نامه در دو بخش شامل اطلاعات جامعه‌شناختی نمونه‌های پژوهش و عوامل اثرگذار بر سیستم مدیریت عملکرد در مقیاس لیکرت پنج ارزشی (بسیار کم=۱ تا بسیار زیاد=۵) طراحی شد.

روایی صوری و محتوایی^۱ پرسش‌نامه با استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان (۱۰ نفر از اساتید دانشگاهی متخصص در حوزه مدیریت عملکرد و روش تحقیق) مورد تأیید قرار گرفت. میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود (روایی همگرا) با استفاده از میانگین واریانس استخراج شده^۲ بالاتر از ۰/۵ و تعامل بیشتر یک سازه در مدل با شاخص‌هایش نسبت به سازه‌های دیگر (روایی واگرا) با استفاده ماتریس فورنل- لارکر^۳ مورد تأیید قرار گرفت. پایایی^۴ شاخص برای سنجش پایایی درونی با استفاده از سه معیار ضرایب بارهای عاملی^۵، آلفای کرونباخ^۶ و پایایی ترکیبی^۷ بررسی و مورد تأیید قرار گرفت. بارهای عاملی سنجه‌ها در سازه مربوط به خود بالاتر از ۰/۴، مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بیشتر از ۰/۷ بود. می‌توان اذعان نمود که تمامی شاخص‌ها از پایایی درونی مناسبی برخوردار بوده‌اند (جدول ۱، ۲ و ۳).

جدول ۱- روایی و پایایی ابعاد/عوامل پرسش‌نامه

ابعاد/عوامل	میانگین واریانس استخراج شده*	آلفای کرونباخ**	پایایی ترکیبی**
سرمایه انسانی	۰/۵۸۵	۰/۸۰۹	۰/۸۷۰
مالی	۰/۶۵۳	۰/۸۲۱	۰/۸۸۲
تدارکاتی	۰/۶۸۷	۰/۸۴۶	۰/۸۹۷
هوشمندسازی اداری	۰/۶۰۴	۰/۸۶۷	۰/۹۰۱
سیستم مدیریت	۰/۶۰۷	۰/۸۶۹	۰/۹۰۲
محیط شناسی	۰/۷۰۲	۰/۷۸۸	۰/۸۷۶
سرمایه‌های فکری	۰/۵۵۵	۰/۷۹۹	۰/۸۶۲
سرمایه‌های رفتاری	۰/۵۶۱	۰/۹۱۲	۰/۹۲۷

1. Face & Content Validity
2. Average Variance Extracted (AVE)
3. The Fornel-Larcker Criterion
4. Reliability
5. Loadings
6. Cronbach's Alpha
7. Composite Reliability

ادامه جدول ۱- روایی و پایایی ابعاد/عوامل پرسشنامه

ابعاد/عوامل	میانگین واریانس استخراج شده*	آلفای کرونباخ**	پایایی ترکیبی**
انطباق اجتماعی	۰/۶۶۳	۰/۷۴۵	۰/۸۵۵
رضایت-بهره‌وری	۰/۵۷۲	۰/۷۵۰	۰/۸۴۲
زمینه‌ای	۰/۷۷۰	۰/۹۰۹	۰/۹۰۹
دانشی و روان‌شناختی	۰/۸۳۲	۰/۹۲۳	۰/۹۰۸
مهندسی سازمان	۰/۸۲۷	۰/۹۲۳	۰/۹۳۴
مدیریت عملکرد سازمانی	۰/۸۰۵	۰/۸۲۶	۰/۸۹۲

* حد مطلوب متوسط واریانس استخراج شده بیشتر از ۰/۵

** حد مطلوب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بیشتر از ۰/۷

جدول ۲- روایی واگرا با استفاده ماتریس فورنل- لارکر

انطباق اجتماعی	تدارکاتی	رضایت و بهره‌وری	سرمایه انسانی	سرمایه‌های رفتاری	سرمایه‌های فکری	سیستم مدیریت	مالی	محیط‌شناسی	اداری، هوشمندسازی
۰/۸۱۴									
۰/۵۹۴	۰/۸۲۹								
۰/۶۱۲	۰/۴۶۹	۰/۷۵۷							
۰/۵۷۳	۰/۵۷۳	۰/۴۶۵	۰/۷۶۵						
۰/۷۴۴	۰/۵۲۲	۰/۴۱۹	۰/۵۴۰	۰/۷۴۹					
۰/۵۹۰	۰/۵۴۵	۰/۴۷۲	۰/۶۰۵	۰/۶۹۴	۰/۷۴۵				
۰/۶۸۲	۰/۵۴۲	۰/۴۵۱	۰/۵۸۵	۰/۷۳۹	۰/۶۸۹	۰/۷۷۹			
۰/۵۵۳	۰/۶۱۷	۰/۴۹۷	۰/۷۷۰	۰/۴۹۴	۰/۶۲۹	۰/۶۰۲	۰/۸۰۸		
۰/۵۵۱	۰/۶۰۸	۰/۳۴۸	۰/۵۲۸	۰/۶۱۲	۰/۵۹۷	۰/۶۷۰	۰/۵۶۲	۰/۸۳۸	
۰/۶۷۵	۰/۶۸۸	۰/۵۸۵	۰/۶۷۲	۰/۶۵۵	۰/۶۷۹	۰/۶۴۹	۰/۶۷۰	۰/۶۷۵	۰/۷۷۷

جدول ۳- پایایی درونی پرسش نامه با استفاده از ضرایب بارهای عاملی

بار عاملی	مؤلفه‌ها	ابعاد	عوامل	
۰/۵۴۸	برنامه‌ریزی نیروی انسانی، کارمندیایی	سرمایه انسانی	زمینه‌ای	
۰/۵۲۹	افزایش توانایی‌های بالقوه و تخصص‌گرایی			
۰/۸۵۶	جبران خدمات کارکنان			
۰/۹۱۳	حفظ و نگهداشت نیروی انسانی در سازمان			
۰/۸۸۳	فعالیت‌هایی به منظور ارتقا و بهبود نیروی انسانی در سازمان			
۰/۷۹۵	تأمین مالی (درآمدزایی)			مالی
۰/۸۱۰	مدیریت هزینه‌ها			
۰/۸۷۹	مدیریت بر بودجه جاری			
۰/۷۴۲	مدیریت بر بودجه عمرانی			تدارکاتی
۰/۷۲۹	تجهیزات و تسهیلات و امکانات ورزشی			
۰/۸۴۹	تجهیزات و تسهیلات و امکانات غیرورزشی			
۰/۸۷۴	زیرساخت‌های فضاهای ورزشی			
۰/۸۵۵	زیرساخت‌های فضاهای غیرورزشی			
۰/۷۹۸	میزان پذیرش سازمان در رابطه با شبکه و ارتباطات داخلی	هوشمند سازی اداری	مهندسی سازمان	
۰/۷۴۳	میزان پذیرش سازمان در رابطه با شبکه و ارتباطات خارجی			
۰/۸۶۲	میزان پذیرش سازمان در دستیابی به بانک‌های اطلاعاتی			
۰/۸۱۷	وجود بانک‌های اطلاعاتی			
۰/۶۸۶	وجود سیستم‌های حساسی و حسابداری			
۰/۷۴۵	وجود سیستم‌های اطلاعات مدیریت			
۰/۸۲۵	مشخص بودن اهداف سازمانی با نمایش چشم‌انداز از سازمان			
۰/۷۸۱	مقصود و منظور منحصر بفرود از ایجاد سازمان			
۰/۸۶۶	سازماندهی و ساختار سازمانی مناسب			
۰/۷۰۸	مرتبط ساختن اجزا سازمان با یکدیگر برای کسب هدف مشترک			سیستم مدیریتی
۰/۷۸۳	تطبيق طریق عملیات انجام شده با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده			
۰/۷۰۰	ارزیابی، سنجش و مدیریت بهتر و بالاتر	محیط شناسی		
۰/۸۶۲	قدرت کنار آمدن با شرایط محیطی سازمان برای رسیدن به اهداف سازمان			
۰/۸۴۹	وجود زمینه‌های ذهنی و عینی برای تطبيق قانون			
۰/۸۰۶	کاهش اختلاف بین نقش‌ها، هدف‌ها، و علایق یک یا چند نفر و یا چند گروه			

ادامه جدول ۳- پایایی درونی پرسش‌نامه با استفاده از ضرایب بارهای عاملی

عوامل	ابعاد	مؤلفه‌ها	بار عاملی
سرمایه دانشی و روان‌شناختی	سرمایه‌های فکری	بهره‌برداری و توسعه مزایای دانش یک سازمان با نگاهی به پیشبرد اهداف سازمان	۰/۷۱۰
		توانایی سازمان در کشف خطاها و اصلاح آنها و تغییر دانش	۰/۶۸۱
		استفاده از دانش فنی و اجرایی جدید	۰/۷۸۹
		استعداد به کارگیری مهارت‌ها و توانایی‌ها در محیط‌های مختلف	۰/۷۸۷
		کنار گذاشتن آگاهانه دانش	۰/۷۵۴
	سرمایه‌های رفتاری	تقویت نگرش‌های مثبت شخص نسبت به سازمان	۰/۶۲۹
		واکنش‌های مثبت شناختی، عاطفی و سنجشی افراد، نسبت به شغلشان	۰/۷۶۴
		طریقی را که رهبر، از نفوذش برای کسب اهداف استفاده می‌کند.	۰/۷۶۶
		توانایی پاسخ به تغییرات پیش‌بینی نشده	۰/۷۵۴
		شکل الگوهای رفتاری کارکنان	۰/۷۶۷
مدیریت عملکرد سازمانی	اطبق اجتماعی	احساس تعهد درونی به منظور رعایت الزامات در ارتباط با کار بدون سیستم نظارتی	۰/۶۹۰
		مسئولیت و تعهد افراد در جهت اجرای خط‌مشی‌های سازمان و عملکرد بالا	۰/۸۱۵
		احساس پابندی فرد به وظایفی که خود را ملزم به انجام دادن آن می‌داند.	۰/۷۷۲
		حمایت و احساس باورهای تعمیم‌یافته افراد در سازمان	۰/۷۸۶
		بیان ایده‌ها، نظرات و اطلاعات راجع به مشکلات سازمانی	۰/۷۳۴
	رضایت و بهره‌وری	توانایی شناخت دقیقی از سیستم‌های اجتماعی و بهبود آنها	۰/۷۵۵
		مجموعه وظایف و تعهدات یک سازمان در جهت حفظ و مراقبت از آنها	۰/۸۳۸
		عدم رفتارهای منفی و یا تحلیل برنده	۰/۸۴۶
		کیفیت خدمات	۰/۷۴۸
		افزایش احتمال موفقیت در انجام وظیفه در سازمان	۰/۷۷۸
کارایی	۰/۷۹۸		
اثربخشی	۰/۶۹۹		

در بخش توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد به منظور طبقه‌بندی و خلاصه نمودن داده‌های خام و در بخش استنباطی از آزمون آماری کلموگروف-اسمیرنوف برای بررسی چگونگی توزیع داده‌ها و تحلیل عاملی با روش حداقل مربعات جزئی برای بررسی برازش مدل تحقیق استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری اس. پی. اس. نسخه ۲۳

و مدل سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار اسمارت پی. ال. اس نسخه ۳ انجام پذیرفت. کلیه فرضیه‌ها در سطح $p \leq 0/05$ آزمون شده‌اند.

نتایج

در جدول ۴ فراوانی و درصد فراوانی سن، جنسیت، سطح تحصیلات و سمت افراد نمونه آماری آورده شده است. از میان ۱۴۷ نفر نمونه آماری مورد مطالعه ۱۱۷ نفر (۷۹/۶) مرد و ۳۰ نفر (۲۰/۴) زن بودند. بیشترین گروه سنی و تحصیلات مربوط به گروه سنی ۴۱-۵۰ سال با ۷۷ فراوانی (۵۲/۴) و مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد با ۹۹ فراوانی (۶۷/۳) بود.

جدول ۴- فراوانی و درصد فراوانی ویژگی‌های دموگرافیک نمونه آماری پژوهش

ویژگی‌های دموگرافیک	کل نمونه آماری (۱۴۷ نفر)		معاونت تربیت بدنی و سلامت (۷۵ نفر)		فدارسیون ورزش دانش آموزی (۷۲ نفر)	
	(درصد فراوانی)	فراوانی	(درصد فراوانی)	فراوانی	(درصد فراوانی)	فراوانی
سن						
۳۰-۴۰ سال	۳۸/۱	۵۶	۳۴/۷	۲۶	۴۱/۷	۳۰
۴۱-۵۰ سال	۵۲/۴	۷۷	۵۳/۳	۴۰	۵۱/۴	۳۷
۵۱ سال به بالا	۹/۵	۱۴	۱۲/۰	۹	۶/۹	۵
جنسیت						
زن	۲۰/۴	۳۰	۱۶/۰	۱۲	۲۵/۰	۱۸
مرد	۷۹/۶	۱۱۷	۸۴/۰	۶۳	۷۵/۰	۵۴
سطح تحصیلات						
کارشناسی	۱۰/۹	۱۶	۹/۳	۷	۱۲/۵	۹
کارشناسی ارشد	۶۷/۳	۹۹	۶۵/۳	۴۹	۶۹/۴	۵۰
دکتری	۲۱/۸	۳۲	۲۵/۳	۱۹	۱۸/۱	۱۳
سمت						
کارشناس	۲۱/۱	۳۱	۳۰/۷	۲۳	۱۱/۱	۸
رئیس اداره/هیئت	۳۲/۷	۴۸	۲۸/۰	۲۱	۳۷/۵	۲۷
معاون/رئیس و دبیر انجمن	۴۷/۲	۶۸	۴۱/۳	۳۱	۵۱/۴	۳۷

نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف با استفاده از نرم افزار اس. پی. اس. نشان داد که آماره کلموگروف-اسمیرنوف در همه ابعاد در شاخص‌های اندازه‌گیری شده معنادار بود. بنابراین فرض نرمال بودن توزیع جامعه آماری با ضریب ۰/۹۵ اطمینان پذیرفته نمی‌شود. لذا توزیع تمام داده‌ها غیرنرمال است و برای بررسی ارتباط فرضیه‌های آماری مربوط از روش مدل سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی. ال. اس استفاده شد.

برازش مدل ساختاری با استفاده از معیارهای ضرایب معناداری تی^۱، اندازه اثر^۲، ضریب تعیین^۳ و ضریب قدرت پیش‌بینی^۴ مورد بررسی قرار گرفت. در جدول ۵ مقادیر ضرایب معناداری تی روابط بین ابعاد بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و معنادار است که حاکی از پیش‌بینی صحیح روابط مدل پژوهشی و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ است. همچنین برای نشان دادن شدت رابطه میان سازه‌ها از معیار اندازه اثر استفاده می‌شود که نتایج نشان می‌دهد در رابطه متغیر زمینه‌ای با مدیریت عملکرد سازمانی و متغیر سرمایه‌دانشی و روان‌شناختی با مدیریت عملکرد سازمانی اثر متوسط و متغیر مهندسی سازمان با مدیریت عملکرد سازمانی اثر کوچک و در سایر روابط اثر بزرگ را مشاهده می‌کنیم.

جدول ۵- ضریب مسیر و ضرایب معناداری تی و اندازه اثر روابط بین عوامل با هم و با ابعاد

میزان اندازه اثر	اندازه اثر**	سطح معناداری	ضریب معناداری تی	ضریب مسیر	رابطه بین عوامل با هم و با ابعاد
بزرگ	۲/۰۶۲	۰/۰۰۱*	۲۶/۶۵۳	۰/۸۲۱	زمینه‌ای -> تدارکاتی
بزرگ	۴/۳۲۲	۰/۰۰۱*	۵۳/۰۶۸	۰/۹۰۱	زمینه‌ای -> سرمایه‌انسانی
بزرگ	۴/۶۷۴	۰/۰۰۱*	۶۲/۳۲۰	۰/۹۰۸	زمینه‌ای -> مالی
متوسط	۰/۲۶۶	۰/۰۰۸*	۲/۷۰۹	۰/۲۶۹	زمینه‌ای -> مدیریت عملکرد سازمانی
بزرگ	۱۴/۴۶۷	۰/۰۰۱*	۱۴۵/۲۵۱	۰/۹۶۷	سرمایه‌دانشی و روان‌شناختی -> سرمایه‌های رفتاری
بزرگ	۲/۶۹۵	۰/۰۰۱*	۳۱/۰۵۱	۰/۸۵۴	سرمایه‌دانشی و روان‌شناختی -> سرمایه‌های فکری
متوسط	۰/۲۲۴	۰/۰۳۸*	۲/۰۹۹	۰/۲۶۹	سرمایه‌دانشی و روان‌شناختی -> مدیریت عملکرد سازمانی
بزرگ	۳/۹۵۵	۰/۰۰۱*	۵۰/۰۲۷	۰/۸۹۳	مهندسی سازمان -> سیستم مدیریت
بزرگ	۲/۴۱۸	۰/۰۰۱*	۳۵/۹۱۹	۰/۸۴۱	مهندسی سازمان -> محیط‌شناسی
بزرگ	۴/۱۶۰	۰/۰۰۱*	۴۶/۰۱۸	۰/۸۹۸	مهندسی سازمان -> هوشمندسازی اداری
کوچک	۰/۱۲۱	۰/۰۲۹*	۲/۲۰۰	۰/۲۸۱	مهندسی سازمان -> مدیریت عملکرد سازمانی
بزرگ	۳/۸۶۷	۰/۰۰۱*	۴۳/۹۸۴	۰/۸۹۱	مدیریت عملکرد سازمانی -> انطباق اجتماعی
بزرگ	۴/۴۶۵	۰/۰۰۱*	۳۷/۹۴۹	۰/۹۰۴	مدیریت عملکرد سازمانی -> رضایت و بهره‌وری

*: در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شود.

**۰/۰۲ اندازه اثر کوچک، ۰/۱۵ اندازه اثر متوسط، ۰/۳۵ اندازه اثر بزرگ

1. T-values
2. Effect Size (F^2)
3. R^2
4. Q^2

برای نشان دادن تأثیری که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد از معیار ضریب تعیین استفاده می‌شود که متغیر درون‌زای مدیریت عملکرد سازمانی از برازش متوسط به بالا و سایر متغیرهای درون‌زا از برازش قوی برخوردار هستند. برای نشان دادن قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل از ضریب قدرت پیش‌بینی استفاده می‌شود که متغیر درون‌زای مدیریت عملکرد از قدرت پیش‌بینی متوسط به بالا و سایر متغیرهای درون‌زا از قدرت پیش‌بینی قوی برخوردار هستند (جدول ۶).

جدول ۶- معیار ضریب تعیین و ضریب قدرت پیش‌بینی

ابعاد/عوامل	ضریب تعیین *	میزان برازش	ضریب قدرت پیش‌بینی **	قدرت پیش‌بینی
سرمایه انسانی	۰/۸۱۲	قوی	۰/۴۷۰	قوی
مالی	۰/۸۲۴	قوی	۰/۵۳۳	قوی
تدارکاتی	۰/۶۷۳	قوی	۰/۴۴۹	قوی
هوشمندسازی اداری	۰/۸۰۶	قوی	۰/۴۷۹	قوی
سیستم مدیریت	۰/۷۹۸	قوی	۰/۴۷۵	قوی
محیط شناسی	۰/۷۰۷	قوی	۰/۴۹۲	قوی
سرمایه‌های فکری	۰/۷۲۹	قوی	۰/۳۹۹	قوی
سرمایه‌های رفتاری	۰/۹۳۵	قوی	۰/۵۱۸	قوی
انطباق اجتماعی	۰/۷۹۵	قوی	۰/۵۱۹	قوی
رضایت-بهره وری	۰/۸۱۷	قوی	۰/۴۶۱	قوی
زمینه‌ای	برون‌زا	-	برون‌زا	-
دانشی و روان‌شناختی	برون‌زا	-	برون‌زا	-
مهندسی سازمان	برون‌زا	-	برون‌زا	-
مدیریت عملکرد سازمانی	۰/۵۶۴	متوسط	۰/۲۶۴	متوسط

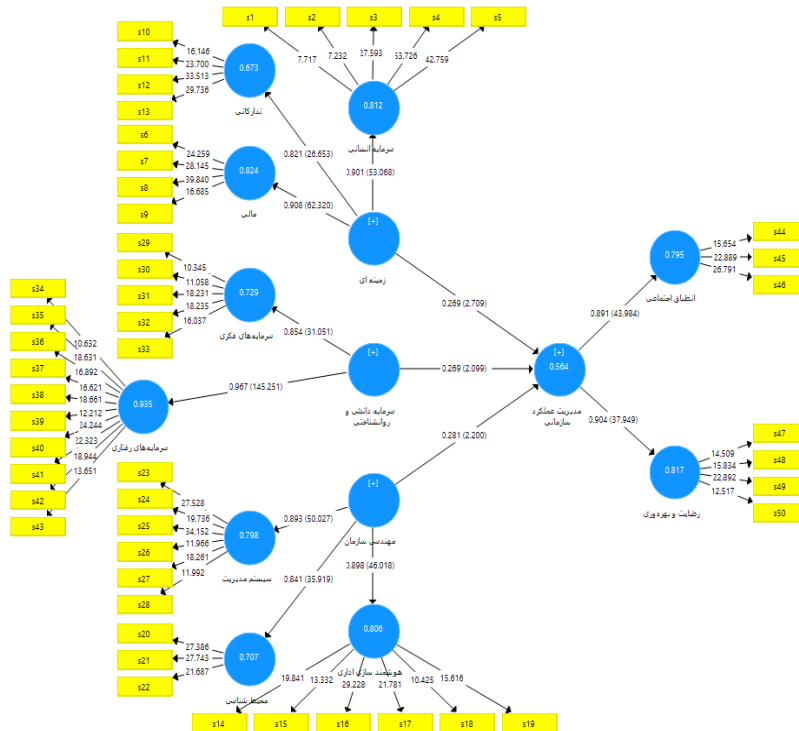
*: ۰/۱۹ برازش ضعیف، ۰/۳۳ برازش متوسط، ۰/۶۷ برازش قوی

** : ۰/۰۲ قدرت پیش‌بینی ضعیف، ۰/۱۵ قدرت پیش‌بینی متوسط، ۰/۳۵ قدرت پیش‌بینی قوی

برازش کلی مدل با استفاده از شاخص جی.ا. اف^۱ که توسط تننهاوس و همکاران^۲ (۲۰۰۴) بر اساس فرمول $\sqrt{Communalities \times R^2}$ ابداع شد، مقدار ۰/۵۵۶ به دست آمد که نشان می‌دهد برازش کلی مدل در حد بسیار قوی مورد تأیید قرار گرفت.

1. Goodness of Fit (GOF)
2. Tenenhaus et al

در تحلیل عاملی ابعاد مربوط به عوامل اصلی با توجه به شکل ۱ مشخص می‌شود که در عامل زمینه‌ای به ترتیب ابعاد مالی (۰/۹۰۸)، سرمایه انسانی (۰/۹۰۱) و تدارکاتی (۰/۸۲۱) دارای نقش معناداری در تبیین عامل زمینه‌ای هستند. در عامل سرمایه دانشی و روان‌شناختی به ترتیب بعد سرمایه‌های رفتاری (۰/۹۶۷) و سرمایه‌های فکری (۰/۸۵۴) دارای نقش معناداری در تبیین عامل سرمایه دانشی و روان‌شناختی هستند. در عامل مهندسی سازمان به ترتیب ابعاد هوشمندسازی اداری (۰/۸۹۸)، سیستم مدیریت (۰/۸۹۳) و محیط شناسی (۰/۸۴۱) دارای نقش معناداری در تبیین عامل مهندسی سازمان هستند. در عامل مدیریت عملکرد سازمانی به ترتیب بعد رضایت و بهره‌وری (۰/۹۰۴) و انطباق اجتماعی (۰/۸۹۱) دارای نقش معناداری در تبیین مدیریت عملکرد سازمانی هستند. در تحلیل مسیر روابط بین عوامل اصلی ابعاد زمینه‌ای (۰/۲۶۹)، سرمایه دانشی و روان‌شناختی (۰/۲۶۹)، مهندسی سازمان (۰/۲۸۱) به طور مستقیم دارای اثر مثبت و معناداری بر مدیریت عملکرد سازمانی دارند و هر کدام به ترتیب ۰/۲۶، ۰/۲۶، ۰/۲۸ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کنند.



شکل ۱- میزان ضریب مسیر و ضرایب معناداری تی مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش تحلیل مسیر عوامل اثرگذار بر مدیریت عملکرد در سازمان‌های ورزشی بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد عملکرد مفهوم چندگانه‌ای دارد و این موضوع را در دیدگاه اکثر نظریه‌پردازان می‌توان مشاهده کرد و هر کدام به فراخور قلمرو موضوعی مورد مطالعه خود به جنبه‌های مختلفی از عملکرد اشاره کرده‌اند که در یک جمع‌بندی می‌توان در سه گروه دسته‌بندی نمود. گروه اول، عملکرد را تمام اقدامات و فعالیت‌های یک فرد یا یک سازمان یا یک دولت می‌دانند که در یک دوره زمانی معین انجام می‌گیرد. گروه دوم، عملکرد فرد، سازمان و دولت را صرفاً نتایج (ستاده، پیامد و اثر) حاصل شده می‌دانند و توجهی به اقدامات صورت گرفته (ورودی‌ها) ندارند. گروه سوم، توجه به هر دو جنبه را ضروری می‌دانند، از نظر این گروه عملکرد هم به معنی نتایج (ستاده، پیامد، اثر) کسب شده و هم به معنی رفتار (ورودی‌ها و فرآیند) صورت گرفته است (آرمسترانگ^۱، ۲۰۱۸، ۱۲). با مطالعه ادبیات موجود در حوزه عملکرد به این نتیجه می‌رسیم که تحلیل ارائه شده از سوی گروه سوم تحلیل جامع و درستی است که مطابق با چارچوب تمام مدل‌های ارزیابی عملکرد بوده و مبنای کار در استقرار نظام مدیریت عملکرد قرار می‌گیرد. با بررسی نسبتاً جامع از همه عوامل اثرگذار بر مدیریت عملکرد در سازمان‌های ورزشی مؤلفه‌های حاصل از پیمایش کمی و کیفی در قالب عامل‌های مهندسی سازمان، سرمایه دانشی-روان‌شناختی و زمینه‌ای به عنوان عوامل اثرگذار بر مدیریت عملکرد سازمانی و انطباق اجتماعی، رضایت-بهره‌وری به عنوان پیامد سیستم مدیریت عملکرد در سازمان‌های ورزشی دسته‌بندی گردید.

تحلیل مسیر نشان می‌دهد که عوامل زمینه‌ای، سرمایه دانشی-روان‌شناختی و مهندسی سازمان به طور مستقیم اثر مثبت و معناداری بر مدیریت عملکرد سازمانی دارند و هر کدام به ترتیب ۰/۲۶، ۰/۲۸، ۰/۲۸ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کنند.

در تحلیل معادلات ساختاری نتایج نشان داد که در عامل زمینه‌ای به ترتیب ابعاد مالی، سرمایه انسانی و تدارکاتی دارای نقش معناداری در تبیین عامل زمینه‌ای هستند. اگر سازمان را به مانند یک ماشین فرض کنیم منابع مالی و تدارکاتی نقش مواد سوختی را ایفا می‌کند. بنابراین هر سازمان برای به حرکت در آمدن نیاز به منابع مالی و تدارکاتی دارد و این منابع انرژی‌دهنده و روشن‌کننده موتور سازمان است. بدیهی است سازمان در انجام وظایف برای دسترسی به اهدافش زمانی موفق می‌شود که این انرژی با برنامه و به‌طور دقیق مصرف گردد. برای اجرای هر گونه برنامه در هر سازمان در اختیار داشتن وسایل و تجهیزات امر ضروری است بنابراین نیروی انسانی زمانی قادر به انجام وظایف محوله است که از حداقل امکانات و تجهیزات برخوردار باشد. طبیعی است هر اندازه امکانات و وسایل

1. Armstrong

با نیاز روز متناسب‌تر باشد، نیروی انسانی سازمان از این امکانات بهره بیشتری خواهد بود. در هر سازمانی اگر از امکانات مالی و تدارکاتی به‌طور صحیح و با برنامه تنظیمی استفاده شود، بهره‌وری مطلوب اتفاق می‌افتد. در بعد مالی و تدارکاتی همسو با نتایج این پژوهش در مطالعات مادلا و همکاران^۱ (۲۰۰۵)، شیبوری و موری (۲۰۰۶)، فلچر و آرنولد (۲۰۱۱)، توجه به امور پشتیبانی، توسعه زیرساخت‌های ورزش و توسعه منابع مالی و استفاده بهینه از بودجه از ضروریات برای بهبود ظرفیت عملکردی سازمان‌ها است. بودجه و توسعه زیرساخت‌ها از اولویت‌بندی شاخص‌های عملکرد ادارات ورزش و جوانان استان‌های کشور در مطالعه سلیمانی‌دامنه و همکاران (۲۰۱۷) است و به مدیران ادارات توصیه می‌گردد در راستای بهبود ظرفیت عملکردی سازمان، استفاده بهینه از بودجه و بویژه بودجه عمرانی، با هدف توسعه زیرساخت‌های ورزش را مورد توجه قرار دهند. رجبی و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که مشارکت مدیران در بودجه‌بندی به‌طور غیرمستقیم از طریق تأثیرگذاری بر رضایت شغلی و تعهد سازمانی بر عملکرد مدیران مؤثر است. مشارکت در بودجه‌بندی می‌تواند به دریافت اطلاعات جدید در مدیران منجر شود و بر رضایت شغلی آنان تأثیر مثبتی داشته باشد. پیشنهاد می‌شود استفاده از امکانات مالی و تدارکاتی به‌طور صحیح و با برنامه تنظیمی استفاده شود تا بهره‌وری مطلوب اتفاق افتد.

مدیریت منابع انسانی در سازمان‌های ورزشی مانند تمام سازمان‌ها از اهمیت ویژه و خاصی برخوردار است. هر سازمانی با توجه به مأموریت و وظایفش منابع انسانی ویژه‌ای را به خدمت می‌گمارد. سازمان‌های ورزشی و مدیران‌شان به دلیل تماس نزدیک با مردم، دائماً در دید آنان هستند و از آن جایی که محیط‌های ورزشی آکنده از احساسات و هیجانات اجتماعی است این امر تأثیر مستقیمی در نحوه مدیریت منابع انسانی در درون و خارج سازمان خواهد داشت. اگر سازمان در درون خود از انسجام لازم برخوردار نباشد، در ارائه خدمات به گروه‌ها و بیرون سازمان چندان موفق نخواهد بود. به‌کارگیری رویه برای جذب، حفظ و ارتقاء نیروی انسانی توانمند و مستعد برای بهبود عملکرد سازمانی از دیگر نتایج پژوهش حاضر است. در همین راستا بیگمی و همکاران (۲۰۱۸) بیان داشتند سازمان‌ها باید با تأمین نیازهای مؤثر در ایجاد نگرش‌های مطلوب و اتخاذ سیاست‌هایی در حوزه مدیریت منابع انسانی که ضمن داشتن تناسب از یکدیگر حمایت می‌کنند، عملکرد سازمان را ارتقاء بخشند. بالوندی و زردشتیان (۲۰۱۹) بیان داشتند سازمان برای این‌که بتواند عملکرد سازمانی را بهبود بخشد، لازم است به مدیریت استراتژیک منابع انسانی و مؤلفه‌هایش توجه کند و با استفاده از آنها منابع انسانی را توانمند کند و به خلاقیت و نوآوری در سازمان تشویق نماید تا بتواند با تغییرات پرشتاب، پیشرفت‌های سریع علمی و فناوری و پدیده جهانی‌شدن همگام شود و در نهایت به موفقیت بیشتری برسد. ضرورت

توجه به مهارت‌های مدیریتی و ارزیابی مهارت مدیران سازمان‌های ورزشی نه تنها یک اصل بلکه پلی جهت موفقیت سازمانی تلقی می‌شود و سازمان‌ها برای بهبود عملکرد باید بر روی ایجاد این مهارت‌ها در افراد سرمایه‌گذاری کنند. در واقع به همان نسبت که برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی گسترده می‌شوند، مدیریت ورزشی نیز پیچیده می‌شود و انواع مختلف شایستگی‌ها و مهارت‌ها برای مدیریت در حوزه ورزش مورد نیاز است. از این رو صلاحیت و کیفیت مدیران از نظر مهارت‌های مدیریتی (مهارت‌های ادراکی، انسانی و فنی) یکی از مهم‌ترین عوامل استمرار موفقیت در هر سازمانی است. از دیگر تحقیقات همسو با مطالعه حاضر در بعد سرمایه انسانی، مطالعات حسین‌پور و همکاران (۲۰۱۴) و نظری و همکاران (۲۰۱۸) است که بیان می‌دارند دارا بودن این مهارت‌ها به درک بهتر مهارت‌های مدیریتی و نهایتاً انتخاب الگوی مدیریتی کمک خواهد نمود. لذا ضرورت شناخت، آگاهی و سرمایه‌گذاری در افراد از این مهارت‌ها و تبیین روابط بین آنها می‌تواند منجر به بهبود سطح اثربخشی شود. سرمایه انسانی از ارزشمندترین سرمایه‌های سازمان‌ها به شمار می‌رود لذا به نظر می‌رسد پیشنهاد این‌که مدیران سازمان‌های ورزشی در شفاف‌سازی نقش، وظایف محوله به کارکنان، برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی مستمر در زمینه وظایف کارکنان اقدام کنند و به کارکنان اجازه دهند در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند، منطقی است. چرا که این امر به تقویت انگیزش کارکنان کمک نموده و آنها را به ابتکار عمل تشویق می‌نماید، ضمن این‌که کارکنان را برای حل مسائل سازمانی در فرآیند تصمیم‌سازی مشارکت می‌دهد. با این عمل علاوه بر ایجاد زمینه درک بهتر شرایط محیط کار و توسعه دانش پایه در این حوزه می‌تواند موجبات تحقق اهداف و اثربخشی سازمانی را در سازمان‌های ورزشی فراهم آورد. به‌طور کلی می‌توان عنوان نمود با توجه به این‌که سرمایه انسانی نسبت به سایر منابع در سازمان‌ها نقش بسیار مهم و ویژه‌ای را ایفا می‌نماید، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های آموزش کارکنان بر پایه نظرسنجی از افراد و در راستای اهداف عالی و مأموریت سازمان به گونه‌ای اتخاذ شود که افراد بتوانند مهارت‌های لازم برای انجام مشاغل مختلف در سازمان را کسب نمایند.

در تحلیل معادلات ساختاری نتایج نشان داد که در عامل سرمایه دانشی و روان‌شناختی به ترتیب بعد سرمایه‌های رفتاری و سرمایه‌های فکری دارای نقش معناداری در تبیین عامل سرمایه دانشی و روان‌شناختی هستند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت سازمان‌های ورزشی می‌توانند با سرمایه‌گذاری بر شاخص‌های تقویت‌کننده سرمایه‌های فکری به بهبود ابعاد مختلف عملکرد سازمانی کمک کنند. حاکم ساختن فرهنگ و ارزش‌یادگیری سازمانی در سازمان‌های ورزشی می‌تواند بستر ساز نوآوری و خلاقیت سازمانی شود و در نتیجه به کارگیری دانش در سازمان را ترغیب و ترویج کند. اگر تمام امکانات و زمینه‌های لازم برای استقرار طرحی نو در سازمان فراهم شود اما فرهنگ آن در سازمان به اجرا در نیاید و مورد توجه قرار نگیرد طرح اجرا نخواهد شد و تنها ضررهای مالی و انسانی به بار

خواهد آورد. همچنین موفقیت در اجرای برنامه‌ها، تکنیک‌ها و رویکردهای نوین منوط به تعهد و حمایت عملی مدیریت ارشد سازمان و مشارکت کارکنان برای استقرار دانش در سازمان است. فعالیت‌های حل مسئله در سازمان‌ها، اغلب به کاوشگری جمعی و مشارکتی نیاز دارند و افراد می‌بایست در فرآیند گروهی حل مسئله و تصمیم‌گیری مشارکت ارزشمند داشته باشند. همسو با تحقیق حاضر در بعد سرمایه‌های فکری عباسی و فتاحیان (۲۰۱۸) و خورسندی و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعات خود بر اهمیت یادگیری سازمانی و چگونگی ایجاد این قابلیت‌ها در کارکنان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در افزایش سطح عملکرد اشاره کردند. مظلومی‌سوینی و همکاران (۲۰۱۶) مدیریت دانش و خلاقیت را به عنوان پیشبین مهم برای عملکرد سازمانی در نظر داشتند. بالوندی و زردشتیان (۲۰۱۹) تمرکز به خلاقیت و نوآوری در سازمان و بخش‌چناری و عباسی (۲۰۱۵) به عامل فراموشی سازمانی و ابطحی‌نیا و راستگو (۲۰۱۹) به نقش یادگیری و هوش سازمانی در عملکرد سازمانی اشاره داشته‌اند. سازمان‌ها و به‌طور ویژه سازمان‌های ورزشی، به منظور افزایش عملکرد خود در تمامی حوزه‌ها، نیاز به تقویت و ارتقاء ظرفیت مدیریت دانش خود دارند. بنابراین سازمان‌های ورزشی می‌توانند با سرمایه‌گذاری بیشتر در حوزه‌های دانش یا اطلاعات به عملکرد و بازدهی بیشتری دست یابند. تدوین برنامه‌های لازم در جهت آموزش و پیاده‌سازی دانش، عملکرد سازمان‌ها را بهبود خواهد بخشید. آموزش مدیران ارشد، مدیران پروژه و کارشناسان سازمان‌های ورزشی نسبت به مفاهیم و رویکردهای جدید در مورد دانش می‌تواند مفید واقع شود (مظلومی‌سوینی و همکاران، ۲۰۱۶). خلاقیت و نوآوری برای ماندگاری هر سازمانی لازم است لذا می‌توان اذعان داشت که آگاهی مدیران و کارکنان از خلاقیت و نوآوری باید الزامی شود تا بتوانند با زمینه‌ای از آگاهی‌های مورد نیاز و نو وارد عرصه کار و فعالیت شوند و در آنجا با آفرینندگی، نقش مؤثری در تحقق هدف‌ها و پیشرفت سازمان‌های خود داشته باشند. برای تولید خلاقیت و افزایش نوآوری نیاز است دگرگونی‌هایی در سازمان به وجود آید و از وضع موجود به مرحله نوینی رهنمون شد و با توجه به شرایط و مقتضیات، فرهنگ تیمی را شکل داد، زیرا در این نوع فرهنگ تأکید بر اختراع، اکتشاف و نوآفرینی است. شاید یکی از مهم‌ترین عوامل تسهیل‌کننده توان خلاقیت و نوآوری در سازمان، ساختار مناسب و تشکیلات متناسب با هدف‌های مورد نظر است که در این زمینه ساختار زیستی یا ارگانیک، ساختار مناسب خلاقیت و نوآوری در سازمان به‌شمار می‌آید، باید مورد توجه قرار گیرد (بالوندی و زرتشتیان، ۲۰۱۹). هوش سازمانی به دلیل این‌که دستیابی به دانش را در سازمان‌ها افزایش داده و باعث پیدایش مزیت رقابت نوینی در آنها می‌گردد، می‌تواند گامی مهم در جهت بهبود اثربخشی سازمان‌ها باشد. بنابراین امروزه سازمان‌هایی موفق خواهند بود که بتوانند از نیروی فکر کارکنان خود به نحو شایسته بهره‌گیرند. بنابراین سازمان‌های ورزشی باید کارکردهای مناسبی را طراحی کنند که مطمئن شوند، متغیرهای

محیطی و لازم برای بهینه‌سازی هوش سازمانی به سطح قابل قبولی رسیده است و بدین ترتیب شرایط لازم برای ارتقاء سطح هوش سازمانی را در محیط‌های ورزشی مهیا نمایند. علاوه بر این هوش سازمانی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا اطلاعات و مهارت‌های مهم را که به عنوان حافظه سازمانی محسوب می‌شوند و به‌طور معمول به صورت سازماندهی نشده وجود دارند، شناسایی، انتخاب، سازماندهی و منتشر کنند. این امر سازمان را به صورت کارا و مؤثر برای حل مسائل یادگیری، برنامه‌ریزی راهبردی و تصمیم‌گیری‌های پویا قادر می‌سازد (ابطحی‌نیا و راستگو، ۲۰۱۹). جهت ارتقاء عملکرد سازمانی بایستی به فراموشی سازمانی توجه ویژه داشته باشند تا هم سازمان از بهره‌وری و کارایی لازم برخوردار باشد و هم می‌توان با آگاه کردن مدیران و کارشناسان و به کارگیری صحیح و هدفمند آنها در سازمان از اتلاف منابع جلوگیری کرد. سازمان‌ها باید بتوانند در برخی از موقعیت‌ها، دانش سازمانی خود را آگاهانه کنار بگذارند و دانش جدیدی را جایگزین نمایند که این همان فراموشی سازمانی هدفمند است (بخش‌چناری و همکاران، ۲۰۱۵).

از مطالعات همسو با پژوهش حاضر در بعد سرمایه‌های رفتاری نتایج فلچر و آرنولد (۲۰۱۱) در شاخص فرهنگ سازمانی؛ توجه به حمایت سازمانی ادراک‌شده و آوای سازمانی در مطالعه کشتگر و همکاران (۲۰۱۷)؛ اعتماد و تعهد سازمانی در مطالعه حسینی و همکاران (۲۰۱۹) به عنوان شاخص‌های مؤثر در بهبود عملکرد سازمانی بررسی شد. نقش چابکی سازمانی در جهت نیل به اهداف سازمان در مطالعات بخش‌چناری و عباسی (۲۰۱۵)، عباسی و فتاحیان (۲۰۱۸) نشان داده شد. مادالا و همکاران (۲۰۰۵) به نقش مشارکت، درویشی و کلاته‌سیفری (۲۰۱۷) به نقش نشاط سازمانی بر بهره‌وری اشاره نمودند. بنابراین می‌توان بیان داشت سرمایه‌های رفتاری به عنوان یک منبع قوی در رشد و ارتقای فردی و سازمانی نقش بسزایی داشته و به افراد کمک می‌کند تا با به کارگیری مهارت‌های خود در برابر مشکلات و مسائل پیرامون به صورت مطلوبی عمل کنند و احساس موفقیت فردی و سازمانی در آنها ایجاد شده یا افزایش یابد. با کاهش فشار روانی و دور کردن فرسودگی و کاهش عواطف منفی از کارکنان و ایجاد جوی مثبت و شاد و بالا بردن میزان رضایت‌مندی در بین کارکنان، می‌توان توسعه روزافزون سازمان را در ابعاد مختلف مشاهده کرد (درویشی و کلاته‌سیفری، ۲۰۱۷). سازمان‌های ورزشی باید همانند سایر سازمان‌ها برای انطباق خود با شرایط متغیر، از توانمندی‌های چابکی سازمانی استفاده کنند. برای این امر نوع مدیریت حاکم بر این سازمان‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد. تداوم و پایداری موفقیت در طولانی‌مدت، بستگی به چابکی دارد و نیازمند دستیابی به برتری در ارائه خدمات و امکانات است. سازمان با تکیه بر چابکی، اجازه تصرف در فرصت‌ها را می‌دهد و اجازه برتری نسبت به سایر سازمان‌های رقیب را ایجاد می‌کند (عباسی و فتاحیان، ۲۰۱۸). در واقع انتخاب سبک رهبری مناسب به مدیران این امکان را می‌دهد که بتوانند با توانایی شناسایی تغییرات، پاسخ سریع به آنها و

توانایی انجام وظایف و عملیات در کوتاه‌ترین زمان ممکن، توانایی انجام کارهای مختلف و دستیابی به اهداف در جهت حفظ بقاء و رضایت کارکنان خود در هنگام مواجهه با عوامل داخلی و خارجی سازمان خود مؤثر باشند و سبب بهبود اثربخشی سازمان شوند. بایستی مدیران و برنامه‌ریزان با اتخاذ استراتژی‌هایی همچون پرداخت‌های منصفانه، توسعه فرهنگ صداقت و احترام، شیوه مدیریت مشارکتی و تفویضی و ایجاد زمینه مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری‌های سازمانی، علاوه بر کاهش بدبینی در آنان، موجبات ارتقاء سرمایه رفتاری و وجدان کاری و در نهایت، ارتقاء بهره‌وری را فراهم نمایند. از این رو می‌توان اذعان نمود شناخت و آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی افراد و عوامل مؤثر بر رفتار در جهت بهبود فرآیند ارتباطات و کاهش تعارضات در سطوح مختلف و ایجاد زمینه نفوذ و تأثیر بر دیگران از جمله موضوعات مهم در مدیریت عملکرد در سازمان به شمار می‌رود.

در تحلیل معادلات ساختاری نتایج نشان داد که در عامل مهندسی سازمان به ترتیب ابعاد هوشمندسازی اداری، سیستم مدیریت و محیط‌شناسی دارای نقش معناداری در تبیین عامل مهندسی سازمان هستند. فریسی^۱ (۱۹۸۶) بیان داشت که ویژگی‌های بوروکراسی رایج در سازمان، احتمال رسیدن به هدف و کارایی سیستم را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، طراحی سازمانی و ویژگی‌های ساختاری سازمان‌ها بر عملکرد سازمانی آنها تأثیر می‌گذارد. توجه به عوامل مدیریتی و توسعه ساختار احتمال رسیدن به هدف را افزایش می‌دهد و پیاده‌سازی رویکردهای مدیریت موجب افزایش کارایی و اثربخشی و موفقیت در سازمان می‌شود. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای هماهنگی و آمادگی در برابر تغییرات محیط برای سازمان‌ها تعامل مستمر با محیط برای به حداقل رساندن پیچیدگی‌های ناشی از تغییر است. ساختار و ویژگی‌های محیطی که سازمان در آن قرار دارد برای هر سازمانی بسیار مهم است. اگر شرایط محیطی، قوانین، نحوه باور مدیریت و مواردی از این دست با شرایط سازمان هماهنگ نباشد، قطعاً سازمان به زوال می‌گراید یا به شکل خنثی و راکد به فعالیت خود ادامه می‌دهد. نظام آموزش و پرورش به علت ورود روش‌های نوین و فن‌آوری‌های مدرن به طور بالقوه با محیطی پویا مواجه است و تهدیدهای محیطی از هر سو حیات و بقای این نظام را به خطر می‌اندازد. بنابراین مدیران سازمان‌ها باید جایگاه فعلی خود را بشناسند، نقاط ضعف و قوت خود را دقیقاً تحلیل کنند و با تکیه بر نقاط قوت از فرصت‌های پیش‌رو استفاده نمایند و خود را برای مقابله با تهدیدها آماده سازند. یکی از ابزارهای تحقق این امر بهره‌گیری از مؤلفه‌ها و ابعاد مهندسی سازمان است. کاربست مؤلفه‌ها و ابعاد پیش‌گفته موجب می‌شود تا کارکنان سازمان‌های مورد بررسی (به طور خاص مدیران) با آگاهی از اهداف و رسالت‌های سازمان، به طور کارآمد در مسیر پیاده‌سازی آن گام بردارند و ضمن کسب دانش و آگاهی از عوامل محیطی و تلاش برای حفظ بقاء و حیات سازمان، زمینه رشد و پویایی و

1. Frisby

افزایش عملکرد سازمان را فراهم آورند. در عصر حاضر هر چه زمان به جلو می‌رود، به دلیل پیشرفت علوم و فنون و پیدایش چالش‌ها و نیازهای جدید، سازمان نیز پیچیده‌تر و اداره آن‌ها مشکل‌تر می‌شود، بنابراین بقای سازمان‌ها در گروه قابلیت سازگاری آن‌ها برای تبعیت از تغییرات خواهد بود.

در عامل مدیریت عملکرد سازمانی به ترتیب بعد رضایت-بهره‌وری و انطباق اجتماعی دارای نقش معناداری در تبیین مدیریت عملکرد سازمانی هستند. هماهنگی با تغییرات و شرایط محیط یکی از مهمترین عوامل برای حفظ وجودی سازمان است. با توجه به تنوع و حساسیت زیاد ماموریتی سازمان‌های ورزشی وابسته به آموزش و پرورش، مدیران این سازمان‌ها نیازمند پاسخگویی دقیق و به‌موقع در برابر انتظارات و خواسته‌های ذینفعان هستند و همواره باید متناسب با موقعیت متغیر محیطی، اهداف، راهبردها و برنامه‌ها و اقدامات خود را اصلاح یا تقویت کنند. سازمان‌ها زمانی می‌توانند به اهداف مدیریت عملکرد جامه عمل بپوشانند که عملکرد سازمان را در شبکه یا مجموعه سازمان‌ها مورد ملاحظه قرار دهند. اگر در نگاه درون سازمانی با تاکید بر هدف‌های سازمانی، بهره‌وری محدودی کسب می‌شود در مدیریت عملکرد برون سازمانی، هدف‌های جامعه و سازمان با هم مورد توجه قرار می‌گیرد و مدیریت عملکرد علاوه بر مسئولیت سازمانی، مسئولیت اجتماعی را نیز عهده‌دار می‌شود. رضایت و ارتقای بهره‌وری مستلزم کوشش و تلاش برنامه‌ریزی شده همه جانبه افراد و مسئولان است که خود نیازمند بهبود شرایط کار و تغییر محرک‌ها و روش‌های انگیزش کارکنان، بهبود نظام‌ها، دستورالعمل‌ها، روش‌ها، قوانین، بخشنامه‌ها است. ارتقای بهره‌وری محصول ترکیبی از عوامل گوناگون است و هر کدام به نوبه خود تأثیر لازم را می‌گذارند. دستیابی به این هدف مهم امکان‌پذیر نخواهد بود مگر با طراحی و ایجاد سازوکارهایی که همه عوامل اثرگذار بر عملکرد را مدنظر قرار دهد تا بتواند در چاقوب مشخص و معینی اطمینان بخش تحقق ماموریت‌ها و اهداف کلان سازمانی باشد.

نظام مدیریت عملکرد در صورتی که به درستی اجرا نشود، منجر به ایجاد بروکراسی، اتلاف زمان، پیچیده شدن سیستم و هزینه‌بر خواهد بود و کارایی مورد انتظار از آن برآورده نخواهد شد. همچنین نظام مدیریت عملکرد در صورتی اثربخش خواهد بود که به‌طور مستمر بروزرسانی گردد، مشوق‌های انگیزشی لازم برای متولیان و کارکنان ارائه شود، از نتایج آن در مدیریت امور جاری سازمان استفاده شود و سازمان منفعت به‌کارگیری آنرا را لمس کند؛ به عبارتی اثربخشی نظام مدیریت عملکرد زمانی حاصل می‌شود که بروزرسانی مستمر، ارائه مشوق‌های انگیزشی هدفمند و به‌کارگیری نتایج به‌دست آمده از نظام مدیریت عملکرد در تصمیم‌گیری‌های سازمانی رخ دهد. هر چه مدیریت عملکرد در نیل به اهداف سازمان موفق‌تر باشد، بهره‌وری نیز افزایش یافته و در نتیجه سود بیشتری عاید سازمان خواهد شد. استمرار روند مذکور باعث ایجاد ثروت و تداوم و بقا سازمان در دنیای رقابتی و پرتلاطم امروزی خواهد شد. بنابراین سازمان‌ها باید نوعی چرخش از نظام‌های سنتی به نظام‌های جدید مدیریت

عملکرد انجام دهند. همچنین سازمان‌ها نباید به دنبال یک راه حل سریع باشند که بلافاصله باعث بهبود بهره‌وری و عملکرد آنها شود. مدیریت عملکرد یک فرآیند مستمر بهبود عملکرد است که در بلندمدت به نتیجه لازم می‌رسد و باعث کمک به مدیریت سازمان در یافتن راه‌هایی می‌شود که بتواند به نحوه بهتری از شغل سازمانی و کارکنان خود در جهت نیل به اهداف سازمان حمایت نماید. همچنین باید اقدام‌هایی صورت گیرد که تک تک افراد از استراتژی‌ها و اهداف مدیریت عملکرد آگاه گردند. اهداف و انتظارات عملکردی مدیریت باید به صورت روشن و واضح بیان گردد تا کارکنان درک روشنی از چیستی و چگونگی عملکرد مطلوب داشته باشند. همچنین باید ویژگی‌ها و مزایای مدیریت عملکرد و قابلیت اجرایی آن نیز از پیش مشخص گردد. دفتر تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی وزارت آموزش و پرورش و فدراسیون ورزش دانش‌آموزی بر مبنای اهداف خود بر مبنای سند تحول بنیادین نیاز دارد تا برای گرفتن بازخورد و اطلاع از عملکرد برنامه‌ها و فعالیت‌های خود، نظام مدیریت عملکرد را پیاده‌سازی کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود دسته‌بندی به‌دست آمده برای عوامل، ابعاد و مؤلفه‌ها در اقدامات مدیریت عملکرد در سازمان‌های ورزشی مبنای قرار گیرد و بر مبنای مدل بدست‌آمده سنجش دقیقی در هر یک از عوامل، ابعاد و مؤلفه‌ها در سازمان مورد بررسی صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود در عامل زمینه‌ای به بعد مالی، در عامل سرمایه‌دانشی و روان‌شناختی به بعد سرمایه‌های رفتاری، در عامل مهندسی سازمان به بعد هوشمندسازی اداری و در مدیریت عملکرد سازمانی به بعد رضایت-بهره‌وری توجه بیشتری شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌شود به مؤلفه‌های مدیریت هزینه‌ها و مدیریت بر بودجه جاری در بعد مالی، به مؤلفه‌های حفظ و نگهداشت و ارتقاء و بهبود نیروی انسانی در سازمان در بعد سرمایه‌انسانی؛ و به مؤلفه‌های زیرساخت‌های فضاهای ورزشی و غیرورزشی در بعد تدارکاتی، به مؤلفه‌های مسئولیت و تعهد افراد در جهت اجرای خط‌مشی‌های سازمان و عملکرد بالا و حمایت و احساس باورهای تعمیم‌یافته افراد در سازمان در بعد سرمایه‌های رفتاری؛ به مؤلفه‌های استفاده از دانش فنی و اجرایی جدید و استعداد به کارگیری مهارت‌ها و توانایی‌ها در محیط‌های مختلف در بعد سرمایه‌های فکری؛ به مؤلفه‌های پذیرش سازمان در دستیابی به بانک‌های اطلاعاتی و وجود بانک‌های اطلاعاتی در بعد هوشمندسازی اداری، به مؤلفه‌های اهداف سازمانی با نمایش چشم‌انداز از سازمان و سازماندهی و ساختار سازمانی مناسب در بعد سیستم مدیریت؛ به مؤلفه قدرت کنار آمدن با شرایط محیطی سازمان برای رسیدن به اهداف سازمان در بعد محیط‌شناسی، به مؤلفه کارایی؛ در بعد رضایت-بهره‌وری به مؤلفه عدم رفتارهای منفی و یا تحلیل‌برنده و در بعد انطباق اجتماعی در اقدامات سازمانی به منظور عملکرد بهتر توجه بیشتری شود. همچنین برای پژوهشگران در حوزه مدیریت عملکرد سازمانی نیز پیشنهاد می‌شود که مدل‌سازی مؤلفه‌های استخراج شده به صورت جداگانه در شش حوزه ورزش همگانی و اوقات فراغت، مسابقات و

رویدادهای ورزشی، فعالیت‌های آموزشی-ورزشی، فعالیت‌های پژوهشی-ورزشی، استعدادیابی ورزشی، حرکات اصلاحی و پیشگیری از آسیب صورت گیرد و میزان نقش و اثر آنها بر مدیریت عملکرد با توجه به حوزه فعالیت آنها به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. در واقع تاکنون می‌دانستیم که مدیریت عملکرد برای پیشبرد اهداف سازمان از ضروریات است و یکی از عوامل بسیار مهم در رشد و توسعه سازمان به شمار می‌آید. جامعیت، شفافیت و انسجام بیشتر در سیستم‌های مدیریت عملکرد سازمانی سبب استفاده بهتر از منابع و پیامد آن ستاده مطلوب‌تر خواهد بود لذا وجود یک مدل جامع مدیریت عملکرد که هم‌راستا با اهداف سازمانی باشد، از الزامات و ضرورت‌های سازمانی و مدیریت عملکرد است. در بیان اهمیت آن همین بس که یک فصل از قانون مدیریت خدمات کشوری را به خود اختصاص داده و در بسیاری دیگر از اسناد بالا دستی در مورد اهمیت آن صحبت شده است و دستگاه‌های اجرایی ملزم به اجرای آن هستند. در مطالعات مختلف عوامل اثرگذار بر مدیریت عملکرد در سازمان‌های ورزشی به صورت موردی و پراکنده مورد بررسی قرار گرفت و مطالعه‌ای که به صورت منسجم و یکپارچه همه عوامل اثرگذار بر مدیریت عملکرد در سازمان‌های را بررسی کند کمتر به چشم می‌خورد، در این مقاله سعی بر این بود که این خلأ مطالعاتی را پر کند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از نمونه‌های آماری این مطالعه که در این پژوهش مشارکت داشته‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

منابع

1. Abbasi, H., & Fattahian, N. (2018). The effect of strategic learning on organizational performance with mediating role of strategic agility (A case study: The departments of sport and youth in cities of Hamedan and Kermanshah). *Scientific Journal Management System*, 8(15): 29-43. (Persian).
2. Armstrong, M. (2018). *Performance management: Key strategies and practical guidelines*. B. G. Li & D. Gholamzadeh. Saffar Publication, Tehran. (Persian).
3. Atefeh, Abtahinia, & Samaneh, Rastgoo. (2019). Explaining Role of Organizational Intelligence in Organizational Effectiveness by Investigating Mediating Role of Organizational Learning (Staffs in Sports and Youth Departments in South Khorasan). *Journal of Human Resource Management in Sport*, 6(1): 125-142. (Persian).
4. Babaei Zakliki, M. A., Hasanzadeh, H. R., Alvani, s. M., Zaraei Matin, H., & Rastegar, A. (2015). Designing an efficient implementation model of performance management system in service organizations. *Management Researches*, 8(28): 5-31. (Persian).

5. Bakhsh Chenari, A., Eydi, H., & Abbasi, H. (2015). Analyze relationship between organizational forgetting and agility with organizational performance (Case study: Yoths and sport ministry). *Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 2(5): 11-20. (Persian).
6. Balvandi, A., & Zardoshtian, S. (2019). Impact of strategic human resource management practices on organizational performance with mediating role of organizational innovation among experts of ministry of sports and youth. *Journal of Human Resource Management in Sport*, 6(2): 221-239. (Persian).
7. Barclay, D., Thompson, R., & Higgins, C. A. (1995). The partial least squares approach to causal modeling: Personal computer adoption and use as an illustration. *Technology Studies: Special Issue on Research Methodology*, 2(2): 284-324.
8. Barth, M., Emrich, E., & Daumann, F. (2018). Approaches and methods used for measuring organizational performance in national sport governing bodies from 1986 to 2014. A systematized review. *Current Issues in Sport Science (CISS)*.
9. Bayle, E., & Robinson, L. (2007). A framework for understanding the performance of national governing bodies of sport. *European Sport Management Quarterly*, 7(3): 249-268.
10. Beigomi, Z., Hamidi, M., Sajadi, S. N., & Honari, H. (2018). Modeling effects of human resource management policies and their outcomes on organizational performance in ministry of sport and youth. *Journal of Human Resource Management in Sport*, 5(2): 163-185. (Persian).
11. Darvishi, A., & Kalateh Seifari, M. (2017). The effect of organizational exhilaration on the productivity of employees in sport and youth general office of Mazandaran province. *New Trends in Sport Management*, 5(16): 9-19. (Persian).
12. Fletcher, D., & Arnold, R. (2011). A qualitative study of performance leadership and management in elite sport. *Journal of Applied Sport Psychology*, 23(2): 223-242.
13. Frisby, W. (1986). Measuring the organizational effectiveness of national sport governing bodies. *Canadian Journal of Applied Sport Sciences*, 11(2): 94-99.
14. Ghanbari, M., Heidarinejad, G., & Parandin, K. (2016). Performance management, challenges facing and complexity theory. *Journal of Governmental Accounting and Auditing*, 3(1): 49-58. (Persian).
15. Hamidi, M., Rajabi, H., Alidoust Ghahfarokhi, E., & Zeinizadeh, M. (2018). Designing strategic plan for student sport federation of Iran. *Research on Educational Sport*, 14, 67-92. (Persian).
16. Hamidi, M., & Vahdani, M. (2019). *Performance management in sports organizations*. Bamdad Ketab Publication, Tehran. (Persian).
17. Hoseini, M. E., Alidoust Ghahfarokhi, E., Darougheh Arefi, N., & Dehghan, S. A. (2019). Effects of organizational trust and professional commitment on human resource productivity in youths and sport general administration in East Azarbaijan province. *Journal of Human Resource Management in Sport*, 6(1): 161-178. (Persian).
18. Hossein Pour, J., Hosseini, E., & Dosti, M. (2014). Determine the relationship between the interpersonal relationships with sport manager's performance in Guilan province. *Journal of Human Resource Management in Sport*, 1(2): 105-114. (Persian).

19. Kasale, L. L., Winand, M., & Robinson, L. (2018). Performance management of national sports organisations: A holistic theoretical model. *Sport, Business and Management: An International Journal*, 8(5): 469-491.
20. Keshtgar, N., Naghshbandi, S. S., & Nobakht, Z. (2017). The relationship between perceived organizational support and organizational performance through the role of mediator of organizational voice in employees of sport and youth departments. *Scientific Journal of Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 4(3): 119-127. (Persian).
21. Khorsandi, M., Mirzazadeh, Z. S., & Salatin, M. (2015). Relationship between organizational learning capability with organizational performance in general directorate of youth and sport in Khorasan Razavi. *Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 2(7): 61-68. (Persian).
22. Madella, A., Bayle, E., & Tome, J. (2005). The organisational performance of national swimming federations in mediterranean countries: A comparative approach. *European Journal of Sport Science*, 5(4): 207-220.
23. Masoumi, H. (2017). *Performance management in sports organizations*. Elmo Harekat Publication, Tehran. (Persian).
24. Mazloomi Soveini, F., Jaberi, A., & Khazaei Pool, J. (2016). Designing a model to investigate the effect of creativity and to share tacit and explicit knowledge on performance of sport organizations based on BSC approach. *Sport Management (Harakat)*, 7(6): 847-864. (Persian).
25. Modell, S. (2005). Performance management in the public sector: past experiences, current practices and future challenges. *Australian Accounting Review*, 15(37): 56-66.
26. Nazari, R., Anvari, M., & Aboodarda, Z. (2018). Effect mental strength on management skills, self-management and efficiently performance sport managers. *Scientific Journal of Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 5(2): 57-67. (Persian).
27. O'Boyle, I., & Hassan, D. (2014). Performance management and measurement in national-level non-profit sport organisations. *European Sport Management Quarterly*, 14(3): 299-314.
28. O'Boyle, I., & Hassan, D. (2015). Applying performance management practices within non-profit sport organisations: A case study of new zealand. *International Journal of Sport Management*, 16, 1-24.
29. O'Boyle, I. (2015). Developing a performance management framework for a national sport organisation. *Sport management review*, 18(2): 308-316.
30. Rajabi, M., Hamidi, M., & Jalali Farahani, M. (2015). The effect of budget participation on job attitudes and performance of physical education managers of universities. *Journal of Sport Management*, 6(4): 595-612. (Persian).'
31. Rezaeian, A., & Ganjali, A. (2017). *Performance management, what, why & how*. Tehran, Imam Sadeq University Publication, Tehran. (Persian).
32. Shilbury, D., & Moore, K. A. (2006). A study of organizational effectiveness for national Olympic sporting organizations. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 35(1): 5-38.
33. Soleimani Damaneh, J., Nejad Sajadi, S. A., & Salimi, M. (2017). Identifying and prioritizing the performance evaluation indices of Iranian directorates of sports and

- youth from the experts' viewpoints using the AHP model. *Sport Management and Development*, 6(1): 53-65. (Persian).
34. Tenenhaus, M., Amato, S., & Esposito Vinzi, V. (2004). A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modelling. *Paper presented at the Proceedings of the XLII SIS scientific meeting*.
35. Vahdani, M., Hamidi, M., Khabiri, M., & Alidoust Ghahfarrokhi, E. (2017). Codification a strategy map of physical education and sports activities in ministry of education of Iran. *Research on Educational Sport*, 5(12): 17-36. (Persian).
36. Williams, N., Ferdinand, N. P., & Croft, R. (2014). Project management maturity in the age of big data. *International Journal of Managing Projects in Business*, 7(2): 311-317.

ارجاع دهی

سهیلی پیشکناری، سحر؛ همتی نژاد، مهرعلی؛ قلیزاده، محمدحسن.
(۱۴۰۰). تحلیل عوامل اثرگذار بر مدیریت عملکرد در سازمان‌های ورزشی
(مطالعه موردی: فدراسیون ورزش دانش‌آموزی و دفتر تربیت‌بدنی و
فعالیت‌های ورزشی). پژوهش در ورزش تربیتی، ۹ (۲۴): ۷۲-۲۴۱.
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2020.8881.1877

Soheili Pishkenari, S; Hemati Nejad, M. A; Gholizade, M.H. (2021). Analysis of Factors Affecting Performance Management in Sports Organizations (Case Study: Student Sports Federation and Physical Education and Sports Activities Office). *Research on Educational Sport*, 9 (24): 241-72. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2020.8881.1877

Research Paper

Explaining the Status of Public Sports in the Thought of the Supreme Leader of the Revolution using Content Analysis

J. Pourabdi¹, V. Saatchian², M. Kashtidar³

1. Ph.D. of Sports Management, Gilan University, Rasht, Iran

2. Assistant Professor of Sports Management, Imam Reza International University, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

3. Professor of Sports Management, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 2019/12/10

Accepted: 2020/04/19

Abstract

The purpose of the present study was to describe the status of public sports in the thought of the Supreme Leader of the Revolution and to present this enlightenment to the country's management community in order to apply, promote and implement his guidelines in Islamic society. This qualitative study was conducted using the content analysis method. Moreover, according to the nature of the study, the statistical population was remarks of the Supreme Leader of the Revolution. The data were obtained from a collection of Khamenei's statements on the website of the Office of the Supreme Leader. The data were analyzed using Maxqda10 software and coding method. Finally, the charts were plotted using Mind Mapper 2012 software. Internal consistency was used to confirm the findings and results with the research goals. This validity was confirmed by two professors of sports science, and Cohen's Kappa coefficient was used to determine the reliability or confirmation of the analysis method. This coefficient was 0.8. The results showed that the data obtained from the analysis of the statements of the Supreme Leader could be classified into eight main categories including health, organizational, social, strategic, spiritual, provincial, governmental and heroic ones. Therefore, considering the status of Velayat-e Faqih as a theorist of the Islamic Revolution, it is appropriate to use the intellectual system of Imam Khamenei to formulate strategies and perspectives for public sports.

Keywords: Public Sports, Supreme Revolutionary Leader, Islamic Revolution discourse, Content analysis

1. Email: javid.pourabdi.313@gmail.com

2. Email: saatchian.vahid@gmail.com

3. Email: keshtidar@um.ac.ir

Extended Abstract

Background and Purpose

Today, the effects of the spread of sports among nations are very important [1] and it is mentioned as an individual and group opportunity for sections of society [2]. Accordingly, in recent years in various countries there has been a great deal of interest at the national level to design and implement policies, strategies and programs to promote physical activity [3] Therefore, the development of sports should be considered a national mission [4]. According to most sports experts, Public sport is an emerging concept for everyone is, but should be known [5]. Public sport or sport for all is an important part of sports in the Islamic Republic of Iran, which is closely related to community health and vitality [6]. On the other hand, its effects on the macro-politics of society, health and well-being, social relationships, education, prevention of many social and moral corruptions, development of children and adolescents, and their present and future health are obvious [7]. Accordingly, the Supreme Leader of the Revolution, Ayatollah Ali Khamenei, has made numerous remarks about public sport. Therefore, the purpose of the present study was to describe the status of public sports in the thought of the Supreme Leader of the Revolution and to present this enlightenment to the country's management community in order to apply, promote and implement his guidelines in Islamic society.

Methodology

This applied qualitative study was conducted using content analysis in which three qualitative, hidden and inductive content analytical approaches were used. Based on the nature of the current study, the statistical population was remarks of the Supreme Leader of the Revolution.

All of his remarks were purposely selected based on their relevance to the problem and the aims of the research. To obtain the information needed for the present study, all of his speeches about public sports were collected. To do so, the data required for this research were obtained from all expressions (audio, visual, text) during 1989-2019. In qualitative research after selecting the unit of analysis, the researcher combines the data to identify open-source code, and then combines it with another open-source [8]. Moreover, the data were analyzed using Maxqda10 software and coding method. Finally, the charts were plotted using Mind Mapper 2012 software. Internal consistency was used to confirm the findings and results with the research goals. This validity was confirmed by two professors of sports science, and Cohen's Kappa coefficient was used to determine the reliability or confirmation of the analysis method.

Results

In the area of descriptive statistics, analysis of the research data revealed 478 open codes and 34 axial codes (Sport for all means general physical health, mental vitality and psychological well-being in the shadow of general sport, prevention and management of sports offenses, need for jihad management in public sport, Priority of public sports over championship sports, creation of spaces and cultural sports venues in the country, health and vitality, need for development of Islamic community, need for organized activities to promote national sports, need for revival and expansion of indigenous-local sports and Iranian-Islamic sports, forces in Iranian sports responsibility, the double effort of patience and confidence of sports officials in promoting public sports, the optimal use of natural resources for sports for all, sports for all is a tool for the constant rejuvenation of society, the abolition of social anomalies, and strengthening family institutions through sports for all, acceptance of sports for all as a necessity of life by the public, attention of students to sports for all, sports for all movement in youth, necessity of education of women in the country, sustainable capital sports in life, enrichment of youth leisure through public sports, scientification and innovation in the field of sports science, relationship between sports and spirituality, Imam Khomeini's commitment to sports, Revolutionary leader of the patronage revolution and representative of mass sports, leader of the patronage revolution and representative of mass sports, Islamic Revolution in support of championship sports, exercise of the important theme of the Islamic Revolution (in words), Sports talents of the national wealth of the Islamic Revolution, value of sports in the Islamic Revolution (in practice), value of the Islamic Revolution for the hero athletes, revolutionary leader patron of championship sports, championship sports underlying all sports, sports heroes promote public sports, promote the development of sports of public duty sports heroes). Moreover, the data could be classified into eight main categories including health, organizational, social, strategic, spiritual, provincial, governmental and heroic ones. Therefore, considering the status of Velayat-e Faqih as a theorist of the Islamic Revolution, it is appropriate to use the intellectual system of Imam Khamenei to formulate strategies and perspectives for public sports.

Discussion

The supreme leader, despite the various aspects of sports, cites sports as the core of physical development and mentions public sports as the carrier of community health, indicating that the issue of public health is one of the most important concerns. The Supreme Leader of health and vitality through public sports has

called for the development of Islamic society. Therefore, paying attention to public sports and its development is one of the necessities for the implementation of the Islamic-Iranian model of progress. Interpreting his remarks, it can be seen that they consider the creation of sports facilities and facilities for disadvantaged areas and students as one of the most important necessities for the provision of sports facilities for the women of the country.

Keywords: Public Sport, Supreme Revolutionary Leader, Islamic Revolution discourse, Content analysis

References

1. Vafaei moghaddam, A., Farzan, F. Razavi, Sm., Afshari, M. (2018). Serving the Development Causes of Sport for All Based on Grounded Theory. *Sport Management Studies*, 10 (52), 43-72. (Persian).
2. Javadi Pour, M., Rahbari, S., (2017). Identification of the Components Effective on Policy-Making in Sport for All in Iran. *Science and Technology Policy letters*, 7 (3), 75-84. (Persian).
3. Stylianou, M., Hogan, A., & Enright, E. (2019). Youth sport policy: the enactment and possibilities of 'soft policy' in schools. *Sport, Education and Society*, 24(2), 182-194.
4. ghorbani sani, M., (2017). The role of promotional marketing strategies in the return of citizens to recreational sports, . Master thesis. Imam Reza International University, Mashhad, Iran. (Persian).
5. Willem, A. Girginov, V. & Toohey, K. (2018). Governing bodies of sport as knowledge brokers in Sport-for-All communities of practice. *Sport Management Review*. 22(5), 584-599.
6. Hefzollsan, M., Yadollahzadeh, R. (2018). Determination of Factors Influencing the Behavioral Level of Sport for All Development. *Sport Management Studies*, 9(46), 51-68.
7. Kahan, D., McKenzie, T. L., & Khatri, A. (2019). US charter schools neglect promoting physical activity: Content analysis of nationally representative elementary charter school websites. *Preventive medicine reports*, 14, 100815.
8. Kyngäs, H. (2020). Inductive Content Analysis. In *The Application of Content Analysis in Nursing Science Research* (pp. 13-21). Springer, Cham.

تبیین جایگاه ورزش همگانی در اندیشه رهبر معظم انقلاب با رویکرد تحلیل

محتوا

جاوید پورعبدی^۱، وحید ساعت‌چیان^۲، محمدکشتی‌دار^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تبیین جایگاه ورزش همگانی در اندیشه رهبر معظم انقلاب (دام‌ظله) و ارائه این روشنگری به جامعه مدیریتی کشور به‌منظور به‌کارگیری، ترویج و اجرایی کردن رهنمودهای ایشان در جامعه اسلامی بود. روش پژوهش بر مبنای رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا است. همچنین، بنا به ماهیت پژوهش، سخنان رهبر انقلاب به عنوان جامعه آماری معرفی شد. در این تحقیق کلیه سخنان بر اساس مرتبط بودن به مسئله و اهداف پژوهش به‌صورت هدفمند انتخاب شده است. داده‌های مورد نیاز پژوهش، از مجموعه بیانات ایشان نمایه در پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر رهبری به دست آمد. داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا ۱۰ و با روش کدگذاری تحلیل شدند و در نهایت نمودار حاصل با استفاده از نرم‌افزار مایند مپر ۲۰۱۲ ترسیم گردید. جهت همسو بودن یافته‌ها و نتایج با اهداف پژوهش، از روایی درونی استفاده شد. این روایی توسط ۲ نفر از اساتید علوم ورزشی تأیید و برای تعیین پایایی یا تأیید روش تجزیه تحلیل، از ضریب کاپای کوهن استفاده شد که این ضریب ۰/۸ به دست آمد. نتایج نشان داد داده‌های حاصل از تجزیه تحلیل بیانات مقام معظم رهبری را می‌توان در ۴۸۷ کدباز، ۳۴ کدمحوری و ۸ مقوله اصلی (سلامتی، سازمانی و مدیریتی، اجتماعی، راهبردی، معنوی، ولایی، حکومتی و قهرمانی) عنوان نمود. از این‌رو، با توجه به جایگاه ولایت‌فقیه به عنوان نظریه‌پرداز انقلاب اسلامی، جا دارد که از نتایج مستخرج از پژوهش حاضر، برای تدوین راهبردها و چشم‌اندازهای ورزش همگانی کشور استفاده گردد.

واژگان کلیدی: ورزش همگانی، اندیشه رهبر معظم انقلاب، گفتمان انقلاب اسلامی، تحلیل محتوا

1. Email: javid.pourabdi.313@gmail.com

2. Email: saatchian.vahid@gmail.com

3. Email: keshtidar@um.ac.ir

مقدمه

در عصر حاضر، ورزش به عنوان ابزاری چندوجهی توانسته با تأثیرگذاری متعدد نقش و جایگاه خود را در گذران اوقات فراغت سالم و لذت‌بخش برای افراد جامعه شکوفا سازد؛ و از سویی دیگر، تأثیرگذاری آن بر سیاست کلان جامعه، سلامتی و تندرستی افراد، روابط اجتماعی، آموزش و پرورش، پیشگیری از بسیاری از مفاسد اجتماعی و کج‌روی‌های اخلاقی، رشد و نمو کودکان و نوجوانان و سلامتی فعلی و آینده آنها، بر همگان نمایان است (کاهان، کنزی و خاطری^۱، ۱۲، ۲۰۱۹). از این رو، می‌توان گفت که ورزش پدیده‌ای همگانی است و با بسط و توسعه آن، جامعه و قشرهای گوناگون از فواید آن بهره‌مند خواهند شد و به‌طور شایسته، فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای پیشرفت همه‌جانبه آن رسالتی ملی به شمار می‌رود (قربانی ثانی، ۲۰۱۷، ۳۸). اثرات گسترش ورزش در میان ملت‌ها به اندازه‌ای از اهمیت برخوردار است که در حال حاضر از ورزش و تفریحات سالم به عنوان عامل اثرگذار در رشد اقتصادی-ملی یاد می‌شود. در این میان، ورزش همگانی به سبب اثرات مطلوب و سازگاری که در اقناع نیازهای جسمانی و روانی افراد، علی‌الخصوص نسل جوان دارد، حائز اهمیت است (وفایی مقدم، ۲۰۱۷، ۲) و از آن به عنوان یک فرصت فردی و گروهی برای اقشار جامعه، نام برده می‌شود (جوادی پور و رهبری، ۲۰۱۳، ۷۶). ورزش همگانی یا ورزش برای همه، بخش عمده‌ای از ورزش کشور ایران است که با سلامتی و نشاط جامعه ارتباطی نزدیک دارد و بسیاری از کارکردهای اساسی ورزش در آن خلاصه می‌شود (حفظ اللسان و یداله زاده، ۲۰۱۷، ۵۱). به زعم اکثر خبرگان ورزشی، ورزش برای همه یک مفهوم نوپدید است، اما باید دانست که ورزش همگانی به‌مانند نهادی مهم با فرآیندهایی چون سلامتی، آمادگی جسمانی، روحی و روانی افراد در ارتباط است و از طرفی یک فعالیت دانش محور است که تلاش برای حل مشکل پیچیده اجتماعی و تشویق افراد غیر فعال به فعالیت بدنی را دنبال می‌کند (ویلیم، گریگینو و توحی^۲، ۲۰۱۹، ۲).

امروزه، مشارکت آحاد جامعه به سوی ورزش همگانی به پنج حوزه درون فردی (جنسیت، سن، شایستگی، لذت، اولویت‌های اوقات فراغت)، بین فردی (حمایت اجتماعی از خانواده و دوستان)، سازمانی (مدارس و سازمان‌ها)، اجتماع (امکانات بازی) و سیاست (ورزش و سیاست) برمی‌گردد که از بین مؤلفه‌های مذکور، بُعد سیاسی آن برای دولت‌ها ارجح تر است (کیسی، فاولی، چریتی، هاروی و ایمی^۳، ۲۰۱۹). به همین سبب، پرداختن به آن و اعمال سیاست‌های صحیح برای ورزش همگانی و رسیدن به اهداف آن، اگر مهم‌تر از پرداختن به ورزش قهرمانی نباشد، کمتر از آن نیست. چه بسا

-
1. Kahan, Kenzie & Khatri
 2. Willem, Girginov & Toohey
 3. Casey, Fowlie, Charity, Harvey & Eime

فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی و رساندن آن به جایگاه مطلوب و جذب جامعه هدف که همان خانواده‌ها و جوانان و نوجوانان هستند، به علت گستردگی آن بسیار پیچیده باشد و به توجه و هماهنگی بیشتر میان حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین همکاری متقابل این نهادها در فرهنگ‌سازی، آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی، ایجاد امکانات کم‌هزینه و سهل‌الوصول برای اقشار مختلف اجتماع، نیازمند باشد (جوادی پور، ۲۰۱۷، ۷۶). بر همین اساس، در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف علاقه وافری در سطح ملی برای طراحی و اجرای سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌هایی جهت ارتقاء فعالیت بدنی و توسعه ورزش همگانی به چشم می‌خورد و سیاست‌هایی که مشارکت در ورزش را هدف قرار دهند در سطح بین‌المللی، گسترش روزافزونی یافته است (استیلیانو، هوگان و انرایت، ۲۰۱۹). همچنین، حق مشارکت در ورزش همگانی و فعالیت‌های فراغتی و تفریحی به سیاستی مهم تبدیل و اجرای چنین سیاستی در سال‌های کنونی، سخت‌مورد توجه بوده است (صفاری و قره، ۲۰۱۴، ۵۲). آنچه مطرح و مهم است این است که هر تفکر و عمل سیاسی بر پایه یک الگوی نظری خاص استقرار یافته است و تا زمانی که آن الگو تفهیم نشود، نمی‌توان معنای درست یک اندیشه سیاسی را دریافت نمود (روح الهی، ۲۰۱۵، ۳).

ساختار ورزش کشور به‌گونه‌ای است که مدیریت کلان ورزشی به سمت ورزش قهرمانی میل دارد و بخش عمده فعالیت‌های مدیریتی ورزش به توان، وقت و اعتبارات ورزش قهرمانی سوق پیدا کرده است. همچنین گرایش وافر مدیریتی به ورزش قهرمانی و بی‌توجهی به ورزش همگانی در راستای سلامت مردم جامعه، یکی از مشکلات اساسی و ساختاری ورزشی کشور است (شیروبی، کشگر، اسماعیلی و اسدی، ۲۰۱۷، ۳۲).

شایان ذکر است که به‌زعم اکثر خبرگان و متخصصان ورزشی، اساس سیاست‌گذاری ورزش جامعه را ورزش همگانی باید تشکیل دهد زیرا بدون ترویج و القای فرهنگ سالم و درست اوقات فراغت که عمدتاً از طریق ورزش همگانی گسترش می‌یابد، مشارکت فعال و منفعل آحاد جامعه به سمت ورزش قهرمانی و حرفه‌ای صورت نمی‌گیرد. از این‌رو، از دولت‌ها انتظار می‌رود تا اهدافی مانند ارتقای بخش سلامت ملی و افزایش فعالیت جسمانی را بین افراد شناسایی کنند و ارزیابی برنامه‌های ورزشی برای افراد جامعه در تمام سنین را به یکی از وظایف اصلی خود تبدیل سازند (وی کر، بروار و پائولوسکی، ۲۰۰۹، ۲).

در کشور اجرای سیاست‌گذاری ورزش همگانی (بر اساس طرح جامعه ورزش) به عنوان یک عامل اصلی و تعیین‌کننده، مورد غفلت قرار گرفته و آن‌چنان‌که باید به سرانجام نرسیده است (افسری،

-
1. Stylianou, Hogan & Enright
 2. Wicker, Breuer & Pawlowski

۲۰۱۸، ۳۱)؛ که این موضوع امکان دارد بر اثر جامعیت نداشتن و ناقص بودن طرح جامع ورزش، علی‌رغم صرف هزینه بالا باشد (شعبانی، ۲۰۰۹، ۲۵). این در حالی است که به نگاه جوادی پور (۲۰۱۷) شناخت فرآیند سیاست‌گذاری و سپس اجرای آن، نیازمند شناخت گفتمان موجود در سیاست‌ها و بنیادهای نظری حاکم بر این عرصه است. از این‌رو برای تدوین یک طرح و الگویی کامل و دارای ضمانت اجرایی، ابتدا باید گفتمان‌های سیاسی آن نظام را مشخص و سپس از نظر متخصصان آن حوزه بهره جست.

در همین راستا، بسیاری از تحلیلگران علوم سیاسی معتقدند شناخت فرایندهای سیاست‌گذاری، بنیادهای معرفتی و نظری حاکم بر این عرصه، ابزارها، تاکتیک‌ها و روش‌ها به کنشگران و محققان کمک شایان توجهی می‌کند. در این میان، شیوه و بیان گفتمان موجود در سیاست‌ها که در هر فرایند سیاست‌گذاری وجود دارد، راهنمای خوبی برای این شناخت است (جوادی پور، ۲۰۱۷، ۷۵). گفتمان اصطلاحاً به آن اندیشه و دیدگاهی اطلاق می‌شود که توانسته است در بین مخاطبان به اجمال فهم شود و به دلیل وجود زمینه‌های مساعد، به جریانی فکری تبدیل گردد. باید توجه کرد که گفتمان‌ها در خلأ به وجود نمی‌آیند و باید تکیه‌گاه فکری مشخصی داشته باشند؛ به عبارت دقیق‌تر، گفتمان‌ها از بطن نظریه‌ها بیرون می‌آیند و هر میزان نظریه‌ها مستحکم‌تر باشند، به طور طبیعی گفتمان‌های برآمده از آنها نیز قوی‌تر و بادوام‌تر خواهند بود (پورعبدی، عظیم خانی و ناطق، ۲۰۱۷، ۸).

این امر بر کسی پوشیده نیست که گفتمان موجود در کشور، پس از پیروزی انقلاب اسلامی باعث شکل‌گیری گفتمان و نظام معنایی جدیدی به نام گفتمان انقلاب اسلامی شده است (رضایی جعفری، آقاحسینی و علی حسینی، ۲۰۱۶، ۸۵). تاکنون پژوهش‌هایی درباره اندیشه مدیران و خبرگان ورزشی انقلاب اسلامی در زمینه جایگاه ورزش همگانی و سیاست‌گذاری آن از منظر گفتمان انقلاب اسلامی نشده است. از پژوهش‌های داخلی که بی‌ارتباط با پژوهش حاضر نیست و از دیدگاه روش‌شناسی با تحقیق حاضر قرابت دارد، می‌توان به تحقیق جوادی پور، دهکردی، رهبری و طایفی (۲۰۱۷) با عنوان «آسیب‌شناسی فرایند موجود سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران و ارائه الگو» که جامعه هدف آن مدیران و کارشناسان خبره ورزش همگانی بودند اشاره نمود. نتایج آن، حاکی از آن است که مؤلفه‌های سازمانی، باورها و فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی، تحلیل، تفسیر، تدوین علمی، مطالعات و پژوهش‌ها، مؤلفه‌های مؤثر در سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور هستند و آسیب‌های موجود در فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور شامل عواملی از جمله ضعف در نظارت و کنترل، ساختار ضعیف، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه‌ها، منابع مالی محدود، عملکرد ضعیف نیروی انسانی، قوانین و مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی هستند. همچنین پژوهش وفایی مقدم، فرزانه، رضوی و افشاری (۲۰۱۷) با عنوان «تحلیل عوامل توسعه ورزش همگانی بر اساس نظریه

داده بنیاد» که با مصاحبه نیمه ساختاریافته، از نظرهای ۲۱ نفر از متخصصان ورزش همگانی کشور استفاده شد، نشان داد که بسیاری از عوامل توسعه به خود افراد مربوط نمی‌شوند؛ بلکه با تسهیل در عوامل سوق دهنده محیطی و برطرف کردن موانع موجود، افراد با خیال آسوده ورزش همگانی را از بین فعالیت‌های اوقات فراغت انتخاب خواهند کرد. همچنین در پژوهشی شیرویی، کشگر، اسماعیلی و اسدی (۲۰۱۷) با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور و ارائه مدل مطلوب (با رهیافت گراند تئوری)» که جامعه آماری این پژوهش ۱۸ نفر از متخصصان و اساتید (مدیریت ورزشی و جامعه‌شناسی) بودند، به این نتیجه دست یافتند که خانواده، رسانه جمعی، سیاست‌گذاری کلان و انسجام ساختارها و تجربه زیسته در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران مؤثر هستند. از این رو تبیین جایگاه ورزش همگانی از منظر گفتمان انقلاب اسلامی نیازمند واکاوی عمیق و دقیق اندیشه مسئولان اصلی نظام اسلامی است. این در حالی است که بدون شک، رفیع‌ترین جایگاه در حکومت اسلامی جایگاه ولایت‌فقیه است و هنگامی که لفظ ولایت در مورد فقیه به کار رود، مراد از آن همان حکومت و زمامداری امور جامعه است (ترکاشوند، قیوم زاده و حیدری ۲۰۱۸، ۹۷). با عنایت به توضیحات فوق و با توجه به جایگاه رهبر معظم انقلاب به عنوان زمامدار حکومت اسلامی و ولی فقیه زمان، ضروری است که سخنان ایشان را با تأمل بیشتری دنبال نمود. از آنجایی که سخنان و اندیشه رهبری در زمینه‌های گوناگون مورد واکاوی قرار گرفته، لیکن تاکنون در زمینه ورزش همگانی این مهم صورت نگرفته است. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب سخنان فراوانی در مورد ورزش‌های همگانی ایراد نموده‌اند: «یکی از نیازهای اساسی کشور، فراگیر شدن ورزش همگانی میان مردم است»، «ورزش همگانی یکی از ضروریات زندگی است مثل غذا خوردن است، مثل تنفس کردن است، باید به آن توجه کرد» (بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیک و پارالمپیک، ۱۱-۳-۲۰۱۳). از این رو با توجه به سخنان متعدد رهبر معظم انقلاب در مورد ورزش همگانی و یاد کردن آن به عنوان زمینه‌ساز سلامت جامعه «یک بخش از مسئله تأمین سلامت، مسئله ورزش همگانی است؛ که بنده بارها توصیه کردم، باز هم توصیه می‌کنم. ورزش همگانی برای همه لازم است. نشاط، سلامت، آمادگی، حوصله کار، در سایه ورزش عمومی و همگانی برای جامعه تأمین می‌شود» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۲۱-۳-۲۰۱۰). لذا، این امر ضروری است که بتوان میزان اهمیت ورزش همگانی را در اندیشه ایشان تبیین نمود و جایگاه ورزش همگانی را در انقلاب اسلامی نشان داد.

به همین منظور، پژوهش حاضر قصد دارد جایگاه ورزش همگانی را در دایره شمول تعریف رهبر معظم انقلاب که بی‌شک برگرفته از آیین اسلام، حکمت سیاسی-اجتماعی اندیشمندان و حکیمان مسلمان، کلام اسلامی و نیز تحت تأثیر عرفان اسلامی، عرفای مسلمان و فقه اسلامی است را در قالب گفتمان

انقلاب اسلامی مورد واکاوی قرار دهد و در نهایت نیز به این سؤال پاسخ دهد که ورزش همگانی در منظومه فکری مقام معظم رهبری چه جایگاهی دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی بود و به لحاظ ماهیت، از نوع تحقیقات کیفی (بارویکرد تحلیل محتوا) به شمار می‌رود و در آن از سه رویکرد تحلیلی محتوای کیفی، پنهان و استقرایی استفاده شد. در این پژوهش محقق بنا به ماهیت اجرای کار، سخنان رهبر معظم انقلاب را به عنوان جامعه آماری معرفی کرد. همچنین کلیه سخنان ایشان بر اساس مرتبط بودن به مسئله و اهداف پژوهش به صورت هدفمند انتخاب شده است. برای دریافت اطلاعات مورد نیاز پژوهش باید کلیه سخنان ایشان پیرامون ورزش همگانی جمع‌آوری شود که بدین منظور داده‌های مورد نیاز این پژوهش، از کلیه بیانات (صوتی، تصویری، متن) در دوران زعامت ایشان از سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۱۹ به دست آمد. پس از مشخص کردن نمونه و انتخاب واحدهای تحلیل و زمینه، داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا ۱۰^۱ و با روش کدگذاری تحلیل شدند و در نهایت نمودار محوربندی بیانات مقام معظم رهبری در مورد ورزش همگانی، با استفاده از نرم‌افزار مایند مپر ۲۰۱۲^۲ ترسیم گردید. در این پژوهش، روایی درونی از طریق در اختیار قرار دادن نتایج پژوهش به دو نفر از متخصصان حوزه علوم ورزشی بررسی و روایی درونی تأیید شد. همچنین با توجه به این که در پژوهش‌های کیفی واژه پایایی برای نشان دادن رابطه بین داوران در نتایج کدگذاری به کار می‌رود؛ از این رو، تعیین اعتبار و پایایی مرحله‌ای حیاتی در فرآیند تحلیل داده‌های کیفی است. لذا برای سنجش پایایی درونی در این پژوهش از روش «ضریب کاپای کوهن»^۳ استفاده شد. روش کاپای کوهن یکی از ابزار تصمیم‌گیری آماری است که به بررسی اندازه توافق و هماهنگی بین دو فرد، پدیده یا منبع تصمیم‌گیری که هر یک به صورت جداگانه یا مستقل مورد اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند، می‌پردازد. ضریب کاپا اندازه‌ای عددی بین ۱- تا ۱+ است. اگر چنانچه خروجی به ۱+ نزدیک باشد بیانگر وجود توافق متناسب و مستقیم و چنانچه به ۱- نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده وجود توافق وارونه و عکس است. همچنین اندازه‌های نزدیک به صفر، عدم توافق را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که در کتاب‌های آماری نقطه برش را ۰/۶ قرار داده‌اند. در همین راستا محقق پس از طرح سئوالات از روش اجرای پژوهش، آنها را در اختیار ۲ تن از اساتید علوم ورزش قرار داد که پس از محاسبه، ضریب کاپای کوهن ۰/۸ به دست آمد.

1. Maxqda10
2. Mind Mapper

یافته‌ها

در بخش مربوط به آمار توصیفی همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌کنید، مجموع تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش منجر به ظهور (۴۷۸) کدباز، (۳۴) کد محوری، (۸ مقوله) و یک حیطه اصلی شد.

جدول ۱- فراوانی کدهای باز، محوری، مقوله‌ها و حیطه‌ها

فرآوانی کدهای باز	فرآوانی کدهای محوری	فرآوانی مقوله‌ها	حیطه اصلی
۲۳	۲	۱	
۱۱۸	۹	۱	
۷۲	۴	۱	
۷۵	۶	۱	۱
۳۰	۲	۱	
۳۵	۲	۱	
۴۵	۵	۱	
۸۰	۴	۱	
۴۷۸	۳۴	۸	۱

همچنین در فرایند کدگذاری باز، در مجموع نشان‌های متعددی شناسایی گردید که با توجه به نزدیکی موضوعی و مفهومی در قالب کدهای محوری دسته‌بندی شدند و در ادامه با توجه به اهداف تحقیق، کلیه کدهای محوری که از لحاظ معنایی با یکدیگر قرابت لازم را داشتند در قالب مقوله‌هایی دسته‌بندی شدند. از این رو کلیه کدهای محوری و مقوله‌های استخراج‌شده در جدول (۲) ارائه می‌گردد.

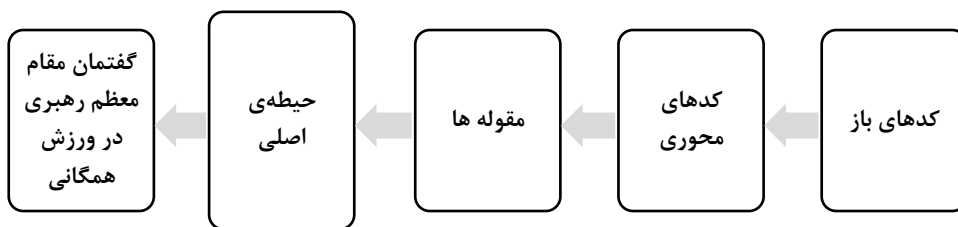
جدول ۲- ظهور مقوله‌ها از مفاهیم انتزاع شده کدهای محوری

ظهور مقوله‌ها	کدهای محوری
سلامتی	۱. ورزش همگانی، یعنی سلامت جسمانی عمومی
	۲. نشاط روحی و آسایش روان در سایه ورزش همگانی
سازمانی و مدیریتی	۱. پیشگیری و برخورد با تخلفات ورزشی
	۲. ضرورت مدیریت جهادی در ورزش همگانی
	۳. ارجح بودن ورزش همگانی بر ورزش قهرمانی
	۴. ایجاد فضا و اماکن فرهنگی-ورزشی در کشور
	۵. سلامتی و نشاط، ضرورت پیشرفت جامعه اسلامی
	۶. لزوم فعالیت‌های سازمان‌یافته برای ارتقا ورزش کشور

ادامه جدول ۲- ظهور مقوله‌ها از مفاهیم انتزاع شده کدهای محوری

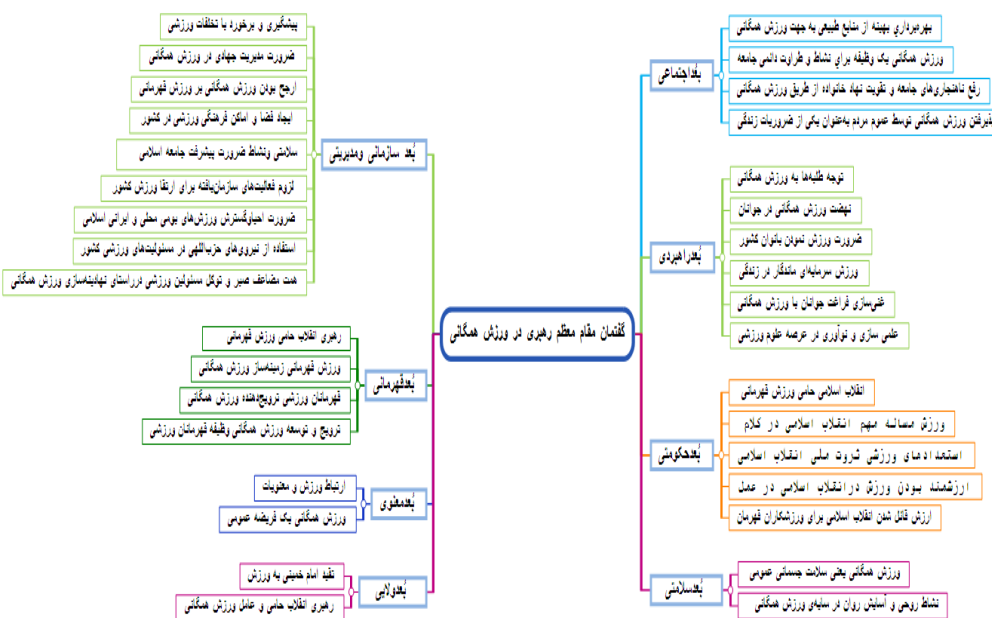
ظهور مقوله‌ها	کدهای محوری
سازمانی و مدیریتی	۷. ضرورت احیا و گسترش ورزش‌های بومی-محلی و ایرانی- اسلامی ۸. استفاده از نیروی‌های حزب‌اللهی در مسئولیت‌های ورزشی کشور ۹. همت مضاعف، صبر و توکل مسئولین ورزشی در راستای نهادینه‌سازی ورزش همگانی
اجتماعی	۱. بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی به جهت ورزش همگانی ۲. ورزش همگانی، یک وظیفه برای نشاط و طراوت دائمی جامعه ۳. رفع ناهنجاری‌های جامعه و تقویت نهاد خانواده از طریق ورزش همگانی ۴. پذیرفتن ورزش همگانی توسط عموم مردم به عنوان یکی از ضروریات زندگی
راهبردی	۱. توجه طلبه‌ها به ورزش همگانی ۲. نهضت ورزش همگانی در جوانان ۳. ضرورت ورزش نمودن بانوان کشور ۴. ورزش سرمایه‌ای ماندگار در زندگی ۵. غنی‌سازی فراغت جوانان با ورزش همگانی ۶. علمی سازی و نوآوری در عرصه علوم ورزشی
معنوی	۱. ارتباط ورزش و معنویات ۲. ورزش همگانی یک فریضه عمومی
ولایی	۱. تقدید امام خمینی (ره) به ورزش ۲. رهبر انقلاب حامی و عامل ورزش همگانی
حکومتی	۱. انقلاب اسلامی حامی ورزش قهرمانی ۲. ورزش، مسئله مهم انقلاب اسلامی (در کلام) ۳. استعدادهای ورزشی، ثروت ملی انقلاب اسلامی ۴. ارزشمند بودن ورزش در انقلاب اسلامی (در عمل) ۵. ارزش قائل شدن انقلاب اسلامی برای ورزشکاران قهرمان
قهرمانی	۱. رهبر انقلاب حامی ورزش قهرمانی ۲. ورزش قهرمانی زمینه‌ساز ورزش همگانی ۳. قهرمانان ورزشی ترویج‌دهنده ورزش همگانی ۴. ترویج و توسعه ورزش همگانی وظیفه قهرمانان ورزشی

بر اساس نتایج جدول (۲)، از مجموع کدهای محوری برآمده از تحقیق، ۸ مقوله اصلی سلامتی، سازمانی و مدیریتی، اجتماعی، راهبردی، معنوی، ولایی، حکومتی و قهرمانی استخراج گردید. در ادامه، همان‌طور که در شکل (۱) مشاهده می‌کنید از تمام مفاهیم استنباط شده تحقیق، یک حیطه اصلی با عنوان گفتمان مقام معظم رهبری در ورزش همگانی استنباط گردید. این مهم نمایانگر آن است که تمام مفاهیم (کدهای باز، محوری، مقوله‌ها) ذیل این حیطه اصلی قرار می‌گیرند.



شکل ۱- ظهور حیطه‌ی اصلی بر خواسته از تحقیق

همچنین به منظور سهولت تفهیم نقشه‌ی ذهنی رهبر معظم انقلاب در ورزش همگانی، کلیه کدهای محوری، مقوله‌ها و حیطه‌ی اصلی بر خواسته از تحقیق با استفاده از نرم‌افزار مایند میپ ۲۰۱۲ ترسیم و در شکل (۲) نشان داده شده است.



شکل ۲- محوربندی بیانات رهبر معظم انقلاب در مورد ورزش همگانی

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، ورزش همگانی را می‌توان در قالب ۸ مقوله (سلامتی، سازمانی و مدیریتی، اجتماعی، راهبردی، معنوی، ولایی، حکومتی و قهرمانی) و یک حیطه اصلی (گفتمان مقام معظم رهبری در ورزش همگانی) عنوان نمود. در زیر به بررسی این مقولات و در نهایت به تبیین حیطه اصلی برخواسته از پژوهش خواهیم پرداخت.

۱- بُعد سلامتی

مقام معظم رهبری علی‌رغم جنبه‌های گوناگونی که برای ورزش قائل هستند؛ هسته اصلی ورزش را تربیت و پیشرفت جسمانی عنوان نموده «جنبه‌ی فرهنگی حتماً در ورزش هست و لازم است و باید دنبال شود؛ اما آن هسته اصلی در ورزش، تربیت و پیشرفت جسمانی است^۱» و از ورزش همگانی به عنوان تأمین‌کننده سلامت جامعه یاد می‌کنند «یک بخش از مسئله تأمین سلامت، مسئله ورزش همگانی است^۲» که این موضوع مبین این مطلب است که مسئله سلامت جسمانی عموم مردم؛ یکی از دغدغه‌های عمده مقام معظم رهبری است و ورزش همگانی می‌تواند به عنوان بستری کاربردی، این سلامت جسمانی را مهیا سازد. از این رو، مسئله تأمین سلامت جامعه از طریق ورزش همگانی، باید اولویت بالمنزاع در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور قرار گیرد. همچنین، نشاط روحی و آسایش روان، مسئله دیگری است که معظم له به آن اشاره می‌نماید «امیدوارم جوانان عزیز به ورزش و به‌خصوص ورزش‌های سالم که مایه پرورش جسم و آسایش روان است بیش‌ازپیش اهمیت دهند^۳» و از ورزش همگانی به عنوان تأمین‌کننده سلامت روانی جوانان یاد می‌کنند «یعنی اگر [جوانان] ورزش کنند، زندگی سالمی خواهند داشت و خواهند گذراند و اگر ورزش نکنند، دچار بیماری و افسردگی خواهند شد^۴» از این رو، ضرورت داشتن زندگی سالم، در سایه ورزش همگانی میسر خواهد شد. نکته دیگر سخنان ایشان، ارتباط و تعامل بین جسم انسان و حالات روانی او بوده و برای این‌که فرد به آرامش روانی برسد، لازم است که جسمی سالم و پرورش‌یافته داشته باشد؛ بنابراین اگر جسم و روان تعامل مثبت و همیاری داشته باشند شخص زندگی سالم و بانشاطی را خواهد داشت.

۱. بیانات در دیدار فاتحان قله اورست (۱۳۸۴/۸/۳۰).

۲. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی (۱۳۸۹/۱/۱).

۳. پیام به مناسبت صعود یکصد و پنجاه هزار نفری ورزشکاران سپاه و بسیج دماوند (۱۳۸۱/۶/۳).

۴. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) (۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

۲- بُعد سازمانی و مدیریتی

سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت^۱ از ۵ مؤلفه اساسی (مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر) تشکیل شده است که آرمان‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ارزش‌های بنیادین فرازمانی و فرامکانی جهت دهنده پیشرفت است. مبنایی‌ترین این ارزش‌ها، نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است و سلامت جسمی و روانی یکی از ارزش‌های تشکیل‌دهنده حیات طیبه است که می‌توان آن را ابزاری برای رسیدن به حیات طیبه دانست. در همین راستا، مقام معظم رهبری سلامتی و نشاط از طریق ورزش همگانی را ضرورت پیشرفت جامعه اسلامی عنوان می‌کنند «کشوری که بخواهد خوب اداره شود و به اهداف خود برسد و نیز جامعه‌ای که بخواهد در دنیا سرفراز بماند و استقلال حقیقی را به دست آورد و در عرصه‌های نبرد سیاسی، اقتصادی و نظامی پیروز شود نیازمند مردمی سالم، بانشاط و برخوردار از قدرت اراده و تصمیم‌گیری است که این‌همه از رهگذر توجه جدی به امر ورزش حاصل می‌شود»^۲ از این‌رو، توجه به ورزش همگانی و توسعه و گسترش آن، یکی از ضروریات لازم برای اجراء الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است.

همچنین از نگاه رهبر انقلاب، داشتن و اجرا کردن برنامه‌های بلندمدت برای ورزش‌های بومی محلی؛ یعنی زنده نگه‌داشتن فرهنگ ملی و صادر نمودن این فرهنگ به کشورهای مختلف دنیا «ورزش بومی جزو ملیت و فرهنگ ایران محسوب می‌شود و زنده کردن آن نیازمند تلاش، ابتکار و فکر کردن است و با اجرای برنامه‌های بلندمدت، می‌توان ورزش بومی را به فراتر از مرزها نیز منتقل کرد»^۳ شاید بتوان از سخنان رهبر معظم انقلاب این‌گونه استفهام نمود که ایشان بیشتر تمایل به اجتهاد فرهنگی در ورزش دارند تا این‌که صرفاً مدافع و یا به نوعی فرمان‌بردار فرهنگ‌های غربی باشیم این موضوع با سخن ایشان که «این برنامه ورزش محلی یقیناً بر بسیاری از کارهای تقلیدی ترجیح دارد؛ ورزش پهلوانی است و سرشار از سنت‌های ایرانی و اسلامی است. این نکات را باید همیشه به یاد داشته باشیم که آنچه متعلق به ما و مربوط به خود ماست، با عقاید ما، با ایمان ما آمیخته است؛ آنچه وارداتی است، اگر بخواهیم شکل ایمانی و اسلامی و ایرانی به آن بدهیم، باید این عناصر را در آن تزریق کنیم. آنچه مربوط به خود ماست، به‌طور طبیعی پیکره آن، پیکره دینی و ایمانی است»^۴ به‌خوبی روشن می‌شود.

۱. این سند، معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم قرن آینده است.

۲. دیدار مسئولان سازمان تربیت‌بدنی و رؤسای فدراسیون‌های ورزشی با رهبر انقلاب (۱۳۷۵/۱۰/۸).

۳. بیانات در دیدار مسئولان سازمان تربیت‌بدنی و رؤسای فدراسیون‌های ورزشی با رهبر انقلاب (۱۳۷۵/۱۰/۸).

۴. بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی (۱۳۹۱/۷/۲۴).

از این رو، پیشنهاد می‌شود مسئولین ورزشی کشور زمینه‌های لازم برای صادر نمودن فرهنگ ایرانی-اسلامی را از طریق ورزش‌های بومی محلی فراهم آورند.

مدیریت جهادی در واقع همان مدیریت علمی است که بر اساس فرمول‌ها و قوانین مطرح در دانش مدیریت پایه‌ریزی شده است. فرق این نوع مدیریت با مدیریت صرف در این است که مبنای مدیریت جهادی، مبنایی اسلامی و ارزشی است. در مدیریت جهادی که برگرفته از مدیریت اسلامی است، به علم، فرهنگ و انسان و ارزش‌های انسانی توجه ویژه‌ای شده است (افتخاری، زرگرزاده و شمشیری ۲۰۱۸، ۵۴). از این رو، مقام معظم رهبری مدیریت جهادی را لازمه مدیریت در جمهوری اسلامی عنوان می‌کنند «مدیریت جهادی که بنده ... مطرح کردم و تأکید هم کردم که این مربوط به امسال نیست، مربوط به همیشه است؛ ما احتیاج داریم به مدیریت جهادی^۱» و تمام سازمان‌های کشور علی‌الخصوص سازمان‌های متولی ورزش را در توجه به این نوع مدیریت و مسئولیت‌های عظیم خود در برابر مردم و به‌ویژه نسل جوان، این‌گونه بیان می‌کنند «مسئله جوانان در کشور ما، باید به یک مسئله حقیقتاً ملی تبدیل شود. همه باید در قبال این مسئله احساس مسئولیت کنند؛ هم دولت، هم روحانیت، هم بسیج، هم سازمان‌های ورزشی^۲» در همین راستا و با توجه به این‌که توسعه و گسترش ورزش همگانی می‌تواند انرژی متراکم جوانان را در جهت اهداف صحیح، تصحیح و هدایت نماید، از این رو، بهره گرفتن مدیران ورزشی کشور از این نوع مدیریت برای رشد و توسعه ورزش همگانی، ضروری به نظر می‌رسد. بنا بر اظهار آصفی، خبیری، اسدی دستجردی و گودرزی (۲۰۱۴، ۶۳) چهار عامل فردی، گروهی، سازمانی و محیطی در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران مؤثر هستند. در مورد عوامل سازمانی، اهداف و راهبردهای ورزش همگانی، زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی، سیستم پاداش و تشویق، واحد تحقیق و توسعه، منابع انسانی، بودجه، قوانین و مقررات و آموزش (که همه ذیل مدیریت قرار می‌گیرند) در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران اثرگذارند. در همین راستا، مقام معظم رهبری بارها مسئولان ورزش کشور را به صبر و توکل در راستای اجرای مؤلفه‌های مذکور، دعوت نمودند «کاربرد صبر و توکل، علاوه بر اعمال شخصی، در اداره کشور هم بسیار مهم است ... در ... ورزش ... و مدیریت کشور هم - چه مدیریت‌های کلان، چه مدیریت بخش‌های گوناگون - صبر و توکل نقش دارد^۳» از این رو، صبر و توکل مسئولین ورزش کشور به جهت نهادینه نمودن ورزش همگانی، امری ضروری به نظر می‌رسد. همچنین به‌زعم رهبر معظم انقلاب علاوه بر بردباری، همت مضاعف مسئولین ورزشی نیز عاملی مهم در راستای نهادینه‌سازی ورزش همگانی است «همت مضاعف و کار مضاعف

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام (۱۳۹۴/۴/۲۸).

۲. بیانات در دیدار با جوانان در مصالای بزرگ تهران (۱۳۷۹/۲/۱).

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام (۱۳۹۲/۴/۳۰).

در تأمین سلامت. مسئله سلامت، هم ... باید مورد توجه ویژه قرار بگیرد،... در برنامه‌ریزی‌های گوناگون اجرائی در دستگاه‌های مختلف^۱ که این مؤلفه باید مورد توجه مسئولین اجرایی ورزش کشور باشد. ایجاد مکان‌های مناسب برای ورزش و تفریح، در جهت سالم نگه‌داشتن افراد و همچنین در دسترس بودن این فضاها برای تمام آحاد ملت و در نتیجه به وجود آوردن محیط‌های آرام، می‌تواند به عنوان عاملی مهم در سلامت روانی و اجتماعی عموم جامعه ایفای نقش کند (نمازی، ۲۰۱۸، ۱۴). از این رو، لزوم تأسیس فضا و اماکن ورزشی برای بهبود وضع عمومی مردم، امری لازم به نظر می‌رسد که این موضوع مورد توجه رهبر انقلاب است «من به ورزش معتقدم. البته این‌ها یک مقداری مربوط به مدیریت‌هاست که امکانات را برای دانشجویان فراهم کنند^۲» «از گزارش‌ها این‌طور فهمیده و استفاده شد که امکانات ورزشی و فرهنگی هم در این منطقه [ایذه] کم است. البته باید به این‌ها رسیدگی بشود^۳» «از لحاظ فلسفه اصلی ورزش یعنی سلامت جسمی و نشاط روحی جامعه فرقی میان زن و مرد نیست و باید امکانات ورزشی بانوان را گسترش داد^۴» در تفسیر سخنان معظم له می‌توان این‌گونه عنوان نمود که ایشان ایجاد امکانات و فضاهای ورزشی را برای مناطق محروم و دانشجویان ضروری می‌دانند و فراهم نمودن امکانات ورزشی برای بانوان کشور به جهت ورزش نمودن همگانی را یکی از نیازهای مهم مطرح می‌کنند. معظم له تأکید بر افزایش زیربنای ورزشی (به‌مانند ساخت و تجهیز ورزشگاه‌ها) را در اولویت قرار داده و توصیه می‌نمایند نسبت به این موضوع، مسئولین روند تسهیل سازی را انجام دهند. از این رو، مسئولین ورزشی کشور باید در ایجاد فضا و اماکن ورزشی هیچ‌گونه تفاوتی میان زن و مرد قائل نشوند و در سیاست‌های کلی ورزش کشور بازنگری نموده و همان‌طوری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده که تربیت‌بدنی و ورزش را باید برای همگان فراهم نمود، زیرساخت‌های لازم را برای عموم مردم؛ اعم از زن و مرد به وجود آورند.

رهبر معظم انقلاب اهتمام ویژه‌ای به ورزش قهرمانی دارند اما اولویت اول ایشان، ورزش همگانی است «من ورزش را به عنوان یک کار بین‌المللی، نمایشی و هیجانی، در درجه دوم میدانم؛ در درجه اول، ورزش برای تقویت و سلامت جسم است که این را برای همه جوانان کشورمان - از زن و مرد - لازم می‌دانم^۵» لذا مسئولین امر باید سخنان ایشان را به عنوان خط‌مشی ورزش کشور در نظر گرفته و برنامه‌ریزی‌های کلان خود را بیشتر متوجه ورزش همگانی سازند تا ورزش قهرمانی.

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی (۱۳۸۹/۱/۱).

۲. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۸۶/۲/۲۵).

۳. بیانات در دیدار مردم ایذه (۱۳۷۸/۱/۹).

۴. بیانات در دیدار جمعی از قهرمانان و مسئولان ورزش کشور با رهبر انقلاب (۱۳۸۱/۱۰/۳۰).

۵. بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان (۱۳۸۰/۸/۱۲).

پیشگیری از تخلفات و جرائم ورزشی، سبب پیشرفت بیشتر ورزش شده و علاوه بر این، سبب ورود حداکثری جوانان به عرصه ورزش می‌شود (امیرزاده جیر کل و آهنگرانی، ۲۰۱۷، ۵) که ارزش این موضوع را می‌توان در کلام مقام معظم رهبری دنبال نمود «از تخلفات قانونی هم به شدت پرهیز بشود؛ چه تخلفات بین‌المللی، چه تخلفات قانونی مربوط به داخل کشور... تخلف تخلف است؛ از بالا تا پایین؛ مسئولین و غیر مسئولین، زبندگان و غیر زبندگان، ... هر کدام‌شان وقتی تخلف کردند، باید مثل تخلف با آن برخورد بشود»^۱ نکته قابل تأمل این سخنان، لزوم برخورد قاطع با متخلفین در عرصه ورزش است که از پی آن نباید هیچ‌گونه اغماض و چشم‌پوشی در برخورد با متخلفین ورزشی صورت گیرد. لیکن ضرورت برخورد با مسئولین ورزشی متخلف، باید مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد.

این امر برکسی پوشیده نیست که نقش سازمان‌دهی سازمان در دستیابی به هدف‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بسیار مهم و برجسته است (ابن الرسول و همکاران، ۲۰۱۳، ۱۶). در همین راستا، پس از واکاوی کلام رهبر انقلاب که پیرامون اهمیت سازمان‌دهی صحبت می‌کنند «پیروزی در میدان‌های ورزشی همچنین نشان‌دهنده فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ای است که از قبل برای آماده‌سازی و پرورش ورزشکاران صورت گرفته و از این دیدگاه افتخارآفرینی در میدان‌های ورزشی، قوت سازمان‌دهی و مدیریت یک کشور را نشان می‌دهد»^۲ می‌توان این‌گونه بیان نمود که اولویت اول در هر سازمان ورزشی، هماهنگ نمودن افراد و اجزای سازمان برای دستیابی به هدف است؛ که به‌زعم ایشان، این سازمان‌دهی باید در راستای کسب موفقیت‌های ورزشی باشد «من اعتقاد این است که ایران نباید در میدان‌های بین‌المللی ورزشی، جزو آن رده‌های آخر باشد؛ باید یکی از سه کشور اول در مجموعه ورزش‌های جهانی باشد»^۳ از این‌رو، استفاده از سازمان‌دهی مناسب به جهت رشد و ارتقا ورزش قهرمانی کشور لازم به نظر می‌رسد؛ زیرا هرچه ورزش قهرمانی بسط و گسترش داده شود از پی آن ورزش همگانی پیشرفت خواهد یافت. همچنین، بنا بر سخنان رهبر معظم انقلاب؛ مدیریت فعال، متدین، انقلابی و کارآمد راه‌حل مشکلات کشور است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰۱۷)؛ که معظم له این مهم را در مسئولیت‌های ورزشی به‌مراتب مطرح می‌کنند «من معتقدم که باید در سرتاسر عرصه‌های ورزش، عناصر مؤمن، حزب‌اللهی و باخدا را - که کم هم نیستند - بیاوریم و مورد توجه و عنایات خودمان قرار دهیم؛ زیرا این، قطعاً در موفقیت ورزش ما اثر خواهد گذاشت؛ شک ندارم»^۴ بنا بر اظهار معظم له، وجود افراد متعهد در سازمان‌های ورزشی ضروری به نظر می‌رسد که البته این

۱. بیانات دیدار قهرمانان و ورزشکاران مسابقات آسیایی و پارا آسیایی - (۱۳۹۳/۱۱/۱).

۲. ابیانات دردیدار جانبازان و معلولان افتخارآفرین پارالمپیک آتلانتا (۱۳۷۵/۶/۷).

۳. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) (۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

۴. بیانات در دیدار جمعی از جانبازان ورزشکار (۱۳۷۴/۶/۲۳).

جمله ایشان را می‌توان به‌خوبی در کلام امام خمینی (ره) مشاهده نمود «ما بارها گفته‌ایم که ما متخصص می‌خواهیم، ولی متخصص متعهد» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۱۰). از این‌رو، استفاده از نیروهای حزب الهی زمینه‌ساز رشد و توسعه ورزشی است که این موضوع باید در دستور کار مسئولین امر قرار گیرد.

۳- بُعد اجتماعی

از نگاه رهبر معظم انقلاب، نشاط و شادابی جامعه از طریق ورزش همگانی بسیار پراهمیت است و ایشان از این فعل به عنوان یک وظیفه‌ای که نیاز جامعه است، یاد می‌کنند «ورزش همگانی برای همه لازم است. نشاط، سلامت، آمادگی، حوصله کار، در سایه ورزش عمومی و همگانی برای جامعه تأمین می‌شود»^۱ «لذا توصیه من به شما جوانان عزیز - چه دختران و چه پسران - همین است. شما در صحنه فعالیت‌های ... ورزشی ... با همه نشاط و با همه قدرت حضور داشته باشید»^۲ از این‌رو، در زمانه‌ای که سیطره الگوهای غربی بر سبک زندگی ایرانی رخنه کرده و انبوهی از غم‌های اجتماعی و خانوادگی را با خود به همراه داشته است، استفاده از سبک زندگی اسلامی ایرانی که در آن ورزش همگانی یکی از مؤلفه‌های اساسی است، می‌تواند به عنوان یک ابزار شادی‌بخش در عموم مردم بسیار مهم جلوه نماید.

علی‌رغم فواید بی‌شمار ورزش همگانی، متأسفانه می‌توان گفت که این مهم تا به امروز توسط عموم مردم به‌خوبی پذیرفته نشده است که رهبر معظم انقلاب عدم پذیرش این موضوع را یک اشکال اساسی می‌دانند «متأسفانه می‌بینم جوان‌های ما در ورزش، سستی می‌کنند؛ که این خیلی خطاست»^۳ «ورزش همگانی هم یکی از ضروریات زندگی است؛ مثل غذا خوردن است، مثل تنفس کردن است؛ باید به آن توجه کرد. این هم یک جنبه‌ی دیگر از فهرست تأثیرات اجتماعی ورزش است»^۴ در همین راستا، عموم مردم باید ورزش همگانی را به عنوان شأنی از شئون زندگی بپذیرند و آن را به عنوان یک ضرورت در برنامه‌های روزمره خود قرار دهند. همچنین، رهبر معظم انقلاب در بیانات خود عموم مردم را در استفاده بهینه از منابع طبیعی به جهت ورزش همگانی، فرامی‌خوانند «باید مردم به این ارتفاعات شمال تهران یا به ارتفاعات فراوانی که در اغلب نقاط کشور وجود دارد، بروند و از این هوای پاک، از این کوهستان خداداده، استفاده کنند»^۵ که این سخنان رهبر انقلاب نشان‌دهنده داشتن منابع طبیعی

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی (۱۳۸۹/۱/۱).

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان (۱۳۷۵/۸/۹).

۳. گفت‌وگو با گروهی از نوجوانان و جوانان (۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

۴. بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیک و پارالمپیک (۱۳۹۱/۱۲/۲۱).

۵. بیانات در دیدار فاتحان قله‌ی اورست (۱۳۸۴/۸/۳۰).

ارزشمند در کشور و لزوم بهره‌برداری مفید مردم جامعه از این منابع به جهت ورزش نمودن است. لیکن مسئولین امر باید امکانات و تجهیزات لازم و عدالت اجتماعی را در بهره‌برداری صحیح مردم از این منابع طبیعی فراهم نمایند. از این‌رو استفاده از منابع طبیعی نباید مختص به گروه خاصی باشد که برقراری این عدالت، بر عهده مسئولین ورزشی است.

هدفمندسازی و گسترش برنامه‌های فرهنگی - ورزشی و پر کردن اوقات فراغت جوانان، بسترهای بروز جرائم و آسیب‌های اجتماعی، تحکیم نهاد خانوادگی و... را از بین می‌برد (صالحی، ۲۰۱۶، ۱۲). از این‌رو، رهبر انقلاب در سخنان خود این موضوع را مورد اهتمام ویژه‌ای قرار داده‌اند «روی آوردن مردم به ورزش، بسیاری از مشکلات و معضلات اجتماعی و اخلاقی را حل می‌کند؛ مثل مسئله اعتیاد، مسئله‌ی تنازعات خانوادگی، داخلی، مشکلات کسبی، اعصاب، چه و چه. اگر ورزش به صورت همگانی، در کشور حقیقتاً باب شود^۱» در همین راستا، توجه به ورزش همگانی؛ بسیاری از معضلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی را در کشور برطرف نموده و موجب تحکیم نهاد خانواده خواهد شد.

۴- بُعد راهبردی

اگر تدبیر لازم در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی^۲ که از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران بیان شد، صورت گیرد، مشخص خواهد شد که جوانان میدان‌داران اصلی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی هستند و ایشان نگاهی راهبردی به جوانان ایران اسلامی دارند. در همین راستا، ایشان در پاسخ به سئوالی به این مضمون که دوره جوانی، دوره توانایی است. این توانایی در چه چیزهایی باید به کار برود؟ فرمودند «به اعتقاد من، باید عمدتاً در... ایجاد نیروی جسمانی در خود - که ورزش باشد - به کار رود^۳» همچنین معظم له در دیگر سخنان خود، خطاب به جوانان فرمودند «جوان امروز احتیاج دارد ... به ورزش؛ این‌ها خصوصیات است که جوان امروز به آن احتیاج دارد^۴» در تفسیر این سخنان این‌گونه نمایان می‌شود که در نگاه رهبر انقلاب اسلامی، لازمه ورزش نمودن جوانان؛ نیازمندی به یک انقلاب درونی از جانب آنها است. از این‌رو، جوانان ایران اسلامی باید فرصت‌های زندگی را غنیمت شمرده و بی‌استثنا ورزش کنند. همچنین، رهبر معظم انقلاب که بارها بانوان تحصیل کرده و نخبه را مورد اهتمام خود قرار داده‌اند «واقعاً این یکی از بزرگ‌ترین افتخارات نظام اسلامی است که در سایه نظام اسلامی

۱. بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیک و پارالمپیک (۱۳۹۱/۱۲/۲۱).

۲. بیانیه‌ای است که از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت الله سید علی خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردیده‌است و در آن برای استمرار راه انقلاب اسلامی به تبیین دستاوردهای چهار سال گذشته می‌پردازد.

۳. بیانات در دیدار جمعی از جوانان (۱۳۷۷/۵/۱۱).

۴. بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور (۱۳۹۲/۸/۲۹).

این همه زن فرزانه و تحصیل کرده و خوش فکر و ممتاز از لحاظ فکری و عملی در جامعه ما وجود دارند^۱ لیکن تذکرات ایشان به مسئله زنان فقط در تحصیل علم خلاصه نمی شود و ایشان به مراتب بانوان کشور را به ورزش نمودن تشویق می کنند «اگر می گوییم زنان ورزش کنند، یعنی حتماً باید در مسابقات شرکت کنند؟ نه. ورزش کنند، مثل این که غذا می خورند، مثل این که کارهای روزانه شان را انجام می دهند؛ مثل این که درس می خوانند. ورزش باید یکی از برنامه های حتمی زندگی شان باشد^۲» همچنین معظم له در مورد محیطی که بانوان در آن به ورزش می پردازند می فرماید «محیط ورزش بانوان باید به گونه ای باشد که حدود اسلامی در آن دقیقاً رعایت شود. حدود اسلامی سلیقه ای نیست و آنچه در کشور باید انجام شود تابع سیاست گذاری ها و نظر فقهی رهبری است^۳» از این رو، مسئولین ورزش کشور علاوه بر این که باید امکانات و تجهیزات لازم را برای ورزش نمودن بانوان فراهم کنند، بایستی این محیط را به یک محیط تربیت اسلامی تبدیل کنند.

رهبر معظم انقلاب خطاب به جوانان در بهره برداری درست از اوقات فراغت می فرماید «از این فراغت تابستان و از این فرصت... برای شرکت در کارهای بدنی... و ورزش استفاده [کنید]^۴» از این رو، ضروری است که جوانان انقلاب اسلامی، ورزش را در برنامه ریزی های فراغتی خود قرار دهند و مسئولینی که به برنامه ریزی های فراغتی جوانان می پردازند، ورزش همگانی را به عنوان اولویتی اساسی در نظر گیرند. رهبر انقلاب اسلامی، نوآوری در عرصه علوم ورزشی را بسیار مهم عنوان می کند و می فرماید «وقتی متخصصان و صاحب نظران جوان ما توانایی دستیابی به موفقیت های بزرگ و خیره کننده در حوزه های پیچیده علمی را دارند، قطعاً در عرصه ورزش نیز توانایی تحقیقات علمی و ارائه نظریه های نو را خواهند داشت^۵» یکی از میدان های نوآوری، ورزش است. نوآوری کنند، کارهای جدید بکنند؛ هم در مسائل ورزشی، هم در خود ورزش^۶ این بیانات به نوعی خط مشی را برای دو گروه علمی و مدیریتی کشور نمایان می کند. از این رو، باید جهت تحقیقات دانشگاهی ما در عرصه علوم ورزشی به سمت خودکفایی علمی باشد و یا به نوعی به مرجعیت علمی در عرصه علوم ورزشی دست پیدا کنیم.

نشاط روحی و سلامت جسمی دو عامل اساسی برای تحصیل و تبلیغ در روحانیون محسوب می شوند (آیت الله خامنه ای، ۱۹۹۸). از این رو، بدیهی است که این افراد بدون داشتن سلامت جسم و نشاط؛ نمی توانند اثربخشی لازم را در امر تبلیغ را داشته باشد. در همین راستا، یکی دیگر از بیانات رهبری

۱. بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور (۱۳۹۳/۱۰/۳۰).

۲. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) (۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

۳. دیدار مسئولان سازمان تربیت بدنی و رؤسای فدراسیون های ورزشی با رهبر انقلاب (۱۳۷۵/۱۰/۸).

۴. بیانات در دیدار اعضای انجمن های اسلامی دانش آموزان (۱۳۸۶/۲/۱۹).

۵. بیانات در دیدار مدال آوران المپیک و پارالمپیک (۱۳۹۱/۱۲/۲۱).

۶. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) (۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

انقلاب خطاب به طلاب جوان، استفاده از نشاط و شادابی ورزش است که باید مورد توجه حوزه‌های علمیه قرار گیرد «طلبه‌ها را باید وادار به ورزش کرد تا به این ترتیب آنان بتوانند از نشاط جوانی خود در محیط‌های ورزشی استفاده کنند»^۱ از این رو، باید طلبه‌ها در برخورد با ورزش، طوری رفتار کنند که آن را همسو با شئون طلبگی بدانند زیرا که آنها تبلیغ‌کنندگان فضایل اخلاقی‌اند و از این جهت باید خود عامل به این فضایل باشند.

۵- بُعد ولایی

رهبر معظم انقلاب به عنوان ولی فقیه بارها عموم جامعه را به ورزش فرامی‌خواند و این در حالی است که خود ایشان عامل به این مهم هستند «توصیه من این است که جوان‌ها به من نگاه کنند. من وقتی به کوه می‌آیم و گاهی می‌بینم حتی از من مسن‌تر هم کسانی می‌آیند که با استحکام و استقرار جسمانی و قرص و محکم این راه را طی می‌کنند، واقعاً لذت می‌برم»^۲ شاید این نگاه رهبر معظم انقلاب را بتوان پیروی ایشان از امام خمینی (ره) دانست چنان‌که خود ایشان درباره ورزش نمودن امام خمینی (ره) می‌فرمایند «متدین‌ترین آدم زمان ما یعنی امام بزرگوار، ورزشکار بودند ... ایشان روزانه سه بار، هر بار هم بیست دقیقه، لازم بود راه بروند»^۳ نکته قابل تأمل سخنان مذکور، نگاه جایگاه ولی فقیه به مسأله ورزش همگانی است که این موضوع باید مورد اهتمام همه آحاد ملت و مسئولین کشور قرار گیرد.

۶- بُعد معنوی

رهبر معظم انقلاب ورزش را از دیدگاه معنوی این‌گونه تبیین می‌کنند «من اعتقاد دارم ورزش برای همه یک فریضه عمومی است. البته منظورم ورزش حرفه‌ای نیست. ورزش حرفه‌ای را هم رد نمی‌کنم، اما توصیه نمی‌کنم که همه جوانان سراغ ورزش حرفه‌ای بروند»^۴ نکته قابل تأمل در فریضه خواندن ورزش همگانی در نگاه رهبر معظم انقلاب، عدم تأخیر در انجام فریضه است که به‌زعم ایشان باید فریضه را در زمان خود انجام داد. رهبری انقلاب امر به ورزش را، امر به معروف عنوان می‌کنند «برای جوان... ورزش صحیح و معقول و رعایت آداب و عادات پسندیده در زندگی، همه جزو اعمال خوب است... هرکسی را که شما به یکی از این کارهای خوب امر بکنید به او بگویید و از او بخواهید امر به

۱. دیدار اعضای شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم با رهبر انقلاب (۱۳۷۷/۰۷/۹).

۲. مصاحبه رهبر انقلاب با خبرنگار صدا و سیما هنگام کوهپیمایی (۱۳۷۵/۶/۲).

۳. بیانات در دیدار رئیس و معاونین سازمان تربیت بدنی و رؤسای فدراسیونهای ورزشی کشور (۱۳۷۵/۱۰/۸).

۴. بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور (۱۳۷۹/۱۲/۲۸).

معروف است^۱ و از آنجایی که امر به معروف جزو اعمال واجب برای یک انسان مسلمان است، باید افراد یکدیگر را به انجام ورزش توصیه نموده و ورزش را در زندگی خود قرار دهند. همچنین، رهبری معظم انقلاب به ضرورت ارتباط ورزش و معنویات عنایت ویژه‌ای دارند «باید محیط ورزش را محیط معنوی کنید... کشور ما این‌گونه کشوری است^۲» از سخنان معظم له این‌گونه استنباط می‌شود که محیط ورزش بسیار پاک و مقدس است و ضرورت حفظ این صفت‌ها، ارتباط داشتن این محیط با معنویات است. همچنین ایشان تحصیل، تهذیب نفس و ورزش را سه عامل اصلی موفقیت و پیشرفت جوانان برمی‌شمرند «من به جوان‌ها می‌گویم: تحصیل، تهذیب، ورزش^۳» و ارتباط با خدا، نماز با توجه، تعمیق بینش و اعتقادات دینی و ورزش و تمرین جسمی در دوران جوانی را ذخیره‌ای برای همه دوران زندگی و توشه‌ای ابدی برای دوران پس از مرگ و حیات واقعی می‌دانند.

۷- بُعد حکومتی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی، ورزش جایگاه ویژه‌ای در این قانون پیدا کرد. تا جایی که بر اساس بند سوم از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «دولت موظف است برای آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، همه امکانات خود را به کاربرد» که این موضوع بیانگر مهم بودن ورزش در جمهوری اسلامی است. البته مهم بودن ورزش تنها به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ختم نشده و در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مهم بودن این مؤلفه اساسی، در بیانات رهبری معظم انقلاب به عنوان ولی فقیه؛ به خوبی نمایان است «یک جمله هم درباره ورزش کشور که یک مسئله مهم کشور است، عرض کنم: اولاً همه آحاد مردم، باید ورزش را جدی بگیرند. همه باید برای سلامتی خودشان، ورزش را یک ضرورت و کار لازم به حساب آورند^۴» همچنین، حکومت انقلاب اسلامی توجه ویژه‌ای به ورزشکاران قهرمان دارد که این توجه را می‌توان به‌درستی در کلام مقام معظم رهبری دنبال نمود «همه کسانی که در میدان‌های ورزشی، افتخاری را به وجود می‌آورند، برای ملت و مسؤولین کشور، عزیزند^۵» در همین راستا، پیام‌هایی که مقام معظم رهبری بعد از موفقیت‌های ورزشی ورزشکاران کشورمان صادر می‌کنند نشان‌دهنده اهمیت این موفقیت‌ها برای انقلاب اسلامی و جایگاه والای قهرمانان ورزشی در انقلاب است. همچنین رهبر معظم انقلاب جایگاه ورزشکاران جمهوری اسلامی را بسیار ارزشمند می‌داند و ورزشکاران را مایه

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران (۱۳۷۹/۹/۲۵).

۲. بیانات در مراسم افتتاحیه‌ی مانور فرهنگی - ورزشی جانبازان و معلولان (۱۳۷۶/۶/۱۵).

۳. بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان (۱۳۶۹/۲/۱۹).

۴. بیانات در مراسم برگزاری مراسم افتتاحیه مانور فرهنگی - ورزشی جانبازان و معلولان کشور (۱۳۷۶/۶/۱۵).

۵. بیانات در دیدار ورزشکاران جانباز (۱۳۷۲/۴/۲۹).

افتخار خود دانسته و توجه به آنان را جزو اهداف و وظایف اصلی خود عنوان می‌کنند و به نگاه ایشان جمهوری اسلامی ارزش ویژه‌ای برای ورزش قائل بوده و عزم و اراده آن پیشرفت ورزش است «اراده جمهوری اسلامی ایران، گسترش و پیشرفت ورزش است»^۲.

۸- بُعد قهرمانی

حمایت‌های مادی و معنوی بزرگان انقلاب از ورزش موجب شد تا ورزشکاران که بر خواسته از قشرهای مختلف جامعه بودند بسیاری از پیام‌ها و آرمان‌های انقلاب را از طریق میادین ورزشی به جهانیان ابلاغ کنند. در این میان یکی از کسانی که همیشه از ورزش قهرمانی حمایت‌های لازم را انجام می‌دهد مقام معظم رهبری است «من طرفدار ورزش قهرمانی و نخبه پروری در باب ورزش قهرمانی و علاقه‌مند به قهرمانان ملی هستم»^۱ و این درحالی‌که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی نظر مساعدی نسبت به ورزش نداشتند اما رهبر انقلاب اسلامی همیشه حامی ورزش قهرمانی بودند «من البته از سابق که بعضی‌ها نسبت به ورزش قهرمانی ان قُلت و قُلت (اما و اگر) داشتند، همیشه دفاع کردم از ورزش قهرمانی»^۲ و از آن به عنوان زمینه‌ساز ورزش همگانی یاد می‌کنند «ورزش قهرمانی زمینه‌ساز ورزش همگانی است»، این جمله مقام معظم رهبری به تواتر در سخنان ایشان به چشم می‌خورد که نشان از اهمیت بالای ورزش قهرمانی در منظومه فکری ایشان دارد. از این‌رو، بخشی از سخنان ایشان در رابطه با ورزش قهرمانی در زیر بیان شده است که بسیار واضح و مبرهن است «یک سود دیگر ورزش قهرمانی، توسعه ورزش در کل کشور است که من بارها روی این مسئله تکیه کرده‌ام؛ چه در ورزش غیر جانبازان و معلولان، چه بخصوص در ورزش جانبازان و معلولان»^۳ «من اعتقاد دارم که ورزش قهرمانی هم لازم است. اگر ورزش قهرمانی نباشد، این ورزش همگانی اصلاً تحقق پیدا نخواهد کرد... همیشه بایستی یک قلّه داشته باشیم تا در دامنه‌ها افراد زیادی حرکت کنند؛ لذا ورزش قهرمانی به این دلیل واجب و لازم است»^۴ از این سخنان رهبر انقلاب به‌خوبی جایگاه و ارزش ورزش قهرمانی را می‌توان درک نمود در همین راستا، قهرمانان ورزشی می‌توانند جریان دهنده رفتار و اخلاق مردم کشور باشند و آنان را به سمت سبک زندگی فعال رهنمون کنند از این‌رو، بایستی همیشه مورد اهتمام ویژه قرار گرفته و در معرض دید عموم مردم باشند «اگر بخواهید ورزش، همگانی شود، بایستی عده‌ای

۱. بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی (۱۳۸۷/۶/۵).

۲. بیانات دیدار قهرمانان و ورزشکاران مسابقات آسیایی و پارا آسیایی (۱۳۹۳/۱۱/۱).

۳. بیانات در دیدار جمعی از ورزشکاران (۱۳۸۳/۷/۱۴).

۴. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) (۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

قهرمان را جلو چشم مردم نگهدارید^۱» تا از کنار آن مردم جامعه تشویق و تهییج به انجام ورزش شوند.

بنا بر مطالب فوق، کلیه مفاهیم انتزاع شده از تحقیق را می‌توان در قالب گفتمان مقام معظم رهبری در ورزش همگانی مطرح نمود. از این رو، با توجه به جایگاه ولایت فقیه و لزوم اجرایی شدن اوامر ایشان در حکومت اسلامی، پیشنهاد می‌شود که اندیشه ایشان در ورزش همگانی به صورت یک گفتمان پذیرفته شده و عمومی، در جامعه ورزشی کشور بسط داده شود.

تشکر و قدرانی

از درگاه حضرت احدیت برای تمام کسانی که ما را در انجام این تحقیق یاری کردند، طول عمر توأم با عزت و کرامت مسئلت داریم.

منابع

1. Afsari, H., (2018). *Determining Strategic Position of Khorasan Razavi Public Sports Development Based on SWOT Model*. Master thesis. Imam Reza International University, Mashhad, Iran. (Persian).
2. Amirzadeh Jirkal, M., Ahngarani, J. (2017). Prevention of sports violations and crimes in the city of Torbat-e Jam. National Conference on Crime Prevention in the Field of Criminal Law Studies, Social Sciences and Law Enforcement, Karaj. Iran. (Persian).
3. Asefi, A., Khabiri, M., Asadi dastjerdi, H., Goudarzi, M. (2014). Investigating Organizational Factors Influencing the Institution of Public Sports in Iran. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 10 (20): 63-76. (Persian).
4. Casey, M., Fowlie, J., Charity, M., Harvey, J., & Eime, R. (2019). The implications of female sport policy developments for the community-level sport sector: a perspective from Victoria, Australia. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 1-22.
5. Eftekhari, A., Zargarzadeh, M., Shamshiri, M. (2018). Jihad Administration Components in the statements of Imam Khamenei (May Extend his Shadow)., *military management quarterly*, 18(70),): 53-87. (Persian). ghorbani sani, M., (2017). The role of promotional marketing strategies in the return of citizens to recreational sports, . Master thesis. Imam Reza International University, Mashhad, Iran. (Persian).
6. Hefzollsan, M., Yadollahzadeh, R. (2018). Determination of Factors Influencing the Behavioral Level of Sport for all Development. *Sport Management Studies*, 9(46): 51-68. (Persian).

۱. بیانات در دیدار مراسم اختتامیه ی پانزدهمین دوره ی مسابقات قرآن (۱۳۷۷/۹/۱).

7. Howe, P. D. (2019). Paralympic Sport and Social Justice: Towards a Happy Marriage or Difficult Separation? In *The Palgrave Handbook of Disability and Citizenship in the Global South* (pp. 197-209). *Palgrave Macmillan, Cham*.
8. Ibn Rasool, S., Ashtiani, M., Shabani Sichani, M. (2013). Analysis of Strategies for Organizing and Organizational Development of Military Forces in Sacred Defense (Case Study of the Islamic Revolutionary Guard Corps). *Quarterly Journal of Defense Strategy*, 11(43),): 1-25. (Persian).
9. Javadi Pour, M., Rahbari, S., (2017). Identification of the Components Effective on Policy-Making in Sport for All in Iran. *Science and Technology Policy letters*, 7 (3): 75-84. (Persian).
10. Kahan, D. McKenzie, T. L. & Khatri, A. (2019). US charter schools neglect promoting physical activity: Content analysis of nationally representative elementary charter school websites. *Preventive medicine reports*, 14, 100815.
11. Namazi, A., Hosseini, SA. (2018). Spatial Analysis of Sporting Places and Evaluation of Access to these Centers Based on their Spatial Distribution Pattern at Communication Networks Level (Case Study: Isfahan City). *Journal of New Attitudes in Human Geography (Human Geography)*, 10 (3): 397- 412. (Persian).
12. Pourabdi, J., Azimkhani, A., Nategh, E. (2018). *rational explanation The Psychological of Islamic Lifestyle*. International Conference Razavi conversation and debate, Ardebil. Iran. (Persian).
13. Rezaei Jafari, M. (2016). Islamic Revolution Discourse and Requirements to Spread its Values in the Age of Globalization within the Framework of Laclau & Mouffe Discourse Theory. *Strategic Studies of public policy*, 6(20): 85-110. (Persian).
14. Rouh allahei, F., (2015). Components of Ayatollah Ali Khamenei's Political Thought, Master thesis. Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Persian).
15. Safari, M., Ghareh, M. (2016). Identification and Classification of Effective Environmental Factors in Popularity of Recreational Sports in Iran. *Journal of Sport Management*, 8(1): 51-68. (Persian).
16. Shabani, A. (2009). *Studying the general sports policies and strategies of the comprehensive system of sport development of the country*. Master thesis. Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Persian).
17. Shirouei, A., Kashkar, S., Esmaili, R., Asadi, H. (2018). Study the sociological institutionalisation of public sport in the country and provide favourable model (with the approach of Grounded Theory). *Sport Management and Development*, 6(3): 31-47. 10. (Persian).
18. Stylianou, M., Hogan, A., & Enright, E. (2019). Youth sport policy: the enactment and possibilities of 'soft policy 'in schools. *Sport, Education and Society*, 24(2): 182-194.
19. Torkashvand, A., Qayyumzādeh, M., heidari, A. (2018). The Role of Expediency in Realizing the Absolute Guardianship (authority) of the Muslim Jurist. *Islamic Government*, 23(3): 95-118. (Persian).
20. Vafaei moghaddam, A., Farzan, F. Razavi, Sm., Afshari, M. (2018). Serveing the Development Causes of Sport for All Based on Grounded Theory. *Sport Management Studies*, 10 (52): 43-72. (Persian).

21. Wicker, P. Breuer, C. & Pawlowski, T. (2009). Promoting sport for all too age-specific target groups: the impact of sport infrastructure. *European sport management quarterly*, 9(2): 103-118.
22. Willem, A., Girginov, V., & Toohey, K. (2019). Governing bodies of sport as knowledge brokers in Sport-for-All communities of practice. *Sport Management Review*, 22(5), 584-599.

ارجاع دهی

پورعبدی، جاوید؛ ساعت‌چیان، وحید؛ کشتی‌دار، محمد. (۱۴۰۰). تبیین جایگاه ورزش همگانی در اندیشه رهبر معظم انقلاب با رویکرد تحلیل محتوا. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹ (۲۴): ۳۰۰-۲۷۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2020.8208.1779

Pourabdi, J; Saatchian, V; Kashtidar, M. (2021). Explaining the status of sport for all in the thought of the Supreme Leader of the revolution with the approach of content analysis. *Research on Educational Sport*, 9 (24): 273-300. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2020.8208.1779

راهنمای اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

خواهشمند است قبل از پرکردن برگ درخواست اشتراک به نکات زیر توجه فرمائید:

۱. نشانی خود را کامل و خوانا با ذکر کدپستی بنویسید.

۲. بهای اشتراک سالانه:

- مطالعات مدیریت ورزشی: ۴۵۰۰۰۰ ریال
- فیزیولوژی ورزشی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات طب ورزشی: ۱۵۰۰۰۰ ریال
- رفتار حرکتی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات روانشناسی ورزشی ۳۰۰۰۰۰ ریال
- پژوهش در ورزش تربیتی ۱۵۰۰۰۰ ریال

۳. وجه اشتراک را از طریق فرم ساتنا در کلیه بانکها به شماره شبا IR760100004001022603001582 نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه درآمد اختصاصی پژوهشگاه تربیت بدنی و ورزش، و فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک به آدرس دفتر نشریه ارسال کنید.

۴. شناسه واریزی حقیقی اشتراک نشریه "۳۲۴۰۲۲۶۷۴۱۴۰۱۰۷۰۰۵۱۰۰۳۰۰۳۴۰۰۰۵" می باشد. خواهشمند است روی فیش های واریزی این شماره را اضافه نمایید.

نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی - دفتر نشریه.

کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱ تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۴۷۷۹۶

پست الکترونیکی: journal@ssrc.ac.ir

فرم اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

نام: نام خانوادگی: تحصیلات:

تاریخ شروع اشتراک: از شماره:

شغل:

نشانی پستی:

کدپستی: صندوق پستی: نشانی الکترونیکی: تلفن: به پیوست رسید بانکی شماره: مورخ:

به مبلغ ریال بابت اشتراک یکساله ضمیمه است.

امضاء

تاریخ

Table of Contents

- **Identifying the Knowledge Management Strategy in the Ministry of Sport and Youth using the Dynamic Approach**17
L. Moslehi, M. Goodarzi, E. Alidoust Ghahfarokhi, A. Khadivar
- **A Comparative Study of School Sports in Finland, Denmark, Germany, the United Kingdom, the United States and Iran**.....43
S. Jamshidi eini, S. M. H. Razavi, M. Dousti
- **Designing a Framework for Physical Literacy Competencies Required by Students: Meta Synthesis Approach**77
M. Mohammadi, R. Naseri Jahromi, Kh. Mohammad Jafari, P. Nabiee, P. Maaref, F. Mirghafari, R. Naseri Jahromi ,Z. Hesampoor
- **Driving, Accelerating, and Inhibiting Factors of Student Participation in School's Physical Education Extracurricular Activities)**.....107
F. Shams, M. Ehsani, M. Saffari, Sh. Aroufzad
- **Designing a Model for the Development of Human Capital in Iranian University Sports**.....137
F. Azarm, P. Nourbakhsh, M. Noorbakhsh, H. Sepasi
- **Effect of Workplace Ostracism on Workplace Incivility through the Mediating Role of Turnover Intention of Physical Education Teachers in Sistan Region**.....161
M R. Sheykhi, N. Nastiezaie
- **Identifying Organizational Factors Affecting Student Participation in Recreational Sports Activities of the University**.....187
H. Abdollahifar, A.M. Safania, M. Namazi Zadeh, Sh. Azad Fada
- **. Designing a Model for Sustainable Development in Women's Sport of Iran** ...213
Sh. Mohammadamini, S. Ahmadi, M. Solymani
- **Analysis of Factors Affecting Performance Management in Sports Organizations (Case Study: Student Sports Federation and Physical Education and Sports Activities Office)**.....241
S. Soheili Pishkenari, M. A. Hemati Nejad, M. H. Gholizade
- **Explaining the Status of Public Sports in the Thought of the Supreme Leader of the Revolution Using Content Analysis**.....273
J. Pourabdi, V. Saatchian, M. Kashtidar

Scientific Advisors

DR.A.A. Aghaei (Ph.D. Sport Management)

Dr. R. Andam (Associate Professor, Shahrood University of Technology)

Dr.N.Benar (Assistant Professor, Guilan University)

Dr. M. R. Esmaeili (Ph.D, Sport Management)

Dr. F. Emami (Assistant Professor, Islamic azad university, Ayatollah amoli branch)

Dr. H. Ghasemi (Associate Professor, Payame Noor University of Tehran)

Dr. M.H. Ghorbani (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)

Dr. M. Javadipour (Associate Professor, University of Tehran)

Dr. A. Khodayari (Associate Professor, Islamic Azad University, Karaj Branch)

Dr.E. Mohamadi Torkaman (Assistant Professor,University of Tehran)

Dr. M. Poorkiani (Assistant Professor, Shahid Beheshti University)

Dr. R. Ramezani Nejad (Professor, University of Guilan)

Dr. H. R. Safari Jafarloo (Assistant Professor, Jahrom University)

DR.S.Tabesh (Assistant Professor,University of Mazandaran)

Dr. Z. Taslimi (Ph.D, Sport Management)

Dr. M. Vahdani (Ph.D, Sport Management)

Dr. H. Zareian (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)

Research on Educational Sport

- **Chairman Manager:** Ali Sharif Nejad (Assistant Professor)
- **Editor in Chief:** Reza Andam (Associate Professor)
- **Associate Editor:** Mohammad Hossein Ghorbani (Assistant Professor)
- **Managing Director:** Samira Gholamian
- **Language Editor:** Narges Sarraf
- **Page Designer:** Mahboubeh Iranpak

- **Editorial Board:**
 - **Reza Andam** (Associate Professor of Sport Management at Shahrood University of Technology)
 - **Abolfazl Farahani** (Professor, Payam e Noor University; Sport Management)
 - **Mehrzad Hamidi** (Associate Professor of Sport Management in University of Tehran)
 - **Mehr Ali Hemmatinezhadtouli** (professor, University of Guilan)
 - **Mohammad Javadipour** (Associate Professor of Curriculum Planning at University of Tehran)
 - **Mehrdad Moharamzade** (Professor, University of Mohaghegh Ardabili)
 - **Mohammad Mahdi Rahmati** (Associate Professor of sociology at University of Guilan)
 - **Mohammad Hossein Razavi** (Professor, University of Mazandaran; Sport Management)
 - **Seyed Nasrollah Sajjadi** (Professor, University of Tehran)
 - **Mahdi Talebpour** (Professor, Ferdowsi University of Mashahad)
 - **Habib Honari** (Associate Professor, Alame Tabatabaee University; Sport Management)
- **ISSN: 2538-2721**
- **Publisher:** Sport Sciences Research Institute
- **Publication:** Kiamarsi
- **Volume 24; Fall 2021**
- **Address:** 5th Alley, Mir-Emad St., Shahid Motahari Ave., Tehran- I. R. Iran.
- **Postal Code:** 1587958711
- **Tel:** +98-21-88750884
- **Fax:** +98-21- 88747796
- **E-mail:** res@ ssrc.ac.ir
- **Website:** Journals.ssrc.ac.ir

Research on Educational Sport

9th Year, No 24

Fall 2021

In the Name of God